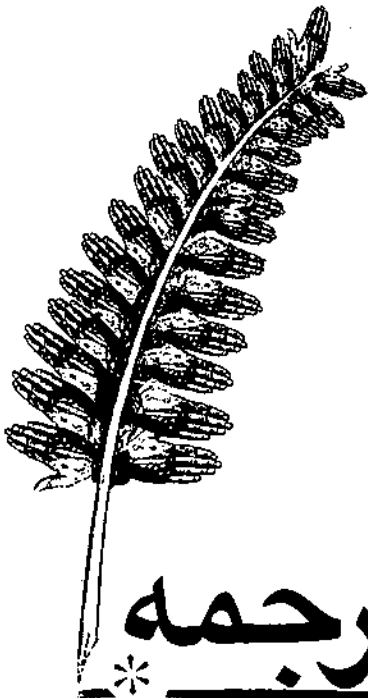




نهضت ترجمه*

فارسی باستان، ایلامی، آرامی و اکدی نوشته‌اند که می‌توان گفت یک یا دو کتیبه از آن، ترجمهٔ پیام به زبانی دیگر بوده است. همین دو یا سه زبانه بودن کتیبه‌ها سبب شد که بعدها پژوهندگان در تاریخ باستان، آسان‌تر بتوانند رمز آنها را کشف و زبان آنها را پیدا کنند. ترجمه از زبان‌های دیگر همواره در تاریخ ایران حضور داشته است و ایرانیان هرگاه ضرورتی پیش می‌آمد و برای این که در قافلهٔ پیشرفت علوم و فنون از دیگران عقب نمانند دست به ترجمهٔ آثار ملت‌های دیگر زده‌اند و تجربیات آنها را در حوزه‌های علمی به تجارب خود افزوده‌اند و به فرهنگ و تمدن خود غنای بیشتری بخشیده‌اند.

اما در ایران سه دوره به داشتن نهضت ترجمه ممتاز است. نخستین نهضت در روزگار ساسانیان، به ویژه در دورهٔ پادشاهی خسرو یکم، معروف به انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) به وجود آمد. در این دوره گندی شاپور در نزدیکی اهواز کنونی به یک مرکز دانشگاهی تبدیل شد و به سرعت رشد یافت و سرانجام جانشین شهرهایی چون انطاکیه، آلژها (آلسا) حران و نصیبین گردید و پایگاهی شد که دانشمندان از جاهای گوناگون در آن گرد آمدند و آثاری را از زبان‌های یونانی و هندی به زبان‌های پهلوی و سریانی (از گویش‌های زبان آرامی) که زبان کلیسای شرقی و زبان علم در آسیای غربی بود، ترجمه کنند. به نوشتهٔ ابن ندیم، اردشیر بابکان (۲۲۶-۲۴۱ م) کسانی را به سرزمین‌های بیرون

به زبان مقصد انتقال می‌یابد. گاهی تصور می‌شود که مترجم به اعتبار آنکه اثری را از زبان مبدا ترجمه می‌کند، تنها سد زبان را که مانع از انتقال مفاهیم فرهنگی است، می‌شکند و به اعتبار آنکه اثری را به زبان فارسی برمی‌گرداند، باب زبان را برای حضور یک افق فرهنگی دیگر در افق فرهنگی خودی فراهم می‌سازد، گویی معنا حساب جداگانه‌ای از زبان دارد و صرفاً از قفس یک زبان به قفس زبان دیگر رانده می‌شود. اما واقع آن است که مترجم در فرایند ترجمه، با دو افق فرهنگی و معنایی مواجه است، کنش او یک کنش تکنیکی صرف نیست، مترجم در حال یک نقش‌آفرینی حساس فرهنگی در پیوند افق‌ها و گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست. لحظاتی را که مترجم صرف‌بازآفرینی یک واژه و یا یک ایده متعلق به یک افق دیگر در زبان فارسی می‌کند، دو افق را رویاروی هم قرار می‌دهد و آنچه حاصل می‌شود حاصل تعامل دو افق معنایی گوناگون است. او هم امکان مهاجرت ایده‌ای را از افق زبان مبدا به افق دیگر فراهم می‌سازد و هم افق زبان مقصد را بارور از معنای تازه می‌کند و این دقیق‌ترین معنای گفت و گو به روایت فیلسوفان است.

کهن‌ترین اسناد باقی‌مانده از سابقهٔ ترجمه در ایران به دورهٔ هخامنشیان می‌رسد. شاهان هخامنشی در کتیبه‌هایی که از خود به یادگار گذاشته‌اند، پیام‌هایی را که می‌خواستند به آیندگان بدهند به دو گاه سه زبان

خدمت استادان و شرکت‌کنندگان محترم اهل علم و فرهنگ خیرمقدم می‌گوییم و از برگزارکنندگان محترم تشکر می‌کنم.

فرصت مغتنمی یافتیم تا در این نشست با ارائه گزارشی از تاریخ ترجمه در ایران مسائل امروز کشور را در ارتباط با علم و روش انتقال دانش و تجربه مورد توجه قرار دهیم و برای آنکه اهمیت ترجمه در میان ملل امروز معلوم شود نخست خبری از یک تجربه مشترک شرقی - غربی می‌آورم.

آکادمی علوم فرانسه به مدت ۳۰۰ سال دربارهٔ آثار ابوالوفاء بوزجانی ریاضیدان بزرگ ایرانی به بحث و بررسی پرداخت و هنوز هم محققان بزرگی از فرانسه، جهان اسلام و همچنین ایران در دانشگاه سوربن مشغول ادامه این فعالیت تحقیقاتی هستند تا از ترجمه و انتقال کلیه یافته‌های وی مطمئن شوند.

اصل واژه ترجمه هر چه باشد، خواه از ترزبان (شیرین سخن فارسی)، خواه از تُرکمان پهلوی یا از ترگومای آرامی، این واژه به همین صورتی که امروزه در زبان فارسی به کار می‌رود، به معنی رساندن درست پیامی از یک زبان (زبان مبدا) به زبانی دیگر (زبان مقصد) است. درواقع ترجمه، بازآفرینی طبیعی پیام زبان مبدا در زبان مقصد، نخست در معنی و دوم در سبک است و می‌توان گفت فرآیندی است که طی آن یک پیام نوشتاری یا گفتاری در زبان مبدا با کلیت خود

مرزهای ایران فرستاد تا کتاب‌هایی درخور کتابخانه‌های او گرد آورند و آنها را به زبان پهلوی ترجمه کنند. گویند خسرو انوشیروان کتب فلسفی افلاطون و ارسطو را در ترجمه پهلوی آنها می‌خواند و دیگر شاهان ساسانی آثار یونانی، بابلی، هندی و سریانی را که به پهلوی ترجمه شده بودند می‌خواندند و از مطالب آنها در سیاست مُدُن بهره می‌بردند.

از میانه دوره ساسانی، مدرسه گندی‌شاپور انجمنی بین‌المللی بود که دانشمندان ایرانی، یونانی و هندی در کنار یکدیگر در آن جا زندگی می‌کردند و به فعالیت‌های علمی می‌پرداختند. در اثر ترجمه آثار ملت‌های دیگر و آشنایی ایرانیان با علوم یونانی و هندی پیشرفت‌هایی در برخی از شاخه‌های علوم به دست آمد که مهم‌ترین آنها در زمینه‌هایی چون پزشکی، داروشناسی و نجوم بوده است. بعدها مدرسه گندی‌شاپور حلقه اتصال میان علوم جهان باستان و علوم اسلامی شد و در دوره‌های اسلامی بسیاری از دانشمندانی که در آن جا پرورش یافتند به مراکز خلافت در دمشق و بغداد رفتند و به ترویج علوم در آن شهرها اهتمام ورزیدند.

دومین دوره نهضت ترجمه ایران، در روزگار شکوفایی تمدن اسلامی که در میانه سده دوم هجری آغاز شد و در سده‌های چهارم و پنجم هجری به اوج خود رسید، اتفاق افتاد. ایرانیان که در توسعه و تکامل همه جنبه‌های تمدن اسلامی سهم مؤثر داشتند و سرزمین ایران از مراکز مهم این تمدن بود، در نهضت ترجمه فعالیت‌های گسترده کردند و بسیاری از آثار پهلوی و سریانی را به زبان عربی که به جای زبان سریانی، زبان علم و ادب جهان اسلام شده بود، برگرداندند. مسلمانان با الهام گرفتن از وحی قرآنی که نادانان را با دانایان برابر نمی‌داند و احادیث نبوی که دانش‌آموزی را برای مسلمانان فریضه قرار داده است و به آنها سفارش می‌کند تا چین هم شده به دنبال دانش بروند و از گهواره تا گور رهایش نسازند. در این نهضت ترجمه که کمابیش صد و پنجاه سال به درازا کشید بسیاری از آثار بزرگ علمی بزرگان دانش، همچون بقراط و ارسطو و تئوفراستوس و اقلیدس و بطلمیوس و دیسکوریدس و جالینوس را به عربی ترجمه کردند. تأمل در انواع علوم که توسط دانشمندان مسلمان برای ترجمه انتخاب شد بسیار راهگشاست و نشانگر تسلط مسلمانان بر روش‌های فکر و نحوه استفاده از دانش آن زمان است. علومى مانند طب، نجوم، هیأت، طبیعیات، ریاضیات، الهیات، منطق و فلسفه که در بیت‌الحکمه نیز تدریس می‌شد همه علوم کاربردی زمان خود بوده و در جهت نیاز مسلمانان برای ساختن تمدن جدید به کار می‌رفتند.

تأسیس بیت‌الحکمه یا دارالترجمه در بغداد در سال ۱۸۰ هجری و در پی آن بنیاد گرفتن دارالحکمه در قاهره که به دست دولت فاطمی قاهره و در رقابت با بیت‌الحکمه بغداد دایر شد، نهضت ترجمه را به اوج شکوفایی خود رسانید و سبب گردید که همه علوم جهان متمدن روزگار باستان، به جهان اسلام انتقال یابد. در دوره تمدن اسلامی ترجمه در دو قلمرو جغرافیایی بیش از دیگر نقاط انجام شده است، یکی در ماوراءالنهر که

مرز جهان اسلام با چین و هند و ترک به شمار می‌آمد و دیگری در غرب آسیا یعنی مرزهای روم. در کمتر از یکصد سال، تقریباً تمام آثار اساسی شناخته شده آن زمان از زبان‌های مختلف یونانی، رومی، فارسی، پهلوی، هندی، قبطی، نبطی، عبرانی، سریانی و آرامی و برخی زبان‌های دیگر به عربی ترجمه شد.

کار ترجمه به یاری سنتی شفاهی و نانوشته انجام گرفت که همانا وفاداری به متن اصلی بوده است. از این روی است که بسیاری از آثاری که در دوره نهضت ترجمه به عربی برگردانده شده‌اند به مراتب بیش از ترجمه‌های دوره‌های جدید به اصل وفادارند.

لوسین بوکر (۱۸۱۶-۱۸۸۳)، اسلام‌شناس معروف و مؤلف تاریخ مُفَصَّل طب اسلامی می‌نویسد که «ترجمه‌های یونانی به عربی با استادی و دانش بسیار انجام گرفته و بسیار فراتر از ترجمه‌هایی است که بعدها از عربی به لاتین به عمل آمد».

مترجمان مسلمان شرایط زیر را برای ترجمه خوب و مناسب برشمرده‌اند:

- آشنایی و تسلط کافی به زبان‌های مبدا و مقصد.
- اشراف و تسلط بر موضوع.
- انس و الفت داشتن به یک نویسنده خاص.

مسلمانان در مقابل انبوهی از واژگان فنی بیگانه قرار داشتند که در زبان عربی آن روزگار معادلی برای آنان نبود و آنان ناگزیر بودند معادل هر اصطلاحی را در زبان عربی پیدا کنند و یا اصطلاحات جدیدی وضع و جعل نمایند و یا واژه‌های کهن را از نواحیا نمایند و در معنای تازه‌ای بکار برند. کندی نخستین فیلسوف اسلامی که در روزگار رونق ترجمه می‌زیست در این راه کوشش بسیار کرد. وی علاوه بر تألیف به ترجمه نیز می‌پرداخت و آن را فروتر از تألیف نمی‌دانست. او واژه حکمت را در مقابل اسطقس، طین را در مقابل هیولی و مصوره، را به جای فطاسیای یونانی، به کار می‌برد. هرچند که بعداً برخی از این اصطلاحات دگرگون شدند. مترجمان مسلمان امانتدار بودند. مترجمی در کمال صداقت می‌نویسد: «در این مقاله مواضعی چند است که چون معنی درستش را نمی‌دانم، تحت‌اللفظی ترجمه کرده‌ام ولی بار دیگر در آن تجدیدنظر خواهیم کرد و چون معنی صحیح آن را دریافتیم، مطلب خود را اصلاح خواهیم نمود. ان شاء الله».

توجه تخصصی به ترجمه نیز از اولویت‌ها بود. به عنوان مثال بخش ترجمه در بیت‌الحکمه به واحدهای متعددی تقسیم شده بود و در راس هر واحد یکی از دانشمندان زبان‌دان قرار داشت که بر صحت ترجمه در آن حوزه نظارت می‌کرد. به عنوان مثال یوحنا ابن‌بطریق، ریاست دارالترجمه کتب فلسفی، حجاج ابن‌مطر، ریاست دارالترجمه ریاضی، عمرابن قزّخان طبری، ریاست دارالترجمه نجوم، حنین ابن اسحاق ریاست دارالترجمه کتب پزشکی و مسؤولیت هماهنگ‌سازی کارهای ترجمه شده و بازبینی و تصحیح (ویرایش) آنها را برعهده داشته‌اند.

نکته مهمی که در تاریخ نهضت ترجمه باید مدنظر داشت آن است که مسلمانان علوم و دانش‌های

بیگانگان را تا آنجا که مقوم اعتقادات خود و یا مفید برای جامعه اسلامی تشخیص می‌دادند ترجمه می‌کردند. مانند منطق، فلسفه، نجوم، پزشکی و ریاضیات. از این رو ادبیات حماسی اساطیری ... هیچگاه و یا بندرت مطمح نظر آنان قرار گرفت.

ترجمه‌ها حکم مواد اولیه‌ای را پیدا کردند که ذهن و فکر مسلمانان درباره آن اندیشه کرد و آن را در زیربنای علوم اسلامی به کار برد. دیری نگذشت که مسلمانان خود دستگاه معرفتی متمایزی بنا کردند که در عین حال که مستقل بود به سنت‌های فکری گذشته بستگی داشت. اسلام این سنت‌ها را به میراث برد و از آنها ملکی شخصی برای خود ساخت. دین نوین وارث میراث همه تمدن‌های پیشین پیرامون خود شد و پناهگاهی گردید که در آن سنت‌های گوناگون فکری، با این که در درون یک جهان روحی تازه تغییر شکل داده بودند، آزادانه به حیات خود ادامه دادند. این همه از برکت نیروی ترکیب‌کننده و کامل‌کننده وحی قرآنی به دست آمد. از آن پس، علم در عین آنکه آثار مبادی خود را آشکار می‌سازد، بیش از هر چیز دیگر تجسمی از تحقیق در کیهان و اجزای آن از چشم‌انداز اسلام است، بدان صورت اساسی که در قرآن و حدیث نبوی تجلی یافته است.

در میان مترجمان نامدار این دوره به نام ایرانیانی برمی‌خوریم که در همه زمینه‌های علمی و فکری دوشادوش دیگر مسلمانان به کار ترجمه اشتغال داشتند و آن را در انتقال دادن علوم ملت‌های دیگر به جهان اسلام یاری می‌دادند.

نکته مهم دیگر عدم تعصب در ارتباط بین مسلمانان و دانشمندان پیرو ادیان دیگر بوده است. در نهضت ترجمه، گروه کثیری از دانشمندان یهودی، مسیحی و مسلمان، شرکت داشتند و از مقام و جایگاه ویژه‌ای در جامعه، به ویژه نزد خلفا و دیوانیان برخوردار بودند. بزرگانی چون خاندان نوبختی، خاندان بختیشوع، عبدالله ابن مُقَفَّع، حنین ابن اسحاق و پسرش اسحاق بن حنین که از ایرانیان سریانی بودند، محمد، احمد و حسن بن شاکر که به بنو موسی آوازه داشتند، محمد بن ابراهیم فزاری و بسیاری دیگر، اما هنگامی که کار ترجمه آغاز گردید مسلمانان تنها به ترجمه بسنده نکردند و در کنار ترجمه، کاری خلاصه نیز می‌کردند. از این روی بود که نهضت ترجمه هنوز صدساله نشده بود که بزرگانی چون خوارزمی، فارابی، ابن‌سینا، ابوزید بلخی، ابوالوفای بوزجانی، ابوریحان بیرونی که همگی ایرانی بودند سربرآوردند. نکته گفتنی این که مواجهه مسلمانان با آثار زبان‌های دیگر باعث خودباختگی و از خودبیگانگی نگردید، بلکه به خلاقیت آنها کمک کرد. آنان اندیشیدند که وقتی اقلیدس می‌تواند کتاب هندسه بنویسد، پس آنها نیز می‌توانند در این زمینه کاری بکنند و قضیه‌ای به قضایای او بیفزایند و از ورود جسورانه در عالم علم و اندیشه واهمه‌ای نکردند و برخورد آنها با آثار و اندیشه‌های دیگران اثرگذار بود نه منفعل و اثرپذیر، از همین روی بود که توانستند به ذخیره دانش و فرهنگ بشری چیزهای تازه‌ای بیفزایند و آن را به پیش ببرند.

قدرت تألیف و افزودن به یافته‌های علمی دیگر تمدن‌ها در دوره‌های بعدی تمدن اسلامی تکرار نشد. در واقع همین میراث است که پس از جنگ‌های صلیبی مبنای تمدن غربی می‌شود؛ به گونه‌ای که جرجی زیدان در آداب‌اللغة (ج ۲، صص ۳۴ و ۳۵ و...) بنای تمدن جدید اروپا را بر همان کتاب‌ها و مطالعاتی می‌داند که پیشینیان — به ویژه مسلمانان — انجام داده‌اند و می‌گوید: «مهمترین کار اروپائیان در قرون وسطی این بود که سیصد کتاب از عربی به لاتین ترجمه کردند، از جمله ۹۰ کتاب در طبیعیات و فلسفه — ۷۰ کتاب در ریاضیات و نجوم — ۹۰ کتاب در پزشکی — ۴۰ کتاب در ستاره‌شناسی و شیمی.» و در این بین یقیناً سهم «بوعلی سینا» بیش از دیگران است. او که در تمامی زمینه‌های علوم اسلامی، صاحب تألیفات ارزنده‌ای است، آثارش در غرب با دایرةالمعارف بزرگ طبیی القانون فی الطب مشهور است و او را در غرب «شهریار اطباء» خوانده‌اند و کتاب قانون او، مشهورترین کتاب تاریخ طب است که مدت ۷۰۰ سال در غرب تدریس می‌شده است. در تمامی زمینه‌های علوم بشری، سهم مسلمانان مشهود است. در زمینه علم حساب، اقتباس اعداد سانسکریت و تغییر شکلی که بعداً در این اعداد ایجاد کردند و آنچه که بعدها در اروپا به عنوان اعداد عربی شهرت یافت و استفاده از نظام اعشاری با ترجمه کتاب الحساب محمد بن موسی خوارزمی به لاتین، شناخته شد و کتاب الجبر والمقابلہ او که نخستین تألیف درباره علم جبر است، نام الخوارزمی، الگوریسم (Algorism) را به این علم در غرب و شرق داد.

از دوره سلجوقیان ترجمه میان ترکی و فارسی و از دوره مغول ترجمه از مغولی و نیز چینی رایج شد. اقدامات خواجه رشیدالدین فضل‌الله در بهره‌گیری از

زبان‌های چینی، ترکی و مغولی از نمونه‌های آن است؛ نیز اقدامات فرهنگی امیر علیشیر نوایی در بهره‌گیری همزمان از ترکی، فارسی و عربی از این نوع هستند و بهترین نمونه جامع‌التواریخ است که حاوی اخبار چینی از منابع چینی است.

نهضت بعدی ترجمه از اواسط دوره قاجار پس از دو شکست سخت ایران از نیروهای روسیه تزاری آغاز شد. ایرانیان که در پی آن برآمده بودند تا با فراگیری علوم اروپایی در برابر دست‌اندازی‌های آن بایستند محصولانی را برای فراگیری دانش‌های روز مغرب‌زمین به اروپا فرستادند و با تأسیس مدرسه دارالفنون کوشیدند تا عده‌ای از جوانان را در درون کشور با علوم جدید آشنا سازند. در نیمه حکومت ناصرالدین شاه قاجار بود که اداره مستقلی تحت عنوان «دارالطبیایع همایونی» به ریاست محمدحسن خان صنیع‌الدوله تشکیل شد و نظارت بر آثار تألیفی و ترجمه‌ای به او واگذار شد. گرچه او توانست ادبا و فضایی نامداری را گردآوری کرده و با همکاری آنها آثار ارزشمندی چون مرآت البلدان، دُرُ الْمَیْحَانِ فی احوال بنی آشکان، مطلع الشمس، و نامه دانشوران را منتشر کند، اما آثاری که توسط او در این دوره ترجمه شد عموماً رمان‌های عاشقانه و تخیلی و یا سیاحتنامه بود. مانند خاطرات مادموازل دومونت پاسیه، شرح احوال کریستف کلمب، سیاحتنامه کاپیتان آتراس، سرگذشت خانم انگلیسی، داستان روبسون سوئیسی، طیب اجباری و کنت دوموکریستو، لویی چهاردهم، سه تفنگدار الکساندر دوما.

بدین ترتیب در تمام طول قرن سیزدهم تنها یک رساله از دکارت با نام حکمت ناصریه در سال ۱۲۷۰ یا ۱۲۷۹ قمری ترجمه شد که بعداً ترجمه دیگری از آن توسط محمدعلی فروغی و با عنوان گفتار در روش به کار بردن عقل انتشار یافت. حکمت سقراط نیز در سال ۱۲۹۷ شمسی توسط او ترجمه شد.

اما متأسفانه در این دوره که هزاران کتاب از زبان‌های دیگر به زبان فارسی برگردانده شد، رابطه تمدن ما با تمدن غرب رابطه انفعالی نبود و این رابطه به رابطه‌ای اثرگذار تبدیل نشد. در این مرحله آثار ادبی، تاریخ و سیاست، فلسفه و متون نظامی، نجوم، جغرافیا و سفرنامه‌ها ترجمه می‌شوند و جالب آنکه برخی از این آثار مربوط به میراث ایران و اسلام است. مانند تاریخ ایران از سرجان ملکم انگلیسی و تاریخ ادبیات ایران ادوارد براون و تاریخ ایران سرپرسی سایکس و از همه مهم‌تر متخصصانی که با خواندن کتیبه‌ها، تاریخ باستانی ایران را به ما شناساندند؛ و جالب آنکه همین شناخت مبنای شناخت بعدی ما از خودمان نیز گردید، چون هنوز از این شیفتگی بیرون نیامده‌ایم و نتوانسته‌ایم دلمان را به جایش بازگردانیم. با این ترجمه‌هایی که در این صد و پنجاه سال گذشته از زبان‌های دیگر کرده‌ایم که صدها برابر بیش از ترجمه‌های دوره رونق تمدن اسلامی است، هنوز حافظ و مولوی و ابن سینا و بیرونی تازه‌ای از میان سر بر نیاورده است که بتوانیم آنها را در برابر علم و اندیشه جهان غرب علم کنیم و به دانش و فرهنگ بشری چیز تازه‌ای

بیفزاییم.

مرحله دیگر ترجمه از آغاز حکومت رضاخان و همزمان با تمرکز قدرت سیاسی در کشور ایجاد شد که استاد فرزانه مرحوم احمد آرام از پیشکسوتان این دوره است. وی نیاز فرهنگی جامعه را به خوبی می‌شناخت. استاد احمد آرام مترجمی توانا بود که بیشترین تلاش خود را صرف ترجمه آثار جدید به زبان فارسی کرد. ایشان این کوشش بی وقفه را یک «واجب شرعی» می‌خواند و می‌گفت: «من فکر می‌کردم که واجب است ما چیزهای نوینی را بدانیم و مردم ما هم چیزهای نو را بدانند و این را یک واجب شرعی برای خودم تعیین کردم.» وی نخستین اثر خود را در سن ۱۹ الی ۲۰ سالگی در ۱۳۰۲ شمسی منتشر کرد. در آن زمان هیچ‌گونه متن درسی و آموزشی برای دبیرستان‌ها وجود نداشت، از این روی برای جبران این کمبودها به تنهایی یا با همکاری تنی چند به تألیف و ترجمه کتب درسی دست زد.

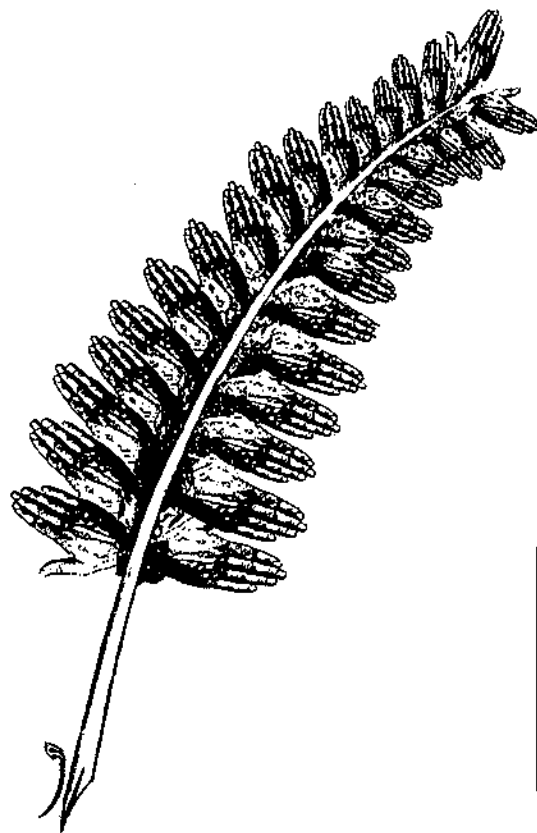
وجه دیگر تلاش علمی آرام در این زمینه، ترجمه آثار برجسته‌ای پیرامون انتشار علوم، علوم طبیعی در میان مسلمانان بود تا نشان دهد که جوامع اسلامی در گذشته براساس باورهای آگاهانه دینی خود توانستند به قله‌های رفیعی از دانش نائل آیند. ترجمه جلد اول کتاب تاریخ تمدن، اثر معروف ویل دورانت در ۱۳۳۷، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی در ۱۳۴۲، تاریخ نجوم اسلامی در ۱۳۴۹، علم و تمدن در اسلام در ۱۳۵۱، و تاریخ اسلام کمبریج در ۱۳۷۷ از آن جمله‌اند.

استاد آرام برای معرفی چهره بی‌پیرایه اسلام و تاریخ سرشار از معنویت و عدالت آن، دست به انتشار کتاب‌های ارزشمند و اصیلی زد. بدین منظور کتاب کیمیای سعادت اثر معروف امام محمد غزالی را در ۱۳۱۸ شمسی تصحیح و منتشر ساخت. پس از آن کتاب‌های لغات قرآن را در ۱۳۳۱، وعده راست، و علی و دو فرزندش اثر طه حسین را در ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ و تفسیر معروف فی ظلال قرآن اثر معروف سیدقطب را تحت عنوان در سایه قرآن در دوازده جزء در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۷، سه حکیم مسلمان در ۱۳۴۵ و احیای فکر اسلامی، اثر معروف علامه اقبال لاهوری را در ۱۳۴۶ ترجمه کرد.

در این میان آنچه باعث شد استاد احمد آرام تلاش‌های خود را در زمینه‌های علمی و فرهنگی با هدف خدمت به مردم انجام دهد شالوده محکمی بود که از دوستی با قرآن و فرهنگ اسلامی داشت. به عنوان حسن ختام، اکنون خبر می‌دهم که کل ترجمه سلیس و روان استاد آرام، رحمت‌الله علیه، از کتاب آسمانی قرآن فراهم آمده است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درصدد است که موجبات انتشار این اثر عزیز را فراهم آورد. باشد که ذره‌ای از انبوه دینی که همه ما و فرهنگ ما از آن بزرگوار برعهده داریم، بدین ترتیب ادا شود.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

• متن سخنان احمد مسجدجامی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در همایش بزرگداشت احمد آرام.



دکتر فتح‌الله مجتبایی از جمله محققان دقیق و نکته‌سنج و کم نظیر است که در حضور او بسیار نکته‌ها می‌توان آموخت و محضرش جاذبه‌ای دارد که هر اهل دانشی را بدان سو می‌کشاند. مصاحبت با استاد مجتبایی و آشنا شدن با فرهنگ غنی و شامل او، انسان را از وسعت تتبع و مطالعات وی در حوزه‌های ادیان، ادبیات، فلسفه و... به حیرت می‌کشاند. آنچه می‌خوانید حاصل نشست این شماره کتاب ماه با دکتر مجتبایی است.

□ محمدخانی: ابتدا از حضور استادان گرامی آقای دکتر مجتبایی، دکتر صادقی، دکتر دادبه، دکتر فتوحی و دکتر دهقانی در این گفتگو تشکر می‌کنم. ما گفتگوهای با سرآمدان فرهنگ و ادب معاصر داریم و این بار در خدمت آقای دکتر مجتبایی هستیم که درباره زندگی، آثار و آراء ایشان بحث و گفتگو خواهیم کرد. ابتدا از آقای دکتر می‌خواهیم که مختصری درباره زندگی و تحصیلات خود صحبت کنند.

■ مجتبایی: درباره زندگی و احوال خودم چیزی که برای شما قابل شنیدن باشد ندارم. قسمتی از اوایل زندگی من در روستاهای فراهان و تفرش گذشته و در شهر اراک، دوره کودکی و نوجوانی‌ام را در یکی از روستاهای فراهان گذراندم و در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ که اثرات جنگ جهانی دوم به ایران کشیده شده بود، به اراک رفتم و در آنجا مشغول تحصیل شدم. تحصیلات پیش از این دوره من تحصیلات قدیمه بود. به این صورت که برای ما معلمی از تفرش آورده بودند که در خانه ما زندگی می‌کرد و من و برادرانم بودیم و چند نفر دیگر همسال ما از فرزندان اهالی همان ناحیه.

معلم ما پیرمردی بود ساده و بی تکلف به نام شیخ ابراهیم، به کار خودش که معلمی بود مسلط بود و در محل به میرزای مطولی شهرت داشت. کار او بیشتر تدریس مطول بود. پیش از اینکه او را بیاورند ما مقداری مقدمات خواندن و نوشتن را یاد گرفته بودیم و بعضی از سوره‌های قرآن را هم خوانده بودیم. چون خانواده ما از مستوفیان دوره قاجار بودند، خطنویسی و خوشنویسی در خانواده ما بسیار اهمیت داشت. از همان کودکی ما را به خطنویسی عادت داده بودند. لوح‌هایی داشتیم از چوب که صیقلی شده بود و هر شب بایستی با سفیده تخم مرغ سطح آن را می‌پوشانیدیم و صبح روی آن می‌نوشتیم. سرمشق‌هایی از قبیل: «ادب مرد به ز دولت اوست»، «مرد باید که هراسان نشود» و امثال آن تا آخر تخته و وقتی پر می‌شد تخته را می‌شستیم و دوباره سفیده تخم مرغ می‌زدیم و می‌گذاشتیم تا خشک شود و دوباره روز بعد می‌نوشتیم «ادب مرد به ز دولت اوست». یا «دولت جاوید یافت هرکه نکو نام زیست».

به هرحال بعد که میرزا آمد ما به خواندن بعضی متون مشغول شدیم و جامع‌المقدمات را شروع کردیم و

تقریباً تمام آن را خواندیم. البته مقداری هم مغنی و مطول خوانده بودیم که آمدیم به اراک و وارد دوره دبیرستان شدیم. من نزد پدرم مقداری زبان فرانسه و مقدمات حساب و هندسه را هم آموخته بودم، ولی برای ورود به دوره دبیرستان باید امتحان عمومی می‌دادیم و میزان اطلاعات من در بعضی درسها چندان کافی به نظر نمی‌رسید. درس ششم ابتدایی در آن دوران خیلی سنگین بود. من در این فاصله در یکی از دبستان‌ها هم اسم نوشته بودم تا بلکه بتوانم وارد دبیرستان شوم ولی در هر صورت باید امتحان را می‌دادم. یکی از ممتحنین مردی روحانی بود که به دینداری معروف بود. هر داوطلبی که وارد می‌شد، چند سؤال شرعیتی از او می‌کرد و می‌پرسید مغنی خوانده‌ای؟ هرکه مغنی خوانده بود و پرسش‌های او را در شرعیات جواب می‌گفت قبول بود و اگر کسی درست جواب نمی‌داد مردود بود. معیار و میزان او این بود، اما غالباً داوطلبان نزد کسان دیگری از ممتحنین مثل مرحوم دهگان می‌رفتند و امتحان به صورت متنوع‌تری انجام می‌شد. مرحوم دهگان در دبیرستان تدریس می‌کرد.

در اراک دبیرستانی در ۱۳۱۸ تأسیس شده بود که به

گفت‌وگو با دکتر فتح‌الله مجتبایی

در جستجوی آفاقی دیگر

آن دبیرستان پهلوی می‌گفتند و تنها دبیرستان جدید اراک بود. دبیرستان دیگری هم بود به نام صمصامیه که از سوی خانواده بیات وقف شده بود. ولی دبیرستان پهلوی که جدیدتر بود کتابخانه داشت، سالن بزرگ تئاتر، لابراتوار فیزیک و شیمی داشت و ما که تا آن موقع این چیزها را ندیده بودیم از پشت شیشه میکروسکوپ‌ها و شیشه‌های دواها را در لابراتوار می‌دیدیم و حیرت می‌کردیم. دبیرستان پهلوی در ۱۳۱۸ تأسیس شده بود ولی ما در ۱۳۲۱ به آنجا رفتیم. از دبیرهای ما یکی همین مرحوم دهگان بود، مرحوم داوودی بود که عربی درس می‌داد، مرحوم محمد خزائلی بود که نابینای مادرزاد بود و تمام درسها را از فیزیک، شیمی، ریاضیات تا انگلیسی، فرانسه همه درسها را تدریس می‌کرد و حافظه عجیبی هم داشت. در سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ایشان معلم زبان فرانسه ما بود و شیمی هم درس می‌داد. علی اصغر حکمت در آن سال‌ها وزیر فرهنگ بود، خزائلی را دیده و از حافظه و هوش و سواد او تعجب کرده بود و به احسنی - رئیس فرهنگ - آنجا سفارش کرد که خزائلی را از دبستان به دبیرستان منتقل کنند. احسنی گفت، ایشان مدرک تحصیلی ندارد و حکمت گفت حتماً با گذراندن امتحان به او مدرک تحصیلی بدهید و به این ترتیب مرحوم خزائلی دیپلم گرفت. البته خزائلی کسی بود که در همان وقت از لیسانسیه‌های آن وقت بهتر تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ ایشان معلم ما بود. در سال ۱۳۳۰ من در

تهران و در دانشکده ادبیات درس می‌خواندم. دوستی داشتم که در کلاس‌های خزائلی درس می‌داد. یک شب برای دیدن دوستم به کلاس‌های خزائلی در خیابان شاه‌آباد آن روزگار رفتم. در راهرو مرحوم خزائلی را دیدم ضمن سلام و احوالپرسی ایشان مرا از صدایم شناخت، بعد از ۹-۱۰ سال مرا از لحن صدا شناخت. باری، دروس دوره دبیرستان برای من اشکالات بسیار داشت. در برخی درسها بسیار عقب بودم و در بعضی درسها از شاگردان دیگر به مراتب جلوتر بودم.

ریاضیاتی که ما در ولایت خوانده بودیم، فقط چهار عمل اصلی بود و کسر اعشاری و متعارفی و... در شیمی و فیزیک هم ضعیف بودم ولی در قبال آن در موضوعات دیگر مثل فارسی و عربی و تاریخ و زبان از دیگران جلوتر بودم. به هر حال به زحمت ۶-۷ سال دبیرستان را در اراک تمام کردم. پنجم متوسطه را در دبیرستان پهلوی گرفتم. به تهران آمدم و به دارالفنون رفتم. در دارالفنون بهترین دبیران تهران مثل آقای حداد، مرحوم بدیع‌الزمانی، تربیتی، نظام وفا، نبئی و... درس می‌دادند. سه چهار ماه در دارالفنون بودم، ولی زندگی در تهران برای ما که از شهرستان آمده بودیم دشوار بود، خصوصاً که چند نفری هم از قم آمده بودند که هم طلبه بودند و هم می‌خواستند دروس جدید بخوانند. با هم تصمیم گرفتیم که با استفاده از امکاناتی که بعضی از این اشخاص داشتند واسطه‌ها و وسیله‌هایی پیدا کنیم تا یک کلاس ششم ادبی به یکی از دبیرستان‌های قم یا

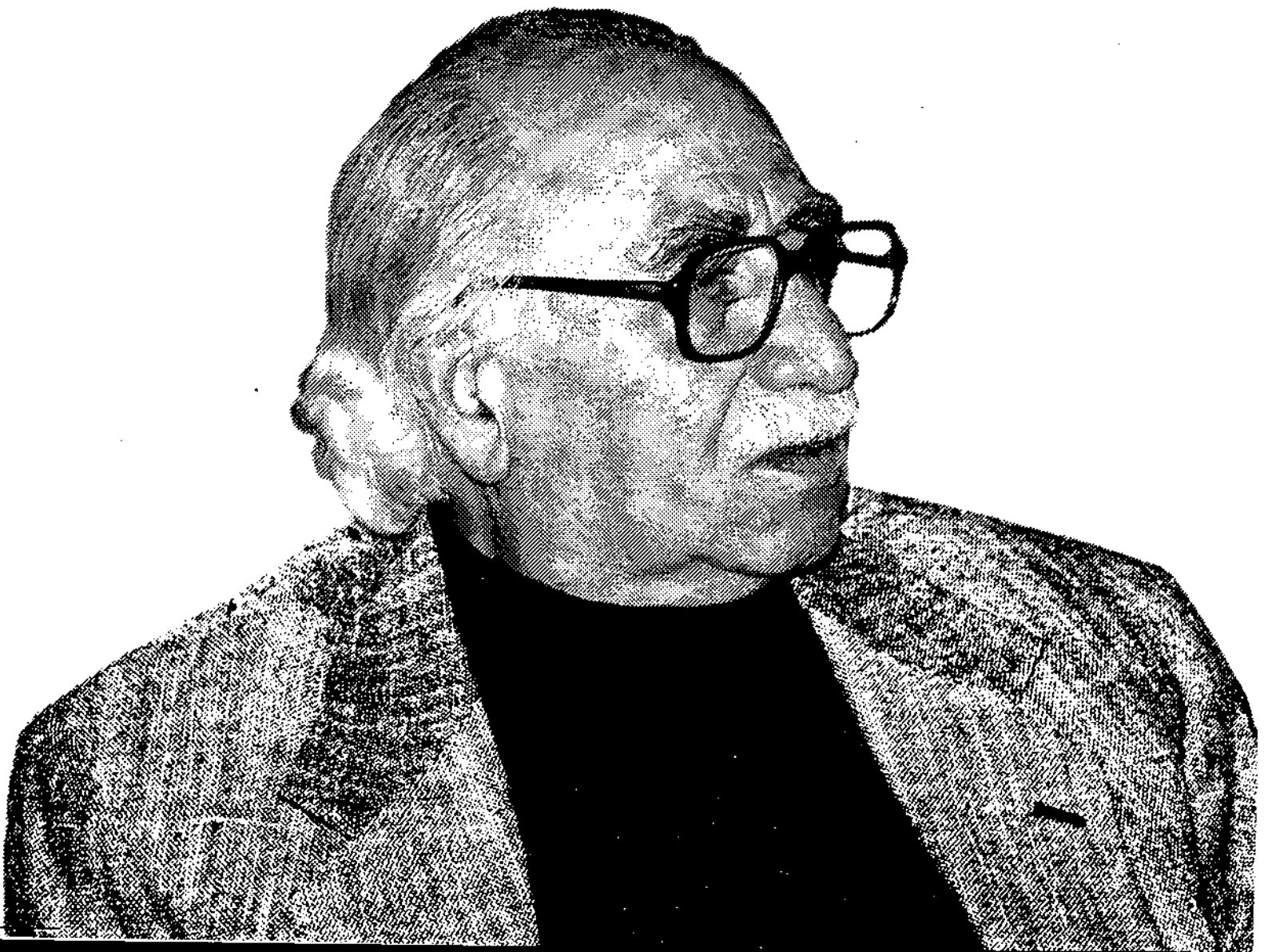
اراک داده شود. اقدامات بالاخره به نتیجه رسید و به دبیرستان صمصامیه اراک یک کلاس ششم ادبی داده شد و همه به اراک برگشتیم. دو سه نفری هم که از قم بودند جمعه‌ها بعد از ظهر به اراک می‌آمدند و شنبه و یکشنبه و دوشنبه در آنجا می‌ماندند و دوشنبه شب به قم برمی‌گشتند. بعد از اتمام دوره ششم ادبی در سال تحصیلی ۱۳۲۹-۱۳۲۸ برای امتحان کنکور به تهران آمدم.

□ دهقانی: یعنی تا آن موقع در اراک کلاس ششم ادبی

نبود؟

■ مجتبیایی: نه نبود. ششم طبیعی بود ولی ششم ادبی نبود. در تهران همه ما در کنکور قبول شدیم، عده‌ای رشته حقوق را انتخاب کردند، یکی دو نفر الهیات و من، هم در حقوق و هم در ادبیات قبول شدم. در دانشکده ادبیات نفر اول شدم. طبق قوانین جاری به نفقات اول ماهیانه ۱۵۰ تومان کمک هزینه تحصیلی می‌دادند.

پدرم با اینکه من به تحصیلات جدید ادامه دهم چندان موافق نبود و عقیده داشت که بهتر است به کار کشاورزی و زمینداری بپردازم. من علی‌رغم میل پدرم برای ادامه تحصیل به تهران آمده بودم و نمی‌خواستم از او کمکی بگیرم. این مبلغ ۱۵۰ تومان در وضع زندگی من تأثیر کلی داشت. پدرم خودش اهل دیوان و دفتر بود و از زمان ناصرالدین شاه وارد خدمت دیوانی و دولتی



شده بود، و از این دوران کار و خدمات دیوانی و مستوفی‌گری تجربه خوبی نداشت و معتقد بود که حلال‌ترین نان نانی است که از کار بر روی زمین به دست آید، و نان دولتی و دیوانی مایهٔ وزر و وبال است.

□ **دادیه:** به قول شاعر که گفته بود:
بدین کشور کسی خدمتگزار است

که دهقان است یا آموزگار است
به هر حال مصداق این حرف آقای دکتر است.

■ **مجتبایی:** بله، ایشان معتقد بود که لازمهٔ خدمت دولتی و دیوانی آنست که باید از کمتر از خود فرمان برد، و معمولاً کسانی که در دستگاه‌های انجمنی دولتی به مقامات بالا می‌رسیدند غالباً مردمانی ضعیف و زبون و بی‌شخصیت بودند که با چاپلوسی و تملق‌گویی و یا با زدوبندهای معمول و مرسوم سوار کار می‌شدند و برای حفظ موقعیت خود به هر کار و به هر خواری تن در می‌دادند.

باری، در آغاز سال تحصیلی ۱۳۲۹ به دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی وارد شدم از آن روزگار رشتهٔ معلمی برگردن من افتاد. یکی دو سال در دبیرستان‌های زنجان زبان انگلیسی و فرانسه درس می‌دادم. بعد به اراک منتقل شدم و تا سال ۱۳۳۸ به معلمی در دبیرستان‌ها مشغول بودم.

پنج سال تعهد دبیری تمام شد، خواستم به تهران بیایم ولی موافقت نکردند. و چون در دوران تحصیل و یکی دو سال پیش از آن با بعضی از جریان‌های سیاسی آن روزگار همکاری داشتم و با جامعهٔ لیسانسیه‌های دانشسرای عالی که آقای درخشش تأسیس کرده بود و با مجلهٔ مهرگان نیز ارتباط داشتم مرا به جبههٔ ملی آن روزگار نسبت می‌دادند، و طبعاً در وزارتخانهٔ متبوعه شخص مطبوعی نبودم، ناچار ترک خدمت کردم و به تهران آمدم. مدتی در کلاس‌های شبانه و مدارس غیردولتی به کار معلمی مشغول شدم. در همین احوال مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین که در آن سال‌ها تأسیس شده بود و من هم قراردادی برای ترجمهٔ گزیده‌ای از اشعار رابرت فراست، شاعر معروف آمریکایی با آن مؤسسه بسته بودم از من دعوت به همکاری کرد. مدیریت مؤسسه، آقای همایون صنعتی‌زاده، که شخصی بسیار فعال و کاردان و فرهنگ دوست بود و یکی از مهمترین و مؤثرترین مراکز فرهنگی را در این کشور تأسیس کرده بود، طرحی برای ترجمهٔ دورهٔ تاریخ جهان تألیف ویل دورانت در نظر گرفته بود. ترجمه و ویراستاری قسمت‌هایی از مجلدات این دوره را برعهدهٔ من گذارد. من از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۲ با این مؤسسه همکاری داشتم و در برنامه‌ها و طرح‌های دیگری که داشت شرکت می‌کردم. در تألیف کتاب‌های درسی با همکاری مرحومان دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر مصطفی مقربی و خانم دکتر زهرا خانلری (کیا)، در دایرة‌المعارف فارسی با همکاری مرحوم احمد آرام و محمود مصاحب و رضا اقصی و گروهی دیگر به سرپرستی مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب، در فرهنگ تاریخی زبان فارسی با همکاری مرحومان دکتر زرین‌کوب، دکتر مقربی، مجتبی مینوی. در سال ۱۳۳۹-۱۳۴۰ نیز برای مطالعه در روش‌های جدید

تألیف و ویراستاری با گروهی از مؤلفان کتاب‌های درسی به اروپا و امریکا اعزام شدیم. مؤسسه انتشارات فرانکلین نه تنها چاپ و نشر، بلکه تهیه و تألیف کتاب‌های درسی وزارت فرهنگ آن روز را به عهده گرفته بود. پس از مراجعت این گروه یک دوره کتاب درسی در رشته‌های مختلف به وسیلهٔ آنان تألیف شد که تا مدتی در مدارس ابتدایی و متوسطه کشور تدریس می‌شد.

از کارهای مهم دیگری که مؤسسه فرانکلین در ایران بنیاد نهاد، ویراستاری یا به اصطلاح ادیت کتاب بود. پیش از آن اصلاً ویراستاری به مفهوم علمی و فنی آن در میان ناشران و نویسندگان ایرانی مرسوم و شناخته شده نبود. کتاب‌ها به همان صورتی که مؤلف یا مترجم به ناشر می‌داد چاپ و نشر می‌شد. این رسم مهم را مؤسسه فرانکلین در ایران بنیاد نهاد.

□ **محمدخانی:** آقای دکتر در دانشکده ادبیات استادان

شما چه کسانی بودند و از کدامیک بیشتر بهره بردید؟
■ **مجتبایی:** استادانی که من مستقیماً با آنها کار داشتم، یکی دکتر لطفعلی صورتگر بود و خانم ایشان و دکتر بازارگادی که ادبیات انگلیسی، متون ادبی زبان انگلیسی و سخن‌سنجی تدریس می‌کردند. مرحوم سعید نفیسی که ادبیات فارسی درس می‌داد. مرحوم دکتر باقر هوشیار که روانشناسی و فلسفهٔ آموزش و پرورش تدریس می‌کرد. مرحوم دکتر پرویز ناتل خانلری که زیان‌شناسی و عروض می‌گفت.

مرحوم صورتگر را خیلی‌ها می‌شناسند. شخصی بسیار خوش‌ذوق و بزرگوar بود. شعر خوب می‌گفت و خوب شعر می‌شناخت. کتابی از زبان انگلیسی در تاریخ ادبیات آن زبان ترجمه کرده بود و هرکسی که آن را می‌خواند و امتحان می‌داد، قبول می‌شد، و این موجب شده بود که دانشجویان به متون اصلی به زبان اصلی کمتر مراجعه کنند. اما خانم ایشان بسیار فاضل و جدی بود و شکسپیر درس می‌داد.

□ **محمدخانی:** شما چرا ادبیات انگلیسی را برای تحصیل انتخاب کردید؟

■ **مجتبایی:** من در جستجوی افق‌های تازه‌تر و درپچه‌های باز بسوی جهان فراعتر بودم. برای این منظور دانستن زبان خارجی، زبانی که زبان فرهنگ و فکر جهان وسیع‌تر باشد ضرورت تمام داشت. معتقد بودم که حتی برای درست شناختن فرهنگ بومی و ادبیات فارسی و پی‌بردن به مبانی و ارزش‌های آن نیز داشتن دیدگاه نو ضرورت و اهمیت دارد. من از کودکی با ادبیات فارسی و آثار عرفانی به این زبان آشنا شده بودم. پدران ما تا چند پشت، هم به شغل مستوفی‌گری اشتغال داشتند و هم از فقراء معروف سلسلهٔ نعمت‌اللهی بودند. جذم مرحوم سرور علی‌شاه (تخلص سرور) و پدر او حبیب علی‌شاه (تخلص حبیب) از مشایخ این سلسله و در عین حال از خطاطان هنرمند بودند و چندین جلد کلام الله مجید به خط هردوی آنها در خانوادهٔ ما هم‌اکنون موجود است.

در دوران کودکی و نوجوانی در روستا زندگی می‌کردیم و معلمی فاضل و ادیب داشتیم و شب‌های طولانی زمستان را که راه‌ها بسته می‌شد جز کتاب

خواندن کار دیگری نداشتیم. نه تلویزیون بود، نه رادیو، نه کامپیوتر و اینترنت. چند جلد کتاب داشتیم، مثل شاهنامه، خمسهٔ نظامی، مثنوی مولوی، دیوان حافظ، کلیات سعدی، و از بس که اینها را ورق زده بودیم گوشه‌های صفحات از میان رفته بود. معلم ما هم با حافظهٔ حیرت‌آوری که داشت اغلب این متن‌ها را از برداشت. شب‌های طولانی سرد، کرسی گرم، چراغ نفتی، شب‌چره و کتاب خواندن.

□ **دادیه:** همان انس با آن چند کتاب (شاهنامه، خمسه نظامی، سعدی و حافظ) که از امهات متون ادب فارسی است و ارتباط با همان چند متن که اکنون نه در حوزه تدریس می‌شود و نه چنانکه باید در دانشگاه، سازنده است و ذهن را چنانکه شایسته است می‌سازد. میرزای مطولی کارش عالی بوده، خودش با این متون مانوس بوده و شما را با این متون مانوس کرده... و کجاست اکنون کسی که با امهات متون ادب فارسی چنین انس داشته باشد و باعث ایجاد انس هم بشود. بزرگترین مسئله همین بوده و برای همین است که وقتی شما به تهران آمدید، با توجه به مواد مورد تدریس در دانشگاه و با عنایت به چند و چون تدریس، دیگر چیزی نبوده که شما بخواهید بخوانید و یاد بگیرید. متأسفانه امروز در دانشگاه‌های ما چند صفحه‌ای از هریک از این متون خوانده می‌شود و طبیعی است که انسی هم ایجاد نمی‌شود و تا وقتی که انس با متن ایجاد نشود حاصلی به بار نمی‌آید... یک نکتهٔ مهم دیگر هم در حکایت میرزای مطولی هست که شایان توجه است و آن این است که میرزا از حوزه آمده بوده محصول حوزه بوده و آن همه با متون ادب انس داشته و به شما تعلیم می‌داده... بله از حوزه‌های ما ادیب‌نیشابوری‌ها و ادیب‌پیشابوری‌ها و فروزانفرها و همایی‌ها بر می‌خاستند، یعنی که محصولات حوزه در ادب فارسی هم بی‌تأثیر بود و دریغ و درد که امروز در حوزه‌ها به ادب فارسی توجه نمی‌شود!

■ **مجتبایی:** این نکته کاملاً درست است. کسانی بوده‌اند که دیگر مثل آنها پیدا نخواهد شد و قالب‌هایی بوده که دیگر شکسته شده و باز ساخته نخواهد شد.

باری، یکی دیگر از استادان ما در دانشکده مرحوم سعید نفیسی بود که من به او بسیار علاقه داشتم. مرحوم نفیسی یکی از شریف‌ترین افراد این آب و خاک بود. خیلی متأسفم که به او بی‌حرمتی‌هایی شد. علتش هم این بود که او را درست نمی‌شناختند. یک حالت روانی خاصی هست که به آن ببیلیومانی (biblio-mania) می‌گویند یعنی «عشق به کتاب». این شخص عشق به کتاب داشت. عاشق بود. به کتاب عشق می‌ورزید و در این عشق ورزی بی‌تاب و بی‌قرار بود. من به پیشنهاد و تشویق دکتر خانلری به ترجمهٔ بوطیقای ارسطو پرداختم. مرحوم نفیسی مرا تشویق می‌کرد، و هر بار که مرا می‌دید از پیشرفت کار سؤال می‌کرد. ترجمهٔ این کتاب ادامه داشت تا هنگامی که من به اراک رفتم. من رسالهٔ ارسطو را با ترجمهٔ عربی قدیم و شروح فارابی و ابن‌سینا و ابن‌رشد و با چند ترجمه جدید اروپایی مقابله و به فارسی ترجمه می‌کردم. در ضمن کار احتیاج به ترجمهٔ فرانسوی رونل از دو رسالهٔ شعر و خطابهٔ ارسطو پیدا کردم، و هنگامی که به تهران آمدم هرچه گشتم در هیچ‌جا این کتاب را نیافتم. روزی که به اتفاق مرحوم

دکتر مقربی به دیدار نفیسی رفته بودیم از ایشان سراغ آن را گرفتیم، زیرا می دانستیم که در آن اوقات کمتر کسی مانند او از وجود اینگونه کتابها در کتابخانه های تهران اطلاع دارد. اتفاقاً ایشان این کتاب را در کتابخانه شخصی خود داشت، ولی همان روز و روز بعد هرچه جستجو کرد و از نردبانی که در کتابخانه داشت بالا و پایین رفت آن را نیافت. ولی یقین داشت که کتاب را دارد. من با ناامیدی به اراک بازگشتم و به کار خود مشغول بودم. یکی دو ماه بعد روزی هنگامی که ظهر به خانه آمدم دیدم که پست بسته ای از تهران به خانه آورده است. بسته را باز کردم دیدم کتاب شعر و خطابه موردنظر را مرحوم یا پست به آدرس من فرستاده است. کسی که عاشق کتاب بود و درباره عشق او به کتاب اینهمه سخنها گفته شده، چنین کرامت ها و بزرگواری ها هم داشت.

■ **دادبه:** درباره استاد مرحوم، سعید نفیسی و عشق او به کتاب گفته اند که دیوار خانه اش خراب شده بود و به جای آن دیواری از پارچه کشیده بودند و او هر ماه به اهل و عیال وعده می داده که حقوق را که گرفتم دیوار را تعمیر می کنم؛ اما هرماه پس از گرفتن حقوق با کوله باری از کتاب به خانه می آمده و خانواده اش منتظر که بنا بیاید و دیوار را درست کند! آن وقت، بی حرمتی به این بزرگان هنر ما شده.

□ **محمدخانی:** آقای دکتر مجتبیایی، پیش از این با دکتر دادبه درباره مرحوم یزدگردی صحبت می کردیم، دکتر دادبه ضمن صحبت اصطلاحی را به کار بردند درباره تفکیک قدمای نسل اول و سعید نفیسی را جزو مکتب سرعت و علامه قزوینی را جزو مکتب دقت قرار دادند. سؤال این است که چرا با آن که شما با سعید نفیسی ارتباط داشتید، امید به مکتب دقت.

□ **دادبه:** البته مقصود من این نبود. می خواستم سبک کار را بیان کنم. هر دو روش بالرش است. هم آن سرعت و هم آن دقت هر دو در تاریخ تحقیقات ادبی ما تأثیرات خوبی داشته است.

■ **مجتبیایی:** همانطور که آقای دکتر دادبه فرمودند کارهای علمی و تحقیقات ادبی روش های مختلف می پذیرد، تنوع به هرحال لازمه حیات یک چنین کارهایی است. سعید نفیسی دامنه اطلاعاتش وسیع بود و شدیداً به حافظه خویش اعتماد می کرد و به همین سبب گاهی سهو هایی در اظهاراتش دیده می شد. مثلاً مرحوم فروزانفر حافظه بسیار قوی داشت و از نیروی حافظه خود بسیار استفاده می کرد، ولی به هرحال دانسته اطلاعات او محدود به جنبه هایی از معارف عصر اسلامی ایران بود، یا همینطور مرحوم علامه قزوینی. اینها عمق اطلاع داشتند، مرحوم نفیسی وسعت دامنه اطلاعات. وی با ادبیات اروپا، از هومر و ویرژیل تا بالزاک و هوگو و تولستوی و داستایفسکی آشنا بود. در حالی که در آن زمان اغلب دانشمندان معاصر او حتی بسیاری از این نامها را نشنیده بودند. در یکی از درس هایی که ما با مرحوم نفیسی داشتیم سعی داشت که مضامین و نکات و موضوعات ادبیات فارسی را با موازین و معیارهای ادبیات اروپایی بسنجد و از اشارات و اظهاراتش معلوم می شد که مکتب های ادبی اروپایی را می شناسد. وی زبان فرانسوی را خوب می دانست و از منابع اصلی استفاده می کرد. در سویس و فرانسه درس خوانده بود، با زبان های انگلیسی و آلمانی و روسی هم آشنایی داشت.

□ **دادبه:** گاهی ایراد می گیرند بر ترجمه های او از ایلید و اودیسه هومر، ولی وقتی که از ایراد گیرندگان می پرسید که ترجمه چقدر به اصل نزدیک است، پاسخ می دهند حدود ۸۰ درصد. بسیار خوب! آیا کاری چنان سترگ با این حد توفیق ارزشمند نیست؟ کاش بسیاری از ترجمه های ما در این حد بود، کاش نثر بسیاری از مترجمان ما شبیه نثر مرحوم نفیسی بود. از آن زمان تاکنون چقدر پیش رفته ایم؟ به بسیاری از ترجمه های این روزگار نگاه کنید، جواب را پیدا می کنید...

مسئله مقایسه سبک های اروپایی با سبک های شعر فارسی و مضامین سرایندهان اروپایی با مضامین شعر

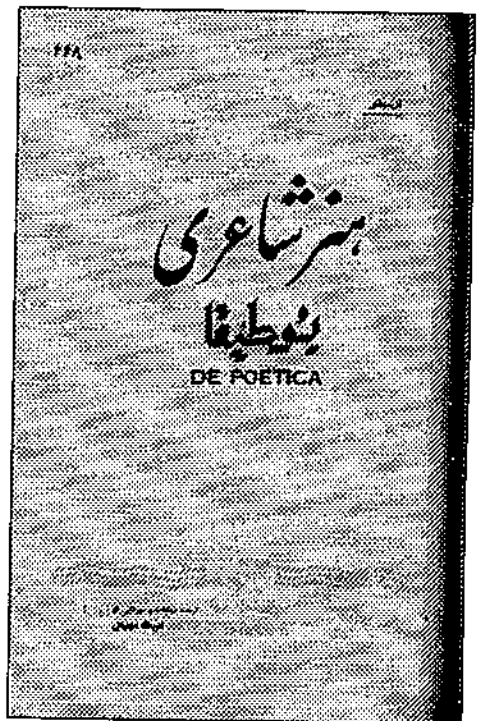
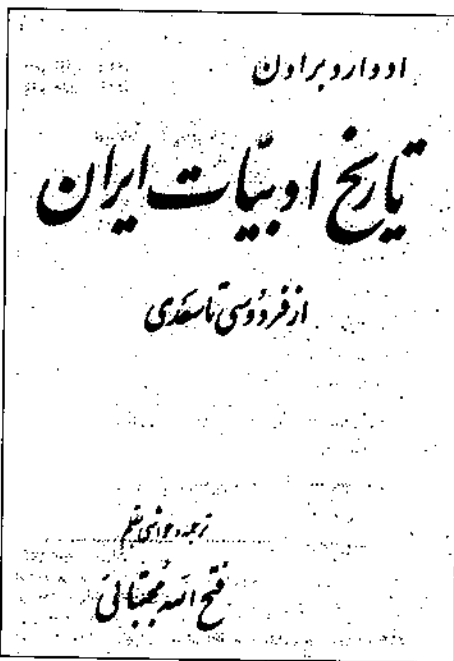
فارسی هم که نفیسی در راه آن تلاش می کرد اگر از جهتی بی بنیاد باشد و به جایی نرسد از جهتی شایان توجه است و نکته ها می آموزد. این کار، تلاشی بوده است در زمینه ادبیات تطبیقی که ارزش آن قابل انکار نیست.

■ **مجتبیایی:** البته همانطور که می فرمایید اینگونه مقایسه ها می تواند معنی دار و مفید باشد، ولی نه همیشه. مثلاً وقتی که نفیسی درباره صائب صحبت می کرد و صائب را با ادبیات سمبلیک اروپایی - و بیشتر فرانسوی - مقایسه می کرد نکته هایی می دید که جای گفتگو داشت، ولی به هرحال مقصود این بود که ایشان ادبیات غرب را می شناخت و وسعت اطلاعات داشت.

□ **محمدخانی:** از استادان دیگر چه در خاطر دارید؟ ■ **مجتبیایی:** استادان من بیشتر در خارج از ایران بوده اند و اسامی اغلب آنان برای خوانندگان مجله شما نا آشناست. گرچه کتابخوان های فارسی زبان شاید ترجمه بعضی از آثار دو سه تن از آنها را خوانده باشند، مانند پروفسور ریچارد فرای، پروفسور ولفسون و پروفسور کنتول اسمیت. ولی استادان دیگری در دوران تحصیل در غرب در کلمبیا و هاروارد و در هند داشته ام که در اینجا کسی نام آنها را نشنیده است و طبعاً ذکرشان فایده ای ندارد و شاید برای خوانندگان ملال آور باشد. من در نشریه ای که اخیراً از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شد درباره بعضی از آنها نکته هایی و خاطراتی گفته ام. اما در دانشگاه تهران، درس رسمی ما همانطور که گفتیم با استادانی مانند مرحوم صور تگر و خانم ایشان و مرحوم دکتر هوشیار و نفیسی و خانلری بود. ولی هر وقت که مجال پیدا می کردم به مجالس درس استادان دیگری مانند فروزانفر و همایی و فاضل تونی می رفتم.

ما در آن سالها مجال بیشتر داشتیم و مثل حالا نبود که دانشجوی بخواهد برای گذران حداقل معاش خود شب و روز کارهایی غیر از درس خواندن داشته باشد، هم قانع تر بودیم و هم وقت بیشتری داشتیم. یادم می آید که اجاره خانه من ماهی ۲۵ تومان بود و با ۱۵۰ تومانی که از دانشگاه می گرفتیم و ۷۰-۶۰ تومانی که از حق التدریس هفته ای چند ساعت در کلاس های شبانه و مدارس دریافت می کردم زندگی را بی دردسر می گذراندیم. گهگاه به کلاس درس مرحوم بدیع الزمان فروزانفر می رفتم. طرز بیان ایشان بسیار جالب و جذاب بود، ولی برای من چیز تازه ای در بر نداشت. شور و حال ایشان در بیان مطالب و توضیحات مسایل و مضامین البته تأثیربخش و روشنگر بود.

□ **دادبه:** ببینید دلیلش همان است که گفتیم. کسی که آن متن ها را با دقت خوانده باشد و با آنها انس گرفته باشد کار را تمام کرده و باید بگوید که از کلاس بزرگ مردی چون فروزانفر هم فقط «شور و حال» بهره می برده. اصلاً راستش را بخواهید اصل، متن است و فهم متن. کسی که با متن مانوس نشود ره به جایی نمی برد. در این سالها حرف های «گنده گنده» در زمینه های نقد و سبک و تئوری ادبیات و این جور چیزها خیلی زدیم، اما از یاد بردیم که دانشجویان مان از درست خواندن ساده ترین متن ناتوانند! امیدوارم روزی فرصت بشود تا نمونه هایی از غلطخوانی های این عزیزان را - که تقصیری هم ندارند - مورد بحث قرار



دهیم تا تذکار بشود، بلکه به خود آییم... راستی اگر متن را نخوانیم و درست نخوانیم و نفهمیم همه آن حرف‌ها و تئوری‌ها به چه کار می‌آید؟

■ **مجتبایی:** من به جلسات درس مرحوم همایی هم گاهی می‌رفتم، که آن وقت معانی و بیان تدریس می‌کرد. چیزی که در کار او اعجاب‌انگیز بود، این بود که مطالب مطوّل را طوری به فارسی نقل و تحویل می‌کرد و شواهد عربی آن را طوری به اشعار فارسی منتقل می‌کرد که کاملاً مطابق مقصود و مصداق کامل مطلب مورد بحث و درس بود.

□ **صادقی:** مرحوم همایی احتمالاً از ابداع‌البدایع بیشتر تأثیر پذیرفته بود و بیشتر این کتاب شمس‌العلماء را درس می‌گفت.

■ **مجتبایی:** ایشان به کتاب شمس‌العلماء گرکانی هم نظر داشت و از شواهد آن نقل می‌کرد. ولی در آن چند جلسه‌ای که من حضور داشتم در موضوعات معانی و بیان مبنای کار او بیشتر همان مطوّل بود. احاطه او به همه علوم قدیمه و به شعر و ادب فارسی و عربی زیانزد بود.

□ **دادبه:** این جریان یا نهضتی است مربوط به ۵۰-۶۰ سال اخیر، تلاشی است با هدف تطبیق کردن مطالب مطوّل بر مضامین شعر فارسی، یعنی با استفاده از مطوّل مسئله را توضیح می‌دهند و سپس از شعر فارسی شاهد می‌آورند. این حرکت را در آثاری مثل ابداع‌البدایع مرحوم شمس‌العلماء گرکانی، در معالم‌البلاغه مرحوم محمدخلیل رجایی، در هنجار گفتار مرحوم نصرالله تقوی و سرانجام در معانی و بیان مرحوم همایی می‌توان دید. این جنبش، پیشتر در میان ادبای شبه قاره آغاز شده بود و آثار ارجندی هم پدید آمده بود، جنبشی ناتمام که حکایت دردناک آن را، که بخشی از سرگذشت دردناک و عبرت‌آموز زبان و ادب فارسی در آن سامان است باید در زمانی دیگر مورد بحث قرار دهیم.

■ **مجتبایی:** شخص دیگری که در اینجا بدنیست ذکر خبری از او کرده شود مرحوم دکتر هوشیار است، که معلمی واقعاً صدیق و وظیفه‌شناس بود، و علاوه بر عقاید خاصی که در موضوعات دیگر داشت، به شوپنهاور و نیچه از یک طرف و به جلال‌الدین بلخی از طرف دیگر بسیار علاقه و توجه داشت، و هنگامی که افکار جلال‌الدین بلخی را با برخی از نظریات شوپنهاور و نیچه مقایسه می‌کرد، به نکته‌هایی اشاره می‌کرد که در آن روزگار برای ما تازگی داشت و جالب توجه بود. خانه او در خیابان ولی عصر امروزی به محل زندگی من نزدیک بود و غالباً در اتوبوس و در پیاده‌روی همراه و همسفر بودیم و در طول راه از سخن گفتن باز نمی‌ایستاد. یکی دیگر از اشتغالات ذهنی ما در آن سال‌ها و پیش از مرداد ۱۳۳۲، جریان‌های سیاسی وقت بود، و پی‌گیری حوادث و اخبار مربوط به آنها. من از سال‌ها پیش به افکار مرحوم خلیل ملکی علاقه‌مند شده بودم. خانواده ملکی در اصل از آذربایجان بودند، ولی به اراک مهاجرت کرده و مقیم شده بودند. خانواده‌ای بسیار شریف و محترم، چند برادر که یکی پزشک عمومی بود، یکی چشم‌پزشک و یکی داروساز، من با افرادی از این خانواده دوستی و آمد و شد داشتم، و ذکر خلیل را از آنها بسیار شنیده بودم. وقتی که به تهران

آمدم با او آشنا شدم و در جلساتی که درخانه او تشکیل می‌شد گهگاه شرکت می‌کردم، و پس از اینکه او گروه نیروی سوم را تشکیل داد، با جمعی از دانشجویان غالباً در سخنرانی‌های او حاضر می‌شدیم و در دو نشریه‌ای که از طرف گروه منتشر می‌شد، یعنی مجله علم و زندگی و هفته‌نامه نیروی سوم ترجمه و شعر و مطالب دیگر منتشر می‌کردیم. مجله علم و زندگی را خود ملکی و نیروی سوم را جلال آل احمد اداره می‌کرد. من پیش از این هم در صفحات ادبی بعضی از نشریات ترجمه‌ها و اشعاری منتشر می‌کردم. ولی در این مدت قسمتی از اوقات من صرف جریانات نیمه فرهنگی و نیمه سیاسی می‌شد.

□ **دادبه:** این مسئله مهم است که حتی در آثار اولیه شما آثار ویرایش و ویراستاری آشکار است. یکی دو رساله که سال‌ها پیش درباره شعر و بعضی مسایل دیگر منتشر کرده بودید نشان می‌داد که برخلاف رسم معمول آن روزگاران، از جمله آثاری نیست که یکسره به چاپخانه رفته باشد. آیا تحت تأثیر جنبش ویراستاری بوده‌اید یا خود وارد مسئله شده بودید؟

■ **مجتبایی:** من از ابتدا در نوشتن وسواس داشتم و هرچه می‌نوشتیم چندین بار بازخوانی و بازنویسی می‌کردم. ولی همانطور که گفتم در مؤسسه فرانکلین بود که قواعد ویراستاری و اعمال این قواعد به طور گسترده و به عنوان یک رسم در ایران معمول و مرسوم شد. گاهی کتابی ترجمه می‌شد و برای ویراستاری (که آن روزها لفظ «ادیت» بکار می‌رفت) می‌آمد. می‌گفتم که این را شخص معروفی ترجمه کرده، احتیاج به ویرایش ندارد. ولی وقتی که به اصطلاح امروزی شروع به ویراستاری می‌کردیم، می‌دیدیم چه اتفاقاتی افتاده است. و در مواردی ما ناچار می‌شدیم که کتاب را از نو ترجمه کنیم، چنان که مثلاً کتاب تاریخ عرب فیلیپ حتی را مجبور شدیم از نو از روی متن اصلی انگلیسی ترجمه کنیم.

□ **محمدخانی:** آقای دکتر در آن موقع مترجمان

برخورده نمی‌کردند و یا مقاومتی نشان نمی‌دادند؟

■ **مجتبایی:** سرسختانه مقاومت می‌کردند. مثلاً در مورد همان کتاب تاریخ عرب فیلیپ حتی با مترجم آن درگیری شدید پیدا شد. البته مترجم شخصی بود خوش قلم و خوش عبارت و اگر شما کتاب را می‌خواندید متوجه عیب و نقص ترجمه‌ای آن نمی‌شدید. اما وقتی که با متن اصلی مقابله و مقایسه می‌شد می‌دیدید که اصلاً با هم نمی‌خواند. البته کتاب از متن عربی ترجمه شده بود و معلوم شد که مترجم اصلاً انگلیسی نمی‌دانست. بین ترجمه و اصل کتاب یک مشابهت کلی و توافق موضوعی برقرار بود، ولی هیچ نشانی از جزئیات موضوع و نکات مندرج در کلیات دیده نمی‌شد. وقتی که ترجمه عربی کتاب از بیروت آورده شد، دیدیم که ترجمه با متن عربی هم چندان هماهنگی ندارد.

باری ویراستاری کتاب در حقیقت از اینجا باب شد و به جاهای دیگر راه یافت ولی سنگ اول این روش را در ایران مؤسسه فرانکلین گذاشت. بعد هم عده‌ای از سوی این مؤسسه (که کتاب‌های درسی را هم تألیف و منتشر می‌کرد) برای مطالعه در روش‌های ویراستاری به اروپا و امریکا فرستاده شدند که من هم جزو آنها بودم. برای تألیف و تدوین و ویراستاری کتاب‌های درسی وزارت فرهنگ گروه‌هایی انتخاب شدند.

برای بخش ادبیات فارسی دوره دبیرستان مرحوم دکتر خانلری و خانم ایشان، دکتر مقربی و من انتخاب شدیم. خانم ثمنینه باغچه‌بان دختر مرحوم باغچه‌بان و لیلی آهی برای کتاب‌های فارسی دبستان انتخاب شدند، و برای بخش‌های دیگر چون ریاضیات و طبیعیات و تاریخ و دروس دیگر کسانی از برجسته‌ترین دبیران و صاحب‌نظران مانند ابوالقاسم قربانی، دکتر بهزاد، دکتر حافظ فرمانفرمایان، رضا اقصی، احمد آرام، و برای کارهای هنری کتاب‌ها کسانی مانند هرمز وحید کلاتری، زمان و...

این عده عازم سفر به امریکا شدند، در دانشگاه



کلمبیا، برنامه‌ای ترتیب داده شد از سوی مؤسسه فرانکلین مرکزی و دانشگاه کلمبیا که توسط استادان و متخصصان تألیف کتاب‌های درسی و ویراستاری اداره می‌شد.

□ **داده:** قصه ویراستاری ما هم مثل کارهای دیگرمان، گاه افراطی است، گاه، تقریبی، گاه، کار به جایی می‌رسد که هویت و ماهیت نوشته یک نویسنده را به اسم ویراستاری تغییر می‌دهند، سلیقه‌های خودشان را اعمال می‌کنند... از این طرف هم گرفتاری داریم و در برابر ویرایش معقول و ضروری از سوی صاحبان آثار مورد انتقاد هستیم! چون قرار است، ظاهراً به هیچ وجه اعتدال نداشته باشیم، و یا از این طرف پشت بام بیافتم پایین یا از آن طرف، ضمن آن که اصل مسئله، ضروری است و غیرقابل انکار، خطر افراط و تفریط تهدیدمان می‌کند.

□ **مجتبایی:** در جاهای دیگر هم ادیتور هست، ببینید ارنست همینگوی که نویسنده معروف آمریکایی شد، دست‌نوشته‌هایش موجود است و کارهایی که ادیتورش روی آنها انجام داده وجود دارد. در واقع بعضی از نویسندگان بزرگ را ادیتورها ساخته‌اند. در جاهای دیگر ادیتور کسی است که در موضوع کاری که باید ویرایش کند از نویسنده گاهی با اطلاع‌تر است.

□ **داده:** اما در اینجا ما یک لیسانس ناقص می‌گیریم و با دو سه هفته کلاس ویراستاری رفتن می‌خواهیم مثلاً کار جناب‌عالی را ویرایش کنیم! مضحک است...

□ **دهقانی:** آیا جامعه ما می‌تواند با همین تربیتی که شما می‌فرمایید ویراستار تربیت کند؟ یعنی کدام سازمان کدام دانشگاه می‌تواند این کار را انجام دهد؟

□ **داده:** آن زمان، وقتی که استاد با سوابق و با آن اطلاعات به آنجا رفتند و آموزش‌دهندگان هم آماده بودند تا اشخاصی را با چنین اطلاعات و آمادگی‌هایی تربیت کنند و آموزش بدهند ویراستاران کارآموز موده تربیت شدند، اما حالا کو مشابه دکتر مجتبایی جوان که آماده‌اموختن ویراستاری باشد و کجا هستند آنها؟ که با آمادگی کامل به تعلیم بپردازند، اصل قضیه این است. گرچه من با همه نوسیدی‌ها نوسید نیستیم و تربیت شدن شماری را در گوشه و کنار مراکز علمی شاهدیم، اما آن را سخت ناکافی می‌بینم.

□ **دهقانی:** قبل از بحث درباره آثار آقای دکتر از ایشان می‌خواهم بگویند که چطور شد که ایشان به رشته الهیات رفتند و با این سوابقی که در ادبیات انگلیسی و در ادبیات فارسی داشتید و بعد هم بیشتر آثارشان در این دو زمینه است، علت علاقه‌مندی شما به الهیات چه بود؟

□ **مجتبایی:** این سؤال بسیار خوبی است. برای من یک چیزهایی ذاتی است و یک چیزهایی غرضی. برای من آن چیزهایی که ذاتی بوده تاریخ و فرهنگ ایرانی و زبان و ادبیات ایران و موارث معنوی این سرزمین بود. وقتی به تحصیل ادبیات انگلیسی پرداختم نه برای این بود که صرفاً ادبیات انگلیسی بخوانم، بلکه برای این بود که دریچه‌های نو در پیش چشمم گشوده شود و به افق‌های تازه نظر داشته باشم و می‌دانستم که با زبان فارسی به این مقصود نمی‌توان رسید. حتماً باید برای راه یافتن به دنیای جدید و عوالم فکری و فرهنگی دیگر، با زبان این دنیا و با زبان فرهنگ این دنیا آشنا شد. اگر تصور شود که این مقصود مثلاً از راه مطالعه

کتاب‌های فارسی و عربی و آثار ترجمه شده ممکن است، تصور باطل و خطایی است.

□ **داده:** در واقع منظور استاد این است که هدف برای ایشان فرهنگ ایران بوده و در نتیجه برای این که نگاه تازه‌ای به این فرهنگ بکنند از طریق آن زبان (زبان انگلیسی) و آن فرهنگ (فرهنگ غربی) وارد کار شده‌اند. نظر مثبت ایشان نسبت به استاد مرحوم، سعید نفیسی هم، در واقع حاصل همین دیدگاه است، چون این نگاه و این هدف را در حرکت مرحوم نفیسی هم می‌توان دید. او هم می‌کوشید تا به همین شیوه به حافظ و سعدی و مولوی نگاهی تازه بکند و راهی هم جز این نیست، باید شیوه را از آنان بگیریم، و به مسایل و موضوعات و شخصیت‌های خودمان نگاه تازه بکنیم.

□ **مجتبایی:** اما اینکه چرا به سمت تاریخ و فلسفه ادیان و دانشکده الهیات کشیده شدم مسیوق به سوابقی بود. خانواده‌ام، یعنی پدر و جد و اجداد از صوفیه طریقت نعمت‌اللهی بوده‌اند. جدم مرحوم میرسیدعلی مستوفی تفرشی در میان فقراء این طریقه به سرور علیشاه معروف بود و مرثیه شیخ‌المشایخی داشت و در شعر «سرور» تخلص می‌کرد، و پدرش مرحوم حبیب علیشاه هم از مشایخ طریقت بود، و هر دو از مستوفیان دوره قاجاری بودند و هر دو خط بسیار خوش داشته و چندین مجلد قرآن مجید به خط آن دو در خانواده‌ما هنوز موجود است. به این مناسبت درخانه‌ما همیشه حال و هوای صوفیانه احساس می‌شد، و از کودکی با معانی و مفاهیم عرفانی آشنا می‌شدیم. و طبعاً نوعی تمایل فطری در این جهت از نوجوانی در من وجود داشت.

کار من در دانشکده الهیات است، ولی رشته تخصصی من تاریخ ادیان و فلسفه شرق و هند است و رساله دکتری‌ام هم درباره یکی از مکتب‌های فلسفه ودانته هند بوده است و تصحیح و ترجمه کتاب معروف منتخب جوک‌نیشست میرفندرسکی. اما اینها همه برای من در حقیقت یک نوع وسیله بوده است برای شناخت بهتر حیات روحی و معنویت فرهنگ بومی خودم. در سال‌های جنگ جهانی، و زمانی که دانش‌آموز دبیرستان بودم، به وسیله افسری هندی که از مسلمانان بنگال هند بود و با من دوست شده بود، با آثار رابیندرانات تاگور، شاعر و حکیم هند آشنا شدم و مشابیه‌هایی بسیار نزدیک میان فکر عرفانی اسلامی خودمان و افکار تاگور احساس کردم. در همان اوقات مقداری از اشعار او را به فارسی ترجمه کردم. از طریق تاگور با فلسفه و فکر هندی آشنا شدم و هرچه پیش‌تر می‌رفتم موضوع جذاب‌تر می‌شد. شما اگر دنبال فکر و مکتبی را که تاگور بدان تعلق داشت بگیرید به نهضت بهکتی هند، که نهضتی دینی و عرفانی بود می‌رسید و سرانجام به افکار کسانی مانند رامانوجا و راماننده و کبیر و آمیزش عرفان اسلامی و هندی در آثار و افکار کسانی مانند کبیر و نانک و ادامه جریان بهکتی تا برسد به تاگور.

□ **فتوحی:** همان چیزی که به اصطلاح «شیخیه» از آن تعبیر می‌کنند. در دایرةالمعارف بریتانیکا می‌خواندم که ذیل شیخیه با همین تعبیری که حضرت تعالی فرمودید، آمده بود.

تعجب من هم از این است که چرا شیخیه نوشته بود، البته به تعبیر انگلیسی. یعنی وقتی بهکتی میان تصوف اسلامی و عرفان هندی تلفیق کرد این را تحت عنوان شیخیه آورد بود؟

□ **مجتبایی:** نمی‌دانم، این اصطلاح را من نشنیده‌ام. گمان می‌کنم سیکهیزم (Sikhism) بوده و در چاپ اشتباه شده به صورت شیخیزم (shikhism) درآمده است. آیا شما مطمئن هستید که سیکهیزم نبوده؟ □ **فتوحی:** با Sh آغاز شده بود و شیخیزم خوانده می‌شد.

□ **مجتبایی:** البته ممکن است حروف در چاپ اشتباه شده باشد. قاعداً باید سیکهیزم باشد. این مذهب در حقیقت یکی از جلوه‌های همین ارتباط و آمیزش مسلمان‌ها و هندوها بوده است.

□ **محمدخانی:** آقای دکتر ظاهراً شما اولین کسی بودید که تاگور را به فارسی‌زبان‌ها معرفی کردید. آیا درباره او پیش از شما مطلبی ترجمه شده بود؟

□ **مجتبایی:** البته چیزهایی ترجمه شده بود، اما جدی نبود. اولین کسی که برای تاگور شرح حال نوشت و آثارش را معرفی کرد من بودم یعنی در سال ۱۳۳۴. ولی می‌دانید که تاگور در سال ۱۳۱۱ به ایران دعوت شد و در ایران با بعضی از اهل علم ملاقات داشت و از شیراز و اصفهان هم دیدن کرد. در آن اوقات و پس از آن در جراید ایران درباره او چیزهایی نوشته شد و بعضی از آثارش هم ترجمه شد.

□ **داده:** آقای دکتر آیا شما در هند ادیان خوانده‌اید؟ □ **مجتبایی:** من تاریخ ادیان و فلسفه‌های شرق را در هاروارد آمریکا خواندم. در هند ودانته کار کردم و یک مقدار هم آشنایی با زبان سنسکریت و منظومه دینی و عرفانی هندویی معروف به بهگودگیتارا در لاهور خواندم. بعد به آمریکا رفتم و پنج سالی که در آمریکا بودم در بخش هندشناسی و ایران‌شناسی دانشگاه هاروارد زبان‌شناسی زبان‌های هندی و ایرانی و متون دینی هندی و ایرانی را خواندم و در مرکز مطالعات در ادیان جهان تاریخ تطبیقی ادیان تحصیل کردم. سپس به هند برگشتم و مدتی در بنارس بودم. سپس به آمریکا بازگشتم و پس از چندی به ایران آمدم و دوباره به هند رفتم و در همین احوال مأموریت فرهنگی یافتیم و مدت ۳ سال به عنوان رایزن فرهنگی در آنجا بودم. البته رفتن من به هند نیز باز فرع مقصود دیگری بود و وسیله‌ای بود برای اینکه بهتر و بیشتر بتوانم درباره فرهنگ ایرانی و سوابق آن و ارتباط تاریخی آن با شرق و فرهنگ هند مطالعه کنم.

□ **محمدخانی:** وقتی شما در هند بودید تاگور را هم دیدید؟

□ **مجتبایی:** نه، ندیدم. سال‌ها پیش از آنکه من به هند بروم تاگور درگذشته بود. ولی من به شانتی نیکتان رفتم، مدرسه‌ای که تاگور درست کرده بود در نزدیکی کلکته و مدرسه‌ای بود که کلاس‌های درس آن در جنگل و زیر درخت‌ها تشکیل می‌شد. مرحوم پوراوود در زمان حیات تاگور مدتی در آن مدرسه بسر برده بود و تدریس هم کرده بود. اما هنوز هم مدرسه تاگور در همانجا وجود دارد. از طریق تاگور و رنگ و روح عرفانی آثار او بود که

من به سوی عرفان هندی و فلسفه هندی کشیده شدم. **□ دادبه:** اجازه دهید با توجه به آثار استاد، من درد خودم و احساس خودم و تشکر خودم را بیان کنم، چون سخن از فلسفه بطور عام است. در ایران متأسفانه وقتی سخن از ایران می‌کنیم، در این سال‌ها که رنگ سیاسی پیدا کرده و گمان می‌کنم که این تقابل است با اسلام، من همیشه سعی کردم این را بگویم و بنویسم که اصلاً چنین تقابلی نیست. فرهنگ ایران و ایران وقتی می‌گوییم، مجموعه‌ای است که بخش مهم و زنده ترش اسلامی است و آن بخش‌هایی که پیش از اسلام گرفتیم و جذب اسلام کردیم و این هنرمان بود و بر این در جهان بالیدیم اینهم افتخارمان است و نباید فراموش کنیم. این مردم فرهنگ دارند، فرهنگشان زنده است و هرکس هم حاکم باشد، فرهنگ پیش می‌رود و کار خود را می‌کند و این حکایت دیگری است. استاد فرمودند یک چیزی برای من بالذات بوده و یک چیزهایی بالعرض. همان چیزهایی برای ایشان بالذات بوده است که برای همه ما و برای بنده معشوق است و آن فرهنگ ایران است. یکی از کارهای بی‌نظیر، به اعتباری و به اعتباری سخت‌کم نظیر و از مقوله النادر کالمعدود، کار استاد در زمینه افلاطون و ایران است. شهر زیبای افلاطون این کتاب بدون تردید شاهکار است و حرف مستند و دقیق زده شده و نیازی به توضیح من نیست. از معدود کارهایی است که یک چیز گمشده ما را نشان می‌دهد.

□ محمدخانی: آقای دکتر، چرا این کتاب سالهاست که تجدید چاپ نشده است؟

□ دادبه: بله، چون من به هرحال دانش‌آموز فلسفه بوده‌ام و ضمن آموختن فلسفه، ادب فارسی خوانده‌ام و از آن منظر بدان نگریده‌ام... به عنوان یک دانش‌آموز و یک معلم فلسفه می‌گویم: وقتی از منابع فلسفه افلاطون سخن در میان می‌آید هیچ ابهامی در منابع یونانی و حتی منابع هندی آن نیست، اما تکلیف منابع ایرانی و تأثیر اندیشه‌های ایرانی بر افلاطون روشن نیست. این ما، ما ایرانیان هستیم که باید تکلیف آن را روشن کنیم و نکرده‌ایم و نمی‌کنیم. نمی‌دانم چرا شمار سهروردی‌هایمان همیشه محدود بوده است! نمی‌دانم چرا غالباً با آنهايي که نمی‌خواهند چنین تکلیف‌هایی روشن شود حرکت می‌کنیم و تو گویی میل نداریم از میراث گرانقدر خودمان سخن بگوییم. من بسیار متأسفم که وقتی — فی‌المثل — از زحمت و تلاش عالمانه پانوسی در جهت روشن شدن سرچشمه‌های ایرانی فلسفه افلاطون سخن به میان می‌آید به انکار بزمی‌خیزیم! بی‌مهری می‌کنیم و کارش را بی‌بنیاد می‌خوانیم! افلاطون به احتمال قریب به یقین و به نظر برخی از محققان، بدون تردید، به مصر رفته و با فرهنگ رایج در مصر آشنا شده، با فرهنگ ایرانی که در پی فتح مصر از سوی داریوش هخامنشی در آنجا رواج یافت... از سوی دیگر، ارتباط ایران و یونان، در مقام دو بخش از جهان متمدن آن روزگار، ارتباطی قطعی و جدی بوده است (من از استاد خواهش می‌کنم در ادامه سخنانشان در این باب هم صحبت بفرمایند). گفته‌اند که اوستا را به یونانی ترجمه کرده بوده‌اند و این مسئله بسیار مهمی است... هگل درست می‌گفت که «فلسفه هر دوران، همان دوران است که در اندیشه‌ها منعکس شده است»، یعنی که فیلسوف، بی‌گمان تحت تأثیر اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی روزگار خویش است.

دمکراسی آتن سقراط، استاد افلاطون، را می‌کشد و افلاطون از حکومت تباه شده سقراط‌کش ناامید می‌شود و در طراحی مدینه فاضله خود، روی از آتن می‌گرداند، اما به کجا روی می‌کند؟ به اسپارت و به ایران هخامنشی. نشان دادن این حقیقت و نسودن این واقعیت نه تعصب است، نه باستان‌گرایی، بلکه واقعیتی است در تاریخ ما و البته افتخاری است برای ما... یکی از کارهای بزرگ استاد مجتبیایی تبیین همین واقعیت است، در کتاب ارجمند «شهر زیبای افلاطون»... که کاری است بزرگ و تحقیقی است بی‌مانند و من امیدوارم هرچه زودتر تجدید چاپ بشود.

□ دهقانی: اگر این نکاتی که شما می‌فرمایید در آثار افلاطون خیلی واضح نیست، یا دقیقاً اسم نبرده وقتی که نشانه‌هایش وجود دارد، من معتقدم هست. در آثار مدینه فاضله نویسان بعدی مثلاً تامس مور و خود مارکس متأثر از این است و دقیقاً اسم برده و گفته زبان و مذهب و... را از ایران گرفته و آنهم مسلماً تحت تأثیر افلاطون بوده و گذشته‌ای داشته و از طریق افلاطون توجه و گوشه چشمی به ایران داشته چون صریحاً می‌گوید خدای مدینه فاضله مصر، میتراست، مذهبش شبیه زبان ایرانی است و بقیه مسایل. حتی حکومتش را تشبیه کرده به حکومت مستقلی که در ایران هست. یا شبیه آن است، به هرحال این رد پاها وجود دارد.

□ دادبه: بله، همین‌طور است که می‌فرمایید. گذشته از آن به این واقعیت انکارناپذیر توجه کنیم که ذکر مأخذ، روشی است جدید. اگر افلاطون خود، به ذکر منابع نمی‌پردازد اولاً چنانکه عرض شد ذکر منبع رسم نبوده؛ ثانیاً، مگر او، از منابع دیگر خود حرف زده و فقط از منبع ایرانی اندیشه‌های خویش سخن نگفته است؟! به همین سبب است که ایرادهایی که مثلاً بر ملاصدرا هم می‌گیرند و می‌گویند چرا ذکر منبع نکرده، بی‌جاست... البته گاه، اینجا و آنجا نکات بدیعی به چشم می‌خورد که پژوهنده باید بدانها توجه کند، نکاتی بسیار ارجمند و مشکل‌گشا. درست به یاد ندارم کجا خوانده‌ام، اگر اشتباه نکنم گمان می‌کنم در یکی از آثار سهروردی و به احتمال زیاد در حکمة‌الاشراق خواندم که ریشه و بنیاد نظریه مثل، اندیشه‌ای است ایرانی و زردشتی. زردشت می‌گفت: «لکل فرد، فرد، یعنی هر فرد دارای نمونه‌ای مینوی و مجرد است» و افلاطون آن را بدین‌گونه دگرگون ساخت که: «لکل نوع فرد، یعنی هر نوع موجود، دارای نمونه‌ای مجرد است».

■ مجتبیایی: نکته‌هایی که آقای دادبه فرمودند درست است. اینجا جزو موارث فرهنگی به حساب می‌آمده است و هیچ مرسوم نبوده که نویسنده یا گوینده‌ای مأخذ قول خود را معرفی کند. میراثی بوده که همه داشته‌اند. ملاصدرا هم حالا می‌بینیم که از منابع مختلف أخذ و اقتباس کرده، بعضی را گفته، بعضی را نگفته، ولی توانسته اینها را با همدیگر ترکیب و تلفیق بکند و یک چیز نو بسازد.

افلاطون در دوره‌ای زندگی می‌کرد که دوفرهنگ در دنیای شناخته شده آن روزگار در برابر هم بودند. این طرف ایران بود و آن طرف یونان؛ دو قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر آن زمان. شما وقتی تاریخ آن دوره یونان را می‌بینید، غالباً پزشکیانی که در دربار شاهان ایران زندگی می‌کردند، پزشکان یونانی بودند.

ایرانی‌هایی که در آتن و آن مناطق زندگی می‌کردند تاجر بودند و سیاحان و دریانوردان از هر طرف آمد و شد داشتند و رابطه خیلی گسترده بوده است. چون ما دیوار به دیوار و همسایه بوده‌ایم، یعنی دریای مدیترانه که الان سواحل شرقی آن مرز آسیا و اروپاست مرز بین ایران و یونان بوده است. قسمتهایی از یونان جزو خاک ایران بود. ایرانیها در بسیاری از شهرهای یونانی مثل افسوس و ملطیه که در داخل آسیا بودند و در قلمرو هخامنشیان قرار داشتند اقامت و آمد و رفت داشتند. خود یونانیها می‌گویند که وقتی خشایارشا به یونان لشکرکشی می‌کرده و از تنگه بسفر می‌گذشته است، پدر دیمقراطیس حکیم خشایارشا را به خانه خودش دعوت می‌کند و از او پذیرایی می‌کند و دیمقراطیس مدتی نزد مغان ایرانی تعلیم گرفت. این حرفی است که خود یونانیها می‌گویند و چندین بار هم گفته شده است. دیوگنوس لائرتیوس شخصی است که تاریخ فلاسفه یونان و شرح احوال فلاسفه یونان را نوشته و درباره دو سه نفر از آنها صریحاً می‌گوید که نزد مغان ایرانی تعلیم گرفته‌اند. از اینجا معلوم می‌شود که این تعالیم در آن دوره مرسوم بوده و به دیگران هم می‌رسیده و دیگر لازم نبوده که مثلاً هراکلیت موضوع لوگوس و ارتباط آن را با آتش، که عیناً ارتباط آتش با آتش در افکار دینی ایرانیان است بگوید که مثلاً این موضوع در میان ایرانیان هم هست و قدیمی‌تر است، یا اینکه بگوید من از ایرانیان الهام گرفته‌ام. اینها چیزهایی بوده که سینه به سینه نقل می‌شده و جزو میراث فرهنگی تمام مردم این منطقه بوده است.

در افلاطون چیزهایی هست که در هیچ جای دیگر جز ایران نمی‌بینید. تقسیم جامعه به ۳ طبقه که هر طبقه دارای خصوصیات خود باشد و بعد موازی قرار دادن این ۳ طبقه جامعه را با قوای نفسانی انسان و انسان را که عالم صغیر است با جامعه که عالم وسطی یا مزوکوسموس است موازی قرار دادن، این هم در فلسفه «سانکھیة» هندی سابقه دارد و هم در ایران. تنها در ایران است که می‌گویند وقتی که شخص مُرد اعمالش شکل می‌گیرد و به صورت یک دختر در مقابل او می‌ایستد. افلاطون هم عیناً این حرف را می‌زند و می‌گوید وقتی که انسان مُرد اعمالش شکل می‌گیرد و در مقابل او قرار می‌گیرد، و یا نکات و آراء مشابه دیگر.

□ دادبه: من یکی از این نکات و آراء مشابه را در ضرب‌المثلی می‌بینم که از همشهریان زردشتی خود شنیده‌ام. ضرب‌المثل چنین است: «کاری یکن بابات یکزد، اِشتی برش قبات یکزد» یعنی «کار و کسب پدرت را انتخاب کن. فی‌المثل اگر کار او ریسندگی بود و از این طریق قبا و لباس (= مایحتاج) تو را تأمین می‌کرد، تو هم همان کار را بکن و همان شغل را انتخاب کن» (اِشتی: دوک نخ‌ریسی، نوعی دوک دستی و ابتدایی / مکرد: می‌کرد / مرش: می‌ریسید) آیا این حکایت، همان حکایت طبقات سه‌گانه در شهر آرمانی افلاطون نیست؟ فرزندان پیشه‌وران، در شهر آرمانی پیشه‌ور می‌شوند و فرزندان جنگ‌آوران، جنگ‌آوری پیشه می‌کنند و به همین صورت... تعریف افلاطون هم از عدالت در آرمان‌شهر این است: «هرکس کار خود را بکند و در کار دیگران مداخله نکند» آیا این همان قصه «دنبال کار بابا

گرفتند...» در ضرب المثل زردشتی نیست؟ ضمناً از استاد استدعا می‌کنم در سخنان خود در باب ترجمه اوستا به یونانی هم صحبت بفرمایند.

■ **مجتبایی:** به این نکته در کتاب دینکرت اشاره شده است و در بین سنت‌های زرتشتی این اعتقاد هست که پیش از حمله اسکندر اوستا بصورت مکتوب موجود بوده و او آن را تباه کرده، و یا اوستا را که بر پوست گاو نوشته شده بود به یونانی ترجمه کرد. خود یونانی‌ها هم از شخصی نام می‌برند که اوستا را که چند هزار مصرع شعر بوده است، خوانده، اما هیچ سند محکمی برای این حرف‌ها نداریم. به هر حال لازم نیست که حتماً ترجمه شده باشد. ادبیات آن روزگار نقل شفاهی بوده است و اوستا چون قسمت عمده‌اش به شعر بوده و شعر غالباً آسان‌تر حفظ می‌شود و وقتی که نقل می‌شود صورت اصلی‌اش کلاً حفظ می‌شده، و حفظ اوستا و وداها کار موروثی طبقه دینی جوامع هندی و ایرانی بوده است.

ببینید اصل فلسفه افلاطون ثنویت عالم معقول و عالم محسوس است، این اصل فلسفه افلاطون است. ارسطو که شاگرد افلاطون بوده، در کتاب متافیزیک صریحاً می‌گوید که ثنویت افلاطون مأخوذ از ثنویت مغان است، دیگر سند از این روشنتر می‌خواهید. ثنویت افلاطون مبنای کار اوست. آن وقت عالم معقول افلاطون عیناً عالم مینوی مزدائی است یعنی عالم مینو آنجایی است که وقتی بنام اهورامزدا با اهریمن بجنگد، اهورامزدا تمام خلقت را به صورت مینوی (مینوکی = مثالی، معقول) می‌آفریند که بعد از شروع هزاره‌ها، اینها را به تدریج در مجرای زمان گیتیایی می‌کند، یعنی از حالت مینویی و مثالی و معقول به حالت جسمانی و مادی درمی‌آورد، یا فعلیت می‌بخشد در عالم محسوس. یعنی مینو در مقابل گیتی یا گیتا عیناً آن

چیزی است که افلاطون عالم معقول و عالم محسوس می‌گوید.

□ **دهقانی:** نبردی هم که افلاطون بین ضرورت و فرد مطرح می‌کند مبین همین نکته است.

■ **مجتبایی:** بله همینطور است یعنی ضرورت (آنانکه) همان حکمی یا احکامی است که در عالم ماده است و عقل (نوس) که در عالم ماده نیست سعی دارد که ضرورت را در ضبط و حکم خود درآورد برای نظام بخشیدن به جریان هستی در عالم.

□ **محمدخانی:** آقای دکتر چرا کتاب شهر زیبای افلاطون را تجدید چاپ نکردید و آیا قصد دارید اینکار را بکنید؟ و سؤال دیگر اینکه آیا به غیر از مطالبی که فرمودید، اضافات دیگری هم بر آن دارید؟

■ **مجتبایی:** الان در دستم کاری است رساله مانند که با آقای دکتر صادقی درباره آن گفتگو کرده‌ام و آن تأثیر نحو هندی بر نحو عربی از طریق ایران است. اگر این کار تمام شود، و خدا بخواهد تجدیدنظر در کتاب شهر زیبای افلاطون را در دست خواهم گرفت. البته مقداری به آن اضافه خواهد شد. دو کتابی که مدام همه تجدید طبع آن را از من می‌خواهند یکی بوطیقای ارسطو است و یکی همین شهر زیبای افلاطون است که انشاءالله اگر عمری باشد بزودی به هر دو خواهم پرداخت.

□ **محمدخانی:** آقای دکتر صادقی چون جنبه‌ای با آقای دکتر مجتبایی تصحیح لغت فرس اسدی را انجام داده‌اید، لطفاً درباره نحوه همکاری خودتان با ایشان و یا اگر خاطره‌ای دارید بیان کنید.

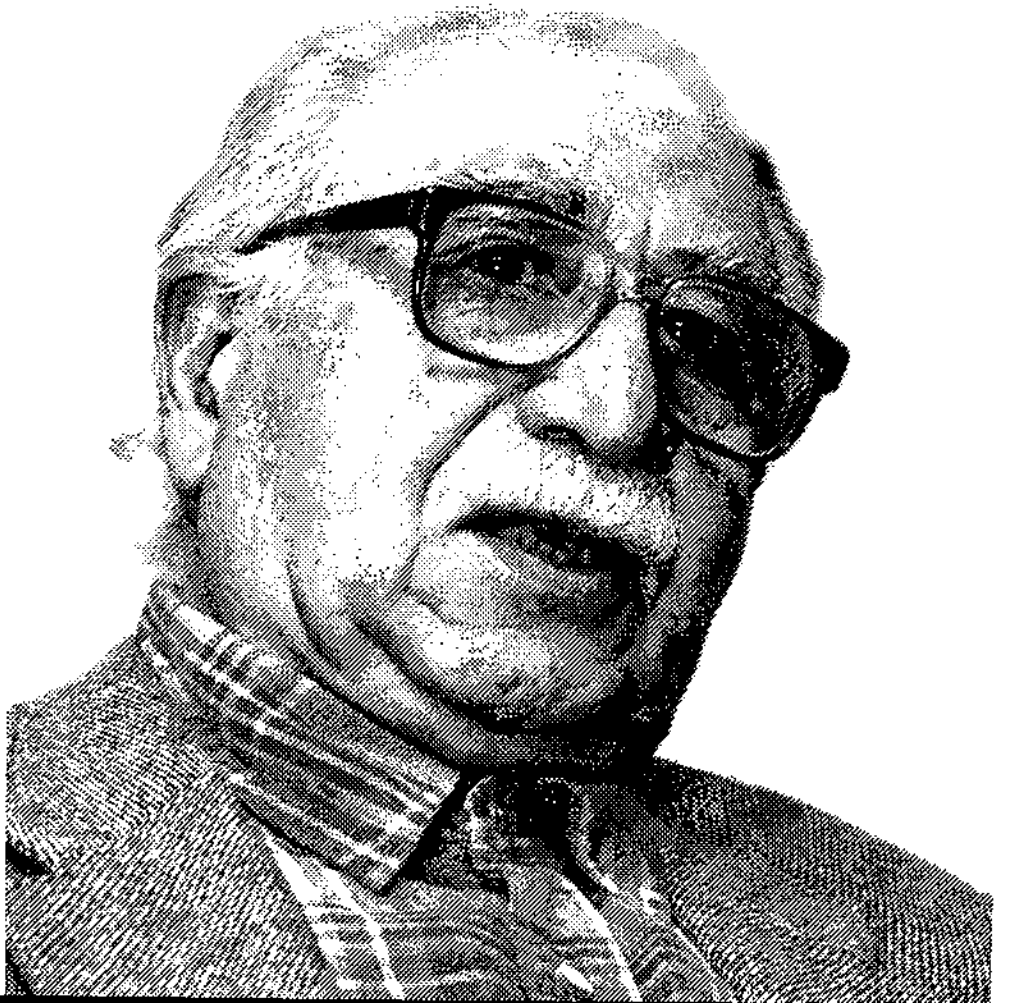
■ **مجتبایی:** البته من در اینجا باید بگویم که تمام زحمات آن کار با آقای دکتر صادقی بود و در مقدمه کتاب هم گفته‌ام. من فقط در پاکستان با تحمل گرمای

طابقت فرسای روزهای تابستانی این نسخه را در کتابخانه دانشگاه پنجاب پیدا کردم و همان وقت شروع به تصحیح آن کردم. ولی کار ناتمام ماند تا اینکه آقای دکتر صادقی پیشنهاد کردند که در اتمام کار با من همکاری می‌کنند. ما مدتی بر سر این کار وقت گذاشتیم و سرانجام تصحیح کتاب به همت و زحمت آقای دکتر صادقی پایان پذیرفت و طبع و نشر شد.

□ **صادقی:** من به کار لغت خیلی علاقه‌مند بودم و الان هم هستم و مشغول کارهای لغوی‌ام. در سالهایی که ایشان در هند بودند، از مرحوم دکتر خانلری یکروز شنیدم که ایشان نسخه‌هایی از لغت فرس از هند آورده‌اند و من هم که به این کتاب علاقه‌مند بودم یکروز - در حدود انقلاب فرهنگی - از ایشان سؤال کردم که آیا نسخه‌هایی از لغت فرس هند آورده‌اید؟ ایشان گفتند نه فقط یک نسخه از دانشگاه پنجاب پیدا کرده‌ام و آورده‌ام. در آن موقع که فراغت داشتیم پیشنهاد کردم که بیایید و این را با هم چاپ کنیم. ایشان پذیرفتند و جلساتی گذاشتیم، بعضی روزها در منزل آقای دکتر کار می‌کردیم. ایشان از دو نسخه دیگر عکس تهیه کرده بودند، نسخه ایاصوفیه و ایندیا آفیس، که در زمان مرحوم عباس اقبال شناخته شده بود و ایشان در پایان مقدمه به آن اشاره می‌کند، ولی از آن استفاده نکرد. نسخه ایاصوفیه که بعداً از ترکیه عکسبرداری شده بود و در دانشگاه تهران موجود و در دسترس بود، نسخه‌های دیگر را هم فراهم کردیم و فرهنگهای دیگر هم بود و به اتفاق نشستیم و این کار را تصحیح کردیم و انتشارات خوارزمی به چاپ رساند.

□ **محمدخانی:** آقای دکتر لطفاً درباره این کار اخیر که آقای دکتر مجتبایی اشاره کردند، رساله‌ای که در تأثیر نحو هندی بر نحو عربی از طریق ایران است توضیح دهید.

□ **صادقی:** من به این کار خیلی علاقه‌مند بودم چون گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران درسی دارم به اسم تاریخچه زبان‌شناسی در جهان اسلام، کتابهای چندی نوشته شده و دو سال گذشته هم کتاب جدیدی چاپ شد. آقای دکتر مجتبایی همیشه نظرشان این بود که مقدار زیادی از مفاهیم نحو عربی از سنسکریت - یا با واسطه و یا بی‌واسطه - گرفته شده و خودشان باید توضیح بیشتری دهند و حتی می‌گفتند خود کلمه نحو ترجمه یک اصطلاح هندی است. این بود که من علاقه‌مند شدم که ایشان نظریاتی را که در این باره دارند تألیف کنند و ۱۶-۱۵ سال اصرار کردم که این رساله را چاپ کنید تا استفاده نمایم. ظاهراً ایشان تابحال مجالش را نیافته‌اند و امیدواریم که هرچه زودتر چاپ شود و پرتو نوینی در ریشه‌های علم نحو عربی که هنوز خیلی از قسمتهای آن مبهم است و معلوم نیست که سیبویه از کجا این مطالب را گرفته و برای اولین بار تدوین کرده و در محیط بصره چه کسانی در اطرافش بودند مشخص شود. البته یک نظریه این است که این مفاهیم را از فقه عربی گرفته و اصطلاحات نحو عربی از اصطلاحات فقه اسلامی گرفته شده و محقق انگلیسی به نام کارتر نظرانش را در رساله‌اش در دانشگاه آکسفورد کمبریج نوشته و مقالاتی از آن چاپ کرده است. ولی برخی می‌گفتند که خیلی از مفاهیم از یونان وارد صرف و نحو عربی شده که البته آنها صحت ندارد و دقیقاً معلوم نیست از چه طریقی، از یونان مفاهیم دستوری وارد دستور زبان عربی شده است. این نکته‌ای است که باید



روشن شود و امیدواریم با چاپ این رساله به این پرسشها، پاسخ داده شود و ببینیم مفاهیم هندی به چه طریق وارد دستور زبان عربی شده است.

□ محمدخانی: آقای دکتر برای روشن شدن موضوع نمونه‌هایی بیان کنید؟

■ مجتبیایی: من وقتی که شروع به تحصیل زبان سنسکریت کرده بودم خیلی علاقه‌مند شده بودم که با کتاب پانینی که این همه ذکر آن می‌رود آشنا شوم. کتاب پانینی چیز عجیب و غریبی است و به روشی نوشته شده که به آن سوترا می‌گویند و نه تنها قابل تقلید نیست بلکه قابل بیان هم نیست. مثل جبر که باید مطالب را خلاصه بکنند و اگر عنوانی مثلاً در سوترای قبل آمده دیگر نباید تکرار شود و این روش خاصی است مخصوص هندی. این را در آمریکا که بودم با استادان می‌خواندم و حقیقتش این است که خیلی به دلم نمی‌نشت. بیشتر فرمولهائی بود تا شرح بیان مطالب به زبان صریح.

□ دهقانی: آیا پانینی زبان یا لهجه خاصی است و یا عنوان کتابی است؟

■ مجتبیایی: پانینی نام شخصی است و کتابی دارد به نام اشتادیا یعنی هشت فصل است و تشکیل شده از یک سلسله سوترا که روشی است برای بیان مطالب علمی به شکل منظوم، و کاربرد آن در کتابهای ادبی و فلسفی و عرفانی هندی است. مثلاً همین یوگایی که شما غالباً عنوانش را می‌شنوید این هم کتابی دارد به نام یوگه سوترا یا پانتجله از شخصی به نام پتنجلی که مکتب یوگا را در یک سلسله سوتراها به نظم درآورده. درواقع سوترا یک نوع سبک و یا یک نوع روش بیان است که خلاصه می‌کند به صورت فرمولهائی که این فرمولها نباید تکرار شوند و وقتی می‌گوید: یوگا عبارت است از نگهداری ذهن از تلاطم، هیچ‌کدام از مطالبی که در این سوترا آمده دیگر نباید تکرار شود. مقداری از کتاب پانینی را در آمریکا خواندم و کنجکاو شدم و وقتی که به هند رفتم یک استاد بومی گرفتم در بنارس تا این کتاب را به صورت بومی به من تعلیم دهد. وقتی که استاد درس می‌گفت و شرح می‌داد، می‌دیدم عجب شباهتهایی بین نحو هندی و نحو عربی وجود دارد. مثلاً یکی از چیزهایی که در نحو عربی هست این است که میزان کلمات را در نحو عربی صیغه‌های مختلف فعل «فعل» می‌گیریم، فاعل، مفعول، استفعال، مفاعله، تفاعل، تفعّل و... تمام اشکال صرفی را با اوزان و اشکال مختلف «فعل» می‌سازیم. دیدم که هندیها نیز عیناً همین را دارند، یعنی صیغه‌های مختلف فعل «کر» را که بمعنی کردن است مانند فعل در عربی، میزان و الگوی صرف افعال دیگر قرار می‌دهند. کسانی که صرف و نحو زبان عبری را نوشتند، این قالب‌گیری و الگوبرداری را از صرف و نحو عربی گرفتند، ولی برای اینکه ابتکاری نشان داده باشند «فعل» را کردند «فعل».

باز در صرف و نحو زبان عربی می‌بینید که فعل اول شخص درواقع سوم شخص (غایب) است، آن‌جا هم ترتیب به همین صورت است. برخلاف صرف افعال در زبان فارسی که ما آن را از کتب صرف و نحو اروپائی گرفته‌ایم و اول شخص را متکلم (من)، ما قرار می‌دهیم.

همانطور که جناب دکتر صادقی اشاره کردند، خود کلمه «نحو» که در کتابهای مربوط به صرف و نحو عربی این همه درباره‌اش سخن گفته شده و وجه تسمیه و اشتقاق برای آن آورده‌اند، درحقیقت عین ترجمه کلمه‌ای است که در زبان سنسکریت هم بمعنی روش و طرز و طریقه است، و هم بمعنی قاعده نحوی و صرفی. بیان تمامی مطالب البته در اینجا ممکن نیست. رساله من تقریباً تمام است و انشاءالله بزودی طبع و نشر خواهد شد.

من در حدود ۶۰-۵۰ مورد از اصطلاحات و مفاهیم و تعریفات و قواعد نحوی و آواشناسی هندی و عربی را با هم مقایسه کرده و نشان داده‌ام که صورت عربی چنان به صورت هندی نزدیک و همسان است که جای تردید نمی‌ماند که صورت عربی از اصل هندی اقتباس شده است.

البته پیش از من کسانی به شباهت ترتیب حروف در کتاب العین خلیل بن احمد فراهیدی با ترتیب حروف در کتابهای نحو زبان سنسکریت اشاره کرده‌اند. ولی این نکته درحقیقت جزئی است از یک مبحث مفصل آواشناسی که به تفصیل در رساله من مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مطالب و موضوعات مربوط به آواشناسی زبان عربی که در باب ادغام کتاب سیبویه آمده است، و به نحو حیرت‌انگیزی دقیق و علمی و پیشرفته است، با مباحث مشابه آن در کتب نحو و تجوید سنسکریت مقایسه و دقیقاً بررسی شده است. بیش از این درباره این مطلب فعلاً پیش از انتشار رساله چیزی نمی‌گویم. فقط باید اشاره کنم که حلقه رابط و واسط میان قواعد و معانی نحو هندی و عربی، دانشمندان ایرانی (موالی) بوده‌اند، که پیش از اسلام با فرهنگ و علوم هندیان به عللی که در همان رساله ذکر شده است آشنا شده بودند.

□ دهقانی: در همین مورد سوآلی دارم، زبان عربی زبان اشتقاقی است و سنسکریت قاعداً باید زبان ترکیبی باشد چون از زبانهای هند و اروپایی است، چطور است که قواعد آن را در زبان عربی آورده‌اند و آیا آنجا هم فعلها و اسامی در قالب خاصی می‌گنجد یا نه؟

■ مجتبیایی: بله در آنجا هم اسمها در قالبهای خاصی قرار می‌گیرند. بدین معنی که در زبان سنسکریت اصل کلمات یعنی اصل هر اسم مصدر یا ریشه فعل است، و اسم از ریشه فعل مشتق می‌شود، ولی در زبان سنسکریت اسمها قالبهای خاصی ندارند، برخلاف عربی که اشتقاق از افعال ثلاثی و رباعی و خماسی و طبق قالبهای خاصی صورت می‌گیرد. البته این که زبانها از لحاظ خانواده و اصل و نسب یکی از هم جدا هستند و قواعد آنها بر هم قابل انطباق نیست، قواعد هر زبان از خود آن زبان استنباط و استخراج می‌شود. ولی از طرف دیگر مقولات و موضوعات کلی صرفی و نحوی و مفاهیم و اصطلاحات زبانشناسی در دو گروه زبانهای سامی و آریایی مشابه و یکسان‌اند. مثلاً در هر جا اسم و فعل و حرف و فاعل و مفعول و مسند و مستدلیه و صفت عالی و تفضیلی و قید و لازم و متعدی و سایر این‌گونه مقولات هست و هرکدام تعریفی و کاربردی دارند که با هم قابل مقایسه‌اند. و یا در

موضوعات مربوط به آواشناسی (فونولوژی)، بهر حال دستگاه صوتی انسان در عین اینکه در میان اقوام و ملل مختلف ممکن است در جزئیات تفاوت‌هایی داشته باشد، ولی بطور کلی و در کلیات در افراد انسانی یکسان و مشابه است، و طبعاً می‌تواند قواعد و قوانین مشابه داشته باشد.

□ فتوحی: آیا حلقه ارتباط و پیوند سیبویه با متون هندی موضوع کار شما بوده یا خیر؟

■ مجتبیایی: بله، من سعی بسیار داشتم که این ارتباط را بیابم. ما می‌بینیم که در کتاب دینکرت صحبت از این است که شاپور پس از آنکه به سلطنت رسید سعی داشت که فرهنگ باستانی ایران را که در دوره اشکانیان ظاهراً پراکنده شده دوباره متمرکز کند و تحت ضابطه و نظم درآورد. علاوه بر این دستور داد که برخی کتابها را در علوم مختلف در زبانهای دیگر به پهلوی ترجمه کنند. از جمله کتاب مجسطی از یونانی، و سه کتاب از هندی به زبان پهلوی ترجمه شد. یکی کتابی است به اسم کوشه، دیگری هورا و سومی ویاکرنه. هورا کلمه یونانی است که در دینکرت برای نجوم بکار رفته است. کوشه که اصلاً کلمه هندی است باید کاله کوشه باشد که گاهشماری است، اما ویاکرنه یعنی کتاب نحو. پس معلوم می‌شود که در زمان شاپور کتابی در علم نحو و زبانشناسی سنسکریت به زبان پهلوی ترجمه شده بود.

اوستا ظاهراً در اوائل دوره ساسانیان یک زبان متروک شده بود که کسی و شاید حتی موبدان آن را بدرستی نمی‌دانستند. شاپور می‌خواست این زبان را و نیز مطالعه اوستا را احیا کند و خودش یا مشاورانش می‌دانستند که زبان واداهای هند به زبان اوستائی بسیار نزدیک و حتی یکسان است و دارای قواعد و اشکال یکسان. بدین سبب ترجمه کتابی در نحو سنسکریت برای تقویت مطالعات اوستائی سودمند و حتی ضروری تشخیص داده شد. علاوه بر این در آثاری که در آسیای

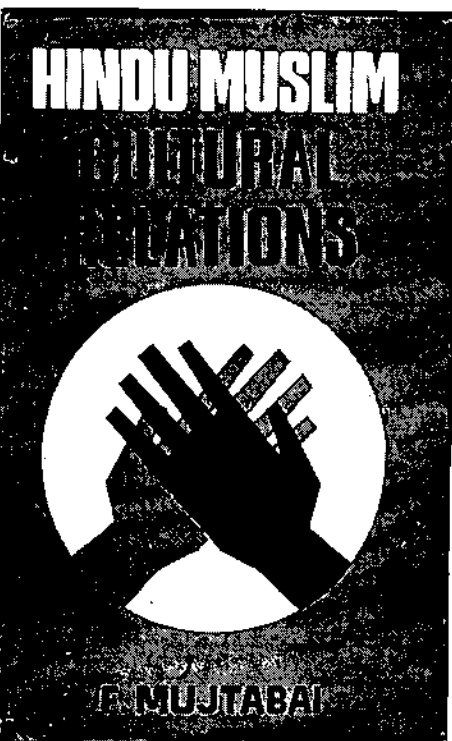
INDO - IRANIAN STUDIES

Editor
FATHULLAH MUJARRAT

INDO-IRAN SOCIETY
From House, 19 Tolia Street,
NEW DELHI

مرکزی بدست آمده است، اوراقی از کتابهای لغت سنسکریت و دستور زبان سنسکریت دیده می شود، و معلوم می شود که در شرق ایران آشنائی با زبان سنسکریت و صرف و نحو و لغت آن در میان ایرانیان بودائی مذهب وجود داشته است. پس چنین بنظر می رسد که در میان طبقه باصطلاح اهل علم در ایران، هم در میان مغان و موبدان، هم در میان بودائیانی بایستی کسانی بوده باشند که از قواعد و دستور زبان سنسکریت به نوعی آگاه باشند. خصوصاً در میان موبدان که این اطلاع بایستی کامل تر باشد. بعد از ورود اسلام به ایران اغلب همین کسانی که قبلاً به طبقه اهل علم تعلق داشتند، از موالی شدند و می دانیم که اغلب قریب به اتفاق نحویان مسلمان و کسانی که از سنیان گذاران علم نحو و قواعد عربیت بشمار می روند - پیش از سیبویه و بعد از سیبویه - به این گروه موالی یا ملاهای آن دوران تعلق داشتند. یکی از نخستین نحویان زبان عرب که اوائل قرن دوم هجری در مدینه زندگی می کرده، بشکست نحوی بوده، که از اسمش معلوم است که ایرانی است. تقریباً همه کسانی که در کتابهای تاریخ علم نحو و احوال نحویان به عنوان واضعان این علم شناخته شده اند از موالی ایرانی بوده اند. معاذین مسلم الهراء از ایرانیان مقیم کوفه که گفته اند «و هو اول من وضع التصریف»، عبدالرحمان بن هرمز، که گفته اند «هو اول من وضع النحو»، نصرین عاصم، که درباره او هم گفته اند «اول من وضع النحو» و عنبسة الفیل و عبدالله بن ابی اسحق که درباره او گفته اند «اول من وضع العربیه» و عیسی بن عمر که ظاهراً اولین کتابها را بنامهای الجامع و المکمل در نحو عربی نوشته تا برسد به سیبویه معروف، همگی از ایرانیان و از موالی ایرانی بوده اند که نقل علوم و معارف ایرانی را به عالم اسلامی بیشتر این گروه برعهده داشته اند.

این که چگونه تقریباً بلافاصله پس از گسترش اسلام در سرزمینهای مجاور و رواج زبان عربی در جوامع



غیرعرب و درک لزوم حفظ صحت و تلفظ درست الفاظ قرآن کریم، و در زمانی بسیار کوتاه شاید در حدود یکصد سال، این زبان دارای یکی از کاملترین دستورنامه های قواعد صرفی و نحوی جهان شد، از دیرباز یکی از مسائل بفرنج و پیچیده تاریخ فرهنگ و زبان عربی بوده است. از آغاز ظهور ادبیات منظوم حماسی در یونان، یعنی از عصر همری، تا زمانی که دیونوسیوس و آپولونیوس صورت مقدماتی دستور زبان یونانی را نوشتند نزدیک به نهصد سال گذشته بود، و فاصله میان سرودهای ودائی تا هنگامی که پانینی در سده پنجم یا چهارم پیش از میلاد قواعد زبان سنسکریت را تدوین کرد، نیز زمانی در حدود هزار سال بوده است. مرحوم جلال الدین همانی در خطابه ای که در فرهنگستان ایراد کرد، یادآور شد که ایرانیان احتمالاً از پیش نمونه ها و سرمشقهای برای طرح و وضع قواعد زبان در دست داشته و نحو و قواعد زبان عربی را بر آن اساس و از روی آن تدوین و تنظیم کرده اند. مرحوم جلال همانی این احتمال و حدس را مطرح کرد، پیش از آنکه معلوم شود که در زمان شاپور ساسانی کتابی در قواعد زبان سنسکریت که خواهر زبانهای اوستائی و پارسی باستان است، به زبان پهلوی ترجمه و در اختیار طبقه اهل علم ایران گذاشته شده بود، و پیش از آنکه معلوم شود که در شرق ایران، در آسیای میانه امروز، ایرانیان بودائی مذهب با نحو و قواعد زبان سنسکریت آشنا بودند و کتابهایی در این موضوع در دست داشتند.

□ دهقانی: درباره عروض چطور بوده است؟

■ مجتبیای: در این باره ابوریحان بیرونی تصریح دارد.

□ فتوحی: برخی معتقدند که از یونان به خلیل احمد رسیده و بعد از این متأخرین عرب به این قاعده رسیده اند.

■ مجتبیای: این در دوره های بعد بوده، منطق یونانی در مفاهیم و اصطلاحات نحو عربی تأثیر داشته است ولی از قرن سوم و چهارم به بعد است. یعنی از وقتی که منطق یونانی وارد فرهنگ اسلامی می شود البته در زمان ساسانیان برخی کتابهای منطقی از یونانی به پهلوی ترجمه شده و این همان است که ابن مقفع و ابن بهریز به عربی نقل کردند. پیش از آنها هیچ نیست و هرچه بوده همانهایی است که ابن مقفع و ابن بهریز به عربی ترجمه کردند. در اینها اصطلاحاتی که مربوط به نحو باشد نیست و چیزی وجود ندارد که در علم نحو تأثیر گذاشته باشد. حنین بن اسحاق که اولین کتاب را که می توانست مربوط به نحو و منطق باشد ده ها سال بعد از مرگ خلیل بن احمد و سیبویه نوشت. در قرن اول و دوم هجری که مقدمات استنباط و استخراج و بالاخره تدوین قواعد زبان عربی صورت می گرفت دانشمندان عالم اسلامی از فرهنگ یونانی اطلاعی نداشته اند، اگر هم اطلاعی داشته اند درباره چیزهای دیگر بوده است. در مورد فلسفه و منطق و ریاضیات نحو و موسیقی نبوده، موسیقی ای که اعراب پیش از اسلام و در صدر اسلام و پیش از فارابی داشتند، موسیقی عامیانه ای بوده که تنها با گوش می شنیدند و تقلید می کردند، موسیقی علمی با فارابی شروع می شود.

□ دادبه: در آغاز اشارهای شد به مکتب سرعت و مکتب

دقت و آقای محمدخانی از جمع کردن بین این دو مکتب سخن گفتند. من می خواهم واپسین سخن خود را در این گفت و گو زیر عنوان «استاد مجتبیای بزرگ مردی از مکتب دقت» مطرح کنم. نخست بگویم که بنا بر قول مشهور مکتب سرعت با نام استاد مرحوم، سعید نفیسی قریب است و مکتب دقت با نام مرحوم علامه قزوینی. این نکته را هم بیفزایم که من در مقام تأیید هیچ یک به زبان دیگری نیستم؛ بلکه معتقدم که ضرورت های تاریخی و اجتماعی ما سبب ظهور این دو مکتب شده است که هرچه ضرورت نیاید و بدان نیاز نباشد ظهور نمی کند و به وجود نمی آید. به برکت مکتب سرعت، آثار بسیاری از کتابخانه ها بیرون آمد و در دسترس اهل علم قرار گرفت و از پرتو مکتب دقت اثری محدود و معدود، اما سخت منقح و دقیق به جامعه علم عرضه شد، یعنی که هر یک از دو مکتب، پاسخی بود به نیازی... من، یک بار در مجلس بزرگداشت استاد مجتبیای مکتب دقت را به مکتب حافظ تشبیه کردم و روش محققان وابسته به این مکتب را با روش حافظ در جریان نقد و انتخاب و گزینش اشعار خود سنجیدم و گفتم که امروز، در عالم حافظ پژوهی و حافظ شناسی مسلم شده است که پس از خلق غزل، که معلول گونه ای الهام هنری است حافظ به نقد بی رحمانه آثار خود می پرداخته و پس از یک سلسله رد و قبول های جزئی و کلی به انتخاب و گزینش و تغییر الفاظ و تعبیرات دست می زده است و بدین ترتیب راهی دشوار پیش پای حافظ پژوهان می نهاده و کاری سخت در برابرشان قرار می داده است. امروز اختلاف نظرهای سر سر انتخاب و گزینش نهایی حافظ است. راستی انتخاب نهایی حافظ در بیت:

حافظ مرید جام می است ای صبا برو

وز بنده بندگی برسان شیخ جام را

«شیخ خام» است، یا «شیخ جام»؟ انتخاب نهایی او در بیت:

دلت به وصل گل ای بلبل صبا خوش باد

که در چمن همه گلیانک عاشقانه توست

«بلبل سحر» است، یا «بلبل صبا»؟ خدا می داند حافظ

چه مایه وقت صرف می کرده، یا چه مایه تأمل و دقت

می فرموده است تا یک لفظ یا یک تعبیر را جانشین لفظی و

تعبیری سازد! و این امری است کیفی، امری است «بدرک و

لایوصف»... سی سال طول می کشد تا دانشی مردی چون

خانلوی دریابد «شیخ جام» بر «شیخ خام» ترجیح دارد. در

این حکایت، حکایت یک نقطه در بالا یا در پایین حرف «ح»

چه رمز و رازی نهفته است؟ آیا فهم آن، این همه زمان

می طلبد؟ فقط آنان که این همه صرف وقت کرده اند و این

همه تأمل کرده اند می دانند که تفاوت بالا و پایین بودن این

نقطه، تفاوتی است از زمین تا آسمان، اهل دقت می دانند که

حکایت چیست. گاه، در تحقیق و در ویرایش، به ظاهر

اتفاقی چشمگیر نمی افتد، اما اگر نیک بنگریم و اگر اهل

«تأمل» و «دقت» باشیم و به چشم تأمل و دقت بنگریم

چیزهایی می بینیم که هر چشمی آنرا نمی تواند دید... استاد

مجتبیای اصطلاحی دارند، خاص: اصطلاح «پختن»،

می گویند تا «کار پخته نشود آنچه باید بشود نمی شود»، گاه،

دوستان با این اصطلاح و این تعبیر از سر مزاح و شوخی

برخورد می کنند. به نظر من، این جدی ترین سخنی است که

می توان گفت. اهل تحقیق، بویژه اهل دقت تجربه کرده اند و

دیده‌اند که در بسیاری موارد همه‌چیز آماده است: منابع، یادداشت‌ها و حتی آنچه باید نوشته شود، یعنی اثر، اما با این همه آنچه باید باشد نیست. بارها و بارها مطلبی نوشته می‌شود ولی نویسنده را راضی نمی‌کند... بارها و بارها تجدیدنظر صورت می‌گیرد، تقسیم‌ها و طبقه‌بندی‌ها دگرگون می‌شود، کلمه‌ها جابه‌جا می‌گردد و... تا سرانجام پس از تأمل‌های بسیار، کار می‌شود آنچه باید بشود؛ می‌رسد، پخته می‌شود و این امری است «پُرک و لا یوصف»، درست مثل عشق، که:

پرسید یکی که عاشقی چیست

گفتا که چو ما شوی بدانی
باید چنین بود، باید اهل دقت بود، باید به «پخته شدن» باور داشت تا فهمید که این همه شوخی نیست، و گاهی هم به ظاهر، اتفاقی نمی‌افتد، نقطه‌ای بالا و پایین می‌شود به چنین است، چنین، «بوطیقا» و «شهر زیبای افلاطون» غزل‌های سروده شده استاد مجتبیایی هستند که افزون بر هشت یا ده سال است که ناشر انتظار می‌گذشت تا تأملات حافظانه استاد پایان گیرد و کار چنانکه باید «پخته شود» و چاپ دوم به عمل آید...

استاد مجتبیایی چنانکه در تحقیق بزرگ موردی است که مانند در تعلیم هم که مانند است، او نیم قرن تعلیم را پشت سر گذاشته و شاگردانی تربیت کرده است که خود، اکنون استاد هستند. من بیشتر شاگرد آثار استاد بوده‌ام و البته گاه، در برخی از کلاسهای استاد نیز شرکت کرده‌ام و در مقام معلمی که سال‌هاست تا به تدریس اشتغال دارد می‌گویم: استاد از معدود معلمانی است که بر شاگردان خود تأثیر پایدار و فراموش‌ناشدنی می‌گذارند. و من با این دعا که «دیر زیاد آن بزرگوار خداوند» سخنانم را پایان می‌دهم.

□ محمدخانی: البته ما سوالات زیادی از آقای دکتر داشتیم، مثلاً کارهایی که ایشان درباره شاهنامه و کلیله و دمنه کرده‌اند، که نکات تازه‌ای هم دارند ولی چون فرصت نیست انشاءالله در فرصتی دیگر در این باره صحبت خواهیم کرد.

□ دهقانی: یک نکته عرض کنم چیزی که مایه غبن ما در دوران دانشجویی بوده، متأسفانه قطع ارتباط دانشکده‌های مختلف علوم انسانی با هم است و این جلسه الآن برای من یک کلاس درس خیلی عالی بود و این قطع ارتباط باعث شده که نتوانیم از محضر برخی استادان استفاده کنیم و امیدواریم که این پیوند به نحوی برقرار شود. ■ مجتبیایی: من هم از زحماتی که برای معرفی فرهنگ این مملکت متحمل می‌شوید سپاسگزارم.

کارنامه دکتر فتح‌الله مجتبیایی

در طول دوران خدمات فرهنگی خود نزدیک به ۲۰۰ عنوان کتاب و مقاله و شعر و نقد کتاب به صورت

تألیف و ترجمه و تصحیح به زبان‌های فارسی و انگلیسی در ایران و خارج از ایران از دکتر مجتبیایی انتشار یافته است. فهرستی از گزیده این آثار در زیر آورده می‌شود:

الف: کتاب‌ها

۱. شعر جدید فارسی، از ا.ج. آبروی، ترجمه با مقدمه انتقادی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۳.
۲. چیترا و گزیده اشعار، از رابیندرانات تاگور، با مقدمه‌ای در احوال و افکار او، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۳۴.
۳. بوطیقا - هنر شاعری، ترجمه رساله شعر ارسطو، بر اساس چند ترجمه معتبر، با مقدمه و توضیحات، و مقایسه با ترجمه قدیم عربی ابی‌یشر متی و شروح فارابی و ابن سینا و ابن رشد، تهران، ۱۳۳۷.
۴. گزیده اشعار رابرت فراست، ترجمه با مقدمه در شرح احوال و سبک شعر او، تهران، ۱۳۳۸.
۵. عصر طلایی یونان و فلسفه و هنر آن، از ویل دورانت، ترجمه بخش دوم از کتاب تاریخ تمدن جهان، تهران، ۱۳۳۹.
۶. تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، از ا.گ. براون، ترجمه نیمه نخست از جلد دوم تاریخ ادبی ایران، با حواشی و اضافات، تهران، ۱۳۴۱.
۷. شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران

باستان، تهران، ۱۳۵۲.

۸. لغت دری (فرهنگ لغت فرس اسدی طوسی)، تصحیح متن براساس نسخه دانشگاه پنجاب، با حواشی و مقابله با تمامی نسخه‌های موجود آن، با همکاری دکتر علی اشرف صادقی، تهران، ۱۳۶۵.

۹. طوطی‌نامه، ضیاءالدین نخشبی، تصحیح متن و مقدمه در شرح احوال و آثار او، با همکاری دکتر غلامعلی آریا، تهران، ۱۳۷۲.

۱۰. رای و برهن، براساس کلیله و دمنه بهرامشاهی، با مقدمه و توضیحات، ۱۳۷۴.

۱۱. روضة‌العقول یا مرزبان نامه بزرگ، از محمدبن غازی ملطیوی، تصحیح متن، خوارزمی، ۱۳۷۹ (زیر چاپ).

12. Hindu - Muslim Cultural Relations, New Delhi, 1978.

13. Indo - Iranian Studies, (ed.), New Delhi, 1977.

ب: گزیده مقالات

۱. درباره تراژدی هملت (به مناسبت انتشار ترجمه فارسی آن)، راهنمای کتاب، شماره ۲ تابستان ۱۳۳۸، ص ۲۴۲-۲۵۵.
۲. نظامی و هفت پیکر، سخن، تیرماه ۱۳۴۱، شماره ۳، ۲۷۵-۲۷۹.
۳. ذکر چند سنه از تاریخ کبیر جعفری درباره تاریخ وفات فردوسی و خیام و ناصر خسرو، یقما، ۱۳۴۱، شماره ۱۵، ۴۱۵-۴۱۸.



- تهران، ۵۶۹-۶۰۷.
۴۸. اضافه در زبان فارسی (بحث در تاریخ و تحول آن)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ۱۳۷۹، ۳۱۱ تا ۳۱۴.
۴۹. اقبال لاهوری، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ۱۳۷۹، ۶۲۳-۶۳۱.
۵۰. کند و کاو در بیخ و بن چند واژه، یادنامه دکتر احمد تفضلی، تهران، ۱۳۷۹.
51. "A Brief Survey of the History and Development of the Persian Language", *Linguistic Research Group of Pakistan*, Vol. 1, Lahore, 1963.
52. "Persian Translations of Hindu Religious Literature", *Anquetil du Perron Memorial Volume*, *Bulletin of the Ancient Iranian Culture Society*, No.2, Tehran, 1973.
53. Cultural Relations between Hindus and Muslims in India, *Indian and Foreign Review*, vol. 14, No.15, New Delhi, 1977, pp.18-20.
54. "Mani and Shapour", *Journal of the Cama Oriental Institute*, No.46, Bombay, 1978.
- The following 3 lectures were delivered at Zakir Hussain Educational and Cultural Foundation as Zakir Hussain Memorial Lectures for the Year 1977, and published as part of F.Mujtaba i, *Hindu-Muslim Cultural Relations*, New Delhi, 1978.
55. "Albiruni and India-the First Attempt to Understand".
56. "Persian- Hindu Writings - their scope and Relevanee
57. "Hindu - Muslim Mysticism - a common ground for understanding".
58. "Mir findereski in India", *Maqalat wa Barrasiha*, Tehran, 1983.
59. "Persian Hindu Mystical Writings", *Contemporary Relevance of Sufism*, New Delhi, 1993.
- 60-62. Contributions to the Encyclopedia Iranica: "Correspondence (in post- Islamic Iran)", Vol. VI/3; "Dabestan-e-madahib", Vol. VI/5; "Dasatir", Vol. VII/1; "Dawud", Vol. VII/2;
63. "The Iranian Background of the Judeo-Christian Concept of Raz-mysterion", *Mihr-o-Dad-o-Bahar* (Memorial Volume of Dr. Mehrdad Bahar), *Anjuman-e-Athar o Mafakher-e Farhangi*, Tehran, 1377 sh.
- بزرگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۷، ۲۴۷-۲۵۹.
۲۵. افسانه‌های جهانگرد، کتاب سخن، ۱۳۶۸، ۱۵-۲۲.
۲۶. ابراهیم ادهم، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۸، ۴۰۳-۴۰۷.
۲۷. ابلیس در عرفان و ادب، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ۱۳۶۸، ۵۹۷-۶۰۵.
۲۸. ابن خفیف، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ۱۳۶۹، ۴۳۳-۴۳۹.
۲۹. ابن سبعین، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ۱۳۶۹، ۶۵۷-۶۶۴.
۳۰. نقل علوم و معارف هندی به جهان اسلامی، هفتاد مقاله، ج ۲، ۶۹۷-۷۱۲، تهران ۱۳۶۹.
۳۱. حافظ و امیر معزی، مجله ایران‌شناسی، مرلند، آمریکا، سال ۳، شماره ۲، ۱۳۷۰، ۳۶-۳۳.
۳۲. از حواشی دیوان حافظ، قافله‌سالار سخن، خائری، تهران، ۱۳۷۰، ۲۴۳-۲۵۳.
۳۳. ابن سینا - ادب و عرفان و زبان‌شناسی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ۱۳۷۰، ۴۱-۴۹.
۳۴. داستان‌های هندی در ادب فارسی، یکی قطره باران، تهران، ۱۳۷۰، ۴۷۱-۴۸۹.
۳۵. از حواشی دیوان حافظ، کتاب سخن، تهران ۱۳۷۱، ۲۱۲-۲۳۱.
۳۶. سخنی درباره شاهنامه، مجله هستی، اسفند ماه ۱۳۷۱.
۳۷. نسخه‌ای کهن از شاهنامه، آینده، فروردین - خرداد ۱۳۷۲، ۲۹۱-۳۰۲.
۳۸. ابن یمین، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ۱۳۷۲، ۱۴۴-۱۴۶.
۳۹. ابوالقاسم فندرسکی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ۱۳۷۳، ۱۶۹-۱۷۳.
۴۰. گفتگوی اقبال و حافظ، نامه شهیدی، تهران، ۱۳۷۴، ۳۹۵-۵۱۱.
۴۱. زبان اردو (تکوین و گسترش آن) در شبه قاره، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ۱۳۷۵، ۵۴۱-۵۴۷.
۴۲. احمد سرهندی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ۱۳۷۵، ۴۸-۵۹.
۴۳. داستان ملاقات و مکاتبات بوعلی و بوسعید، نامه فرهنگستان، سال ۲، شماره ۲، ۱۳۷۵، ۵-۲۲.
۴۴. اسلام در شبه قاره، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ۱۳۷۷، ۵۶۲-۵۸۱.
۴۵. بر حواشی دیوان حافظ، ارج نامه ایرج، ج ۱، ۱۳۷۷، تهران، ۳۲۱-۳۲۸.
۴۶. میرفندرسکی در هند، خرد جاودان، (جشن نامه استاد جلال آشتیانی)، تهران ۱۳۷۷، ۵۹۵-۶۱۹.
۴۷. بر حواشی دیوان حافظ، مهدوی‌نامه، ۱۳۷۸،
۴. افلاطون و آیین داریوش، سخن، مهر ۱۳۵۰، شماره ۳، ۲۱۳-۲۲۳.
۵. افلاطون و نظام طبقاتی هند و ایرانی، سخن، خرداد ۱۳۵۱، شماره ۱۱، ۱۰۵۳-۱۰۶۴.
۶. زرتشت و ایران‌شناسان آیین روزگار، سخن، مهر ۱۳۵۱، شماره ۳، ۲۲۷-۲۳۷.
۷. بیرونی و هند، بررسی‌هایی درباره ابوریحان بیرونی به مناسبت هزاره ولادت او، شورای عالی فرهنگ و هنر، تهران ۱۳۵۳، ۲۴۲-۲۹۱.
۸. بیرونی و علم ادیان، یادنامه بیرونی، مرکز مطالعات فرهنگی، ۱۳۵۳، ۱۲۹-۱۴۳.
۹. تاراجند، اسلام‌شناس ایراندوست، آثار و افکار او، مقالات و بررسی‌ها، تهران، ۱۳۵۲.
۱۰. داستان‌های بودایی در ادبیات فارسی، آیندو ایرانیکا، کلکته (یزم ایران)، ۱۳۵۴.
۱۱. چند نکته درباره رستم و سهراب بنیاد شاهنامه، سخن، خرداد ۱۳۵۳، شماره‌های ۷ و ۸.
۱۲. داستان‌های بودایی در ادبیات فارسی - داستان گاو نادان، سخن، دی و بهمن ۱۳۵۵، شماره ۷ و ۸، ۶۸۳-۶۸۸.
۱۳. ایران و هند در دوره ساسانی، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، فروردین ۱۳۵۸، شماره ۲۰، ۶۰-۹۱.
۱۴. عرفان پیر هرات، مقالات و بررسی‌ها، تهران، ۱۳۵۸، شماره ۳۲-۳۳، ۱۱-۴۰.
۱۵. رنگ تن پوش افراد طبقات در جامعه هند و ایرانی، آرش، مهر ۱۳۶۰، شماره ۷، ۷۵ و ۷۶.
۱۶. چند نکته دیگر درباره ابیاتی از شاهنامه، آینده، آبان، آذر ۱۳۶۲، ۶۰۲-۶۱۲.
۱۷. اصل اخذ و اقتباس در نقل مفاهیم علمی - تجربه‌های چین و هند و پاکستان، نشر دانش، مهر و آبان ۱۳۶۲، ۲-۹.
۱۸. ملاحظات درباره اعلام کلیله و دمنه، مجله زبان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۳۶۲، شماره ۲، ۳۱-۶۳.
۱۹. حافظ و امیر خسرو، آینده، بهار ۱۳۶۴، ۴۹-۶۹.
۲۰. آشنایی مسلمانان با منطق ارسطویی، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۳۳-۴۴، ۶۷-۱۳۶۶، ۱۹-۳۹.
۲۱. آیا حافظ مهرپرست بود؟ (پاسخ به پرسش)، شرح غزل‌های حافظ، نوشته دکتر حسینعلی هروی، تهران، ۱۳۶۷، ج ۳/۳، ۱۴۰۳-۱۴۰۷.
۲۲. آخرالزمان، در یهود و مسیحیت، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۷، ۱۳۶-۱۴۴.
۲۳. آدم در یهود و مسیحیت، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۷، ۱۷۲-۱۷۹.
۲۴. آذریکیان و ادبیات آذریکیانی، دایرة المعارف

چکیده

پژوهشی که تحت عنوان «سعدی و جانسون»: پژوهشی تطبیقی درباره «گلستان و راسلاس» صورت گرفته است بر اساس اشارات مکرر به غنای ادبیات فارسی در راسلاس و شباهت‌های مشهود بین این دو اثر از نظر ساختار ظاهری، مضامین اخلاقی، فلسفی، آموزشی، سبک نگارش و جهان‌بینی کلاسیسیستی این دو اثر بوده است. این شباهت‌ها پژوهشگر را بر آن داشت که به تحقیق در مورد دو نکته اصلی بپردازد: ابتدا اینکه ساموئل جانسون، نویسنده و منتقد نامی قرن هیجدهم نئوکلاسیسیسم انگلستان تا چه حد با ادبیات شرق و ادبیات فارسی آشنایی داشته است که سبب شده در اثرش راسلاس بر عظمت این ادبیات تا این حد تأکید کند؟ دیگر اینکه این آشنایی و احتمالاً تأثیرپذیری از چه طریق صورت گرفته و سرانجام چگونه به شباهت‌های ظاهری مذکور منتهی شده است؟

با مراجعه به زندگینامه و منابع تاریخی، پژوهشگر به اطلاعات جالبی دست یافت که مایه شگفتی شد، زیرا نشان از این داشت که علاقه جانسون به ادبیات شرق و ادبیات فارسی ریشه در آشنایی او با آثار ترجمه شده به زبان فرانسه و سپس به زبان انگلیسی داشته است و حتی خود به ترجمه آثاری که متأثر از آثار شرقی بوده پرداخته و از طریق مطالعه ترجمه شاردن مستشرق و ایران‌شناس فرانسوی با آثار کلاسیک فارسی آشنا بوده است. در ادامه کار پژوهش، پژوهشگر به ردیابی و تطبیق شباهت‌ها میان این دو اثر

می‌پردازد. در این مقایسه نگارنده به شباهت‌های شایان توجهی بین مضامین اخلاقی، فلسفی و اجتماعی از یک طرف، و ساختار داستان - در - داستان سبک نگارش گلستان و راسلاس، از طرف دیگر، دست می‌یابد.

شاید یکی از مشهودترین شباهات میان سعدی و جانسون دیدگاه جهانی این دو نویسنده است که ریشه در ماهیت کلاسیسیستی جهان‌بینی آنان دارد. بنابر شواهدی که از محققین سعدی در این بررسی اجمالی توسط نگارنده گردآوری شده است، همه ناقدان در تأکید بر دیدگاه جهانی وی همدل و هم‌کلام هستند. در اثبات دیدگاه کلاسیسیستی جانسون نیز چه گواهی آشکارتر از این که وی از واضعان، پیش‌کسوتان و نظریه‌پردازان مکتب نئوکلاسیسیسم قرن هجدهم بوده است به طوری که دیدگاه‌های وی درباره ادبیات کمک اصلی ارزیابی آثار کلاسیک این دوره بوده است.

یکی از محوری‌ترین اصول مکتب کلاسیسیسم، جهانی بودن آن است. بر همین اساس، رسالت نویسنده کلاسیک آن است ادبیاتی بیافریند که بی‌زمان باشد و در همه قرون و اعصار و برای همه نسل‌های انسانی دلنشین و خواندنی بنماید. این آن ادبیاتی است که از دیدگاه کلاسیسیسم ماندگار خواهد ماند. برای چنین نویسنده‌ای الگوی اصلی ادبیات همان طبیعت است که عنصری است جاودانه و غیرقابل تغییر که همواره بوده و هست و خواهد بود. پس نویسنده کلاسیک برای به تصویر کشیدن زندگی انسانی، باید به طبیعت انسان و به جنبه‌هایی از این طبیعت بپردازد که بین همه انسانها مشترک است و از روز ازل و ابتدای خلقت با سرشت

انسان درآمیخته است. این طبیعت مشترک بین همه انسانها و خصوصیات کلی که با گل انسان از ابتدای آفرینش سرشته شده است، از نظر نویسنده کلاسیک، به رغم همه تحولاتی که در زندگی بشر رخ داده، همچنان ثابت باقی مانده است. به عبارت دیگر، انسان ابتدای آفرینش جهان توسط پروردگار با انسان امروزی چندان توفیری ندارد. البته این بدان معنا نیست که کلاسیسیسم تفاوت‌های فردی را نادیده می‌گیرد. برعکس نویسنده کلاسیک از این تفاوت‌های فردی بهره می‌گیرد تا به قوانین کلی و ویژگی‌های مشترک بنا شود، هر انسانی در هر زمان و هر مکان با آن ارتباط برقرار می‌کند. خوبی و بدی در وجود انسان همواره به صورت معصومیت و پاکی و یا زشتی به شکل عشق به قدرت، حسادت و بخل، غرور، شهوانیت و غیره بروز کرده است. این ویژگی‌هایی نیست که با گذشت قرون و تغییر شکل زندگی انسانی، از وجود انسان زوده شود و خصوصیات دیگر جایگزین آنها گردد. به همین دلیل، دکتر ساموئل جانسون در اثرش راسلاس از زبان ایملاک، که درواقع نماینده افکار و باورهای خود او است، می‌گوید: «کار شاعر این نیست که به فرد بپردازد بلکه شاعر باید توجهش را بر نوع (Species) و بر خصوصیات کلی متمرکز کند: او بنا نیست به شمارش گلبرگ‌های گل لاله و یا به توصیف رنگ‌های مختلف درخت‌های یک جنگل بپردازد. او در تصویرش از طبیعت باید آن خصوصیات چشمگیر و برجسته را مورد تأکید قرار دهد که طبیعت را به شکل اصیل و ازلی آن به ذهن متبادر سازد.»^۱ بنابر این نویسنده کلاسیک این احساس تعهد را می‌کند که جهان اطراف خود را چنان بازتاباند که

جهان بینی کلاسیک سعدی و جانسون

اثرش چون آینه‌ای باشد که در مقابل جهان هستی و طبیعت قرار گرفته است.

وجود این ویژگی در گلستان سعدی همان خصوصیتی است که سبب برجستگی و محبوبیت این اثر در میان ملل اروپا و جهان شده است. شادروان استاد زرین کوب می‌گوید:

«... (سعدی) در گلستان نظرش اینست که انسان و دنیا را آنچنان که هست توصیف کند... اما سعدی در توصیف و تصویر چنین دنیایی قدرت و مهارت عجیبی به خرج داده است و دنیایی که در گلستان ساخته است هر چند تا اندازه‌ای خیالی است، تصویر درست دنیای واقعی است با همه قراز و نشیبها و با همه غرایب و عجایب آن، این دنیا را سعدی نیافریده است، دیده است و درست وصف کرده.»^۲

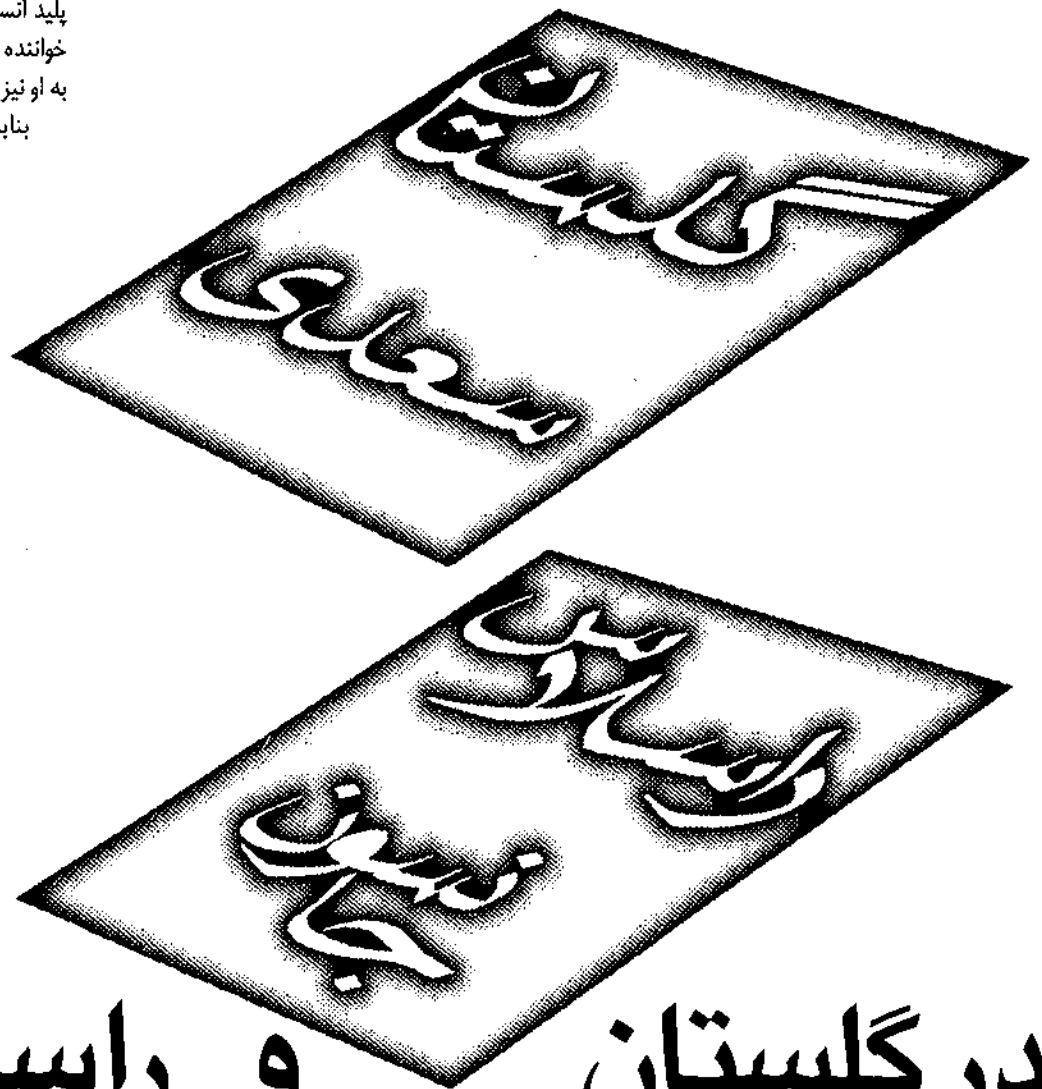
همچنین جروم کلینتون در بحث خود درباره تأثیر سعدی بر امرسون به این نکته می‌پردازد که امرسون خلاصه‌ای از زندگی سعدی را ارائه می‌دهد تا «به خوانندگان بفهماند که وسعت تجربیات سعدی و مشکلاتی که با آنها روبرو بوده است، از او آدمی ساخته است که مثل همه نویسندگان مشهور جهان تنها در یک ملت و یک شهر اهلیت ندارد، بلکه دنیایی است.»^۳ ایملاک نیز در راسلاس می‌گوید که هر

کشوری را که بدان سفر کرده است، سهمی در تقویت توانایی شاعرانه وی داشته است.

جاذبه کلاسیک گلستان سعدی و شباهت آن به سایر آثار کلاسیک به حدی است که داستان بیستم از باب هفتم دقیقاً یادآور بحثهای ارسطو در مورد ماهیت مالکیت است.^۴ هنری ماسه در تحقیق خود، مجموعه‌ای از نظرات ادباء را در مورد سعدی ارائه می‌دهد:^۵ رنان، زبان‌شناس و مورخ و منتقد فرانسوی، بر این باور است که «سعدی به واقع یکی از ماست». باریه دومنار، در مقدمه ترجمه خود می‌گوید که سعدی از همان ظرافت هوراس، سهولت بیان آوید، حضور ذهن طنزآمیز رابله و سادگی اندیشه لافونتن بهره‌مند است. بدینسان در میان نقدهای ناقدان غربی، مکرراً به اشاره آنان به جهانی بودن گلستان سعدی برمی‌خوریم.^۶ این شباهت بین جهان‌بینی سعدی و جانسون سبب شده است که سرویلیام جونز چنین اظهار نظر کند که «سعدی را می‌توان در کنار درآیدن و پوپ (معاصرین جانسون) قرار داد»^۷ آربری نیز از امرسون نقل قول می‌کند که سعدی تنوع غریبی از موقعیت‌ها و رخدادها را به نمایش می‌گذارد و گستردگی تجربه و ژرف‌نگری او نسبت به تجربه انسانی با همین جنبه‌ها در دکتر ساموئل جانسون و جهانی بودن ادبیات

وی برابری می‌کند.^۸ درواقع هرگاه سخن از جانسون به میان می‌آید، بلافاصله نظرات کلاسیسیستی او در مورد ادبیات و شعر مطرح می‌گردد.^۹ در واقع، راسلاس بخاطر همان ماهیت کلاسیک، حتی امروز برای خوانندگانش جاذبه دارد، زیرا داستان راسلاس که داستان جستجوی انسانها بدنبال خوشبختی است، در دنیای آشفته امروزی که همه امیدهای انسان به یأس بدل می‌شود، بیانگر آرمانهای انسان امروز است.^{۱۰} با توجه به این امر که جانسون از نظریه پردازان نئوکلاسیسیسم قرن هیجدهم بوده است، بحث در مورد ماهیت کلاسیک جهان‌بینی او را در اینجا خاتمه داده و به دنبال کردن مظاهر آن در آثار سعدی و جانسون می‌پردازیم.

به هنگام بررسی ماهیت کلاسیک جهان‌بینی سعدی به شباهت افکار او با هوراس نظریه پرداز کلاسیک رم باستان پی می‌بریم. هوراس در نظریه‌اش درباره ادبیات می‌گوید که رسالت نویسنده تقلید از اعمال انسانی و دنیایی است که این اعمال در آن صورت گرفته است. بنابراین موضوع اصلی آثار کلاسیک، اعمال انسانی است ولی نویسنده و یا شاعر بنا نیست به موعظه در مورد این اعمال بپردازد، بلکه باید با استفاده از پیرایه‌ها و زینت‌های زبانی چنان به این اعمال بپردازد که تحسین خواننده را نسبت به اعمال پسندیده انسانی و نفرت او را نسبت به اعمال پلید انسان برانگیزد. بدینسان با تحت تأثیر قرار دادن خواننده و مخاطب خویش نه تنها به او لذت بخشد بلکه به او نیز درسی بیاموزد. بنابراین طبیعی است که یکی از مضامین اصلی



هنگام اولیایی نیا

و راسلاس

در گلستان

ادبیات کلاسیک، انسان و شخصیت انسانی باشد. موضوع اصلی راسلای جانسون حول محور شخصیت انسان و جستجوی او برای دستیابی به خوشبختی و سعادت ابدی است. آنچه در تمام زندگی و باورهای جانسون رخنه کرده، اعتقاد به این اصل است که خوشبختی فعلی و آتی انسان باید هدف اصلی همه فعالیت‌های بشری باشد. جانسون در عمل و در زندگی خصوصی خود نیز گرایش غیرقابل انکاری به انسان‌دوستی و خیرخواهی داشت.^{۱۱} برانسون در مقاله خود به این جنبه از شخصیت و دیدگاه جانسون که مبتنی بر موضوع انسان است می‌پردازد: «او خانه‌اش به یک مهمانخانه تبدیل شده بود... او با دل شکستگان و مطرودین مهربان بود، بدهکاران را یاری می‌داد و همه دارایی خود را به مستمندان می‌داد... با رهنمودهای خود نویسندگان جوان را یاری می‌داد، نوشته‌هایشان را ویراستاری می‌کرد و نقش قیم را برای آنان ایفا می‌کرد».^{۱۲}

در نتیجه این ارتباط نزدیک با اقشار مختلف و انسانهای گوناگون، جانسون چنان شناخت عمیقی از شخصیت انسانی کسب می‌کند که همین دستمایه نوشته‌های او می‌شود. تجلی همه این دانش بشری را در راسلای می‌توان دید. دانش او از همتوئانش سبب شد که بتواند همه مضامین بشری را به بهترین وجه در آثارش به نمایش گذارد. همچنین علاقه او به روانشناسی، به نقدهایش تنوع و بدعتی ویژه می‌بخشد. برای مثال تحلیل او از شخصیت‌های شکسپیر در سایه دانش او از طبیعت انسان، از ارزش و جذابیتی خاص برخوردار شده است.^{۱۳} حتی کاتلین گرانج در مقاله‌ای به دانش روانشناختی جانسون در مورد ذهن و شخصیت انسانی اشاره می‌کند که به آثار او بعد تازه‌ای می‌بخشد.^{۱۴} جانسون در راسلای به تأثیر غم و اندوه، شادی و تخیل و حتی مشکلات خانوادگی بر شخصیت انسانها می‌پردازد. در مقاله دیگری به قلم هَنسِن (Hansen) با مقایسه راسلای با بهشت گمشده میلتن، نشان می‌دهد که در راسلای به بررسی مضمون انسان‌گرایانه یعنی طبیعت انسان و

نقش کلی آن در زندگی بشر می‌پردازد. او تأکید می‌کند که راسلای، شخصیت اصلی داستان، از همان ابتدای داستان با این موقعیت دوگانه در بهشت زمینی خود روبرو می‌شود و مانند هاملت از خود می‌پرسد آیا انسان آفریده شده است که فقط به خوردن و خوابیدن بپردازد؟ اگر چنین است، چه تفاوتی با حیوان دارد؟ و خود در نهایت به این پاسخ می‌رسد که خداوند به انسان بیهوده اندیشه و توانایی‌های خداگونه عطا نکرده است. بنابراین راسلای نیز چون سایر انسان‌گرایان به مسأله انسان، طبیعت و فطرت او و مسؤولیت‌ها و تعهدهایش می‌اندیشد. همچنین نویسنده اضافه می‌کند که زیبایی و ارزش کار جانسون در این است که سعی ندارد برای پیچیدگی‌ها و تعارض موجود در جهان هستی راه حلی ارائه دهد، بلکه این جهان و انسان را، گاه با عظمتش به نمایش می‌گذارد و گاه با بلاهتش.^{۱۵} این نظر کاملاً شبیه به نظری است که استاد زرین‌کوب در مورد سعدی و بازآفرینی واقع‌گرایانه جهان اطراف خود بیان می‌کند.^{۱۶} هاردی در مورد راسلای می‌گوید که جانسون به توصیف «ایرانیها و مصریها نمی‌پردازد، بلکه به کل انسان و نوع بشر نظر دارد».^{۱۷} بازول می‌گوید: «این داستان با تمام جاذبه‌های تصاویر

شرقی‌اش، و قدرت و زیبایی زبان انگلیسی قادر است ما را از کنار همه صحنه‌های مهم زندگی عبور دهد و این صحنه زندگی را که سرشار از «بیهودگی و آزردهای روحی» است به ما بنمایاند».^{۱۸}

همچنین با یک نگاه گذرا به ابواب مختلف گلستان سعدی، خواننده متوجه موضوع و محور اصلی اثر، یعنی «انسان» خواهد شد. سعدی نیز با شناخت ژرفی که از شخصیت انسانی، کنشها و واکنشهای او دارد، به همه جنبه‌های شخصیتی او و به طبیعت وی می‌پردازد: همان توجه و تمرکز معمول و متداول در ادبیات کلاسیک، سعدی نیز مانند جانسون در اثرش با شناختی که از فطرت انسان دارد، همواره به انسان علیه از خودبیگانگی هشدار می‌دهد و او را به خودشناسی ترغیب می‌نماید. از نظر سعدی، خودشناسی اولین گام به سوی آزادی انسان است.^{۱۹} آرچر با توجه به دیدگاه ژرف سعدی در مورد انسان و تعمق وی در ابعاد شخصیتی انسان، از او به عنوان فیلسوف یاد می‌کند.^{۲۰} سرانجام، استاد غلامحسین یوسفی در مقدمه کلیات سعدی به توضیح در مورد موضوعاتی می‌پردازد که همگی با طبیعت انسان سر و کار دارد.



تاکنون سعی بر آن بوده است که شباهت میان دیدگاه و جهان بینی کلاسیک سعدی و جانسون را جستجو کنیم. گفتیم بر اساس اصول بنیادی کلاسیسیسم، ادبیاتی ماندگار است که بر عنصر جاودانه و غیرقابل تغییر طبیعت مبتنی باشد، زیرا طبیعت محک و الگوی هنر است. نویسنده کلاسیک باید طبیعت را، چه طبیعت بیرونی و چه طبیعت درونی انسان را - آن چنان که هست بنمایاند. در نئوکلاسیسیسم قرن هیجدهم، وقتی سخن از طبیعت به میان می آید، بیشتر طبیعت انسان مدنظر است چنانچه دیدیم هوراس ادبیات و شعر ارزشمند را تقلیدی از اعمال انسانی و دنیایی که این اعمال در آن حادث می شود، می پندارد. بنابراین انسان و طبیعت وی سرلوحه این ادبیات است و چنانچه اشاره شد مضمون و موضوع اصلی گلستان و راسلاس، انسان است: موضوعی که مستلزم شناخت عمیق و تجربه گسترده، همه جانبه و جهان شمول نویسندگان آن است. این گونه ادبیات انتظار می رود نه تنها لذتبخش و دلنشین باشد، بلکه بینش خواننده را وسعت بخشد. با این وجود، منظور از آموزش، ارائه سخنرانی ها و خطابه های وعظ گونه نیست، زیرا این امر می تواند برای خواننده و مخاطب اثر ملال آور شود. ولی آنچه گلستان و راسلاس را بعنوان آثار برجسته ادبیات کلاسیک محک می زند، ماندگار بودن و خواندنی بودن آنها برای همه نسلها و در همه قرون و اعصار است. پندآموز بودن ادبیات خود یکی از اصول محوری کلاسیسیسم و از جاذبه های نخستین آن است. این جنبه غنی آموزشی این دو اثر که آنها را به عنوان دو اثر جاودانه کلاسیک برجسته ساخته، شایسته بحث و بررسی گسترده تری است تا نقاط مشترک بین این دو اثر نیز آشکارتر گردد.

جنبه آموزشی گلستان به حدی است که سعدی در گلستان بصورت «ناصح»^{۲۱} و اندرزگویی ظاهر می شود که شیوایی و سلاست کلام و تنوع ماجراهایش، نه تنها ملال آور نیست، بلکه هر حکایت را چون گلی، رنگ و

بویی تازه می بخشد و از اثر به حق گلستانی می پرورد که باعث انبساط خاطر خواننده می شود. پروفیسور آربری به این واقعیت اشاره دارد که بسیاری از شاعران فارسی زبان چون ناصر خسرو و سنایی و فردوسی قبل از سعدی به نوشتن ادبیات پندآموز پرداخته اند و سعدی نیز وارث سنت آنان است، ولی آن چه در نوشته های سعدی چشمگیر است مهارت او در به هم آمیختن نکات نغز و خردمندانه با خاطرات و ماجراها است. سعدی در ارائه قصه های ساده استاد است که این رخدادهای بیشمار از ماجراهای زندگی خود او، چه واقعی و چه غیرواقعی باشد و چه آمیزه ای از حقیقت و تخیل، بدانها ظاهری حقیقی و جذاب می دهد.^{۲۲} آربری همچنین با نقل قول از امرسون، به همراه او به تحسین دیدگاه مذهبی و پندآموز سعدی و تأثیر آن بر خوانندگان غربی می پردازد. امرسون می گوید:

«چه تفاوتی است میان لحن بدبینانه بایرون و فرد خیرخواهانه سعدی!... من در او خداشناسی ناب می یابم. او بر مکافات ابدی و جهانی بودن قوانین اخلاقی تأکید می ورزد. او برتری روحی با تقوا را گرمی می شمرد. نوعی خداپرستی صمیمانه، که با احساسات ملت او همسازی دارد، در نوشته های او امری عادی بشمار می آید. همه شکل های مختلف ادب و نزاکت و حتی امور روزمره زندگی مذهبی و عرفانی را به خود می گیرد همانگونه که در اروپای قرون وسطی چنین بود... ایرانیان «فرانسویان آسیا» نامیده شده اند. خود برتر آنان، حرمتی که برای انسانهای دانشمند و فرهیخته داشته اند، استقبال آنان از غریبان، و تحمل و پذیرش آنان در سرزمینشان نسبت به فرقه های مسیحی همگی از فرهنگ غنی چنین شاعرانی (سعدی) سرچشمه می گیرد... که سبب شده ایرانیان همواره به متمدن ساختن غاصبان خود بپردازند و هویت ملی خود را همچنان حفظ کنند...»^{۲۳}

همچنین اروپائیان در قرن هفدهم و هیجدهم که هرگونه تأثیرپذیری از ملتهای دیگر را بیگانه پرستی

می دانستند و ادبیاتی که از کشورهای همسایه چون انگلستان و آلمان وارد کشورشان می شد، ادبیات «وارداتی و صادراتی» می پنداشتند، در مورد سعدی به گونه ای دیگر می اندیشیدند «چون در آن روزگار مردم پای بند اخلاق و دین و مذهب بودند».^{۲۴}

جروم رایت کلیتون نیز اهمیت و ارزش جنبه های اخلاقی و پندآموز سعدی را با ساموئل جانسون مقایسه می کند: «سعدی از لحاظ تنوع موقعیتها و عمق تجربیات دست کمی از کاردینال دورتس در پاریس و دکتر جانسون در لندن ندارد. او در چارچوب تنگ بوم نقاشی خود جا برای موضوعاتی چون افراط اکثریت، نقش انگیزه ها، حکومت سرنوشت، درس اخلاقیات و تصاویر مردان بزرگ حفظ می کند. ریشه بسیاری از داستانها و ضرب المثلهایی که امروزه بر سر زبانها است و ما آنرا به نویسندگان معاصر نسبت داده ایم، به او بازمی گردد».^{۲۵}

لوی (Levy) نیز به اهمیت نکته های نغز اخلاقی و آموزنده گلستان اشاره می کند که حتی امروز برای اینکه مردم به بحث خود رونق بخشند و یا رنگ و بویی به داستانی که روایت می کنند بدهند، عبارات سعدی را از گلستان نقل قول می کنند، همانگونه که عبارات هاملت و یا نمایشنامه های دیگر شکسپیر در انگلستان به همان منظور نقل قول می شود:

«نوشته های سعدی نه تنها ارزش تقوا، تواضع، سخاوت و شکیبایی را می آموزند، بلکه شرایط اجتماعی زمان او را به همراه آرمانهای برتر مبتنی بر فلسفه عملی و دنیوی درهم می آمیزند. این آمیزه به زیبایی در نخستین داستان گلستان متجلی می گردد که سعدی در آن به این نکته می پردازد که گاه یک دروغ مصلحت آمیز که سبب خیر شود بهتر از حقیقتی است که سبب شر گردد. همچنین این اصل روشنگرانه منافع فردی در داستان کشتی گیر جوان به نمایش درمی آید که در یک مسابقه سرنوشت ساز، رقیب سرسخت و خطرناکی را شکست می دهد که زمانی شاگرد خود او بوده

آرچر هم تأکید می‌کند که چون گلستان سعدی مجموعه‌ای غنی از داستانهای اخلاقی و اشعار آموزنده و ضرب‌المثل‌های عامه است، همواره برای ایرانیان که همیشه از کلمات قصار و ضرب‌المثل‌ها لذت برده‌اند، جاذبه‌ای خاص داشته است. ضرب‌المثل‌هایی که در قالب یک داستان و ماجرا، جاذبه و شیوایی ویژه‌ای می‌یابد. ۲۷

هانری ماسه نیز ضمن اشاره به اینکه سخن‌های سعدی سراسر مثال است و پند ولی این پندهای اخلاقی را باید از لایه‌لای سطور حکایات جستجو کرد، چنین می‌گوید:

«سعدی مانند لوکرس (شاعر روم قدیم) یا وینی (Vignie) شاعر غزل‌سرای فرانسوی) فیلسوف نیست. سعدی شاعری است که تعلیم اخلاق می‌دهد، یعنی تعلیم‌دهنده اخلاق به معنای دقیق کلمه. یعنی او مصطفی است که رسوم، عادات، افعال و خلقیات معاصران خود را مطالعه می‌کند: از همه این مشاهدات و مطالعات ناگزیر برخی اندیشه‌های عمومی خود به خود بدست می‌آید. اما این اخلاق، بیش از هر چیز حائز جنبه عملی است و در وهله اول باید همین جنبه عملی اخلاق سعدی را در نظر گرفت. سعدی پیش از آن که انسان را به ذات خود مورد مطالعه قرار دهد، به موضع‌گیری وی در برابر هم‌نوعان می‌نگرد: خطاها و عیبها را می‌بیند و دور از هر انتقاد نیشدار - سعدی به ندرت هجو و طعن بکار می‌برد - می‌کوشد در اشعار خود آداب و قواعد بهتری را پیشنهاد نماید.» ۲۸

سپس همانگونه که قبلاً در مورد بینش روانشناختی جانسون مطرح شد، هانری ماسه می‌افزاید: «بر این اخلاق - که به آدمی طرز رفتار در برابر هم‌نوعان را تعلیم می‌دهد - یک رشته نکات روان‌شناختی نیز، برحسب وضع اجتماعی شخص، افزوده می‌شود که ترسیم سیمای انسان آرمانی سعدی را میسر می‌سازد.» ۲۹

تاریخ ادبیات و تاریخ نقد ادبی انگلستان نیز مملو است از اظهار نظر ناقدان مختلف در مورد ابعاد اخلاقی راسلاس، اثر دکتر ساموئل جانسون. تقریباً مقاله‌ای در

مورد راسلاس وجود ندارد که به جنبه پندآموزی اثر اشاره نداشته باشد. بوریس فورد (Boris Ford) اعلام می‌کند که اقتدار جانسون در این واقعیت متافیزیک نهفته است که وجود حقیقت مذهبی رشته‌ای از حقایق اخلاقی را تضمین می‌کند. حتی نقد ادبی جانسون سرشار است از اخلاقیات انسان‌گرایانه مسیحی (Christian Humanism). باور جانسون مانند آن‌چه از شخصیت منجم در راسلاس می‌شنویم این است که «خداوند انسان را در تعمق و تفکر در آسمانها مختیر نموده است ولی در ضمن پای‌بندی به ایمان و تقوا را نیز بر انسان حکم فرموده است.» ۳۰ (فصل ۶۰ از راسلاس). افزون بر آن، فورد به هشدارهای جانسون علیه نخوت و غرور اشاره می‌کند. جانسون توصیه می‌کند که انسان متواضع و قانع باشد و از آن‌چه می‌داند و دارد راضی باشد. انسان خدا نیست. انسان نمی‌تواند به این آرمان دست یابد که به هر دانشی دسترسی داشته باشد ولی می‌تواند بدان نزدیک شود.

دونالد گرین در ضمن دسته‌بندی باورها و گرایش‌های قرن هیجدهم که در آثار این دوره و بخصوص در آثار دکتر ساموئل جانسون بازتاب یافته، تأکید می‌کند که رساترین صدا در این عصر، صدای جانسون و ادبیات پندآموز او است. ۳۱

جانسون شعری به نام «بیهودگی خواسته‌های انسانی» (The Vanity of Human wishes) نوشت که در آن نمونه‌های متعددی از تاریخ رفتار انسان را از چین و روم و یونان و ایران و انگلستان و اروپا می‌آورد که همگی بخاطر بلندپروازیهای بیش از حد خود، حتی در حیطه علم و ادب، به نابودی کشیده شدند. در پایان به یک نتیجه کلی می‌رسد که همه زیاده‌خواهی‌های انسان، هنگامی که او را از حد و حیطه خود بیرون راند، بیهوده و ابلهانه است. تومارکن (Tomarken) بر این باور است که از قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم تصور این بود که راسلاس دقیقاً همان شکل منتور این شعر است. ۳۲

هرمان لیبرت (Liebert) نیز می‌گوید که یکی از عناوین متداولی که در قرن معاصر به جانسون داده

شده، لقب «معلم بزرگ اخلاق» است. او معتقد است که جانسون انسانی بود که به رغم خلأهای روحی خود همواره یک هدف و اولویت را دنبال می‌کرد: خوشبختی انسان در دنیا و رستگاری او در آخرت. جانسون کسی است که تأثیر اخلاقی وی همواره به شکل پویا تداوم خواهد داشت. ۳۳ جرج سنتزبری (George Saintsbury) راسلاس را خردمندانه‌ترین کتاب در تمام ادبیات انگلیسی می‌داند. ۳۴ کلب نیز آنرا اخلاقی‌ترین و پندآموزترین اثر می‌شمارد. جنبه‌های دینی، اخلاقی راسلاس به حدی غنی است که گاه ناقدان به بررسی انطباق آن مضامین با انجیل پرداخته‌اند. ۳۵ در زمان جانسون، راسلاس در مقاله‌ای در London Magazine بعنوان «داستانهای اخلاقی» و در The Critical Review این اثر به عنوان «تبلور اخلاقیات عملی»، مورد تحسین قرار گرفت. ۳۷ هاردی بر این نکته تأکید می‌ورزد که مسأله آموزش در راسلاس زمانی اهمیت خاصی پیدا می‌کند که راسلاس بعنوان شاهزاده باید خودش تجربه کسب کند و به بلوغ و پختگی شخصیتی برسد. ۳۸ نوع داستان و نوع تجربه‌ای که در آن ارائه می‌شود، به این باور دامن زده است که راسلاس در همان خط متون و داستانهای قرار دارد که قصدشان آموزش شاهان و شاهزادگان است. ۳۹ چنانچه می‌دانیم و خواهیم دید بخش قابل توجهی از گلستان یعنی «در باب پادشاهان» دقیقاً با همین موضوع و منظور به تحریر درآمده است. سرانجام نیو (New) می‌گوید که آموزش واقعی در راسلاس در آموختن چگونه اندیشیدن است. ۴۰

سخن کوتاه که در تمام نقدهایی که درباره راسلاس و گلستان نوشته شده است، حتی اگر موضوع اصلی مقالات بر جنبه‌های دیگر این آثار مبتنی است، جنبه اخلاقی و پندآموز آنها همواره مدنظر ناقدان قرار گرفته است و این دو نویسنده را به عنوان دو «ناصر» بزرگ در قلمرو ادبیات رقم می‌زند.

پی‌نوشت‌ها:

1. Mona Wilson, Johnson: Prose and Poetry

۱۹ - حیدر رقابی، فلسفه و زندگی سعدی (تهران: نشر

چیران)، ۷۲ و ۸۲.

20. *The Gulistan or Rose Garden of sadi*, 32
33.

۲۱ - سعدی، ۸۶-۶۷.

22. *Classical Persian Literature*, 195-6.

23. *Ibid*, 201-2.

۲۴ - برخورد اندیشه‌ها، ۱۵۸.

۲۵ - ذکر جمیل سعدی، ۱۲۲.

26. Reuben Levy, *An Introduction to Persian Literature* (New York: Columbia Univ. Press, 1969), 61.

27. *The Gulistan or Rose Garden of sadi*, 46.

۲۸ - تحقیق درباره سعدی، ۹-۱۶۸.

۲۹ - همان، ۱۶۹.

30. *A Pelican Guide to English Literature*, 420.

31. Donald Greene, *The Age of Exuberance* (New York: Random House, 1970), 108-110.

32. Edward Tomarken, *Johnson, Rasselas and the choice of Criticism* (Lexington: Kentucky University Press, 1989), 128.

33. "Reflections on Johnson", 21.

34. George saintsbury, "The Peace of Augustans, (The Structure of Rasselas" *PMLA*, LXVI (1951), 699).

35. T. R. Preston "The Biblical Context" *PMLA*, 84 (1969), 258.

36. *London Magazine* 28 (1759), 258.

37. *Critical Review* 7 (1759), 372-3.

38. *Rasselas, The Prince of Abyssinia*, xiv.

39. Mahmoud Manzalaoui, "Rasselas and Some Medieval Ancillaries", *Bicentenary Essays*, 70.

همچنین نویسنده در این مقاله به مضامین قرون وسطایی در راسلاس می‌پردازد و با توجه به اینکه از نظر تاریخی سعدی معاصر قرون وسطای اروپاست، شباهت مضامین و بخصوص پند و اندرز به پادشاهان و شاهزادگان در این دوائر جالب توجه است.

40. Peter New, *Fiction and Purpose in Utopia, Rasselas, The Mill on The Floss and Women in love* (London: The Macmillan Press, 1985), 83.

55.

11. Herman W. Liebert, "Reflections on Samuel Johnson". *Samuel Johnson* (Prentice Hall, 1965), 20.

12. Bertrand H. Bronson "Johnson Agonistes" *Samuel Johnson* (Prentice Hall, 1965), 42.

13. H. W. Donner, "Dr Johnson as a literary Critic", *Samuel Johnson*, 110-111.

14. Kathleen M. Grange, "Samuel Johnson's Account of Certain Psychoanalytic Concepts, *Samuel Johnson*, 149-157.

15. Marlene Hansen, "Rasselas, Milton and Humanism", *The Review of English studies*, 14-22.

۱۶ - نه شرقی، نه غربی، انسانی، ۱۹۸.

17. J. P. Hardy Johnson: *Rasselas Prince of Abyssinia* (England: Oxford Univ. Press, 1968), Xii.

18. J. W. Johnson, "Rasselas and His Ancestors", *NQ*, cciv (1959), 185-8.

(بازول از Ecclesiastes نقل قول می‌کند).

(Massachusetts: Harvard Univ. Press, 1967), 410.

۲ - عبدالحسین زرین‌کوب، نه شرقی، نه غربی، انسانی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۳، ۱۹۸.

۳ - ذکر جمیل سعدی، ۱۲۴.

4. *The Gulistan of Rose Garden of Sadi*, 41.

۵ - تحقیق درباره سعدی، ۲۴۵.

6. G. M. Wickens, "Islamic Literature and Gulistan "The Gulistan or Rose Garden of sadi", 34.

7. *Classical Persian Literature*, 196.

8. *Ibid*, 200.

9. Boris Ford, ed. *The New polican Guide to*

English Literature: From Dryden to Johnson (London: Penguin Books, 1984), 148, 170, 415-17.

10. James L. Clifford, "A Survey of Johnsonian Studies", 1887-1950, *Johnson: A Collection of Critical Essays*, edited by Donald J. Greene (New Jersey: Prentice Hall, Inc., 1965),



عشق ودیعه‌ای است ازلی و بی‌منتها که حق تعالی در وجود همه پدیده‌ها قرار داده است. هستی آفریده‌ها نیز به واسطهٔ عشق است و بی‌آن، جهان کائنات آب و رونقی ندارد.

آثار نگاشته و سروده شده دربارهٔ عشق، از گذشته‌ای بس طولانی برخوردارند تا آنجا که نخستین نشانه‌های عشق در ادب پارسی در آثار رودکی و شهید بلخی و بایزید بسطامی دیده شده است.^۱ هرچند می‌توان بدون تردید گفت که پیش از اینها نیز آثاری - هرچند جزیی - در این زمینه بوده است.

محققان، ادیبان، عرفا و بزرگان صوفیه و اهل فلسفه نیز هر یک به تعریف و تقسیم‌بندی آن همت گماشته‌اند و در این باب بسی دشواریها را آسان کرده‌اند. شک نیست که بعضی از آنها با دقت و کنجکاوی هوشمندانه به بررسی و تحقیق آن پرداخته‌اند. اما گروهی نیز «از ظن خود» یار آن شده و برحسب میل و گمان خود، این واژهٔ پاک را تعریف و معنا کرده و با تعریف خود، آن را مورد ستم قرار داده‌اند. دکتر صاحب‌الزمانی در این باره می‌نویسد: «بدون گزافه، واژه‌ی عشق یکی از ستم‌دیده‌ترین واژه‌ها در قاموس زبانهای جهان می‌باشد؛ چه هوس‌های تند و خائمان‌سوز، چه شهوت‌های مزاحم و چه تکروی‌ها و فریندگی‌ها و کینه‌توزی‌ها که به نام عشق صورت می‌گیرد!»^۲ تعاریف ارائه شده از عشق، متعدد و بسیارند. اما حقیقت این است که عشق از کثرت تعریف، بی‌تعریف است.

هر چه گویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم، خجل باشم از آن^۳
زبان هرکس گویای اندیشه‌ها، عقاید و بازنتاب احساسات اوست. سعدی هم بسیاری از اندیشه‌ها، باورها و عقاید و احساسات خود را در قالب غزل بیان کرده است و عواطف درونی خود را صاف و صمیمی با خوانندگان در میان می‌گذارد. دکتر رستگار در این باره

می‌گویند: «زالال‌ترین و بی‌پرده‌ترین عواطف و احساسات شخصی سعدی، یکسره در غزل‌هایش منعکس شده است. غزل او وصف عشق و مستی و محبت است. او عناصر عشق و عاشقی و زیبایی‌های صوری و معنوی معشوق را یک جا در غزل‌هایش جمع کرده است.»^۴ از غزل‌های او برمی‌آید که او مرد عشق است. زیبایی‌شناسی است که دل و روحش، سرشار از عواطف عاشقانه و توصیفات زیبای معشوق است. تار و پود وجودش با عشق بافته شده است. سخنش در عشق، آفاق را درنوردیده است. سخن بیرون از عشق را قیل و قال می‌خواند و عشق‌ورزی را هنر خود. کسان عیب‌کنند که عاشقی همه عمر

کدام عیب که سعدی خود این هنر دارد
۴۳۴/۲۰۸^۵

نظر به اهمیت موضوع در نزد سعدی، نگارنده بر آن است که در این نوشته، نگاهی تازه به غزل‌های او داشته باشد و آمار بسامدی بعضی مضامین عشق و یا آنچه به نحوی در ارتباط با عشق است به دست دهد. بر این اساس غزل‌های این شاعر بزرگ مطابق نسخهٔ مرحوم محمدعلی فروغی که با تصحیح و توضیح مجدد و فهارس و تعلیقات بهاء‌الدین خرمشاهی، به طبع رسیده است، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و از مجموع ۷۱۳ غزل - بجز ملحقات - که دربردارندهٔ ۷۱۰ بیت است، جمعاً ۷۵۰۷ بیت (=فیش) در سه موضوع اصلی زیر به دست آمد.

الف) عشق و ویژگی‌های آن: ۱۳۹۱ بیت

ب) عاشق و صفات و ویژگی‌های او: ۲۵۰۹ بیت

ج) معشوق و صفات و ویژگی‌های او: ۳۶۰۷ بیت

اکنون شرح و تحلیل هر یک از موارد سه‌گانه به اختصار می‌آید.

الف) عشق: سعدی، عشق را خوب می‌شناسد. او مفاهیم عاشقانه و اندیشه‌های عشق و شور و مستی را به زبانی ساده و رسا و با به کار گرفتن آرایه‌های دلنشین ادبی، بیان می‌کند و این خود یکی از رازهای موفقیت اوست. عبدالعلی دست‌غیب دربارهٔ اعجاز عشق در شعر سعدی و حافظ می‌نویسد: «گمان نمی‌رود در هیچ زمان و در ادبیات هیچ کشوری، توصیف عشق این اندازه

شورانگیز باشد که سعدی و حافظ گفته‌اند. بگذار مبالغه‌آمیز بگوییم که اگر تمام شعرای جهان جمع شوند، هرگز نخواهند توانست چنین شعر بگویند و چنان راهی بروند که سعدی و حافظ گفته و رفته‌اند.»^۶ سعدی، سخن از عشق را در غزلیات، به اوج آسمانها رسانده است. تار و پود زندگی او با عشق گره خورده است. عشق نزد او از مهمات است و غفلت از آن را خطا می‌شمارد. در نزد او عشق، دل آدمی را از آلایش‌ها می‌زداید و بر همه فضایل می‌چرید.

سعدی از این پس نه عاقل است نه هوشیار

عشق بچربید بر فنون فضایل

۴۸۷/۳۴۸

عشقی که سعدی از آن سخن می‌گوید، ودیعه‌ای است ازلی و جاودانه، ساری در همه پدیده‌ها. آموزگار و انگیزهٔ سرایش شعر، اکسیری است که قلب ماهیت می‌کند و مس وجود آدمی را تبدیل به زر می‌کند. آدمی را از خودپرستی و خودخواهی، خالی می‌کند. چنین عشقی است که سخن از ترک آن، او را می‌کشد.

کسان عتاب‌کنند که ترک عشق بگو

به نقد اگر نکشد عشقم، این سخن بکشد

۴۳۴/۲۰۸

پرواضح است که راه عشق، صعب و پرخطر است. کشنده و هستی‌سوز است. خاصیتش آن است که همچون عشقه - که به هر گیاهی پیچد، آن را نابود کند - عاشق را نیست می‌کند. تمام هستی‌اش را از او می‌گیرد و با بلا و رنج همراه است. در دلیل این صفت عشق، سمنون محب گوید: «عشق را از آن جهت با بلا مقرون کرده‌اند که: هر سفله‌ای، دعوی محبت نکند. چون بلا ببیند، به هزیمت شود.»^۷ هنر عشق در الم و درد و رنج آن است، چنانکه جلاج گوید: «رُکعتان فی العشق، لا یُضحّ وُضوءُهُما إلّا بالدم: در عشق دو رکعت است که وضو آن درست نیاید الا به خون.»^۸

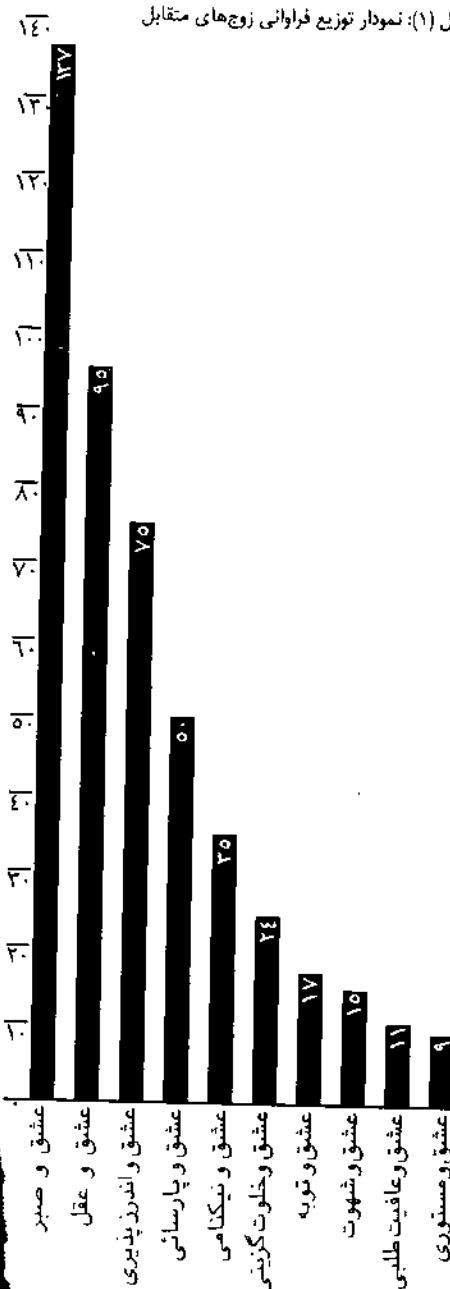
سعدی نیز بارها به راه پر رنج و تعب عشق و درد و غم آن اشاره می‌کند. او فرزند اندوه و درد است و بالا بودن بسامد فراق از معشوق و تحمل درد و رنج هجران، چهره‌ای رنج‌کشیده از شاعر در غزل‌هایش ترسیم می‌کند.

خسرو رشیدی

تحلیل محتوای

مفهوم عشق در غزل سعدی

شکل (۱): نمودار توزیع فراوانی زوج‌های متقابل



عشق او با درد و نیاز و تسلیم همراه است و اهداف اخلاقی را دنبال می‌کند. عشقی که سعدی آشکارا از آن سخن می‌گوید و در راه آن از سرزنش و سعایت بدگویان و کج‌اندیشان باکی ندارد، متضمن معانی لطیف عرفانی و اخلاقی است و تنها به جمال آدمی و زیبایی‌های صوری محدود نمی‌شود که در پس این همه زیبایی، نقاش ازل را می‌بیند. عشق او پاک است و با شهوت و هوس درهم نمی‌آمیزد. او بنده زلف و خط و خال نیست و آنچه او را از خود، بیخود می‌کند نه صورت که صورت‌نگار است.

من نه آن صورت پرستم کز تمای تو مستم
هوش من دانی که برده است؟ آنکه صورت می‌نگارد
۴۲۰/۶۶

سعدی اگر نظر کند، تا به غلط گمان بری
کونه به رسم دیگران، بنده زلف و خال شد
۴۳۵/۲۱۰

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در این باره می‌نویسد: «عشق او نیز در حقیقت، اخلاق و تقواست. درد و سوز و گذشت و تسلیم است. چنان از خودپرستی دور است که در آن از عاشق و خواست و کام او نشانی نیست. از این جاست که هیچ چیز معنوی‌تر، هیچ چیز اخلاقی‌تر و هیچ چیز روحانی‌تر از عشق وی نمی‌توان جست. عشق که مایه غزل‌های اوست، البته به جمال انسانی محدود نمی‌شود. روح، تقوا، طبیعت، خدا و سراسر کاینات نیز موضوع این عشق است. البته وی حدیث کام جسمانی را نیز انکار نمی‌کند. اما که می‌تواند این عشق پرشور بی‌پایان را که در آن سعدی با همه کاینات پیوند می‌یابد، از نوع هوس‌های جسمانی شمرد؟»^۸

سخن گفتن از عشق سعدی، کسی را می‌طلبد که همچون او، عاشق دلسوخته باشد و زیر و بم عشق را احساس کرده باشد و به گفته جمال‌زاده: «... خیلی بیش از من، پیراهن کهنه کرده و یا مانند خود سعدی بسیار پیراهن و جامه و قبا، چاک زده باشد.»^۹ بنابراین، سخن در باب عشق سعدی را کوتاه می‌کنیم و تنها جهت آگاهی علاقه‌مندان، نمودار توزیع فراوانی زوج‌های متقابل (= تضادهای عشق) را از دیدگاه سعدی در غزلیات می‌آوریم.

در این شکل، تعداد ابیاتی که سعدی در غزل‌هایش، در تقابل با عشق سروده نشان داده شده است. همانگونه که از نمودار برمی‌آید، صبر بیشترین و مستوری کمترین ابیات غزل‌های سعدی را در تقابل با عشق تشکیل می‌دهد.

معشوق: معشوق و صفات و ویژگی‌های او بیشترین بسامد غزل‌های سعدی را به خود اختصاص داده است. معشوق سعدی از چنان حسن ترکیب و شمایل موزون و جمالی بی‌مانند برخوردار است که شاعر در ۴۵ بیت از توصیف او، اظهار ناتوانی می‌کند.

مرا سخن به نهایت رسید و فکر به پایان

هنوز وصف جمالت نمی‌رسد به نهایت

۴۱۵/۱۵۲

هرچه گفتیم در اوصاف کمالت او

همچنان هیچ نگفتیم که صد چندین است

۳۹۲/۸۷

معشوق سعدی از لحاظ زیبایی، فردی نمادین است؛ رخی لاله‌گون و مویی بسان سنبل دارد. از لبانی یاقوتی و قامتی رسا بهره‌مند است. در جلوه‌گری به طاووس می‌ماند و خرامیدنش به کبک شبیه است.



چنان صاحب حسن و جمال بی نظیر است که شاعر، گاه همانندی او را به خورشید و ماه و سرو و صنوبر و... نشان ترک ادب می داند و اظهار ندامت می کند.

خورشید و گلت خوانم، هم ترک ادب باشد

چرخ مه خورشیدی، باغ گل و نسرونی
۵۹۰/۶۲۴

تشبیه روی تو نکتم من به آفتاب

کاین مدح آفتاب، نه تعظیم شأن توست
۳۸۱/۵۶

اما این معشوق صاحب حسن و بی بدیل، سنگدل، کافردل، بی رحم، خونریز، جفاکار، بی وفا و صاحب ناز و غرور است.

هر که چون موم به خورشید رخت نرم نشد

زینهار از دل سختش که به سندان ماند
۲۳۹/۲۲۱

آه دردآلود سعدی گر ز گردون بگذرد

در تو کافردل نگیرد، ای مسلمانان نفیر
۴۷۲/۳۰۸

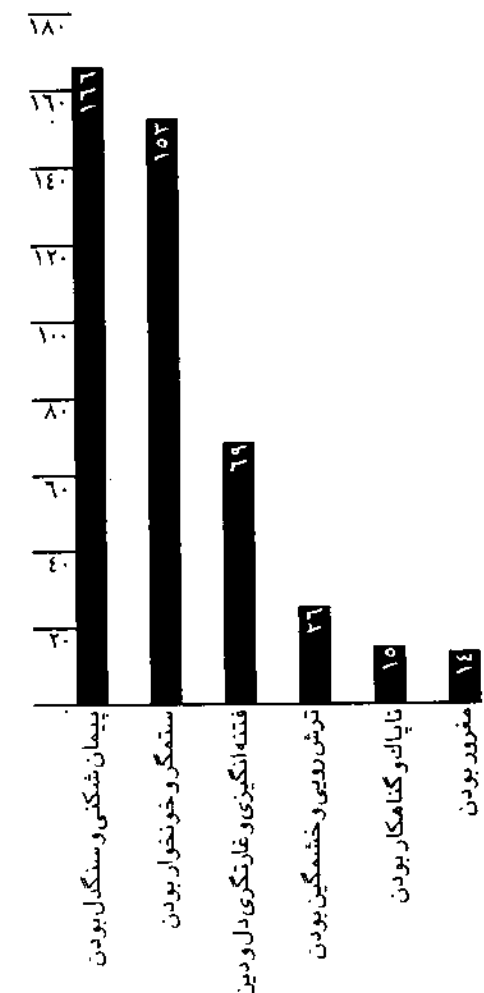
ما روی کرده از همه عالم به روی او

وان سست عهد، روی به دیوار می کند
۴۴۶/۲۴۲

گفتار بشنودش و دانم که خود ز کبر

با کس سخن نگوید، رفتار بنگرید
۴۶۵/۲۹۲

شکل (۲): نمودار توزیع فراوانی صفات منفی معشوق



معشوقی با این صفات منفی - گذشته از صفات مثبت آن - باز نزد سعدی، مقامی والا دارد؛ صاحب شکوه و قدرت است، توانگر و پادشاه است. بی نیاز است و صاحب عنایت. بی عنایت او «عاشق، مرغی بی پر را می ماند» و با نظر لطف اوست که مگس وجود عاشق، شاهین وار به پرواز درمی آید و وجود بی مقدارش، قیمتی می شود.

بندۀ خویشستم خوان که به شاهی برسم

مگسی را که تو پرواز دهی، شاهین است
۴۰۷/۱۲۹

گرم به گوشه چشمی، شکسته وار ببینی

فلک شوم به بزرگی و مشتری به سعادت
۳۷۰/۲۳۳

با همه توجه سعدی به معشوق و بزرگ شمردن او، باز معشوق چنان سنگ دل است که لایه و ناله عاشقان

دلسوخته را به هیچ می گیرد تا آنجا که فراقنامه سعدی - که پرنندگان را به نوحه سرایی و همنوایی با او، برمی انگیزاند - در دل سنگ او، هیچ تأثیری نمی گذارد.

فراقنامه سعدی عجب که در تو نگیرد

وَإِنْ شَكُوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نَحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ
۵۵۲/۵۲۱

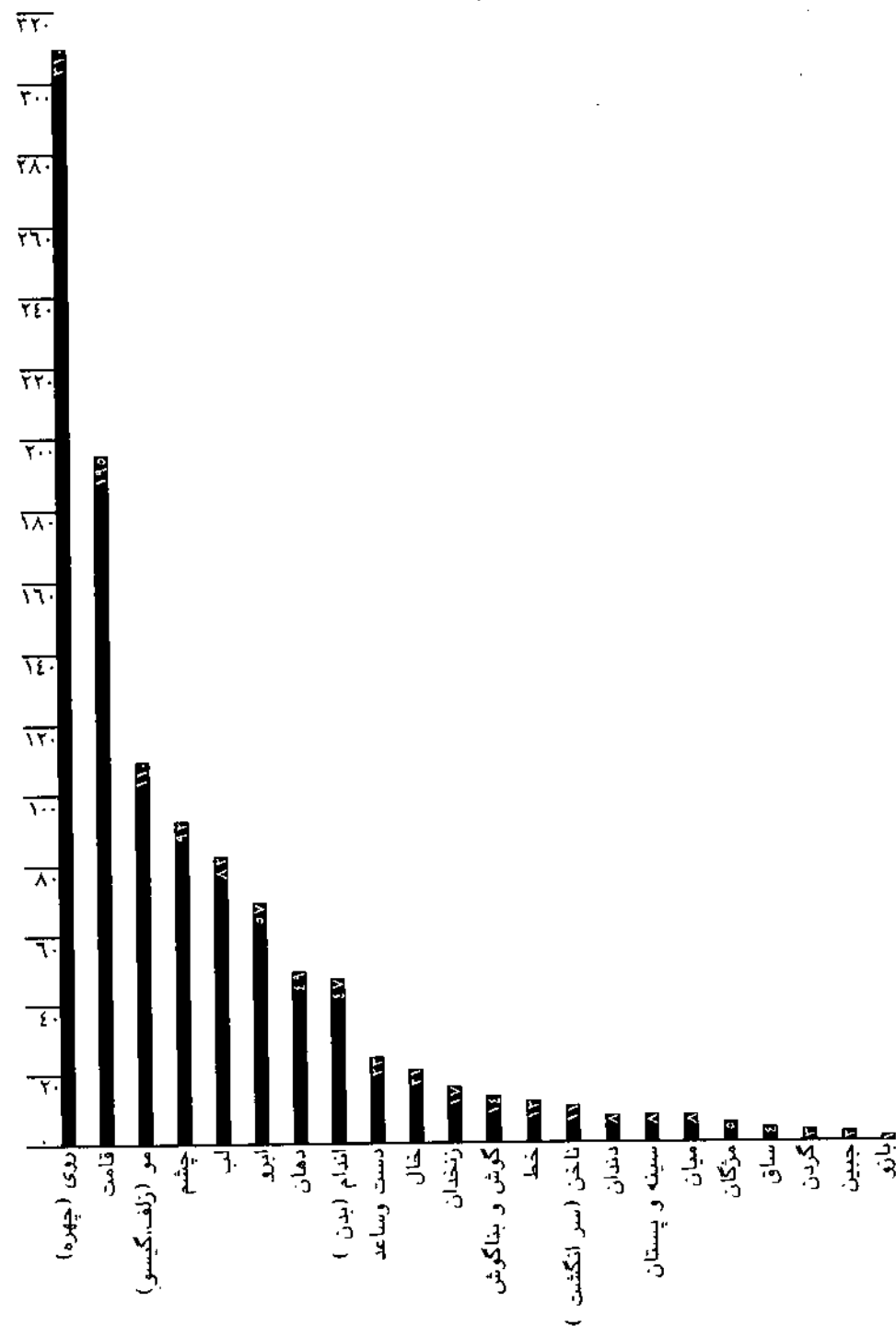
خلق را بر ناله من رحمت آمد چند بار

خود نگویی چند نالد سعدی مسکین من
۵۳۴/۴۷۲

سخن را درباره معشوق - که بسیار طولانی است -

به پایان می بریم و تنها به نمودار توزیع فراوانی توصیف اعضای ظاهری معشوق، بسنده می کنیم.

شکل (۳): نمودار توزیع فراوانی توصیف اعضای ظاهری معشوق



همانگونه که از نمودار پیداست، سعدی بیشترین توصیف را به ترتیب دربارهٔ روی، قامت، مو (گیسو و زلف) و چشم و لب دارد و کمترین آن دربارهٔ بازو، جبین و گردن است.



عاشق: دربارهٔ صفات و ویژگی‌های عاشق صادق در متون ادبی و عرفانی، سخنان بسیار آمده است. عطار از قول جنید «کمال محبت را در این می‌داند که صفات محبوب، به دل صفات محب نشیند»^{۱۰} تیسیر این امر، مشروط بر آن است که عاشق، آنچه می‌خواهد، برای معشوق بخواهد و او را از خود دوست‌تر بدارد. شبلی در این باره گوید: «اگر حق تعالی، در قیامت مرا مختیر کند، میان بهشت و دوزخ، من دوزخ اختیار کنم، از آن که بهشت، مراد من است و دوزخ مراد دوست. هر که اختیار دوست نگزیند، نشان محبت نباشد»^{۱۱} و به گفتهٔ رودباری: «محبت آن بود که خویش را جمله به محبوب خویش بخشی و تو را هیچ باز نماند از تو»^{۱۲}

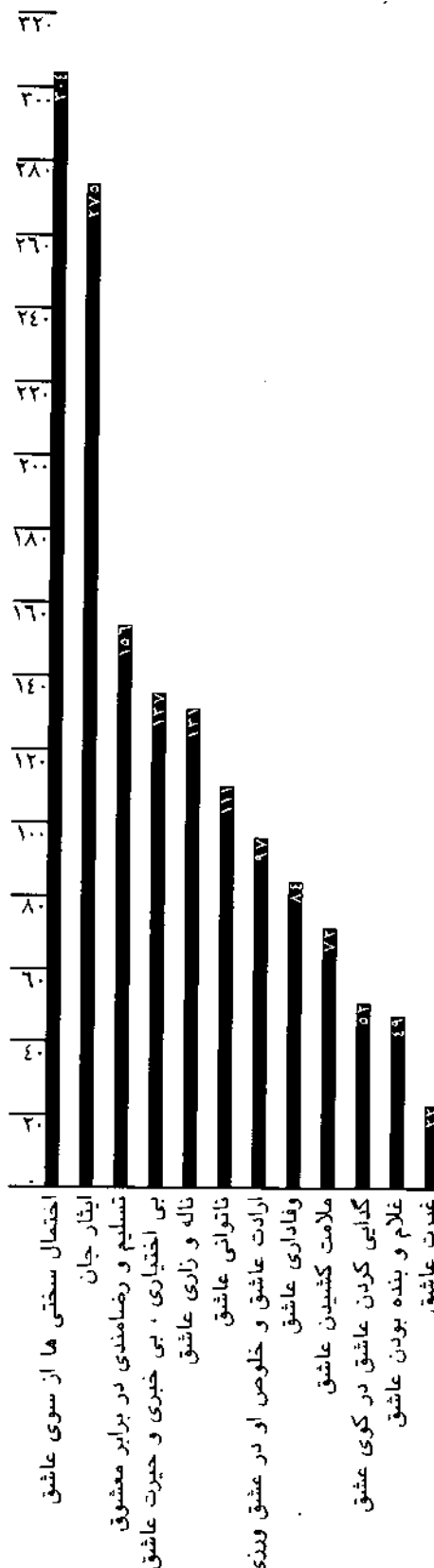
در هر حال آن کس که در راه عشق، به مال و جاه و نام و ننگ و آرام و قرار خود می‌اندیشد، نمی‌تواند عاشق صادق باشد. آن که عشق را با هوس آمیخته و در عشق «از پی هر رنگی» است نمی‌تواند عاشق باشد که هوسران است. اینان عاشق نیستند، مدعیانی هستند که از حقیقت عشق بی‌خبرند.

در باور سعدی، عاشق کسی است که به دور از هر نوع شائبه و آلودگی، خواست خود را از میان بردارد و کار به مراد معشوق کند. خودبینی و خود دوست‌داری را رها کند و ترک آرزو نماید که آرزو خود سزاوار وصال است. او می‌باید خود را از آلودگی‌های مادی و جسمانی پاک کند، از اسارت رنگ و صورت برهد و خوشی‌ها و نعمت‌های دنیا و آخرت را بر خواست معشوق برتری ندهد. در نظر سعدی، عاشق پاکدل و راستین باید از اوصاف خود پاک و فانی شود. از تنگنای اراده و خواست خود رها شود و به خواست یار تن دهد. باید به مرتبه‌ای برسد که قهر و لطف، زهر و پادزهر، دشنام و درود و جفا و وفای معشوق برایش یکسان باشد. او باید بندهوار گردن تسلیم در برابر فرمان معشوق فرود آورد، در برابر خواست او چون و چرا نکند، ایثار جان کند، از هستی خود بگذرد و مرگ به دست معشوق را زندگانی جاوید بداند و تمام مصائب و

دشواری‌ها را تحمل کند.

تردیدی نیست که به همین دلایل، بسامد ایثار جان، احتمال مشکلات و رضامندی و تسلیم در برابر معشوق در غزل‌های سعدی، بیشترین بسامد عاشق را بخود اختصاص داده است. در ذیل، جدول توزیع فراوانی بعضی از صفات عاشق از دیدگاه سعدی، آمده است.

شکل (۴): نمودار توزیع فراوانی بعضی از صفات عاشق از دیدگاه سعدی در غزلیات



حسن ختام سخن خود را با ابیاتی چند دربارهٔ صفات و ویژگی‌های عاشق از نگاه سعدی، به پایان می‌بریم.

سعدی هر که ندارد سر جان افشانی

مرد آن نیست که در حلقهٔ عشاق آید
۴۶۳/۲۸۶

یار باید که هر چه یار کند

بر مراد خود اختیار کند
۴۴۵/۲۳۷

مرا جفا و وفای تو پیش یکسان است

که هر چه دوست پسندد به جای دوست، نکوست
۳۹۳/۸۹

پای در سلسله باید که همان لذت عشق

در تو باشد که گرش دست در آغوش کنی
۷۴۳/۵۸

مرد و زن گر به جفا کردن من برخیزند

گر بگردم ز وفای تو، نه مردم که ز من
۵۰۱/۴۰۹

به جز غلامی دلدار خویش، سعدی را

ز کار و بار جهان گرشه‌ی است، عار آید
۴۶۱/۲۸۲

ملک دنیا همه با همت سعدی هیچ است

پادشاهیش همین بس که گدای تو بود
۴۵۳/۲۶۰

شرط است سعدی که به میدان عشق دوست

خود را به پیش تیر ملامت، سپر کنی
۵۸۹/۶۲۰

پی‌نوشت‌ها:

۱ - عشق در ادب فارسی (از آغاز تا قرن ششم)، دکتر ارژنگ مدی، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، چاپ اول (۱۳۷۱)، صص ۱ و ۲۴۵.

۲ - شرح عشق، مهدی خلیلیان، مرکز چاپ و تبلیغات اسلامی، چاپ اول (۱۳۶۹)، ص ۸۱، با تلخیص.

۳ - مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی، با تصحیح و توضیح دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، چاپ پنجم (۱۳۷۵)، دفتر اول، ص ۱۴.

۴ - مقالهٔ «حدیث عشق» از دکتر منصور رستگار فسایی، ر. ک. سعدی‌شناسی به کوشش کورش کمالی سروستانی، بنیاد فارس‌شناسی با همکاری مرکز سعدی‌شناسی، چاپ نخست (۱۳۷۹)، دفتر سوم، ص ۱.

۵ - عدد سمت راست شمارهٔ غزل و عدد سمت چپ شمارهٔ صفحه بر اساس نسخهٔ یاد شده است.

۵ - مقالهٔ «مشکل عشق از نظر سعدی و حافظ» از عبدالعلی دست‌غیب، پیام نوین، شمارهٔ ۱۰، ص ۶.

۶ - تذکرة الاولیاء، عطار نیشابوری، با تصحیح و توضیح دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، چاپ پنجم (۱۳۶۶)، ص ۵۱۲.

۷ - همانجا، ص ۵۹۳.

۸ - با کاروان حله، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات علمی، چاپ ششم (۱۳۷۰)، ص ۲۵۳.

۹ - مقالهٔ «رواج بازار شعر و شاعری» از محمدعلی جمال‌زاده، ارمغان، دورهٔ چهارم و یکم، شمارهٔ ۱۲-۱۱، ص ۳۴.

۱۰ - تذکرة الاولیاء، ص ۴۴۷.

۱۱ - همانجا، ص ۴۲۴.

۱۲ - همانجا، ص ۷۵۶.

زندانی نای - گزیده اشعار مسعود سعد - نام کتابی است از استاد محترم و بلندآوازه معاصر، آقای دکتر سیروس شمیسا، که با مهر و نشان «از میراث ادب فارسی» در چهارصد صفحه، با انتخاب و توضیح ایشان، فراهم آمده است. این «گزیده» مشتمل بر مقدمه ممتع و مفصلی (در ۱۵۳ صفحه) و حدود ۱۲۸ صفحه متن، قصاید و قطعات و رباعیات است و در قسمت سوم کتاب، توضیحات و ذکر بعضی مآخذ و فهرست راهنما، آمده است. می توان حدس زد که منظور نهایی مؤلف، همان مقدمه است، چه با انتشار فراوان گزیده های اشعار مسعود سعد سلمان در این دو سه دهه اخیر، بسیاری از اشعار و توضیحات چنانکه خواهد آمد، رنگ آشنایی دارد.

برای این بنده که در ده پانزده ساله اخیر، بارها دیوان مسعود سعد را به مطالعه گرفته ام، آشنایی با طرز نگرش و نقد جناب شمیسا، انگیزه اصلی مطالعه زندانی نای در این یکی دو ماه گذشته بود و جای تشکر و سپاس از مرحمت یکی از شاگردان آن استاد است که به لطف او، مطالعه و استفاده این کتاب نصیبم شد.

مقدمه کتاب با مقایسه اشعار مسعود سعد با منظومه «محبوس شیلان» اثر لرد بایرون انگلیسی (۱۸۲۴ - ۱۷۸۸) آغاز می شود. از وقتی که مرحوم مسعود فرزند «منظومه زندانی شیلان» را ترجمه کرد (مجله مهر، اردیبهشت ۱۳۱۳) و همچنین به ترجمه منظومه انگلیسی «در زندان ردینگ» اثر اسکار وایلد (۱۹۰۰ - ۱۸۵۴) پرداخت (مجله مهر فروردین ۱۳۱۳) بعضی از محققان معاصر - ولو مختصر - به مقایسه حبسیه مسعود سعد با یک یا هر دو منظومه این دو شاعر انگلیسی پرداخته اند که می توان به نامهای گرامی

شادروان دکتر زرین کوب در کتاب با کاروان حله و روان شاد دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب چشمه روشن و آقای دکتر باستانی پاریزی در کتاب از پاریز تا پاریس اشاره کرد، که البته هیچ یک به گستردگی گزیده آقای دکتر شمیسا نیست. همان گونه که در مقدمه و تعلیقات کتاب، جایجا مورد تأکید قرار داده اند، با نگرش سبک شناسانه به نقد شعر مسعود سعد، پرداخته اند و - به درست - یکی از راههای تصحیح متون را «نقد سبک شناسانه» می دانند، یعنی بررسی هر متن ادبی از سه دیدگاه فکری، ادبی، زبانی. همین جا اشاره کنم که جناب شمیسا، از این سه دیدگاه در این گزیده، بیشتر از منظر ادبی نگریسته اند سپس دیدگاه فکری شاعر را مورد بحث قرار داده و کمتر به سخن شاعر از جهت نقد زبانی عنایت کرده اند. چنانکه در قسمت شرح ابیات (توضیحات) اصطلاحات بدیعی و بیانی چون موازنه، تکرار، تضاد و سجع و تبادر و انواع جناس و اسلوب الحکیم و رد الابتداء الی العجز، ردالحشو الی العروض، ردالحشوالی العجز، رد العروض الی العجز و ردالعروض الی الابتداء و انواع تشبیه و انواع استعاره و تمثیل را گاه به حد محسوس و خستگی آور، نقل کرده اند.^۱ و شگفتا که این صنایع ادبی آن چنان ذهن و زبان یا قلم استاد را به خود مشغول داشته که گاه چیزی را که هرگز شاعر نگفته و در هیچ نسخه و مأخذ قدیمی نیامده بر شعر مسعود بسته اند. مثلاً در بیت معروف:

هفت سالم بکوفت سو و دهک

پس از آنم سه سال قلعه نای
تنها به دلیل این که مرحوم رشید یاسمی یک بار در مقدمه دیوان مسعود سعد - احتمالاً به نقل از حافظه خویش - به جای فعل «بکوفت»، «بسود» آورده آقای شمیسا در دو قسمت کتاب خویش (ص ۱۴ و ۱۰۸) «بسود» را برگزیده اند و در حاشیه متذکر شده اند «... به جهت هم حروفی [بسود] یا «سو» به نظر من ارجح است.» و عنایت نفرموده اند که رشید یاسمی شاعر بوده

و طبیعتاً به زیبایی کلمات می اندیشیده است. چنانکه در ادامه سخن در بحث رشیدالدین وطواط و اشعار آمده در کتاب حدائق السحر... نیز اشاره خواهد شد.

به هر حال ضرور می نمود که استاد محترم به نقد زبان شاعر، یعنی ترکیبات سخته و نوادر لغات او در این مقدمه، بیشتر می پرداختند. و از ترکیبات زیبا و شیوایی که بر غنای دیوان این شاعر آشنا روی زود آشنا افزوده، نمونه هایی می آوردند.^۲ چه این گونه گزیده ها، همان گونه که در مقدمه گفته اند بیشتر برای تدریس به دانشجویان فراهم آمده و ذکر دسته گل های دماغ پرور نه فقط نوازشگر روح است بلکه به قول سعدی همگان را «بلاغت افزاید».

ایراد دیگری که بر این گزیده وارد است: عدم نقل مأخذ بسیاری از مطالب است. از استاد بزرگواری که زمانی در مصاحبه با کیهان فرهنگی، بر امانت داری فرهنگی و ذکر منبع و مأخذ سخن از هر جا و هر کس و تأثیر آن بر نسل جوان دانش پژوه، اصرار دارند، البته انتظار می رود که خود در بیان مطالب - ولو با مختصر اشاره ای در ذیل آن - جانب امانت را فرو نگذارند و اگر راقم این کلمات گاهی به بعضی از آن مأخذ، که حتی در قسمت ذکر مأخذ (آخر کتاب) نام و نشانی ندارند، اشاره می کند، از این بابت است.

۱- در ص ۱۳، می نویسند: «مسعود سعد در زندان مرنج خبر مرگ پسر خود صالح را شنید و در سه رباعی او را مرثیه گفت». صحیح تر آن بود که می نوشتند: در ۷ رباعی و یا ۸ رباعی. در چاپ دکتر نوریان (رباعی های شماره ۱۲ - ۳۱ - ۵۷ - ۱۵۶ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۳۳۴) و در چاپ مرحوم یاسمی علاوه بر رباعی های مذکور، رباعی دیگری که با این مصراع آغاز می شود: «صالح، دل اگر به جای جامه پدرم...» نیز آمده و افزوده می شود، مسعود سعد در قطعه ای هم که برای «راشدی» داغ دیده می فرستد به مرگ جگر گوشه خود اشاره می کند. (ص

مسعود تاکی

زندانی نای در بوته نقد

«چو من مهندس دیدی که کرد از سُمجی
بخاری و طنبی، مستراح و کاشانه؟!»
نوشته‌اند: «مستراح برای او حکم بخاری را داشت.»
اضافه می‌شود: اگر بیت چنین معنی‌ای داشت، «از
سُمجی» زاید می‌بود، یعنی هر کدام از این چهار مکان
در فضای تنگ سمج قرار گرفته‌اند. مسعود سعد، در بیت
دوم یک رباعی، این مضمون را تکرار کرده:
... چون زاغ همه نشست بر، شیخ دارم

در یک دو گز آبریز و مطبخ دارم

(ص ۲۸۴ زندانی نای)

۳- در ص ۲۳ و ۲۴، می‌نویسند: «مسعود سعد در
این زندان‌ها به جان آمده و از زمین و زمان و شاه و بنده
گلایه داشت و در این باب ابیات صریحی دارد» آن‌گاه
ابیاتی را شاهد مدعای خود آورده‌اند از جمله: در مدح
ثقة الملك طاهر بن علی:

«خویشتن جمله در تو پیوستم

راست گویم همی به حق بنگر

از بزرگی کنون روا داری

که بمیرم چنین به حبس اندر

در شهنشاه عاصیم عاصی

در خداوند کافر کافر

چون امیدم بریده شد ز خلاص

چه نویسم ز حال خود دیگر...

افزوده می‌شود: لیکن با مراجعه به دیوان شاعر،
روشن می‌شود که حضرت استاد، در نقل شاهد صادق
نبوده‌اند، چه قبل از بیت «در شهنشاه عاصیم... بیت زیر
آمده که استاد نیاورده‌اند.

«گر بدانم که هیچ‌گونه مرا

گنهی مضمُرسِت یا مُظهِر»

و روشن است که بی‌نیی را که شاهد سخن خویش
آورده‌اند جواب شرط است و با حذف شرط آن مدعا

ناقص و باطل است.

۴- در ص ۲۱، به استناد دو بیت زیر:

معزول نیست طبع من از نظم اگر چه هست

معزول از نوشتن این گفته‌ها بنان

چون نیست بر قلمدان دست مرا سیل

باری مرا اجازت باشد به دوکدان

نوشته‌اند: «گاهی به جای قلمدان از دوکدان

استفاده می‌کرده است.»

اضافه می‌شود: با این تعبیر جناب استاد، مسعود

سعد، در آن سمج تنگ و تاریک، که در ابیات قبل این

دو بیت شاهد به آن اشاره دارد، دوکدان از کجا می‌آورده؟! یا در زندان با دوکدان چه می‌کرده است؟! شاعر می‌گوید

در این زندان که قلم و دوات ندارم (در ابیات پیشتر) هر

چند طبعم از سروتن ناتوان نیست اما اجازه و وسیله

نوشتن به من نمی‌دهند. آن‌گاه با طعنه و طنز می‌گوید

چون قلمدان و دوات در اختیارم نمی‌نهند پس دوکدان

به من دهید - با توجه به این نکته که در قدیم رشتن و

با دوکدان سر و کار داشتن، از وظایف زنان به‌ویژه

عجوزان بوده است - چهره طعنه نمایان تر می‌شود.

۵- ص ۳۴، بسیار شگفت‌انگیز است که آقای دکتر

شمیسا، در مقایسه حبسیه‌های مسعود سعد با دیگر

شاعران داد سخن می‌دهند و جز «حبسیه‌های خاقانی،

هیچ حبسیه دیگری را هم‌سنگ حبسیه مسعود سعد

ندیده‌اند»: حتی در دنبال سخن، از «حبسیه‌های

احتمالی» استاد مهدی حمیدی که «ندیده و نشنیده‌اند»

بحث می‌کنند. اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به حبسیه‌های

ملک الشعراء بهار که به اعتقاد بسیاری از بزرگان ادب،

نزدیک‌ترین شاعر حبسیه سرا به مسعود است حتی از

نظر سبک شعر و چندین قصیده به اقتضای مسعود سعد

سروده هیچ یاد نمی‌کنند!

۶- ص ۲۲، مؤلف محترم کتاب زندانی نای به

استناد چند بیت از جمله این دو بیت:

تا کیم خانه سمج تاریک است

تا کیم جای کوه ویران است

تکیه بر حسن عهد بوالفتح است

شادی از حفظ و نظم قرآن است

می‌نویسند: «ابوالفتح نامی راوی مسعود سعد است،

گویا با هم در زندان آشنا شده بودند.» اضافه می‌شود:

شاعر می‌گوید: در این عهد غربت - که همه مرا از یاد

برده‌اند و در کنج زندان رهایم کرده‌اند - بر پیمان و عهد

خوب و استوار ابوالفتح تکیه دارم که باز اشعار مرا در

بیرون می‌خواند و مرا به یاد دوستان و آشنایان می‌آورد.

معلوم نیست به استناد کدام دلیلی حدس زده‌اند که گویا

با هم در زندان آشنا شده‌اند؟!

۷- ص ۴، در حاشیه، نوشته‌اند: «پروین را در شعر

فارسی هم به صورت شش و هم به صورت ستاره

دیده‌اند. ظاهراً بستگی به این داشت که در کدام قسمت

زمین ساکن بوده‌اند، اما پنج کمی غریب است و من در

جای دیگر ندیده‌ام. در دیوان مصحح رشید یاسمی

هفت است.»

افزوده می‌شود: «در کتاب نفائس الفنون (ج ۲

ص ۴۵۳) به صراحت به پنج کوکب اشاره دارد.»^۲

۸- ص ۴۰، در زیر بیت:

«برکران دگر بنات النعش

شد گریزان چو یک رمه ز ظبا»

توضیحی درباره کلمه «ظبا به معنی آهو» آورده‌اند،

سپس با توسل به دامن صنایع «تبادر» و «ایهام

تناسب» به کلمات متجانس «ظبا» با «ضبا» و «ضباع»

روی آورده‌اند.

یادآوری می‌شود: سال‌ها قبل از تألیف آقای دکتر

شمیسا، وقتی گزیده اشعار مسعود سعد اثر شادروان دکتر

لسان بیرون آمد، آقای دکتر نوریان در نقدی که بر این

گزیده نوشتند درباره این بیت و سه واژه (ظبا، ضبا،

ضباع) توضیحی به کمال نگاشتند که احتمالاً مؤلف

محترم زندانی نای از آن استفاده کرده و بدون اشاره به

مأخذ خود، گذاشته‌اند.^۴



۹ - در دیوان مسعود سعد قطعه‌ای هست با این سرآغاز:

بوالفرج شرم نایدت که به جهد

در چنین حبس و بندم افکندی
(ص ۹۱۱)

جناب دکتر شمیسا، این قطعه را در ص ۸۵ گزیده خود آورده‌اند و در حاشیه کتاب دربارهٔ مصراع دوم این بیت:

«...وین چنین قوتی توراست که تو

پارسی را کنی سکاوندی
نوشته‌اند: «پارسی را کنی سکاوندی، ظاهراً یعنی قلب حقیقت می‌کنی، اهل فارس را اهل سکاوند قلمداد می‌کنی. (سکاوند، هم نام یکی از شهرهای خراسان و هم اسم کوهی در سیستان بوده) یا سجاوندی (منقش کردن با طلا و سنگرف) را که در مورد قرآن به کار می‌برند در مورد فارسی به کار می‌بری (طنز است یعنی چه هنری!) و در ضمن پارسی ایهام دارد به اسم ابونصر پارسی» انتهی.

افزوده می‌شود: اگر حتی سکاوندی در این بیت در معنی سجاوندی باشد - که نیست - چرا باید از مقوله طنز و کنایه به حساب آید؟ وقتی می‌دانیم بسیاری از کتب دربارهٔ ایران و سلاطین به آب طلا منقش بوده، مرحوم معین «سجاوندی» را برای هر نوع کتاب آورده نه فقط قرآن کریم.

دیگر، در مصراع نخست همین بیت، صحبت از توانایی و قوت است که با هنر سجاوندی ارتباط چندانی ندارد. سکاوند نام ناحیه‌ای در غزنین است و گرمسیر است و در تاریخ بیهقی و المسالک و الممالک استخری^۵ معرفی شده است. آقای دکتر نوریان می‌نویسند: منظور از «پارسی را کنی سکاوندی» این است که در اثر توطئه بوالفرج، بونصر پارسی در قلعه سکاوند، زندانی شده است و این قلعه نیز از قلعه‌های معروف دورهٔ غزنوی است که نامش در تاریخ بیهقی و سایر منابع آمده است.^۶

۱۰ - ص ۸۷، به مناسبت بیت:

«رهی نثر تو شاید هزار چون جاحظا

غلام نظم تو زبید هزار چون اخطل»

در حاشیه کتاب با مقایسهٔ چهار بیت (از بیت ۱۶ تا ۲۰) آن قصیده، در چاپ‌های یاسمی و دکتر نوریان اشاره کرده‌اند که: «آشفته‌گی یا جابه‌جایی مصراع‌ها در چاپ آقای دکتر نوریان پدید آمده» یادآور می‌شود، راقم این کلمات در سال ۱۳۶۶ وقتی بر نشر تازهٔ دیوان مسعود سعد (تصحیح دکتر نوریان) نقدی نوشت، متذکر این نکته شد^۷ که البته جناب دکتر شمیسا به مأخذ خود اشاره‌ای نکرده‌اند.

۱۱ - ص ۸۸، نقل قولی از مرحوم دکتر مهدی حمیدی در مقایسهٔ انوری و مسعود آورده‌اند، که دکتر حمیدی می‌نویسد:

«در اشعار خوب وی (مسعود سعد) نیز آن انسجام و

استحکام قصاید خوب انوری و آن جافاقت‌دگی ماهرانهٔ کلمات که هر مصرع را به صورت ردیفی از دندان‌های درخشان و محکم و منظم و مرواریدگون در دهان شعر، تنگ هم به رشته می‌کشد، دیده نمی‌شود و هم از این بابت است که مسعود سعد نسبت به انوری سمتی جز شاگردی چیره‌دست نمی‌تواند داشت.»

و پس از نقل سخن استاد حمیدی شیرازی به ابراز نظر خویش در تأثیر سخن مسعود سعد بر خواننده و مقایسهٔ آن با قصاید انوری پرداخته‌اند که البته سخن‌شان بجاست ولی ناتمام.

اضافه می‌شود: ضمن احترام به نظر آن استاد بزرگوار، حمیدی شیرازی، به استحضار می‌رسد که اگر چاپ منقح و مصححی - نه چاپ مرحوم یاسمی که خود در مقدمه دیوان از آن ابراز نارضایتی می‌نماید - در اختیار آن ناقد محترم بود، به احتمال قوی، چنین نظری نمی‌داشتند و مسعود سعد را تا مرتبهٔ شاگرد انوری - که یقیناً بی‌انصافی است - تنزل نمی‌دادند.

در مقایسهٔ اشعار انوری و اغلب اشعار مسعود سعد (به‌ویژه حبشیات که موفق‌ترین اشعار اوست) توجه به این نکته نیز ضروری است که انوری با اکثر قریب‌به‌اتفاق قصاید و قطعات مدحیهٔ خویش گدیه می‌کند. اما مسعود سعد، می‌سراید تا جان را از هجوم غم و غصه‌ها به در برد یا به قول خودش «کرده‌ام نظم را معالج جان» و نظم جان افزای را پیوند جان خویش می‌کند. درست همان داستان آهو و سگ شکاری است که آهو گفت: دانی چرا به گرد من نمی‌رسی؟ از آن سبب که من برای نجات جان خود می‌دوم و تو برای رضای صاحب خویش.

۱۲ - در مبحث «توجه مسعود سعد به شاعران گذشته و معاصر» ص ۹۷ به بعد آقای دکتر شمیسا، استقصای کاملی نموده‌اند چون این گوینده، گاه به گاه تلمیحات و اشاراتی - بدون ذکر نام سراینده - به شعر شاعران قبل از خود دارد و آن جناب بی‌عنایت از آنها گذشته‌اند مثلاً در ابیات زیر:

تیر تو از عقاب یابد پر

کرکسان را چرا کند مهمان؟

(ص ۵۲۹)

خدنگ تیر تو چون از عقاب یابد پر

چرا که کرکس را دروغا کند مهمان

(ص ۵۳۴)

تلمیحی به این دو بیت معروف فیروز مشرقی (متوفی به سال ۲۸۳ هـ. ق) دارد:

مرغی است خدنگ، ای عجب دیدی

مرغی که شکار او همه جانا

داده پر خویش کرکشش هدیه

تا بچه‌ش را برد به مهمانا^۸

یا بیت:

«همه از دیده خون بی‌الاید

بچهٔ رز به خانهٔ دهقان»

(ص ۵۴۰)

که از نظر مضمون و قافیه یادآور قصیدهٔ معروف «مادر می» رودکی سمرقندی است.^۹
یا بیت:

«بسان بیژن در مانده‌ام به بند بلا

جهان به من بر تاریک چون چه بیژن»

(ص ۶۰۶)

که این بیت نیز از نظر مضمون و قافیه، بیت معروف منوچهری را فریاد می‌آورد که:

... شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک

چو بیژن در میان چاه او من

ثریا چون منیژه بر سر چاه

دو چشم من بدو چون چشم بیژن^{۱۰}

و نیز این بیت مسعود سعد:

«از عقاب است پر آن تیری

که بدو می‌بیفکنند عقاب»

(ص ۳۸)

و

گله از هیچ‌کس نباید کرد

کز تن ماست آنچه بر تن ماست

(ص ۶۹)

از این شاعر، که یادآور شعر «عقاب مغرور» با مصراع سرآغاز معروف:

«روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست» منسوب

به ناصر خسرو است.^{۱۱}

و مهمتر از همهٔ این موارد، این بیت مسعود سعد است که ریشه در شاهنامه دارد. چه این شاعر، از نخستین کسانی است که از شاهنامهٔ حکیم توس «مختاراتی» فراهم آورده است.

مسعود سعد گوید:

به حرص سُرویی که سود آیدم

زبان کرده گوش همچون خری

(ص ۷۱۱)

که تلمیحی به این داستان فردوسی دارد:

بر این بر یکی داستان زد کسی

کجا بهره بودش ز دانش بسی

که خر شد که خواهد زگاوان سُرُو

به یکبار گم کرد گوش از دو سو

۱۳ - ص ۱۰۳، آقای دکتر شمیسا، در بخش دوم

کتاب زندانی نای می‌نویسند: «هنوز ابهامات چندی در زندگی مسعود سعد باقی است که از همه مهمتر چگونگی محبوس شدن او و تعداد زندان‌ها و عدد سال‌های زندان اوست. چنان که بر اهل فضل روشن خواهد شد اینجانب [دکتر شمیسا] در عین استفاده از مقدمهٔ مرحوم رشید یاسمی بر دیوان مسعود سعد، نکات و مسائل نوینی را هم مطرح کرده‌ام.»

و بار دیگر در ص ۱۰۷ کتاب خویش آورده‌اند:

«... همه محققان به تتبع نظامی عروضی نوشته‌اند که به سلطان ابراهیم رساندند که پسرش بر آن است تا

به عراق نزد ملک‌شاه سلجوقی برود، لذا سیف‌الدوله محمود در سال ۴۸۰ به دستور پدر زندانی شد و همراهان او از جمله مسعود را هم گرفتند اما به نظر من [دکتر شمیسا] جز این است.

اضافه می‌شود: «در تابستان ۱۳۷۲ - سه سال قبل از انتشار کتاب زندانی نای، مقاله‌ای در هفده صفحه - در فصل‌نامه هستی با عنوان «مسعود سعد و گناه آزادی» به قلم آقای دکتر نوریان درآمد که - جز در یک مورد - همه موارد مطروحه آن دو مطابقت دارد. با این تفاوت، که در مقاله آقای دکتر نوریان از سرآغاز آشنایی مسعود سعد با سیف‌الدوله محمود غزنوی و اشتباه نظامی عروضی سمرقندی در نقل مطالب مربوطه به مسعود سعد تا گرفتاری‌های او در زندان‌های «دهک» و «سو» و «نای» بر اثر حسد حاسدان و کوتاه فکری سیف‌الدوله محمود و سلطان ابراهیم غزنوی در حق و مرتبت او همه به کمال و به صورت منظم تاریخی مورد شرح و تحقیق قرار گرفته است، اما آنچه در کتاب زندانی نای آمده، همان مطالب است. جز آن که پریشان شده و در پس عنوانهای مختلف و نکات فرعی کم‌رنگ و گاه تکراری نمایانده شده است. اما آن یک مورد اختلاف دو نوشته، آقای دکتر نوریان آزادی شاعر را گناه او دانسته‌اند و آقای دکتر شمیسا «فضولی» شاعر را، و نهایتاً این که نه «مسائل نوینی» در نوشته آقای دکتر شمیسا آمده و نه «نظر» خاصی از ایشان است.

۱۴ - «گناه فضولی»:

مؤلف محترم زندانی نای، به تکرار (در صفحات ۱۱۱ - ۱۱۸ - ۱۴۴ - ۱۴۹ - ۳۴۴ - ۳۴۹ - ۳۸۳ کتاب) مهمترین گناه مسعود سعد و عامل گرفتاری‌های او را به ویژه در زندان «مرنج»، «فضولی» شاعر دانسته‌اند. اضافه می‌شود: احتمالاً، استاد شمیسا اصطلاح «فضولی» یا فضول بودن را از این داستان تاریخ بیهقی وام گرفته‌اند. و «امیر رضی‌الله عنه (سلطان محمود غزنوی) بر مسعود رازی خشم گرفت و فرمود تا او را به هندوستان فرستادند که گفتند او قصیده‌ای گفته است و سلطان را در آن نصیحت‌ها کرد و در آن، این دو بیت بود: مخالفان تو موران بدند مار شدند

برآر زود زموران مار گشته دمار
مده زمانشان زین بیش و روزگار مبر

که اژدها شود از روزگار یابد مار
این مسکین سخت نیکو نصیحتی کرد، هر چند فضول بود و شعرا را با ملوک آن نرسد.»^{۱۳}

افزوده می‌شود: «صرف‌نظر از تفاوت معنایی «فضولی» با «فضول» در زبانهای عربی و فارسی باید هر لغتی در قالب و قالب نوشته و زمان خود معنی شود. اتفاقاً در دو شعر آمده در این گزیده که مخاطب آنها مسعود سعد است، این دو واژه به کار رفته است:

الف : عثمان مختاری، در شعری در مدح مسعود سعد گفته:

... طبعم چو بهار است و من همیشه

بی‌برگ‌تر از شاخ در زمستان
بیرون نتواند شد ز حد قسمت

شوگرد فضولی مگرد عثمان...
(ص ۱۴۲ همین گزیده)

ب : خواجه عمید حسن در شعر ملامت‌آمیزی که در طعن مسعود سعد سروده می‌گوید:

... می‌بجوشد که بر فضول و محال
هیچش از مهتران عطایت نیست

ای کت اندر فضول و خیره سری
هیچ‌گونه حدی و غایت نیست

(ص ۱۵۰ همین گزیده)
و جناب شمیسا، دو بیت از مسعود سعد که واژه

فضولی در آن آمده، آورده‌اند و جالب توجه آن که فضولی را در معنی عامیانه و امروزی آن (= دخالت بی‌جا) معنی کرده‌اند چون نوشته‌اند: «[مسعود سعد] دلیل حبس خود را حاکم بودن چالندر و فضولی در امر سیاست و مملکت ذکر کرده است:

چو بنگریم همیدون پس از قضای خدا
بلای ما همه قزدار بود و چالندر

من و تو هر دو فضولی شدیم و چرخ از بیخ
بکنده‌مان و سزاوار بود و اندر خور
(ص ۱۱۸)

و روشن است که در تمام ابیات این شاعران «فضولی» در معنی «افزون طلب و زیاده‌خواه در امور مادی» است نه دخالت در امر سیاست و مملکت.

و دیگر این که در ابیاتی دیگر از همین قصیده مطوّل، که جناب دکتر شمیسا دو بیت آن را آورده‌اند شاعر، «گناه فضولی» خود و محمد خطیبی (مخاطب شعر) را با کنایه تعریف کرده است، به دنبال دو بیت مذکور، می‌گوید:

چون اهل کوشش بودیم و بابت پیکار
هی چه بستیم از بهر کارزار کمر؟



بدان که ما را در نظم دست نیک افتاد
ز خود به جنگ چرا ساختیم رستم زر؟
دو اهل فضل و دو آزاده و دو ممتحنیم
دو خیره رأی و دو خیره سر و دو خیره بصر^{۱۴}
یعنی هنرنمایی ما در جنگ قزدار (= قصدار) و چالندر و بال ما آمد. ما که اهل فضل و ادب بودیم در پیش‌نظر تنگ حاسدان که گاوریش (بیت ۴۶ همان قصیده) پسندند و مردانگی‌ها را تاب دیدن نیارند، چرا کمر به رزم بستیم؟ مسعود سعد در رباعی‌ای، به این هنر رزم خود در جنگ چالندر اشاره دارد:

از بخشش دست من ز سیم و زر پرس
وز خوی خوشم ز مشک و از عنبر پرس
وز قوت بازوی من از خنجر پرس
وز هیبت من ز راه چالندر پرس^{۱۵}

چه بر اثر همین پهلوانی‌های شاعر بود که از جانب بونصر پاریسی به حکومت چالندر می‌رسد. حال، آیا فضولی مراد شاعر در معنی همان بی‌پروایی و گستاخی است یا قبول حکومت، هر دو قابل توجیه است اما نه معنی امروزی آن که مؤلف محترم این همه بر آن اصرار ورزیده‌اند. نکته آخر این که: مسعود سعد پس از حکومت چالندر با منصوب شدن بونصر پاریسی بار دیگر گرفتار زندان مرنج می‌شود که این قصیده یادگار آن ایام پررنج اوست. شاعر، در یکی از ابیات به گونه پوشیده، از آن که مایه تضریب و حبس و دردسر او شده وصفی کوتاه می‌کند که او هم اهل رزم بوده و دشمن فضل و دانش شاعر.

بدان یقین که نه مردست خصم دانش من
اگر چه پوشد در جنگ جوشن و مغفر^{۱۶}

۱۵ - ص ۱۰۹، مصراع دوم بیت:

«مر مرا آن چنان همی داری

که به من بر حسد برند اعدا»
راکه در تصحیح دکتر نوریان به همین صورت است: پسندیده‌اند و چاپ مرحوم رشید یاسمی را که به گونه «که ز من هم حسد برند اعدا» رجحان نهاده‌اند و در متن کتاب خود آورده‌اند و صورت مصحح دکتر نوریان را در حاشیه. اما جناب شمیسا اگر بیشتر توجه می‌فرمودند یقیناً درمی‌یافتند که اولاً حسد بردن، با حروف اضافه «بر» یا «به» همراه است نه حرف «از»، گذشته از آن که، با انتخاب صورت متن یاسمی، هم از فصاحت بیت کاسته‌اند هم از سبک و بافت شعر مسعود دور شده‌اند. ۱۶ - ص ۱۲۷، به نقل از کتاب حدائق السحر رشید وطواط، هشت بیت از اشعار عربی مسعود سعد را آورده‌اند و متذکر شده‌اند که در دیوان مسعود این ابیات مندرج نیست.

افزوده می‌شود: شاید مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر اولین کسی است که در زیر نام «مسعود سعد سلمان لاهوری» این هشت بیت عربی را با تذکار صنایع بدیعی آن آورده ولی مأخذ سخن استاد فروزانفر کتاب سُبْحَة المرحان بوده نه حدائق السحر. بدین سبب در دو

بیت منقول رشید و طواط و مؤلف سبعة المرجان از این شاعر، در دو سه کلمه اندک تفاوتی هست.

در کتاب حذائق السحر و طبعاً و تبعاً در کتاب زندانی نای این بیت مسعود سعد، به صورت زیر آمده:

«ثِقُ بِالْحَسَابِ فَتَهْدُهُ مِيمُونُ
أَبْدَأُ وَقُلْ لِلنَّصْرِ كُنْ فَيَكُونُ»
لیکن آنچه استاد فروزانفر آورده‌اند:

«ثِقُ بِالْحَسَابِ فَتَهْدُهُ مِيمُونُ
وَأَرْكَبُ وَقُلْ لِلنَّصْرِ كُنْ فَيَكُونُ»^{۱۷}

۱۷- ص ۱۳۶، آقای شمیسای می نویسد:

«مسعود سعد به سبب شهرت بسیار در شاعری، ظاهراً در زندان در کار شعر و شاعری آزاد بوده است، اشعار دیگران به او می‌رسیده (لا بد در قبال پولی که به دزدان می‌داده است) و اشعار خود او از دزدان بیرون می‌رفته است.» انتهى.

به باور راقم این کلمات، آزادی شاعر را در کار شعر و شاعری، گذشته از شهرت وی باید نخست از منظر حرمت و بزرگی او به سبب تقرب به حاکمان زمانه نگرست و نیز در حمایت مالی و معنوی بزرگان صاحب قدرت از وی دانست، همان‌هایی که گاه به گاه ذکر خیرشان را در مطاوی اشعار خود آورده و از همه مهم‌تر به بیسواد و بی‌اطلاعی دزدانان او توجه کرد. چه گمان ندارم هیچ دزدانی در گذشته و حال، حاضر شود پولی از شاعری بگیرد و او در وصفش بسرائد: «خوکی است کربه‌روی دزدانم»

۱۸- ص ۱۴۳، می نویسد:

«مسعود سعد مرد متعینی بوده است، زمانی که در زندان بود از خانه خود که سه حمام داشت چنین یاد می‌کند:

گرمابه سه داشتم به لاهور

وین نزد همه کسی عیان است...»
می‌افزاییم: شاعر گفته، سه گرمابه به شهر لاهور داشتم نه در خانه، ثانیاً اگر در خانه خود سه گرمابه داشته چه گونه این موضوع نزد همه کسی عیان بوده است؟!
۱۹- در قسمت نقل قصاید بعضی کلمات ابیات را به گونه دیگر آورده‌اند که همه را نمی‌توان از مقوله غلط مطبعی شمرد. مثل:

الف: ص ۱۶۴ مصراع «نزد من آر بوی از آن لب» که صحیح آن: «نزد من آر بوسه از آن لب»

ب: ص ۱۶۹ مصراع «بر تن از آب دیده طوفانیست» که صحیح آن: «بر تن از آب دیده طوفانیست»
متأسفانه این غلط مصطلح (توقان به جای طوفان) در دیوان مصحح دکتر نوریان هم راه یافته.

ج: ص ۱۷۱، مصراع «سخن فضل را چو میزانت» که صحیح آن: «سخن فضل را چو میزانت»

د: ص ۱۷۸ در بیت

«از روی عزیزی است بسته باز
وز خاری باشد گشاده خاد»
که روشن است «خاری» باید به صورت «خواری» باشد، این مورد هم احتمالاً از دیوان مسعود سعد به این

کتاب راه یافته است.

ه: ص ۱۴۸ مصراع «از همه کارها که در کین است» که صحیح آن «از همه کارها که در کتب است» احتمالاً غلط مطبعی است.

۲۰- از آن سبب که هر سطر نوشته اساتید ادب ما، سند صحت و سلامت سخن برای مبتدیان شعر و ادب امروز خواهد بود، ای کاش، بعضی از این بزرگواران به وقت نوشتن، در انتخاب کلمه و ادای مطلب، دقت نظر بیشتر و بهتری مبذول می‌داشتند. مثلاً جناب استاد در صفحه ۱۵۳ زندانی نای می‌نویسند:

«من بشخصه با مسعود روزگار خوشی داشتم...»
که روشن است «بشخصه» قید تأکیدی است که باید با ضمیر سوم شخص (او) همراه باشد، آیا ذهن استاد با این شعر شاملو جوگر شده که:

«حال آن که من بشخصه / زمانی همراه با شعر خویش / همدوش شن چوی کره‌ئی جنگ کرده‌ام»^{۱۸} و متوجه اشتباه او نشده‌اند؟

۲۱- ص ۲۹۱، در معنی مصراع «چون نای بی‌نوا» از این نای بینوا» نوشته‌اند: نای بی‌نوا: نی بی صدا و نای بینوا: زندان مفلوک نای است...»

افزوده می‌شود: «مفلوک» در لغت بدبخت و تهیدست است، از آن جایی که این صفت برای انسان یا هر چیزی که صفت انسانی گرفته باشد، کاربرد دارد، بهتر بود به جای آن «زندان خالی از توشه» به کار می‌رفت. هر چند متوجه هستم که نیت و اصرار استاد شمیسای - چون قبلاً در ص ۵۴ و ۵۵ زندان نای را با این صفت نامیده‌اند - از کاربرد این واژه، تداعی بلندی و سر به فلک کشیده بودن زندان نای (= تبارد) بوده، اما به کارگیری واژه نه‌چندان فصیح و زیبایی که حتی یکبار در شعر شاعر به کار نرفته، نازیباست.

۲۲- ص ۲۹۳، با توجه به بیت:

«انده چرا برم چو تحمل بیایم

روی از که بایدم که کسی نیست آشنا»
واژه «روی» را، یک بار در معنی «جانب‌داری و حمایت» گرفته‌اند و دگر بار در معنی «شرم و حیا».

افزوده می‌شود: مسعود سعد، مفهوم این بیت را در جایی دیگر آورده:

کس مرا شناسد و بیگانه رویم نزد خلق
زان که در گیتی ز بی‌جنسی ندارم آشنا
(ص ۸۲۲)
در مقایسه دو بیت بالا، در برابر «بیگانه رو»، «آشنا روی» می‌نشیند، پس «روی» در معنی «دیدار، انتظار ملاقات» است و مفهوم کلی بیت، بر تنهایی و غربت شاعر دلالت دارد.

۲۳- ص ۲۹۴، در توضیح مصراع «گشت ازدهای جان من این ازدهای چرخ» نوشته‌اند: «چرخ به لحاظ هفت فلک به ازدهای هفت سر مانند شده است.»

افزوده می‌شود: ازدهای چرخ: صورت فلکی شمالی، است. (فرهنگ اصطلاحات نجومی) پس صحبت از

هفت فلک و تشبیه نیست، بلکه می‌توان آن را (مجازاً) آسمان، چرخ کج‌مدار، معنی کرد.

۲۴- ص ۲۹۶، با توجه به بیت:

«گر بر سرم بگردد چون آسیا فلک

از جای خود نجنیم چون قطب آسیا»
نوشته‌اند: «قطب آسیا: دسته آسیا»

این معنی صحیح نیست، چون قطب آسیا در لغت: «میلۀ آهنین میان دو سنگ آسیاست که سنگ زبرین برگرد آن می‌چرخد و اگر در اندیشه استاد، آسیاهای کوچک دستی بوده، که به کمک دسته‌ای سنگ زبرین می‌چرخد، مسلم است که آن منظور شاعر نیست، چون می‌گوید: «از جای خود نجنیم»

۲۵- ص ۳۰۰، بیت:

«تا دولت است و نعمت با بخت تو به هم
از لهر و از نشاط زمانی مشو جدا»

را بیت شریطه قصیده دانسته‌اند.
اما اگر بیشتر عنایت می‌فرمودند، متوجه می‌شدند که اولاً بیت، نصیحت است و به دعا نمی‌پیوندد. پس شریطه نیست. ثانیاً در پنج بیت بعد شریطه آمده است.

۲۶- ص ۳۰۲، در برابر واژه «صاحب» نوشته‌اند:

«ممدوح شاعر ابوالمؤید منصور بن...»

این توضیح وقتی صحیح است که این «لقب» مخصوص یک نفر باشد. درحالی که می‌دانیم در عهد غزنوی «صاحب» به طور مطلق از باب احترام به خلیفه و وزیر و حاکم اطلاق می‌شده است^{۱۹}، پس اگر می‌نوشتند «وزیر» و منظور... درست تر می‌بود.

در ضمن در سطر اول همین صفحه، لغزش قلمی صورت گرفته و آن: «شفق سحری» است که باید «فلق سحری» (= سرخی آسمان قبل از طلوع خورشید) می‌نوشتند.

۲۷- ص ۳۰۴، در برابر واژه «نیستی» نوشته‌اند: «فقر، مصیبت بود پیری و نیستی (سعدی)»

افزوده می‌شود: مصراع شاهد، یعنی «مصیبت بود...» در امثال و حکم دهخدا به فردوسی منسوب است.^{۲۰} اما نه از سعدی است و نه از فردوسی، بلکه صورت محرف این بیت نظامی است:^{۲۱}

«مخور جمله، ترسم که دیر ایستی

به پیرانه سر بد بود نیستی»
۲۸- ص ۳۰۵، با توجه به مصراع «دل از نیستی چو ترسانی است» توضیحی مربوط به مختصات فارسی کهن، در زیر «چو ترسانی» آورده‌اند که از افادات مرحوم مجتبی مینوی است، با همین بیت شاهد مسعود سعد، ولی متأسفانه جناب شمیسای، به مأخذ خود اشاره نکرده‌اند.^{۲۲}

۲۹- ص ۳۰۶، در معنی بیت:

موی چون تاب خورده زوبینی است

مژه چون آب داده پیکانی است
نوشته‌اند: «موی کثیف و ژولیده را به زوبین دو شاخی که تاب داده (پیچیده) شده باشد تشبیه کرده

است، آبداده، محکم و سفت...

افزوده می‌شود: مسعود سعد در جای دیگری مضمون بیت بالا را به گونه زیر بیان کرده: موی بر فرق گوییم تیغ است

مژه بر دیده گوییم نیش است
(ص ۷۵۵)

با توجه به بیت مذکور و دقت در معانی دیگر «تاب خورده (حرارت یافته)» و «آبداده (= آب دیده امروزی)» و ارتباط این دو کلمه با هم دیگر، این معنی به ذهن می‌رسد: «موی‌ها چون زوبینی که حرارت دیده باشد و سخت شده برگردن و سرم راست ایستاده» درباره همین موی کثیف و سخت شده خود در قطعه‌ای گفته است:

بر تارک و گوش و گردن من
گویی نم‌تر گران است
(ص ۸۲۲)

۳۰- ص ۳۰۷، درباره بیت:

«لعبتانی که ذهن من زاده‌ست

لهو را از جمال کاشانی است»
نوشته‌اند: «کاشان: از شهرهای حسن خیز ماوراءالنهر، نزدیک اخسیکت، و هرکجا در شعر فارسی سخن از لعبت کاشانی است مراد آنجاست».

افزوده می‌شود: با مراجعه به مأخذ بسیار، جایی ندیدم که به حسن خیزی کاسان یا کاشان شمال اخسیکت اشاره شده باشد. آن شهر کوچک قدیمی به صورت کاسان و قاشان و کاشان در (فرهنگ معین، اعلام)، (انندراج)، کتاب (خراسان بزرگ) و حتی دیوان سوزنی سمرقندی یاد شده است ولی بعید می‌نماید شهرکی که حتی شهرت اخسیکت را نداشته و نیافته، چنان حسن خیز باشد که حکم کلی صادر شود: «هرکجا در شعر فارسی سخن از لعبت کاشانی است، مراد آنجاست».

ثانیاً، مرحوم معین، کاشان را در معنی کاشانه و خانه معنی کرده‌اند با این بیت شاهد از مسعود سعد.



«بسته پیشست کمر دو پیکروار

بت مشکوی و لعبت کاشان»
ثالثاً به استاد بیت دیگری از همین شاعر، صاحب این قلم حدس می‌زند کاشان باید در معنی اتاق پرنقش و نگار و جایگاه عروسک و تندیس زیبا باشد. اما آن بیت:

بسان کاشان، بیرنگ خامه نقاش
چگونه گشت همه باغ پر نگارستان
(ص ۵۴۲)

۳۱- ص ۳۱۰، در معنی بیت:

«این عقل در یقین زمانه گمان نداشت
کز عقل راز خویش زمانه نهان نداشت»
نوشته‌اند: «عقل من جزو امور حتمی روزگار هرگز گمان نمی‌کرد که زمانه راز خود را از عقل نهان ندارد. [؟] یعنی عقل من راز روزگار را برخلاف انتظار دریافته است.» انتهى.

افزوده می‌شود: بیت مورد بحث بسیار روشنتر از این معنی مبهم و ناصواب است.

مصراع اول مقایسه شود با این بیت دیگر شاعر: «چو بود خواهد خود بودنی یقین دارم که هیچ فایده از حزم و از حذر نبود» (ص ۸۵۷ دیوان)
ثانیاً معنی «برخلاف انتظار» از کدام قسمت شعر دریافت می‌شود؟

۳۲- ص ۳۱۴، در معنی بیت:

«چون بیفساندم چو مار، غمی
بر دل من چو مار بگمارد»
نوشته‌اند: «افسانیدن: افسون کردن، جادو کردن (مار با نگاه خود افسون می‌کند)».

اضافه می‌شود: با توضیحی که داخل کمانک (پرانتر) آورده‌اند چنین می‌نماید که [فلک] چون مار، مرا افسون می‌کند! و این معنی نادرست است، چون اولاً فاعل «بیفساندم» فلک است که در دو بیت قبل آمده و «دنیا» نیست که شخص را افسون و جادو کند و در ثانی، مثل این که در باور مردم، مارگیر، مار را افسون و جادو می‌کند.

۳۳- ص ۳۱۶، با توجه به بیت:

«نقاب شرم چو لاله ز روی بردارند
چو ماه و مهر، سر و روی در نقاب کنند»
می‌نویسند: «چو ماه و مهر: در وقت سحر نه ماه است و نه مهر و برداشتن نقاب شرم بلامانع است!»
قبل از این توضیح هم آورده‌اند که: «نقاب شرم برای لاله، گلبرگ‌های سرخ است که در سحر باز می‌شود.»

اضافه می‌شود: چرا جناب شمیسا، در معنی این شعر، تکیه بر سحر کرده‌اند در حالی که شاعر در بیت پیش از «شب دیرنده»، «شب ظلمانی دیریا» سخن گفته، در ثانی در وقت سحر مهر (خورشید) نیست اما ممکن است «ماه» وجود داشته باشد. ثالثاً تأکید کردن بر

این که «گلبرگ‌های سرخ هنگام سحر شکوفا می‌شوند» که نکته دقیق و صحیحی نیست. سخن آخر این که شاعر مضمون بیت بالا را با تغییر «نرگس» به جای «لاله» این گونه گفته است:

دو چشم روشن بگشاد نرگس، از شرمش
به ابر تاری بریست آفتاب نقاب
(ص ۳۵)

۳۴- ص ۳۲۰، درباره بیت:

«روا بود که ز من دشمنان ببندیشند
حذر ز آتش نر بهر التهاب کنند»
نوشته‌اند: «آتش تر: آتش هیزم تر که چون خشک شود ناگهان شعله می‌کشد.» [کذا] توضیح شگفتی است! هیزم تر که خشک شود یعنی هیزم خشک، پس آتش تر، یعنی چه؟!
اما شگفت‌انگیزتر این که آقای دکتر شمیسا اگر بر زیر کلمه‌ای فقط یک نقطه کم یا زیاد شود - مثلاً «حاجیان» تبدیل به «حاجیان» شود (در چاپ‌های آقایان یاسمی و نوریان) - حمل بر غلط چاپی نمی‌کنند و حتی در فهرست کتاب خود «سرفصلی» برای آن منظور می‌دارند اما هرگز تردید به خود راه نمی‌دهند که ممکن است، آتش تر، یک غلط چاپی باشد که در چاپخانه از نزدیک شدن حرف «ن» و «ز» = نز، پدید آمده و تر، خوانده شده، تا هم معنی و سؤالی خواندن آن، هم قاعده عروضی عرصه افاده گزیده پردازان باشد.

۳۵- ص ۳۲۱، با توجه به بیت:

«دو چشم من رخ من زرد دید نتوانست
از آن به خون دل آن را همی بیالاید»
به نقل داستان حلاج و بریده شدن دستش، از کتاب تذکرة الاولیاء عطار پرداخته‌اند و این که حلاج خون دو دست خویش در روی مالید و گفتن این نکته که «خون بسیار از من برفت و دانه که رویم زرد شده باشد شما پندارید که زردی من از ترس است، خون در روی مالیدم تا در چشم شما سرخ روی باشم»... الخ.
افزوده می‌شود: اگر نیازی به ذکر این داستان بود، مناسب‌تر چنین می‌نمود که به نقل آن: درباره «بابک خرم دین» از کتاب سیاست نامه ۲۴ خواجه نظام الملک می‌پرداختند، چه این کتاب اقدم از تذکرة الاولیاء است و به زمان مسعود سعد نزدیک، و احتمالاً عطار با تغییر شخصیت داستان، از سیاست نامه، استفاده کرده است. استاد زرین کوب هم، این داستان را در ذیل احوال بابک آورده‌اند. ۲۵

۳۶- ص ۳۲۲، با توجه به بیت:

«لقب نهادم از این روی فضل را محنت
مگر که فضل من از من زمانه بر باید»
با توجه به بیت پیشین آن، آقای شمیسا، معتقدند که قافیه صحیح بیت، باید «نر باید» باشد نه «بر باید». این نکته را قبلاً در ص ۶۳ کتاب خویش نیز آورده‌اند، «هرچند در هیچ نسخه‌ای «نر باید» نیامده.
افزوده می‌شود: اگر جناب مؤلف، موضوع فضل و هنر

را از منظر شاعر مورد تحقیق قرار می‌دادند، روشن می‌شد که مسعود سعد بارها داشتن فضل و هنر را مایه عذاب و گرفتاری خود می‌داند، فقط ابیاتی را که در همین کتاب ایشان «زندانی نای» در باب این موضوع آمده شاهد سخن می‌آورم، آیا این تکرار مضمون، دلیل صحت «برباد نیست؟

الف: شاعر به فرزند خود پیام می‌دهد:

... چو حال فضل بدیدم که چیست بگزیدم
ز کار، پیشه جولا هگی ز بهر پسر

بدو نوشتم و پیغام دادم و گفتم

که ای «سعادت» در فضل هیچ رنج مبر

اگر سعادت خواهی چو نام خویش همی

به سوی نقص گرای و طریق چهل پسر...

نصیحت پدرانه ز من نکو بشنو

مگر گرد هنر هیچ که آفت است هنر

(ص ۱۴۴)

ب: کاش من جمله عیب داشتمی

چون بلا هست جمله از هنرم

(ص ۲۰۶)

ج: مسعود سعد، دشمن فضل است روزگار

این روزگار شیفته را فضل کم نمای

(ص ۲۴۹)

۳۷- ص ۳۲۲، در معنی بیت:

«تم ز بار بلا زان همیشه ترسان است

که گاهگاهی چون عندلیب بسراید»

نوشته‌اند: «وجودم بدان سبب از بار بلا (قفس

زندان) همواره در بیم است که من هم مانند بلبلیم

(شاعرم) و هر آینه بیم آن اهت که بلبل را در قفس

اسیر کنند.»

افزوده می‌شود: شاعری که در زندان است چگونه

بیم آن دارد که او را چون بلبل در قفس زندان، اسیر

کنند؟ در صورتی که او می‌گوید: وجودم از آن سبب

همیشه بیمناک بلایی تازه است که گاهگاهی چون

عندلیب نغمه‌سرای کرده. به قول مولوی «دشمن

طاووس آمد پر او» یا به گفته شهریار:

پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل

یک روز خنده کردم و عمری گریستم

۳۸- ص ۳۲۳، با توجه به بیت:

«رهی چو تیغ کشیده، کشیده و تابان

اثر ز سم ستوران بر او به جای گهر»

به بیان صنایع ادبی آن پرداخته‌اند و در برابر کلمه

گهر نوشته‌اند: «شمشیر باید مرصع باشد.»

افزوده می‌شود: این توضیح کامل نیست، چه:

«تیغ» با توجه به کلمه «تابان» و «گهر» جوهر

شمشیر و درخشندگی آن فریاد می‌آید و «راه» با توجه

به کلمه «سم ستوران» و «گهر» راه کشیده و درازی که

گویی از نعل اسبان که در آن افتاده، چون شمشیر مرصع،

جواهر نشان شده است.

۳۹- ص ۳۲۳، در معنی بیت:

«وگر به تیزی گردد بریده چیز از تیغ

از او همی به درازی بریده گشت نظر»

نوشته‌اند: «اگر اشیاء بوسیله تیزی تیغ بریده

می‌شوند، از این تیغ (تیغ کوه) نظرها به سبب درازی

راهش بریده می‌شود.»

افزوده می‌شود: در یک دو بیت پیش شمشیر و راه

به هم تشبیه شده بودند و صحبت از تیغ کوه نبود.

۴۰- ص ۳۲۴، در معنی مصراع

«گه اخگر از جگر من چو خون دل گشته» نوشته‌اند:

گاهی ستاره از اندوه (جگر) من، مثل خون دل سرخ

شده بود... که احتمالاً خطای یاسره موجب شده که

«اخگر» را در معنی «اختر» بیاورند.

۴۱- ص ۳۲۵، درباره بیت:

«شکوه جاهش گردیده راشدی محسوس

سپهر و انجم بودی از او دخان و شرر»

نوشته‌اند: «در هر دو مصراع به جای فعل‌اتن،

مفعول (تسکین) آمده است اما گوش فقط در مصراع

دوم احساس سکت می‌کند. لذا نمی‌توان تسکین را

علی‌الاطلاق باعث سکت دانست.» انتهی.

افزوده می‌شود: این بیت قبل از آن که نیاز به

بحث‌های عروضی این‌گونه داشته باشد به بیان معنی

احتیاج دارد.

۴۲- ص ۳۲۶، در معنی بیت:

«ز بهر روی تو خورشید خواستی که شدی

شعاع ذره‌ش چون نور دیده، حس بصر»

نوشته‌اند: «خورشید برای آن که تو او را بینی آرزو

داشت که نور ذره‌هایش چون نور دیده و حس بینایی

می‌شد. (یعنی قابل رؤیت می‌شد)»

اضافه می‌شود: مگر ممدوح نابینا بوده که نتواند

خورشید را ببیند؟

ثانیاً به استناد ابیات قبل و بعد این بیت، منظور

شاعر این است که: «خورشید برای آن که بتواند روی تو

را ببیند، آرزو داشت هر ذره شعاعش چو نور دیده، حس

بینایی می‌شد.»

۴۳- ص ۳۳۱، با توجه به مصراع «طبع تو در

زمستان باغی بود خرم نوشته‌اند: «خرم بدون تشدید از

مختصات سبک خراسانی.»

افزوده می‌شود: اقتضای وزن، بیشتر در تلفظ بدون

تشدید این واژه مؤثر بوده است تا ویژگی سبک. چه در

دیوان شاعر، ابیات فراوانی یافت می‌شود که واژه «خرم»

به صورت مشدد به کار رفته، مثلاً:

بالله که نه رنجورم و نه غمگین

بس خرم و نیک شادمانم

(ص ۴۹۰)

همه احوال چاه تو به نظام

همه ایام عیش تو خرم

(ص ۴۸۳)

و نیز به صفحه ۴۷۷ بیت ۱۳ و نیز در قصیده

دیگری در همان صفحه بیت ۱۲ مراجعه شود. یادآوری می‌شود که واژه «خرم» در زبان پهلوی هم‌آوای (Xurram) دارد.

۴۴- ص ۳۳۲، در بیت:

«از کالبد تن استخوان ماندم

امید در این تن از چه سان بندم»

قافیه این بیت، در چاپ دکتر نوریان «ار به جان»

است ولی آقای شمیسا، ضبط دوم رشید یاسمی را

رجحان نهاده‌اند.

افزوده می‌شود: سخن بر سر این نیست که با

انتخاب این قافیه (= از چه سان) از قوت و زیبایی بیت

کاسته شده، بلکه سؤال این بنده از استاد محترم سبک

نظم و نثر این است که آیا ترکیب «از چه سان» در نظم و

نثر قدما به کار رفته؟

۴۵- ص ۳۳۶، درباره بیت:

«پست می‌بینم از همه کیهان

چون هما سایه افکند به سرم؟»

نوشته‌اند: «از» گاهی در قلم «را» مفعولی است.

پست می‌بینیم همه کیهان.

افزوده می‌شود: شاعر در دو بیت پیش گفته بود:

از بلندی حصن و بندی کوه

از زمین گشت منقطع نظرم

یعنی زمین را نمی‌بینم و در این بیت می‌گوید: همه

جهان را پست می‌بینم؟! در گزیده‌ای که اخیراً آقای دکتر

نوریان منتشر کرده، به جای «پست»، «پشت»

آورده‌اند. ۲۶ و بیت با این تغییر، معنی صحیحی می‌یابد.

ثانیاً معنی و مضمون این بیت در دیوان مسعود سعد،

تکرار شده به این دو بیت توجه شود، درباره بلندی

زندان خود.

همی تا کیم کرد باید نگاه

به پشت و برخش غلیواژ و رنگ

(ص ۴۲۲)

و



زندانی نای

از سده آغازین سده سده

چون پشت بینم از همه مرغان برین حصار
ممکن بود که سایه کند بر سرم همای
(ص ۴۸: زندانی نای)

۴۶- ص ۳۴۰، در معنی بیت:

«چون مشرف است همت بر رازم

نفسم غمی نگردد از آرم»
نوشته‌اند: «چون همت ناظر و مراقب درونم است،

آزم برای نفسم ضرری ندارد بلکه مفید است.»

افزوده می‌شود: از چگونه می‌تواند مفید باشد؟ آیا
شاعر نمی‌گوید: نفس من از آزار راحت نمی‌شود؟

۴۷- ص ۳۴۱، در معنی بیت:

«روی سفر نبینم و از دانش

گه در حجاز و گاه در اهوازم»

نوشته‌اند: «شهرت من در جهان پیچیده است.»

افزوده می‌شود: به نظر می‌رسد، غرض شاعر این
بوده که من به جهت این که صاحب علم و دانشم اگر چه

سفر نمی‌کنم همه جای عالم در پیش نظر من است، علمم
بر شناخت هر مکانی اشراف دارد.

۴۸- ص ۳۳۸، در زیر واژه «مرسوم» نوشته‌اند:

«... شاعر مرسوم را با سال و ادرار (مواجب، حقوق) را

با روز آورده است، سعدی هم ادرار را با روز آورده است.»
«مرا در نظامیه ادرار بود

که هر روز تدریس و تکرار بود»

و در زیر آن، افاده فرموده‌اند که: «در برخی از نسخ
بوستان به جای هر روز، شب و روز است.»

اضافه می‌شود: مصراع دوم بیت شاهد، در بوستان

چاپ یوسفی، خزائلی، فروغی به صورت مشهور «شب و

روز، تلقین و تکرار بود» آمده و شادروان دکتر یوسفی، از

ده نسخه‌ای که مأخذ تصحیحش بوده چنان صورتی
ندیده است وگرنه در شرح نسخه بدل‌های ابیات متذکر

می‌شد.

۴۹- ص ۳۴۰، در معنی بیت:

«گرته به ثنای او گشایم لب

بسته است میان به بند زنارم»

نوشته‌اند: «اگر مداح او نباشم، ترسا باشم.»

می‌افزاییم: مسعود سعد «زنار بر میان بستن» را

بیشتر برای هندوان و مشرکان آورده^{۲۷} و با توجه به بیت

پیش، در همین قصیده، که «در هستی اینزد است

انکارم» اگر مشرک یا ملحد معنی می‌کردند، صحیح‌تر از

«ترسا» بود.

۵۰- ص ۳۴۱، در معنی بیت:

«بادم به نظم و نثر و نه نقام

مُشکم به خُلق وجود و نه غقام»

نوشته‌اند: «در ایجاد نظم و نثر چون باد سریع هستم

اما نقام (سخن چین) نیستم باد از آنجا که بوی مشک

قافله‌ها را به اطلاع دزدان می‌رساند نقام است...»

افزوده می‌شود: سخن بر سر این نیست که آیا باد
بوی مشک قافله‌ها یا صدای زنگوله‌های چهارپایان؟

یا سخن اهل کاروان؟ را به گوش راهزنان می‌رسانیده،

به ویژه که همه قافله‌ها مشک یا خود نداشته‌اند. بلکه
باید توجه کرد، که یکی از معانی «باد» نسیم و بوی
خوش است (= فرهنگ تاریخی زبان فارسی) و با توجه
به مصراع دوم و واژه مشک، این معنی صحیح‌تر
می‌نماید.

۵۱- ص ۳۴۲، در معنی بیت:

«چون تافته پرنیانم ایراک

بیچاره‌تر از نقش پرنیانم»

نوشته: «تافته» پیچیده، تاب داده» بافته (به نقل از

فرهنگ معین)، نقش پرنیان: پرنیان حریر منقش
است.»

افزوده می‌شود: بسیار به جا بود اگر استاد آن بیت را

با توجه به این بیت که در پایین صفحه ۲۲۶ گزیده خود

آورده‌اند، معنی می‌کردند که:

چون تار پرنیان تنم از لاغری و من
مانم همی به صورت بی جان پرنیان

تا «نقش پرنیان» را «صورت انسان یا شیر و پلنگ

که بر حریر بافته شده» می‌گفتند.

۵۲- ص ۳۴۳، در معنی بیت:

«در معرکه روزگار دونم

با هرچه همی آورد توانم»

نوشته‌اند: «هرچند در جدال روزگار پست و خوارم

اما از عهده آنچه می‌کند برمی‌آیم.»

افزوده می‌شود: تضادی در معنی به نظر می‌رسد. اما

اگر «دون» را صفت روزگار می‌دانستند - که چنین است -

معنی خالی از اشکال بود.

۵۳- ص ۳۴۳، در معنی بیت:

«با مفخر آزادگان به خوانم

با رتبت آزادگان بیانم»

آورده‌اند: «در این بیت علت خرمی و شادمانی را

توضیح می‌دهد که در زندان بر سفره ممدوح است

(ممدوح خرج او را می‌دهد) و با او در شعر سخن

می‌گوید.»

افزوده می‌شود: خوان در این بیت، «سفره» نیست

بلکه ریشه فعل «بخوانم» است. شاعر گفته: بیانم (=

شعرم) را که با رتبت آزادگان است با مفخر آزادگان

(ممدوح) می‌خوانم.

۵۴- ص ۳۴۷، بیت:

«با عالم پیر قمر می‌بازم

داو دو سر و سه سر همی خوانم»

به همین صورت در دیوان مسعود سعد تصحیح

آقای دکتر نوریان آمده ولی جناب مصحح در برگه
غلطنامه‌ای که در میان اوراق کتاب گذاشته بودند صورت

صحیح مصراع دوم را در آن جا به این گونه آورده‌اند:

«داود و سه و سه سر همی خوانم»

۵۵- ص ۳۵۱، در معنی بیت:

«بالای رتبت تو گذشته ز هر فلک

پهنای بسطت تو رسیده به هر مکان»

فقط، نوشته‌اند: بسطت: فراقی [کذا] که منظورشان

فراخی است.

اما در این بیت، پهنای بسطت (پهنای فراخی)
یعنی چه؟ روشن است که بسطت در این بیت، در معنی
«فضیلت» (فرهنگ معین) به کار رفته.

۵۶- ص ۳۵۳، در معنی بیت:

«در یک درم زندان با آهنی سه من

هرشام و چاشت باشم در یوبه دوتان»

قبلاً در صفحه ۶۰ مقدمه و دگر بار در این صفحه،

این بیت را شاهد نوآوری شاعر آورده و گفته‌اند: «به

جای یک بدست (یک وجب) یک درم گفته است و این

نوعی نوآوری است.»

افزوده می‌شود: مؤلف محترم، یک درم را یک درهم

خوانده‌اند و این معنی به نظر صواب نمی‌آید. شاعر

می‌گوید در یک باب زندان با آهنی سه من (زنجر) به

سر می‌برم، چه گونه در یک درهم زمین با آهنی سه من،

همخوانی دارد؟!

۵۷- ص ۳۵۸، درباره بیت:

«مرا بیافت چو یک قطره خون جوشان دل

مرا بیافت چو یک تار موی نالان، تن»

نوشته‌اند: «خون: بعد از آن باید مکث کرد و لذا نون

خون برخلاف قاعده زاید بر وزن آمده است.» نمی‌دانم،

استاد چه گونه بیت را خوانده‌اند که مرتکب چنین نظر

ناصوابی شده‌اند؟ چه حتماً باید حرف نون با کسره

خوانده شود.

۵۸- ص ۳۶۱، در معنی بیت:

«تو ناامید گشتی از عمر خویشتن

نومید شد به هر جا از تو عُفات تو»

نوشته‌اند: عُفات: جمع عافی: آمرزنده، بخشنده.

افزوده می‌شود: با این معنی، چه گونه می‌شود معنی

صحیحی از بیت دریافت؟ یکی از معانی عافی:

«خواهنده رزق از مردم» (= منتهی‌الادب) است و این

معنی منظور شاعر بوده است.

۵۹- ص ۳۶۶، در معنی بیت:

«آرد هوای نای مرا ناله‌های زار

جز ناله‌های زار چه آرد هوای نای؟»

نوشته‌اند: «هوای نای: هوای زندان نای و ایهام دارد

به دمی که در نی دمیده می‌شود در مصراع دوم

اسلوب‌الحکیم است زیرا مراد از هوای نای دمی است که

در نی دمیده شده نه هوای زندان نامی که در مصراع اول

گفته شده است...»

افزوده می‌شود: یکی از معانی هوا که امروز در زبان

ما از رواج افتاده و حتی از بسیاری فرهنگ‌ها فوت شده

«نغمه و آهنگ» بوده است. البته این لغت، در این معنی،

هنوز در لهجه مردم بخارا - از شهرهای جمهوری

ازبکستان - کاربرد دارد. به این جمله توجه شود:

«دایره دست‌ها، در پیش خود یک رویمال (=

دستمال، حوله) پهن کرده بودند، دایره‌ها را هم با هوای

مخصوص می‌نواختند.^{۲۸} شاهد دیگر از خود شاعر،

مسعود سعد در بیت نخست یک رباعی می‌گوید:

«ای نای، هوا بپریدم از نای دمی

او را دم گرم بوده تو سرد دمی»
(ص ۱۰۶۰)

در این بیت حافظ هم، «هوا» موهم چنین معنی هست:

چه ساز بود که در پرده می زد آن مطرب

که رفت عمر و دماغم هنوز پر ز هواست
ثانیاً «دمی» که در نی دمیده می شود» جز از نغمه و آهنگی است که از آن شنیده می شود، پس چه گونه «ناله های زار» در شخص پدید می آورد؟

۶۰- ص ۳۶۷، درباره بیت:

«بر من سخن نیست نبند دلی سخن

چون یک سخن نباشد سخن سرائی»
نوشته اند: «نبت، نبندد ای نشانه منفی» مطابق یاسمی، در نوریان: بیست، ببندد، آن گاه معنی کرده اند: طبع شعریم بسته نشد، آری درست است زیرا، هنگامی که مستعمی نباشد شعر نمی بندد (نمی آفریند) بستن اول به معنی منسد شدن و بستن دوم به معنی آفریدن، افزوده می شود: متأسفانه تعبیرات و توجیهاتی که برای رجحان تصحیح یاسمی بر دکتر نوریان ارائه داشته اند محکم نیست، مثلاً عبارات «طبع شعریم بسته نشد؟» یا «بستن به معنی آفریدن» متکی به هیچ فرهنگ و مأخذی نیست، به ویژه که در شعر شاعر، «سخن گشادن» را به معنی «سرودن یا سخن گفتن» می یابیم و «سخن گشادن» دقیقاً در برابر «سخن بستن» قرار می گیرد. به بیت شاهد زیر توجه شود:

از دلم ترجمان شده کلکی

چون زبانم همی گشاده سخن
(ص ۶۲۶)

۶۱- ص ۳۶۹، در معنی بیت:

«ای تیغ اگر نیام به حیلست خواستی

در دژ که بی برهنه چون سوزن چگونه ای»
مؤلف محترم در که را «با فتح «د» و سکون «ر» خوانده اند و آن را به معنی طبقه «دوزخ»^{۲۹} و «نشیب» و «عقب» و «فرورفتن» آورده اند.

آقای دکتر نوریان آن را (= درکه) را (به کسر «د» و سکون «ر») خوانده اند و آن را به معنی «حلقه زه کمان» آورده اند. در مثنوی الادب هم «درکه» به معنی «حلقه زه» آمده است و به نظر می رسد، معنی حلقه زه کمان و تلفظ درکه (با کسر دال) صحیح تر است، چه شاعر، خود را به سوزن لاغری تشبیه کرده و دخمه زندان را از نظر تنگی به حلقه زه کمان.

۶۲- ص ۳۷۹، درباره بیت:

«ز سستی مرا آن پدید آمده است

در این مه که هرگز در آن مه نبود»
نوشته اند: «در این مه: دوران پیری؛ در آن مه: دوران جوانی»

افزوده می شود: چرا دوره پیری و یا دوران جوانی؟ سخن از رنج و ناتوانی پیری است که شدت ضعف در هر

ماهی نسبت به ماه قبل در افزون است. در قایوس نامه آمده: «مردم تا سی و چهار ساله هر روز بر زیادت باشد به قوت و ترکیب و پس از سی و چهار ساله تا به چهل سال هم چنان بپاید زیادت و نقصان نکنند... و از چهل سالگی تا پنجاه سال هر سالی در خویشتن نقصانی بیند که پار ندیده باشد و از پنجاه سال تا به شصت سال هر ماه در خویشتن نقصانی بیند که در ماه دیگر ندیده باشد و از شصت سال تا هفتاد سال هر هفته در خویشتن نقصانی بیند که در هفته دیگر ندیده باشد و از هفتاد سال تا هشتاد سال هر روز در خود نقصانی بیند که دی ندیده باشد و اگر از هشتاد برگردد هر ساعتی دردی و رنجی بیند که در ساعت دیگر ندیده باشد...»^{۳۰}
۶۳- ص ۳۸۰، در معنی بیت:

«به شاه ار مرا دشمن اندر سپرد

نکو دید خود را و ابله نبود»

نوشته اند: اگر دشمن مرا به شاه سپرد تا به او شکایت کنم...

به نظر می رسد فعل «اندر سپرد» در این بیت در معنی «در سپرد» یعنی «هلاک کرد»، «گرفتار رنج و خشم او کرد» است. ابیات بعد مؤید این مفهوم است.

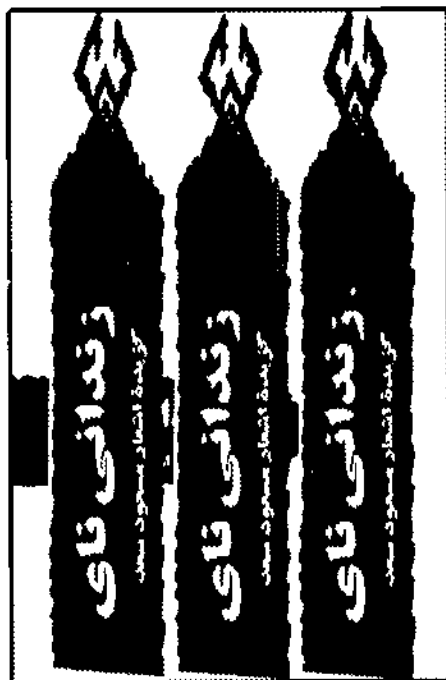
۶۴- ص ۳۸۲، در معنی بیت:

«ای رونی یی که طرفه بغداد تو

دارد نشستگاه تو بغداد من»

نوشته اند: ای رونی یی که تو طرفه بغداد هستی، هوش و حواسم (بغداد) میل نشستگاه تو را دارد.
- البته در مصراع نخست بین بغداد و تو نشانه ویرگول (!) نهاده اند.

افزوده می شود: منظور مسعود سعد، در این بیت چنین است که: ای ابوالفرج شعر تو همان طرفه بغداد (تحفه ای که از جانب بغداد می رسد) است و هر جا که تو باشی، آن جا چون بغداد آباد و پررونق است. چند نکته کلی درباره کتاب «زندانی نای».



الف: تکرارها، جای آن است که جناب مؤلف در چاپ های بعدی به بعضی مطالب کتاب، با نگاهی از سر ایجاز و اختصار بنگرند، برخی از مطالب تکراری در ذیل معرفی می شود.

۱- درباره بیت «لقب نهادم از این روی فصل...» که در صفحات ۶۲ و ۳۲۱ بحث کرده اند.

۲- درباره بیت «هفت سالم یکوقت...» که در حاشیه ص ۱۴ و ۱۰۸ توضیح داده اند و در صفحه ۱۲۰ خلاف نظر خود را برگزیده اند.

۳- درباره بیت «بر من سخن نیست» که در صفحات ۵۵ و ۳۶۷ سخن گفته اند.

۴- درباره «نظر» (اصطلاح نجومی) در صفحات ۳۱۶ و ۳۳۸.

۵- درباره دلایل خروج شعر از زندان در صفحات ۲۰ و ۱۳۶ سخن گفته اند.

۶- درباره «بوالفرج» در صص ۷۵ و ۱۳۸ و ۱۰۱ و ۱۳۹ با شواهد مکرر بحث کرده اند و «هم فزون آید اگر چنان که باید بشمیری».

ب: تکیه جناب استاد بر بیان صنایع لفظی و معنوی است یا به گفته خودشان «بر چه گونه گفتن» است، چنان که می توان، این کتاب را به عنوان کتاب کمک آموزشی آن صنایع به دانش آموز یا دانشجو معرفی کرد، اما برآستی مسعود سعد، به ویژه در حبسیات، که راز ماندگاری نام و مقام او در شعر و ادب فارسی در آنهاست چنین هدفی داشته است؟ گمان ندارم، شاید مصداقی گویاتر از حبسیه های مسعود سعد برای این بیت شاعر معاصر «فریدون مشیری» در همه گستره شعر فارسی وجود نداشته باشد که می گوید:

«اول هر مصرعی یک قطره اشک

آخر هر جمله ای یک شعله آه»

مگر نه این که همین حبسیه های او مایه مزیت وی بر شاعران معاصرش چون امیر معزی و عثمان مختاری و ابوالفرج رونی و دیگران شده و اگر پرداختن به ظاهر شعر و آراستن آن با صنایع بدیعی و بیانی شرط ماندگاری شاعر می شد چه بسا «ناظمانی» که با «حرف مفت» خود «مقبول طبع مردم» قرار گرفته بودند. در صورتی که این نخستین شاعر پارسی گوی هندوستان از بعد حیات خویش، تا به امروز تقریباً مورد توجه اغلب شاعران قرار گرفته است. از شاعران قصیده سرایی چون ملک الشعراء بهار که فراوان از او تقلید کرده یا مضمون وام گرفته سخن نمی گویم. حتی شاعر غزل سرایی چون «رهی معیری» به این گوینده توجه داشته است، شاهد مثال را:

۱- مسعود سعد گفته:

نخفته ام همه شب دوش و بوده ام نالان

خیال دوست گواه من است و نجم پرن

و رهی معیری گفته:

عمری ز مهرت ای مه، شب تا سحر نخفتم

دعوی ز دیده من و ز اختران گواهی^{۳۱}

۲- مسعود سعد گفته: (در وصف آینه)

چون هوا روشن و به اندک دم

پر شود روی او ز تیره سحاب

و رهی به شیوه سبک هندی سروده:

از نگاهی، می نشیند بر دل نازک غبار

خاطر آینه را، آهی مکنز می کند^{۳۲}

ج: مؤلف محترم کتاب زندانی نای در دو سه جای گزیده خویش، صورت ضبط بعضی ابیات را به استناد این که در حدائق السحر رشید و طواط آمده و نسخه حدائق السحر اقدم از نسخ دیوان مسعود سعد که در اختیار مصححان بوده رجحان نهاده و آن را در کتاب خویش آورده اند.

به گفته شادروان استاد زرین کوب «... رشیدالدین و طواط به متنبی و ابونواس و بحتری اعتقاد تمام می ورزیده و از شاعران پارسی گوی، عنصری و مسعود سعد و معزی و فرخی را زیادتر از دیگران در نظر داشته است»^{۳۳}

قبلاً در مبحث اشعار عربی مسعود سعد که از حدائق السحر نقل کرده بودند و به صورت تغییر یافته یک بیت آن با آنچه در کتاب سبحة المرحان آمده، اشاره شد. اتفاقاً بیت دیگری از همان ابیات عربی مسعود سعد که شاهد مثال مؤلف حدائق السحر واقع شده یعنی بیت: «اری ذنب السرحان فی الجو ساطعاً

فهل ممکن ان الغزالة تطلع» را پیش نظر بیاوریم. آخرین کلمه مصراع اول (=عروض) آن در سبحة المرحان:

به جای «ساطعاً»، «طالعاً» آمده و اگر به شیوه نقد و گزینش استاد شمیسا دلیل بیاوریم باید «طالعاً» را به سبب جناس اشتقاق با «تطلع» بهتر و ارجح بدانیم.

یا این بیت معروف ابونصر شادی را رشید و طواط به صورت زیر آورده:

دانش و آزادی و دین و مروت

این همه را خادم درم نتوان کرد^{۳۴}

در حالی که مرحوم دهخدا، در «امثال و حکم»، مصراع دوم را به صورت «این همه را بنده درم نتوان کرد» نقل کرده است.

و نیز بیتی از عنصری، در حدائق السحر نقل شده که در دیوان عنصری به گونه دیگری آمده و مصحح دانشور دیوان عنصری، آنچه رشید و طواط آورده، در حاشیه صفحه متذکر شده اند. ^{۳۵} با توجه به این موارد آیا می توان، این بیت مسعود سعد:

«ای سرد و گرم دهر کشیده

شیرین و تلخ دهر چشیده» را به استناد نقل مؤلف حدائق السحر به صورت «ای سرد و گرم چرخ کشیده» در متن کتاب بیاوریم و اصح بشناسیم؟^{۳۶} البته بیت به گونه ای که در حدائق السحر آمده، استوارتر و زیباتر است ولی گفته شادروانان عباس اقبال و دکتر زرین کوب بسیار معتبر است که در

مقدمه حدائق السحر و نقد ادبی نوشته اند: «رشید و طواط در نقد شعر و ادب، بسیار تواناست» و به همین دلیل، با تغییر بعضی از کلمات یا نقل آن از حافظه، در تحریف اشعار دیگران کوشیده است.

پاورقی ها:

۱- و جالب توجه این که، حتی یک مورد هم به اصطلاح «موقوف المعانی» که بسیار مورد توجه شاعر بوده و شواهد بسیاری در دیوانش آمده اشاره نکرده اند.

۲- ترکیباتی چون: «کوهسار بی فریاد» ص ۱۵ - در طربناک میزبانی بخت، در زیانکار خشک سال نیاز/ ص ۱۲۲ - شعر هامون نورد کوه گذار/ ص ۲۶۱ - خشک سال بخل/ ص ۲۳۴ - فلک هجر جوی سفله/ ص ۸۵۸ - ایر زمین نگار/ ص ۸۵۲ - باران زمین نگار/ ص ۸۸۲ - این ناله سر بسته بیدل/ ص ۹۹۰ و... به نقل از دیوان مسعود سعد به تصحیح دکتر نوریان.

۳- به نقل از کتاب کوهسار بی فریاد دکتر مهدی نوریان، ص ۱۹۴، چاپ اول ۱۳۵۷.

۴- مجله نشر دانش، سال ششم، شماره دوم، بهمن و اسفند ۱۳۶۴، ص ۴۴.

۵- به نقل از کتاب خراسان بزرگ تألیف دکتر احمد رنجبر، انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷ و ۲۰۵.

۶- از کوهسار بی فریاد، ص ۲۳.

۷- مجله نشر دانش، سال هشتم، شماره اول، ص ۲۹. اذعان می کنم که پس از چاپ آن نقد در نشر دانش، وقتی برای اولین بار، خدمت استاد دکتر نوریان رسیدم - در دانشگاه اصفهان - تا از نظریاتشان درباره موارد آن نوشته آگاه شوم. ایشان، دیوان اشعار مسعود سعد، دست نویس خودشان را در مقابلم گذاشتند و همین قصیده و قسمت مذکور آن و بعضی اغلاط چاپی دیگر را نشانه دادند، یعنی ببین که در چاپخانه این پیریشانی ها صورت گرفته است و حتی یادآور شدند که نسخه های دیگر این دست نویس در محفظه پایان نامه های دکتری دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات - موجود و در دسترس هر اهل تحقیق است.

۸- پیشاهنگان شعر فارسی، دکتر دبیر سیاقی، ص ۴، تصحیح قیاسی استاد دهخدا، «تا نه بجه اش برد به مهمانا».

۹- مأخذ پیشین، ص ۴۰.

۱۰- دیوان منوچهری دامغانی، دکتر دبیر سیاقی، ص ۶۲، زوار.

۱۱- شادروان دکتر ضیاءالدین سجادی تحقیق دراز دامن و ارزشمندی درباره داستان این شعر (عقاب مغرور) با نقل قولهایی از مرحومان دهخدا و مجتبی مینوی آورده اند و حتی شاهی از دیوان خاقانی ذکر کرده اند لیکن به شعر مسعود سعد اشاره ای نشده است. (ر. ک: اشعار معروف، از ص ۱۱۰ تا ۱۱۶، ۱۳۷۴، پازنگ، چاپ اول).

۱۲- که اتفاقاً آقای دکتر نوریان در مقاله «مسعود سعد و گناه آزادی» - فصل نامه هستی - بنا بر جهتی به آن استناد کرده اند و آورده اند و آقای دکتر شمیسا از آن بهره برده اند.

۱۳- تاریخ بیهقی، ص ۷۸۹ با توجه به مأخذ پیشین.

۱۴- خیره بصر: بی پروا، فرهنگ نفیسی.

۱۵- دیوان مسعود سعد، دکتر نوریان، رباعی ۱۹۷، ص ۱۰۱۹.

۱۶- بیت ۹۶ از قصیده ۱۴۰ مأخذ پیشین.

۱۷- سخن و سخنوران، ص ۲۱۰، چاپ دوم ۱۳۵۰. به عقیده نگارنده صورت صحیح این بیت باید چنین باشد:

«ثق بالحسام فمهده... و اربک و قل...» و کلمه «حساب» احتمالاً یک غلط مطبعی است چون مضمون این بیت به وفور در اشعار مسعود سعد آمده مثلاً:

تو آبدار و رخس جهاندار تابدار

ای آبدار نصرت آن تابدار کن

ای بی قرار در کف شه بی قرار باش

اطراف را قرار ده و با قرار کن

(ص ۶۱۶)

و ایضاً ص ۴۴ ب ۳۱ / و ص ۱۴۸ ب ۳۰.

۱۸- هوای تازه، «شعری که زندگی است».

۱۹- اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی،

تألیف دکتر حسن انوری، ص ۲۵۵، طهوری.

۲۰- ج ۴، ص ۱۷۱۶ زیر بیت:

مبادا که در دهر دیر ایستی

مصیبت بود پیری و نیستی

۲۱- شرفنامه، ص ۴۰۷، چاپ وحید دستگردی.

۲۲- کلیله و دمنه، حاشیه ص ۸۲.

۲۳- خراسان بزرگ، تألیف دکتر احمد رنجبر، ص ۲۲۳،

چاپ اول، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۲۴- گزیده سیاست نامه، جعفر شعار، ص ۲۴۰، مجموعه

ادب فارسی ۱۳۶۵.

۲۵- دو قرن سکوت، دکتر زرین کوب، ص ۲۵۶، چاپ

پنجم، ۱۳۵۵.

۲۶- از کوهسار بی فریاد، ص ۹۴.

۲۷- به این شواهد توجه شود:

(۱) کدام رای شناسی که نه ز هیبت تو

کمند تافته شد بر میان او زار

(ص ۲۱۶)

(۲) برهمنی که به زار بود نازش او

ز بیم تبغ تو می بگسلد زار

(ص ۲۱۷)

(۳) بدر کفر پیرهن در بر

بگسلد شرک از میان زار

(ص ۲۸۶)

۲۸- یادداشت ها، دوره کامل پنج جلدی به قلم صدرالدین

عینی، به کوشش سعیدی سیرجانی، ص ۴۰۶، آگاه.

۲۹- احتمالاً مأخذشان در بیان این معنی گزیده «مسعود سعد سلمان» مربوط به دانشگاه پیام نور - یکی از ضعیف ترین

گزیده هایی که تاکنون از دیوان اشعار این شاعر محنت کشیده فراهم آمده - بوده است. گزیده پرداز دیگر اشعار مسعود سعد با

تفسیر متن «درکه» به «درداکه» (!) خود را راحت کرده است.

۳۰- تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، ص ۶۱ از انتشارات

علمی و فرهنگی - چاپ چهارم.

۳۱- سایه عمر، ص ۴۵، بهمن ۱۳۴۳.

۳۲- مأخذ بالا، ص ۱۹۴.

۳۳- نقد ادبی، ص ۲۰۷، ج ۱، چاپ سوم، امیرکبیر.

۳۴- حدائق السحر، ص ۸۲.

۳۵- دیوان عنصری بلخی به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی،

ص ۲۷، حاشیه انتشارات ستایی.

۳۶- به ویژه وقتی می بینیم این شاعر، در جای دیگری «سرد و گرم» را با «دهر» آورده:

از حفظ و عون یزدان در سرد و گرم دهر

بر شخص عالی تو شعار و دثار باد

(ص ۱۲۷)

سالها پیش، پس از خواندن نمایشنامه «آوازخوان طاس» اثر اوژن یونسکو، این فکر به ذهن متبادر می شد که کجای این نمایشنامه به آوازخوان طاس مربوط بود و این عنوان چه ربطی به کل کتاب داشت. عنوانی که برای خود دارای وجودی مستقل بود و آشکارا کل نمایشنامه را به مبارزه می طلبید. اگرچه، یونسکو با انتخاب این عنوان نامربوط، می خواست فرسودگی و کارا نبودن زبان را در زمانی مطرح کند که ادبیات غرب، همه چیز، به ویژه خود را به زیر سؤال برده بود.

عنوانی که نویسنده برای کتابش بر می گزیند، نشانگر نوع نگاه و سبک کار اوست. یک عنوان به همان اندازه خود کتاب از ساختار شخصیت نویسنده اش حکایت می کند.

همچنان که از اسم آدمها می توان پی برد که از کجا آمده اند و در چه خانواده ای بالیده اند، از عنوان کتابها هم می توان به متشنان راه یافت. عنوانهای تزئینی، عنوانهای خودنمایانه، عنوانهایی که عمیقاً از مفهوم کتاب بیرون آمده اند، عنوانهایی که برای جلب توجه بیشتر خواننده انتخاب شده اند، عنوانهایی که به سختی برگزیده شده اند و فقط برگرفته از جمله ای از متن کتاب هستند، همه می توانند خواننده را به مضمون اصلی هدایت کنند. سؤالی که در اینجا پیش می آید، این است که آیا می توان کتابی را صرفاً از روی اسم یا عنوان آن مورد قضاوت قرار داد؟ و جوابی که به این سؤال داده می شود، نشانه میزان اهمیتی است که برای انتخاب یک نویسنده می توان قائل شد:

جعفر مدرس صادقی، شهریارمندی پور، کورش اسدی، پیمان هوشمندزاده، شیوا ارسطویی و فرخنده آقایی گروه شش نفره ناهمگونی هستند که مقایسه بعضی کارهایشان با هم، به دلیل تفاوت نوع نگاه و شیوه عملکردشان، خالی از لطف نیست. اغلب عنوانهای جعفر مدرس صادقی دو کلمه ای اند

و چیزی از نتیجه کتاب را در خود دارند. اگر چه به جا انتخاب شده اند اما به گوش آشنا می رسند و گویی به هیچ وجه دغدغه آشنایی زدایی از چیزی را ندارند: شریک جرم، شاه کلید، عرض حال، ناکجا آباد، ترکیبهایی نیستند که خود نویسنده ساخته باشد. خواننده بارها با آنها مواجه شده و پیشاپیش، تصاویری آماده از هر یک را در ذهن دارد.

شریک جرم از شراکت مردی به نام کسرا با مردی دیگر به نام حسین که گمان می رود سینمایی را در آبادان آتش زده باشد حکایت می کند. جرم از همان ابتدای کتاب، قبل از اینکه حسین وارد داستان شود، با کسرا همراه است. کسرا پیشاپیش محکوم است. زنش نمی خواهد او را ببیند. مادر زنش با دخترش همناوی می کند و او هم کسرا را مجرم می داند. جرم او خستگی از ملال زندگی یکنواخت و روزمره است که به صورت تبانی با زنی دیگر نمود می یابد. به همین دلیل، گناه او به اندازه گناه حسین که سینمایی را به آتش کشانده، یکی تصور می شود. جرم، جرم است چه سوزاندن انسانها باشد، چه پشت کردن به خانواده. شریک جرم با اینکه ترکیبی گوش آشناست اما در کلیت خود می تواند معناهای وسیعی را در برگیرد.

اما، در عوض، کله اسب، ترکیبی خاص نیست که به معنایی خاص اطلاق شود. خواننده با دیدن این عنوان، به همراه طرح سر مجسمه یک دختر کرد به جای اینکه بلافاصله از دال به مدلول برسد، به فکر فرو می رود و تصویر سر دختر کرد واسطه ای می شود بین مکتوب کله اسبی که بر بالای آن به چشم می خورد. در عین حال، کله های اسبی را که دختر در متن داستان نقاشی می کرد و به گفته نویسنده، بیشتر شبیه کله خر بود تا اسب، در ذهن مرور می کند؛ در واقع، ایده آل ترین چیزی که دختر کرد می توانست نقاشی کند.

شهریارمندی پور با انتخاب عنوانهایی با ساختاری نو که اغلب، ترکیبهای مخصوص خود او هستند، نشان داده است که زبان دغدغه مداوم اوست. شرق بنفشه، ماه نیمروز، شام سرو و آتش، باز رو به رود، وسواس نویسنده را در انتخاب عنوان به خوبی نشان می دهند. عنوانهای مندی پور، در عین غریب بودن، گویی سنگ

نوشته هایی از قرون گذشته اند. شرق، ماه، شام، سرو، آتش، مومیا و حتی غسل و در هشتمین روز زمین، خود واژه زمین، ما را به اسطوره ها ارجاع می دهند.

کمتر کسی وجود دارد که «دل دلدادگی» را به غلط «دل و دلدادگی» نخوانده باشد. و این، باز هم دلیلی دیگر برای میل به خلق واژگان و تعبیرات تازه از سوی مندی پور است. با این حال، دل دلدادگی خوب بر زبان می چرخد.

دل اول برخلاف تصور رایج، به معنای قلب یا عشق نیست؛ دل به معنای جرأت است. جرأت عاشق شدن، جرأت جستجوی ماجرا و جرأت مردن. اما دومی هم می تواند عاشق شدن باشد، هم جستجوی ماجرا و هم مردن و در آن واحد به هر سه آنها هم اطلاق شود.

عنصری که بیش از هر چیز دیگر در این رمان جلب توجه می کند نه داستان، که نثر چناندار و پر جنب و جوش آن است که حتی یک دم از حرکت باز نمی ایستد. اما داستان خیلی کندتر از آن پیش می رود که بتواند خودش را به رخ خواننده بکشد. در حالی که نثر برعکس داستان، مثل رودخانه ای خروشان جاری است تا بعضی چیزها را با خودش ببرد یا حتی به فراموشی بسپارد. و همه اینها از همان عنوان «دل دلدادگی» چه راحت دریافت می شود!

کورش اسدی و پیمان هوشمندزاده، هر کدام، تنها با یک مجموعه داستان، اسمهای کاملاً متفاوتی را برای داستانهای کوتاه خود برگزیده اند. تقریباً نیمی از داستانهای هر کدام، به نحوی با جنگ و مفهوم جنگ در ارتباط است و نیمی دیگر به مشغله های ذهنی و متفاوت دو نویسنده جوان می پردازد. «پوکه باز» که هم اسم یکی از داستانهای کورش اسدی است و هم عنوان کتاب اوست، در وهله اول به گوش عجیب می رسد: «پوکه باز به چه معنا؟»، «پوکه باز مثل کفتر باز؟» پوکه باز کسی است که با پوکه های اسلحه های جنگی سر و کار دارد و سرگرمی و امرار معاشش از این راه می گذرد، عنوانی کاملاً مردانه برای کتابی لابد به همان گونه. اگر چه، پوکه باز عنوانی است که در ذهن می ماند و خواننده را اندکی هم به یاد عنوانهایی می اندازد که پیش تر در سینمای وسترن دیده بود، بقیه عنوانهای کتاب هم، هر

فرشته توانگر

یک اسم، یک عنوان، یک جهان

چند عمیقاً از بافت اثر برخاسته‌اند، اما از تخیل لازم برای تحریک خواننده برخوردار نیستند. «برزخ»، پیشاپیش موضوع داستان را لو می‌دهد. در شهری جنگی زن و مرد و کودکی گرفتارند. داستان، انبوه از تصویرهایی گزارش گونه آن هم از نوع تلویزیونی است که از نوعی نگاه دارای تشخیص خالی است. واژه برزخ، اگرچه فقط تک واژه‌ای بیش نیست، اما به طور بیمارگونه‌ای پرحرف است. «پس از انفجار»، «پس از باران» همینگوی را تداعی می‌کند و به خیلی از عنوانهایی شبیه است که نویسندگان بعد از همینگوی سعی در پیروی از سبک و سیاق او و حتی نحوه‌گزینش عنوانهایش داشتند. «خنجر» و «گردنبند» ضمن اینکه ارتباط چندانی به داستانها ندارند، ترکیب تازه‌ای هم نمی‌سازند. اما پوکه‌باز شرح دردهای پنهان و فرو خورده جوانی است که هنوز هم آثار زخم‌های جنگ را بر تن خود دارد. جوانی که به دلیل همان زخمها، حالا تنهاست و به جز خاطراتش و مشتی پوکه که با آنها زیر سیگاری درست می‌کند و می‌فروشد، مشغولیات دیگری ندارد. پوکه‌هایی که جوان با آنها سروکار دارد، چیزی از خشونت جنگ را در خود نهفته دارند. خشونت که نه تنها به شکل پوکه که به صورت آثار دیگری هم بر جا مانده‌اند.

اما پیمان هوشمندزاده با انتخاب عنوانهایی سهل و ممّتع که گویی بر حسب اتفاق برگزیده، کاملاً برعکس عمل کرده است. از میان پانزده داستان بسیار کوتاه او، از مجموعه «دو تا نقطه»^۱، سه تایی آن به جنگ اختصاص یافته است. داستان «فقط هفت قدم» او مانند «برزخ» کورش اسدی، دغدغه جنگ را دارد، اما مفهوم جنگ و خونریزی و ویرانی در سه تک واژه «فقط هفت قدم» وجود ندارد. جنگ عمیق‌تر در بافت تصویری و طنز آلود داستان است. قهرمان عینکی داستان اگر فقط هفت قدم زودتر برمی‌داشت و خود را به سنگر می‌رساند، به این سادگی سرش را از دست نمی‌داد. پیمان هوشمندزاده، حتی اگر یک عنوان یک خطی هم

برای داستانش برمی‌گزید، باز هم سکوت را رعایت می‌کرد. در «فقط هفت قدم» هیچ نیست جز سکوتی که با ایجاد خلأ هر چه بیشتر، خواننده را بیشتر به سوی خود جلب می‌کند. «نه، یک گریه را می‌شود تحمل کرد» از بافت روایتی داستان برخاسته است. راوی در تمام مدت می‌خواهد بگوید وقتی تنهایی، می‌توانی هم یک گریه داشته باشی و هم آن را به جای خودت دار بزنی! طنز جزئی نگر نویسنده را در این عنوان می‌توان مشاهده کرد.

«آسانسور» یک عنوان یک کلمه‌ای مانند «گردنبند» اسدی است. اما «آسانسور» جدید و گردنبند قدیمی است. جالب اینجاست که از این عنوان قدیمی به متنی با تکنیکهای از کار افتاده می‌رسیم. نویسنده با کاربرد عناصری فرسوده همچون قناری، دفتر خاطرات، بافه‌های مو، گلبرگهای سرخ خشکیده و غیره قصد این دارد که اندوهی زنانه را به وصف آورد و گردنبند، یادگار به جای مانده از نامزد سابق زن نشانه‌ای بر آن خاطرات از دست رفته است. «آمده بودم با دخترم جای بخورم»^۲ بدون اینکه ربط چندانی به داستان داشته باشد، انگار قصد دارد خود را به رخ خواننده بکشد، جلب توجه کند و بگوید که از نوع دیگری است. به هر حال، هر چیزی نوعی دارد و نوع این قبیل عنوانها هم عنوانهای پرزرق و برق است مانند «او را که دیدم زیبا شدم»^۳. «آمده بودم...» نه ارجاعی به بافت داستان دارد و نه نتیجه آن است و نه مثل آوازخوان طاس قصد انتقاد از زبان را دارد. یک داستان معمولی است که انتخاب اسمی معمولی مانند «یک نامه» یا «بازی» برای آن مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

اما فرخنده آقایی در «جنسیت گمشده»^۴ مرتکب اشتباهی عکس اشتباه شیوا ارسطویی شده است. آقایی با انتخاب «جنسیت گمشده» رمان را به داستانی مربوط به اختلالات جنسی نزول داده است. حال آنکه رمان با داستان منحصر به فرد و گیرای خود و راوی خونسرد و دنیا دیده و سرد و گرم چشیده‌اش (جهان‌بینی او به

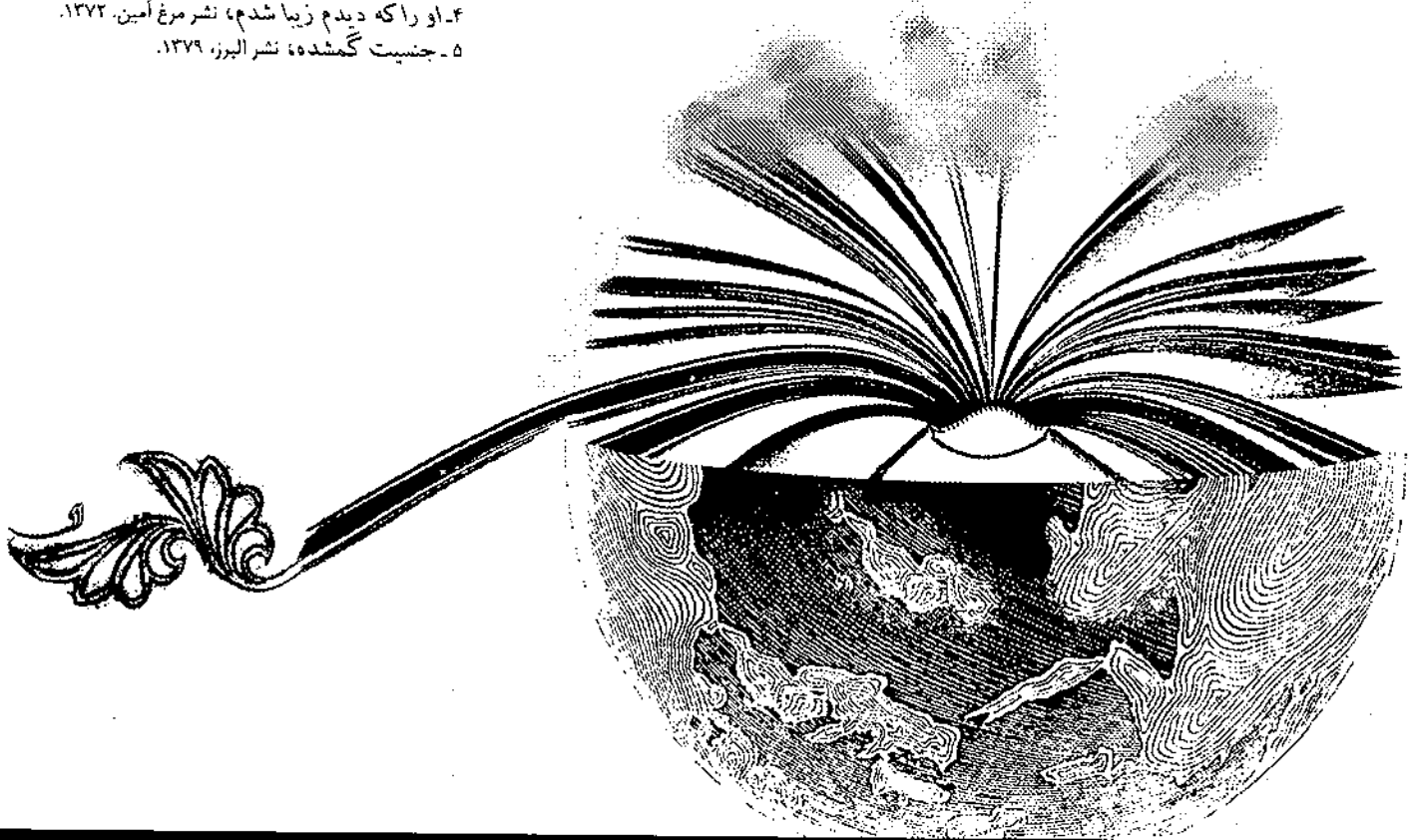
جهان‌بینی انسانی چهل ساله بیشتر نزدیک است تا جوانی بیست و چند ساله) از داستانی صرفاً مربوط به اختلالات جنسی خود را ارتقاء داده و جستجوی راوی را به جستجوی عمیق‌تر بدل می‌سازد. «جنسیت گمشده» نه تنها طنینی ناخوشایند باقی می‌گذارد، که از خود کتاب ساده و بی‌پیرایه آقایی کوچکتر می‌نماید.

انتخاب یک عنوان زیبا و مناسب کار ساده‌ای به نظر می‌رسد اما در عمل، اغلب چنین نیست. به هر حال، وقتی کتابی خوب باشد، معمولاً خودش، عنوان خود را پیدا می‌کند. به قول سامرست موام: «یک عنوان خوب، عنوان کتابی موفق است.» عنوانهایی که برگرفته از اشعارند، هم زیبا ترند و هم بهتر در ذهن می‌مانند. و این شاید به دلیل تسلط بیشتر شاعران نسبت به داستان نویسان به کلام باشد. کلمه برای شاعران، بیشتر یک هدف است تا وسیله؛ و گویی آنها بیش از داستان‌نویسان آن را دوست داشته به آن احترام می‌گذارند؛ اما رابطه داستان‌نویس با کلمه، رابطه‌ای صمیمی و گاه، حتی بی‌اعتناست. آنقدر که ممکن است آن را تا حد یک ابزار پایین آورد. (که اغلب هم چنین است).

از عنوانهای به یادماندنی فارسی می‌توان از «گلدسته‌ها و آسمان» از جلال آل احمد، «مَد و مِه» از ابراهیم گلستان، «با مداد خمار» از فتانه حاج سید جواد، «شوهر آهو خانم» از علی محمد افغانی نام برد و از عنوانهای به یادماندنی خارجی می‌توان «گریه روی شیروانی داغ» از تنسی ویلیامز، «خوشه‌های خشم» از جان اشتاین بک، «سلام بر غم» از فرانسوا ساگان، «امواج» از ویرجینیا ولف و اغلب عنوانهای ریموند کارور مانند «وقتی از عشق حرف می‌زنیم، از چی حرف می‌زنیم» یا «می‌شود لطفاً ساکت باشی، لطفاً» ذکر کرد.

پانویسها:

- ۱- پوکه باز، کورش اسدی - تهران، آگه، ۱۳۷۸.
- ۲- دو تا نقطه، پیمان هوشمندزاده، تهران - مؤلف، ۱۳۷۹.
- ۳- آمده بودم با دخترم جای بخورم، نشر مرکز، ۱۳۷۶.
- ۴- او را که دیدم زیبا شدم، نشر مرغ آمین، ۱۳۷۲.
- ۵- جنسیت گمشده، نشر البرز، ۱۳۷۹.



محمدرضا شفیعی کدکنی متخلص به م. سرشک جزو آن دسته از شاعران و محققان ادبیات است که فعالیت خود را به حوزه تحقیق محدود نکرده است. بلکه در کنار تحقیقات جدی در ادبیات گذشته، توانمندی خویش را در زمینه نوآوری و خلاقیت ادبی نیز نشان داده است. دلیل عمده‌ای که او در این دو حوزه توانسته است تا به این درجه از شکوفایی برسد، استفاده مناسب و نیک از دیالکتیک وابستگی به سنت و گریز از سنت است. او هم سنت و هم نوگرایی را به خوبی درک و تجربه کرده است و با اشراف کامل بر ویژگی‌های این دو حوزه آنها را در مقابل یکدیگر قرار نداده، بلکه چه در تحقیقات ادبی و چه در زمینه خلاقیت شعر با پابندی و تعهد به موازین سنت، نوجویی را در بطن آن تجربه کرده است و در کنار به کارگیری و وارد کردن اصول مدرن به درون سنت، کارکرد آن را در ادبیات نوین حفظ کرده است. علاوه بر این وی دارای شخصیتی چند ضلعی است که در باب هر یک از اضلاع شخصیت وی می‌توان کتابی مستقل نوشت، چرا که به تعبیر استاد زرین کوب وی از چهره‌های شگفتی است که دو امری را که تا اندازه‌ای با هم مخالفند جمع کرده است. از جمله «محقق بودن و شاعر بودن»^۱ را.

شفیعی کدکنی با اتکاء به پشتوانه فرهنگی و همچنین با شخصیت چند بعدی‌اش جزو شاعران و محققان مطرح ایران به شمار می‌آید. برای شناساندن او به جامعه ادبی و ادب‌دوستان سعی‌های فراوان شده است. درباره او بسیار گفته‌اند و بسیار نوشته‌اند. آخرین

کتابی که در باب ایشان به چاپ رسیده است، کتاب آقای مجتبی بشردوست است با عنوان در جستجوی نیشابور. این کتاب شمه‌ای از زندگی سراسر تحقیق و آفرینش م. سرشک است. چنانکه نویسنده در مقدمه ذکر کرده «این کتاب برای آشنایی و آگاهی گروه مخاطبان جوان است که شاید مطالب این کتاب برای خوانندگان حرفه‌ای تازگی نداشته باشد.» (ص ۱۰)

در این مجموعه علاوه بر معرفی زندگی شفیعی به معرفی، نقد شعرها و آثار او پرداخته شده است. در جستجوی نیشابور با مقدمه‌ای با عنوان «قبل از هر چیز دیگر» شروع می‌شود و در هفت فصل با این عناوین ادامه می‌یابد. آن روزهای روشن و رویان، شعر و شناخت، شط شعر، قالب حیرت، آن سوی سکه، گزینۀ شعرهای محمدرضا شفیعی کدکنی و با فصل هفتم، محمدرضا شفیعی کدکنی به روایت تصویر به آخر می‌رسد.

هر کدام از فصل‌ها از بخش‌های مختلفی، از زندگی شفیعی گرفته تا شرح و تفسیر اشعار و مقالات و گزیده اشعار او تشکیل شده است، که این همه دلالت بر فضل و براعت مؤلف محترم دارد. اما با این همه گاهی تناسب چندان بی‌بین فصول کتاب نمی‌توان یافت. چه برخی از فصول کتاب فربه‌ترند و برخی دیگر لاغرتر.

اما مهمترین و باارزش‌ترین بخش کتاب در جستجوی نیشابور همان خاطرات و یادداشت‌هایی است که شفیعی در اختیار نگارنده گذاشته است و خواننده از رهگذر این یادداشتها و خاطرات ارزشمند، با بسیاری از زوایای تاریک تاریخ فرهنگ معاصر آگاه می‌شود. در ضمن نویسنده با معرفی استادان و نقل خاطرات استاد در مورد آنها اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار خواننده می‌گذارد؛ که احتمالاً برای اولین بار

مطرح شده است. در خلال این خاطرات علاوه بر این، دو نکته قابل توجه را می‌توان دریافت. نخست تأثیر حوزه علمیه خراسان در پرورش شخصیت‌هایی مانند فروزانفر، بهار، فیاض، ادیب نیشابوری و شفیعی... است. عموماً حوزه‌های اسلامی در قلمرو تشیع مثلی بوده که اضلاع مختلف آن را خراسان و قم و نجف تشکیل می‌دادند. در سده‌های اخیر هر کدام از این حوزه‌ها در زمینه خاصی شهرت داشته‌اند. حوزه‌های نجف و عراق عموماً در قلمرو فقه و حدیث و حوزه قم در قلمرو فلسفه و مسائل سیاسی و خراسان در زمینه ادبیات. اگر مدعی شویم که برجسته‌ترین ادیبان معاصر تربیت یافته حوزه خراسان بوده‌اند چندان گزاف نگفته‌ایم، چرا که وجود ادیبان بنامی چون ادیب نیشابوری، بهار، فروزانفر، شفیعی و... که همگی این فرهیختگان دانش آموخته حوزه‌های علمی خراسان بوده‌اند این مدعا را ثابت می‌کند. حتی هم‌اکنون که فترتی به مراکز علمی و دانشگاهی و حوزه‌های علمی راه یافته است هنوز هم توانسته‌اند تحول جدیدی در مطالعات و تحقیقات ادبی بوجود آورند. برخی از آنها که در سنت بسیار عمیق بوده در این حوزه‌ها نیک تربیت شده بودند و پس از آشنایی با دانش‌های جدید و بویژه زبانهای فرانسه و انگلیسی افق‌های تازه‌ای را گشودند و خود شخصیت‌های دوران‌ساز شدند. در میان استادان این مرز و بوم باز هم ملک الشعرای بهار و علامه قزوینی چنین حالتی داشتند. آنان علاوه بر شناخت سنت‌های ادبی و فرهنگی کهن با متد و شیوه‌های تحقیق و تتبعات ادبی جهان جدید آشنایی داشتند. از همین رهگذر تحول شگرفی در مطالعات و تحقیقات ادبی بوجود آوردند و بعد از آنها افرادی چون شفیعی با روحیه نوجویی این سیر تکاملی را ادامه دادند.

فائزه قربانی جویباری

قبل از هر چیز دیگر

با وجود این خاطرات و یادداشتهای ارزشمند بهتر بود که نویسنده بیشتر در مورد اهمیت این دو موضوع سخن می‌گفت. اما به باور نگارنده، سخن در باب شفیع کدکنی به جهت چند ضلعی بودن شخصیت ایشان تا حدودی مشکل است. لذا هر کس که در هر مرتبه و منزلت علمی و ادبی باشد و بخواهد کتابی درباره ایشان بنویسد، لامحاله در کار او می‌توان کاستی‌هایی یافت و البته آن مؤلف نیز به حکم «لایدرک کله لایترک کله» معذور است. اما از نویسنده کتاب «در جستجوی نیشابور» به عنوان کسی که در دوره عالی دکتری زبان و ادبیات تحصیل می‌کند، انتظار می‌رود که به چارچوب تحقیقی آکادمیک وفادار بماند و کتابش از روش و انسجام کلی برخوردار باشد و از «زمان‌زدگی» در امان بماند. اما تمام محاسن کتاب که کم نیستند متأسفانه تحت‌الشعاع این امر قرار گرفته‌اند چرا که مهمترین و کلی‌ترین ایرادی که می‌توان بر این کتاب وارد کرد عدم روشمندی و پیوستگی فصل‌ها و بخش‌ها و بندهای کتاب چه از نظر صوری و چه از نظر محتوا است. برای اثبات این مدعا می‌توان کتاب در جستجوی نیشابور را از دو جنبه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد:

الف) کاستی‌های مربوط به شیوه نگارش و تألیف

۱- عدم رعایت علائم نگارشی: مانند ناهمگونی علائم نگارشی ص ۲۲۸ و علائم زائد نگارشی ص ۲۲۸. عدم وجود نقطه پایانی مانند: «... من خودم «لاخس» را انتخاب کردم و رساله‌ای در تحلیل «لاخس» نوشتم و مرحوم دکتر رجایی نیز اظهار محبت کرد و نظریاتی داد... از او باید به عنوان استادی سازنده و جدی یاد کنیم و به خصوص کوششی که در جهت آموزش عقلانی ما

دانشجویان داشت»، ص ۵۱

عدم استفاده از گیومه در تعیین حدود نقل قولها مانند: قاضی چون سخن بدین جا رسانید و از حد قیاس ما اسب مبالغه درگذرانید به مقتضای حکم قضا رضا دادیم و از ماضی درگذشتیم... ص ۳۰۲ و ۳۰۳

۲- عدم ارجاع صحیح و هماهنگ: مانند برخی از اشعار و نقل قول‌ها که مأخذ ندارد. مانند صص ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۰۷، ۹۶ یا یکدست نبودن ارجاعات مانند ص ۱۳۰، مأخذ را در پایان مطلب ذکر شده آورده است که در جاهای دیگر در بخش یادداشت‌ها آمده است.

نمونه دیگر اینکه در بعضی قسمت‌ها ارجاعات طوری داده شده که این شبهه برای خواننده پیش می‌آید که زیرنویس ابیات شاهد مثال‌ها، عناوین شعرها هستند. ص ۱۵۵

آینه‌وار اگر تپیدم، غریب نیست
از جلوه تو دیده حیران خبر نداشت

دیده حیران/ ۳۹۸
گشوده است به راه نکه، چو آینه، آغوش
گشاده‌رویی حسن تو آفتاب ندارد

آغوش آینه/ ۴۳۶

نکته مهم دیگر در این قسمت این است که در یادداشت‌ها به جای استفاده از «همان» چند بار یک منبع را تکرار کرده است. ص ۳۰۳ و ص ۱۴۵. در صفحات دیگر این اشتباهات تکرار شده است. صص ۲۲۹، ۶۷، ۲۵۲، ۲۷۷، ۲۷۸ و یا در ص ۲۵۱ کتابشناسی شماره ۳۱ ناقص است.

۳- از دیگر کاستی‌های این کتاب عدم فهرست موضوعی است که برای یک کتاب تحقیقی و آکادمیک لازم است.

۴- اغلاط مطبعی: مانند ص ۱۰۶ که «کنج کاو»،

«کنج کار» آمده است. همچنین در صفحات ۱۹۲، ۱۴۰،

۱۶۱، ۴۲۱، ۱۴۶، ۱۸۲، ۱۲۶، ۱۲۸.

۵- استفاده از واژگان مهجور و فرنگی نیز از ایرادهای نگارشی کتاب است. چه نویسنده در مقدمه کتاب متذکر شده که مخاطبان کتاب طیف جوان جامعه هستند. آیا ذکر کلمات نامأنوس و ثقیل مناسب فهم مخاطب است. کلماتی مانند: آرکائیک ص ۲۱۰، مستأنفه ص ۱۰۸، فورگراندینگ ص ۳۱۱، ص ۱۶۹، آنتولوژیک ص ۱۸۹، امپرسیونیستی ص ۲۰۰، ابژکتیو، سوژکتیو ص ۱۱۴، غرامی ص ۱۶۴، پالونه ص ۳۱۶، اتیان ص ۳۱۰ و...

۶- تکرار و اطناب: تکرار جملات و مفاهیم و شعرها که باعث اطناب بیش از حد شده و کتاب را به ۵۶۰ صفحه رسانده است در حالیکه مطالب اصلی مربوط به موضوع کتاب می‌توانست منسجم‌تر و کوتاه‌تر و مفیدتر در حجم کمتری آورده شود. این تکرار و اطناب هم علل مختلفی دارد:

الف) آوردن نقل قولهای بی‌مورد و طرح مسائل و اطلاعاتی که ربطی به بحث اصلی ندارند، مانند: صفحه ۲۱۶ آنجا که در مورد کارکرد زبان بحث می‌کند از نقل قول‌های فراوانی استفاده می‌کند که چند مورد آن ربطی به موضوع ندارد و اگر هم دارد ارتباط بسیار اندک است. در اینجا هم دو نقل قول آخر بی‌مورد است آنجا که الف) آوردن نقل قولهای بی‌مورد و طرح مسائل و اطلاعاتی که ربطی به بحث اصلی ندارند، مانند: صفحه ۲۱۶ آنجا که در مورد کارکرد زبان بحث می‌کند از نقل قول‌های فراوانی استفاده می‌کند که چند مورد آن ربطی به موضوع ندارد و اگر هم دارد ارتباط بسیار اندک است. در اینجا هم دو نقل قول آخر بی‌مورد است آنجا که از لودویک فویرباخ و هرمان کوهن می‌گوید: «فقط تو،

در جستجوی نیشابور (زندگی و شعر محمدرضا شفیعی کدکنی)

مجتبی بشر دوست

نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۷۹



فقط کشف کردن نمی تواند مرا به آگاهی بر «من» خود هدایت کند.

و یا در بخش دیالوگ و سنت در صفحه ۲۸۰ تا ۲۸۳ که در باب سنت و نوآوری سخن می گوید آیا این همه نقل قول و طرح این همه اطلاعات ضروری است. نویسنده در این بخش از نیما گرفته تا بیرنگ کوهستانی و از هر کسی که در این زمینه نظریه ای یافته نقل کرده است که چندان ضروری نمی نماید. از جمله این نظر فرهاد توحیدی مقدم: «رگه هایی از تأثیر اخوان ثالث در کارهای شفیعی تشخیص دادنی است...» که نظریات شخصی نویسنده را در باب شفیعی تحت الشعاع قرار داده است.

ب) تکرار شعرها و تفسیرهای آن، مانند فراز و فرود شعر م. سرشک که فصل زائندی است که نویسنده با بررسی جداگانه مجموعه شعرهای شفیعی این سیر را گفته و نیازی به دوباره گویی آن نبود. ص ۲۲۸

با توجه به اینکه نویسنده بر این ادعا بوده که هر مجموعه شعر را جداگانه نقد و تحلیل کرده است اما در جاهای مختلف می بینیم که به تحلیل مجدد آنها در یک جا پرداخته است مانند ص ۲۱۱. یا مانند تکرار شعر سوک نامه در ص ۱۹۸ و همچنین ص ۱۸۹، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۷۷.

ج) در فصل های اولیه کتاب، در مورد اشخاص متفرقه و استادان آنقدر با اطناب سخن می گوید که گویی کتاب برای طرح زندگینامه این افراد است. تو گویی شفیعی این کتاب را برای یاد و تجدید خاطره استادان خویش نگاشته است. اگر چه همانطور که در مقدمه ذکر شد از محاسنی نیز برخوردار است اما پاره ای اوقات بی مورد بوده است. صص ۳۹، ۴۹، ۳۳، ۳۴.

د) طولانی بودن مقدمه در بعضی از بخش ها، دلیل دیگر اطناب در این کتاب بوده است. مانند بخش «از مناظره تا مکالمه» صفحه ۱۸۱ و همچنین صفحه ۱۲۵. ه) فصل چهارم و پنجم که جزو فصل های آخرین

کتاب محسوب می شوند باید نتیجه ای در بر داشته باشد، اما باز هم تکرار فصول پیشین است.

و) آوردن نقد شعر شاعران دیگر؛ نویسنده می توانست از این طریق کتاب نقد شعر دیگری بنویسد و یا بهتر آن بود که بخشی از کتاب را به دیدگاه منتقدین در باب شفیعی کدکنی اختصاص می داد و دیدگاه خود را به طور مختصر در باب هر نقد می نوشت. صص ۲۰۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۸. به عنوان مثال در صفحه ۲۰۸ در مورد نیما بحث می کند که هیچ ربطی به شفیعی ندارد. ی) آوردن موضوعات تکراری (به عنوان مثال ص ۱۳۲) که در مورد انواع «من» صحبت شده است. در صفحات قبل یعنی صفحه ۹۷ نیز همین مطلب را دوباره تکرار کرده است. همچنین صص ۱۳۷، ۲۰۶، ۱۶۱، ۲۴۹.

ح) در فصل سوم «در جستجوی نیشابور» در نقد و بررسی مجموعه زمزمه ها، م. سرشک به عنوان شاعری با سبک هندی معرفی می شود و نویسنده دو واژه پرکاربرد آینه و جنون را - که در سبک هندی بسامد بالایی دارد - دلیل این مدعا می داند و برای آن شاهد مثال های متعددی از آینه می آورد بطوریکه نویسنده می توانست مقاله یا رساله ای در این زمینه بنویسد. اما نکته اینجاست که او تعادل را حفظ نکرده و در مورد جنون به چند مثال اکتفا کرده است. از ص ۱۵۳ تا ص ۱۵۹. سؤال اینجاست که صرف آوردن دو موتیف شعری دلیل شباهت سبکی می شود. انتظار می رفت که نویسنده محترم دلایل قوی تری در پیروی شفیعی از سبک هندی ارائه کنند.

چ) دلیل دیگر اطناب در این کتاب پرداختن پردامنه

به موضوعاتی مانند سرچشمه های شعر شاعر است که نویسنده می توانست در فصلی مجزا به این سرچشمه ها اشاره کند. مثل تأثیرپذیری شاعر از مولوی، حافظ، بیهقی و... در بخش «از بودن و سرودن»، صفحه ۲۱۳. که دلیل محکمی ارائه نکرده است.

ب) محتوا:

اما کتاب «در جستجوی نیشابور» از نظر محتوا چندان قوی نیست و نمی توان آنرا یک کتاب روشمند دانشگاهی (در مقابل ژورنالیستی) قلمداد کرد زیرا:

۱- ادعاهای بی پایه که هیچ سند و مدرکی برای آن ارائه نشده است، در این کتاب زیاد است. مانند ص ۱۶۳ «تأثیرپذیری شاعر از سبک خراسانی و عراقی بیشتر در حد مفردات و ترکیبات و موسیقی شعر است. مضامین شعری این دفتر، تقریباً همان مضامینی است که شاعران سبک هندی بیان می کنند. بازی های لفظی و آرایه پردازیهایی مانند ردالمطلع و تجاهل العارف نیز در حد معقول و متعارف در این دفتر مشاهده می شود.» ولی این تأثیرپذیری را براساس تحقیق و سند نشان نمی دهد. نمونه دیگر: ص ۳۳۱ است که افت مخاطب برای هزاره دوم آهوی کوهی را وجود من فلسفی و انسانی می داند که باعث شده تا خواص این شعر را دریابند. این رأی چندان قابل قبول نیست زیرا عامل مهم این افت، افت فرهنگی و ادبی جامعه است، نه فلسفی بودن شعر. همچنین است در صفحات ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۸، ۱۹۸، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۰۳.

۲- مطرح کردن پاره ای از موضوعات بدون هیچ تحقیق دقیق و مستند. در پاره ای از موارد نیز



سجع‌پردازی و تناسب الفاظ ذوق و رأی منتقد را جهت داده و منجر به ادعاهایی بدیهی شده است. مانند ص ۳۱۲: «گاهی اوقات شاعر کاملاً فرشی می‌اندیشد و گاهی اوقات عرشی. گاهی اوقات کاملاً اجتماعی می‌اندیشد و گاهی اوقات کاملاً فلسفی.» همچنین صفحات ۱۵۱ و ۳۲۱.

۳- علاوه بر عدم انسجام ظاهر کتاب که از فهرست مندرجات آن آشکار است (قبلاً ذکر شده)، عدم انسجام فکری در بخش‌های مختلف و از هم گسیختگی مطالب و بندها و وجود پارهای از تناقض‌ها دلیل دیگری برای اثبات عدم روشمند بودن کتاب است. مانند مبحث «مقالات و دلالات» ص ۳۴۱ که مباحثی کلی و از هم گسیخته را دربر دارد یا در صفحه ۹۷ دو مورد تناقض در بند اول و دوم دیده می‌شود. یا در صفحه ۲۵۱ در قسمت یادداشت‌ها که جمله‌ای از هگل را می‌آورد با آنچه که در متن آمده مطابقت ندارد. همچنین در صفحات ۳۴۱، ۳۴۴، ۹، ۱۳، ۹۷، ۱۹۶، ۱۹، ۲۵۱، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۶۲.

۴- نقل قول‌های بیش از حد از دیگران که چندان ربطی به موضوع اصلی کتاب ندارد. آوردن نقل قول‌ها و آراء و نظرات روشنفکران و اندیشمندان که استفاده از این نظرات و آراء علیرغم ادعای نویسنده کاری بی‌مورد بوده است. نویسنده خود در مقدمه نوشته که: «من این کتاب را برای قشری نوشته‌ام که هنوز مقدمات آن چنانی فراهم نکرده‌اند، لذا نخواستم مانند برخی از روشنفکران در جای‌جای کتاب به آرای هایدگر و گادامر و آدورنو و بنیامین و هابرماس، نیچه، بودریار و پل ریکور، میشل فوکو، ادوارد سعید و فوکویاما و... استناد کنم تا به خواننده بگویم من هم با این عوامل آشنا هستم.» ص ۱۴ و ۱۵

اما در مطاوی کتاب نویسنده «جای‌جای» از اقوال و آرای بسیاری از منتقدان بهره جسته یاد کرده و بارها نام آنها را آورده است. از جمله در صفحات ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۶،

۲۱۷ از «تروتان تودوروف، لودویک فویرباخ، هگل، مارتین بوبر، لوی اشتراوس، هایدگر، آرنولد اینستاین» در چند سطر نام برده است که با این ادعای نویسنده همخوانی ندارد.

بی‌شک نویسنده دارای اطلاعات و آگاهی بسیار است. اهل کتاب است و کتابهای روز را خوب خوانده است ولیکن بسیاری از اقوال و آراء را بدون اینکه تناسبی بین مطالب برقرار کند، آورده است. همچنین از این مقوله‌اند، صص ۲۴۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۹۵، ۱۹۵، ۲۰۸. ۵- تفسیر نه چندان درست بعضی اشعار، مثل شعر «در جستجوی نیشابور» که مقصود شاعر از نیشابور ایران است. به علاقه مجاز جزء از کل. یا در صفحه ۱۹۲، آرایه تضمین را حل و درج تصور کرده است. یا در صفحه ۲۷۲، شعر «ساعت شنی» که مربوط به ایران و تاریخ و اجتماع است شعر فلسفی قلمداد کرده است. یا در صفحه ۳۰۶ آنجا که از شعر «عقاب» خاثری یاد می‌کند به جای عقاب می‌گوید، «غراب» که غلط است و نشان‌دهنده بی‌دقتی نویسنده است و باز هم در همین صفحه در تفسیر شعر «موعظه غوک» قضاوت نویسنده ناقض حرف شاعر است. آنجا که عنصر زمان را در حال و هوای شاعر مطرح می‌کند. همچنین صفحات ۱۰۷، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۶۴.

۶- وجود اصطلاحات ژورنالیستی در کتاب. مثل «تساهل و تسامح» و یا تک‌صدایی و چندصدایی بودن شعر شفیعی که این واژگان دوره‌ای هستند و با گذشت زمان و تغییر فضا بسیاری از این مطالب چندان جایگاهی نخواهند داشت. مثل فصل تسامح علمی ص ۷۱.

۷- دیگر ایرادی که می‌توان بر این کتاب وارد کرد، کاربرد شدید قیده‌های شک و تردید است، مانند شاید و گویی، در جایی که نویسنده باید حکم قطعی خود را بعد از کلی مقدمه چینی ارائه کند. مانند «البته گرایش شفیعی به مقوله‌های فلسفی علل و عوامل بسیار دارد.

شاید یکی از آن عوامل تتبع و غور بسیار شفیعی در متون کلاسیک باشد.» ص ۲۷۱

یا: «قدما، بنیاد شعر را وزن و قافیه و تخیل می‌دانستند لذا وارد مقوله‌هایی مانند زبان، ساختار، الهام و... در شعر نمی‌شدند. شاید روان‌شناسی محدود و تنگ قدما بیش از آن مجال به آنها نمی‌داد که در گوهر شعر توغل بیشتری نمایند.» ص ۹۸

یا: «مضامین شعر این دفتر، تقریباً همان مضامینی است که شاعران سبک هندی بیان می‌کنند.» ص ۱۶۳. همچنین صفحات: ۳۳۶، ۲۴۹، ۲۷۱، ۳۶۶، ۳۱۲، ۲۳۱.

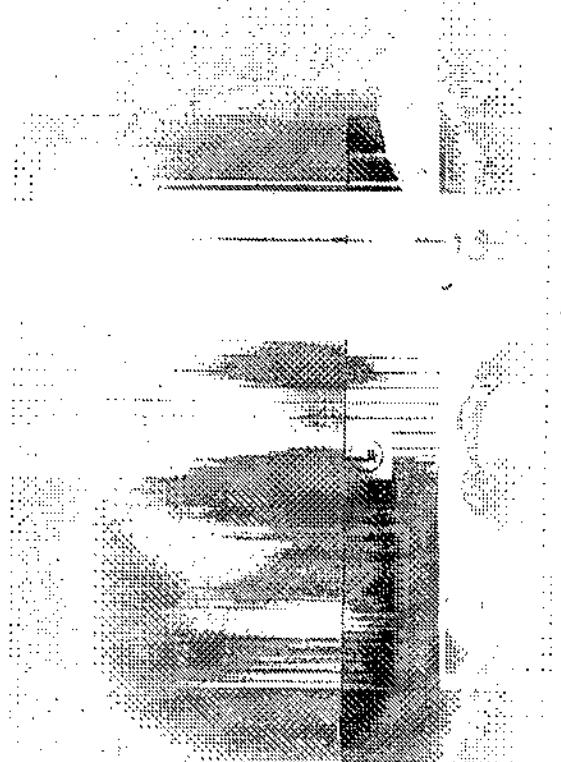
۸- دادن عناوین کلی و نامستند به شفیعی مانند: شاعر خراسان ص ۲۳۸، شاعر ایچاز ص ۲۴۲، شاعر فرهنگ ص ۲۴۹.

با این بررسی می‌توان به این نتیجه رسید که کتاب از سرشتاب در زمانی کوتاه نگاشته شده و به چاپ رسیده است بدون اینکه نمونه خوانی و ویرایش دقیقی در آن صورت گیرد.

خلاصه کلام آنکه زحمات و تلاش‌های بسیار نویسنده محترم کتاب متأسفانه تحت‌الشعاع مواردی که ذکر شد، قرار گرفته، و چنین به نظر می‌رسد که نویسنده در نشر کتاب دچار شتاب‌زدگی شده‌اند و از سر افسوس خود به همان ورطه‌ای افتاده‌اند که ایراد عمده دیگران می‌شمارند یعنی «زمان‌زدگی». امیدوارم که نویسنده محترم آنچه را از موارد مذکور بر کتاب خود وارد بدانند در ویرایش بعدی اعمال کنند.

یادداشت‌ها:

(۱) سفرنامه باران، به کوشش حبیب‌الله عباسی، تهران نشر روزگار، ۱۳۷۸، نامه دکتر زرین‌کوب به شفیعی کدکنی در سرآغاز کتاب. همان. (۲)



زمانی که کتاب در جستجوی نیشابور در حال شکل گیری و تکوین بود، هیچ کتاب سامان مند و علمی و عمیقی درباره دکتر شفیعی کدکنی منتشر نشده بود. کمی قبل از انتشار کتاب، دو کتاب از زبان صبح نوشته جناب آقای مهدی برهانی و سفرنامه باران به کوشش دکتر حبیب الله عباسی منتشر شد. من از شیوه کار و نوع نگرش و مطالب مطرح شده در این دو اثر، اصلاً اطلاعی نداشتم. برخی از مقالات کتاب سفرنامه باران، را از مجلات و نشریات گذشته برگزفتم. در یک تقسیم بندی کلی، کسانی که درباره دکتر شفیعی قلم زده اند دو دسته اند:

الف - گروهی که درباره اشعار او سخن گفتند.

ب - گروهی که درباره ترجمه ها و آثار تحقیقی او داوری کردند.

من در کتاب، در جستجوی نیشابور، درباره گروه دوم کمتر سخن گفتم و بیشتر به اقوال گروه اول پرداختم. این گروه نیز خود به دو زیرگروه دیگر تقسیم می شدند: یکی گروهی که با بدبینی و پیش داوری خاص درباره شفیعی سخن گفتند. دوم گروهی که جانبداران و با نگرش تأییدی یا ایشان رو به رو شدند. البته داوریهای هر دو گروه بیشتر ذوقی بود تا علمی. کتاب طلا در مس دکتر برهانی و شعر نو از آغاز تا امروز حقوقی و از سکوی سرخ، روایی با همین نوع نگرش و جهت گیری نوشته شده بود. فی المثل روایی نوشته است: شفیعی که منحنی هایی برای شعر فارسی در قرن اخیر کشیده است یکی از نمونه های منتقد بد است. فی المثل او

خیال می کند که فرهنگ داشتن یعنی دانستن اساطیر، یعنی هرکسی بهتر اساطیر ایرانی، اسلامی و مسیحی را بداند آدم با فرهنگ تری است.^۱ حقوقی هم در «شعر نو از آغاز تا امروز» وقتی طیفهای مختلف شاعران معاصر را نام می برد از م. سرشک و م. آرم نامی نمی برد چرا که به نظر او «اینان زبانی کاملاً مستقل ندارند ولی به مراتب از لحاظ تسلط به آرایه ها و ظواهر و شگردهای شعری از دسته نخست (شاعران معاصر) مقتدرتر و تواناترند»^۲ پس گروه اول بیشتر ادعای تجدد و مدرنیسم در شعر را داشتند و گروه دوم بیشتر با تکیه بر موارث کهن ادبی به جدال با گروه اول پرداخته، خواستند به آنها بفهمانند شفیعی، نقایصی که شما برای او برمی شمردید ندارد، بلکه بالعکس قوتها و کمالاتی دارد که بسیاری از شاعران نوپرداز ندارند. اما پاسخ و واکنش این گروه بیشتر سنتی و کلاسیک بود. من از همان ابتدا متوجه این تقابل شدم. لذا با این ظن و طرح کتاب را آغاز کردم که اعتدال بین سنت و مدرنیسم را مراعات کنم. به همین خاطر کتاب را با جمله ای از باختین شروع کردم. در جای جای کتاب به مثلث عرفان یعنی سنایی و عطار و مولانا استناد کردم. مقدمه کتاب را طوری نوشتم که ضرورت «متن» خوانی و چگونگی مواجهه با متن را برای جوانان تشریح کرده باشم. در فصل اول که زندگی نامه شفیعی را نوشتم بیشتر به نکاتی توجه کردم که برای نسل جوان جالب و گاهی اوقات مایه حیرت و حرکت باشد. من عمداً زندگی نامه را به سمتی سوق دادم که شخصیت دوم شفیعی، یعنی شخصیت علمی - تحقیقی او را عیان سازد، که البته اکنون به منتقد حق می دهم که بگوید زندگی نامه طوری نوشته شده که انگار شفیعی دارد درباره استادانش سخن می گوید. این زندگی نامه می توانست به انحاء مختلف

نوشته شود. فی المثل منتقدین بسیاری در نقد کتاب گفتند: چرا درباره اخوان ثالث توضیح ندادید؟ و بالعکس فصلی جداگانه را به ادیب نیشابوری اختصاص دادید؟ البته همه این انتقادات وارد است ولی اگر به همه آنها مخصوصاً جریانهای فرهنگی - هنری مشهد اشاره می کردم زندگی نامه، بسیار مفصل تر از این می شد که می بینید. در تحلیل «زمزمه ها» دلایلی که آوردم علمی بود ولی می شد دلایل دیگری هم بر آنها مزید کرد. منتقد می گوید: استعمال شور و جنون و آینه در یک اثر دال بر تاثیر پذیری از سبک هندی نیست. خوب من از شما می پرسم شما چگونه اثبات می کنید که «زمزمه ها» از سبک هندی متأثر است؟ چرا شفیعی کدکنی این همه به واژه آینه علاقه مند است و اشعار و آثارش را با تکیه بر این واژه نام می نهد. منتقد می گوید: برخی از ادعاهای من بی پایه و بی سند است، مثلاً چرا نوشتم: «تاثیر پذیری شاعر از سبک خراسانی و عراقی بیشتر در حد مفردات و ترکیبات و موسیقی شعر است.» این سخن را فقط درباره «زمزمه ها» گفتم زیرا شفیعی کدکنی در این کتاب از حافظ و مولانا متأثر است، اما این تاثیر پذیری فکری نیست. یعنی «موتیو» و بین مایه های شعری خود را از شاعران سبک هندی نمی گیرد ولی در مفردات و ترکیبات و آوزان شعری ندرتاً از شاعران سبک خراسانی و عراقی متأثر است. در تحلیل هفت دفتر آینه ای برای صداها به روح و پیام هر دفتر توجه کردم. آن روح و پیام را به عنوان سگ و ستون تحلیل قرار داده و بر مبنای آن، اشعار آن دفتر را تحلیل کردم. البته به خاطر تکرار برخی مضامین هفت دفتر، من نیز ملزم و مجبور به تکرار بودم ولی روح و پیام و شیوه تحلیل هر دفتر با دفتر دیگر متفاوت است. در پایان نیز فصلی به نام پست و بلند شعر شفیعی نوشتم که منتقد می گوید:

پاسخ به نقد

مجتبی بشردوست

ای بساکس را که صورت راه زد

این فصل زاید است. ولی من، معتقدم این فصل زاید نیست بلکه فقط یک نوع جمع‌بندی حرفه‌ای هفت دفتر است. فصل «شعر و شناخت» را البته می‌شد مختصرتر نوشت و حتی می‌شد اقوال دیگران را حذف کرد ولی همیشه بیم آن را داشتم که مبادا این فصل به ایجاز مخّل کشیده شود. چرا که گاهی اوقات ایجاز مخّل بدتر از اطناب مملّ است. فصل «تألب حیرت» را کاملاً با نگرش امروزی نوشتم. همواره در تحلیل این مجموعه این مسأله ذهنم را پریش می‌کرد که حرف بدیهی برای خواننده مطرح نکنم. بسیاری از زندگی‌نامه‌ها و تحلیل اشعار که این سالها چاپ شده حاوی بدیهیات است و طرح بدیهیات نیز توهین به خواننده است. مثلاً از «مناظره تا مکالمه» فصلی است که پیام تازه‌ای دارد که متأسفانه اصلاً مورد توجه این منتقد واقع نشده است. من در این فصل سؤالی مطرح کردم و آن سؤال این بود که چرا مردم به شعر «مکالمه‌گون و نسیم» علاقه دارند؟ آیا به خاطر وزن حرکتی و هیجانی شعر است؟ یا به خاطر پیام سیاسی شعر است؟ به نظر من همه اینها

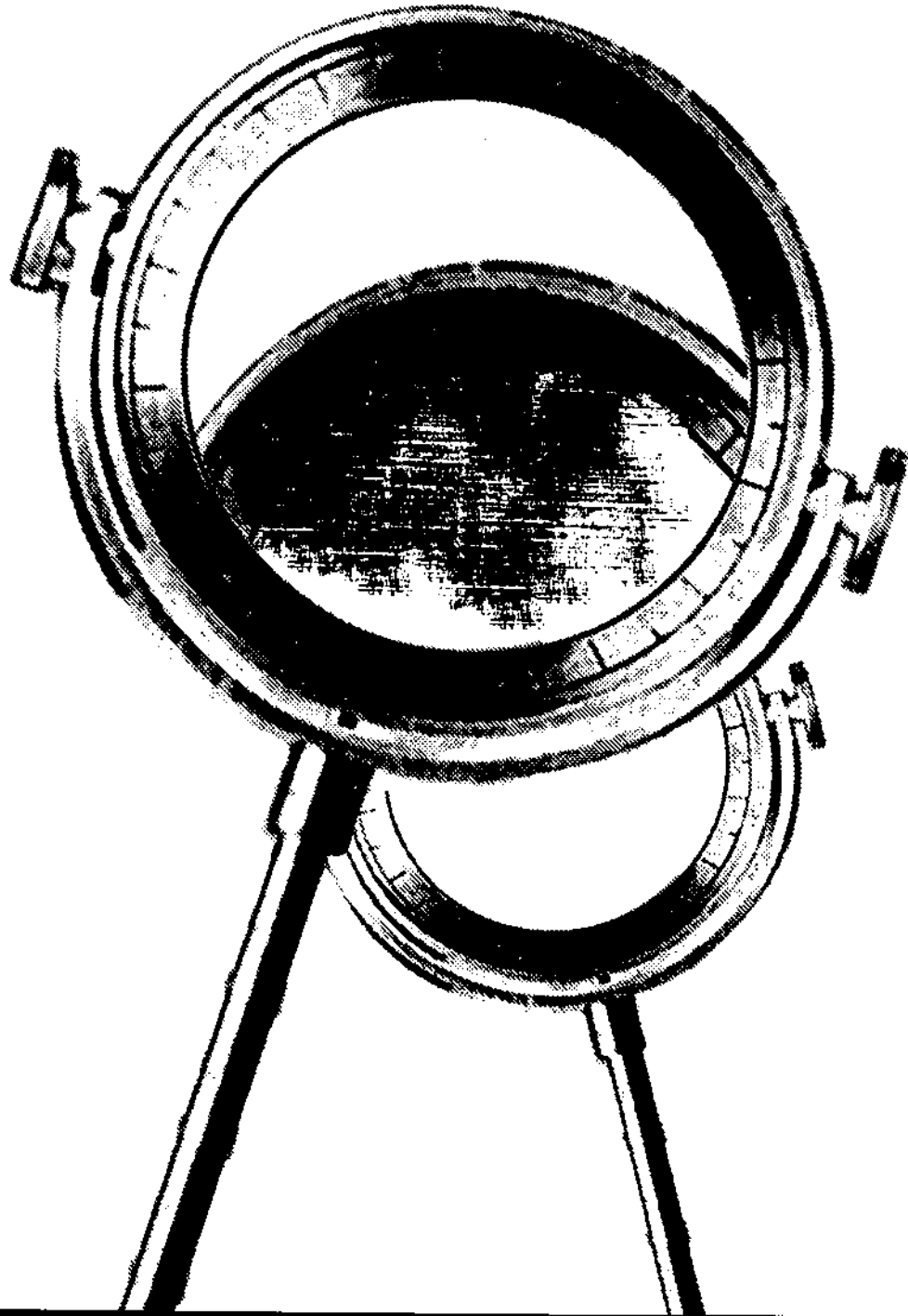
هست ولی یک چیز مهم‌تر این است که شفیع و اخوان در مناظره‌سرایی مهارت دارند. خب سؤال اینجاست که مکالمه‌ها و مناظره‌های شعری آنها چه تفاوتی با بقیه مناظره‌ها - فی‌المثل مناظرات پروین - دارد؟ متأسفانه با وجود مقدمه مفصلی که برای این فصل نوشتم هیچ پیام این فصل مورد توجه منتقد واقع نشد.

منتقد، کتاب در جستجوی نیشابور را از دو جهت صورت و محتوا نقد کرده است. من با بخش نخستین نقد ایشان موافقم اغلب ایرادات صوری و لغوی و دستوری و بلاغی که بر کتاب وارد کرده‌اند صحیح است. اگر کتاب بهتر ویرایش می‌شد شاید پیامش راحت‌تر به مخاطب می‌رسید. این که منتقد می‌گوید: من به جای تضمین، حل و درج نوشته‌ام این هم انتقاد درستی است اگرچه مثالی که ایشان آوردند مصداق کامل و تام و تمام اقتباس نیست. ولی بخش دوم نقد ایشان، عمیق و دقیق نیست.

دکتر زرین‌کوب به ما آموخته است که: «منتقد باید آنقدر ذوق و تمییز داشته باشد که بداند در کدام اثر باید

صورت کلی را در نظر بگیرد و در کدام کتاب حساب جزئیات را داشته باشد.»^۴ آیا منتقد، زمانی که این نقد را می‌نوشت این نکته و توصیه زرین‌کوب را پیش چشم داشت؟ متأسفانه باید بگویم تأملات بسیاری از منتقدین کلاسیک ما که مدعی «روش‌مندی در تحقیق» هستند در حد همین اسباب و صور است. چیزی که اصلاً مورد توجه منتقد واقع نشده این است که کارهای اولیه در مورد هر شاعر و متفکری از دو خصیصه برخوردار است: ۱- کلی‌گویی ۲- اطلاع‌دهی به خواننده. من هم بناچار در این کتاب چندان به امور جزئی نپرداختم. از طرفی در جای جای کتاب می‌کوشیدم به خواننده اطلاعات تازه‌ای درباره شفیع کدکنی بدهم. به همین خاطر مدام به اقوال این و آن استناد می‌کردم تا استدالام را قوی‌تر کنم.

منتقد می‌گوید من کتابهای روز را خوب خوانده‌ام اما نفهمیده‌ام. ادعای شگفتی است. این گزاره حاوی یک تناقض منطقی است. اگر کتابهای روز را خوب خوانده‌ام پس فهمیده‌ام و اگر نفهمیده‌ام پس خوب نخوانده‌ام. آخر خوب خواندن با نفهمیدن، تلازمی ندارد. منتقد می‌گوید، من از اصطلاحات ژورنالیستی استفاده کردم بعد واژگان تساهل و تسامح و تک‌صدایی و چندصدایی را مثال می‌زنم. واقعاً این واژگان ژورنالیستی‌اند؟ تساهل و تسامح مربوط می‌شود به ادب سیاسی که ترجمه Tolerance هستند و تک‌صدایی و چندصدایی از اصطلاحات باختین است که او آنها را در تحلیل آثار تولستوی و داستایفسکی به کار برده است. منتقد می‌گوید: این نوع واژگان دوره‌ای هستند. شما بر چه مبنایی چنین پیش‌گویی می‌کنید. اصلاً ملاک دوره‌ای بودن چیست؟ دوره را چند دهه می‌دانید؟ اتفاقاً به رغم دیدگاه نویسنده روز به روز این اصطلاحات رونق



می‌گیرد. حتی دکتر زرین‌کوب نیز در یکی از سخنرانیهایش، فرهنگ گذشته ما را چندصدایی دانست. منتقد می‌گوید: به نویسندگانی مانند هایدگر و فویر باخ و کوهن و... بیهوده و بی‌ربط استاد کردم. این را البته خواننده باید قضاوت کند ولی یک نکته قابل تأمل این است که ذهنیت این منتقد کاملاً سنتی است، چرا که در فهم ارتباط مفاهیم مدرن همواره با مشکل مواجه است. نمونه‌اش همین ایراداتی است که گرفته، در حالی که به بخش سنتی کتاب که دیگران ایراد گرفته‌اند اصلاً توجه نکرده است. و این نشان می‌دهد که او با آن مفاهیم آشنا تر بوده است.

مثلاً هایدگر و بحث او دربارهٔ رابطهٔ «بودن و زبان» کاملاً برای منتقد عجیب و غریب بود. در حالی که به ظن من یک شیوه تحلیل کتاب از «بودن و سرودن» همین است که به هایدگر تکیه کنیم و ببینیم او چگونه بین هستی و شعر ارتباط برقرار کرده است.

منتقد می‌گوید: اشعار شفیعی را درست تفسیر نکرده‌ام. از دیدگاه ایشان «ساعت شنی» شعر فلسفی نیست بلکه تاریخی - اجتماعی است و نیشابور نیز نماد تاریخ ایران نیست. من هنوز آن تاویل‌ها را قبول دارم چرا که «ساعت شنی» دو تلقی از هستی و زمان است و نیشابور نیز برای شفیعی نماد گذشته تاریخی - اسطوره‌ای ایران است. فی‌المثل آنجا که می‌گوید: در نیشابورم و جوای نیشابور هنوز / پرسم از خویش / نه با خویش / درین لحظه کجاست / جای آن جام که در ظلمت اعصار و قرون / پر تو باده‌اش از دور دهد نور هنوز (هزاره دوم / ۴۳). نگرشی کاملاً تاریخی نسبت به نیشابور دارد. اصلاً فرض کنیم که نیشابور نماد چیز دیگری باشد، آیا من برای تاویل خود دو نکته مهم نقد هرمنوتیکی را مراعات کرده‌ام یا نه؟

الف - همخوانی ژرف ساخت با روستا.

ب - ارائه شواهد و قرائن کافی.

منتقد می‌گوید من به شفیعی، شاعر ایجاز و شاعر

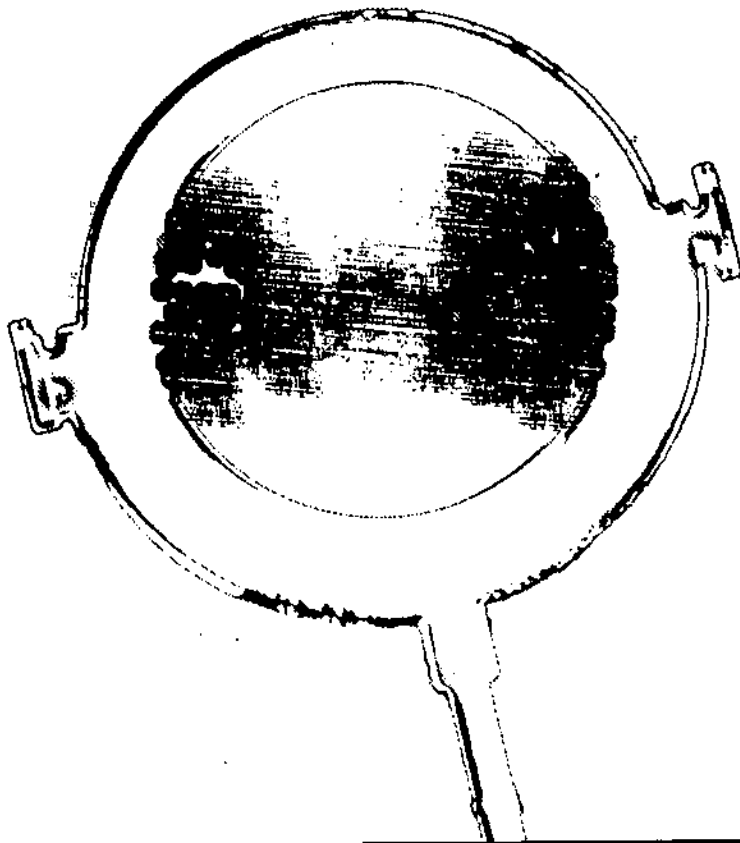
فرهنگ لقب دادم و اینها القاب بی‌پایه‌ای است. منتقد، اصلاً به بافت و ساخت کلام توجه نمی‌کند. یا کوبسن می‌گوید: همیشه در پیام‌دهی و پیام‌گیری باید به بافت کلام نگریست. شفیعی نسبت به فرهنگ و پیشینه ایران، اشراف شگرفی دارد و لذا بسیاری از عناصر فرهنگ ایرانی - اسلامی را در اشعارش جای می‌دهد، از اینرو او را می‌توان شاعر فرهنگ نامید. و درست به همین خاطر، شاعر ایجاز نیز هست. هم زبان او صیقل خورده و بی‌حشو و زواید است و هم اندیشه‌هایش عمیق. منتقد می‌گوید: من در تفسیر هزارهٔ دوم اشتباه کرده‌ام، چرا که نوشته‌ام «من» آیینی برای صدامها، اجتماعی و «من» هزارهٔ دوم، فلسفی است. همین عامل باعث شده است که مخاطب این دفتر خواص باشند. خوب، این استدلال کجایش اشکال دارد. منتقد می‌گوید: اشکال از شفیعی نیست از جامعه ماست که آفت فرهنگی پیدا کرده و لذا اشعار شفیعی را کمتر می‌فهمند. شعر شفیعی در هزاره دوم، کمی متفاوتی است. بنا به گفته جانسن شعر متفاوتی است که در نمایش و برانگیختن عواطف موثر نیست. نگاهی سطحی و گذرا به عناوین شعرهای شفیعی - که اغلب فلسفی است - اثبات می‌کند که حرف اینجانب صحیح است. منتقد می‌گوید: من اسم شعر خانلری را اشتباهاً غراب گفته‌ام در حالی که عقاب است. یک بار دیگر به همراه منتقد ص ۳۰۶ کتاب را مرور می‌کنیم «پای در زنجیر، خوش تر تا که دست اندر لجن» این شعر، شعر عقاب خانلری را فرایاد می‌آورد.

منتقد معتقد است که من با سجع بازی کرده‌ام نوشته‌ام شفیعی یک جا عرشی می‌اندیشد یک جا فرشی، منظور من از فرشی اندیشیدن، اجتماعی اندیشیدن شاعر است و مقصودم از عرشی اندیشیدن بیان اندیشه‌های دینی و فراواقع‌گرایی در شعر است. حقیقت این است که اینجانب هیچگاه گرد سجع و موازنه نگشته‌ام و نخواهم گشت و فکر می‌کنم کتابم نیز

مبتنی و متکی بر اسجاع نباشد.

منتقد می‌گوید: من از واژگان مهجوری استفاده کرده‌ام، سپس واژگان ابژکتیو و سوژکتیو و فورگراندینگ را نام می‌برد. من نمی‌دانم ملاک مهجوریت چیست؟ مهجور در نزد علمای بلاغت واژگانی است که به منسوخ، مثلاً نویسنده نباید بجای بنیاد و پایه «بنیاد» بگوید. ولی واژگان ابژکتیو و سوژکتیو جزء این دسته از واژگان نیستند. مخصوصاً نویسنده‌ای که با تکیه بر اقوال متفکرین جدید می‌خواهد استدلالهایش را به کرسی بنشاند برای او استفاده از این واژگان محظوریت ایجاد نمی‌کند و این انتقاد منتقد نیز، نشان می‌دهد که منتقد با فرهنگ فلسفی مدرن آشنا نیست و ذهنیت کلاسیک و سنتی دارد. از طرفی اگر من مجاز نیستم از این نوع واژگان استفاده کنم پس شما چرا از واژه دیالکتیک استفاده کرده‌اید؟ آیا این واژه نزد دانشجویان ادبیات و جوانانی که شما با آنها سخن می‌گویید معنای محضی دارد؟ منتقد می‌گوید چرا در ابتدای کتاب درباره حوزه‌های علمیه مشهد و قم و نجف بیشتر توضیح ندادم و تفاوت آنها را نگفتم. چرا که مشهد آن روز به ادبیات و قم به فلسفه و نجف به فقه بها و اهمیت بیشتری می‌داد. البته این نکته در کلیتش صحیح است ولی ذکر آن در کتاب، بی‌مورد و بدیهی بود. فرض کنیم که من به این نکته اشاره می‌کردم در آن صورت تمام ویژگیهای مدارس قدیم مشهد را بایست شرح می‌دادم و نقض غرض می‌شد چرا که شما از طرفی به من توصیه می‌کنید روش‌مند حرف بزنم از طرف دیگر می‌گویید درباره مدارس قدیم مشهد باید بیشتر توضیح می‌دادم.

یکی از انتقادات شگفت‌انگیز منتقد این است که چرا از واژگان و قیود شک و تردید استفاده کرده‌ام. این توجه منتقد برای من بسیار جالب است. ولی نتیجه‌ای که می‌خواهد بگیرد جالب نیست. منتقد می‌خواهد بگوید من با اتقان و ایقان کافی حرف نمی‌زنم. حقیقت



موز وحشی

ژوزه مارود واسکونسوس در سال ۱۹۲۰ در یانگوی ریو د ژانیرو به دنیا آمد. پدرش سرخپوست و مادرش از مهاجران پرتغالی برزیل بود. شغل اصلی واسکونسوس بازیگری بود و در فیلمهای زیادی بازی کرد و نقشهای موفق آفرید. واسکونسوس استعداد ذاتی عجیبی در قصه گویی داشت، گویا این استعداد را از اجداد سرخپوستی خود به ارث برده بود. تمام داستان‌هایی که نوشته است سرشار از احساسات و عواطف انسانی است، و در لطافت با شعر پهلوی می‌زند. سبک نوشته‌هایش در عین سادگی خیلی متنوع است، هم طنز می‌نویسد هم جدی، هم لطیف می‌نویسد هم غم‌انگیز، هم با احساس می‌نویسد هم خشن. آثار واسکونسوس به خود زندگی شباهت دارد.

مسوز وحشی چهارمین رمانی است که از واسکونسوس به فارسی ترجمه می‌شود. قبلاً درخت زیبای من، بیاید خورشید را بیدار کنیم و رزینا قایت من با ترجمه قاسم صنعوی به فارسی ترجمه شده و بسیار مورد استقبال خوانندگان از هر سنی قرار گرفته است.

تم اصلی موز وحشی هم، مثل درخت زیبای من، یک رابطه شدید عاطفی است که بین یک پسر و یک مرد شکل می‌گیرد. بین ژوئل و گرگو. نویسنده حتی این شک را هم در دل خواننده ایجاد می‌کند که نکند این دو واقعاً پدر و پسر باشند. بعضی از اصول اخلاقی و عقاید نژادی نویسنده هم جابجا در بافت رمان تنیده شده است، بی‌آنکه به چشم بیاید. رمان پایان غم‌انگیزی دارد و با زبان شاعرانه‌ای نوشته شده است. نویسنده با درهم تنیدن لطافت و خشونت رمانش را نوشته است. واقعه رمان در معادن الماس برزیل جریان دارد که در اوایل قرن بیستم مردم برزیل از تمام نقاط آن خانه و زندگی خود را ترک می‌کردند و برای یافتن پول و خوشبختی به این معادن حمله می‌آوردند.

«تو داستانی از جنس ناقوس داری. الان برای توضیح می‌دهم. ناقوس‌ها صدایی دارند که این صدا حسرت را در دل آدم بیدار می‌کند. صدای شیرین و ملایمی که آدم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هر آنچه به یاد او می‌آورد حالت عرفانی دارد، ناقوس‌ها تمام مهربانی‌ها را به یاد آدم می‌آورند. از معصومیت حرف می‌زنند و از دوری. این صدای قلبی از برنز است که برای قلبی از گوشت حرف می‌زند. یادم می‌آید که یک شاعر می‌گفت:

«قلب یعنی ناقوس دهکده

ناقوس، یعنی قلب انسان.

این وقتی می‌زند دل‌تنگی می‌کند،

آن وقتی که دل تنگ است می‌زند.»

□

همچنان همه ذوق و معرفت و بصیرت خود را به درستی به کار اندازد و نستوه و بی‌ملال در فراز و فرود و نشیب اندیشه و بیان نویسنده و شاعر، اوج و حسیض پرواز روحانی و سیر معنوی او را دنبال نماید و آزاده‌وار و درست هر چه درمی‌یابد آن را بی‌پروا و خالی از روی و ریا باز نماید.^۵

۳- این نقد اگرچه کمی گزنده و تلخ نوشته شده است ولی برای من بسیار آموزنده و عبرت‌آموز بود. من چنانکه در مقدمه کتابم آورده‌ام هیچ ادعایی ندارم. منابع و مآخذ کتاب، خود نشان می‌دهد که نویسنده چه مقدار با سنت آشناست و چه مقدار با تجدد. و بازتاب و میزان فروش کتاب نیز اثبات می‌کند که پیام کتاب آیا به مخاطبش رسیده است یا نه؟ من فقط می‌توانم بگویم که هر نویسنده‌ای باید سخن «عماد کاتب» را آویزه گوش کند که: «ای رایت آه لایکتب انسان کتاباً فی یومه الا قال فی غده لو غیر هذا لکان احسن... انسان امروز چیزی نمی‌نویسد مگر آن که فردا می‌گوید اگر این طور نوشته بودم بهتر بود، اگر فلان مطالب را افزوده بودم بهتر بود، اگر این مطلب را ترک کرده بودم زیاده‌تر می‌شد و همه اینها نشان چیست؟ هو دلیل علی استیلاء النقص علی جملة البشر.

یا حق

پانویس‌ها:

- ۱- از سکوی سیخ، بدالله رویایی، به اهتمام حبیب‌الله رویایی، انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۳۵۲.
- ۲- شعر نو از آغاز تا امروز، محمد حقوقی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۵۷، ص ۵۷.
- ۳- یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۱، ص ۶.
- ۴- تردید، بابک احمدی، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۳۵۱.
- ۵- یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، ص ۵.

امر این است که من از زبان تمامیت طلب بیزارم. وقتی نویسنده‌ای مدام از واژگان قطعاً و یقیناً و حتماً استفاده می‌کند تمام راهها را بر خود می‌بندد. به قول ویستگنشتاین از شک به یقین سوبرکتیو و از یقین سوبرکتیو به یقین ابزکتیو نایل شده است.^۴ نویسنده‌ای که ادعا می‌کند به یقین ابزکتیو رسیده است کمی تمامیت طلب و خودخواه است. من عمداً از آن واژگان استفاده نکردم و حتی تمثیل مولانا را به عمد در مقدمه کتاب آورده‌ام تا خواننده احساس همدلی بیشتری با من پیدا کند.

در پایان این گفتار منتقد گرامی را به سه نکته مهم و مرکزی توجه داده و برای او آرزوی توفیق می‌کنم.

۱- زبان کتاب در جستجوی نیشابور ممکن است یکدست و سبکش آکادمیک نباشد چرا اصلاً قصد و غرض این نبود که کتاب بدین شیوه نوشته شود ولی یک چیز کم و بیش مراعات شده و آن تعادل بین سنت و مدرنیسم است. دکتر شفیع زمانی که کتاب را تویقی کرد به من گفت: اعتدال را مراعات کردی. اگر در جایی افراط و تفریط مشاهده می‌شود عمدی نیست و نویسنده نیز قصد خودنمایی و اظهار لحیه ندارد و اگر اصطلاح عامیانه و مهجوری بکار برد، باز عمدی نیست چرا که سخن صاحب تاریخ گزیده را همیشه پیش چشم داشته که می‌گفت: خیر الکلام ما لیم یکن عاماً سوقياً ولا غریباً وحشياً؛ بهترین کلام آن است که بازاری و غریب نباشد.

۲- منتقد باید بکوشد روح یک اثر و پیام نهانی آن را دریابد و قدم به قدم با نویسنده طی طریق کرده، ببیند چگونه او مخاطبش را به مقصود می‌رساند و صرفاً به گیومه‌ها و ویرگول‌ها و فهرست و منابع و مآخذ ننگرد. به قول دکتر زرین‌کوب «منتقد راستین باید چنان که در شناخت ناهنجاریها و بی‌سامانی‌های اثری زیرکی و هوش تمام به کار می‌برد در کشف و ادراک لطیفه‌های نهانی و زیباییهای ناشناخته‌ای نیز که در آن اثر هست

زمان انتشار معرفی می‌شوند:

دخوی نابغه

دخوی نابغه، گزیده مقاله‌ها درباره علامه علی‌اکبر دهخداست که به کوشش ولی‌الله درودیان فراهم آمده و در زمستان ۱۳۷۸، از سوی انتشارات گل آقا به چاپ رسیده است. از پیشگفتار گردآورنده برمی‌آید که ترکیب مقالات کتاب، بیشتر ناظر بر روشن ساختن شیوه و زوایای طنزنویسی دهخدا در صوراسرافیل است. همان مطالبی که با عنوان «چرند پرند» می‌نوشت و «دخو» امضا می‌کرد. درودیان، بر این نظر است که: «نواوریهای دهخدا عمدتاً نگارش آثاری است در زمینه طنز سیاسی و اجتماعی و وارد کردن عامل لحن در قصه‌نویسی پارسی.» از این رو، بیشترین سهم مقاله‌های کتاب دخوی نابغه به بررسی ویژگی‌های طنز دهخدا اختصاص دارد. از ولی‌الله درودیان، پیش از این کتاب «برگزیده و شرح آثار دهخدا» از سوی نشر و پژوهش فرزانه روز چاپ شده و مقالات متعددی نیز در زمینه دهخدا در نشریات نگاشته است. از اینرو، به جهت احاطه گردآورنده به موضوع، می‌توان انتظار داشت که ترکیب مقالات در کتاب، به گونه‌ای باشد که بتواند تصویری روشن و همه‌جانبه را از دهخدا - و نیز طنز او - به خواننده علاقمند ارائه دهد. درودیان، این انتظار را با آوردن مقالات جامعی چون «طلیعه زبان داستان در ادبیات جدید» نوشته دکتر حمید زرین‌کوب و «دخو» نوشته دکتر غلامحسین یوسفی برآورده می‌سازد.

بررسی زندگانی ادبی و اجتماعی دهخدا، در بادی امر، دشوار به نظر می‌آید، چرا که این کار نیازمند کنکاش در شخصیت چندبعدی، و زمینه‌های متعدد فعالیت‌های ادبی و اجتماعی این چهره نام‌آور تاریخ معاصر است. دهخدا در هر کدام از عرصه‌های: طنزنویسی، شعر، تحقیق، و روزنامه‌نگاری، صاحب نام، سبک و آوازه است. از این رو پژوهش زندگی ادبی او، نیازمند توجه به تمامی زمینه‌های فوق، و بررسی ساز و کار تأثیر آنها بر یکدیگر است. همچنین از رهبران و فعالان حرکت مشروطه به‌شمار می‌آید و نگاه به آثار ادبی یا فعالیت‌های تحقیقاتی‌اش بدون در نظر داشتن زمینه‌های اجتماعی و سیاسی پدیدآورنده آن، ممکن نیست. به‌رغم این دشواری و پیچیدگی، از او به خاطر نقش تعیین‌کننده‌ای که در شکل‌گیری ادبیات معاصر داشته است، بسیار گفته و نوشته‌اند.

در یک ساله اخیر، سه کتاب درباره دهخدا انتشار یافته که هر یک در کنار رویکرد همه‌جانبه به آثار و زندگی دهخدا، یکی از زمینه‌های فعالیت او را برجسته ساخته، پیرامون آن به کنکاش و بررسی نشست است. این سه کتاب عبارت‌اند از: دخوی نابغه، همونو با می‌غ سحر، و صوراسرافیل و علی‌اکبر دهخدا، که به ترتیب

اگرچه در دخوی نابغه بیشترین سهم به بررسی طنز دهخدا اختصاص یافته است (۹ مقاله)، ولی گردآورنده، برای روشن ساختن و تصویر کردن چهره دهخدا در عرصه فعالیت‌های سیاسی، تحقیقاتی و حتی زندگی شخصی نیز مقالاتی آورده است تا خواننده به تصویری کامل از سیمای چندگانه این چهره درخشان تاریخ معاصر دست یابد. در ۷ مقاله کتاب، تحقیقات ادبی دهخدا بررسی شده و در زمینه‌های: شعر دهخدا، شخصیت او، نگاه اقتصادی و فعالیت‌های سیاسی او نیز مقالاتی آمده است. درودیان، در میان این مقالات، دو مصاحبه را نیز جای داده است. یکی گفت و گو با دکتر محمود عنایت درباره «طنز و هزل در ادب فارسی» و دیگری، مصاحبه با ایرج پزشک‌زاد، با عنوان: «طنز، پلی استوار به سوی مردم» موضوع مصاحبه عنایت، عام است. اگرچه جامع، غنی و دربردارنده نکات جالبی در زمینه طنز است، ولی ارتباطی با دهخدا ندارد. تنها در انتهای مصاحبه، در یک جمله، گریزی به طنز دهخدا نیز زده می‌شود که متضمن حرف و نظر تازه‌ای نیست: «دوگانگی چهره یک نویسنده را در این جا می‌توانیم ببینیم که علامه‌ای چون دهخدا یک جا چرندپرند را می‌نویسد و قیافه رند قلندری را به خود می‌گیرد و در جای دیگر با نوشتن آثار تحقیقی و جدی، در قیافه یک محقق ظهور می‌کند.» ناگفته پیداست که این جمله، برای انتخاب این مصاحبه در این مجموعه مقالات، کافی به نظر نمی‌رسد. مصاحبه ایرج پزشک‌زاد، حکایت

رویا صدر

دهخدا و سه تصویر همزمان

دیگری دارد. چرا که در عین برخورداری از موضوعی عام، طنز دهخدا را از زاویه‌ای نو بررسی می‌کند که می‌تواند برای اهل تحقیق راهگشا باشد.

پژوهنده در انتها به معرفی ۳۹۷ مقاله و کتاب در مورد دهخدا، ذیل عنوان «گزیده کتاب‌شناسی دهخدا» پرداخته است. در ابتدای کتاب‌شناسی با اشاره به این که: «ملاک انتخاب، مأخذهایی است که در شناخت وجوه چندگانه شخصیت دهخدا تمرینش باشند»، اضافه کرده است: «از ذکر مأخذهای تکراری و رونویس شده از روی دست این و آن خودداری شده است و پژوهنده تا نوشته‌ای را نخوانده و آن را سودمند نیافته، از آن یاد نکرده است.» در این کتاب‌شناسی، برخی از منابع، هم در بخش مقالات آمده است و هم در بخش کتابها. برای مثال، عنوان مصاحبه پزشک‌زاد «طنز، پلی استوار به سوی مردم» که در اطلاعات ۲۷

بهمن ۱۳۵۵ چاپ شده است یک بار در فهرست مقالات درج شده و یک بار در بخش کتابها، در کتاب فارسی عمومی تألیف محمد دامادی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، آمده است. این امر، بی‌شک برای پژوهشگران امکان بیشتری را برای دستیابی به منابع فراهم می‌آورد.

درویان، برای دستیابی به فهرستی جامع، طیف گسترده‌ای از نشریات - چه بسا گمنام و یا ناآشنا - را در کنار هم آورده است که این امر نشانگر تلاش او در جامعیت بخشی به منابع معرفی شده است. برای مثال، می‌توان از متن سخنرانی فریدون تنکابنی در نشریه خروسخوان (نشریه انجمن فعالیت‌های فرهنگی و هنری دانشجویان مدرسه عالی کامپیوتر - تهران - ۱۳۵۷ - ص ۴۸) نام برد. در بخش «کتابها» نمود دیگری از این تلاش به چشم می‌خورد: حتی جمله‌ای در یک

کتاب از چشم پژوهنده دور نمانده است. این امر پژوهشگران را در استفاده از منابعی که در ظاهر، به کار پژوهش در آثار و زندگی دهخدا نمی‌آیند، یاری می‌کند که از آن جمله‌اند:

- نامه‌های جلال آل احمد، به کوشش علی دهباشی، تهران، پیک، ۱۳۶۴، ص ۴۵، و یا:

- باستانی پاریزی، پیغمبر دزدان، تهران، کتاب‌های پرستو، چ ۴، ۱۳۵۴، ص ۱۹.

در عین حال، جای منابعی چند در کتاب‌شناسی خالی است. از جمله: نظرات استاد محیط طباطبایی در «تاریخ تحلیلی مطبوعات» که به جهت آرایه‌نگاهی متفاوت بر نقش «چرند و پرند» در فضای سیاسی مشروطه، پژوهشگران را در دستیابی به تصویری روشن‌تر از طنز دهخدا یاری می‌رساند، و نیز داستان کوتاه ایران نوشته محمد بهارلو که از نظر تحلیل طنز و نثر دهخدا، ارزش آن اگر از برخی منابع معرفی شده در کتاب‌شناسی بیشتر نباشد، کمتر هم نیست.

از آنجا که تمامی منابع معرفی شده در این کتاب‌شناسی، هم‌اکنون در دسترس علاقمندان نیست، شاید بهتر بود که گردآورنده محترم، دایره انتخاب و معرفی منابع را - هرچند تکرار مطالب کتاب‌های پیشین باشد یا گردآوری قلمداد شود - گسترده‌تر می‌ساخت. این امر بخصوص در زمینه کتابهایی که در دو دهه اخیر در زمینه بررسی زندگی و آثار دهخدا چاپ شده است، می‌توانست دستیابی پژوهشگران به منابع موجود را



بیشتر فراهم سازد. از آن جمله است کتاب علی اکبر دهخدا گردآوری علی جانزاده، انتشارات جانزاده، ۱۳۶۲.

در پی بخش کتابشناسی، تصاویری از نامه‌ها و عکسهای دهخدا به چاپ رسیده است که بر جذابیت کتاب می‌افزاید.

همنو با مرغ سحر

همنو با مرغ سحر، پژوهشی است از بلقیس سلیمانی، در زمینه زندگی و شعر علی اکبر دهخدا که از سوی نشر ثالث در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است. نویسنده، در این کتاب طی دوازده فصل به شرح زندگانی دهخدا، به تفکیک: از تولد تا مبارزه، از مبارزه تا تبعید، و مبارزه در غربت می‌پردازد و نقش او را در عرصه سیاست (در پی بازگشت به ایران) بررسی می‌کند و سپس بخش مستقلی را به مرگ دهخدا اختصاص می‌دهد. بررسی ویژگیهای ساختاری مقالات دهخدا در چرندپرند و نقش آن در طنز سیاسی، موضوع فصل ششم کتاب است. فصل‌های هفتم و هشتم، یکی به دهخدا و سوسیالیسم، و دیگری به تدوین لغت‌نامه دهخدا اختصاص دارد. در پی آن نویسنده در پنج فصل به تفصیل به شعر دهخدا می‌پردازد و کتاب را با آوردن نمونه‌هایی از آثار او اعم از نثر (گزیده‌هایی از چرندپرند) و شعر (فکاهی، متجددانه و سنتی) به پایان می‌برد. از این رو، هرچند از عنوان کتاب برمی‌آید که بیشتر، به شعر دهخدا بپردازد، ولی سهم شعر دهخدا، نیمی از کتاب است و نیم دیگر، متضمن بررسی همه‌جانبه‌ای از زندگی سیاسی، ادبی و تحقیقاتی دهخداست.

بلقیس سلیمانی در این کتاب، نگاهی تحقیقی، تحلیلی، دقیق و بدور از پیشداوری نسبت به موضوع دارد. او برای آرایه تصویری همه‌جانبه و صحیح از زندگانی سیاسی و ادبی مرحوم دهخدا، از منابع متعدد و نظرات گوناگون - و گاه متضاد - از مورخان و صاحب‌نظران بهره می‌جوید و این امر، امکان بررسی

تحلیلی زندگانی و آثار دهخدا، یافتن زوایای تاریک و نهان فکر و زندگی او را برای پژوهنده اثر فراهم می‌سازد. فهرست متعدد منابع و مآخذ در پایان هر بخش، نمایانگر تلاش بلقیس سلیمانی در دستیابی به این هدف است. مخاطب، گام به گام با نویسنده همراه می‌شود، تا ضمن آشنایی با ابعاد و آثار وسیع و تعیین‌کننده حرکت دهخدا در عرصه سیاست و ادب این مرز و بوم، شاهد و ناظر سیر حرکت او از «ایمان به عمل سخت و بنیان‌برانداز انقلاب» به «اصلاح گام به گام ساختار حکومتی ایران» و سپس «رویکرد به عملکردهای محافظه کارانه» باشد. نویسنده تلاش می‌کند به تحلیل چرایی «تغییر در مبانی اندیشه سیاسی دهخدا» بنشیند و به کاوش این مسأله بپردازد که «چرا دهخدا دنیای متلون سیاست را ترک کرد و به کار تحقیق روی آورد؟» اینجاست که خواننده با طیف نظرات متنوع، متعدد و گاه متضادی آشنا می‌شود که برخی دهخدا را یگانه عرصه شعر و ادب ایران می‌دانند و در برابر، بعضی به بررسی نقش چرندپرند در تشدید استبداد محمدعلی شاهی می‌پردازند (در بخش: چرندپرند و نویسندگان بعدی، صفحه ۱۳۰). از این رو، کتاب بیش و پیش از آن که درصدد تمجید و تعریف از آثار یا زندگی یکی از نام‌آورترین چهره‌های عرصه ادب ایران معاصر باشد، با نگاهی جامع‌نگر و تحلیلی به موضوع، در پی کاوش زوایای پنهان زندگی و آثار دهخداست، هرچند این کاوش، از نظر موضوع، بیشتر شعر دهخدا را شامل می‌شود (نیمی از کتاب) و از نظر جهت‌گیری، سمت و سوی بررسی ابعاد و آثار تلاشهای مرحوم دهخدا در خدمت به فرهنگ، ادب و سیاست این مرز و بوم را دارد.

به نظر می‌رسد در گوشه‌هایی از کتاب، محقق اثر، در پی جویی بخشهایی از زندگی دهخدا، گاه در محاصره نقل‌قولها و نظرگاههای متفاوت، متضاد یا همسوی مورخان و صاحب‌نظران می‌ماند، تنها به جمع‌آوری این نظرات اکتفا می‌کند و در جمع‌بندی یا تحلیل دیدگاهها می‌تواند به توفیقی دست یابد. از این

جمله است بخش «پناهندگی و تبعید» که به بررسی ریشه‌ها و عوامل پناهندگی دهخدا به سفارت انگلیس، در پی به توپ بسته شدن مجلس اول می‌پردازد. همچنین گستردگی حیطه تحقیق کتاب، گرچه بر جامعیت آن افزوده است، ولی گاه به برخورد گذرا و دوری از وسواس لازم در بررسی منجر شده است. چنانچه گاه پژوهنده، درباره یک موضوع به نقل‌قولی یا ذکر منبعی اکتفا کرده و سپس با سرعت از بحث گذشته و به سراغ موضوعی دیگر رفته است که این امر بدون شک از دقت تحقیق می‌کاهد. برای مثال در بخش «دهخدا و سوسیالیسم» به صورتی بسیار مجمل و کوتاه، بیان می‌کند: «دهخدا، در زمینه مسأله مالکیت و نظام ارباب و رعیتی، رادیکال‌ترین نظرات را ارایه کرد. تا آنجا که برخی محققان او را پیرو نظام مرام اشتراکی دانسته‌اند.» ولی در تشریح این مسأله، به شاهد آوردن چند مصراع از دو شعر: «شکم خالی آنکھی ایمان» و «نکند طباق فقیر قبول» اکتفا می‌کند. حتی اگر نظر پژوهنده محترم در زمینه «تأکید دهخدا بر الغای نظام ارباب و رعیتی» را نیز قبول کنیم، (هرچند در این تحقیق، برای آن شاهدی قطعی آورده نشده است) باز هم این امر دلیل بر «پیرو مرام اشتراکی بودن دهخدا» نمی‌شود. با این قیاس، محمدرضا پهلوی را نیز باید سوسیالیست بدانیم (به خاطر آرایه طرح اصلاحات ارضی). البته موارد یاد شده، از ارزش کتاب، در مقام یک اثر تحلیلی و جامع درباره زندگی و آثار دهخدا، نمی‌کاهد، و جای‌جای کتاب، نشانگر تلاش ارزشمند پژوهنده اثر، برای دستیابی به این هدف است.

صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا

صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا چندان که در شناسنامه کتاب آمده، «یک بررسی تاریخی و ادبی» است که از سوی کامیار عابدی انجام پذیرفته و به وسیله کتاب نادر، در پاییز ۱۳۷۹ چاپ شده است. از پیش‌سخن کتاب برمی‌آید که عابدی، در این کتاب در پی بررسی محتوایی و صوری نوشته‌ها و کاوش‌های دهخدا، در سایه نگاهی تاریخی - ادبی است. خط سیر،



و نیز ترکیب مطالب نیز مؤید تلاش پژوهنده این تحقیق برای پی گیری هدف مورد نظر است. هر چند این کتاب نیز چون دو مجموعه پیشین، از موضوع فراتر رفته و بررسی همه جانبه ای را در زمینه وجوه گوناگون زندگی دهخدا و زمینه های پدیدآورنده آن انجام داده است. برای مثال، در بخش اول، به طور مبسوط به تحلیل انقلاب مشروطه و بنیادهای فرهنگی و تاریخی آن نشسته و به شاعران، نویسندگان، مترجمان، روزنامه ها و روزنامه نگاران صدر مشروطه پرداخته است. و یا بخشی را به مرور زندگانی سیاسی، اجتماعی و ادبی دهخدا، از ابتدا تا انتها اختصاص داده است. به نظر می آید به خاطر درآمیختگی حیطه های فعالیت دهخدا، این امر اجتناب پذیر است و تحلیل یکی از جنبه های زندگی یا افکار او بدون در نظر داشتن جنبه های دیگر زندگانی اش و بررسی تعامل اینها بر یکدیگر، اصولاً امکان پذیر نیست.

عابدی، برای دستیابی به موضوع تحقیق، جست و جو را از «انقلاب مشروطه و بنیادهای فرهنگی آن» آغاز می کند و به تفصیل در زمینه شکل گیری مشروطه و ادبیات برخاسته از آن سخن می گوید. سپس بحث را به روزنامه صوراسرافیل می کشاند و در بخشی مستقل، به صوراسرافیل تهران، صوراسرافیل اروپا، گردانندگان آن و نیز نقشی که در مشروطیت داشته، می پردازد. سپس طی چهار بخش، به صورت مستقل از زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهخدا، چرندپرند و نیز آرای سیاسی و اجتماعی او سخن می گوید و در انتها، پژوهشها و کوشش های ادبی دهخدا را به بررسی و تحلیل می گذارد و کتاب را با یادداشتها و مراجع، کتاب نامه و نمایه به پایان می برد. عابدی در این کتاب، قلمی روایی دارد که با شیوایی در نگارش همراه است. در پرداختن به زندگی و آثار دهخدا، محدودتر از بلقیس سلیمانی عمل می کند و می بیند و در تلاش است تا در چارچوب موضوع تعیین شده حرکت کند. از این رو، اگرچه عابدی، در این بررسی، به «اطناب ممل» نمی گراید، ولی «ایجاز ممل» را نیز جایز نمی شمارد.



هر جا لازم بود، به تفصیل سخن می گوید. چندان که با توجه به محور اصلی کتاب که صوراسرافیل است، به تفصیل در بخشهای مستقلی، به این روزنامه می پردازد. ولی در هر حال، سخن را شاخ و برگ نمی دهد و کمتر به حاشیه روی می پردازد و در مجموع، در پی گیری بررسی تاریخی و ادبی «صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا»، در این کتاب توفیق می یابد. اگرچه گاه به علت شتاب در تحلیل، به دامان کلی گویی می افتد و نظرات او خدشه پذیر می نماید. برای مثال در صفحه ۱۲۹ در بخش: «چرند پرند: یک نقد ممتاز» می نویسد: «در دوره رضاشاهی، طنزپردازی، به لحاظ وضعیت سیاسی و اجتماعی به کناری رفت. فکاهی نویسی صرف بود... اما پس از شهریور ۱۳۲۰، نویسندگانی چند در مطبوعات فارسی، نوع ادبی طنز را از پس دهخدا پی گرفتند. رضا گنجی، عباس توفیق، محمدعلی افراشته، ایرج پزشکزد، خسرو شاهانی، ابوالقاسم حالت، عمران صلاحی، کیومرث صابری فومنی و عده ای دیگر.» این نگاه شتابزده بر طنز مکتوب کشورمان در گستره زمانی گسترده ای، در یک اثر تحقیقی درست نیست، چرا که در آن بسادگی از نقش کسانی مثل «صادق هدایت» (نویسنده و غوغا ساهاب، ۱۳۱۳) یا میرزاده عشقی در عرصه طنز پیش از ۱۳۲۰ گذشته است و در نهایت، طیف متفاوت و گوناگونی از طنزنویسان پس از ۱۳۲۰ را در مقاطع مختلف زمانی یکجا گرد هم آورده که بعضاً تداوم خط «فکاهی نویسی صرف» بشمار می آیند. هر چند ممکن است در جای خود اثر آنها دارای ارزش و توجه باشد.

با وجود آن چه ذکر شد، کتاب صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا نمایانگر تسلط عابدی، در ارایه یک اثر تحقیقی با اشراف به موضوع و نحوه پرورش آن، ضمن توجه به ساختار ادبی اثر تحقیقی است. عابدی پیش از این کتابها و مقاله های متعددی در زمینه فرهنگ و ادب و شعر مشروطه و معاصر نوشته است و به مصالح کار اشناست. صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا، جلوه دیگری از این آشنایی و تسلط اوست.

صرف و نحو با تجدید نظر و اضافات

دکتر محمد خوانساری

انتشارات ناهید، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۹

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۳۸ هجری در چاپخانه اسلامی به چاپ رسید و در سال ۱۳۴۶ در چاپخانه دانشگاه تهران تجدید طبع شد، و از آن پس تا کنون با وجود گذشت چهل سال همچنان مورد استقبال و عنایت استادان زبان عربی و دانش آموزان و دانشجویان قرار دارد و آثار کهنگی و فرسودگی در آن مشهود است. این بدان سبب است که کتاب مطابق اصول و قوانین مسلم روانشناسی تدوین یافته و قواعد صرفی و نحوی بسیار ساده و صریح و خالی از ابهام در آن عنوان شده است.

چاپهای پیشین همه بصورت افست و تقریباً بدون تغییر بوده است. اما چاپ حاضر با تجدید نظر و اضافات و نکات جدید بصورتی مطلوب و با ظاهری آراسته و چشم نواز به عربی آموزان عرضه شده است.

از جمله نوآوریهای چاپ جدید، اختصاص یافتن عنوان مستقلی است به صیغه فعل به معنی مفعول، که معمولاً در غالب کتابهای قدیم و جدید صرف، چنین عنوانی وجود ندارد. مانند قتیل (به معنی مقتول)، و جریح (به معنی مجروح)، و ذمیم (به معنی مذموم) و دفین (به معنی مدفون) و ترجمیم (به معنی مرجوم یعنی سنگسار شده و لعن شده و رانده شده) و...

این گونه الفاظ را نمی توان صفت مشبیه دانست. زیرا چنانکه همه صرفیان تصریح کرده اند، صفت مشبیه از فعل لازم مشتق می شود و این صیغه ها همه از فعل متعدی گرفته شده است. و نیز نمی توان آنها را اسم مفعول دانست، زیرا بر وزن مفعول نیستند. به همین سبب وقتی اهل ادب به چنین الفاظی می رسند، در تعیین صیغه آن و معنی آن می گویند: فعلیل به معنی مفعول است. از این رو در این چاپ این گونه صیغه ها بعنوان نوعی خاص از مشتقات مطرح شده است. بقیه نکات را نیز باید در خود کتاب خواند و بهره گرفت.

کتاب با این که برای مبتدیان نوشته شده در مقاطع مختلف تحصیلی قابل استفاده است و البته اگر استادان بخواهند آن را در مقاطع تحصیلی بالاتر تدریس کنند کمبودها و کاستی های آن را بصورت حاشیه بر کتاب یا بصورت جزوهای که در تکمیل آن می پردازند برطرف خواهند ساخت و هر قاعده یا نکته یا تمرینی را که لازم بدانند خود بدان خواهند افزود.

همچنین طلاب مبتدی در حوزه های علمیه که به تحصیل جامع المقدمات و سیوطی می پردازند بخوبی می توانند از آن به عنوان کتاب آموزشی بهره مند شوند و در فهم برخی مشکلات متون درسی خود از آن استمداد جویند.

فقدان کتاب‌های تئوریک ادبی در عرصه فرهنگ و ادب امروز جامعه ما نقصی دیرینه و آشناست که بارها از آن سخن رفته است. این کاستی در حوزه شعر دو چندان می‌نمایند، چرا که به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی و بستگی کامل شعر به کلام و عناصر زبانی ترجمه متون نظری غیر ایرانی چندان مفید فایده نیست. این خلاء در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به دلیل نوپایی یا بی‌عنایتی چنان مضاعف است که انتشار یک جلد کتاب نظری را بی‌گمان باید «اتفاق» و «حادثه»‌ای در خور اعتنا ارزیابی کرد.

آقای منوچهر علیپور که در عرصه نقد ادبیات کودک و نوجوان اینک به نامی آشنا بدل شده است، کتابی راهی بازار نشر کرده به نام پژوهشی در شعر کودک که به دلایل فوق‌الذکر شایان توجه است. وی پیشتر کتابی به نام آشنایی با ادبیات کودکان و کتاب دیگری به نام در ترازوی آینه گون، (نقد اشعار پنج شاعر کودک) منتشر کرده بود که امسال مجدداً توسط ناشر دیگری (البته باز هم به نام چاپ اول) تجدید چاپ شد.

کتاب شامل شش بخش (و یک مقدمه طولانی از دکتر قدمعلی سرامی) است: تعاریف، موسیقی و انواع آن در شعر کودک، صور خیال و بنیاد آن در شعر کودک، نقش زبان در ساختار شعر کودک، گذری در قالب‌های شعر کودک، اشاره‌ای بر مهمترین ویژگی‌های شعر کودک. هر بخش شامل زیر بخش‌هایی است. برای مثال فصل موسیقی خود شامل ۱۶ زیر بخش چون قافیه، ردیف،

واج‌گرایی، جناس، موسیقی معنوی و مراعات نظیر است. وقتی سخن از کتابی درباره شعر کودک به میان می‌آید بی‌شک در ذهن‌ها کتاب محمود کیانوش در این باب نقش می‌بندد. شعر کودک در ایران که برای نخستین بار در آبان ماه سال ۱۳۵۲ از سوی انتشارات آگاه منتشر شد، و پیش از آن به صورت سلسله مقالاتی طی ده شماره در مجله رودکی در سال‌های ۵۱ و ۵۲ به چاپ رسیده بود، تا به امروز معتبرترین منبع درباره شعر کودک و به بیان دیگر منبع منحصر به فرد این حوزه بوده است. برای این که روشن شود این تأکید آمیخته با اغراق نیست شرح و توضیحی لازم است. نه تنها تاکنون کتاب مستقل و جداگانه‌ای درباره شعر کودک در ایران منتشر نشده است بلکه در سایر متون نظری هم کمتر بحث مفصل و دامنه‌داری در این باره می‌بینیم.

مثلاً در کتاب ادبیات کودکان نوشته دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد که نخست در سال ۱۳۴۰ در تبریز منتشر شد و تا به امروز نزدیک به ۲۰ چاپ از آن را با اصلاحات و اضافاتی در انتشارات سروش و اطلاعات شاهد بوده‌ایم و شناخته شده‌ترین و پرخواننده‌ترین کتاب درباره ادبیات کودک در ایران بوده و هست و سال‌ها در دانشگاه‌ها هم تدریس شده، کلمه‌ای (دقیقاً کلمه‌ای) درباره شعر کودک سخن نگفته و منظور آن از ادبیات کودک منحصر به داستان و نمایشنامه ... است.

کتاب گذری در ادبیات کودکان نوشته خانم‌ها آهی، میرهادی و دولت‌آبادی که چندی پس از کتاب کیانوش منتشر شد و از کتب معتبر و مرجع این حوزه به شمار می‌رود و تا زمان انقلاب دو بار هم تجدید چاپ شد تنها ۶ صفحه مطلب درباره شعر کودک داشت. مقالات ترجمه هم درباره شعر کودک وجود داشت که

البته به دلایل پیش گفته و بدیهی چندان جنبه عینی و عملی نمی‌یافت. (مثل مقاله آگینا بار تو از اتحاد جماهیر شوروی که در کتاب نکاتی درباره ادبیات کودکان چاپ دوم ۲۵۳۶ نقل شد).

تنها کتابی که با موضوع شعر کودک پیش از انقلاب انتشار یافت، شعر نوجوانان و کودکان در ده قرن (دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴) گردآوری آزاده مقدم بود که مجموعه اشعار گردآوری شده بدون هیچ پشتوانه علمی و تعریف منطقی و بدون انضمام کمترین بحث نظری درباره تعریف و ویژگی‌های شعر کودک بود. در کتاب نقد کتاب‌های ابتدایی و ادبیات کودکان تألیف گیتی فلاحی رستگار (مشهد، ۱۳۴۰) طی ۷ صفحه بر نقد یک کتاب ترجمه شعر به شعر پرداخته شد و دیگر بحثی از شعر کودک به میان نیامد.

در عرصه مطبوعات هم وضع بهتر از این نبود. مجموعه مقالاتی که درباره شعر کودک در سال‌های پیش از انقلاب منتشر شد از انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود. مقالاتی مثل «توصیه‌هایی چند به معلمان درباره شعر کودکان» نوشته حسن احمدی در گزارش شورای کتاب کودک (آذر ۵۱)، «نظری به شعر کودک در ایران» نوشته غلامرضا جورکش در مجله نگین مورخ شهریور ۵۴ و مقاله «شعر کودکان و نوجوانان» نوشته عباس یمنی شریف در گزارش شورا شهریور ۵۶.

جدا از بحث نظری، از نقد مصادیق هم خبری نبود. فرخ صادقی و دیگران در نشریات و کتابچه‌هایی به نقد کتاب‌ها پرداختند. اما ظاهراً چیزی به نام نقد شعر کودک در آن سال‌ها ضروری و دارای موضوعیت به نظر نمی‌رسیده است. مجموعه نقدهایی که بر شعرهای کودک صورت گرفت نیز به تعداد انگشتان یک دست

سیدعلی کاشفی خوانساری

و بالاخره... اما!

نمی‌رسد. نقدهایی مثل نقد شعر «آواز فرشتگان» یمنی شریف در مجله سخن (مهر ۱۳۲۵)، نقد «اتل مثل توتوله» جعفر تجارتی به قلم توران میرهادی در راهنمای کتاب خرداد ۴۱، نقد شعر «قند و عسل» آذریزدی به قلم محمدعلی جمالزاده در همان مجله مورخ شهریور ۴۶، نقد «خروس زری پیرهن پری» شاملو به قلم کرامت رعنا حسینی در همان مجله دی ۴۶ و نقد «آوای نوگلان» یمنی شریف به قلم صمد بهرنگی باز هم در راهنمای کتاب مورخ خرداد ۱۳۳۷* البته کیانوش مقالاتی به جز آنچه در کتابش آمده در این باره داشت مثل «کودکان و شعر» که در «مجمع بین‌المللی کارشناسان ادبیات کودکان» در سال ۱۳۵۴ در تهران ارائه شد و سپس در فصلنامه کانون هم به چاپ رسید.

به تعبیری می‌شود گفت که آنچه کیانوش درباره شعر کودک نوشت چه از نظر حجم و چه از نظر قوت تئوریک از آنچه که جمله دیگران در سال‌های پیش از انقلاب نوشته بودند فراتر بود و به این ترتیب سایه سنگین نام کیانوش بر سر شعر کودک و نوجوان افتاد. تا جایی که محافل دانشگاهی هم که معمولاً ادبیات کودک را به رسمیت نمی‌شناختند نتوانستند آن را نادیده بگیرند و دکتر عباس حزی در نامه انجمن کتابداران ایران به بررسی کتاب کیانوش پرداخت.

سال ۵۷ و سال‌های پس از آن با انبوهی از کتاب‌ها و جزوه‌های نقد ادبیات کودک روبه‌رو شدیم که با نگاهی سیاسی - انقلابی به سراغ این مقوله آمده بودند اما از نقد شعر خبری نبود. پس از آن هم اتفاقی نیفتاد. هیچ کتاب مستقلی درباره شعر کودک در میان حدود ۲۰ کتابی که درباره ادبیات کودک نوشته شد به چشم نمی‌خورد.

حتی کتاب «روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان» نوشته محمد صبری عملاً منحصر به داستان است. سایه سنگین کیانوش و قوت تئوریک او، این جسارت را از نویسندگان می‌ربود. البته کوشش‌های پراکنده‌ای شد مثلاً مصطفی رحماندوست در کتاب‌های ادبیات کودک که برای دانشگاه تربیت معلم نوشت فصلی را به شعر اختصاص داد و یا در کتاب بنفشه حجازی (که پایان‌نامه دانشگاهی اوست) بیش از دیگران مطلب درباره شعر درج شد، همچنین پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان دو شماره از خود را به این مقوله اختصاص می‌داد. افرادی چون جعفر ابراهیمی شاهد (با مقالاتی به نام «وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند» در گلبانگ و قلمرو و مقالاتی در آیش، کیهان بچه‌ها و...) و اسدالله شعبانی در این باره مقالات و نقدهایی نوشتند، اما از کتاب مستقلی در این باره خبری نشد. رحماندوست سال‌ها وعده داده بود که مشغول نگارش «چارچوب شعر کودک» است. جعفر ابراهیمی و اسدالله شعبانی هم خبر از کتاب‌های مشابه دادند اما هنوز پس از ۲۷ سال کتاب کیانوش یگانه کتاب به زبان فارسی درباره شعر کودک بود.

با این تفصیلات ارزش کتاب آقای علیپور بیشتر آشکار می‌شود. به گمان من اینکه علیپور در کتاب خود، چه نوشته و این نوشته‌ها تا چه حد از تازگی و صلابت برخوردار است در درجه دوم اهمیت است. اتفاق مهم این است که نویسنده و منتقد جوانی سکوت ۲۷ ساله را شکسته و این جسارت را به خود داده که کتابی بنویسد که با کتاب کیانوش مورد مقایسه قرار بگیرد. جسارتی که در بزرگان و زعمای ادبیات کودک زمانه خود (از هر گروه و گرایش) سراغ نداشتیم. زمانه ما زمانه منتقدان و استادان بدون نوشته است؟! بزرگان ادبیات کودک به این

نتیجه رسیده‌اند که نیازی به نوشتن نقد و آثار تئوریک ندارند. چرا سواد علمی خود را در معرض قضاوت دیگران بگذارند؟ چرا با نوشته‌های خود نویسندگان، ناشران یا مسؤولان را برتجانند و دشمن تراشی کنند؟ برای استاد و پیشکسوت بودن همان حضور در هیأت‌های علمی، هیأت‌های داوری و مجامع دانشگاهی کافی است. مگر حتماً باید کتاب و مقاله و نقد نوشت؟

ارزش کار علیپور همین است که گفته شد و این ستودنی است. اما جدا از آن باید دید علیپور چه نوشته است؟ آیا کتاب او، اثری جامع‌تر، روزآمدتر و علمی‌تر از کتاب کیانوش است؟ آیا صرفاً تقلیدی از کار اوست؟ بررسی کتاب علیپور و مقایسه آن با کتاب کیانوش به نتایجی می‌انجامد که از آن جمله‌اند:

۱. کتاب کیانوش، اثری جوششی، شخصی و مستقل است. کتابی که هنرمندی پیشرو و پرشور با اجتهاد شخصی خویش تحریر کرده و در آن به هیچ کتاب تئوری جدید و یا قدیم استدلال نشده و نقل قول نگردیده است. او خود اذعان دارد که «این اصول را به مرور و تجربه دریافته است» او جسورانه خواسته با «قبول شهادت آغازگری در راهی نیپیموده» راه‌گشای دیگران باشد. او اصلاً برای نظر دیگران اهمیتی قائل نبوده. دکتر شفیعی کدکنی در خاطره‌ای راجع به کیانوش که در روزنامه همشهری مورخ بیستم مهر ماه سال ۷۹ درج شده، می‌نویسد: «عیب بزرگش این بود که نظر انتقادی هیچ کس را قبول نداشت».

اما کتاب علیپور همان طور که در عنوان آن ادعا شده اثری پژوهشی است و همان‌گونه که از یک پژوهشگر انتظار می‌رود به بررسی پیشینه پژوهش پرداخته و متن او لبریز از نقل قول‌ها و استنادهایی به

پژوهشی در شعر کودک

منوچهر علی‌پور
با مقدمه‌ی دکتر محمدعلی سزایی

پژوهشی در شعر کودک

منوچهر علی‌پور

انتشارات تیرگان، چاپ اول، ۱۳۷۹

متون دیگر است.

این تفاوت هم برای کتاب علیپور با حسن همراه بوده و هم عیب. امروزه از یک متن تئوریک انتظار می‌رود متنی علمی و پژوهشی باشد نه یک بیانیۀ تندروانۀ شخصی. این حسن کار علیپور نسبت به کیانوش است. اما عیب، علیپور در میان حجم انبوه نقل قول‌هایش گم شده و اثری از نظریه و اجتهاد شخصی او کمتر مشاهده می‌شود. کار او به پایان نامۀ دانشجویی می‌ماند که توانسته اطلاعات خوبی را گردآوری و نقل کند اما در آن از آن «آن»، اصالت، پختگی و نظریه شخصی که باید پیونددهنده مطالعات و اطلاعات گردآوری شده باشد کمتر اثری هست.

۲. گفتیم که تراکم اطلاعات جستجو شده در کار علیپور زیاد است. با این همه جستجوهای او کامل نبوده و ظاهراً به منابع معدودی منحصر بوده است. در میان استنادات و نقل قول‌های کتاب به کمتر اثری از آثار جدیدتر درباره شعر کودک برمی‌خوریم.

در میان منابع او از نشریات پویش، پویه، قلمرو و پژوهشنامه هرکدام تنها یک شماره به چشم می‌خورد. او حتی شماره ۳ پژوهشنامه را که درباره شعر کودک است و یا مقالات پیوسته ابراهیمی را در گلبانگ و یا دهها مقاله پراکنده‌ای که درباره شعر کودک طی این سال‌ها در مجلات مختلف چاپ شده ندیده هرچند که با جستجو در مجلات نمایه و یا فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات و یا فهرست مقالات فارسی ایرج افشار و... قابل دسترسی بود. به عبارتی کار او بر پژوهش و بررسی منابع نظری پیشینی استوار است، اما دستمایۀ او برای این اتکا کامل و کافی نیست.

۳. کتاب علیپور ۲۷ سال پس از کتاب کیانوش نوشته شده است و می‌دانیم که در این سال‌ها چه تئوری‌های ادبی که سر بر نیاوردند و چه مکاتبی که ظهور و سقوطشان را شاهد نبودیم. در این سال‌ها از نظریه‌های ادبی و نقادانه غرب بسیار ترجمه شد و بسیار آموختیم آنچه را که پیش از آن نمی‌دانستیم. با این حال اثری از این گذشت زمان در مقایسه دو کتاب آشکار نمی‌شود.

دعاوی، ادبیات، دغدغه‌ها و مباحث علیپور به شدت قدیمی است و رنگ و بوی سنتی و حتی کهنگی دارد. کتاب او را که می‌خوانیم ناچار به یاد «المعجم فی معاییر اشعار عجم» و «معیار الاشعار» و سایر کتب سنتی عروض و قافیه و بدیع می‌افتیم. پیشروترین و جدیدترین الگوی او «صور خیال در شعر فارسی» است. در کتاب او از دغدغه‌هایی که منتقدان شعر در زمانه ما دارند اثری نیست. خواه مباحث رایج در شعر به مفهوم کلی و خواه شعر کودک. نه بحثی از تأویل است نه از محور عمودی و افقی میان متن و فرامتن، ساختار و بافتار، اقتصاد خوانش شعر، دلالت آشکار و ضمنی، شیوه نگارش و تقطیع شعر، آشنایی‌زدایی و ساختار شکنی، اصوات و زبان، شعر کوچه و گفتار و منثور و حجم و پلاستیک و نسل پنجم و... .

در کتاب او از دغدغه‌های منتقدان شعر کودک مثل نام شعر، آغاز شعر، تازگی، احساس، تخیل، عاطفه، دایره واژگان، واژه‌سازی و ترکیب‌سازی، ذهن‌گرایی، ساختار کودکانه زبان، طرد ذهنیات بزرگسالانه، جان بخشی، خودمیان‌بینی، ترکیب عینیت و ذهنیت، شخص درون اجتماع و اجتماع درون شخص، تصویر و... اثری نیست.

در میان واژگان نقد سنتی هم بیشتر به معیارهای فنی و لغوی بها داده شده و کمتر اثری از مباحث معنایی چون ضخامت کلام، مفاخره، فخامت، طبیعت کلام، توسع واژگان، جوهره شعری و... مشاهده می‌شود. این قدیمی بودن در زبان و لحن کتاب هم مشاهده می‌شود. زبان کتاب زبان پرمطراق رایج در دانشکده‌های

ادبیات فارسی است و نوشته‌های ادبا و ادب‌پژوهان نسل پیش را به یاد می‌آورد.

۴. کیانوش در کتابش هر جا که مثالی از شعر کودک نیاز داشته عمدتاً از یمینی شریف، دولت آبادی و خودش مثال آورده است. علیپور هم پس از ۲۷ سال کتابی در آن حوزه نوشته و عجباً که باز هم عمده مثال‌های او از ایشان است. گویی در این سال‌ها شاعر دیگری به میدان نیامده که بتوان در ایضاح بحث، نمونه‌ای از شعر او را به عنوان نمونه‌ای خوب یا بد نقل کرد. انگار پس از کیانوش، نه مصطفی رحماندوستی در این کشور داشته‌ایم و نه نیکخواه، ابراهیمی (شاهد)، شعبانی، ملکی، قاسم‌نیا، نیری، امین‌پور، شعبان‌نژاد، علاء، هنرجو، کشاورز، ماهوتی، حمزه‌ای، مهرپرور، پوروهاب، مزینانی، نصرتی، نیک‌طلب و...

شاید هم مؤلف به سیاق سلیقه دانشکده‌های ادبیات هر نوع تازه‌ای را کم ارزش می‌داند و ارزش و اهمیت را در کار قدما منحصر می‌بیند. برای همین چون از یمینی شریف و... قدیمی‌تر نیافته مدام به تمجید آنها می‌پردازد و از اشعار متأخر جز در ضرورت و به اندک یاد نمی‌کند.

پانوش:

«اطلاعات مقاله‌شناختی مندرج در این مقاله را از طرح در حال تدوین «فهرستگان ادبیات کودک و نوجوان» که توسط حقیر و همکارانم در دست تهیه است نقل کرده‌ام.





به سمتی ترفته‌اند که با کنش مشخص خود و رفتاری فردی هویت بیابند و هستی خود را به نمایش بگذارند. نیز حسرت زده‌اند و هنوز دل به خاطراتشان خوش دارند. آنها یا در جست و جوی گذشته‌اند یا در تلاش برای گریز از آن. چیزی که یک بار دیگر، صداقت فرجی را به رخ می‌کشد.

روایت

تمامی اینها به شکلی طبیعی و منطقی در نحوه داستان‌گویی و روایت نویسنده بروز می‌یابند و در نهایت سبب می‌شوند که داستان‌های او، گاه به بیان دلمشغولی‌های خاطره وار نزدیک شوند. البته آن جا که داستان، خود واجد ویژگی ذهنی ذاتی و هماهنگ با سوزهاست، کار، ترکیب‌بندی خوبی یافته و داستان نجات یافته است (نظیر آن چه که در داستان «کجایی؟» اتفاق می‌افتد)، اما در باقی موارد، فقر «مواجهه» آزاردهنده است.

در داستان‌های فرجی، شخصیت‌ها با یکدیگر و نیز با مکان اتفاق داستان، تعاملی ندارند. آنها هر یک سرگرم کار خودند و ساخته‌شدنشان تنها از طریق مستقیم‌گویی‌های نویسنده اتفاق می‌افتد. مکان‌ها، عموماً به شکل مستقیم و البته شاعرانه، تصویر می‌شوند، نه از طریق مواجهه میان شخصیت‌ها با آنها. آدم‌ها نیز درگیر گذشته‌شان هستند و شکل‌گیری‌شان به شدت ذهنی و انتزاعی اتفاق می‌افتد. چیزی که کارهای نویسنده را شخصی و به شدت درونی جلوه می‌دهد.

به این ترتیب، ما در داستان‌های فرجی با فضاها و آدم‌های منفردی رو به روییم که با یکدیگر کاری ندارند و تنها به اراده داستان‌نویس کنار هم قرار گرفته‌اند. حاصل چنین موقعیتی نیز این است که نیروی پیش‌برنده داستان، کنش داستانی نیست، بلکه روایت حسی و توصیفی داستان‌نویس، تمام بار داستانی اثر را به دوش می‌کشد. شاید به همین دلیل است که در داستان‌های «یازده دعای بی‌استجابت» کسی با کسی حرف نمی‌زند و در کل این مجموعه، به ندرت به دیالوگ برمی‌خوریم. و نیز شاید به همین دلیل است که آدم‌های داستان‌های او به ندرت بر اطراف خود اثری می‌گذارند و به آنها توجهی می‌کنند. ما نیازی به اینها نداریم، فرجی هر جا که لازم باشد، مستقیم و البته شاعرانه، آنها را برای مان تعریف می‌کند!

گرفته است و از این نظر، اگر چه راه‌های گوناگونی را تجربه می‌کند، اما همواره به یک مقصد می‌رسد: سادگی مانتالیسم.

سادگی مانتالیسم (حس‌گرایی)

«محسن فرجی» پیش از آن که داستان‌نویس باشد، شاعر است. بنابراین پیش از آن که بکاود، حس می‌کند. عشق، مرگ، تنهایی و حسرت - تم‌های اصلی داستان‌های او - همگی به شکلی حسی و شخصی روایت می‌شوند و ما آنها را در کنش و واکنش شخصیت‌ها یا ایجاد موقعیت‌های گوناگون در نمی‌یابیم، بلکه به شکلی مستقیم و حتی در سطح زبان درک می‌کنیم. فرجی تمام تلاش خود را می‌کند که در خواننده، حسی را برانگیزد و خود نیز از دنیای پیرامون، همین را انتخاب کرده است. حسی که اندوه در آن موج می‌زند و حسرت نداشتن یا از دست دادن چیزهایی که داشته‌ایم و واجد ارزش عاطفی بالایی بوده‌اند.

«می‌دیدید است که ایستگاه خلوت شده و می‌رفته به سقاخانه ابن بابویه، شمع روشن کند، و دیوارها قدیمی و تیره و بلند بوده‌اند، آجری. حالا دلش گرفته بوده و هوای غبار گرفته به بنفش و سیاه می‌زده؛ مثل این که ته رودخانه‌ای لای خزه‌ها ایستاده باشد و نگاهش بیفتد به آسمان.» (ص ۱، داستان «کجایی؟») استفاده از فعل‌های ماضی بعید و تعلق، جملات بلند و به کارگیری عناصری نظیر خزه، علف، کاج، آواز، شمع‌دانی و... در داستان‌های دیگر این مجموعه نیز تکرار می‌شود:

«مار. برگ شمع‌دانی. شمشیرهای قدیمی و زنگ‌زده. درخت‌های کج و معوج. عقیق. چشم ماهی. انگشتانه. کاشی مسجد‌ها. چروک‌های صورت مادرم که کامران لعنتی نیافریده بودش. پیرگنجشک‌ها. کوسه. قاب عکس‌ها. نیلوفر. گیوه. کاج. صندلی‌های خاک گرفته. داربست تاک.» (ص ۱۸، داستان «پری سا، کامران و اصلا»)

به نظر می‌رسد که نویسنده در تکه فوق، تمامی اشیا و عناصر مورد علاقه خود را جمع کرده است. اشیا یا همگی متعلق به گذشته‌اند و از آنها حالا تنها خاطره‌ای برجا مانده است و حسرتی. برای او، دنیای داستان، دنیای شاعری تبعیدی است و داستان‌هایش، همگی در گذشته سیر می‌کنند.

آدم‌های فرجی - اگر این آدم‌ها یا شخصیت‌ها را بتوان شخصیت‌های داستانی نامید، چرا که هیچکدام

«یازده دعای بی‌استجابت» نام پرازنده و البته زیبایی است. نه فقط از آن روی که شاعر مسلکی و عاطفه اشک‌آور «فرجی» در آن نیز به خوبی جلب توجه می‌کند، بلکه بیش‌تر از این لحاظ که هر یازده داستان این مجموعه ۵۷ صفحه‌ای، غم‌انگیز، تلخ و به شکل شاعرانه‌ای نوستالژیکند. این ویژگی در نگاه اول، به دو بعد اساسی کتاب اشاره‌ای مستقیم دارد: صداقت و سادگی مانتالیسم.

صداقت

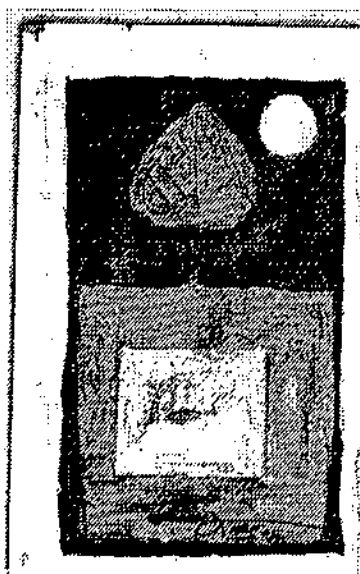
«یازده دعای بی‌استجابت»، یازده داستان با ساختار متفاوت دارد. این تنوع، نشان دهنده تلاش فرجی برای تجربه گری است. و در نورددیدن راه‌های گوناگونی که از پنج سال نوشتن جدی آموخته است. او با استفاده از تکنیک‌های متفاوت، راه‌های متفاوتی را برای نوشتن پیموده است، به گونه‌ای که هر یک از داستان‌هایش، از لحاظ شکل با دیگری فرق می‌کند. یا این حال در تمام این فرم‌ها، یک حال و هوا غالب است و در واقع، در هیچ یک از آنها، ردپای داستان‌نویسان دیگر دیده نمی‌شود.

به این ترتیب، ما در این مجموعه با داستان‌نویس تجربه‌گری رو به روییم که قصد تقلید از کسی را ندارد و سعی دارد خودش باشد، ولی گویی هنوز خود را نیز نیافته است. در واقع، اگرچه فرجی خودبستگی و صداقت قابل تحسینی در نگارش به خرج داده است، اما در پیاده کردن آن چه که حس می‌کند، گاه چنان به بیراهه می‌رود که تنها یک تجربه ناموفق نوشتاری از خود به جای می‌گذارد. داستان «پری سا، رامون و سه نقطه» حاصل چنین فرایندی است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد که نویسنده در بیان صادقانه احساسات و عواطف خود، راه افراط را در پیش

یازده دعای بی‌استجابت

محسن فرجی



شاعری که به دنیای داستان تبعید شده است

کامران محمدی

یازده دعای بی‌استجابت

محسن فرجی

انتشارات ماریه، چاپ اول، ۱۳۷۹

در شرایطی که شعر معاصر ما در جهان مجال چندان برای عرضه ندارد، یکی از بایسته‌ترین کارها آن است که به نمونه‌های موفق شعر دنیا توجه کنیم، خود را با ذوق جهانی محک بزنیم و نکته‌هایی که برای جهانی شدن شعر لازم است، استخراج کنیم. در شعر امروز دنیا افراد بسیاری در زمینه شعر کارهایی قابل عرضه و ارزشمند دارند و در این بین خانم ویسواوا شیمبورسکا موقعیتی قابل توجه دارد.

ویسواوا شیمبورسکا (Wisława Szymborska) در دوم جولای ۱۹۲۳ در شهرک کورنیک در استان پوزنان در غرب لهستان متولد شد. «ویسواوا» نوجوان به خاطر هجوم آلمان نازی به مراکز فرهنگی لهستان، ناچار شد همچون دیگر نوجوانان لهستانی در دوره‌های درسی‌ای که مخفیانه و دور از چشم دشمن تشکیل می‌شد، شرکت کند. پس از گذراندن دوره‌های زیرزمینی در شرایطی بسیار سخت، موفق به دریافت دیپلم شد و به عنوان کارمند ساده به استخدام راه‌آهن درآمد. پس از جنگ بین سالهای ۴۸-۱۹۴۵ در دانشگاه یا گلونین کراکوف، همزمان در رشته زبان و ادبیات لهستانی و جامعه‌شناسی به تحصیل پرداخت. نخستین شعرش در ۱۹۴۵ وقتی ۲۲ ساله بود در یکی از نشریات لهستانی چاپ شد و اولین مجموعه شعرش را (برای این است که زنده‌ایم) در سال ۱۹۵۲ به چاپ رساند. ویسواوا شیمبورسکا در سال ۱۹۵۳ به عضویت هیأت تحریریه هفته نامه ادبی - فرهنگی زندگی ادبی درآمد و تا سال ۱۹۸۱ با آن هفته نامه همکاری می‌کرد. اشعار شیمبورسکا به ۳۶ زبان ترجمه شده است^۱ و در سال ۱۹۹۶ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. همچنین در سال ۱۹۹۱ برنده جایزه گوته و در سال ۱۹۹۵ برنده جایزه هردر و در سال ۱۹۹۵ دکترای افتخاری ادبیات از دانشگاه پوزنان دریافت کرد.

مترجم در مقدمه آثار زیر را برای شاعر ذکر می‌کند:

- برای این است که زنده‌ایم ۱۹۵۲

- سؤالاتی مطرح در خوش ۱۹۵۴

- ندایی به ۱۹۵۷ peti

- نمک ۱۹۶۲

- طفلک بازیگوش ۱۹۶۷

- به هر حال ۱۹۷۲

- عدد عظیم ۱۹۷۶

- آدمها روی پل ۱۹۸۸

- و پایان و آغاز ۱۹۹۲

اما در سایت اینترنتی Nobelprize برای شیمبورسکا آثار دیگری هم ذکر شده است از جمله: ۴ مجموعه شعر، کتابهای پایان شوخی نیست و تازریوس و اشعار دیگر.

اشعار شیمبورسکا با توجه به دوران طولانی شاعری بسیار کم است و البته می‌توان حق به شاعر داد، زیرا اشعار عمیق از این دست مجال بسیاری برای اندیشیدن و مطالعه می‌خواهد. شعرهای شیمبورسکا از مدتها پیش در سراسر جهان مخاطب خود را یافته است. زیرکی و طنز فلسفی نهفته در پس اشعار، در همه فرهنگها قابل درک و فهم است و این نکته بیشتر از همه شعر او را جهانی می‌کند.

آنگونه که از ترجمه برمی‌آید، شاعر چندان در پی صنایع شعری و زیباسازی شاعرانه و حتی ابهام در شعر نیست، به ساختار و نمادهای بسیار پیچیده هم توجه چندان ندارد. فلسفه حیات را به سادگی نقل می‌کند و از بیهوده‌گویی پرهیز دارد. نگاه زیرکانه این شاعر در پس قراردادهای اجتماعی طنزهای شیرین می‌یابد که یأس و تلخی طنزهای معمول مردانه را ندارد. همه چیز را می‌توان وارونه دید و از سویی دیگر به آن نگریست. این نگرش وارونه گاه از آنچه که به طور مستقیم می‌توان دید، زیاتر و سرگرم‌کننده‌تر است.

ویسواوا در سخنرانی خود هنگام دریافت جایزه نوبل تقسیم‌بندی زیرکانه‌ای از شهود شاعرانه ارائه می‌کند. او شهود را مختص شاعران نمی‌داند بلکه از آن همه افراد می‌داند. «هر کسی که مدام آماده دیدن فراخوان‌های تازمادی در کارش باشد، دارای شهود شاعرانه است.» بنابراین شعر تنها کار شاعران و ادیبان نیست همه می‌توانند شاعر باشند و چه بسا بسیاری از ادیبان شاعر نباشند. تلقی خاص شیمبورسکا را از شعر و شاعری می‌توان در این ادعایش دید:

«خنده‌دار بودن شعر گفتن را

به خنده‌دار بودن شعر گفتن ترجیح می‌دهم» (ص ۴۷) و این خنده‌دار بودن را خوش‌بینی به شدت زنانه‌ای پوشانده است که در زندگی، بدی و زشتی چندان

نمی‌بیند. تردید در همه چیز می‌تواند در سادگی و خنده‌دار شدن زندگی به ما کمک کند.

دو نفری که عاشق همدیگر شده‌اند معتقدند که «حسی ناگهانی آنها را به هم پیوند داده» است، اما آیا واقعاً اینگونه است؟ اگر از جهتی دیگر بنگریم ممکن است اینگونه نباشد. خیابانها، پله‌ها و راهروها می‌گویند که آنها از سالها پیش از کنار یکدیگر گذشته‌اند، به اشتباه در تلفن با یکدیگر هم کلام شده‌اند. شاید برگ درختی در خیابان از شانه یکی به شانه دیگری پرواز کرده باشد. شاید دستگیره یا زنگ دری را یکی پس از آن دیگری لمس کرده است. یا شاید چمدانهایشان در انباری کنار هم قرار گرفته باشد. شاید هر دو در شبی یک خواب را دیده باشند، پس چندان حس ناگهانی نبوده است.

بنابراین:

«بالاخره هر آغازی

فقط ادامه‌ای است

و کتاب حوادث همیشه از نیمه آن باز می‌شود.» (ص ۲۷) تقدیر حاکم بزرگی است که در تلقی ویسواوا بر زندگی ما احاطه دارد، بر سر راه انسانها قرار دارد.

«جلو راهشان را می‌گرفت

و خنده شیطانی‌اش را فرو می‌خورد و

کنار می‌جهید.» (ص ۲۶)

همه ما که زنده‌ایم می‌توانستیم نباشیم. می‌توانستیم به راحتی از بین برویم. اگر حوادث کاملاً ساده‌ای که به طور اتفاقی روی داده است، روی نمی‌داد. شاید اگر در جایی به چپ نیچیده بودیم یا به راست نرفته بودیم یا باران نمی‌آمد یا هوا آفتابی نبود، زندگی ما تغییر می‌یافت.

پاره‌ای دیگر از اشعار شیمبورسکا بدینی به علم بشر و خود مرکز بینی بشر است. چه کسی گفته است که مرکز و ملاک همه چیز انسان است. یک دانه شن از نظر ما یک دانه شن است، ولی آیا نظر خودش هم همین است:

«اسمش را دانه شن می‌گذاریم

اما او خود را نه دانه می‌داند و نه شن

بدون اسم زنده است

چه اسم عام، چه اسم خاص

چه گذرا، چه ثابت

چه اشتباه، چه درست.» (ص ۳۸)

حمید عبدالمجید

پل‌ها و آدمهایش

افتادن دانه‌شن از نظر ما افتادن است، آیا از نظر خود شن هم افتادن است. ما خود را محور همه چیز می‌دانیم ولی یک ثانیه می‌گذرد

دو ثانیه

سه ثانیه

اما این سه ثانیه تنها برای ما می‌گذرد

«ستاره جدیدی را کشف کرده‌اند

و این بدین معنا نیست که دور و بر ما روشن تر شده و چیزی اضافه شده که تا به حال نبوده باشد.» (ص ۷۸) و اینگونه است که بسیاری از کشفیات جدید علمی مطلب قابل توجهی نیستند و در حیات بشر تأثیر چندانی ندارند.

از مضامین دیگری که مورد توجه شیمبورسکا است، زندگی مدرن و عوارض آن است. مسیری که زندگی بشر پیموده است، ناخودآگاه به دوران مدرن رسیده است. دوران مدرن با همه خوبیها و راحتی‌هایش خوشبختی را برای انسان به ارمغان نیاورده است. ما در جهاتی خوشبختیم؛ اما در جهاتی دیگر گرفتار مسائل و مشکلات بسیاری هستیم. شاعر در انتهای قرن بیستم می‌سراید:

«قرار بود قرن بیستم ما بهتر از قبل باشد

دیگر فرصت نمی‌کند این را ثابت کند

سالهای اندکی از آن مانده

سالانه، سالانه پیش می‌رود

نفسش به شماره افتاده.» (ص ۸۷)

در قرن بیستم قرار بوده است که بسیاری از بدیه‌ها از بین بروند ولی حال که در انتهای آن ایستاده‌ایم، می‌بینیم به بسیاری از آنچه می‌خواسته‌ایم نرسیده‌ایم. «قرار بود ترس، کوهها و دره‌ها را خالی کند

قرار بود حقیقت زودتر از دروغ

به مقصد برسد

قرار بود دیگر بدبختی‌هایی

مثل جنگ و گرسنگی و غیره

پیش نیاید.» (ص ۸۸)

هنوز هم بشر با همه ادعاها و همه پیشرفته‌ها،

عقب‌ماندگی‌ها و نقص‌هایی دارد. هنوز نفرت وجود

دارد

«بینید هنوز هم چابک است.

چقدر خوب مانده

نفرت در سده‌ی ما.» (ص ۶۲)

و در زمانه حاضر همه چیز سیاست زده است. حتی

«پوستت ته رنگ سیاهی دارد و

همه امور روزانه، امور شبانه

چه مال تو باشد، چه مال ما یا شما

امور سیاسی‌اند.» (ص ۳۳)

هنوز هم شکنجه وجود دارد و هنوز هم جسم در برابر

شکنجه ناتوان است.

«چیزی تغییر نکرد

جسم دردپذیر است

باید بخورد، نفس بکشد، بخوابد

پوست نازکی دارد و زیر آن خون

تعداد زیادی دندان و خون دارد.

استخوانهایش شکستی و مفصل‌ها جداشدنی

همه اینها را هنگام شکنجه در نظر می‌گیرند.» (ص ۸۱)

با وجود پیشرفته‌های بسیار مسأله اخلاق و

بحران‌های اخلاقی انسان معاصر حل نشده است.

«دوست، دوست را از راد به در می‌کند

و دختر بچه‌های حرامزاده پدر را منحرف می‌کنند

برادری خواهر کوچکترش را وادار به فحشا می‌کند.»

(ص ۱۰۴)

و انسان هنوز به قرص مسکن نیاز دارد تا ضعف‌ها و

ناتوانی‌هایش را فراموش کند:

«من قرص مسکنم

در خانه عمل می‌کنم

در اداره تأثیرم پیدا است

سر جلسه‌ی امتحان می‌نشینم

در محاکمه حاضر می‌شوم.

با دقت تکه‌های لیوان شکسته را به هم می‌چسبانم

فقط مرا بخور

زیر زبان حالم کن

فقط قورتم بده

و رویش آب بخور.» (ص ۱۰۹)

از دیدگاه‌های جالب خانم شیمبورسکا نظرش

درباره شعر است. درباره کار اصلی خود هم به طنز

می‌نگرد. چند شعر از او درباره شاعری است. با واقع‌بینی

می‌گوید: شعر را عده‌ای معدود دوست دارند.

«بعضی‌ها

یعنی نه همه

حتی نه اکثریت همه، بلکه اقلیت

اگر مدرسه‌ها را به حساب نیاوری

که در آنجا شعر اجباری است

و خود شاعران را

شاید از میان هزار نفر، دو نفر پیدا شود.» (ص ۴۱)

و نموده‌ای دیگر از شعر هم خنده‌دار است. شب شعر،

مخاطبان اندکی دارد و آنها هم چندان علاقه‌ای به شعر

ندارند.

«ای الهه شعر، داد و فریادهای تماشاچیان را از ما دریغ

کرده‌ای

اگر کسی بوکسور نباشد، انگار که اصلاً وجود ندارد.

دوازده نفر آمده‌اند

دیگر وقت آن رسیده که آغاز کنیم

نیمی از آنها آمده‌اند، چون باران می‌آید

بقیه، قوم و خویشان، ای الهه شعر.» (ص ۶۶)

و حتی رفتار شاعر هم به طنز نگریسته می‌شود:

«اما آنجا روی سکو میز کوچک دیگر کمین کرده

مثل میز احضار ارواح با پایه‌های زرانود

و روی آن میز شمع‌دانی دود می‌کند

در نتیجه

باید در پرتو شمع بخوانم

چیزی را که در نور لامپ معمولی

با تق تق ماشین تحریر نوشته بودم.» (ص ۷-۷۶)

مجموعه زیبایی شعرهای خانم ویسواوا شیمبورسکا

با مقدمه‌ای سنجیده و دقیق از مترجم همراه است که

فلسفه و جهان‌بینی اندیشه شاعر را به زیبایی توصیف

و تشریح می‌کند.

پانویس:

۱- ویسواوا شیمبورسکا. آدم‌ها روی پل، ترجمه مارک

اسموژنسکی، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷. ص ۱۰.

آدم‌ها روی پل



شعرهایی از
ویسواوا شیمبورسکا
برنده ی جایزه ی نوبل ادبی ۱۹۹۶

آدم‌ها روی پل

ویسواوا شیمبورسکا

مترجم: مارک اسموژنسکی

نشر مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷

ترجمه: مارک اسموژنسکی
شهرام شیدا/چوکا چکاد

تزوتان تودوروف، یکی از معتبرترین نظریه پردازان نقد ادبی است که در قلمرو ساختارگرایی و سپس نشانه‌شناسی به تفکر و نقد پرداخته است. او زاده بلغارستان و پرورده فرانسه است. تماس‌های او با ژرار ژنت و رولان بارت در وی تأثیر فراوانی داشت و به هر تقدیر او را به سوی نظریات ادبی بر مبنای زیان‌شناسی سوق داد. پس از اینها، آثار گرماس و باختین وی را با الگوهای گسترده‌ای در ارتباط ساختار با معنا آشنا کرد. وی علاوه بر نقد و نظریات ادبی، به مسایل فلسفی و نیز سیاسی و اجتماعی تمایل نشان می‌دهد و تعدادی از آثارش در این زمینه نوشته شده‌اند؛ از جمله آثار او می‌توان از فتح آمریکا، ما و دیگران، خوش بختی کم مایه، رودروی نه‌بخت، ادبیات، ادبیات و دلالت، کمونیکاسیون، مفهوم ادبیات، نقد و نقد و... نام برد. کتاب حاضر، در اصل یکی از پنج فصل کتاب ساختارگرایی چیست؟ از تودوروف است که در سال ۱۹۶۸ چاپ شده بود. این فصل از کتاب مذکور بعدها در سال ۱۹۷۳ به صورت مستقل به چاپ رسید و در واقع به عنوان قسمت دوم از یک مجموعه پنج قسمتی شمرده شده و به نام «ساختارگرایی چیست؟ ۲- پوئیتیک» منتشر گردید. تودوروف این چاپ را با تجدید نظرهای کلی و دگرگونیهای زیادی نوشته که نشانه دگرگونی و تحول دید و نگرش وی در طول این سالهاست. او در حقیقت در روند مطالعاتی خود، شناختی عمیق‌تر نسبت به ساختارگرایی یافته و ارائه کرده است. این کتاب تحلیل جامع و فشرده‌ای است از نظریه ساختارگرایی؛ به این مفهوم که ساختارگرایی در عین حال که یک نگرش توصیفی است و به توصیف و تشریح ساختمان اثر می‌پردازد، اما در همین حد متوقف نمی‌ماند؛ هر چند که در آغاز چنین بوده است. در واقع ساختارگرایی عبارت است از سیر از ساختار به معنا؛ و از همینجاست که کم کم مؤلف رو به مرگ می‌رود تا بعدها تنوری مرگ مؤلف پدید آید.

مترجم واژه بوطیقا را به جای پوئیتیک به کار برده است. پوئیتیک در اصطلاح، معنای همان «نظریه ادبی»

است. واژه بوطیقا معرب همان کلمه است که مترجمان ایرانی و عرب، در ترجمه آثار ارسطو به کار برده بودند و به دلیل این که معادل ایرانی و عربی نداشته، عیناً وارد زبان فارسی و عربی شده است. لذا مترجم به دلیل تداعی سنتهای کهن تر نقد و نظریه پردازی، ترجیح داده است که به جای معادل «نظریه ادبی» از «بوطیقا» سود ببرد. مترجم دلیل آن را در مقدمه چنین بیان می‌دارد: «بوطیقا همچون پوئیتیک زنگ کهن سنت را با خود دارد و در نتیجه می‌تواند به درستی این معنا را القا کند که نظریه پردازی در ادبیات پدیده‌ای خلق الساعه و مدرن نیست.» (ص ۱۲) گویی خود تودوروف نیز دقیقاً به همین دلیل یا دلایل مشابه کلمه پوئیتیک را به کار برده است. خود تودوروف در فصل اول به نام «تعریف بوطیقا» می‌نویسد: «بوطیقا قرینگی‌ای از این دست را میان تأویل و علم از میان برده است. بوطیقا برخلاف تأویل آثار معین، در جست و جوی بازگویی معنا نیست، بلکه هدفش شناخت قوانین عامی است که ناظر بر خلق یک اثر هستند. نیز بر خلاف علومی نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی و غیره، بوطیقا این قوانین را در درون خود ادبیات می‌جوید. بنابراین، بوطیقا آن رهیافت به ادبیات است که هم مجرد است و هم درون است.» (ص ۲۰-۱۹)

در واقع، تودوروف آن را به عنوان مطلق «علم ادبیات» به کار می‌برد؛ به همان مفهومی که «رولان بارت» بیان می‌دارد. یعنی در واقع بوطیقا تنها به ساختار مجرد ادبی می‌پردازد، هر چند که پیش از آن و نیز پس از آن، تأویل حضور دارد. بنابراین، تودوروف بوطیقا را دقیقاً در حوزه ساختار معنا می‌کند و معتقد است که «در حال حاضر، بوطیقا در آغاز راه خویش است.» (ص ۲۸) بخش دوم، تحت عنوان «تحلیل متن ادبی» اصلی‌ترین بخش کتاب است که ساختارگرایی را به عنوان «علم ادبیات» تحلیل می‌کند و شناخت فشرده بسیار خوبی درباره شیوه‌های آن می‌دهد.

این بخش چنانکه از نامش هویدا است کلیدهای تحلیل ساختارگرا را به دست می‌دهد. به طور کلی از این دیدگاه، مسایل مربوط به تحلیل ادبی در دسته‌بندی‌های خود، سه جنبه متن را در بردارند. این جنبه‌ها و نمودهای متن عبارت‌اند از: نمود کلامی، نمود نحوی و نمود معنایی. این تقسیم‌بندی براساس

تقسیم‌بندی زیان‌شناسی است که زبان را در سه دستگاه تقسیم و بررسی می‌کند که عبارت‌اند از: دستگاه آوایی زبان، دستگاه نحوی و دستگاه معنایی. سپس وی این جنبه‌ها را به صورت زیر طبقه‌بندی و بررسی کرده است:

۱- نمود معنایی

۲- سیاق‌های کلام

الف - وجه

ب - زبان

ج - دید

د - لحن

۳- نمود کلامی

۴- نمود نحوی

الف - ساختارهای متن

۱- نظم منطقی و زمانی

۲- نظم فضایی

ب - روایت

ج - تخصیص‌ها و واکنشها

تحلیل نمود معنایی متن دوم به مفهوم می‌پردازد؛ یکی این که یک متن چگونه معنادار می‌شود؟ و دیگر این که یک متن چه معنایی دارد؟

مورد اول به دلالت‌های لفظی واحدهای جمله‌ها می‌پردازد. بنابراین در این تحلیل، معانی ثانوی و سازمان‌بندی معنی‌دار سخن اهمیت می‌یابند. در مورد دوم، صدق متن ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یعنی این که متن در بیان مصداق خود تا چه حد موفق بوده است. مصداق هر اثر ادبی، واقعیت‌های خارج از آن است. البته این مورد خود به خود به بیرون از بوطیقا (به گفته تودوروف) راه می‌برد و ما را از گهر ادبی متن خارج می‌سازد.

بررسی سیاق کلام، شامل چهار مقوله ماهیت انضمامی یا مجرد کلام، حضور مجازهای بیانی، ارجاع به سخنان پیشین، و ذهنیت زبان است. در کل، این مقولات، تعیین‌کننده ساختار سیاق کلام متن ادبی هستند.

تودوروف در این بخش چهار نمود کلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: وجه (میزان حضور وقایع در متن)، زمان (رابطه میان دو خط زمانی: ۱- خط زمانی سخن داستانی ۲- خط زمانی دنیای داستانی)، دید (جایی که می‌توان موضوع را مشاهده کرد)، و لحن

احمد ایوب‌محبوب

نگاهی به بوطیقا

(حضور فرایند گفت کرد در گفته). این مقولات، عوامل یا مجموعه اطلاعاتی هستند که سخن را به داستان تبدیل می‌کنند.

درباره «دید» این توضیح لازم است که تودوروف، آن را به مفهوم متعارف «زاویه دید» به کار نمی‌برد، بلکه مقصودش ادراک است و خود می‌گوید: «این واژگان بصری، واژگانی استعاری و بلکه واژگانی مبتنی بر مجاز جزء به کل هستند. در اینجا دید جای تمامی ادراک را می‌گیرد» (ص ۶۳) تحلیل کلیه این جنبه‌ها، درهای فراوانی را به سوی متن می‌گشاید و ساختارهای درونی و بیرونی کل متن را به توصیف می‌کشد.

از طرف دیگر، چنانکه پیشتر مشخص کردم، آخرین بحث تحلیلی تودوروف نمود نحوی متن است. وی می‌گوید: «در این جا فرض ما این است که هر متنی می‌تواند به واحدهای کمینه تجزیه شود. نوع روابط میان این واحدهای حاضر در کنار هم، نخستین معیار ما برای متمایز کردن ساختارهای متنی متعدد از یکدیگر است.» (ص ۷۵)

سه گونه نمود نحوی که وی با تقسیم بندیها مطرح می‌کند، هر چند که به صورت متمایز نموده شوند اما در حقیقت، این جنبه‌ها نمی‌توانند در متن، جدا از هم باشند، زیرا که واحدهای مورد بررسی، انواع روابط ارگانیک را با واحدهای دیگر در متن برقرار می‌کنند و جدا کردن هر یک از آنها به تمامی، ساختار متن را در هم می‌ریزد؛ یا به عبارت دیگر، متن را از ساختار خارج می‌کند. این امری است که خود تودوروف نیز بدان اذعان دارد. وی دو گونه اصلی سازمان‌بندی یک متن را به پیروی از توماشفسکی به تحلیل می‌گیرد: ۱- ترتیب زمانی تقویمی (اصل علیت) ۲- عدم ملاحظات زمانی (عدم رعایت علیت): نوع اول را «نظم منطقی و زمانی» نامیده و نوع دوم را «نظم فضایی» خوانده است. مورد اول دو گونه روایت را دربردارد: روایت اسطوره‌ای (که ولادیمیر پراپ، آنها را در کتاب «قصه‌های پریان» مورد

بررسی قرار داده است و عبارت است از روایتی با رابطه مستقیم و بی‌واسطه میان واحدها و روایت ایدئولوژیک از رابطه غیر مستقیم و با واسطه میان واحدهای داستان). در نظم فضایی، «روابط منطقی یا زمانی، یا به لایه دوم نیل می‌کنند یا آن که ناپدید می‌گردند.» (ص ۸۴) تودوروف این گونه نظم را ویژه روایت نمی‌داند. این نظم ظاهراً بیشتر ویژه شعر است.

مقصود از «نحو روایت»، عبارت است از روابطی که واحدهای روایی با هم برقرار می‌سازند. کوچکترین واحد روایی، «بن مایه» نام می‌گیرد. مثلاً «شیئی سحرآمیز دزدیده می‌شود و سپس پیدا می‌شود» یک واحد جمله است که خود به واحدهای کوچکتر تقسیم می‌شود: «شیئی»، «سحرآمیز بودن»، «دزدیده شدن»، و «پیدا شدن» هر یک از این واحدهای کمینه، یک بن مایه است. برخی از این بن مایه‌ها می‌توانند در اغلب داستانها ثابت و برخی دیگر متغیر باشند. مثلاً ممکن است دو بن مایه گم شدن و پیدا شدن در روایتها ثابت باشند اما شیئی سحرآمیز ممکن است متغیر باشد و مثلاً در یک روایت، دختر شاه پریان باشد و در روایت دیگر، یک سنگ باشد و...

تودوروف در پایان این بخش، تخصیص‌ها و واکنش‌ها را در نمود نحوی مورد تحلیل قرار می‌دهد و معتقد است که این «عملی است که به ما امکان می‌دهد تحلیل را تا حد واحدهای تجزیه‌ناپذیر آن پیش ببریم؛ و این شرط ضرور هر گونه توصیف دقیقی است.» (ص ۹۷) بخش سوم کتاب، که آخرین بخش نیز هست تحت عنوان «چشم اندازه‌ها» به مقایسه و رابطه بوطیقا (در مفهوم خود تودوروف) با شاخه‌های دیگر حوزه ادبیات می‌پردازد؛ همچون تاریخ ادبی و نیز زیبایی‌شناسی، و گر پایان می‌گوید: «بوطیقا سخن‌ها را روشنی می‌بخشد، زیرا انواع مبهم‌تر سخن در شعر دیده می‌شوند؛ اما هر گاه این آشکارگی صورت گیرد و علم سخن‌ها پی‌ریزی شود کار آن عبارت خواهد بود از جست و جوی دلایلی که در این یا آن دوره، موجب می‌شوند برخی از متون، ادبی قلمداد شوند.» (ص ۱۲۰)

اینک باید به ترجمه آقای محمد نبوی پردازیم. در همینجا باید از این ترجمه خوب سپاسگزاری کرد؛ به ویژه از گزینش این اثر خوب برای ترجمه. نثر ترجمه نبوی، تعقیدها و ابهام‌های بسیاری از ترجمه‌های دیگر

را ندارد؛ نثرهایی که نشان می‌دهند مترجم نیز موضوع را خوب دریافت نکرده، یا لااقل این که زبان فارسی و نثر فارسی را خوب نمی‌داند و نمی‌شناسد، و این کاستی اندکی نیست. نثر ترجمه‌ای آقای نبوی از این کاستیها به دور است و باید به ایشان تبریک گفت. اما چند نکته کوتاه را باید تذکر بدهم و آن کاربرد برخی اصطلاحات جعلی است که با ساختمان زبان فارسی مغایرت دارد؛ هر چند که گاهی به عنوان اصطلاحات در زبانشناسی به کار رفته است. البته این چند نمونه را فقط به عنوان مثال ذکر می‌کنم:

— می‌دانیم که کلمات «ناانگیزخته‌اند»

— گنجاندگی کلام! (ص ۵۷)

— سخن باز نموننده (ص ۵۸)

— ناممکن بودگی توازی (ص ۵۹)

— دیرش! (ص ۶۰)

— کنش باز نموده (ص ۶۰)

— بی در زمانی‌ها (ص ۶۱)

— ویژگی‌های سخنایی (ص ۷۳)

— پیش انگاری نمی‌کنند (ص ۹۷)

پیداست که چنین ترکیبات و جملاتی، موجب آزار خواننده می‌گردد؛ چرا که اغلب به دلیل ناهمخوانی با ساخت نحوی زبان فارسی، نمی‌توانند معنای ویژه‌ای را برسانند؛ مثلاً «ش» مصدری فارسی تنها به بن فعل الحاق می‌شود و گاهی نیز با چند صفت مانند پیدا و والاو رها آمده است، اما با قیدهایی مانند «دیر» و... به هیچ وجه نمی‌تواند اصطلاح درستی بسازد؛ هر چند که گاهی زبان‌شناسان، «دیرش» را به عنوان معادل duree به کار برده‌اند. اما دیرش چگونه می‌تواند معنای امتداد و طول را برساند؟

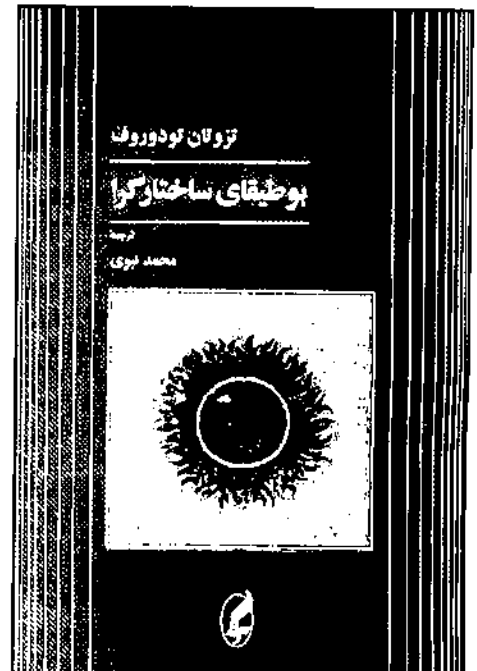
مثال دیگری که آورده‌ام «سخنایی» است! این واژه چه معنایی را می‌تواند برساند؟! و اصولاً این «الف» که به کلمه «سخن» الحاق شده، چه نوع الفی است؟! این گونه واژه‌های جعلی که در نثر بسیاری از مترجمان یافته می‌شود، باعث دوری مفهوم از ذهن خواننده خواهد شد. از دیدگاه سبک‌شناسانه نیز این گونه واژه‌های نامأنوس و مخالف قیاس، به سوی نوعی تکلف‌گرایی ناپخته راه می‌برد. بنابراین بهتر است که مترجمان محترم از این گونه تکلفات پرهیز کنند تا اصل مطلب و مفهوم خود نویسنده ضایع نگردد.

بوطیقای ساختارگرا

تروتان تودوروف

مترجم: محمد نبوی

انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹



درباره داستان کوتاه و به ویژه نقد داستان کوتاه در چند ساله اخیر آثار متعددی در بین کتاب‌های منتشر شده فارسی می‌توان نام برد که از آن میان، کتاب چهارجلدی داستان و نقد داستان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.^۱ در چهار جلد منتشر شده این کتاب به معروف‌ترین داستان‌های کوتاه ادبیات جهان به همراه نقدهای معروف آنها از منتقدان صاحب نام پرداخته شده است.

همچنین در این زمینه می‌توان به بخش دوم کتاب «دربارهٔ رمان و داستان کوتاه» سامرست موآم اشاره کرد^۲ که در حقیقت رساله‌ای است در حدود هفتاد صفحه که موآم به طور کلی به تعریف و حدود داستان کوتاه نو—که خود او از معروف‌ترین نویسندگان داستان کوتاه در قرن بیستم است—پرداخته است.

«ابراهیم یونسی» نیز در کتاب هنر داستان‌نویسی براساس مآخذی که در این کتاب معرفی کرده است: «به تدوین نظریات گروهی از سخن‌شناسان... که عقاید آنها مورد قبول و اعتنای نویسندگان بنام است» دربارهٔ داستان کوتاه به طور اخص پرداخته است.^۳ با نگاهی به فهرست منابع و مآخذی که در آثار مزبور ذکر شده است، می‌توان به اغلب آثاری که در زمینهٔ داستان کوتاه در ادبیات جهان نوشته شده و بعضی از آنها به فارسی برگردانده شده است، دست یافت. از آثار تحلیلی دربارهٔ داستان کوتاه کتاب ادبیات داستانی اثر جمال میرصادقی قابل ذکر است. از محاسن این اثر که در واقع تعریف و تحلیل قصه، داستان کوتاه و رمان است، تطبیق این تعاریفات و تحلیل‌ها با برخی از آثار

نویسندگان ایرانی است.^۴ مقایسهٔ داستان کوتاه با داستان و نمایش و ارائه نمونه‌هایی از داستان‌های کوتاه نویسندگان صاحب نام ایرانی، همچون صادق هدایت، بزرگ علوی، جمالزاده، امین فقیری، صادق چوبک و تجزیه و تحلیل آنها، کوششی است که مؤلف برای تعیین کردن حد مشخص و تعریف روشنی از داستان کوتاه انجام داده است. بخش داستان کوتاه و پیدایش آن پس از تعریفی که مؤلف از قصه و قصه عامیانه و گونه‌های آن به دست داده است، تاریخ تولد داستان کوتاه را به شکل و الگوی امروزی آن ارائه می‌کند. بررسی کلی ویژگی‌ها و خصلت‌هایی که داستان کوتاه مدرن در ادبیات داستانی جهان داراست، در فصل «پیش‌کسوت‌های داستان کوتاه» انجام شده است. نگرش به محتوای بنیادی و پایه‌ای داستان کوتاه بدون توجه به زمانه و دوره‌ای که نویسندگان داستان کوتاه در آن می‌زیسته‌اند، در همین فصل شاید از کمبودهای این تحلیل‌های آقای جمال میرصادقی به شمار آید. چه، بدون تردید، شناخت جامعه و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی نویسندگان داستان کوتاه، برجستگی‌ها و امتیازات آثار آنها را بهتر فراروی خوانندگان، به ویژه مبتدیان قرار خواهد داد. اما به هر روی کتاب ادبیات داستانی را به لحاظ ساختار سامان یافتهٔ آن، می‌توان به عنوان بهترین منبع کلاسیک یادگیری و آموزش فن داستان کوتاه‌نویسی معرفی نمود. معرفی جنبه‌های هنری داستان‌های کوتاه نویسندگان پیشگام جهان مثل: ادگار آلن پو، گوگول، گئی دو موپاسان، آنتوان چخوف، او هنری، جیمز جویس، ارنست همینگوی و جی. دی. سالینجر و خصایص منحصر به فرد آثار آنها، به خواننده امکان درک ویژگی‌ها و جایگاه آثار نویسندگان معاصر ایرانی نظیر: محمدعلی جمالزاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک، جلال آل‌احمد، ابراهیم گلستان، م. ا. به‌آذین، بهرام صادقی، غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، محمود

دولت‌آبادی، احمد محمود و... را می‌دهد.^۵ در زمینه داستان‌های کوتاه ایرانی به کتاب داستان کوتاه ایران هم می‌توان اشاره نمود.^۶ کتاب، مقدمه‌ای نسبتاً مفصل دربارهٔ هفتاد سال داستان کوتاه ایران دارد که سیر تحول داستان کوتاه را در این مدت براساس آثار نویسندگان ایرانی بررسی نموده است. در حقیقت نویسنده آثار منتخب و برگزیده نویسندگان بنام معاصر ایران را ارائه کرده و سپس به نقد آنها پرداخته است. می‌توان گفت: بهترین داستان‌های کوتاه این هفتاد سال که بیانگر دگرگونی سبک و اندیشه نویسندگان ایرانی است در این کتاب نقد شده‌است. نقدهای آقای بهارلو نیز بسیار دقیق به ارائه ویژگی‌های این آثار پرداخته است. به نحوی که با خواندن هر داستان و نقد آن، هنر و ظرافت نویسنده داستان برای خواننده آشکار می‌شود. این سیر تحول را از کتاب دیگری با عنوان «یادگار خشکسالی‌های باغ»^۷ نیز می‌توان دریافت که مقدمه‌ای شبیه به مقدمه کتاب پیشین دارد. اما در این کتاب داستان‌ها نقد نشده است.

آثاری از این دست به خصوص در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند ولی در هیچ‌یک خبری از نقد داستان کوتاه به مفهوم حقیقی و اصیل به چشم نمی‌خورد. این البته غیر از تک‌نگاری‌هایی است که دربارهٔ داستان‌نویسان معاصر فارسی انجام شده است و به عنوان نمونه می‌توان به مجموعه نقدهای عبدالعلی‌دستغیب دربارهٔ آثار نویسندگانی چون: بزرگ علوی، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی و... و نیز شناخته‌شده ساعدی اثر جواد مجابی یا کتاب بختک نگار قوم (نقد آثار غلامحسین ساعدی) تألیف علیرضا سیف‌الدینی و... اشاره کرد.

نیز کتاب سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی^۸ اثر کریستف بالایی و میشل کویی‌پرس به ترجمه دکتر احمد کریمی حکاک را می‌توان یک اثر تحلیلی به روش جدید دربارهٔ نثر داستانی معاصر فارسی محسوب کرد که

مهرداد چترابی عزیزآبادی

بررسی نقد امروزی داستان کوتاه

نقد داستان کوتاه مدرن را به ویژه در مجموعه داستان‌های کوتاه یکی بود، یکی نبود جماله‌زاده به علاقه‌مندان داستان کوتاه فارسی ارائه می‌کند. نظیر تحلیل‌ها و نقدهای «بالایی» و «کویی پرس» چنانکه درباره آثار سایر نویسندگان داستان کوتاه ایرانی انجام گیرد، تا حدودی خلاء نقد صحیح و اصولی و مدرن داستان کوتاه فارسی را پر خواهد کرد.

از تازه‌ترین تحلیل‌ها و نقدهای داستان کوتاه که امسال منتشر شده است کتاب داستان کوتاه در آینه نقد^۹ است. انطور که مؤلف محترم در مقدمه تألیف خویش ذکر کرده است، این کتاب را به «منظور پاسخگویی به نیاز دانشجویان و علاقه‌مندان به ادبیات داستانی»^{۱۰} تهیه کرده است. از مؤلف قبلاً مجموعه‌ای از نقد و تحلیل داستان‌های کوتاه به زبان انگلیسی توسط انتشارات دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است که البته همانطور که ایشان در تألیف تازه خویش یادآور شده‌اند، تعداد داستان‌های آن کتاب محدود بود و فقط می‌توانست مورد استفاده آشنایان به زبان انگلیسی واقع شود.

داستان کوتاه در آینه نقد از تنوعی در انتخاب داستان‌های مورد نقد برخوردار است، که هم با گونه‌های مختلف ذوق و سلیقه، سازگار است و هم نمایانگر ویژگی‌های گوناگون داستان کوتاه است. به طور کلی در تمام نقدهای این کتاب عناصر اصلی داستان کوتاه مانند: نوع شخصیت پردازی، و تحلیل روانی و اجتماعی شخصیت‌های داستان کوتاه، نوع فضاسازی نویسندگان داستان‌های کوتاه، جنبه‌های کنایی و نمادین داستان‌ها، نوع دیدگاه داستان و موقعیت راوی آن، مورد توجه منتقد محترم بوده است. سی و یک نقد در این کتاب هست که شامل بیست و دو نقد از داستان‌های کوتاه خارجی و نه نقد از داستان‌های کوتاه ایرانی است. آنچه در وهله اول به نظر خواننده می‌رسد - و تا حدودی از کارآمد بودن کتاب کاسته است -

نیارودن اصل داستان‌هاست و چه بسا در دسترس نبودن اصل داستانها برای خوانندگان این کتاب، نقد آن داستان‌ها را هم خالی از فایده می‌نماید و هرچند ارائه خلاصهٔ بیرنگ داستان‌ها این مشکل را تا حدی رفع کرده است، ولی این خلاصه‌ها نمی‌تواند، همهٔ جزئیات نقد و تحلیل داستان‌ها را به خوانندگان عرضه کند. تعداد دوازده داستان از داستان‌های این کتاب برگرفته از کتابی است به نام مرگ در جنگل. مرگ در جنگل درواقع برگزیده‌ای از داستانهای کوتاه برتر جهان است. نوع انتخاب این داستان‌ها خود مروری بر تاریخچهٔ داستان کوتاه مدرن جهان همراه با تحول آن است.^{۱۱} تأمل در داستان‌های این مجموعه به همراه تجزیه و تحلیل و نقد دقیق آنها را می‌توان بهترین الفبای آموختن داستان کوتاه قلمداد کرد. آشنایی با روش‌های گوناگون پرداختن یک داستان کوتاه و شناخت بزرگان داستان کوتاه‌نویسی جهان از فایده‌های این مجموعه است. نمونه‌وار به چند داستان برجستهٔ این کتاب و نیز نقدهای خانم اولیایی‌نیا نظری می‌افکنیم:

از جمله داستان‌های این مجموعه که توسط خانم اولیایی‌نیا نقد و تحلیل شده است داستان مرگ در جنگل است. نقد این داستان مانند نقدهای دیگر منتقد محترم دارای عنوان است. عنوان «هدیهٔ طبیعت» در حقیقت خود نوعی تحلیل بسیار کوتاه از این داستان معروف «آندرسن» است. تأثیری که آندرسن بر روند داستان کوتاه در قرن بیستم گذاشت باعث شده است که یکی دو نسل از نویسندگان پس از او در آمریکا، داستان‌های کوتاه آندرسن را به عنوان اثری که ارائه‌کنندهٔ ساختار معینی از سبک داستان کوتاه است، بشناسند. به طور کلی اهمیت آندرسن را باید در ابداعی که او در داستان کوتاه ایجاد کرد، دانست. «آندرسن اولین کسی بود که داستان کوتاه امریکایی را از محدودیت‌ها و قیدوبندهای اسلوب کلاسیک قرن نوزدهمی با طرح‌های ساخته و پرداخته شده و

شخصیت‌پردازی‌های قراردادی آزاد کرد و در داستان‌های کوتاهش، شیوهٔ بیانی تازه‌ای به کار گرفت که در آن سبک آزاد، طرح یا پیرنگ [یا به تعبیری بیرنگ] تابع و تحت‌الشعاع درون‌مایه و قالب داستان زاینده و رشد یافتهٔ وضع و موقعیت داستان است.»^{۱۲}

موقعیت نمادین داستان «مرگ در جنگل» بیش از هر چیز در نقد آن حائز اهمیت است. این داستان بیانگر وضع و حال شخصیتی است که نمونهٔ بارز رنج و محرومیت انسانی است. منتقد به طور دقیق تحلیل روانشناختی و درونی شخصیت اصلی داستان را باز نموده است؛ پیرزنی که تمام دوران زندگی‌اش در تنهایی و رنج و تحمل سختی‌های زندگی می‌گذرد و از توجه هیچ کس حتی شوهر و فرزند خود نیز برخوردار نیست.

اینکه راوی داستان با نوعی تک‌گویی درونی [interior monologue] به فضاسازی هنرمندانه از محل زندگی و مرگ شخصیت داستان می‌پردازد از نکات قوت و هنر آندرسن در پرداخت این فضا است. این روش و تحلیل شخصیت خود راوی از چنان اهمیتی برخوردار است که منتقد بایسته بود بیشتر به آن می‌پرداخت و خواننده را نیز به این نوع دیدگاه راوی توجه می‌داد.

بسیار مناسب بود که منتقد در تحلیل کلی، از این داستان به رابطهٔ علت و معلولی حوادث داستان نیز اشاره می‌کرد، رابطه‌ای که شالودهٔ اصلی و وجه تشخیص هر نوع داستان کوتاهی است. درونمایه آثار شروود آندرسن به دلیل همین رابطهٔ علت و معلولی، به طرز استادانه‌ای، آرایه‌کنندهٔ بینش عمیق و مهارت و درک واقعی او از داستان‌پردازی است و از همین روی نویسندهٔ بزرگی چون «فاکنر» او را پدر نسل نویسندگان امریکایی و نسل پس از آنها دانسته است.

منتقد محترم، مرگ را برای شخصیت اصلی داستان «مرگ در جنگل» هدیه‌ای از طرف طبیعت برای او می‌داند: «اگر هیچ‌گونه محبتی در زندگی از کسی ندید



داستان کوتاه در آینه نقد

هelen اولیایی‌نیا

نشر فردا، چاپ اول، ۱۳۷۹

طبیعت پس از مرگ از او قدردانی می‌کند، حتا مرگ او بر اثر سرمای شدید، نوعی رهایی او از زندگی زجرآور می‌باشد»^{۱۳}

نتیجه‌گیری نهایی این داستان هم همین است و منتقد به خوبی آن را تحلیل و بازگو کرده است و خود عنوان «هدیه طبیعت» نیز گواه دقت منتقد گرامی به کل فضای این داستان است.

در مجموعه «مرگ در جنگل» تنها از «ویلیام فاکنر»، دو داستان آورده شد و از بقیه نویسندگان هر کدام یک داستان نقل شده است. ویژگی مهم فاکنر، ارائه دنیایی تخیلی و در عین حال مطابق با واقعیت جامعه آمریکا در آثار خویش است. داستان کوتاه «عمو ویلی» نیز مثل اغلب آثار فاکنر در شهر خیالی «جفرسون» پایتخت «یوکانا تاوفا»، که بر ساخته ذهن اوست، اتفاق می‌افتد. این داستان توسط خانم اولیایی‌نیا با عنوان «شاهد شیفته» مورد تحلیل قرار گرفته است. انتخاب راوی اول شخص و زاویه دید مناسب برای توصیف وقایع داستان از ویژگی‌های مهم این داستان کوتاه است که منتقد محترم، به خوبی به آنها پرداخته است. فاکنر مسلماً استاد داستان کوتاه مدرن است و «عمو ویلی» از شاهکارهای برجسته اوست.

در بررسی خانم اولیایی‌نیا، نکته قابل تأمل اینکه آغاز این داستان که اینگونه در مجموعه مرگ در جنگل آمده است: «می‌دانم آنها چه گفتند. گفتند که من خودم از خانه فرار نکردم، بلکه آدم خل وضعی که، اگر من قبلاً او را نکشته بودم او هفته بعدش مرا می‌کشت، ربوده شدم»^{۱۴}

و به نظر می‌رسد باید به این صورت باشد: «... بلکه به وسیله آدم خل وضعی... ربوده شدم...». به همان صورت اشتباه و با افتادگی [احتمالاً چاپی] در نقد خانم اولیایی‌نیا تکرار شده و ایشان اشاره‌ای به این نامفهوم بودن جمله نکرده است.^{۱۵}

(اگر ویراستار دقیقی متن نقدهای ایشان را خوانده بود قطعاً این اشکالات و نیز بی‌توجهی‌هایی نظیر آوردن عبارت‌هایی مثل «با این وجود» به جای «با وجود این» در این تألیف راه پیدا نمی‌کرد).

«گرچه در باران» داستان کوتاهی است که به خوبی نمایانگر بدعتی است که همینگوی در زمینه داستان کوتاه ایجاد کرد. در داستان‌های کوتاه همینگوی، خواننده بدون درگیر شدن با خیالپردازی‌ها و حادثه‌سازی‌های نویسندگان با برشهایی از واقعیات زندگی اجتماعی روبروست که تأثیری فوری و مؤثر در ذهن او باقی خواهد گذاشت.

خانم اولیایی‌نیا در نقد این داستان، بیشتر به مسایل روانی و عاطفی زن، که شخصیت اصلی داستان است، پرداخته است. فضای کلی داستان نمادین است (مثل نماد باران، نماد آرزوها و خواسته‌های زن، از قبیل: روشن کردن شمع، بهار بودن، شانه کردن مو مقابل آئینه، داشتن بچه گربه و...) مرد نیز به طور نمادین نیازهای زنانه همسر خویش را ندیده می‌گیرد و سعی در سرکوب آنها دارد، که «روزنامه خواندن مرد در حالیکه به مسافرت آمده‌اند» و «سلب اختیار و استقلال مالی زن» و «محروم داشتن زن از وجود فرزند» و «از بین بردن حس مادرانه زن» نمونه‌هایی از این نمادهاست.

تمام جزئیات روانشناختی شخصیت‌های این داستان کوتاه همینگوی توسط منتقد تحلیل و بررسی شده و فضای سرد و کسالت‌آور و پر شکاف بین این زوج به خواننده داستان باز نموده شده است. اما مهمترین این جزئیات درونمایه داستان، توجه به ساختار بیرونی داستان نیز ضروری است. همینگوی در این داستان کوتاه نیز، مثل اغلب آثار دیگرش، «نشان داده است که در زمینه داستان کوتاه، به خلاف پیشینیان به «طرح» و

«حادثه» چندان توجهی ندارد.^{۱۶} آنچه که در این داستان کوتاه اتفاق می‌افتد به ظاهر چندان مهم نیست اما تا مدت‌ها تأثیری شگرف بر ذهن خواننده می‌گذارد.^{۱۷} تمام این داستان هیچ چیز نیست به جز نشان دادن زمان محدودی از زندگی و ارتباط دو شخصیت داستان، بدون هیچ حادثه یا اتفاق شگفت‌انگیزی. اما آنچه که خواننده در می‌یابد، اطلاع وسیعی از نوع زندگی و رابطه این زوج است. در حقیقت آنچه که همینگوی بیان کرده، مانند کلیشه‌ای است که اگر آن را هر جای دیگری از زندگی این زن و شوهر بگذاریم [چه از نظر زمان و چه از نظر مکان]، همین طرح و نقش یکسان را خواهد داشت. زندگی این زوج نه فقط در مسافرت به این شهر و نه فقط در این زمان، بلکه در هر جا و هر زمان دیگری همین است که نویسنده به خواننده عرضه کرده است. و این یعنی هنر اصلی همینگوی در تمام آثارش که در نقد آنها نیز باید بیشتر به آن پرداخته شود.

«ادگار آلن پو» در داستان «تصویر بیضی شکل» همان اعتقاد بدیع خود را درباره هنر و هدف آن ارائه می‌دهد: «هدف هنر، به سادگی، آفرینش زیبایی است و تنها لذت بردن از زیبایی نیست بلکه تلاش بی‌حدی است برای رسیدن به زیبایی یگانه عالم بالا».^{۱۸} آثار «پو» بدون در نظر گرفتن قدرت و نفوذ فراوانش در نقد ادبی، که آن را در داستان‌های خود به کار گرفته و وسعت بخشیده، قابل نقد و تحلیل نیست. نظر «پو» نسبت به هنر و زیبایی در این داستان نیز عرضه شده است. او تنها راه جاودانی شدن حقیقت را پوشیدن لباس هنر می‌داند. خانم اولیایی‌نیا به تحلیل این پارادوکس هنر می‌پردازد که در عین «وجود خطرات جذب بی حد هنرمند در دنیای خیالی هنرش، راهی به جز این برای هنرمند وجود ندارد که فقط در قالب هنر است که می‌توان واقعیت و حقیقت را ابدی کرد».

نقد چند داستان کوتاه که به زبان فارسی ترجمه



نشده‌اند، در واقع، دایره استفاده از این نقدها را محدودتر می‌کند. داستان‌های «دوشیزه بزیل» از کاترین مانسفیلد، عربی «از جیمز جویس»، «برغرور از دست رفته» ما مویه کن، «از جیمز پلانکت»، «اشکها، اشکهای بیهوده» از الیزابت بوون، «بوی گل‌های داوودی» و «برندهای سوار بر اسب چوبی» از دی. اچ. لارنس، «موردپاول» از ویلاکیتز، «گل‌های داوودی» از جان اشتاین بک، از این جمله‌اند که مناسب‌تر بود دست‌کم تجربه متن کامل این داستان‌ها در کتاب داستان کوتاه در آینه نقد آورده می‌شد تا بر فایده این کتاب می‌افزود. در بخش دوم کتاب، نه داستان از نویسندگان ایرانی نقد و بررسی شده است. داستان‌هایی از جلال آل احمد، سیمین دانشور، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی، شهرنوش پارس‌پور، شهریار مندنی‌پور و ناهید طباطبایی. در نقد این داستان‌های کوتاه، شخصیت‌های اصلی داستان‌ها بیشتر مورد تحلیل و بررسی - به ویژه از نظر رفتارهای روانی - قرار گرفته‌اند. در حالی که توجه به فضاسازی، دیدگاه داستان و جنبه‌های نمادین داستان نیز باید در نقد آن بررسی شود. نکته چشمگیرتر در این بخش از کتاب، اطناب و تکرارهای بی‌مورد منتقد گرامی است. در نقد دو داستان از خانم دانشور (چشم خفته - مار و مرد) و نیز نقد داستانی از احمد محمود (قصه آشنا) این تکرارها را بیشتر می‌بینیم که شاید قسمتی به لحاظ تأکید منتقد باشد، ولی بدون تردید چنانکه متن کتاب ایشان توسط ویراستاری آگاه و دقیق قبل از چاپ خواننده و ویراستاری می‌شد، نثر ایشان نثری یکدست و روان و خالی از بعضی سهوها، به چاپ می‌رسید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. گلشیری، احمد. داستان و نقد داستان، انتشارات نگاه، تهران، چهار جلد (جلد چهارم، ۱۳۷۸).

۲. موم، سامرست. دربارهٔ رمان و داستان کوتاه، ترجمه کاوه دهگان، چاپ سوم، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.

۳. یونسی، ابراهیم. هنر داستان‌نویسی، چاپ ششم، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۷۹.

۴. میرصادقی، جمال. ادبیات داستانی (قصه، داستان کوتاه، رمان) چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی ماهور، تهران. بی‌تا (تاریخ تحریر مقدمه: ۱۳۶۵)

۵. به طور کلی بررسی وضع ادبیات داستانی ایران اعم از رمان و داستان کوتاه توسط مؤلف انجام شده است. به عنوان مثال تحلیل آثار سبک نویسندگانی چون: علی محمد افغانی، سیمین دانشور و نیز رمان‌های دولت‌آبادی، ساعدی، علوی، چوبک، گلستان و... را می‌توان در همین فصل از کتاب ادبیات داستانی خواند.

۶. بهارلو، محمد. داستان کوتاه ایران. (۲۳ داستان از ۲۳ نویسنده معاصر) چاپ دوم، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۳.

۷. رهنما، تورج. یادگار خشکسالی‌های باغ (نمونه‌هایی از داستان کوتاه امروز ۱۳۵۷-۱۳۰۰) چاپ اول، نشر نیلوفر و دوستان، تهران، ۱۳۷۶.

۸. بالایی، کریستف و کویی پرس، میشل. سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، چاپ اول، انتشارات معین (با همکاری انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران)، تهران، ۱۳۷۸.

۹. اولیایی‌نیا، هان. داستان کوتاه در آینه نقد. چاپ اول، نشر فردا، اصفهان، ۱۳۷۹.

۱۰. همان، ص ۷.

۱۱. آندرسن، شروود. (و دیگران). مرگ در جنگل، ترجمه تقی‌زاده، صفر - صفریان، محمدعلی، چاپ دوم، نشر نو، تهران، ۱۳۶۸.

۱۲. همان، ص ۸۷-۸۶.

۱۳. اولیایی‌نیا، هان. داستان کوتاه در آینه نقد. ص ۱۹.

۱۴. مرگ در جنگل. ص ۲۱۸-۲۱۷.

۱۵. داستان کوتاه در آینه نقد. ص ۲۵.

۱۶. همانطور که گفته شده باید شروود آندرسن را مبدع این شیوه دانست.

۱۷. مرگ در جنگل، ص ۲۷۸.

۱۸. مرگ در جنگل، ص ۲۱.

عقل عذابم می‌دهد

عقل عذابم می‌دهد

علی باباچاهی

انتشارات همراه، چاپ اول، ۱۳۷۹

عقل عذابم می‌دهد مجموعه چهل و یک سفر از علی باباچاهی است که از آذرماه ۷۵ تا فروردین ۱۳۷۸ سروده شده‌اند.

باباچاهی شاعر و منتقد معروفی است و از وی تاکنون شانزده کتاب به صورت مجموعه شعر، گزیده شعر و نقد و بررسی منتشر شده که آخرین آنها همین کتاب عقل عذابم می‌دهد است. اشعار این مجموعه نه به شکل کلاسیک و عروضی است، نه در چارچوب شکلی و زبانی و محتوایی نیمایی می‌گنجد، و نه مشخصه‌های اشعار سپید و شاملویی را دارد.

درون تاریکی افتاده‌ای از هر طرف

قاطی فکرها از هر طرف

با چشم‌بندی که لزوماً سیاه نیست

انتخاب رنگ که با خودمان است

بنفش؟

طوسی چطور؟

که به موهایی نقره‌ای‌ات هم بخورد (ص ۱۰۷)

نامأنوسی غالب جامعه کتاب‌خوان با این‌گونه اشعار باعث شده که باباچاهی مقاله مبسوطی به نام «محوها و مشخصه‌های شعر پسانیمایی» بنویسد و به کتاب ضمیمه کند تا به واقع خطوط کلی اشعار مجموعه را شرح دهد. چندی از این ویژگی‌ها اینطور آمده است:

— تک معنایی در شعر معنایی ندارد.

— توجه به نسبی‌گرایی، تنوع و تکرار در امور و معناها.

— شعر پسانیمایی از پراکندگی و احتمالات که جانشین ساختارها و علت‌ها می‌گردند این نکته را می‌آموزد که ساختارهای جدیدی را در پراکندگی و عدم قطعیت امور جستجو کند. (ص ۱۵۵)

باباچاهی حتی عنوان کتاب را عقل عذابم می‌دهد گذاشته است که در واقع قیامی علیه تمامی کلیشه‌ها، محور گزینی‌ها و مطلق کردن‌هاست. وی در این کتاب در خلق ذهنیت تازه و روایتی «غیر عقلی» موفق بوده است، چنانکه خود می‌گوید: «آوای چنین هم دیدنی است» (ص ۱۵۴)، اما این ترس وجود دارد که حداقل در این مقطع اشعار «پسا نیمایی» صرفاً «حضور شورش» و عکس‌العملی در مقابله با نظم کلیشه‌ای شعر موجود داشته باشد.

اهمیت و ارزش تحقیقات و پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد شناسایی و تبیین شخصیت عارف و متفکر بزرگ ایرانی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۶۷۲ - ۶۰۴) صورت گرفته بر کسی پوشیده نیست. هرچند که گستردگی و بی‌کرانگی افکار و ژرفای وجود او تا به حدی است که تحقیقات گسترده‌تر و دقیق‌تری را نیز می‌طلبد.

خوشبختانه در دو دهه اخیر تحول و جنبشی در باب شناسایی آثار و اندیشه‌های مولانا در ایران به وقوع پیوسته است که بسیار بجا و شایسته است که در این وادی، یادی نیز از مجاهدتهای علمی و تلاشهای پیگیر مرحوم استاد دکتر زرین‌کوب به میان آید. نگارنده این سطور سالیان متمادی افتخار شاگردی ایشان را داشته و از محضر علمی و ادبی این استاد فرزانه بهره‌های فراوان کسب نموده و در حقیقت عظمت شخصیت مولانا را در کلام شکوهمند ایشان یافته است. بدون تردید آثار ارزنده ایشان^۱ درباره مولانا دریچه‌ای تازه از مبحث مولوی‌شناسی را به روی نسل معاصر گشوده است. اما گویی عظمت و گستردگی شخصیت و اندیشه مولانا تا به اندازه‌ای است که پژوهشهای موجود در مقایسه با آن، هنوز ناچیز جلوه می‌کند و چه بسا که ناگفته‌ها در مقابل آنچه که گفته شده، بسیار باشد. حتی پژوهشگران و محققین در آثار خود بر این نکته اتفاق نظر دارند که «هر کسی از ظن خویش» با او یار گردیده و گستردگی اندیشه و وجود او را آنچنان که شایسته بوده درنیافته‌اند. گویی که این ابیات سراینده مثنوی بیشتر در وصف خود او صادق است که می‌فرماید:

یک دهان خواهیم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک
ور دهان یابم چنین و صد چنین

تنگ آید در بیان آن امین^۲
با وجود این تمامی این کوشش‌ها و تحقیقات از آن جایی که بعدی تازه از ابعاد شخصیت او را می‌شکافد و می‌شناساند جملگی در خور تقدیر و ستایش است. کتاب در مصاف تند باد اثر آقای بخشعلی قنبری از جمله کتبی است که اخیراً درباره تجربه‌های عرفانی مولانا بوسیله انتشارات برسات به چاپ رسیده است. این اثر در کل شامل هشتاد و پنج صفحه و چهار فصل است. مباحثی که مؤلف بدان پرداخته عبارتند از: آشنایی با حیات مولانا، تحلیل تجربه‌های عرفانی، تجربه‌های عرفانی مولانا و در نهایت مرگ او.

آن گونه که در مقدمه کتاب بدان اشاره گردیده است ظاهراً هدف مؤلف از نگارش این اثر «ادای دینی است که نسبت به این روح بزرگ در خود احساس می‌کرده»^۳ البته به این نکته هم اشاره شده که: «سخن از مولانا که از خلق رهید و در جوار حق آرمید به غایت مشکل و طاقت‌فرساست»^۴

حجم عمده‌ای از این کتاب (صص ۳۸ - ۷) به مبحث آشنایی با حیات مولانا اختصاص یافته و در آن درباره زادگاه، خاندان، تحصیلات، مذهب، چگونگی ملاقات با شمس تبریزی و سؤال و جوابهای مطرح شده بین آن دو سخن به میان آمده است. بخش دیگر آن (صص ۵۶ - ۳۸) به تعریف «تجربه عرفانی» به مفهوم عام کلمه پرداخته است که حجم عمده‌ای از مطالب آن از کتاب عرفان و فلسفه اثر طبع «والتر ترنس استیس» اخذ شده است. مبحث دیگر (صص ۷۸ - ۵۶) درباره «تجربه عرفانی مولانا» است و صفحات انتهایی کتاب (صص ۸۵ - ۷۹) به چگونگی وفات مولانا و سخنان او با

میردانش در حین مرگ اختصاص دارد. هرچند که نیت مؤلف محترم در تألیف این کتاب مقدس و قابل تقدیر است اما مشاهده پاره‌ای موارد ما را بر آن داشت تا از دیدگاهی علمی و به دور از هر گونه افراط و تفریط این اثر را آن چنان که هست معرفی و نقد نماییم و امیدوارم که به قول ابوالفضل بیهقی «سخنی نزنم که آن به تعصبی و تزیدی کشد»^۵

مباحثی که در نقد و تحلیل این کتاب مورد توجه و دقت قرار گرفته عبارتند از:

الف - نقد و بررسی محتوایی:

در مطالعه و بررسی محتوای کتاب با مواردی مواجه شدیم که خود دلیل بر پاره‌ای برداشت‌های نارسا و ناروا درباره زندگی مولانا بوده است که البته با بررسی در کتب علمی و ادبی معتبر هیچگونه مأخذی نیز برای آن نیافتیم. آن موارد عبارتند از:

۱- مؤلف در صفحه چهارم کتاب گفته است: «او همان کارمندی است که پس از حصول معرفت ندای «اقتلونی اقتلونی» سر داده است و به دست خود چوبه‌دارش را فراهم ساخته و در مسلخ عشق حاضر گشته است.»

توضیح درباره این نکته ضروری است که جمله «اقتلونی اقتلونی یا ثقات» از سخنان پرشور و حال حسین بن منصور حلاج (مقتول ۳۰۹ هـ.) است و نیز او بوده که عاشقانه به چوبه دار آویخته گردید. متأسفانه نه در پاورقی و نه در متن کتاب، کوچکترین اشاره‌ای به این نکته نشده و چه بسا که برای خواننده مبتدی و عموماً ناآشنا با مباحث عرفانی، این اشتباه در فهم عبارت ایجاد گردد که سخن یاد شده را از مولانا بپندارند و بر فرض اینکه جمله مذکور در مقام تشبیه نیز گفته شده باشد و مولانا را از نظر شیفتگی و شیدایی به حلاج

سیده مریم ابوالقاسمی

هرکسی از ظن خود شد یار من

تشبیه نموده باشد باز دلیلی موجه برای عدم ذکر اشاره‌های کوتاه و یا توضیح در باب این مسأله نخواهد بود. مؤلف می‌توانست با توضیحی مختصر در پاورقی و یا متن، این ابهام را برطرف نماید.

۲- برداشت‌های مؤلف در پاره‌ای از قسمت‌های کتاب با حقایق و واقعیت‌های تاریخی زندگی مولانا مطابقت نمی‌کند. به عنوان مثال در صفحه دوازده کتاب آمده:

«دوشنبه ۲۶ جمادی‌الثانی سال ۶۴۲ در قونیه شخصیت دلسوخته‌ای چون شمس‌الدین محمدبن تبریزی به ظهور می‌رسد.»

و بلافاصله در پاراگراف (بند) بعدی می‌گوید: «مولانا در سن پختگی ۵۰ سالگی که جان و اندیشه خود را در علم و فلسفه و فقه صیقل داده...»

جمالات بالا از دو جنبه قابل بررسی و تأمل است: نخست اینکه اگر سال تولد مولانا را ۶۰۴ هجری بدانیم تا مرحله ورود شمس‌الدین تبریزی به قونیه که مصادف با سال ۶۴۲ هجری است، مولوی سی و هشت ساله بوده است نه پنجاه ساله.

دوم آنکه سن پختگی هم حول و حوش چهل سالگی است که با سی و هشت سالگی تناسب بیشتری دارد تا با پنجاه سالگی. در متون دینی و ادبی ما نیز از چهل سالگی یا حدود چهل سالگی به عنوان سن پختگی و رشد عقلانی و جسمانی یاد شده است. از آن جمله می‌توان به این آیه شریفه استناد نمود: «... حتی اذا ابلغ اشدّه و بلغ اربعین سنة قال اوزعنی ان اشکر نعمتک الّتی انعمت علی...»^۶

تحول روحی و فکری حکیم ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴) نیز در همین سن رخ داده است.^۷

حکیم نظامی گنجه‌ای هم به بلوغ چهل سالگی اشاره می‌کند و حتی گروهی معتقدند که او مثنوی

مخزن الاسرار را در چهل سالگی سروده است. طبع که با عقل به دل‌الگیست

منتظر نقد چهل سالگیست تا بچهل سال که بالغ شود

خرج سفرهاش مبالغه شود^۸
۳- در صفحه دوازده کتاب راجع به نحوه ورود شمس تبریزی به شهر قونیه آمده:

«از دور شخصیتی نزار و ژولیده و به ظاهر بی‌سواد و محروم از علم و دانش دیده می‌شود.» نکته قابل تأمل در جمله یاد شده این است که شمس در سال ۶۴۲ هجری برای نخستین بار پای به شهر قونیه نهاد و بدرستی کسی در مورد شخصیت و سوابق او آگاهی نداشت. اوصافی مانند نزاری، لاغری و ژولیدگی معیارهایی هستند که از طریق مشاهده ظاهر قابل درک و قضاوتند اما چه معیار و ملاک موجهی برای اثبات بی‌سوادی و محرومیت او از علم و دانش وجود داشته؟ آیا ژولیدگی خود می‌تواند دلیلی متقن و موجه برای اثبات بی‌سوادی کسی باشد؟ و آیا اصلاً از طریق ظاهر افراد می‌توان در نخستین لحظه ملاقات به تمامی ویژگیهای ظاهری و باطنی آنان پی برد؟^۹ آیا بهتر نبود که بدینگونه استدلال می‌شد که اقامت شمس در شهر قونیه و مصاحبت و همراهی او با مولانا و شاگردانش این نکته را به اثبات رسانید که او از علوم کلاسیک بهره‌ای نداشته اما در عوض از علوم لدنی بهره‌های سرشاری داشته، یا توجه به اینکه اهمیت و ارزش علوم لدنی تا به اندازه‌ای است که به هیچ‌وجه با علوم اکتسابی و رسمی قابل مقایسه نیست.

۴- در صفحه بیست و یک کتاب جمله‌ای ذکر شده که از نظر تاریخی اعتبار و صحت ندارد: «اما بعد از این که مولانا برای بار دوم آن شمس را در هاله‌ای از غیبت و در پس پرده‌های ضخیم و سهمگین ابرهای تیره و تار

یافت، سراغ صلاح‌الدین زرکوب رفت. صلاح‌الدین آدم باسوادی نبود ولی خوش مشرب و خوش دل بود و مولانا دختر خود را به عقد او درآورده بود.»

جمله «مولانا دختر خود را به عقد او درآورده بود» از دو جهت با مشکل اساسی مواجه است. اشکال نخست در عدم استناد به منبع و مأخذ معتبر است. مؤلف در اثبات این جمله به هیچ مأخذ و منبعی استناد نکرده است.

دوم این که در هیچ منبع و مأخذ معتبری مشاهده نشده که مولانا دختر خود را به صلاح‌الدین زرکوب داده باشد. بلکه با شواهد و مستندات دقیق که بدان اشاره خواهیم نمود عکس این نکته ثابت می‌شود. در حقیقت مولانا دختر صلاح‌الدین زرکوب را به عقد پسر خویش «سلطان ولد» درآورده بود.

در این قسمت به منظور اثبات صحت گفتار خویش به کتاب مولانا جلال‌الدین اثر طبع محقق شهیر کشور ترکیه مرحوم «عبدالباقی گولینارلی» که از جمله کتب بسیار علمی و مستند در باب زندگی مولاناست، استناد می‌جویم.

«مولانا، فاطمه خاتون دختر صلاح‌الدین را به عقد سلطان ولد درآورد روز عقد سماع برپا شد و مولانا این غزل را سرود:

بادا مبارک در جهان سور و عروسیهای ما

سور و عروسی را خدا ببرد بر بالای ما»^{۱۰}
مولانا پس از این ازدواج نامه‌ای در سفارش رعایت حال عروش به سلطان ولد نوشته است: «وصیت می‌کنم جهت رعایت شاهزاده و روشایی دل و دیده‌ما و همه عالم که امروز در حباله و حواله آن فرزندست.»^{۱۱}
صلاح‌الدین زرکوب، دختر دیگری نیز داشته که او را به عقد یکی از اساتید خط دربار درآورده است: «صلاح‌الدین به جز فاطمه خاتون، دختر دیگری نیز به



در مصافق تند باد

بخشعلی قنبری

انتشارات برسات، چاپ اول، ۱۳۷۹

نام هدیه خاتون داشته است همچنان روزی فرمود که فاطمه خاتون رضی الله عنها چشم راست من است و خواهرش هدیه خاتون چشم چپ من است می خواستند این دختر صلاح الدین را به ازدواج شخصی به نام نظام الدین خطاط درآورند ظاهراً این شخص استاد خط دربار بوده است. هدیه خاتون که در خانه مولانا بزرگ شده بود، توانایی تهیه جهیزیه نداشت. مولانا فرمود تا از سرای گرجی خاتون زوجۀ معین الدین پروانه، استاخاتون را که معلم دختران سلاطین بود، خوانند و از وی برای تهیه جهیزیه هدیه خاتون مدد خواست آن اندازه جهیزیه فراهم آمد که آن را نصف کردند و یک نیمه آن به هدیه خاتون دادند، مولانا در مراسم عقد این دختر نیز به سماع پرداخت و غزلی ساخت.^{۱۲}

۵- در صفحه سی و سه کتاب آمده:

«اطرافیان مولانا، او و شمس را به حال خود رها نکردند و آنان را چنانکه اشاره شد در معرض اتهامات خردکنندۀ ای قرار دادند تا جایی که مولانا مجبور به فرار شد.»

در جمله «مولانا مجبور به فرار شد» دو اشکال عمده وجود دارد:

نخست این که به هیچ منبع و مأخذ معتبری استناد نشده است و دیگر آن که در هیچیک از منابع و مأخذ معتبری که در باب زندگی مولانا به رشته تصنیف درآمده، اشاره‌ای به فرار مولانا چه قبل از غیبت طولانی شمس و چه بعد از آن نشده است و اصلاً مشخص نیست که مؤلف این جمله را براساس کدامین برداشت و سند تاریخی بیان نموده است؟ با توجه به این که فراری که مؤلف بدان اشاره کرده به شمس الدین تبریزی تعلق داشته است نه به مولانا.

شمس الدین تبریزی یک بار در سال ۶۴۳ هـ. بطور موقت و بار دیگر به سال ۶۴۵ هـ. برای همیشه ناپدید گردید.^{۱۳}

۶- در صفحه شصت و دو کتاب آمده:

«خوش ترین ایام سکوت و آرامش مولوی که مجال نظم مثنوی و تحقیقات علمی و عرفانی به وی داد، همان ده سال آخر عمر او بوده است. این ده سال شبیه جنون ادواری بود که گاهگاه او را می گرفت تا نعره‌های مستانه سر می داد.»

نکته‌ای که در عبارات بالا موجب ابهام جمله شده است، اصطلاح «جنون ادواری» است.

با توجه به اینکه ده سال آخر عمر مولانا ایام سکوت و آرامش بوده، به طور دقیق مشخص نیست که منظور نویسنده از استعمال این کلمه چه بوده است؟ مرحوم گولینارلی درباره‌ی این دوران که از آن به عنوان دوران کمال و آرامش یاد می کند، چنین گفته: «صلاح الدین زرکوب با متانت و تمکین خود او را تسکین بخشید و از عالم جذبه و تلاطم و راهانید و با

جهان تمکین آشنایش ساخت و به جای زهد ویران شده و بر باد رفته، عرفان را نشانند دیگر مولانا به کته و ماهیت همه چیز می نگریست و درونسوی هر چیز را می دید قرعۀ این مهم به نام حسام الدین چلبی زده بودند که کمالات این عارف کمال یافته متقلب شده و در انقلاب زیسته را اشاعه دهد.^{۱۴}

همچنین در توصیف کتاب مثنوی که در همین دوره کمال و آرامش به رشته تصنیف درآمده، گولینارلی معتقد است که: «در مثنوی ترتیب جزمی و نظام کلاسیک وجود ندارد و چیزی طبیعی تر از این نمی تواند باشد. چرا که مثنوی کتابی نیست که زانو خم داده و تألیف کرده باشند و یا به یاری تفکر مطالب را در کنار هم قرار داده باشند... شکل گرفتن آن ادواری است و این ادواری بودن هم از خود اوست به شکل جهان شبیه است.»^{۱۵}

۷- در صفحه شصت و شش کتاب در مصاف تندباد آمده:

«عرفان مولانا در وهله اول انفسی و از نوع عرفان حسی است و در مراحل پایانی زندگی به عرفان انفسی و غیرحسی.»

با توجه به مفاد کتاب و آن برداشت و تقسیم بندی که مؤلف درباره تجربه‌های عرفانی مولانا داشته است، یادآوری این نکته ضروری می گردد که عرفان انفسی نمی تواند از نوع عرفان حسی باشد بلکه آنچه از نوع عرفان حسی محسوب می شود، عرفان آفاقی است نه انفسی که ملموس و قابل رؤیت است.

نکته دیگر آن که جمله دوم از نظر رعایت قوانین نگارشی کامل نیست و نیازمند به فعلی است که مفهوم و معنی آن را کامل کند. در واقع جمله باید بدین صورت اصلاح شود:

«... و در مراحل پایانی زندگی به عرفان انفسی و غیرحسی تبدیل گردید.»

۸- در صفحه هفتاد و هشت کتاب، به نمازی اشاره شده که مولانا را در واپسین لحظات حیات از مرگش آگاه نموده: «همین نماز است که او را از سفر آخرت آگاه کرده است.» همچنین در فصل چهارم کتاب گفته شده: «در همین نماز است که از سفر آخرت آگاه می شود.»

در جملات یاد شده، عبارت «همین نماز» مبهم است. در حقیقت به درستی و روشنی درباره این عبارت توضیح داده نشده که مقصود از «همین نماز» کدام نماز است؟ کی، چگونه و چه وقت اقامه شده است؟! متأسفانه به هیچ منبع و مأخذی نیز اشاره نشده است.

در ضمن، با تحقیقات و مطالعات انجام یافته در کتاب مولانا جلال الدین بلخی اثر مرحوم عبدالباقی گولینارلی، به هیچ وجه اشاره به نمازی که در آن خبری از مرگ مولانا داده باشد، نیست. با توجه به این که کتاب مذکور در بیان حوادث و رویدادهای واقعی زندگی مولانا

از دقت خاصی برخوردار است و از ذکر هیچ نکته مهمی فروگذار نمی کند و از این حیث اثری بسیار معتبر و دقیق محسوب می گردد.

ب - مواردی که لازم است افزوده گردد و یا اصلاح شود:

اصولاً مباحث و موضوعات عرفانی باید مستدل و مستند بوده و براساس کتب معتبر و ارجاعات صحیح بیان گردد زیرا درک اینگونه مباحث براحتی برای همه مقدور نیست. بنابراین مستند بودن و ذکر شاهد مثال به درک صحیح و اعتبار علمی اینگونه موضوعات می افزاید. متأسفانه این کتاب چندان به این نکته توجه ننموده است که لازم است به نمونه‌هایی از آن اشاره نماییم:

۱- در صفحه چهل گفته شده: «یکی از مبانی‌هایی که در تجربه عرفانی می توان از آن یاد کرد، این است که بین انسان و خدا قرابت ذاتی وجود دارد.» عبارت مذکور از جمله مواردی است که استناد آن به آیه، حدیث و یا حتی ذکر شاهد مثال از متون نظم و نثر عرفانی موجب آراستگی و درک بهتر آن می گردید. بسیار بجا و شایسته بود که حداقل به آیه مبارکه «نحن اقرب الیه من جبل الوریث»^{۱۶} اشاره می شد.

در صفحه پنجاه و نه آمده: «منظور مولوی از حیرت‌زایی خداوند در واقع همراه شدن انسان به واسطه خداوند نیست چنانکه در برخی آیات قرآن به آن اشاره شده است.»

آیا شایسته نبود که حداقل به یک آیه اشاره می شد؟

۲- در صفحه هفده کتاب که با عنوان «قمار عاشقانه» ارائه شده، اینگونه آمده:

«مولانا پیش از دیدار با شمس، فقیه و عالم محتشمی بود و به تعبیر خود سجاده‌نشین با وقار و



عالمی روحانی و مسلط به علوم زمان خود و پس از دیدار با شمس، مولوی شد.»

همچنین در صفحه هجده آمده: «وقتی این موانع را کنار زد آنگاه آن تابش همیشگی در دلش پیدا شد و به مولانا تبدیل گردید.»

آیا بهتر نبود که مؤلف به جای استفاده از کلمه «مولوی یا مولانا» از عباراتی چون «مولوی دیگر»، و یا «مولانایی دیگر» استفاده می نمود تا تفاوت و تحول شخصیتی او قبل و بعد از ملاقات با شمس تبریزی کاملاً مشخص می گردید؟

۳- در صفحه چهل و یک کتاب آمده: «بنده آنقدر در نوافل ادامه می دهد تا اینکه به مقام محبت من می رسد و وقتی که او را محبوب خود گردانیدم...»

ذکر «حدیث نوافل» در متون عرفانی آنقدر مشهور است که بسیار بجا و شایسته بود که به عبارت عربی خود حدیث نیز در متن اشاره می گردید تا خواننده با متن زیبایی حدیث آشنایی پیدا می کرد.

«لایزال عبدی یتقرب الی بالنوافل حتی احیه فاذا احبته کنت له سمعاً و بصرأ و یدأ و مؤیدأ و لسانأ بی یسمع و بی یبصر و بی ینطق و بی یبطش»^{۱۷}

۴- در صفحه چهل و یک کتاب آمده: «دویدن خدا، گام برداشتن او به طرف آدمی، در واقع همان لحظه پرده برداری از جمال خود است که آن را تجربه حالت عرفانی می نامیم که از طریق انجام عبادات به آن نایل می شود.»

نکته قابل توجه این است که عبارت «دویدن خدا و گام برداشتن او به طرف آدمی» باز از جمله مواردی است که لزوم ذکر شواهد امثال از آیات و یا احادیث را ایجاد می نماید که متأسفانه در کتاب بدان اشاره ای نگردیده است. در آیات قرآنی به نظایر این موارد اشاره شده است: «و جاء ربک والملك صفا صفا»^{۱۸}

حکیم سنایی غزنوی (م. ۵۳۵ هـ.) نیز در حدیقه الحقیقه خویش به «آمدن و گام برداشتن پروردگار» و مفهوم دقیق آن اشاره می نماید و می گوید: ید او قدر تست و وجه بقاش

آمدن حکمش و نزول عطاش
قدمینش جلال قهر و خطر

اصبعینش نفاذ حکم و قدر^{۱۹}

۵- در صفحه پنجاه کتاب آمده: «عارفی که دستخوش حال کوتاه «آمدنی» می شود ممکن است دیگر هرگز آن حال را باز نیابد.» آیا بهتر نبود که به جای عبارت «حال کوتاه آمدنی» از اصطلاح معروف و جاافتاده «وارد»^{۲۰} و یا «حال»^{۲۱} استفاده می شد؟

۶- مؤلف در صفحه هفتاد و چهار کتاب می گوید: «عارف وقتی به توفیق دیدار با خدا نایل آمد

می تواند باطن افراد را ببیند و از واقعیت آنها خبر دهد.» آن چه که در جملات مذکور بدان اشاره شده در اصطلاح عرفانی همان «کراماتی»^{۲۲} است که به افراد کامل و واصلین حق منسوب است، چنان که نمونه های آن را در زندگی عرفا^{۲۳} مشاهده می نماییم. متأسفانه در این قسمت نیز مؤلف اصلاً از اصطلاح «کرامت» نامی نمی برد.

۷- در صفحه هفتاد و چهار به نقل از کتاب مناقب العارفين افلاکی آمده:

«به شکرانه آن عنایت، غایت بندگیها می کنم و بر موجب «افلاطون عبداً شکورا» می کوشم و می جوشم تا مگر اصحاب را به اجمالی و کمالی و حالی توانم رسانیدن.»

از آن جایی که ظاهر آیه مشکوک به نظر می رسید به کتاب مناقب العارفين مراجعه گردید. آیه ای که در متن کتاب بدان اشاره شده باید به صورت زیر اصلاح گردد.

«افلا اکون عبداً شکورا»

۸- در صفحه هشتاد کتاب که مربوط به فصل چهارم (مرگ مولانا) است، مؤلف به چگونگی وفات مولانا و گفتگوی او با مریدانش پرداخته است. آنچه که جای آن در این مبحث بسیار خالی است دیدگاه مولانا در باب مرگ و نگرش او در این زمینه بوده، در مثنوی و دیوان شمس در این باره، مباحث بسیار دقیق و عمیقی بیان شده که بسیار بجا و شایسته بود که حداقل به گوشه هایی از آن اشاره می گردید.

به اعتقاد مولانا مرگ عامل کمال محسوب می گردد و در واقع انسان با مردن از یک صورت به صورتی متکامل تر تبدیل می شود:

از جمادی مردم و نامی شدم
وز نما مردم به حیوان سر زدم

مردم از حیوانی و آدم شدم

پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حملة دیگر بیمیرم از بشر

تا برآرم از ملایک پر و سر
وز ملک هم بایدم جستن زجو

کل شی هالک الا وجهه
بار دیگر از ملک قربان شوم

آنچه اندر وهم ناید آن شوم
پس عدم کردم عدم چون ارغنون

گویدم که «انا الیه راجعون»^{۲۴}
همچنین مولانا در دیوان غزلیات شمس، مرگ را

اینگونه توصیف می نماید:
به روز مرگ چو تابوت من روان باشد

گمان مبر که مرا درد این جهان باشد
برای من مگری و مگو دریغ دریغ

بدوغ دیو درافتی دریغ آن باشد

جنازه ام چو ببینی مگو: فراق فراق

مرا وصال و ملاقات آن زمان باشد

مرا بگور سپاری مگو: وداع وداع

که گور پرده جمعیت جنان باشد

فرو شدن چو بدیدی بر آمدن بنگر

غروب، شمس و قمر را چرا زیان باشد؟

ترا غروب نماید ولی شروق بود

لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست؟

چرا به دانه انسانیت این گمان باشد^{۲۵}

ج - عدم استناد به منابع و مآخذ و اختلال و آشفتگی در نحوه ارجاع به منابع:

از جمله مواردی که به اعتبار و ارزش یک اثر کمک شایانی می کند استناد آن به منابع و مآخذ معتبر و علمی و نحوه صحیح استفاده از منابع است. متأسفانه در این کتاب با مواردی مواجه گردیدیم که در آن نه به منابع استناد گردیده و نه به طور اصولی و صحیح و علمی به منابع و مراجع، ارجاع داده شده است.

۱- در پاراگراف انتهایی صفحه یازده کتاب سخنی از محمد غزالی نقل شده است بدون این که در پاورقی از منبع و مآخذ آن نامی برده شود:

«من در مقولات مذهب برهان را دارم و در شرعیات مذهب، قرآن را.»

در صفحه چهارده نیز سخنی از بایزید بسطامی نقل گردیده بدون آن که از منبع و مآخذ آن سخنی به میان آید: «یک روز بایزید بر مریدانش خطابه ای ایراد می کرد که یکبارگی از حال هوشیاری برفت و در حالت سُکر و مستی سخنانی بر زبان جاری کرد و گفت: انی انالله، سبحانی و ما اعظم شأنی.» و در صفحه سی و چهار کتاب، سخنی از قول شمس الدین تبریزی نقل گردیده بدون ذکر مآخذ: «تا شمس در جواب درخواست سلطان ولد بگوید: این بار چنان خواهیم رفتن که هرگز اثری از من یافته نشود.»

در صفحه هشتاد و چهار، داستانی نقل شده بدون این که از مآخذ این داستان، نامی برده شود: «نقل است که صدرالدین قونوی شیخ الاسلام و عارف و محدث بزرگ که در گذشته بارها بر ضد خداوندگار به تحریک توطئه رقیبانه هم پرداخته بود و اکنون این لحظه پایانی در کنار بسترش بود به گوشه چشم شفقت و محبت می نگریست...»

در صفحات شصت و هشت و هفتاد و شش نیز همین اشکال تکرار می شود.

۲- در پاروکی صفحه شانزده نیز در مورد مآخذ بیتی تنها به کلمه «همان» اکتفا شده، بدون اینکه شماره صفحه کتاب مورد نظر، ذکر شود. در صفحه سی و

هفت باز همین اشکال وجود دارد.

۳- متأسفانه مؤلف در نحوه ارجاع به منابع و مآخذ از قاعده مشخص و مدونی پیروی نمی‌کند.

بعنوان مثال در پاورقی صفحه سی، بدون این که از کتاب خاصی نام برده شود، از همان ابتدا اینگونه ارجاع داده شده: «همان، دفتر ۱، ابیات ۳۶۸۹، ۳۶۸۸، ۳۷۰۵». نکته قابل تذکر این است که برای خواننده آشنا با محتوا و سبک ابیات مشخص است که مقصود از همان، کتاب مثنوی است. اما برای خواننده ناآشنا با متون، کلمه «همان» مبهم خواهد بود. با توجه به اینکه شیوه علمی و صحیح در روش تحقیق این است که در چنین مواردی برای نخستین بار در صفحه‌ای باید از نام کتاب، نویسنده، و شماره صفحه مآخذ نام برده شود و در ارجاعات بعدی می‌توان از کلمه همان استفاده نمود.

این اشکال در صفحه سی و یک، چهل و شش، چهل و هفت و پنجاه و دو نیز مشاهده می‌شود. گاهی هم در مورد دو بیتی که دقیقاً بدنبال هم قرار دارند، دوبار ارجاع داده شده است. مثلاً در پاورقی صفحه هجده کتاب آمده: «دیوان کبیر، غزل ۱۳۹۳، بیت ۱۴۷۴۸ و بلافاصله در ارجاع دوم آمده: «دیوان کبیر، غزل ۱۳۹۳، بیت ۱۴۷۴۹» در حالی که شیوه علمی این است که به یک بار ارجاع اکتفا گردد.

همچنین در پاورقی صفحه بیست و دو برای ارجاعات دوم و سوم می‌بایست به کلمه «همان، ص...» اکتفا می‌شد.

در صفحه چهل و یک در ابیات:

شرح عشق از من بگویم، بر دوام

صد قیامت بگذرد و آن ناتمام

ز آنک تاریخ قیامت را حدست

حد کجا آنجا که وصف ایزدست

عشق را پانصد پرست و هر پری

از فراز عرش تا تحت‌الثری

مؤلف دو بار مآخذ داده است بگونه‌ای که مآخذ بیت اول را در یک صفحه و مآخذ ابیات دوم و سوم را در صفحه‌ای دیگر ذکر کرده است. این در حالی است که این سه بیت در مثنوی به دنبال یکدیگر قرار دارد. شیوه و طریقه علمی این بود که مؤلف، مآخذ هر سه بیت را یکجا و در پایان بیت سوم ذکر می‌نمود.

۴- در صفحه بیست و یک کتاب، بدون این که حد و مرز سخن منقول از کتاب شکوه شمس اثر «آن ماری شیمل» مشخص گردد در پایان پاراگراف بدان ارجاع داده شده است و اصلاً مشخص نیست که سخن منقول از کتاب شکوه شمس، از کجا آغاز می‌شود.

۵- در صفحه بیست و نه کتاب، مآخذ تعریفی که از اصطلاح عرفانی «لب» گردیده، ذکر نشده است: «این نکته را باید بدانیم که لب در اصطلاح عرفانی همان نفس رحمانی است که بر همه موجودات افاضه وجود

می‌دهد و به صورت اشیاء تجلی پیدا می‌کند».

۶- در صفحه سی و چهار، ابیات از دیوان غزلیات شمس ذکر شده، بدون این که ابتدا در پاورقی از دیوان شمس، شماره غزل و یا اصولاً مآخذ آن نامی برده شده باشد.

بروید ای حریفان بکشید یار ما را

به من آورید آخر صنم گریز پا را
در صفحه پنجاه و هشت کتاب نیز این اشکال به چشم می‌خورد.

۷- در صفحه سی و شش، بیتی از خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی ذکر گردیده و در پاورقی کتاب اینگونه ارجاع داده شده: «دیوان حافظ، ص ۱۵۰» از آن جایی که دیوان خواجه شیرازی دارای نسخه‌ها و تصحیح‌های متعددی است، اسلوب علمی در چنین مواردی اقتضاء می‌کند که حتماً از نسخه استفاده شده و مصحح آن نیز نامی به میان آید.

۸- در صفحه چهل و نه کتاب که با عنوان «مقایسه تجربه‌های عرفانی انقسی و آفاقی» آمده، دو نکته قابل بررسی و تذکر است:

نخست این که در پاراگراف دوم به تفاوت موجود بین تجربه‌های عرفانی انقسی و آفاقی پرداخته شده و در ضمن کلام به اصطلاحاتی مانند «واحد حقیقی» که از قول فلوطین نقل گردیده، برمی‌خوریم بدون این که در پاورقی از مآخذ و منبع این مطالب ذکر می‌باشد. آمده باشد.

نکته دیگر آن که اگر سخن منقول از فلوطین تیز همچون مطالب قبلی از کتاب عرفان و فلسفه اخذ شده باشد باید در پاراگراف دوم حد و مرز آن بوسیله علامت گیومه مشخص می‌گردید در حالی که این اصل منطقی رعایت نشده است.

در صفحه پنجاه و چهار کتاب هم این اشکال و ابهام وجود دارد.

مسئله اینگونه آشفتگی‌ها در نحوه ارجاع به منابع و مآخذ، موجب ابهام و آشفتگی در فهم و درک مفهوم کتاب خواهد گردید.

۹- صحت و اعتبار علمی منابعی که در یک اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد از جمله مواردی است که باید بدان توجه نمود.

در این کتاب به کرات به حکایات و داستان‌های کتاب مناقب العارفین استناد گردیده است. یادآوری این نکته خالی از فایده نخواهد بود که هر چند مناقب العارفین شمس‌الدین افلاکی از جمله کتب معروفی است که در باب زندگی و حیات مولانا به رشته تصنیف درآمده اما در صحت و اعتبار بسیاری از مطالب و حکایت‌های منقول از آن، جای تردید وجود دارد و چندان نمی‌توان به ارزش و اعتبار آنها تکیه نمود. در حقیقت افلاکی از جمله مریدان سراپا شیفته مولانا بوده

و مسلماً ذکر بسیاری از حکایات و داستان‌ها، نشان‌دهنده عمق ارادت و عشق و علاقه او به مرادش بوده است که در صحت تاریخی آنها جای تردید است.

خوشبختانه در دو دهه اخیر تحقیقات و پژوهشهایی درباب زندگی و حیات مولانا به وسیله نویسندگان معروف ایرانی و خارجی صورت گرفته که غبار افسانه و خرافات را از چهره حقیقی زندگی او زدوده است.

د - آشفتگی در فهرست منابع و مآخذ (کتابنامه):

۱- از جمله منابعی که در این کتاب بسیار بدان استناد شده و بلکه تقریباً تمامی مطالب فصل دوم از آن اخذ گردیده کتاب عرفان و فلسفه اثر «والتر ترنس استین» است.

نکته جالب توجه این است که مؤلف ابتدا در فهرست منابع و مآخذ خویش از این کتاب نامی نمی‌برد. اصولاً شیوه مؤلف در فهرست منابع و مآخذ یکدست و منظم نیست. شناسنامه برخی از منابعی که در متن کتاب از آنها استفاده شده در فهرست منابع و مآخذ ذکر شده است اما از تعداد دیگری از منابعی که از آنها استفاده گردیده ابتدا نامی برده نشده است، که به غیر از کتاب «عرفان و فلسفه» می‌توان به منابع زیر اشاره نمود که اسامی آنها در کتابنامه نیامده است:

1- William James, the varieties of religious, experience Newyourk modern Library. 38p.

۲- زندگی مولانا جلال‌الدین بلخی، اثر استاد بدیع‌الزمان فروزانفر

۳- گلشن راز شیخ محمود شبستری

۴- دیوان حافظ (بدون نام مصحح)

۵- درآمدی به فلسفه، رندل (بدون نام مترجم)

۶- اللمع فی التصوف، ابن سراج

۷- شرح جامع مثنوی، کریم زمانی

۸- پله پله تا ملاقات خدا، استاد زرین کوب

۹- هشت کتاب، سهراب سپهری

۱۰- نفحات الانس، جامی

۱۱- فروم، اریک عرفان مولوی، ترجمه سعید علوی نائینی.

نکته قابل تذکر دیگر اینکه در فهرست منابع و مآخذ این کتاب نیز آشفتگی‌هایی به چشم می‌خورد. بعنوان مثال در ذکر شناسنامه منبع سوم آمده:

- احیاء علوم‌الدین، غزالی، ج ۴ ص ۲۷۸، به نقل از ابعاد عرفانی اسلام، ص ۲۴۶.

در این جا لازم است که به دو نکته اشاره نماییم: نخست این که در فهرست منابع و مآخذ، هرگز شماره صفحه کتاب قرار نمی‌گیرد.

دیگر آن که مصحح کتاب احیاء علوم الدین و مؤلف کتاب ابعاد عرفانی اسلام و مؤسسه انتشاراتی این آثار مشخص نیست.

۲- در فهرست منابع و مآخذ (کتابنامه) معمولاً نام شہری که کتاب در آن منتشر شده است باید قبل از مؤسسه انتشاراتی قرار گیرد. در این کتاب چنین اصلی، رعایت نشده است.

۳- فهرست منابع و مآخذ باید براساس نام کتاب و یا مؤلف تنظیم گردد و الفبایی شود. متأسفانه در این کتاب این نظم و اصول در فهرست منابع و مآخذ، رعایت نشده است.

۴- بسیار بجا و شایسته بود که مؤلف به جای عنوان «منابع و مآخذ» به عنوان «برخی از منابع و مآخذ» اکتفا می نمودند.

ن - عدم رعایت نکات دستوری و اصول نگارشی:

رعایت نکات دستوری و اصول و قواعد آیین نگارش در پختگی و رسایی و در نتیجه فهم و درک بهتر مطالب مؤثر است و متن پیراسته و آراسته به متنی اطلاق می شود که در آن نظم و ترتیب ویژه ای از نظر کاربرد جملات و رعایت اصول و قواعد نگارشی مشاهده شود. متأسفانه این کتاب آکنده از انواع اشکالات و نارسایی های دستوری و نگارشی است که در بسیاری از موارد موجب ابهام در درک مفهوم عبارات گردیده است. از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- آوردن دو ضمیر اشاره در کنار هم؛ بعنوان مثال در صفحه سه کتاب آمده:

«هر چند که آشنایی بیشتر با آن عارف بزرگ، آدمی را از گفتگوی با او بی نیاز نمی کند بلکه این آن را شدیدتر می سازد.»

۲- در برخی از جملات نیز فعل بدون هیچگونه قرینه لفظی و یا معنوی موجهی حذف شده است که این

امر نه تنها از نظر دستوری و قواعد آیین نگارش به ساختار جمله آسیب وارد می کند بلکه درک و فهم جمله را نیز دشوار می سازد؛ بعنوان مثال، در صفحه چهار کتاب آمده:

«و از سوی دیگر خورشید گونه است که تمام ذرات وجودش به رقص دایمی مشغولند و سر از پا نمی شناسند و جز بساطت و بشاشت و فرحناکی حالتی دیگر.»

همانطور که ملاحظه می شود، جمله پایانی کامل نیست و نیازمند به فعل است.

۳- استعمال برخی از ترکیبات و کلمات نیز در جمله رسا نبوده و عاری از اشکال نیست. مانند «ذره وار، کارمند...» در صفحه چهار کتاب آمده:

«بر این اساس آنچه از مولوی شناخته ام این است که او والہ و شیدای ذره واری است که آفتابی را رها کرده و چون ذره ای در بطن و متن هستی قرار یافته و در کمین صیاد حق نشسته است تا به صیدش برسد. او همان کارمندی است که پس از حصول معرفت...»

و در صفحه هشتاد آمده: «به عنوان مثال در داستان مدیر و کارمندش به این نکته تصریح کرده است.»

همانطوریکه ملاحظه می گردد، مؤلف در چند جمله از کلمه «کارمند» استفاده نموده است. در حالی که با بررسی های به عمل آمده ثابت گشته که مولانا در مثنوی خویش حتی یک بار هم از این کلمه استفاده ننموده است.

۴- در صفحه چهار آمده: «با این وجود تنها کسانی می توانند مولوی را درک و به فحوای اصلی اشعار او پی ببرند که شہدی از تجربه های شیرین او چشیده باشند.»

نکته قابل تذکر در جمله بالا این است که از فعل مرکب «درک کردن» تنها یک جزء آن ذکر شده و سپس با حرف ربط «و» به جمله بعدی متصل گردیده است که از نظر دستوری و قواعد نگارشی اشتباه است. در صفحه بیست و دو نیز این اشتباه تکرار می گردد:

«فقها و علمای اهل سنت آن عصر در برابر مشی و اقدامات، واکنش های منفی نشان دادند و فتاوایی علیه او صادر و او را به ارتداد متهم و به واقع او را در محاصره ای عظیم گرفتار کردند.»

۵- در صفحه پنج کتاب گفته شده:

«اینجاست که نغمه سحرآمیزی را طنین نی نامہ مولانا خواهد شنید و به سکوت و آرامش خواهد رسید و به تجربه های عظیمی دست خواهد یافت.»

عدم وجود «حرف اضافه» در جمله یاد شده، موجب ابهام در درک کلام گردیده است. زیرا به درستی مشخص نیست که «آیا شنونده نی نامہ به سکوت و آرامش می رسد؟» و یا «خود طنین نی نامہ به سکوت و آرامش دست می یابد؟» در حالی که با افزودن حرف اضافه، از مفهوم عبارت رفع ابهام می گردید: «اینجاست

که نغمه اسرارآمیزی را از طنین نی نامہ مولانا خواهد شنید.»

۶- در برخی از جملات، تعدی در هماهنگی بین فاعل و فعل از حیث مفرد و یا جمع بودن شناسه فعل و انطباق آن با فاعل جمله به چشم می خورد که به هیچ وجه ضرورتی نداشته است. بعنوان مثال در صفحه هفت کتاب آمده:

«مادرش مؤمنه خاتون و پدرش بهاء ولد بوده اند.»

۷- در صفحه هفت کتاب گفته شده:

«اگر با همین اندک اطلاعات بخواهیم شخصیت مولانا را مورد بررسی قرار دهیم باید بگوییم که شخصیت او را از همان نکته می توان به دست آورد.»

جمله یاد شده از دو جهت قابل تذکر است: نخست این که در دستور زبان فارسی معمولاً صفت بعد از موصوف قرار می گیرد چنانکه باید گفت: «اطلاعات اندک»

نکته دوم آنکه بدرستی مقصود از عبارت «همان نکته» که در قسمت پایانی جمله آمده، مشخص نیست و معلوم نیست که غرض از «همان نکته» کدام نکته است؟ و اگر مقصود مؤلف از «همان نکته» جملات قبلی باشد که در آن فقط به سال تولد و نام پدر و مادر مولانا اشاره شده، باید گفت که این اطلاعات چندان کافی نیست که حدس ما را در مورد آینده او تأیید کند.

۸- عدم هماهنگی زمان افعال در جملاتی که به یکدیگر متصل هستند.

بعنوان مثال در صفحه هشت کتاب آمده: «به هر حال مولانا در مکتب چنین پدری رشد می کند تا اینکه با عطار نیشابوری ملاقات کرد و عطار بهاء ولد را به صیانت از مولانا سفارش می کند و او هم با توجه به تأکیدی که عطار در مواظبت از مولانا داشت جهد بیشتری ورزید.»

و در صفحه چهل و یک گفته شده: «... به طوری که خود باید بفهمند که در حوزہ چنین رابطہ ای قرار گرفته است.»

۹- استعمال جملات طولانی نیز از مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد، هر چند که در زبان فارسی جملات طولانی هم استعمال دارد اما استفاده از آن باید با هنرمندی و دقت همراه باشد. متأسفانه در این کتاب استفاده از جملات طولانی به رسایی، درک مفاهیم و جمله بندی اصولی و منطقی آسیب وارد نموده است؛ بعنوان مثال به جملات زیر توجه نمایید:

«اگر این نظریه را بپذیریم که ما با اندیشه های خودمان زندگی می کنیم، اندیشه هایی که از راه های مختلف به نفس و ذهن ما به عنوان مهمان راه می یابند و حاضر می شوند، چنان تأثیری در ما از خود به جا می گذارند که توانایی دگرگون ساختن پیشینه ما را دارند.» (ص ۱۰)



نه تنها طولانی بودن این جملات به رسایی و درک مفهوم آن لطمه وارد نموده است بلکه زبان افعال جملات متصل به هم با یکدیگر انطباق ندارد.

اشکال دیگر آنکه مقصود از جمله «اندیشه‌هایی که از راه‌های مختلف به نفس و ذهن ما به عنوان مهمان راه می‌یابند» کاملاً مبین و مشخص نیست، اگر مقصود اصطلاح عرفانی «وارد» و یا «حال» است آیا بهتر نبود که به جای این عبارت تقریباً طولانی و نارسا، از اصطلاح عرفانی معروف و جا افتاده «وارد» و یا «حال» استفاده می‌گردید؟!

در صفحه ده کتاب آمده: «بنابراین شخصیتی مثل مولانا که از سیزده سالگی با این اندیشه‌ها آشنا بوده و نیز از اوان خردسالی تحت تربیت پدری چون بهاء‌ولد زیسته به طور طبیعی شخصیتش با آنها عجین شده و وجود شخصیت او گشته است»

و در صفحه نه گفته شده: «در آن زمان شهر حلب و دمشق از دو نظر حایز اهمیت بودند، یکی از نظر عرفانی و دیگری از نظر فقهی؛ زیرا فقه‌های حنفی عراق در شهر بغداد و به‌ویژه در شهر حلب و نیز عارفان نامدار آن روز را در دمشق اقامت داشتند».

همانطوری که ملاحظه می‌گردد جملات بالا عاری از اشکال نیست.

۱۰ - حذف کلمات و استعمال نابجای افعال؛ بعنوان مثال در صفحه نه کتاب آمده:

«غزالی با تأکید بر این نظریه می‌گوید که ما نباید گوش، چشم و حواس خود را در استفاده از داده‌های علمی دیگران آزاد بگذاریم و تا جایی که برایمان مقدور باشد در حفظ شخصیت دینی و واقعی خود بکوشیم».

همانطوری که ملاحظه می‌شود، فعل «نباید» در حقیقت هر دو جمله بعد از خود را منفی می‌کند و این حالت موجب اشتباه در درک سخن غزالی خواهد شد. در وهله اول به نظر می‌رسد که غزالی گفته: «ما نباید گوش، چشم و حواس خود را در استفاده از داده‌های علمی دیگران آزاد بگذاریم و نباید تا جایی که برایمان مقدور است...» در حالی که مسلماً مراد غزالی غیر از این بوده است. در واقع جمله‌بندی باید به گونه‌ای ترتیب داده می‌شد که رفع ابهام می‌گردید و مقصود سخن غزالی فهم و درک می‌شد؛ این امر با اضافه نمودن کلمه‌ای در قسمت دوم جمله، میسر می‌گردد. مثلاً به این صورت: «ما نباید گوش و چشم و حواس خود را در استفاده از داده‌های علمی دیگران آزاد بگذاریم و تا جایی که برایمان مقدور باشد باید در حفظ شخصیت دینی و واقعی خود بکوشیم».

در جمله زیر نیز کلمه‌ای حذف شده که موجب ابهام گردیده است:

«و در استحکام این بنا نه تنها از منقولات و

خطابات و مسلمات و از شعر نیز استفاده کرده» (ص ۱۰)

۱۱ - جمع بستن کلماتی که خود جمعند، مانند: «یکی از مبانی‌هایی که در تجربه عرفانی می‌توان از آن یاد کرد...» (ص ۴۰)

۱۲ - تکرار غیر موجه برخی از کلمات؛ مثلاً «خود» در جملات زیر:

«شمس به مولانا توصیه کرد که باید این موانع شکستگی خود را از پیش پای خود بردارد» (ص ۱۷)
در صفحه هجده آمده: «و مست دیدار او گشت که به اعتراف خود، حتی توان وصف او را هم نداشت چنانکه خود گوید...»

در صفحه بیست کتاب آمده: «مولوی نیک به یاد داشت که شمس به او توصیه کرده بود جز عشق به هیچ چیز دیگر نیاندیشد و جز او هیچ چیزی «چیز» محسوب نباید بشود».

۱۳ - جملات زیر نیز از نظر اصول جمله‌بندی و قواعد نگارشی، اشکال دارد:

«به هر حال همنفس ظاهری مولانا شدن، خود بس ارجمند است و ارزشمند» (ص ۵)

«مولوی خود را فراتر از آن می‌دید که همانند دینداران شریعتی در قالبی معین و مشخص محدود و منحصر بکند» (ص ۱۱)

«قصدم شمس هم در واقع زدن همین جرقه بوده است» (ص ۱۷)

«مولوی با آن شخصیتی که در خود فراهم کرد» (ص ۱۷)

۱۴ - عدم استفاده از نشانه‌گذاری‌ها و علائم نگارشی.

بر اساس قواعد و اصول آیین نگارش و ویرایش، سخن منقول از اشخاص و یا کتاب، باید بوسیله علامت گیومه محصور گردد، اما در این کتاب در برخی از موارد این اصل رعایت نگردیده و از این حیث گاهی موجب بروز ابهام شده است.

بعنوان مثال در صفحه دوازده کتاب آمده است: «مولوی همانند سایر عارفان شخصیتی بی‌پاک و اهل خطر بوده و ریسک‌های عظیمی می‌کرد. مهمترین خطر زندگی مولوی تغییر دادن شخصیت خود و دست بستن از تمام خواسته‌های خود بود»^۱

همانطوری که ملاحظه می‌گردد، پایان جملات با شماره یک مشخص شده است و در قسمت پاورقی به کتاب قمار عاشقانه زرد مولانا اثر طبع آقای دکتر عبدالکریم سروش، ارجاع داده شده است.

نکته مبهم این است که آیا جمله اول از این منبع اخذ گردیده و یا اینکه کل پاراگراف از کتاب مذکور، گرفته شده است؟

در صفحه بیست و یک هم حد و مرز سخن منقول

از کتاب شکوه شمس اثر «آن ماری شیمل» با علامت گیومه مشخص نشده است و بنابراین اشکال قسمت بالا، در اینجا هم صدق می‌کند. در صفحات سیزده، بیست و شش، چهل و یک و هفتاد و هشت نیز با آنکه در خاتمه برخی از جملات شماره‌ها و اعدادی وجود دارد ولی حدود جملات منقول، با علامت گیومه مشخص نگردیده است.

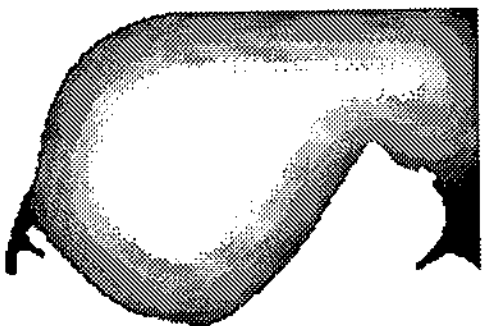
۱۵ - وجود حشو در برخی از جملات؛ بعنوان مثال در صفحه یازده آمده:

«مولوی خود را فراتر از آن می‌دید که همانند دینداران شریعتی در قالبی معین و مشخص، محدود و منحصر بکند» (دینداران شریعتی)

در صفحه دوازده گفته شده: «اطرافیان به تعظیمش در کنار او گامی پیش می‌گذاشتند تا بر اوج استادی وی بیافزایند و قدرشناس علم‌شناس علم و عالم باشند» (علم‌شناس علم)

۲ - استعمال غیر ضروری علائم و نشانه‌های نگارشی:

در استفاده از برخی از علائم و نشانه‌های نگارشی،



افراط صورت گرفته است از جمله می توان به علامت نقطه - ویرگول (!) اشاره نمود.

در صفحه پنجم کتاب آمده: «چرا که گوش ظاهر سپردن به تغمه روح نواز و سحرآمیز مولانا، آدمی را از سطح دنیای حس! که دنیای دون و خودی ها است فراتر می برد.»

و در صفحه نه آمده: «غزالی ضمن مخالفت با نظریه عدم تأثیر و تأثر معتقد است که آدمی سنگ نیست! که تأثیر نپذیرد.»

نیز در صفحه بیست و دو آمده: «در عشق به هیچ چیز حتی به آخرت نیز آمیدی نیست، بلکه آن به طور کامل یک قمار است که هرگز نتیجه آن قابل پیش بینی نیست. نه چیز دیگر!»

هـ استعمال کلمه «خودش» به جای «خویش یا خود»:

در صفحه هشت آمده: «به هر حال پدر مولانا، بهاء ولد، با توجه به اینکه خود از پیروان شیخ نجم الدین کبری بود، از سخنان عرفا در منابر خودش استفاده می کرد.»

و در صفحه ده گفته شده: «آدمی اگر در دوران کودکی مطالبی را بیاموزد و اندیشه ای را در دل خودش جایگزین نماید...»

دقت در انتخاب منابع و مأخذ و استفاده از نسخه ها و تصحیح های معتبری که از آثار ادبی و علمی بجای مانده از جمله مواردی است که به اعتبار یک اثر می افزاید. متأسفانه این کتاب در استفاده از برخی از منابع و مأخذ اساسی و اصلی چندان به اعتبار و صحت نسخه ها و تصحیح ها توجه نداشته است. تفاوت بین ابیات غزلیات دیوان شمس در این کتاب با آنچه که در نسخه معتبر این دیوان وجود دارد، خود گواهی صادق بر این مدعاست. لازم به یادآوری است که دیوان شمس دارای نسخه های متعددی است که اکثر آنها بازاری و فاقد اعتبار علمی است و به ظاهر جملگی براساس تصحیح مرحوم استاد بدیع الزمان فروزانفر ترتیب یافته اند در حالی که نسخه معتبر دیوان کلیات شمس همان نسخه تصحیح شده مرحوم استاد فروزانفر است که توسط انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۵۵ در ده مجلد به چاپ رسیده است.

اکنون به تعدادی از این تفاوتها اشاره می نمایم: در صفحه شانزدهم کتاب آمده:

سخن خوش است چشم تو و آن رخ گلفشان تو
دوش چه خورده ای بتا راست بگو به جان تو
بیت مذکور در نسخه معتبر دیوان شمس

بدین صورت ذکر شده:

سخن خوش است چشم تو و آن رخ گلفشان تو
دوش چه خورده ای دلا؟ راست بگو به جان تو^{۲۷}
در صفحه نوزده کتاب، بیت:

من چه گویم که رگم هوشیار نیست
شرح آن یاری که او را یار نیست
در اکثر نسخه ها و تصحیح های معتبر مثنوی این بیت به صورت زیر آمده:

من چه گویم یک رگم هوشیار نیست
شرح آن یاری که او را یار نیست^{۲۸}
همچنین در قسمت انتهایی صفحه بیست غزلی از دیوان شمس ذکر شده که ابیات سوم و پنجم آن بدینگونه است:

دوش دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت آدمم
نعره مزن جامه مدر هیچ مگو
من به گوش تو سخن های نهان خواهم گفت
تو به سر گوی بلی جز به سر هیچ مگو
در نسخه اصلی و معتبر دیوان شمس ابیات مذکور بدین صورت آمده:

دوش دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت
آدمم، نعره مزن جامه مدر هیچ مگو
من بگوش تو سخن های نهان خواهم گفت
سربخشان که بلی جز که به سر هیچ مگو^{۲۹}
همچنین در صفحه پنجاه و هشت غزلی از دیوان شمس با عنوان زیر آمده:

آه چه بی رنگ و بی نشان که منم
کی ببینم مرا چنان که منم...
نخست اینکه در پاورقی کتاب از مرجع و مأخذ و شماره غزل نامی به میان نیامده و دیگر آنکه ابیات شش تا نه این غزل در نسخه های معتبر دیوان شمس به صورت زیر آمده:

فارغ از سودم و زیان چو عدم
طُرفه بی سود و بی زیان که منم
گفتم: ای جان تو عین مایی گفت:
عین چه بود درین عیان که منم
گفتم: آنی بگفت: های خموش
در زبان نامدست آن که منم
گفتم اندر زبان چو درنامد

اینست گویای بی زبان که منم^{۳۰}
نکته دیگری که در نهایت باید بدان اشاره نمود اینک متأسفانه این کتاب با غلط های چاپی فراوان انتشار یافته است و بسیار شایسته بود که قبل از چاپ نهایی، غلط های آن تصحیح می شد زیرا در بسیاری از موارد غلط های چاپی موجب اختلال در وزن اشعار گردیده است.

والسلام

پانوشتها:

۱- سرنی، بحر در کوزه، پله پله تا ملاقات خدا.
۲- مثنوی معنوی، به تصحیح نیکلسن، انتشارات مولی، دفتر ۵، بیت ۱۸۸۴، ص ۱۲۰.

۳- در مصافق تنباده، بخشعلی قنبری، انتشارات پرست، ص ۳.
۴- همان کتاب، ص ۳.

۵- تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، به کوشش دکتر خطیب رهبر، انتشارات سعدی، ص ۲۲۶.

۶- سورة مبارکه احقاف، آیه ۱۵.
۷- برای کسب آگاهی بیشتر به کتاب سفرنامه ناصر خسرو مراجعه فرمایید.

۸- مخزن الاسرار، حکیم نظامی گنجه ای، به تصحیح مرحوم وحید دستجردی، انتشارات علمی، ص ۴۸.

۹- مولانا در داستان «پیرچنگی» خلاف این نکته را ثابت نموده است.

۱۰- مولانا جلال الدین محمد بلخی، عبدالباقی گولینارلی، ترجمه دکتر توفیق سبحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۹۹.

۱۱- همان مأخذ، ص ۲۰۱.

۱۲- همان مأخذ، ص ۲۰۳.

۱۳- به منظور کسب اطلاعات وسیعتر به بخش سوم کتاب مولانا جلال الدین بلخی، اثر عبدالباقی گولینارلی تحت عنوان «دوره آمادگی و طغیان در حیات مولانا» مراجعه شود.

۱۴- همان مأخذ، ص ۲۱۶.

۱۵- همان، ص ۲۱۸.

۱۶- سورة مبارکه ق، آیه ۱۶.

۱۷- کشف المحجوب، ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، به تصحیح و ژوکوفسکی، انتشارات طهوری، ص ۳۲۶.

۱۸- سورة مبارکه فجر، آیه ۲۲.

۱۹- حدیقه الحقیقه، حکیم سنایی غزنوی، به تصحیح مرحوم استاد مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۴.

۲۰- در مورد اصطلاح عرفانی «وارد» به کتاب فرهنگ اصطلاحات عرفانی اثر دکتر سید جعفر سجادی ص ۷۷۸ مراجعه نمایید.

۲۱- به کتاب کشف المحجوب هجویری، تصحیح و ژوکوفسکی، ص ۴۸۲ مراجعه نمایید.

۲۲- در باب مبحث کرامت و تفاوت آن با معجزه به کتاب کشف المحجوب هجویری، ص ۲۷۶ مراجعه نمایید.

۲۳- به کتاب تذکره الاولیاء شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، مراجعه فرمایید.

۲۴- مثنوی معنوی، به تصحیح نیکلسن، انتشارات مولی، دفتر ۴، ابیات ۳۹۰۱ به بعد، ص ۲۲۲.

۲۵- دیوان کلیات شمس تبریزی، به تصحیح استاد بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، غزل ۹۱۱، ص ۲۰۹.

۲۶- این غزل در جلد اول دیوان کلیات شمس، ردیف ۱۶۳ قرار دارد.

۲۷- همان کتاب، غزل ۲۱۵۲، ج ۵، ص ۲۴.

۲۸- مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسن، بیت ۱۳۰، ص ۱۰.

۲۹- دیوان کلیات شمس، ج ۵، غزل ۲۲۱۹، ص ۶۵.

۳۰- همان کتاب، ج ۴، غزل ۱۷۵۹، ص ۷۹.

بدی میل طبع به سوی کتاب
نمودی تأمل ز هر فصل و باب
به خواندن دل و جان برافروختی
همی وام داندگی توختی
چنین تا ز شهنامه شد بهره‌مند
ندیدم بر آن گونه شعری بلند

ولیکن تبه گشته از روزگار
چو تخلیط رفته در او بی شمار
ز سهو نویسندگان سر به سر
شده کار آن نامه زیر و زبر
ز دست بدان نیک شوریده حال
گذشته بر آن نامه بسیار سال
نبوده کسی را به تنقیح آن
هوایی شده نامه شوریده زان

مروت ندیدم که آن داستان
کزی یابد از چهل ناراستان
ز بهر روانش در این کار جهد
نمودم بر آن بست توفیق عهد
بسی دفتر شاهنامه به کف
گرفتم ز دانش چو دُر از صدف
برون آوردم یکی زان میان
در او شد سخنها لطیف و عیان
به شش بار بیور سخن شد پدید
که در اول آن بر سخن گسترید
در این کار شش سال گشت اسپری

که دزی شد آن پاک دَرِ دری
این چند بیت برگزیده از سرآغاز ظفرنامه حمدالله مستوفی، گزارش نخستین کار به اصطلاح «مقابله و تصحیح» شاهنامه در تاریخ دانش شاهنامه‌شناسی است و حمد مستوفی قزوینی (وفات: حدود ۷۵۰ هـ. ق.) سلسله جنبان بررسی و پژوهش متن نامه نامور است که با کوشش شش ساله و جستار در پنجاه نسخه ناتندرست شاهکار استاد توس، عنوان گران ارج «اولین شاهنامه پژوه ایرانی» را ویژه خویش کرده است. پس از این دانشی مرد ایرانی، (ای. جی. هاگمن / E. J. Hegemann) نخستین فرهنگ پروری بود که در سال (۱۸۰۱ م) در شهر گوتینگن آلمان به چاپ گزیده‌ای از شاهنامه در ۳۲ صفحه دست یازید که

نتیجه اقدام وی زیر نام شاهنامه در اروپا منتشر شد^۱ و آغازگر چاپ و نشر شاهنامه در روزگار معاصر گردید. سپس (میثولامسدن / Mathew Lumsden) انگلیسی در دانش سرای (فورویلیام) کلکته، جلد نخست شاهنامه را در (۱۸۱۱ م) به چاپ رساند که اولین چاپ جدی متن حماسه ملی ایران در جهان به‌شمار می‌رود ولی به جهت ناتمام بودن این کار، دوره چهارجلدی (ترنوماکان / Turner Macan) انگلیسی که در (۱۸۲۹ م) در کلکته منتشر شد، پیش‌رو تاریخ چاپ کامل متن شاهنامه در گیتی است.^۲ اما در خاستگاه فردوسی و شاهنامه، ایران زمین، پیشینه چاپ بهین‌نامه باستان به نیمه دوم سده سیزده قمری می‌رسد و شاهنامه‌های معروف به: امیر بهادری، محمد مهدی اصفهانی و حاجی عبدالحمید به صورت چاپ سنگی یادگارهایی از آن دوران است. بعد از این طلایه‌داران با پیشرفت دانش و بهبود وسایل چاپ و نشر و هم‌چنین علمی‌تر شدن تدریس و تحقیق ادبیات پارسی و در نتیجه رویکردهای بیشتر و اصولی‌تر به شاهنامه، چاپ شاهنامه در ایران از هر دو دیدگاه کمی و کیفی روندی فرازجوی داشته است که یادکرد دقیق همه این چاپها نیازمند تنظیم کتاب‌شناسی جامع فردوسی است. بر همین بنیاد بکوتاهی و کلی این شاهنامه‌ها را می‌توان نام برد: شاهنامه محمد رضانی چاپ کلاله خاور، شاهنامه چاپ کتابخانه یهودا بروخیم، شاهنامه دکتر محمد دبیر سیاقی، شاهنامه امیرکبیر، شاهنامه دکتر محمدجعفر محجوب، چاپ عکسی نسخه بایسنقری، شاهنامه چاپ موسسه خاور، شاهنامه ژول مول، شاهنامه چاپ مسکو، داستانهای رستم و سهراب، سیاوش و فرود از تصحیحات بنیاد شاهنامه، چاپ عکسی نسخه فلورانس، شاهنامه نسخه بریتانیا، شاهنامه فلورانس (با گزارش و مقابله با چند نسخه و چاپ) شاهنامه دکتر قریب و بهبودی، شاهنامه پرویز اتابکی و شاهنامه حمدالله مستوفی در پیوست ظفرنامه. نیازی به گفتن ندارد که هر یک از این چاپها به سبب آرمان نیک خدمت به فرهنگ و ادب دیرسال ایران زمین و یاری‌رسانی به پژوهشهای شاهنامه‌شناختی، کوششی ستوده و سودمند است ولی حتی خود مصححان و فراهم‌آوردندگان آثار مذکور نیز این حقیقت علمی را می‌پذیرند که تمام این تلاشها را نمی‌توان با یک سنجه سنجید و هم برو یکسان انگاشت. به سخنی دیگر: اگر هزار سال پیش دهقان‌زاده دانشور توس با همتی رستمی (حماسه‌ای) به معنی دقیق و اصطلاحی واژه پی‌افکنند که برترین حماسه ادبی نوع بشر است. پس از وی و در گستره

فعالیت‌های مربوط به تصحیح و تحقیق متن شاهنامه، سه بزرگ مرد فرهیخته حماسه‌پژوه حماسه‌ساز به معنی شناخته و امروزین کلمه بوده‌اند: شادروان فریتز ولف آلمانی با پژوهش بیست ساله برای تألیف فرهنگ سترگ بسامدی شاهنامه، مرحوم ژول مول فرانسوی با چهل سال کار بر روی تصحیح و ترجمه شاهنامه و سرانجام دکتر جلال خالقی مطلق ایرانی ساکن آلمان با کوشش نزدیک به سی سال برای تصحیح و تحقیق شاهنامه که به باور نگارنده این بیت بر ساخته بازبرده به استاد توس در لب‌اللباب می‌تواند سخن دل ایشان باشد که در این چند دهه:

بسی رنج بردم بسی نامه خواندم
ز گفتار تازی و از پهلوانی
اگر روزگاری محمود و وابستگان ژاژخای او ارج
حماسه پیر توس را شناختند، امروز هر ایرانی و انیرانی ادب دوست و فرهنگ‌پژوه ارزش گران و عظمت حماسه دکتر خالقی مطلق را از ژرفای دل آفرین می‌گوید و بزرگ می‌دارد. دکتر خالقی را بحق باید «تهدمتن میدان تصحیح شاهنامه» خواند چون به همان سان که خود گفته‌اند کار تصحیح نامه نامور ایران هفت خان پر دیو و اژدهایی است که گذر از آن را رستمی دیگر باید.^۳ ایشان بتهایی و بدون کمترین پشتیبانی کسی یا نهاد و مؤسسه‌ای با شور برخاسته از مهر ایران و شاهنامه، عکس و میکروفیلم ۴۵ نسخه کهن تر و معتبر تر از میان بیش از هزار دست‌نوشته پراکنده شاهنامه در کتابخانه‌های جهان را گردآورده و پس از بررسی ژرف آنها پانزده نسخه را به عنوان اساس کار خویش قرار داده‌اند که دوازده دست‌نویس اصلی و سه نسخه فرعی است و در صدر آنها کهن‌ترین دست‌نوشته شاهنامه، فلورانس (۶۱۴ هـ. ق.) دیده می‌شود که برای نخستین بار در تصحیح علمی حماسه ملی ایران به کار گرفته شده است. دکتر خالقی افزون بر بهره‌گیری از مقابله نسخ معتبر از اطلاعات گسترده خویش نیز که شامل تقریباً تمام دانشها و آگاهیهای لازم برای یک «شاهنامه‌شناس» و «شاهنامه‌شناسی» است سود جسته‌اند و هر واژه و مصراع و بیت از تصحیح خود را پس از تأمل و مطالعه و بررسی دقیق به متن برده‌اند. در عین حال نسخه بدلهای مربوط را نیز با دقت کافی در حاشیه هر صفحه آورده‌اند تا زمینه برای ژرفنگری محققان و منتقدان فراهم باشد و این خود از برتریهای علمی کار ایشان است. شیوه‌ای که استاد در تصحیح شاهنامه به کار برده‌اند، اصطلاحاً «انتقادی» خوانده می‌شود و چنان که خود در آخرین مصاحبه‌شان بیان کرده‌اند این روش را از مطالعه تصحیحات انتقادی غرب

سجاد آیدنلو

از حماسه تا حماسه

بویژه متون آلمانی و سنجش آنها با متون و خط پارسی حاصل کرده‌اند.^۴ در تصحیح دکتر خالقی ریخت درست و اصیل بسیاری از واژگان و بیت‌های شاهنامه که فردوسی‌وار یا نزدیک به سیاق سخن اوست، آمده. برای نمونه مشهور که مورد اشاره دکتر محمد امین ریاحی نیز بوده است،^۵ بیت:

میازار موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است
را می‌توان ذکر کرد که در چاپ خالقی براساس نسخه فلورانس به صورت اصیل و کهنه:

مکش موری را که روزی کش است

که او نیز جان دارد و جان خوش است^۶
آمده است، یا اعراب‌گذاری‌های دقیق واژه‌هایی چون «سُخَن»، «دُدیگر» و نام‌های ویژه برای خواندن درست و شاهنامه‌ای آنها. هم‌چنین بیت‌ها و روایات الحاقی و منسوب به فردوسی که شماری از آنها در شاهنامه‌های پیش از چاپ ایشان از فردوسی دانسته شده، به حاشیه صفحات برده شده است که البته دلایل برافزوده بودن آنها یا بیشتر در مقاله‌های استاد بررسی شده و یا این که در دو دفتر یادداشت‌ها که به پیوسته دفترهای متن مصحح، منتشر می‌شود خواهد آمد. نخستین بار دفتر یکم تصحیح ایشان در سال ۱۳۶۶ به پایمردی دکتر احسان یارشاطر در آمریکا به چاپ رسید و اکنون از مجموعه هشت جلدی متن، دفتر پنجم منتشر شده و جلد ششم زیر چاپ است و به گفته خود مصحح، دو دفتر دیگر نیز تا دو سال آینده به زیور طبع آراسته خواهد شد.^۷ اما نکته مهم و افسوس‌انگیز - و انگیزه بنیادین یادداشت حاضر - این است که اگر زمانی کاستی و کمبود ادب پارسی نبود پژوهندگان و مصححان علمی و توانای ایرانی بود و بیشتر منابع فرهنگ و ادب پرمایه ما از جانب ایران‌شناسان انیرانی تصحیح می‌شد



و فراهم می‌آمد. امروز که همانند دکنتر خالقی مطلق با همتهای مردانه خویش این مفاک را آکنده و افراشته‌اند چرا باید ثمره کوششهای جاویدان ایشان در خارج از ایران چاپ و منتشر شود و از دسترس صاحبان اصلی و جویندگان واقعی این آثار بدور ماند؟ از دفترهای شاهنامه خالقی تا هنگام نگارش این یادداشت، در ایران جلد‌های اول و دوم و ضمیمه دفتر نخست با شمارگانی بسیار اندک آن هم سال‌ها پیش به شیوه افست چاپ شده که با بودن قیدهای «منحصراً برای اهل تحقیق عرضه شود» و «مخصوص بررسی و انتقاد محققان ایرانی» در صفحه شناسنامه آنها، در حال حاضر حتی برای شاهنامه‌پژوهان ایران نیز دشوار یاب و در شهرستان‌ها غیرقابل دسترس است. این موضوع با التفات به اصل بسیار مهم و معتبر «پیوستگی ارزش علمی هر پژوهش متن شناختی با میزان اعتبار علمی - انتقادی متن مورد بررسی» از کاستیهای بزرگ و اثرگذار عرصه چاپ و نشر ایران است. بویژه که در نظر بگیریم از سال ۷۶ تا پایان نیمه نخست ۷۹ شاهنامه‌های چاپ مسکو و تصحیح ژول مول ۲۱ بار - که در مواردی چاپ هشتم و دهم است - از جانب ناشران مختلف منتشر شده است.^۸ این درحالی است که دکتر خالقی مطلق در مصاحبه خود درباره شاهنامه‌شان گفته‌اند: «امیدوارم روزی در ایران هم به صورت چاپ عکسی (افست) بیرون بیاید و ناشر آمریکایی با یک ناشر ایرانی موافقت کند تا چاپ و ادامه آن در ایران میسر شود». پس چه نیکو و شایسته است که چند تن از ناشرانی که چاپ شاهنامه - نسخه مسکو و ژول مول و غیره - را در برنامه آینده خود دارند به هم پستی و یاری یکدیگر و به گونه مشترک به جای آن باز چاپها، هزینه‌ها و شرایط نشر دفترهای آماده و سامان یافته خالقی را فراهم کنند و پس از دریافت اجازه از ناشر آن در آمریکا، مصحح و دکتر یارشاطر، شناختنامه ایران را در داخل ایران به بیشترین شمار و بهترین هیأت مقدور چاپ کنند. این اقدام اگر درباره انتشاراتی‌های شخصی در حکم پیشنهاد باشد برای نهادهای فرهنگی - ادبی دولتی مانند: فرهنگستان زبان و ادب پارسی و پژوهشگاه علوم انسانی چونان خویشکاری در بایست ادبی است و «باید» و «الزاماً» در برنامه پژوهشی - انتشاراتی آنها قرار بگیرد. عدم روی‌کرد درخور و جدی به چاپ شاهنامه خالقی در ایران، تکرار داستان بی‌عنایتی محمود به حماسه سی‌ساله فرزانه توس است با این تفاوت که هزار سال پیش، محمود و محمودیان انیرانی و بیگانه قدر شاهکار استاد را ندانستند و اکنون، فردوسی‌نژادان ایرانی حماسه فرزند نشان از پدر برده

فردوسی^۹ را از دیده به دور داشته‌اند. البته، جز از (حماسه دکتر خالقی) که خوشبختانه در آمریکا با دقت بسیار و ظاهری سزاوار چاپ می‌شود، تصحیح دوازده‌ساله شاهنامه‌پژوه ایرانی ساکن ایران، مهندس مصطفی جیحونی اصفهانی، را نیز نباید نادیده گرفت که گویا کوشش شایان ستایش ایشان هم مستلزم توجه بجذ ناشران است. چرا که به استناد اظهار اومیدواری خود آقای جیحونی، مجلدات چهارگانه آن باید در شش ماهه اول سال ۷۹ عرضه می‌شد.^{۱۰} که چنین نشد.

شاهنامه شناسنامه مستند و جهانی سرزمین اهورایی ایران و مردمان نیک‌سگال آن است و باید پس از قرآن عظیم، بیشترین و نیکوترین چاپهای تصحیحات علمی - انتقادی از گونه حماسه‌های دکتر خالقی مطلق را ویژه خود کند تا کارنامه درخشان نیاکانی هرچه علمی‌تر و نزدیک‌تر به اصل بازخوانی و بهره‌یابی شود و در ذهن و ضمیر زادگان آزادگان ایران نقش بندد. چنین باد.

پی‌نوشتها:

- ۱- قریب، مهدی: مقدمه‌ای بر شاهنامه، بازخوانی شاهنامه، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۶۹، ص ۴۲.
- ۲- مقدمه دکتر محمدامین ریاحی بر چاپ ژول مول، انتشارات سخن، چاپ چهارم ۱۳۷۳، ص ۲۴.
- ۳- معرفتی سه قطعه الحاقی در شاهنامه، مجله ایران‌شناسی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۸، ص ۶۸۹.
- ۴- گفتگوی سیدمسعود رضوی با دکتر خالقی مطلق در سمینار ایران‌شناسی (پاریس، سپتامبر ۱۹۹۹): همشهری، شماره ۲۱۶۷ و ۲۱۶۸، ۲۶ و ۲۷ تیر ۷۹، ص ۱۰.
- ۵- فردوسی، طرح نو، ۱۳۷۵، صص ۳۶۲ و ۳۶۳.
- ۶- شاهنامه خالقی، دفتر یکم، ص ۱۲۰، بیت ۵۰۱، لازم به توضیح است که این بیت در فرانسولسوک با ثبوت مصراع دوم به صورت اصلی و دگرگونی پاره نخست به گونه‌ای که معروف است، آمده و سیستر با تغییر مصراع اول در فاصله ۴۶ ساله فرزند و بوستان شیخ، به صورتی که امروزه بر سر زبان است از سوی سعدی تضمین شده است، رک: خالقی مطلق، جلال: نفوذ بوستان در برخی از دست‌نویسهای شاهنامه، ایران‌نامه، ۱۳۶۴، شماره ۴، صص ۶۲۴-۶۲۶ و هم او: اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه، ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۷۴۰.
- ۷- رک: پی‌نوشت شماره (۴).
- ۸- آمار از بررسی نمایه کتابهای منتشر شده هر ماه در شماره‌های (۱-۳۵) کتاب ماه (ادبیات و فلسفه) به دست آمده است.
- ۹- پسر کو ندارد نشان از پدر
- ۱۰- رک: گفتگوی اختصاصی پژوهشگر برگزیده فرهنگی کشور، آقای مصطفی جیحونی با کتاب هفته: کتاب هفته، شماره ۳۱۳، سی‌ام آذر ۷۸، ص ۶.

سخنی با ناشران درباره چاپ شاهنامه



کشتارگاه صنعتی مجموعه هجده داستان کوتاه از فرزانه کرم پور است که هر کدام بین سه تا ده صفحه است. در بیشتر این داستانها یا کسی می میرد یا با آدمهای تنها و بی پشت و پناهی روبرو می شویم، چنانکه در غالب این داستانها یا هوا بارانی است یا مه گرفته و یا سرد و سوزناک. و اینها همه در جهت موضوع و محتوای داستانها و تمثیل و نمادی از درون «شخصیت» هاست، همانطور که در داستان «مرگ و مه» مترادف «مرگ» و «مه» را حتی در عنوان داستان هم می بینیم. کرم پور درباره تلخی داستانهایش گفته است: «هر قدر فکر کنم به صحراهای پر گل و گیاه، باز نمی توانم داستانهایی جدا از واقعیت بنویسم...»^۱

«کشتارگاه صنعتی» یکی از این داستانهای تلخ است که نام مجموعه از آن گرفته شده است. در این داستان صفدر سلاخ، زن و فرزندانش را در خواب غافلگیر می کند و با چاقو آنها را به قتل می رساند: «موهای زن روی نیمه صورتش پریشان بود. صفدر با دست آرام کنارشان زد... زن ناله ای کرد و غلتید. مژه هایش لحظه ای تکان خوردند و بدنش پس از لرزشی دردناک آرام گرفت. دوقلوها در چنان خواب سنگینی بودند که شاید تا آخرین لحظه نفهمیدند چه بر سرشان آمد. پسرک در آخرین لحظه چشمانش را با وحشت و سؤال باز کرد و بست.»^۲

چگونگی قتل این چهار نفر «شرح» نشده است. اما از سرعتی که در قتل ها صورت گرفته و از اینکه صفدر

موهای زن را آرام کنار می زند، خواننده حس می کند و حتی مطمئن است که صفدر خرخره مقتولان را با چاقو دریده است، به خصوص که در چند صفحه جلوتر چند باری با این صحنه ها روبرو بوده ایم: «اولین گاو درون تله افتاد. از پا به قلاب آویزان و با سنگینی به طرف پایین هوار شد. حیوان بی حال بود و چشمان درشتش با تسلیم و وحشت به او می نگریست. صفدر تکانی خورد. تیغه چاقو را روی گردن گذاشت و با یک حرکت خرخره را برید. خون با فشار بیرون زد و شره کرد. گاو از کنار او رد شد.»^۳

کشتارگاه صنعتی نه فقط کشتارگاه گاوهاست، بلکه مسبب قتل زن و فرزندان صفدر و در نهایت خود وی هم است. صفدر که در کشتارگاه یاد گرفته هر پنج دقیقه کار یک گاو را تمام کند، با چنان خشونت بی اراده که در بی ابرویی دختر فراری اش ذهنش فقط به این سو می رود که باید کار را با دیگر اعضای خانواده یکسره کند و بدین ترتیب کشتارگاه خود محل قتل «سلاخ» می شود.

فرزانه کرم پور جریان قتل زن و فرزندان صفدر را در خونسردی و ایجاز وصف می کند. او به جای اینکه سوز و گدازهای رمانتیک راه بیندازد! خود واقعیت و حشمتاک را ترسیم می کند که از هر ضجه و گریه ای مؤثرتر است. کرم پور در همان مقدمه چند خطی کتابش گفته است: «در دوران شتاب و سرعت، کسی وقت خواندن رمان و داستانهای بلند و رمانتیک را ندارد. امروز، زمان، همان لحظه است. لحظه ای که شخص می تواند با سرعت به نقطه نظرهای خود دست یابد، یا راهی را که انتخاب کرده طی کند، مانند آگهی های تبلیغاتی که می تواند در یک لحظه پیام خود را به بیننده ای که در حال حرکت است برساند و کار را تمام کند، من هم همین کار را می کنم.»^۴

معلوم نیست چرا فرزانه کرم پور خود داستان نوشته و خود به عنوان منتقد به تقدش پرداخته است. داستانهای وی به حد کافی مؤثر است و احتیاجی به این نبوده که وی - آن هم در مقدمه کتاب - به شرح و توجیه آنها بپردازد. اما در هر حال به نظر می رسد اعتقاد به اینکه داستان مانند «آگهی تبلیغاتی» است لطمه خود را به بعضی از داستانهای کرم پور زده و مانع بسط و گسترش طرح آنها شده است. «قهوه خانه بین راه» از این جمله است. میرزا پیرمردی تنهاست. قهوه خانه ای در کنار جاده دارد. زنش زیبا و جوان است. روزی مردم ده خبر می دهند که زنش با یک راننده فرار کرده است. بعد از آن میرزا به تنهایی زندگی می کند، تا اینکه بعدها وقتی مرد و مردم به قهوه خانه آمدند تا جنازه اش را از روی زمین بردارند، سری هم به انبار می زنند. به سختی قفل صندوقی قدیمی را می شکنند و در آنجا با اسکلت زن روبرو می شوند.

من نمی خواهم روی شباهت بی چون و چرای این اثر با داستان «گل سرخی برای امیلی» نوشته فاکنر تکیه کنم، اما طرح و موضوع «قهوه خانه بین راه» یک برهه کامل از زندگی افراد را دربر می گیرد و با خاطرات و تداعی ها و جستجوها و کنجکاوئی ها و شایعات بسیاری در ده همراه است. پرداخت چنین موضوعی در چهار - پنج صفحه به معنی خلاصه کردن و تبدیل آن به یک داستانواره یا نیمه داستان است. شاید از همین جاست که اثر بومی و محلی نشده و شباهتش با نوشته فاکنر نظریه مانده است.

در بیشتر داستانهای کشتارگاه صنعتی فکر و اندیشه ای وجود دارد که اغلب وضوح ندارند و حس می شوند. در داستان «تصادف» وانتی با پسر بچه ای تصادف می کند که با خانواده اش در حاشیه شهر زندگی می کند. پای پسرک می شکند. پشت وانت تشک



کشتارگاه صنعتی (مجموعه داستان) (چاپ دوم)

فرزانه کرم پور

انتشارات راهیان اندیشه، چاپ دوم، ۱۳۷۹

می‌اندازند. پدر پسرک کنار وی است. هوا رو به تاریکی می‌رود که به طرف شهر و بیمارستان حرکت می‌کنند. وقتی به بیمارستان می‌رسند پسر مرده است. با معاینه دو دکتر معلوم می‌شود که پسرک را خفه کرده‌اند.^۵ در سراسر داستان علت روشنی برای انجام قتل نمی‌بینیم، اما با توجه به اینکه خانه پسرک و خانواده‌اش در حاشیه شهر است، شاید ذهن به سوی دیه گرفتن به عنوان علت قتل سوق پیدا می‌کند. هر چند که هیچ اطمینانی به این نظر وجود ندارد و چه بسا خواننده دیگری بنا به سلايق و روحیات خود علت دیگری را جست‌وجو کند. و این البته بدان معنی است که دست کم بعضی از داستانهای کرم‌پور بیشتر از اینکه طبق ادعای وی «کار را تمام کند»^۶ باید آدمی را درگیر کند و لازمه این کار شخصیت‌پردازی قوی و باور شدن اعمال آنهاست که خواننده را به دنبال علت یا توجیه آن به تکا‌پو‌وا دارد. به این ترتیب چه بسا در واقعیت هم نتوانیم علل بعضی از رفتارها و اعمال دیگران را بفهمیم، یا هر یک را به گونه‌ای توجیه کنیم.

داستانهای کتاب کشتارگاه صنعتی صرفاً تلخ و سیاه نیست. در آنها بارقه‌هایی از امید هم دیده می‌شود، اما فقط امید و آرزوهایی که کوچک هستند. در «یک قطره شادی» دو نفر یکی نابینا و دیگری کسی که پا ندارد در محل متروکه‌ای زندگی می‌کنند که متعلق به آنها نیست. این محل در معرض تخریب است. در نهایت ناامیدی هستند که به ذهن‌شان می‌رسد به مشهد و حرم امام رضا بروند. یا در داستان هنرمندانه «لامپ سوخته» پیرمردی تنها و عصایی، با انگشتانی کج و خشک، زانوهای کمانی، پشتی قوز کرده، و با استخوانهایی پوک و چشمانی که خوب نمی‌بیند می‌خواهد روی صندلی و از آنجا روی میز برود و لامپ سوخته را عوض کند. اما حتی در این داستانها با امید و

آرزوهای کوچکی روبرو هستیم که به نوعی باز ابتذال و ضعف و تنهایی ما را نشان می‌دهند. کرم‌پور پیش از یکی از داستانهایش درمندانده آورده است:

«به دنبال مردی گشتم
که به هنگام باران
کتش را روی شانه‌ام می‌انداخت
تا عطرش را با خود به خانه برد...
اکنون چه می‌توانم کرد
با مردانی بی‌حوصله پشت میزها
که ضربان قلب‌شان فقط با حقوق آخر ماه تند می‌شود»^۷

همچنین از کرم‌پور نقل کردیم که گفته بود: «هر قدر فکر کنم به صحراهای پرگل و گیاه، باز نمی‌توانم داستانهایی جدا از واقعیت بنویسم که چون حبابی مراد در میان خود گرفته». به واقع کرم‌پور از عشق به «صحراهای پر گل و گیاه» و از سر دلزدگی از وضع و زندگی «کنونی» است که گاه داستانهایش مانند «مرگ و مه» و «لاستیک» رنگ انتقام از حامیان وضع حاکم را می‌گیرد، و در کل بیشتر داستانهایش خود به خود به راوی «واقعیت» موجود و زندگی مردم و «مردانی» بدل شده که سردشان است.

پی‌نوشت:

- ۱- ضیافت شبانه (مجموعه داستان)، فرزانه کرم‌پور، ۱۳۷۸، راهیان اندیشه، مقدمه.
- ۲- کشتارگاه صنعتی (مجموعه داستان)، فرزانه کرم‌پور، ۱۳۷۹، راهیان اندیشه، ص ۴۸.
- ۳- کشتارگاه صنعتی، ص ۴۲.
- ۴- کشتارگاه صنعتی، ص ۱۱.
- ۵- کشتارگاه صنعتی، ص ۹۹.
- ۶- کشتارگاه صنعتی، ص ۱۱.
- ۷- ضیافت شبانه، ص ۱۴۵.

تاریخ محاصره لیسبون

تاریخ محاصره لیسبون رمانی است اثر ژوزه ساراما‌گو یا ترجمه عباس پژمان که از سوی نشر مرکز به چاپ خواهد رسید.

موضوع رمان تلفیقی از دو روایت است (مثل سایر رمان‌های ساراما‌گو). در واقع رمانی است تاریخی همراه با یک رمان عاشقانه (اتوبیوگرافیک ژوزه) که با یکدیگر تلفیق گشته است. ساراما‌گو در این رمان تاریخ محاصره لیسبون را که در قرن ۱۲ میلادی اتفاق افتاده از نگاه خاص خود می‌نگرد و در قالب یک رمان تاریخی برای خواننده بازگو می‌کند.

تا قرن ۱۲ مغربی‌ها به لیسبون حاکم بودند. در این قرن دن آفونسو انریک اولین پادشاه پرتغال لیسبون را محاصره کرد و این شهر را از دست مغربی‌ها خارج ساخت و پادشاهی پرتغال را بنیان گذارد. آن سال‌ها، سال‌هایی بود که صلیبی‌ها از تمام اروپا برای جنگ با مسلمان‌ها عازم بیت‌المقدس بودند. در تاریخ رسمی پرتغال این جنگجویان صلیبی از سواحل پرتغال رد می‌شوند.

رایموند وسیلوا شخصیت اصلی رمان، مصحح یا نمونه‌خوان یک انتشاراتی است. او در حال تصحیح تاریخ محاصره لیسبون است که یک تاریخ‌نویس معاصر آن را نوشته است. رایموند وسیلوا وقتی به جمله «صلیبی‌ها به دن آفونسو انریک کمک کردند...» می‌رسد وسوسه می‌شود و فعل این جمله را منفی می‌کند. از قضا این تحریف یا تغییر از چشم ناظران چاپ مخفی می‌ماند و پس از چاپ کتاب متوجه می‌شوند. آنان مجبور می‌شوند کتاب را با یک غلط‌نامه منتشر کنند، البته رایموند بعداً بازخواست می‌شود، اما این مسئله باعث آشنایی رایموند با خانمی که سرویزارستار است می‌شود. رمان پس از این به اصطلاح روایت رابطه این دو شخصیت است و هم روایت جذیدی از محاصره لیسبون به دست می‌دهد.

ساراما‌گو در تاریخ رسمی این واقعه شک می‌کند و روایتی را که می‌نویسد بر این پایه قرار می‌دهد که صلیبی‌ها از کمک به دن آفونسو امتناع می‌کنند و بدین ترتیب داستان از اینجا شروع می‌شود...

اردلان عطار پور
مردهایی
که سردشان است

کتاب شادمانی‌های کوچک هسه، همانند مجموعه هنر کاهلی به شکل وقایع نگاری تنظیم شده و یادداشت‌هایی را از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۶۰ (آخرین یادداشت: «چهل سال مونتانیولا») شامل می‌شود. این کتاب همچون گشت و گذاری زندگینامه‌وار در سراسر سالیان زندگی هسه است. کتاب شادمانی‌های کوچک حاوی بالغ بر چهل قطعه است که در روزنامه‌ها و مجلات گوناگون به چاپ رسیده است^۱، قطعاتی که پیش از این در کتابهای دیگرش به چاپ نرسیده بود. برخی از این قطعات بارها در روزنامه‌ها و مجلات گوناگون با تغییراتی اندک به چاپ رسیده‌اند. ناشر کوشیده است در این کتاب آن نسخه‌ای از نوشته‌ها را که به اصل نزدیکتر است، بیاورد. بیشتر این قطعات برای نخستین بار در روزنامه unter dem strichs به عنوان مقاله ادبی به چاپ رسیده بودند.

مقاله شادمانی‌های کوچک به قلم هسه بیست و دو ساله به منزله انگیزه بخش اصلی دیگر متون این مجموعه است. هسه نه در عصر رسانه‌های گروهی، بلکه در برهه به ظاهر پربرکت آغاز قرن بیست به راه‌حل رایج «هرچه بیشتر، هر چه سریعتر» اشاره می‌کند و به دنبال آن می‌نویسد: «آنچه در پی این شعار حاصل می‌شود، همواره لذت بیشتر و شادمانی کمتر است.» این شیوه نگرش به هیچ وجه کهنه نمی‌شود. زیرا امروزه نیز پیش از آنکه جریانهایی صنعتی و رسانه‌ای، واپسین فضای آزاد را نیز از آن خود سازند، بسیاری انسانها در چنین وضعیتی از تصمیم‌گیری برای گزینش میان شادمانی و لذت درگیرند و در دهه‌های آتی نیز خواهند بود. هسه رویاروی تندروها، تهدیدها و فریبهای جهان خارج به مقاومتی فطری می‌پردازد و در برابر زندگی مصرفی، خلاقیتی شخصی؛ در برابر ماشینی شدن، مراقبه؛ در برابر صنعت لذت، «شادمانیهای کوچک»؛ در برابر کمیت؛ کیفیت؛ در برابر همگانی شدن، ویژگیهای فردی و در برابر عملگرایی سیاسی و اجتماعی تا آنجا که شدنی است، توصیف

دقیق حوزه تجربیات خصوصی را پیشنهاد می‌کند. او اشکال کوچک را به صحنه پردازیهای بزرگ ترجیح می‌دهد. این «اعتراض روح علیه ماشین حساب» که شاخص همه نوشته‌های هسه است، اعتراض قلب علیه خامی و حقارت آنچه آدمی امروز «زندگی» می‌خواند^۲، در این متون نیز به خوبی حس می‌شود.

هسه مقاله شادمانیهای کوچک را که سرعنوان کتاب را تشکیل می‌دهد: در بازل و اندکی پس از آنکه در پیشه دستیار کتابفروشی ر. رایش به کار پرداخت، نوشت. در این هنگام دو کتاب شعر اولیه او به نامهای اشعار ماتیک و ساعتی پس از نیمه شب تازه به چاپ رسیده بود. مدت کار روزانه او در کتابفروشی در آن روزها ده ساعت بود. در این زمان بود که مقالات وی برای روزنامه آگما به شواپتر تسایونگ به چاپ می‌رسید. از همان هنگام آشکار بود که برای هسه هیچ انگیزه و تجربه‌ای آنقدر بی اهمیت نبود که در باره آن به تعمق ننشیند: «آدمی می‌باید به همه چیز توجه کند، زیرا می‌توان همه چیز را تفسیر کرد.» بدین گونه، انگیزه‌های او از زندگی روزمره سرچشمه می‌گرفتند: نگاهی به بیرون پنجره، بررسی حال و هوای باغچه، مراحل یک اسباب‌کشی، یادداشت‌هایی در باره نمایشگاه‌ها و اقامت در آسایشگاه‌ها، دگرگونی فصول در زندگی روزمره او و... در سال ۱۹۰۴ پس از موفقیتی عظیم در چاپ نخستین رمانش پترکامستیند که انتظار آن نمی‌رفت، هسه سرانجام موفق شد از قید و بندهای شغلی‌اش در بازل که تنها به سبب غم نان بدان روی آورده بود، خلاص شود؛ اما هنوز درست و حسابی در گاین هوفن جانیفتاده بود که هوای گردشها و سفرهای دور و دراز به سرش زد. او آن زمان نوشت: «آه شما رهسپاران! شما سبک گامان شاد، حتی اگر به شما سکه‌ای هم هدیه داده باشم، در نگاهم همچون پادشاهانید.»

در این یادداشتها، تکاپویی دایمی و رضایت ندادن به شیوه تحکیم یافته و انعطاف‌ناپذیر زندگی روزمره احساس می‌شود. به این ترتیب این گونه پرسه‌زنی‌ها با آمادگی همیشگی نسبت به تکاپویی پایان‌ناپذیر، به نماد و انگیزه‌ای برای پافشاری بر لزوم خوب زیستن، بدل می‌شوند. به محض آنکه وضعیتی به عادت بدل می‌شود، به رغم نیاز به آرامش و تمرکز، هسه آن را تاب

نمی‌آورد. در سال ۱۹۰۷ او در حاشیه «بودن زه» خانه‌ای برای خود می‌سازد. چهار سال بعد او به هند سفر می‌کند، خانه‌اش را می‌فروشد و به برن مهاجرت می‌کند. همه این مکانها موقت هستند.

چندی بعد، نخستین جنگ جهانی از راه می‌رسد. یاری رسانی هسه به زندانیان جنگی و مهاجرت به تسین که تا سال ۱۹۳۱ در آنجا آپارتمان سه خوابه‌ای در اختیار داشت، از رخدادهای بعدی زندگی او هستند. هسه اوقات سرد سال را به دلیل آنکه این آپارتمان به خوبی گرم نمی‌شد، در بازل، زوریخ یا مناطق گرمتر نزدیک آسایشگاه بادن در حاشیه لئات می‌گذراند. در کتاب شادمانی‌های کوچک شرح مفصلی از این اقامتها داده شده است.

در این مجموعه یادداشت نیز به مانند مجموعه هنر کاهلی، نویسنده ما را به سمت همه گونه صحنه نمایش گونه از زندگی خود رهنمون می‌شود. او آنها را در خلال وقفه‌های کاری‌اش و در حد فاصل نگارش رمانهای بزرگش برایمان توصیف می‌کند. در چنین مواقعی بود که یادداشت‌های کتاب شادمانی‌های کوچک پدید آمد. این یادداشتها به منزله پل ارتباطی میان پایان یافتن رمانی بزرگ و آغاز شاهکاری دیگر بودند. این یادداشتها با شکل خاطره نویسی خود، بیشتر تلاشی برای تنش زدایی هستند که به وی اجازه می‌دهند، معضلات خود را در سطحی دیگر به شکل مستقیم، حتی به شکل تک بعدی، به بیان درآورد. معضلاتی معمول که هسه در شاهکارهایش (رمانها، داستانها و حکایات) به شکل کاملاً خودآگاهانه به نحوی بیان می‌کند که به چشم نیاید، در اینجا مانند نامه‌هایش کاملاً به صراحت برملا می‌شود. این متون نشان می‌دهند که زندگی روزمره چگونه بر هنرمندی همچون هسه تاثیر می‌گذارد. آنها نشان می‌دهند که هسه در کجا نسبت به کتابهایش واکنشی نقادانه نشان می‌دهد و تاثیری از سرسختی پارساگرایانه^۳ هسه را نشان می‌دهند. این ارتباط میان آفرینش هنری با زندگی شخصی که در ادبیات سده بیست به ندرت چنین پیوسته است، مرکز قدرتی پنهان، برای رواج پیوسته کتابهای هسه به شمار می‌رود و همزمان توضیح می‌دهد که چرا واکنشهایی که افراد گوناگون به آثار او

فولکر میشلر

ترجمه: گیتی منصوری

درباره شادمانی‌های کوچک

نشان می‌دهند، تا این حد متفاوت است.

یادداشت‌هایی که در این کتاب آمده‌اند، به منزله انتقال دهندگان ایمان و اعتقادی راسخ هستند که به نویسنده‌شان اجازه می‌دهند، زندگی روزمره شخصی و سیاسی را تاب آورد و با تلاش برای عرضه الگوهای مخالف، بر زندگی روزمره چیره شود. این ویژگی بویژه درباره متون دهه بیست صادق است که در آنها هسه اغلب درباره تجربه‌های خود در حیطه مطالعاتش گزارش می‌دهد و به خوانندگان همعصر خود، کتابها و تازه‌های چاپی را برای مطالعه پیشنهاد می‌دهد. کتابها و آثار چاپی که موقعیت شخصی وی را تحکیم می‌بخشند و او را همچون قطب مخالف گرایشهای اساسی زمانه‌اش می‌نمایانند. برای نمونه او زندگی‌نامه‌های اسطوره زدی ورنر هگه‌مان (Werner Hegemann) را درباره پادشاه پروس و ناپلئون اول، زندگی‌نامه نقاب برافکن امیل لودویگ (Emil Ludwig) را درباره ویلهلم دوم و به دنبال آن نخستین ترجمه‌های جامع و قابل اعتماد از سخنان بودا و همواره نیز آثار کلاسیک چین کهن و سه هزار ساله از قبیل لائوتسه، کنفوسیوس و جوانگ تسه را توصیه می‌کند. او رزا لوگزامبورگ (Rosa Luxemburg) و گوستاو لانداور (Gustav Landauer) را همچون شخصیت‌های فراموش‌نشده انقلاب سال ۱۹۱۹ ارج می‌گذارد. او افزون بر فرانس ماسرل (Frans Masereel) که «چنان با قدرت و قابل فهم برای عموم از شور زندگی زمانه ما سخن می‌گوید که در هیچ هنرمند دیگری نظیر ندارد»، مطالعه نوشته‌های هامسون، گورکی و مارسل پروست را توصیه می‌کند و درباره نویسنده اخیر می‌نویسد: «این روزها، منتقدان کار خود را با او تمام شده می‌دانند و تصور می‌کنند که او فقط انسانی ناتوان و عصبی با احساسات درجه دوم است. دروغ از آن گاه که مردم با زبانی زنگارگرفته سخن گویند!»

به دنبال آن، به تشویق برای مطالعه کتب فرانتس کافکا، هوگو بال، رنه شیکله (Rene Schickele)، پولگار (Polgar) و چستر تن (Chesteron) می‌رسیم. هسه همچنین با توصیه رمانتیک نویسان راستین نیز گستره‌ای از نیروهای مخالف را پیش روی ما می‌نهد: «زمانه ما از روح رمانتیک چه می‌داند؟ این ترازوی سترگ و جسورانه روح آلمانی. ظاهراً موفقیت‌آمیز نبوده است و واژه رمانتیک، گونه‌ای ناسزا شده است که با آن، آلمانی امروزی هر آنچه را که ناسودمند، اغراق‌آمیز و جوانانه - آرمانگرایانه به نظر می‌رسد، اطلاق می‌کند و بویژه همانانی که خود را با صدای بلند، میهن پرست می‌خوانند، این ناسزا را تقریباً برای همه انگیزه‌های تاحدودی ناب‌تر آلمان جوان امروزی و به عبارتی برای همه تلاش‌هایی که به قصد چیزی ناب‌تر از جنگ بعدی صورت می‌گیرد، به کار می‌بندند.»

خواننده‌ای که با مطالعه پیگیر این یادداشت‌ها، روند تکامل هرمان هسه را با دقت دنبال می‌کند، شاهد روندی می‌شود که بنابر گفته کلاسیک، یادآور «خیمه شب بازی» است. به دنبال توصیفات دقیق و جزء به جزء اولیه که اغلب بسیار با طراوت و وسوسه‌آمیز هستند و در خود چیزی موقت، ناآگاهانه و رویایی دارند، از آغاز جنگ جهانی اول تا حدود پایان دهه بیست، به شکافی آشکار و روند جابجایی نقطه ثقل می‌رسیم. در این متون، اغلب صدای ناموزون نامتعادلی اجباراً به گوش می‌رسد. تازه در دهه سی با یادداشت‌هایی از قبیل در حد فاصل تابستان و پاییز یا مقاله درباره پروانه‌ها است که به نظر می‌رسد، نقطه ثقل جدیدی تثبیت می‌شود و تعادل و جذابیت از دست رفته از نو به دست می‌آید. اما تصاویر ارائه شده با توصیفات پیشین همسان نیست. این تصاویر، اکنون گویا و از بعدی، غنی‌تر شده‌اند. آنچه پیش از این مبهم می‌نمود، در یادداشت‌های بعدی، شکلی به خود گرفته است. رویایی سرگردان، بیدار شده، خودآگاه و ناخودآگاه، تعادل یافته و توصیفات نمادها و وضوح یافته‌اند که در جزئیات، کل و در انفراد، اجتماع را بازتاب می‌دهند.

این یادداشت‌ها هرگز خیالی نیستند، چه یادداشت‌های اولیه و چه نوشته‌های دهه‌های پسین آنها به شکل فی البداهه و عاری از جبر، از تجربه و یا

مشاهده مستقیم نویسنده سرچشمه می‌گیرند و با رخدادها و تصاویری که برای همگان آشنا هستند، همسویند. هسه می‌نویسد: «قدرت لذت بردن و به یادآوردن، وابسته به یکدیگرند.» یادآوری از نظر وی هنری است که با آن می‌توانیم «آنچه را که زمانی از آن لذت برده‌ایم، نه فقط تثبیت سازیم، بلکه هر روز ناب‌تر از پیش شکل دهیم.» رقم زدن امر اتفاقی به شکل الگویی معتبر، تثبیت امر گذرا و شکل دادن به امر گذرا و معتبر از جمله عناصر کار هسه هستند. از نظر هسه آنچه اهمیت دارد، عظمت شیئی نیست، بلکه کیفیت نظارت است. او از همان بیست سالگی چنین می‌نویسد: «نیکبختی یک «چیز» نیست، بلکه «چگونگی» است. نیکبختی نه یک شیئی بلکه گونه‌ای استعداد است.» این «چگونگی»، چیزی جز ادراکی هشیار و غیرقابل پیشداوری است. با همین عنصر است که او برای خود و خوانندگان «شادمانی‌های کوچک» به همراه می‌آورد، ملاقاتی دوباره با جهانی خرد، تشکیل یافته از تصاویر، رخدادها و ارتباط‌های پراکنده‌ای است که بدون این ملاقات دوباره از چنگ ما می‌گریختند، اما اکنون انرژی‌هایی نهفته از خود را می‌سازند.

در این متون هیچ چیز مبهم و عرفانی وجود ندارد. هیچ عنصری از پراکندگی چند معنایی در نثرهای تجربی و هیچ چیزی که بتواند مضمون نقد ادبی حرفه‌ای قرار بگیرد و به این ترتیب مورد تفسیر شخصی قرار گیرد، در آنها یافت نمی‌شود. زیرا هسه از جمله نادر نویسندگان قرن بیستم است که ترجیح می‌دهد، امر پیچیده را ساده و ساده را به شکل پیچیده ادا کند.

فرانکفورت آم ماین، اکتبر ۱۹۷۶

فولکر میشلز

پانویسها:

۱- گفتنی است که در ترجمه فارسی نیمی از این چهل مقاله برگزیده و ترجمه شده و در مقابل گزینه‌ای از اشعار، داستان‌ها، مکاتبات و نقدهای منتخب جایگزین شده است.

۲- برگرفته از مقاله‌ای نوشته شده در سال ۱۹۲۶.

۳- Pietism، اشاره به آیینی در مذهب پروتستان که به سختگیری و انضباط مشهور است، معادلی برای پیوریتمسم انگلیسی و امریکایی.

هرمان هسه و شادمانی‌های کوچک

هرمان هسه

پریسارضایی، رضانجفی

انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۷۸



امروزه که فهرست و تصاویر نسخ خطی غالب کتابخانه‌های جهان کم و بیش به آسانی در دسترس هر محقق هست، کار تصحیح انتقادی متون کهن را از جهتی پایان یافته باید تلقی کرد و تهیه متون انتقادی تازه از اکثر آثار کهن بیش از آنکه به تامل و تحقیق در نسخ خطی قدیم و جدید محتاج باشد، به هوش و دانش و ذوق و سلیقه مصححان آثار ادبی مشروط است. از این گونه آثار یکی شاهنامه فردوسی است که تصویر یا حداقل مشخصات همه نسخ خطی آن در دسترس همه ما هست و مخصوصاً چاپ انتقادی شاهنامه تصحیح آقای دکتر جلال خالقی مطلق که با ذکر همه نسخه بدلها همراه است، ما را از مراجعه به اصل و تصویر نسخ خطی شاهنامه بی‌نیاز می‌کند. با این همه راه برای اعمال ذوق و سلیقه ادبی و حل مشکلات و مبهمات این کتاب بزرگ همواره باز است و می‌توان امیدوار بود که به مدد ذوق و سلیقه و دانش و هوش ادبا و استادان زبان و ادب فارسی، به متن حقیقی شاهنامه‌ای که به قلم فردوسی نگارش یافت، نزدیکتر شد. در مورد اشتباهات و معایبی که در شاهنامه فردوسی هست و حاصل دخل و تصرف کاتبان است فراوان سخن گفته‌اند و مخصوصاً استاد عبدالحسین نوشین به تفصیل از این گونه سهو و خطاها یاد کرده‌اند و نه با مراجعه به اقدم نسخ که به مدد ذوق و سلیقه و دانش و هوش خویش، پیشنهادهایی کرده‌اند که غالباً درست و بجاست و در شاهنامه چاپ مسکو هم آن پیشنهادهای را اعمال کرده‌اند. اما حکایت آقای باقر پرهام که به همان راه استاد عبدالحسین نوشین رفته‌اند، حکایت دیگری است.

با نگاه فردوسی^۱ مجموعه مقالات آقای باقر پرهام درباره شاهنامه فردوسی است که در بخشی از آن که «روش‌های تصحیح نسخه‌های خطی» نام دارد، با استناد به سخنی از فوکو، به تأثیر عامل انسانی در تصحیح نسخ خطی اشاره می‌کنند و به عنوان مثال قرائت تازه‌ای از چند بیت از شاهنامه به دست می‌دهند. مقاله آقای پرهام مفصل و طولانی است و بیش از پنجاه صفحه از کتاب را به شرح دلایل خود برای این قرائت تازه از آن چند بیت اختصاص داده‌اند. در هوش و

دانش گسترده آقای باقر پرهام جای تردید نیست و کوششهای عالمانه ایشان در حوزه فلسفه و تاریخ و جامعه‌شناسی را نمی‌توان انکار کرد. اما نوع نگرش و استدلال‌های ایشان در این مقاله حاوی اشکالات اساسی است و از صغرا و کبرای دور و درازی که پیده‌اند، نمی‌توان نتایجی را که خواسته‌اند گرفت و نمی‌توان آن چند بیت را به صورتی که جناب ایشان پنداشته‌اند، قرائت کرد.

مثال اول مربوط به ابیتی در آغاز داستان رستم و سهراب است. فردوسی می‌گوید:

اگر تندبادی برآید ز کنج

به خاک افکند نارسیده ترنج
ستمکاره خوانیمش ار دادگر؟

هنرمند گویمش ار بی هنر؟
اگر مرگ دادست بیداد چیست؟

ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟
از این راز جان تو آگاه نیست

بدین پرده اندر تو راه نیست
همه تا در از رفته فراز

به کس بر نشد این در راز باز
مسکو - ۱۷:۴

مصرع آخر در جمیع نسخ خطی شاهنامه به همین شکل مذکور است. آقای پرهام پس از بحث مفصلی درباره راز مرگ و اشارات مکرر به رازآمیزی مرگ در اشعار خیام و معانی از و ترجمه ژول مول و سخنان استاد مینوی و بسیاری نکات دیگر، نتیجه گرفته‌اند که هر چند در همه نسخ خطی در مصرع اول «آز» آمده است، اما «آز» لزوماً غلط است و باید آن را «راز» خواند و در واقع بیت اخیر را به صورت زیر باید قرائت کرد:

همه تا در راز رفته فراز
به کس بر نشد این در راز باز

آقای پرهام می‌گویند: «با هیچ سریشمی نمی‌توان «آز» به معنای «فزون خواهی» و «بیش طلبی» را به مصرع دوم بیت... ربط داد.» اما این سخن آقای باقر پرهام خلاف است.

تصادف عجیبی است که ده‌ها کاتب مختلف، همه یکباره «در راز» را «در آز» خوانده باشند، مگر این که همه نسخ خطی موجود را رونویسی از هم بدانیم که چنین چیزی با قرائن و دلایل دیگری که هست ناسازگار است. به علاوه معنی بیت کاملاً روشن است و

نیازی به این همه مقدمه چینی و اشاره به اقوال میشل فوکو و ترجمه ژول مول و بحث از خیام و شرح معانی «آز» و غیره و غیره نیست. فردوسی می‌گوید: «همه خواسته‌اند و این آزمندی و فزون‌طلبی را داشته‌اند که راز مرگ را بگشایند، ولی به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. گشودن راز مرگ فزون خواهی و بیش‌طلبی است و تاکنون کسی راز مرگ را نگشوده است.» چرا «با هیچ سریشمی نمی‌توان از به معنای فزون خواهی و بیش‌طلبی را به مصرع دوم بیت ربط داد؟ و چرا وقتی معنی بیت کاملاً روشن است، باید بر این همه نسخ خطی که همه «در آز» آورده‌اند چشم فرو بست و به جای آن «در راز» گذاشت؟ به علاوه اندک آشنایی با شعر قرن چهارم و پنجم هجری کافی است تا بدانیم که مطلقاً نمی‌توان به جای «در آز»، «در راز» گذاشت، چون شعر خراسانی بر نوعی قرینه‌سازی مبتنی است و با تکرار «در راز» این قرینه‌سازی از دست می‌رود و ضعف عمده‌ای در ساخت شعر ایجاد می‌شود که شعر را از آسمان به زمین می‌آورد.

مثال دوم مربوط به ابیاتی است که فردوسی در آغاز شاهنامه در آفرینش مردم آورده است:

چو زین بگذری مردم آمد پدید

شد این بندها را سراسر کلید
سرش راست بر شد چو سرو بلند

به گفتار خوب و خرد کاربند
پذیرنده هوش و رای و خرد

مر او را دد و دام فرمان برد
ز راه خرد بنگری اندکی

که مردم به معنی چه باشد یکی
مگر مردمی خیره‌خوانی همی

جز این را نشانی ندانی همی
ترا از دو گیتی برآورده‌اند

به چندین میانجی پیورده‌اند
نخستین فطرت، پسین شمار

تویی خویشتن را به بازی مدار
مسکو - ۱۶:۱۵

آقای باقر پرهام گفته‌اند که بیت اول را باید به صورت زیر خواند که فقط در یکی از نسخ خطی شاهنامه می‌توان آن را یافت:

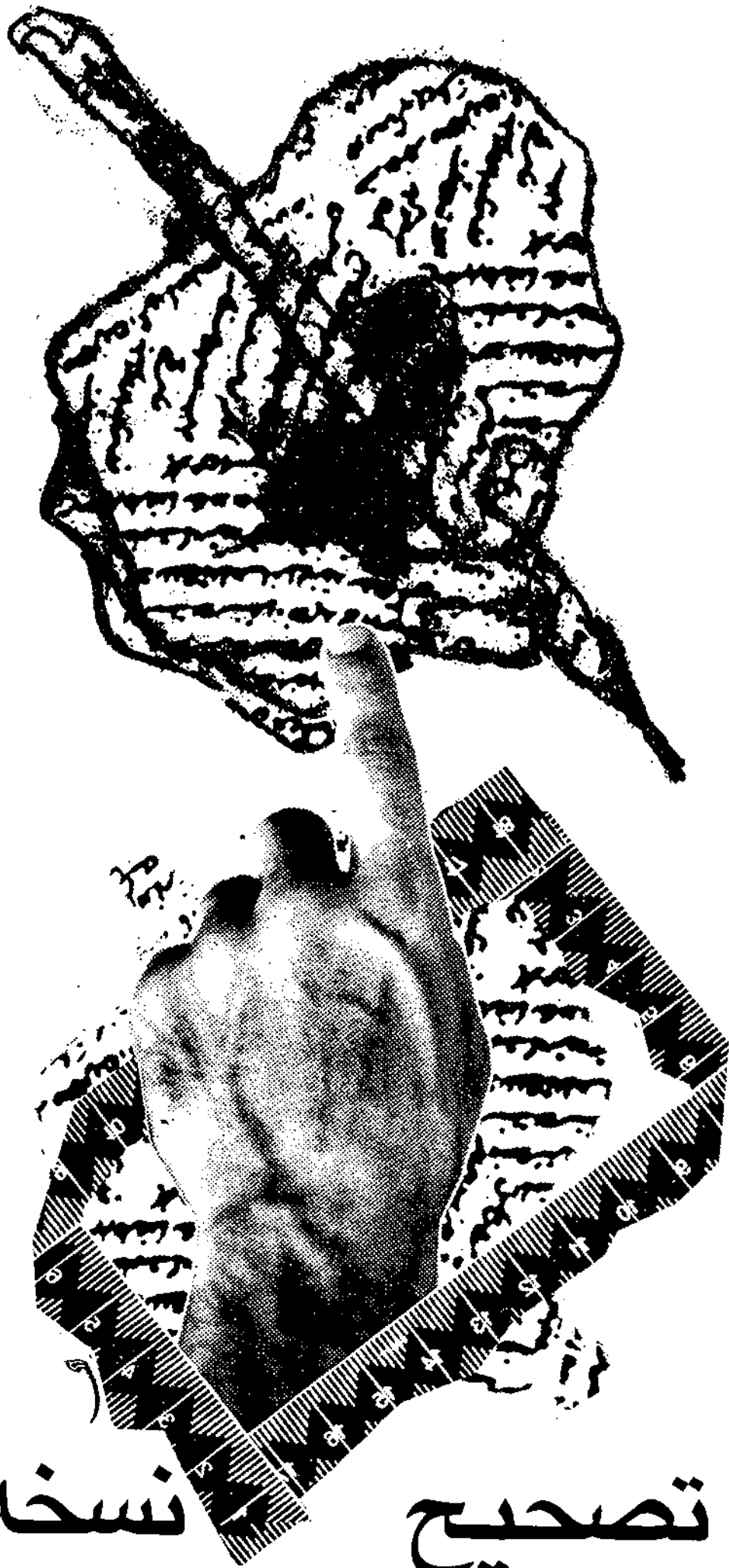
چو فرجام شد مردم آمد پدید
شد این بندها را سراسر کلید

نقدی بر روشهای

در این باره دو دلیل آورده‌اند که هر دو بی پایه و اساس است و اگر هم آنها را دلایل درستی بدانیم، اولاً برای اثبات آنها احتیاج به این همه مقدمه چینی و اشاره به اقوال نوربرت الیاس و ابوالحسن عامری و نظریه تکامل طبیعی و جهان‌بینی اسماعیلی و حرفهای استاد مینوی و زریاب خوبی نیست، و در ثانی از همه این مقدمات نمی‌توان نتیجه‌ای را گرفت که ایشان خواسته‌اند.

آقای پرهام گفته‌اند که باید خوانند: «چو فرجام شد مردم آمد پدید» چون منظور این است که از دیدگاه مراتب زمانی رویدادهای آفرینش، آدمی پس از همه موجودات زنده آمده است. بعد به نظریه تکامل طبیعی و سخن نوربرت الیاس و پیشینه نظریه تکامل در میان متفکران اسلامی و قول ابوالحسن عامری و آراء اسماعیلیه و اقوال استاد مینوی و زریاب خوبی و غیره و غیره استناد کرده‌اند. از آقای باقر پرهام می‌پرسیم «چو زین بگذری مردم آمد پدید» به چه معنی است؟ آیا جز به معنی این است که از اینها که گذشته‌اند (یعنی از طبیعت و حیات گیاهی و حیوانی که گذشته‌اند) نوبت آفرینش انسان است؟ و مگر این همان معنی نیست که شما پس از چند صفحه بحث طولانی و سخن‌های فراوان از شرق و غرب، نتیجه گرفته‌اید؟ و مگر از لحاظ معنایی فرقی است بین «چو فرجام شد...» و «چو زین بگذری...»؟ پس چرا باید چند صفحه مقدمه چینی کرد و چشم بر ده نسخه خطی فروبست و به جای «چو زین بگذری...»، «چو فرجام شد...» آورد.

این نکته را که آدمی از حیث سلسله مراتب زمانی پس از همه موجودات آفریده شد، به نظریه تکامل طبیعی مربوط کرده‌اند و گفته‌اند که نظریه تکامل طبیعی در شرق و عالم اسلامی ناشناخته نبود و آنچه در این بیت هست ناظر به همین آگاهی شهودی از نظریه تکامل داروین است. از آقای پرهام که دست کم در این زمینه‌ها استاد همه مایند، و همه ما به کوششهای عالمانه ایشان در حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی و تاریخ مدیونیم، سخن عجیبی است. سلسله مراتب آفرینش و این سخن فردوسی چه ربطی به نظریه تکامل طبیعی دارد؟ سلسله مراتب آفرینش را همیشه و همه جا می‌توان یافت. حتی در اساطیر همه ملل هست. در اساطیر سامی و بین‌النهرینی و یونانی و غالب ملل دیگر، انسان پس از آفرینش موجودات دیگر، آفریده می‌شود و این ارتباطی به آراء داروین و لامارک ندارد. آیا مردم سومر و بابل و بین‌النهرین هم با نظریه تکامل طبیعی آشنا بودند؟ آنچه از قول ابوالحسن عامری در این باره آورده‌اند، نکته تازه‌ای نیست و در اغلب آثار فلسفی و عرفانی و ادبی فارسی و عربی می‌توان یافت و



نسخه‌های خطی

تصحیح

چه ضرورتی است که برای اثبات نکته‌ای بدیهی که هر کتابی را که در حوزه عرفان و فلسفه اسلامی باز کنیم، اشاره‌ای به آن هست، به قول ابوالحسن عامری نامی استاد کنیم یا آراء و اقوال اسماعیلیه را برشماریم؟ این همه مقدمه‌چینی‌های غلط برای اثبات اینکه به جای «چو زین بگذری...»، «چو فرجام شد...» بگذاریم، عجیب نیست؟

دلیل دیگری هم که آورده‌اند درست نیست. گفته‌اند در «چو زین بگذری...» بخش اول فعل شرطی دارد و بخش دوم فعل ماضی، و این درست نمی‌نماید. پیداست که فعل بخش اول هم به معنی فعل ماضی است، یعنی «پس از اینکه از همه اینها گذشتی» و اشکالی در جمله فارسی نیست.

مثال بعدی مربوط به بیت ۶۳ از شاهنامه انتقادی آقای دکتر جلال خالقی مطلق است. ز راه خرد بنگری اندکی

که معنی مردم چه باشد یکی این بیت در شاهنامه چاپ ژول مول به صورت زیر آمده است:

ز راه خرد بنگری اندکی

که مردم به معنی چه باشد یکی آقای پرهام گفته‌اند که بیت متن ژول مول صحیح است، چون به معنی این است که: «مردم سیاه و سفید و زرد و سرخ و مانند اینها دارند، مردم ایرانی‌اند یا آفریقایی یا هندی یا رومی یا آمریکایی... اما به معنی همیشه یکی‌اند. به گفته سعدی در آفرینش زیک گوهرند.»

بعد تعبیر «به معنی» را به استاد جمله‌ای طولانی از مقدمه شاهنامه ابومنصوری معنا کرده‌اند و گفته‌اند که «به معنی» یعنی از دیدگاه گوهر معنا نه صورت لفظ «در دورانی که فردوسی سرگرم سرودن شاهنامه بوده در زبان فارسی کاربرد داشته و در مآخذ کار فردوسی از آن استفاده کرده بودند، و دلیلی وجود ندارد که فردوسی در به نظم درآوردن شاهنامه ابومنصوری از این تعبیر استفاده نکرده باشد.»

اندک آشنایی با متون کهن و بلکه دستور زبان فارسی کافی است تا بدانیم که برای توضیح چنین نکته ساده‌ای، لازم نیست به چنین جمله‌درازی در مقدمه شاهنامه ابومنصوری استناد کرد. چون هر کتاب ساده‌ای

را که باز کنیم، تعبیر «به معنی» را به همین معنا در آن می‌توان یافت، و اصلاً یکی از راه‌های ساختن قید در زبان فارسی همین است که بر سر اسم، حرف اضافه «به» بیاورند. امروز هم از این قیده‌ها فراوان است. مثلاً خود ما هر روز قیده‌های «به دقت»، «به زیبایی»، «به اجمال» و «به تفصیل» را به کار می‌بریم. برای درک معنی این قیده‌ها لازم نیست به مقدمه شاهنامه ابومنصوری استناد کرد.

اما نکته مهم‌تر اینجاست که «که معنی مردم...» و «که مردم به معنی...» هر دو به یک معناست و معلوم نیست چه تفاوت معنایی میان آنهاست که باید ضبط رایجی را که در همه نسخه خطی هست کنار گذاشت و به جای آن «که مردم به معنی...» را انتخاب کرد.

مثال بعدی مربوط به همین ابیات آغازین در شاهنامه فردوسی است که در متن مصحح آقای جلال خالقی مطلق آمده است: تو را از دو گیتی برآورده‌اند

به چندین میانجی پیورده‌اند نخستینت فکرت، پسینت شمار

تو مر خویشان را به بازی مدار آقای پرهام شکل صحیح بیت اخیر را به صورت زیر می‌دانند:

نخستین فطرت، پسین شمار

تویی خویشان را به بازی مدار آقای پرهام برای اثبات این نکته ده‌ها صفحه دلیل آورده‌اند و سخن گفته‌اند. ولی استدلال‌های ایشان همه مخدوش و نارواست، و ما در اینجا به اختصار به ذکر دلایل ایشان و رد آنها می‌پردازیم.

دلیل اول: آقای پرهام گفته‌اند «از ۱۲ نسخه خطی، ۱۱ نسخه، بیت اخیر را به صورت مورد نظر ما، یا به صورت‌هایی نزدیک و مشابه به صورت مورد نظر ما ضبط کرده‌اند و گذشته از اهمیت کمی یازده در مقابل یک، از حیث منطقی دشوار می‌توان پذیرفت که یک خطا در یازده نسخه به تقریب به صورت واحدی تکرار شده باشد، مگر آن که همه یازده نسخه را رونویسی از هم بدانیم که چنین ادعایی نمی‌توان کرد.» این استدلال تا حدودی درست است و ما هم آن را می‌پذیریم، ولی خود آقای پرهام در بیت «همه تا در از رفته فراز» که جمیع نسخ در این مصرع اول «در از» آورده‌اند، «در از» را غلط می‌دانند و «در راز» را به جای

آن می‌گذارند. چطور در آنجا ضبط جمیع نسخ خطی را رد می‌کنند، و در اینجا به اهمیت کمی یازده در برابر یک می‌اندیشند؟

دلیل دوم: آقای پرهام پس از ذکر این دو بیت: تو را از دو گیتی برآورده‌اند

به چندین میانجی پیورده‌اند نخستینت فکرت، پسینت شمار

تو مر خویشان را به بازی مدار آنها را معنی کرده‌اند و دو بیت به هم پیوسته پنداشته‌اند. گفته‌اند که نخستین و پسین به «میانجی» باز می‌گردد و بیت متن شاهنامه آقای خالقی به معنی آن است که فکرت (خرد) و شمار (روز رستاخیز) به ترتیب اولین و آخرین واسطه‌های آفرینش انسان‌اند و حال آن که روز رستاخیز که پس از آدمی می‌آید نمی‌تواند واسطه آفرینش آدمی باشد. باید دانست که این دو بیت، دو بیت جداست و مقصود از دو گیتی، عالم خاک و عالم افلاک است که آدمی با واسطه‌هایی پرورش یافته آنهاست. تمام استدلال‌های آقای پرهام در این باره بی پایه و اساس است، چون مقصود از «نخستینت فکرت، پسینت شمار» این نیست که نخستین میانجی تو خرد است و آخرین میانجی تو روز رستاخیز. مقصود این است که اولین چیزی که به تو داده‌اند خرد است و آخرین چیزی که تو با آن روبه رویی، حساب و کتاب روز قیامت است. اشکال کار آقای باقرپرهام این است که بین اسم و صفت و قید خلط کرده‌اند و پسین و نخستین را همه جا صفت پنداشته‌اند و ما این را در قسمت بعد نشان خواهیم داد.

دلیل سوم: گفته‌اند: «آقای خالقی می‌گویند عدد ترتیبی یا صفت نسبی نخستین وقتی بر معدود یا موصوف مقدم گردد، کسره اضافه آن می‌افتد... در



شاهنامه مثالی نداریم که این واژه در حالت تقدم بر موصوف، با حفظ کسره اضافه آمده باشد. در حالی که بی‌درنگ به دنبال این مطلب اضافه می‌کنند که البته در شاهنامه موارد اندکی هست که صفت در حالت تقدم، کسره اضافه خود را حفظ کرده است. صرف نظر از این تناقض در بیان، پرسیدنی است آیا حذف کسره اضافه پسین در حالت تقدم بر موصوف، قاعده‌ای کلی در زبان فارسی است یا فقط خاص شاهنامه؟ مگر در کشف‌المحجوب ابویعقوب سیستانی، که به احتمال زیاد همزمان فردوسی و پیش از سروده شدن شاهنامه، نوشته شده است، در بحث مربوط به پیامبر پیشین با پیامبر پسین نمی‌خوانیم که پیامبر پیشین باید «بشارت دهد حد پسین خود را؟» و مگر پسین در اینجا به خود اضافه نشده است و مقدم بر آن نیست؟ مگر در مقدمه شاهنامه ابومنصوری که از منابع اصلی کار فردوسی بوده، به تعبیری چون «بهترین خلق خدا»، «بهترین عالم»، «آخر ملوک عجم»، «خاتم پیغمبران» بر نمی‌خوریم؟

پاسخ می‌دهیم اولاً در سخن آقای خالقی مطلق تناقضی نیست. اضافه وصفی مقلوب با حفظ کسره اضافه به ندرت در شاهنامه هست، ولی چنانکه آقای خالقی گفته‌اند، در مورد واژه‌های پسین و نخستین، اضافه وصفی مقلوب با حفظ کسره اضافه نمی‌توان یافت، ولی در مورد واژه‌های دیگر، به ندرت می‌توان یافت. پس تناقضی در بیان نیست.

آقای پرهام پس از این — به گمان خود — چند مثال از اضافه وصفی مقلوب در متون کهن یافته‌اند و یکجا مرتکب چند سهو و خطا شده‌اند. این مثال‌ها همه غلط است و از آقای باقر پرهام عجیب است. در واقع باید آنها را به حساب تسامح و بی‌دقتی گذاشت، و الا چطور ممکن است شخصی مثل آقای پرهام، فرق اسم و صفت را نداند!

در مورد «بشارت دهد حد پسین خود را»، در اینجا صحبت از «حد پسین» است، نه «پسین خرد» و اصلاً قلبی در کار نیست. به علاوه «حد پسین» اضافه وصفی هم نیست. در مورد ترکیبات «بهترین خلق خدا» و «بهترین عالم» و «آخر ملوک عجم» و «خاتم پیغمبران» هم، «بهترین» و «آخر» و «خاتم»، اسم است، نه صفت نسبی. چطور ممکن است آقای پرهام فرق اسم و صفت را نداند و «بهترین عالم» را اضافه وصفی مقلوب

بپندارند و بعد به آقای خالقی بگویند که بفرمایید، ما این اضافه وصفی مقلوب را یافتیم که کسره اضافه خود را حفظ کرده است؟ «بهترین»، صفت نسبی نیست که بر موصوف مقدم آمده باشد، «بهترین» در اینجا اسم است. آقای باقر پرهام بعد آورده‌اند:

«این تعابیر با دو تعبیر «نخستین فطرت» و «پسین شمار» چه تفاوتی دارند که ما باید اینها را بی‌گفت و گو بپذیریم، در حالی که در مورد دو تعبیر فردوسی... به آسانی تسلیم نشویم؟»

جواب می‌دهیم از لحاظ ساختمانی یا بیت فردوسی (به صورتی که شما ضبط کرده‌اید و با معنایی که شما برای آن قائلید) فرقی ندارند. هم «نخستین» و «پسین» و هم «بهترین» و «خاتم» و «آخر» در همه این ترکیبات اسم هستند، و اسم همیشه می‌تواند کسره اضافه بگیرد. ولی «نخستین» و «پسین» در این بیت (به صورتی که شما ضبط کرده‌اید و با معنایی که شما برای آن قائلید) صفت نسبی نیست که بر موصوف مقدم آمده باشد و کسره اضافه خود را هم حذف کرده باشد. بنابراین همه چند صفحه استدلال‌های آقای پرهام در رد سخن آقای خالقی بی‌پایه و اساس است.

دلیل چهارم: گفته‌اند: «آقای خالقی می‌گویند واژه فطرت را می‌توان به معنی آفرینش گرفت، ولی واژه نخستین به معنای مهم‌ترین نیست، بلکه یا عدد ترتیبی به معنی اولین است، یا صفت نسبی به معنی مقدم و اقدم و جلوترین و پیش‌ترین، یا اسم به معنی ابتدا و آغاز، یا قید به معنی ابتدا و آغاز و یا قید به معنی اولاً. ولی هیچ یک از این معانی به این بیت معنای درستی نمی‌دهد.» بعد پرسیده‌اند:

«چرا هیچ یک از این معانی به این بیت معنی درستی نمی‌دهد؟ اگر عدد ترتیبی اولین یا صفت نسبی مقدم، جلوترین، پیش‌ترین، و مانند اینها را فقط از دیدگاه زمانی در نظر بگیریم، یعنی اگر بگوییم اولین از نظر زمانی یا مقدم و اقدم از نظر زمانی، البته معنایی نمی‌دهد، زیرا انسان به گفته فردوسی در مبحث آفرینش، از نظر زمانی، جلوتر از همه آفریده‌ها یا مقدم بر آنها نیست. ولی اگر جلوتری و تقدم و اول از همه بودن از نقطه نظر کمال وجودی در روند آفرینش باشد چطور؟ چرا در این بیت واژه نخستین نمی‌تواند به معنای مهم‌ترین باشد؟ مگر فردوسی در سرآغاز بحث ستایش خرد، سخن خود را با «ارج خرد» آغاز نکرده و

نگفته است: کنون ای خردمند ارج خرد/ بدین جایگاه گفتن اندر خورد؟»

می‌گوییم اولاً پسین و نخستین در این بیت، به این شکل و در این معنا که شما قائلید، صفت نسبی یا عدد ترتیبی نیست. در ثانی به چه مجوزی می‌توان نخستین را به معنی «اول بودن از نقطه نظر کمال وجودی» معنی کرد؟ چطور چنین چیزی ممکن است و در کجا دیده‌اید که نخستین به معنی مهم‌ترین آمده باشد؟ فرض کنید در مجلسی رفته‌ایم و کسی از ما می‌پرسد: اولین کسی که به مجلس آمد چه کسی بود؟ جواب می‌دهیم: حسن. طرف می‌گوید: ولی حسن که آخر از همه آمد! جواب می‌دهیم: خب، منظورم اول بودنش از لحاظ پولداری بود!

اینکه فردوسی سخن خود را با ارج خرد آغاز کرده، چه ربطی دارد که نخستین را به معنی مهم‌ترین بگیریم؟ به علاوه اگر نخستین را به معنی مهم‌ترین بگیریم، آن‌گاه باید پسین را هم به معنای کم‌اهمیت‌ترین بدانیم، و گرنه در ساخت شعر ضعف عمده‌ای ایجاد می‌شود که در شعر فردوسی کمتر می‌توان دید.

بقیه مطالبی که در اثبات همین نکته و در رد برخی آراء و اقوال دیگر آقای زریاب خویی آورده‌اند، به کلی با موضوع مقاله ما و آقای پرهام بی‌ارتباط است. این که منظور از خرد در این ابیات عقل بشری است یا خرد اسماعیلی، و آراء و اقوال آقای زریاب خویی درست است یا نادرست، فرق چندانی نمی‌کند و هیچ ربطی به موضوع این مقاله و مقاله آقای پرهام ندارد.

ملاحظه می‌کنیم که هیچ یک از مثال‌هایی را که آقای باقر پرهام از شاهنامه آورده‌اند، نمی‌توان به صورتی که ایشان پنداشته‌اند، قرائت کرد، و ضبط صحیح آنها، همان ضبط آقای جلال خالقی مطلق است. استدلال‌های آقای پرهام هیچ کدام درست نیست. به ایشان توصیه می‌کنیم، در تجدید چاپ کتاب با نگاه فردوسی، مقاله «روش‌های تصحیح نسخه‌های خطی» را بردارند.

پانویس:

۱- با نگاه فردوسی مبانی، نقد خرد سیاسی در ایران، ویراست دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.

نیم نگاهی به پاره‌ای از ویژگی‌های افسانه‌های کردی خراسان؛

به انگیزه انتشار کتاب «درخت چهل دستان»
با یاد برادرم «علی» که دوستدار و گردآورنده
افسانه‌های عامیانه بود

✽

درباره جایگاه، اهمیت و ارزش‌های افسانه‌های عامیانه ملت‌ها و قوم‌ها، بسیار سخن‌های نغز گفته و نوشته شده؛ اما واقعیت آن است که «قصه عامیانه، در تقابل با اسطوره، نوعی سرگرمی است، و قصه گو در طلب این مقصود گاه کامروا و گاه ناکام است. درونمایه‌اش چه بسا که از درخت اسطوره چیده شود، اما صناعتش هرگز به تمام و کمال، صناعت اساطیری نیست. حاصل کارش را نباید در نهایت چون علم، جامعه‌شناسی، روانشناسی یا مابعدالطبیعه قلمداد کرد، بلکه باید آن را هنر دانست، به ویژه هنری که افراد در دوره‌های معلوم، و سرزمین‌های معلوم پدید آورده‌اند.»^۱
به تازگی و برای نخستین بار در قلمرو ادبیات عامیانه و شفاهی کرمانج، کتاب «درخت چهل دستان؛ بیست و یک افسانه کردی خراسان» گردآوری و ترجمه آقای کلیم‌الله توحیدی (کانیمال) چاپ و منتشر شده‌است.^۲

کتاب دارای دویست صفحه و چهار بخش است: «پیشگفتار»، «چند نکته درباره ویرایش کتاب»، متن ۲۱ افسانه و سه پیوست شامل «درباره راویان افسانه‌ها»، «محفل‌های [روستای] اوغاز» و «فهرست القاب و واژه‌ها».

گردآورنده و مترجم افسانه‌ها - که از پژوهندگان پر تلاش و بنام کرمانج است - انگیزه و هدف تدوین

مجموعه افسانه‌های کتاب را این‌گونه بیان داشته است: «این بنده ناچیز، خود از شنوندگان پُر و پا قرص چیروک‌های پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها و پیران سالخورده در دوران کودکی و نوجوانی‌ام بوده‌ام و در سال‌های اخیر دریافته‌ام که با مرگ آن عزیزان قصه گو، قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه روایت شده توسط آنان نیز رو به نابودی می‌روند؛ پس دریغ آمد که این گوهرهای گرانبها گردآوری نشوند و همراه با کالبد راویان در خاک مدفون شوند.»^۳

۲۱ افسانه عامیانه کردی گردآوری شده شامل: دو افسانه «مربوط به حیوانات»، هفت افسانه «سحر و جادویی»، نه افسانه «مانند داستان کوتاه» و سه افسانه «که جنبه شوخی دارند» است.

جدول شماره ۱

جدول شماره ۱، نتیجه مقایسه و مقابله ۲۱ افسانه کرمانجی کتاب «درخت چهل دستان» است با تیپ‌شناسی متن ۱۳۰۰ افسانه عامیانه ایرانی در کتاب ارزشمند «طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی» نوشته اولریش مارزئلف و مجموعه قصه‌های عامیانه پنج کتاب: «افسانه‌های آذربایجان» روایت صمد بهرنگی و بهروز دهقانی، «افسانه‌های کردی» گردآوری م.ب. رودنکو، «افسانه‌های دیار همیشه بهار (قصه‌های مردم مازندران و ترکمن صحرا)» گردآوری سید حسین میرکاظمی، «افسانه‌های ذری» گردآوری روشن رحمانی و «پشت کوه قاف» گردآوری محمدجواد خاوری. ۵. این مقایسه، وجود افسانه‌های مشترک بین قصه‌های کرمانجی را با دیگر قوم‌های ایرانی، آشکار و هویدا می‌سازد.

ویژگی‌های زبانی افسانه‌ها و چیروک‌های کرمانجی

سرآغاز افسانه‌های کرمانجی - مانند دیگر

افسانه‌های عامیانه ایرانی - عموماً با جمله و عبارت «بیک هه‌وو بیک تونه‌وو» (یکی بود یکی نبود) شروع می‌شود و بیشتر با جمله و عبارت «غیره ز خادی کهس تونه‌وو» (غیر کسی نبود)^۴ و گاه با جمله «له قیی دوتیای قهره و بی پایانه خوداوه‌ند، که‌سه که دن تونه‌وو» (در این دنیای پهناور، غیر از خدا که آن را آفریده‌است، کسی دیگر نبود)^۵ و یا «نه چیا هه‌وو نه ناوه‌وو ژه‌دوو خادی که‌س تونه‌وو» (نه کوه بود نه آب بود، پس از خدا کسی نبود)^۶ بسط و گسترش می‌یابد. پس از این عبارت‌هاست که بی‌درنگ افسانه آغاز می‌گردد.

پایان افسانه‌های کرمانجی، گرچه بیشتر با جمله و عبارت:

الف: «من هم به خدمت (نزد - پیش) شما آمدم؛ امیدوارم (آرزومندم - از خدا می‌خواهم) شما هم به آرزو (مُراد) خود برسید»^۷ همراه است اما گاه پس از این عبارت، جمله و عبارت‌های دیگری از سوی قصه‌گو افزوده می‌شود.

ب. در پاره‌ای از آنها، پیام افسانه با نصیحت و اندرزی همراه است:

- «و از فردا هوشیار باشید و فریب نیرنگ آدم‌های

حیله‌گر و حقه‌باز را نخورید.» ص ۲۰

- «امیدوارم هیچ کدام از شما در حق برادر و دوست

خود به نامردی رفتار نکنند.» ص ۳۴

- «و دنبال کار و هنر بروید و از مشکلات نترسید و

عزمتان جزم باشد و روزگار به کام.» ص ۴۴

- «و خداوند و قدرت او را هرگز فراموش نکنید که

همه چیز به دست اوست و در یک شب، شاه را گدا و گدا

را شاه می‌کند.» ص ۶۹

- «و بدانید هر آنچه از روز اول بر پیشانی آدم نوشته

باشند، همان می‌شود.» ص ۱۲۲ و ص ۱۳۷

- «اما در هیچ کار عجله نکنید که عجله، کار شیطان

است و باعث پشیمانی و ضرر.» ص ۱۴۷

مسعود میرعلایی

صدای درونی

- «از قدیم گفته‌اند: یک چو شانس از یک من عقل، بیشتر کار ساز است.» ص ۱۷۰

پ. در پاره‌ای از افسانه‌ها، قصه‌گو با زیرکی، افسانه را با وعده به شنوندگان، به پایان می‌برد:

- «کمی نقل و نبات برایتان آورده بودم؛ اما وقتی که خواستم از رودخانه [...] بگذرم، همه میان رودخانه ریخت و سیل آنها را با خود برد. حتماً دفعه دیگر برایتان شیرینی خواهم آورد.» ص ۱۴

- «من هم دیگ پلویی از آن جا [مجلس عروسی قهرمان قصه] با خود آوردم که به شما بدهم تا بخورید، اما سگ‌های همسایه به من حمله کردند و دیگ بر زمین افتاد، و پلوها هم در میان کوچه ریخت.» ص ۸۷

- «راستی! مقداری شیرینی و کشمش هم از جشن عروسی ککو [قهرمان قصه] برای شما بچه‌های خوب آورده بودم؛ اما وقتی وارد قلعه شدم، سگ‌های ده به من حمله کردند، شب بود، ترسیدم و پایم به سنگی گیر کرد و به زمین خوردم، و شیرینی و کشمش‌ها روی زمین ریخت. حتماً دفعه دیگر، برایتان شیرینی و کشمش می‌آورم.» ص ۱۱۶۵

ت. در برخی از افسانه‌ها، قصه‌گو برای واقعی نشان دادن ماجراهای قصه به شنوندگانش، با جمله‌ای در پایان افسانه، نقشش را به عنوان بیننده ماجراهای افسانه، بدین گونه نمایان می‌سازد:

- «پلنگ و گرگ و روباه مشغول خوردن برادر دیوانه بودند که من هم از گوشه کهنه آسیاب، به بیرون خزیده و دیوان دیوان خود را به این جا رساندم.» ص ۳۴

- «آنها [قهرمان افسانه و همسرش] آن جا ماندند و من هم نزد شما آمدم.» ص ۷۶

ث. و گاه جمله‌هایی مانند: «حالا بروید بخوابید و خواب خوش ببینید.» (ص ۱۴) و یا «بروید بخوابید که شب از نیمه گذشته است.» (صفحات: ۲۰، ۸۷ و ۱۸۲ کتاب) پایان بخش افسانه‌های کرمانجی است.^{۱۲}

ناگفته نماند که ممکن است جمله‌ها و عبارت‌های

پایانی یک چپروک، دو یا سه شیوه پایانی بر شمرده در بالا را، با هم داشته باشد. مثلاً: «من هم دیگ پلویی از آن جا با خود آوردم که به شما بدهم تا بخورید؛ اما سگ‌های همسایه به من حمله کردند و دیگ بر زمین افتاد، و پلوها هم در میان کوچه ریخت.» (شیوه پایانی پ) خوب عزیزانم! بروید بخوابید که شب از نیمه گذشته است. (شیوه پایانی ث) و از حسود دوری کنید و بدانید که آدم حسود، در دنیا بدبخت و در آخرت، گرفتار آتش جهنم می‌شود.» (شیوه پایانی ب)^{۱۳}

سهم و نقش زن در افسانه‌های کردی خراسان

مقام، نقش و حضور چشم‌گیر و پویای زنان کرمانج در زندگی خانوادگی، معیشتی و اجتماعی که «مکرر اتفاق افتاده است که آنان حرف خود را به کرسی نشانده و نظریه خویش را [حتی] در امر رهبری ایل تثبیت نموده‌اند»^{۱۴}، بازتاب و نمود فراوانی در قصه‌ها و چپروک‌های کرمانج دارد و یکی از جنبه‌ها و ویژگی‌های بارز این گونه ادب شفاهی است.

اینک بر مبنای افسانه‌های کتاب «درخت چهل دستان» به بررسی گذرا و فشرده بر شخصیت تبیین «زن» و به ویژه «پیرزن» در چپروک‌های کرمانجی، می‌پردازیم.

افروزپری، پریشان، توتی، تومار، خوشقدم، دالستان، زرافشان، زرین، زرتین تاج، زلیخان، سومار، سیاره، سیران، شاخی (شاه‌خانم)، شامار، فایک، فرخ‌لقا، گل افشان، گل بهار، گل چین، گلستان، گلشن (گلشن) و مهرنگار نام ۲۳ شخصیت زن و دختر طی ۲۱ افسانه کتاب است.

براساس حضور و سهم زن، می‌توان افسانه‌های کتاب «درخت چهل دستان» را در سه گروه، طبقه‌بندی کرد:

۱. افسانه‌های: «آلیک و فایک»، «بهرام خارکش»، «مَمَد اوچی و انگشتر سلیمان پیغمبر»، «شاه اسماعیل و

قره‌برزنگی» و «سه عروس» که دختر و یا زنی در نقش خواهر، مادر، همسر، دختر و یا زنی غریبه، به کمک و یاری قهرمان مرد قصه می‌آید و دوشادوش - و گاه جلوتر از او - ماجراهای افسانه را پیش می‌بزنند.

۲. افسانه‌های: «افروز پری»، «شاه سلطان مار و مهرنگار»، «تخته نردبازی شاه عباس»، «روزی خانواده بر سر زن است یا مرد؟»، «خوشقدم هنرمند» و «سالی که مرا عروس کردند» که زنی (جوان) نقش اصلی را ایفا می‌کند و با عقل و درایت و گاه ساده‌دلی خویش ماجراهای افسانه را از سر می‌گذرانند.

۳. افسانه‌های: «دُم زنگوله‌ای»، «آلیک و فایک»، «مَمَد اوچی و انگشتر سلیمان پیغمبر»، «افروز پری»، «درخت چهل دستان»، «شاه اسماعیل و قره‌برزنگی»، «خوشقدم هنرمند» که زنی (پیر) به خواست خود، یا به خواست قهرمان یا ضد قهرمان افسانه می‌آید و مسیر و ماجراهای نویی را در قصه به وجود می‌آورد.

نکته جالب توجه آن که در چپروک‌های کرمانجی حتی شب‌پرک‌ها، کبوترها و کلاغ‌هایی که در سیر ماجراهای قصه با گفت‌وگوهایشان از رازهای نهفته پرده برمی‌دارند و آینده‌گویی می‌کنند و قهرمان افسانه را غیر مستقیم راهنمایی و یاری می‌رسانند، هم دیگر را «خواهر» (یا جی) می‌خوانند:^{۱۵}

- «شب پَرک [خفاش] اولی به شب پرک دومی گفت: ای خواهر! می‌دانی که گرگ حرامزاده بچه‌های شاه‌پزن بیچاره را خورده؟ شب پرک دومی گفت: یلی خواهر، می‌دانم؛ اما اگر شاه‌پزن نخوابیده باشد، باید برخیزد و...»

(افسانه شاه پزن ص ۱۳)

- «بچه‌ها خسته و تشنه از چشمه، آب می‌نوشیدند که ناگاه دو کلاغ پرواز کنان آمدند و روی شاخه درخت بید نشستند و قاروقار کردند.

یکی از کلاغ‌ها به دیگری گفت: ای خواهر! می‌دانی یا نمی‌دانی؟ (خانگام! زانی یا نزانی؟)

درخت چهل دستان

گردآوری و ترجمه:

کلیم الله توحیدی (کانیمال)

درخت چهل دستان

گردآوری و ترجمه: کلیم الله توحیدی (کانیمال)

انتشارات محقق، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۹

کلاغ دیگر گفت: نه نمی‌دانم، بگو تا بدانم. (نا، نزانم، بویژ تا بزانم.)

کلاغ اولی گفت: خواهر جان! زن عموی الک و فاتک، اینها را فریب داده و...

(افسانه الک و فاتک ص ۲۲)

افسانه‌های گروه سوم که در آن زنی پیر نقش دارد، در چهار مقوله جزئی تر قابل تقسیم و بررسی است:

۳. الف. «پیرزن» در نقش و جایگاه شخصیت اصلی و فعال افسانه.

۳. ب. «پیرزن» در نقش فرعی و یاری رسان به قهرمان قصه (وجه مثبت).

۳. پ. «پیرزن» در نقش فرعی و مشاور و کمک کننده به ضد قهرمان افسانه (وجه منفی).

۳. ت. «پیرزن» در نقش فرعی و ضد قهرمان قصه، وجه مشترک و برتر این چهار مقوله، نمایانگر مقام «پیرزن» - چه با وجهه مثبت و چه با وجهه منفی - به عنوان شخصیتی زیرک، حیل‌گر و کاردان است. به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

الف. «پیرزن» در نقش شخصیت اصلی و فعال افسانه

- «پیرزن ناچار یک شب در گوشه‌ای از باغ و زیر درخت بزرگ سجد، خود را در کهنه لحاف جاجیمش پنهان کرد، تا ببیند چه کسی سجدها را می‌دزد. شب از نیمه گذشته بود... «که ناگاه دید روباهی، از دیوار باغ پایین جست و یگراست به سراغ سجدها رفت و شروع کرد به خوردن آنها... پیرزن هیچ نگفت و برگشت و در آلودگی دراز کشید و به ستارگان چشم دوخت و به چاره‌جویی پرداخت...»

روز دیگر به هنگام غروب، پیرزن سجدها را جمع کرد و در کیسه‌هایی ریخت و به داخل آلودک بُرد. سپس برگشت و تا شب با قلوه‌سنگ‌هایی که از کنار رودخانه آورده بود، اجاقی درست کرد و مقداری هیزم داخل اجاق چید و آنها را آتش زد و تاوه‌ای هم روی اجاق گذاشت و مقداری سجد داخل تاوه ریخت. سپس رفت و خود را در جای شب گذشته، پنهان کرد و چشم به راه آمدن روباه شد...»

(افسانه روباه دُم‌زنگوله‌ای. صص ۱۵ و ۱۶)

- «بازرگان که به خانه پیرزن رسید، با پیرزن و خوشقدم احوال‌پرسی کرد و هدایایی که برایشان آورده بود، به آنها داد؛ و سپس مشغول چای خوردن شدند. ناگاه سوسک سیاه و بدترکیبی از زیر پلاس خانه بیرون

آمد، پیرزن زود برخاست و با گرمی با سوسک احوال‌پرسی کرد و به او گفت: خواهر جان! برای ما مهمان آمده، امشب برو و فردا بیا تا با هم صحبت کنیم آن‌گاه سوسک را روی جaro گذاشت و به آرامی از خانه بیرون بُرد، و به خانه برگشت.

بازرگان با شگفتی گفت: ای مادر! مگر سوسک‌ها زبان آدمیزاد را می‌دانند که تو این‌طور با مهربانی با او رفتار کردی و حرف زدی که انگار از بستگان تو است.

پیرزن گفت: بلی، درست است. او خواهر بزرگ‌تر من است که حالا سوسک شده!

بازرگان پرسید: چرا خواهرت سوسک بشود؟ پیرزن گفت: از بس که زن‌های خانواده ما زیاد کار می‌کنند و پنبه می‌ریسند، مردم که بفهمند، چشمشان می‌زنند. همین خواهرم که...»

(افسانه خوشقدم هنرمند صص ۱۶۹ و ۱۷۰)

ب. «پیرزن» در نقش فرعی و یاری رسان به قهرمان قصه

- «سیاره [زن خارکش] هم صبح زود، شالش را دور سرش پیچید و با شال دیگر هم، کمرش را بست و آفتابه‌ای پر آب کرد و جارویی به دست گرفت، و به سوی قصر پادشاه رفت.

سیاره با آفتابه، دُم در قصر را آب‌پاشی نمود و سپس شروع کرد جلوی قصر را جارو کردن.

وزیر از کاخ بیرون آمد و پرسید: ای زن چه می‌خواهی؟ چه مقصودی داری که جلوی قصر را جارو می‌کنی؟...»

«سیاره گفت: من کاری دارم که باید به خود پادشاه بگویم، وگرنه از جارو کردن دست بر نمی‌دارم.

وزیر نزد پادشاه رفت و ماجرا را گفت...»

«شاه گفت: راست بگو، هر چه بخواهی می‌دهم. بگو که برای چه جلوی قصر را جارو می‌کنی؟

زن گفت: قبله عالم؛ ما همه نوکران تو هستیم، برخی فقیر و بیچاره و برخی توانگر؛ اما همه در برابر دشمنان تو دشمنیم و در برابر دوستان تو، دوست. پس در نزد شما، بین رعایای فقیر و دولتمندان فرقی نیست. شاه گفت: درست است. بگو منظور تو چیست؟ تو

زن شیرین سخنی هستی.

سیاره گفت: ای شاه! پسرم دلباخته دختر شما شده، آمده‌ام که ما را به نوکری خود قبول کنی و...»

(افسانه بهرام خارکش ص ۳۷)

- «پیرزنی که در آن نزدیکی و پشت گلبوته‌ای پنهان شده بود و به حرف‌های دختران چوپان گوش می‌داد، با خود فکری کرد و بدون آن که دختران متوجه او بشوند، از آنها دور شد و توان دوان به سوی کاخ پادشاه رفت و هنگامی که به کاخ رسید، از نگهبان اجازه گرفت و به حضور شاه رسید و گفت: پادشاه! راز بزرگی دارم که اگر اجازه بفرمایید در خلوت عرض کنم.

شاه، وزیر و وکیل و درباریان را بیرون فرستاد و به پیرزن گفت: بگو بدانم چه رازی داری؟

پیرزن آنچه را که از سه دختر چوپان در کنار چشمه شنیده بود، برای پادشاه بیان کرد و از زیبایی و هوش و زرنگی گلشان - دختر کوچک چوپان - سخن‌های بسیار گفت، که شاه او را ندیده، عاشقش شد.

شاه به پیرزن مزدگانی خوبی داد و...»

(افسانه درخت چهل‌دستان ص ۷۸)

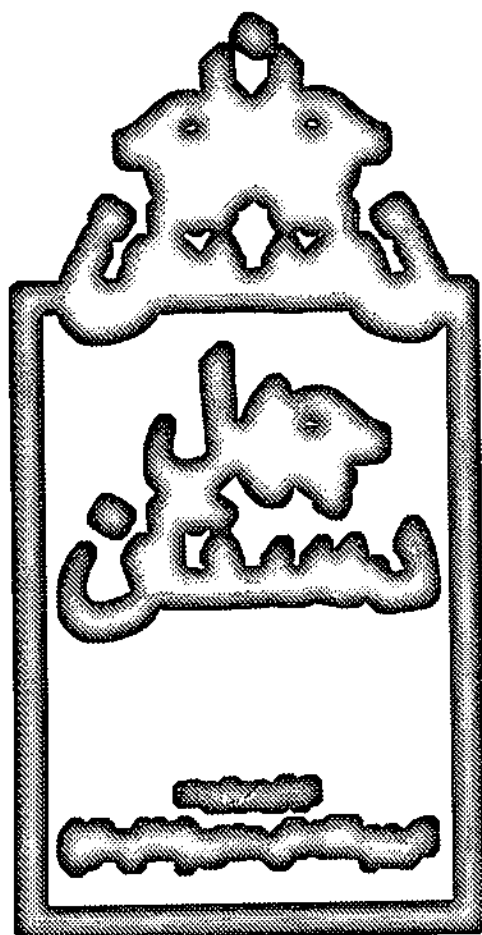
- «شاه اسماعیل رو به پیرزن کرد و پرسید: ای مادر! آیا تو می‌توانی امشب خود را به بهانه‌ای به آن دختر [تومار] برسانی و پیغامی به او بدهی؟

پیرزن اندیشید و گفت: نه. نمی‌توانم. شاه اسماعیل گفت: چرا نمی‌توانی؟

پیرزن گفت: آن مرد گله‌دار، بزرگ‌ترین خان سرزمینمان است و هر کسی را به خانه‌اش راه نمی‌دهد...»

«شاه اسماعیل که چنین دید، دست به جیبش بُرد و یک مُشت پول در آورد. چشم پیرزن که به پول‌ها افتاد، گفت: البته می‌توانم فکری بکنم که چگونه نزد دختر راه بیابم...»

(افسانه شاه اسماعیل و قره‌برزنگی ص ۱۰۵)



پ. «پیرزن» در نقش فرعی و مشاور و یاری‌رسان به ضد قهرمان قصه

– «شاهزاده که از عشق فانتک، پاک درمانده شده بود، چارهای اندیشید و نزد پیرزنی رفت و ماجرا را برای او تعریف کرد و گفت: اگر آن دختر را برایم بیاوری، تو را از مال دنیا بی‌نیاز می‌کنم.

پیرزن فکری کرد و به شاهزاده گفت: باشد، فردا بیا و مرا با چل و پلاسم سوار خری کن و به نزدیکی چشمه بتر. من کنار چشمه آتش روشن می‌کنم و رخت و لحافم را می‌شویم، هر وقت دیدی دودی به هوا برخاست، خودت را به من برسان که دختر را برایت گرفته‌ام...»

(افسانه آتک و فانتک صص ۲۵ و ۲۶)
– «پسر پادشاه ارزروم هر چه فکر کرد که مَمَد اوچی [قهرمان افسانه] این همه ثروت را از کجا آورده‌است، عقلش به جایی نرسید، تا این که روزی با پیرزنی مشورت کرد و به او گفت: اگر راز مَمَد اوچی را کشف کنی، هر چه خواهی به تو خواهم داد.

پیرزن چهل روز مهلت خواست و روز بعد، لنگ‌لنگان به جلوی قصر مَمَد اوچی رفت.

مَمَد اوچی از شکار باز می‌گشت که پیرزن را دید و احوال او را پرسید.

زن گفت: پیرزنی بی‌سرپرست هستم. اگر لقمه نانی به من بدهید، برایتان کار می‌کنم.

مَمَد دلش به حال پیرزن سوخت و او را با خود به درون قصر بُرد...»

(افسانه مَمَد اوچی و انگشتر سلیمان پیغمبر ص ۴۹)
– «پیرزنی این خبر را شنید و به نزد شاه رفت و گفت: ای پادشاه! اگر هموزن من پنبه بدهی که برای خودم لباس و لحاف درست کنم، درد پسر را چاره می‌کنم...»

«پیرزن گفت: شما می‌دانید که پری دور از شهرها زندگی می‌کند. پس باید چیزی بسازیم که در آسمان پرواز کند و من بتوانم از آن بالا، همه جای زمین را ببینم و پری را پیدا کنم.

شاه گفت: مگر چنین چیزی ممکن است؟

پیرزن گفت: آری! شما دستور بفرمایید صندوقی بسازند و دو طرف صندوق، دو قرقره قرار دهند و یک سر این گلوله مو را به یک قرقره و سر دیگرش را به قرقره دیگر ببندند، تا هرگاه من سر مو را کشیدم، صندوق به

آسمان برود و هرگاه خواستم فرود بیایم، سر مو را بکشم و روی زمین پیاده شوم...»

ت. «پیرزن» در نقش فرعی و ضد قهرمان قصه

(افسانه افروزپری ص ۵۷)
– «از قضا روز بعد، صاحب گوسفندها که پیرزن جادوگری بود، برای سرکشی به گوسفندهای خود به آن جا رفت، و گوسفندها را در آغل دید که همگی بیمار و لاغر شده...»

«آه از نهاد پیرزن برآمد با خود گفت: ای آدمیزاده‌های بدجنس! می‌خواستم گوسفندانم را چاق کنید، اول شما و سپس گوسفندان را قورمه کرده و بخورم؛ حالا [...] می‌دانم با شما چه کار کنم.»

«پیرزن این را گفت و چرخ زد و به شکل دیو بدهیکلی در آمد و تنوره کشید و به هوا رفت...»

(افسانه علی دیوانه و علی عاقل ص ۱۷۳)
کتاب «درخت چهل‌دستان» اولین اثر تألیفی در ایران است که در زمینه افسانه‌های عامیانه گُردهای خراسان، با کوشش و اهتمام آقای کلیم‌الله توحیدی گردآوری و نشر یافته است. امید که تلاش‌های ارزنده ایشان در تدوین فرهنگ عامیانه غنی و پربار کرمانج ادامه یابد و دوستداران فرهنگ ایران زمین، شاهد نشر دیگر آثار ایشان در قلمرو افسانه‌های کرمانج باشند.

«قصه عامیانه، الفباست، الفبای زبان مصور روح»^{۱۶}

پانویس‌ها:

۱. «ترانه‌های عامیانه و آواها و افسانه‌ها [...] صدای درونی هر ملتی است». صادق هدایت، ۱۳۲۳ ش.

فرهنگ عامیانه مردم ایران گردآوری جهانگیر هدایت: تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۸ ص ۲۳۵.

۲. گریم، یاکوب و ویلهلم: جهان افسانه (مجموعه کامل افسانه‌های برادران گریم)، ترجمه هرمز ریاحی، بهزاد برکت، نشرین طباطبایی، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۸، ص ۷۲۳
مقاله: مسئله معنا نوشته جوزف کمبل.

۳. توحیدی، کلیم‌الله (گردآورنده و مترجم) درخت چهل‌دستان؛ بیست و یک افسانه کردی خراسان نشر محقق، مشهد، چاپ اول زمستان ۱۳۷۹، ۲۰۰ صفحه.

۴. کتاب درخت چهل‌دستان، پیشگفتار، ص ۳.

۵. اطلاعات کتابشناسی این آثار به این شرح است:

بهرنگی، صمد و بهروز دهقانی، (گردآورندگان): افسانه‌های آذربایجان، ۲ جلد، انتشارات نیل، تهران، چاپ دوم ۱۳۴۸.
رودنکو، م. ب. (گردآورنده): افسانه‌های کردی، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات آگاه، تهران، چاپ اول ۱۳۵۲.

میرکازمی، سید حسین (گردآورنده): افسانه‌های دیار همیشه بهار (قصه‌های مردم مازندران و ترکمن صحرا)، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول ۱۳۷۴.

رحمانی، روشن (گردآورنده): افسانه‌های دری، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول ۱۳۷۴.

خاوری، محمدجواد (گردآورنده): پشت کوه قاف (دفتری از قصه‌های عامیانه هزارستان)، انتشارات سراج، [بی‌جا]، چاپ اول ۱۳۷۶.

مارژلف، اولریش: طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول ۱۳۷۱.
۶. از بیست و یک افسانه کتاب درخت چهل‌دستان، هفده قصه آن با عبارت «یکی بود یکی نبود» غیر (پس) از خدا کسی نبوده شروع شده‌است.

۷. همان کتاب، ص ۱۶۷.

۸. همان کتاب، ص ۱۲۳.

۹. این عبارت در پایان پانزده افسانه از مجموعه افسانه‌های درخت چهل‌دستان به کار رفته است.

۱۰. همچنین پایان افسانه‌های شماره ۶ (ص ۵۲) و ۸ (ص ۸۷) و ۱۱ (ص ۱۱۴) و ۱۳ (ص ۱۳۰) جزو این روش است.

۱۱. همچنین پایان افسانه‌های شماره ۱۱ (ص ۱۱۴) و ۱۷ (ص ۱۵۶) جزو این روش است.

۱۲. همچنین پایان افسانه‌های شماره ۴ (ص ۳۴) و ۸ (ص ۷۶) و ۱۷ (ص ۱۵۶) جزو این روش است.

۱۳. همان کتاب ص ۸۷.

۱۴. توحیدی، کلیم‌الله: حرکت تاریخی کُرد به خراسان، ناشر مؤلف، مشهد، چاپ دوم ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱. در این زمینه «واسیلی نیکیتین» از باستان‌شناسان و مستشرقین روس در کتاب

کُرد و کُردستان می‌نویسد: «زن در میان کُردان، بی‌چون و چرا شخصیت خود را دارد...» «می‌توان مثال‌های فراوانی از زنان ذکر کرد که در رأس عشیره قرار گرفته و افراد ایل کاملاً از ایشان تبعیت کرده‌اند». رک: نیکیتین، و: کُرد و کُردستان، ترجمه محمد قاضی، نشر نیلوفر، تهران، چاپ اول ۱۳۶۶، صص ۲۲۹-۲۲۳.

۱۵. همچنین صفحه‌های ۲۳ و ۵۵ کتاب.

۱۶. جهان افسانه... ترجمه هرمز ریاحی (و دیگران)، مقاله: مسئله معنا، نوشته جوزف کمبل، ص ۷۳۵.

سال‌ها پیش با دوستی کتاب‌خوانده و آگاه، درباره شعر پارسی و شاعران پارسی‌گوی گفت و گو می‌کردیم، سخن که به حافظ کشید، آن دوست که همه چیز را به عقل حال اندیش محک می‌زد و درباره عرفان و عشق و اخلاق و رسالت هنرمند با سنجۀ فناوری و خط تولید و بسته کالا و جمبوجت و موشک قاره‌پیما داوری می‌کرد، اعتراض کنان حافظ را رواج دهنده نوش خواری و شاهد بازی و خراب‌تیبگری و جبریگری خواند و نه تنها هیچ فضیلتی برای او قائل نبود که سخت بر آشفت وقتی گفتیم که من پس از شش قرن که از روزگار حافظ گذشته، هنوز به مسائل روزگارم از دریچه چشم حافظ می‌نگرم، زیرا وی درباره ناروایی‌های بسیاری که با آن روبه روییم چنان سخن گفته که ناگزیریم او را بشناسیم و بگوییم «جانا! سخن از زبان ما می‌گویی». آن مدعی بیخود از شعشعۀ پیشرفت ابزاری سده بیستم، نمی‌دانست یا نمی‌خواست بداند که نبوغ راستین هنری در فرایند شناخت، گاهی یک شبه ره صد ساله می‌پوید، و مرزهای زمان و مکان را درمی‌نوردد و در ژرفای پدیده‌ها و روابط نفوذ می‌کند و مسائل و مصائب عام بشری را بی‌آنکه پژوهش علمی یا منطق فلسفی را برتابد چنان باز می‌گوید که در هر زمان، هر کس تصویر روزگارش را در آن می‌بیند، و این کاری است که از دانشمند دقیق متکی به ابزار، روش‌ها و آزمایش‌های علمی بر نمی‌آید.

در حقیقت چشم جان بین نابغه‌ای چون حافظ درنگرش به هستی، به معرفتی شهودی دست یافته که چشم خرد و علم و استدلال از دیدن آن ناتوان است. جدال من و مدعی به جایی نرسید، اما سرنوشت چنان می‌خواست که پس از سال‌ها اندیشۀ قطره‌وار

خود را در کتابی بیابم که نویسنده آن نظریه‌ای بر ساخته از دو مقولۀ عشق و عرفان جوشیده از چشمه سار تمدن دیرباز ایرانی را با اتکا به دانش نو و با زبانی امروزی نه در برابر نظریه‌های ره آورد غرب که قرن‌ها بر اذهان جهانیان فرمانروایی کرده نهاده است.

کتاب حافظ و قرن بیست و یکم مشتمل بر گفتارهایی است که نویسنده به سالیان در نشریات کشور چاپ کرده است. چند گفتار آن در پیوند با نقد کتاب نوشته شده. گفتار «رندی از شیراز» یاد می‌آورد از مرد فرهنگ و فرزانی سیدابوالقاسم انجوی شیرازی و گفتار «عشق و سکوت» به یاد شهسوار عرصه فرهنگ، ده‌خدای علامه از واپسین روزهای زندگی‌اش، هنگامی که در بیمارستان بستری بوده، نوشته شده است. دیگر گفتارها درباره حافظ و نبوغ و هنر و اندیشۀ تابناک اوست در پیوند با مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران و جهان. دکتر مهدی پرهام، چنانکه شیوه اوست، اندیشه‌ها و برداشت‌های خود را دلیرانه اما با رعایت تعادل و مروت علمی بیان داشته و در خلال صفحات کتاب آرمان سیاسی و اجتماعی خویش را با یاری گرفتن از عرفان و جوهر و مایه آن عشق، به گسترده‌ای باز می‌گوید. در سرتاسر کتاب، حافظ و تا حدی مولانا تبلور عشق و عرفان در زلال‌ترین و ناب‌ترین مفهوم‌اند. نویسنده عرفان را در طرح و قالبی امروزی، نه همان درمان درد بشریت سرگشته قرن بیست و یکم می‌داند که معتقد است می‌توان طرح نظام‌های سیاسی و اجتماعی را بر پایه عرفان ایرانی به گونه‌ای انداخت که سیران عشق در جامعه رستگاری مردمان را تضمین کند.

نویسنده در گفتارهای خود به ابعاد اندیشۀ حافظ، شخصیت او و نگرش‌اش به هستی و دریافت هوشمندانه‌اش از مسائل عام بشری می‌پردازد، و می‌کوشد تا طرح و نظریه‌ای عرضه کند که به یاری آن قامت عرفان ایرانی را لباس مدنیت نو پوشد و زیباتر و

کارآتر از آنچه هست به جهانیان تشنه معنویت بشناساندش. به زعم نویسنده، حافظ به انسان از دیدگاهی همانند افلاطون می‌نگرد و انسان او مثل یا ذات و سرشت انسان طبیعی است که از پس پوسته‌ای پوشیده در زرق و برق تمدن و ابتلائات روزمره سر بر می‌آورد و فریاد سر می‌دهد تا خود را چنان که هست بشناساند. اما این شناسایی نصیب هوشمندان فرزانه‌ای می‌شود که از قلمرو نبوغ می‌آیند نه آدمیان عادی اسیر ابتلائات روزمره. نبوغ و تیزبینی هنرمندانه حافظ که ره پر مخافت جهان‌شناسی تا جان‌شناسی را پیموده به او دریافتی مستقل و گونه‌ای واقع‌بینی قرن بیستمی در حد اعجاز بخشیده است. نگرشی که محدودیت زمان و مکان نمی‌شناسد و زوایای روح آدمی را که روان‌شناسی در هر زمان پرده‌ای از آن بر می‌گیرد، به عیان می‌بیند. بدین سبب است که شعر او به پیچیدگی روح آدمی است یعنی پرده‌هایی تو در تو است که هوشمند باریک‌اندیش تنها یک پرده آن را بر می‌گیرد.

نویسنده آنجا که از عشق سخن می‌گوید، نگرشی متفاوت با خرقه‌پوشان و خائنه‌نشینان دارد. او نمی‌پذیرد که عشق‌هایی کز پی‌رنگی بود / عشق نبود عاقبت ننگی بود. عشقی که عروج روحی انسان را به سوی خداوند میسر می‌سازد ستودنی است، اما عشق تن به تن نیز چون پایه جامعه و مایه همبستگی و راز زیست و بقای انسان‌هاست، پلی به عشق بزرگ و ستودنی است. بنابراین عشق را نباید به روش سنتی به حقیقی و مجازی تقسیم کرد، زیرا «شناختی درست از این پدیده نمی‌دهد، چون یا با اغراق شاعرانه آمیخته است یا با غلو عارفانه و در هیچ یک عامل زمان، نقش جامعه و سنین مختلف عمر نقشی ندارد». (ص ۴۴-۲۴۳) پس نیروی برانگیزنده برای بنا کردن جامعه آرمانی، عشق است، عشقی که از غریزه ابتدایی برخاسته و عامل بقای نسل و قوام و دوام جامعه است.

حجت الله اصیل

آرمانشهر عشق و عرفان

این عشق همچنان که در والاترین وجه خود عشق به مبدأ است، در ساحت اجتماعی والاترین مرحله آن هنگامی است که آدمی، دیگران را بیش از خود دوست بدارد. از دو گونه عشق روحانی و جسمانی، هیچ کدام برتر از دیگری نیست. «هر دو زیبا و در محل خود دل انگیزند. رسالت هر کدام در سنین مختلف عمر است، و در ایجاد و نگهداری جامعه بشری نقش دارند.» در اینجا باید افزود که عشق چون معطوف به نهادهایی مانند مذهب، ایدئولوژی، میهن و... گردد معیار سن را در هم می‌ریزد و در سنی بر عشق تن به تن پیشی می‌گیرد که منطق کتاب نمی‌پذیرد. هر چند نویسنده کتاب از قواعد عام سخن می‌گوید نه از استثنائات. به این ترتیب، به زعم نویسنده، عشق افزون بر اینکه موجب کشش جنسی و هم‌بدان سبب مایه ادامه نسل است، ساحت معنوی وجود انسان را می‌پرورد و با میسر ساختن عشق به هم‌نوع، نگاهبان جامعه می‌شود. این نظری است که در تاریخ اندیشه ایرانی پیشینه دارد؛ خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری فصلی آورده با عنوان «در فضیلت محبت که ارتباط اجتماعات بدان صورت بندد...» و در آن فصل محبت را بر عدالت رجحان نهاده آن را «از اسباب اتحاد» دانسته است، زیرا «قوام همه موجودات به سبب محبت است» و اگر در جامعه به عدل و نصف نیاز افتاده به سبب نبود محبت است. (اخلاق ناصری، تصحیح مینوی، خوارزمی، ۱۳۵۶، صص ۵۹-۲۵۸).

بنابراین، اکنون که جهان آغاز قرن بیست و یکم به بحران هویت دچار آمده، و کاخ کمونیسم شوروی فرو ریخته، و نظام سرمایه‌داری نیز که لیبرالیسم مبتنی بر رقابت آزاد را به انحصار تبدیل کرده محکوم به شکست است، آرمانشهر عشق و عرفان بدیل مناسب نظم جهانی است. پس قرن بیست و یکم قرن حافظ است، اما برای رسیدن به آرمانشهر حافظ باید حافظ‌وار بیاندیشیم و حافظ‌وار به جهان بنگریم، و این

دیگرشدن دیدگاه‌ها و برداشت‌های مردمان را از عالم و آدم الزام می‌کند تا بتوانند آماده در آمدن به بهشت عرفان شوند، رایحه دل‌انگیزش را بشنوند و دیگر هوس بازگشت به فضاهای خودخواهانه کنونی نکنند. شرط ورود به این بهشت رسیدن به مرحله والای عشق زمینی یعنی دیگران را بیش از خود دوست داشتن است. برای اینکه دیگران را بیش از خود دوست بداریم باید به برخی از باورها پیمان خط بطلان بکشیم. از جمله این باورها حب ذات است که نویسنده به رغم باور همگان، آن را ذاتی انسان نمی‌داند. پیداست که اگر حب ذات واقعاً غریزی و سرشته در نهاد آدمی باشد، چیرگی بر آن دشوار است، هر چند بپذیریم که ضرورت زندگی اجتماعی غریزه را نیز به زیر نظارت می‌آورد.

سزاوار تأمل است که دیگرگونی اندیشه و نگرش آدمی در خلاء میسر نمی‌شود. انسان فرارفته از مفهوم زیست‌شناختی، محصول اجتماع است، و اجتماع نهادها و ساختارهایی پدید می‌آورد که در قالبگیری اندیشه و رفتار آدمی نقش مهمی بازی می‌کنند. برای دیگر شدن اندیشه و رفتار آدمی، دیگر شدن این نهادها و ساختارها ضروری است. دکتر پرهام با آگاهی بدین ضرورت، رویکرد به سوسیالیسم را توصیه می‌کند، اما نه سوسیالیسمی که در شوروی شکل گرفت و پس از هفتاد سال بر افتاد. او سوسیالیسمی را می‌پسندد و پیشنهاد می‌کند که ریشه خاکی‌اش در اندیشه راستین مارکس باشد، و از زلال سرچشمه عرفان ایرانی، به ویژه از اندیشه حافظ و مولانا سیراب گردد. در حقیقت نظام آرمانی نویسنده سوسیال دموکراسی است با رویکرد به معنویت برخاسته از عرفان و عشقی که در جامعه سیران می‌کند و در اندیشه حافظ و مولوی پرورده شده است. نه سوسیالیسم خشک اندیشه ستمکاره و کشنده شخصیت آدمی. «سوسیالیسم واقعی یعنی همین، اجتماع‌گرایی بدون عشق، واژه‌ای پوک و بی‌معنی است.» (ص ۳۰۸)

چکیده نظر او را می‌توان در این جمله‌ها یافت: من امیدوارم که روزی برحسب درک صحیح مولانا یا دیالک تیک عاشقانه که نقادی زایا همچون کشش عاشق و معشوق محور آن باشد، در یک سیستم اقتصادی سیاسی سالم چون سیستم تعاونی به کار گرفته شود، و حرکت زندگی یعنی تاریخ بشریت را تفسیر کند، و بفهماند که زیربنای جامعه و علت هر حرکت زاینده‌ای عشق است، و اقتصاد نمی‌تواند اساس جوامع قرار گیرد، و پیشرفت‌ها و تمدن بشری را در هر عصر توجیه کند. قدم اول را مولانای بزرگ در این راه برداشته است و قبل از هگل و مارکس عرفان را چون چاشنی دلپذیری در مسائل اقتصادی و اجتماعی به کار گرفته است. این نحوه برداشت از عرفان است که باید بازسازی و مدون گردد. (ص ۳۱۶)

اگر چه اقتصاد اساس قطعی جوامع نیست، از تأثیر آن به شکل‌گیری روابط اجتماعی و اندیشه نباید غافل ماند. نظر نویسنده درباره بازسازی عرفان و تدوین دوباره آن به اقتضای نیاز زمانه، گواه این است که شرایط اقتصادی جدید اندیشه جدید می‌خواهد. اگر پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی جدید پیش نمی‌آمد، تحول اندیشه عرفانی متناسب با آن نیز که موضوع کتاب و دلمشغولی نویسنده است مطرح نمی‌شد و در همان شکل خانقاه‌هایش باقی می‌ماند. همبستگی تحول اقتصادی و اندیشگی امری است آشکار؛ هر جا که این دو با هم ناسازگار باشند، تنش سیاسی و اجتماعی ناگزیر می‌گردد.

ناگفته پیداست که رسیدن به آرمانشهر عشق و عرفان برنامه عمل می‌خواهد. مرحله گذار چگونه باید باشد. آیا بهشت را باید به یکباره فتح کرد یا باید گام‌به‌گام به دروازه آن نزدیک شد؟ آیا با گسترش اندیشه عرفانی می‌توان جامعه را به سوی آن راند یا اقدام مادی نیز ضرور است؟ شک نیست که اندیشه صرف در محفل نخبگان مجبوس می‌ماند و تا در کل



حافظ و قرن بیست و یکم

مهدی پرهام

نشر شالوده، چاپ اول، ۱۳۷۹

جامعه رواج نیابد، تاثیر مهمی ندارد. افزون بر این مرحله گذار در سرنوشت هر اندیشه یا نظریه یا ایدئولوژی تأثیر بی چون و چرا دارد. باید به هوش بود که راهی که با حسن نیت سنگفرش شده ممکن است به جای بهشت از دوزخ سردرآورد. مطالعه بسیاری از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی از جمله جنبش‌های آزادی بخش سده بیستم این حقیقت را آشکار می‌سازد که طرح گذار از عوامل تعیین کننده سرنوشت آنهاست.

نویسنده برای شرح و اثبات نظر و طرح خویش به وادی دانش‌های عصر چون فیزیک، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و... گام نهاده و به اندیشه و دیدگاه‌های بزرگانی چون داروین، والاس، هگل، مارکس، انگلس، فروید و دیگران مراجعه کرده است، و در هر مورد براهینی از دانش و تاریخ و فلسفه و عرفان و شعر (به ویژه شعر حافظ و مولانا) آورده است. اما به طور کلی، جوهر بحث و آرمان او، عرفان و عشق ملازم آن است. نویسنده با چنگ زدن به دامن پرفیض حافظ و مولانا، در آفاق اندیشه خواننده چشم انداز شهری طلایی را نمایان می‌کند، و از این حیث که سعی در بازآفرینی و بازسازی میراث گرانبهای ایرانی یعنی عرفان دارد، و آن را درمان سرگشتگی انسان معاصر می‌شناساند، سعی‌اش ستودنی است. او دیدگاهی را مطرح کرده که با وجود پیشینه کهنش در فرهنگ ما، در این روزگار، نو است. خواننده در خلال صفحات کتاب اندیشه‌ای را متجلی می‌بیند که نیاز مادی و معنوی بشر امروزی را با هم در نظر می‌گیرد. اگر آرمانشهر عشق و عرفان تحقق یابد، آدمی به آرامش و خرسندی دست می‌یابد. دیگران را بیش از خود دوست داشتن و از عشق دم زدن نفی ساختن و انباشتن سلاح‌های کشتار جمعی است، نفی استعمار ملت‌ها و کشتار بی‌گناهان است. فروریختن باروهای دشمنی و کینه است. در آن شهر آرمانی است که این بیت زیبای حافظ را در کنار شعر معروف سعدی (بنی آدم اعضای یکدیگرند) بر دروازه‌اش به زر خواهند نوشت:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا
اما پرسشی هست: آیا آدمی به آن درجه از معرفت

رسیده که پای بر هوس‌هایش نهد، تعصبات قبیله‌ای و قومی و عقیدتی را رها کند، و برابری و برادری را بر بهره‌کشی و کینه‌ورزی ترجیح دهد؟ شاید پاسخ این باشد که اگر آدمی به این حد از معرفت رسیده بود، هم موضوع کتاب منتفی بود و هم این بحث بی‌مورد می‌شد. تمدن غربی از عصر رنسانس بدین سوی، فاتح میدان دانش و فناوری گشت، و هم بدان سبب که تمدنی کاوشگر و پویا و زایا و افزونخواه بود، عرصه فرهنگ جهانی را دیگرگون ساخت. ما که از روزگاران کهن تمدنی با ساحت معنوی و انسانی داشتیم، بدان سبب که حیرت زده دانش و فناوری غربی شدیم، به رکود گرفتار آمدیم و پویایی فرهنگی خود را از دست دادیم، و به جای نگاه به درون چشم به دست غربیان دوختیم.

اینک که به ابتکار رئیس جمهوری فرزانه ایران، جهان را به گفت و گوی تمدن‌ها فراخوانده‌ایم، در عرصه فرهنگ نو چیزی برای عرضه نداریم، جز معنویت باز مانده از فرهنگ کهنمان، و البته این چیز کمی نیست. عرفان ایرانی که ریشه در تمدنی چند هزار ساله دارد، با نگرش انسانی و عالمگیر خود، می‌تواند برای مردم جهان با هر عقیده و مسلکی پذیرفتنی باشد؛ زیرا حاصل اندیشه و عمل صدها فیلسوف و عارف و شاعر است که به مسائل بشری و به اعتقادات و باورهای مردمان بلند نظرانه و با سعه صدر نگریسته‌اند، و همواره از جهل و تعصب و یکسویگری بیزاری جسته‌اند، و در اندیشه خویش عرب و عجم و یونانی و بربر نشناخته‌اند، و مخاطبشان انسان و شعارشان انسانیت بوده است. چنین فرهنگی یا چنین دیدگاهی است که می‌تواند بر تعصبات قبیله‌ای و قومی و مسلکی فایق آید، و به بشریت بفرماند که خلق همه یکسره نهال خدایند.

اما پیداست که عرفان و عشق ملازم آن، مادام که در خانقاه‌ها و در محفل خرقة پوشان مانده از پس ماموریتی چنین خلیبر بر نمی‌آید، و در عصر سرعت نور و اطلاعات پذیرش همگانی ندارد و به مذاق ناآشنایان با سنت تصوف و عرفان ایرانی و اسلامی خوش نمی‌آید، و ضرورت دارد که بازسازی گردد تا دافعه‌اش به

جاذبه تبدیل شود تا روان‌های تیره را به روشنایی برد و مزاج تباه شده دهر را به صلاح آورد.

طرح دکتر پرهام که یادآور نظر سولژنیستین نویسنده نام‌آور روس درباره بازگشت به سنت‌ها و ارزش‌های زندگی روسی است، فتح‌یابی دلیرانه و هم بلند پروازانه است. برای رویکرد به این فصل دلکش تمدن ایرانی، ایرانی‌ای که می‌خواهد اندیشه‌ای دیگر عرضه کند و معتقد است که سخن نو با حلاوتی دیگر آورده است.

فرجامین نکته این که هر اندیشمند آرمانشهرگرایی، از آینده‌ای ناشناخته و نامعلوم سخن می‌گوید و می‌کوشد تا نیازهای روزگار خویش را به فرداهای دور و نسل‌های آینده تحمیل کند. در این روزگار نمی‌توان بر پایه داده‌های علمی و فلسفی و با اتکاء به پیشرفت‌های فناوری طرح جامعی برای جهان آینده در نظر گرفت، زیرا با این دیگرگونی‌های شگفتی‌آور در عرصه علم و فن، هیچ کس نمی‌داند که فردا چه روی خواهد داد. به گفته انوری:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود

یکی چنان که در آینه تصور ماست

که می‌داند که تاثیر انقلاب انفورماتیک و تحولات سرگیجه‌آور فناوری اطلاعات بر آینده جهان چیست و چه نوع زندگی و چه نوع رفتار و روابط اجتماعی را برمی‌تابد؟ اثر آن بر ساختار سیاسی و اقتصادی جهان و روابط بین‌المللی چیست؟ آیا جهان چو نان دهکده مک لوهان فشرده و کوچک و جهانیان مانند باشندگان دهکده‌ای به هم نزدیک خواهند شد. آیا انحصارات بین‌المللی و آزمندی اربابان سرمایه نوع جدیدی از استعمار را بر ملت‌های ضعیف تحمیل نخواهد کرد؟ آیا احساسات ناسیونالیستی و تعصبات قومی، هیزم کش جنگ‌ها و خونریزی‌های آینده نخواهد شد؟ آلودگی محیط زیست و بیماری‌های نوظهوری چون ایدز چه سرنوشتی برای بشر رقم خواهند زد؟ اینها شاید مشکلات بشریت آینده باشد و شاید همین بیمناکی‌هاست که انسان‌های نیک اندیش را به چارماندیشی برمی‌انگیزد. اگر راه هموار و مقصد معلوم بود، هیچ طرح آرمانی ضرورت پیدا نمی‌کرد.



انتشار دفتر نخست مجموعه دستنوشته‌های سفرنامه بارفروش (بابل) اثر نیما یوشیج در ۱۳۷۵ این امکان را فراهم آورد که رویکرد سفرنامه‌شناختی همه پژوهشگران مطالعات ایرانی یک بار دیگر به همان شیوه‌ای دگرگون شود که روزگاری این پراوازه‌ترین چهره ادبی معاصر ایران خود اساس شعر ایران را متحول کرده بود؛ و امروز که دفتر نخست این سفرنامه همراه با دفتر دوم آن و به علاوه نوشته بسیار کوتاه سفرنامه رشت (۲۶ برگ) اهمیت درخور و شایسته‌ای در کتابخانه‌های نه تنها نیماشناسان، که حتی پژوهشگران مطالعات مازندران‌شناسی و گیلان‌شناسی می‌یابد، بی‌هیچ تردیدی باید منتظر تحولاتی عمیق‌تر در نوع نگاه روش‌شناسی تاریخ اجتماعی و ادبی ایران شد. نیما در شب جمعه ۲۰ مهر ۱۳۰۷ وارد بارفروش شد تا همسرش عالیله جهانگیری عهده‌دار تدریس در مدرسه دوشیزگان سعدی این شهر باشد. او در این سال ۳۱ ساله بوده است. «گزارشات یومی» وی از همین تاریخ آغاز می‌شود و در ۲۴ اسفند ۱۳۰۷ به پایان می‌رسد. دفتر نخست (در این چاپ با تجدیدنظر) ۷۵ برگ، دفتر دوم - به استثنای بیش از ۲۰ برگ یادداشت‌های پراکنده - ۶۸ برگ (تمامی سفرنامه بارفروش) و دفتر سوم (یعنی سفرنامه رشت؛ از ۲۶ شهریور ۱۳۰۸ تا ۳ دی ماه ۱۳۰۸) ۲۶ برگ را به خود اختصاص داده است. تمامی مجموعه دستنوشته با مداد و بسیار ناخوانا نوشته شده است. خط خوردگی‌های بی‌شمار، به ویژه در دفتر اول، و درهم ریختگی سطرها قرائت این مجموعه را آن چنان دشوار کرده است که تنها یک عاشق دانشمند می‌تواند دشواری‌های خاص انتشار چنین متونی را بر خود هموار کند. به هر ترتیب، این کتاب، ماحصل مشاهدات عینی نیمای جوان یوشی

در دو شهر بارفروش و رشت طی سال‌های ۸-۱۳۰۷ ش، است. عدم اشتغال به کار به‌خصوصی در این سال‌ها، برای نیما فرصتی مغتنم بود تا در پشت شیشه‌های رنگ به رنگ این دو شهر، به ویژه بارفروش، خویشتن خویش را بکاود. او در خیابان‌ها و کوچه‌های شهر پرسه می‌زند، به دامن طبیعت اطراف آن می‌رود، زیر درخت نارنج خانه محقرش به فکر فرومی‌رود، و در پنجشنبه بازار پرهیاهوی بارفروش و جمعه بازار امیرکلا به جستجو می‌پردازد تا خوراک و نوشاک اندیشه‌اش را حتی از زیرپوست سرد آن بیابد. بارفروش نیما «شهر نیست، دیوان شعر است، با یک مخرج شاعرانه» شهری که «شاعر در صور آن داخل می‌شود و از اعماق تیرگی‌های آن بیرون می‌آید». خیابان‌ها و کوچه‌های بارفروشی‌ها همان خیابان و کوچه‌هایی نیست که نیمای شاعر می‌بیند. نی بلند دلو چاه آب، از نظر نیما «بیرق بارفروشی‌هاست...» از همین دیدگاه است که بابلرود «متین و با وقار» نیما، تنها یک رودخانه نیست: «شکوه و رفقا و وحشت‌آمیز طبیعت است... پهلوانی است که اکنون خسته شده از پیمودن راه‌های دور... در بین... سکونت دائمی خود یک دفعه به خود می‌پیچد، مثل این که عضوی از اعضای او شکسته شده، آن عضو را یا قوت برداشته، به دور می‌اندازد... این رودخانه نیست، انعکاس حسرت‌های ما است، شبیه به زندگانی ما است...» از نظر او، پیچ و تاب‌های بابلرود به‌راستی می‌توانست سمبل عینی ترک‌های دستان پینه‌بسته هزاران زنان روستایی بارفروشی باشد که در پنجشنبه بازار عطر بهارنارنج می‌فروشد. به همین ترتیب، برای او بارفروش به جهات مختلف می‌توانست نماد واقعی مملکت، با همه آدم‌ها و آیین‌های آن باشد. سیمای رنگ پریده بارفروش عمیقاً بر نیما تأثیر گذاشت، چنان که خود می‌نگارد: «این است مطابق دلخواه من؛ یک شهر تاریک شاعرانه، چیزی که پس از مدت‌ها آن را پیدا کردم... بار فروش مریضخانه آرزوها و تفکرات من است که من آنها را به دوش گرفته، به این جا وارد شده‌ام.» نیما باریک‌بینی‌های

سفرنامه‌شناختی و نکته‌های ظریف خویش در زمینه ادبیات، شعر، قوم‌شناسی، فلسفه، تاریخ، دین، عرفان، هنر، سیاست و حتی شهرسازی و طبابت را در آغوش هم قرار داد. او با نگارش مطالبی با سبک قلمی بسیار ساده درباره بازار و دست فروش‌های آن، اداره معارف، آثار عتیقه (که به آستانه امامزاده قاسم بارفروش می‌پردازد)، امراض، نساجی، تأسیسات صنعتی، امکانات رفاهی، مراکز اداری، آثار تاریخی، تئاتر و نمایش، موسیقی و آواز، تجارت، شخصیت‌های فرهنگی و عادی، خیابان‌ها، کوچه‌ها و محله‌های شهر، و حتی قیمت اقلام و کالاها، به راستی می‌خواسته است تفسیر دیگری از آنچه همه می‌بینند، اما بی‌توجه از کنار آن می‌گذرند، ارائه دهد. او حقیقتاً فرصت یافته بود که با سرکشیدن به همه جا و گفتگو با همه کس «معرفت‌الروح» خویش را یک بار دیگر به بوتۀ آزمایش سرشت طبیعت، با همه خوبی‌ها و بدی‌های آن، بسپارد. به همین دلیل است که در این کتاب خوانندگی، آدم‌ها و آیین‌ها همان‌گونه که هستند، پدیدار می‌شوند. نیما چیزی برای کتمان باقی نگذاشته است. او به بازگو کردن حتی اندرونی‌ترین مسایل شخصی‌اش می‌پردازد، چیزی که شاید هرگز نتوان آن را در قالب شعرش دید. از سوی دیگر رهیافت مردم‌شناختی و روان‌شناختی نیما در این دوسفرنامه چنان ظریف و دقیق است که گویی وی قصدی جز این نداشته است که «به وجود بعضی صفات در خود» - که از نظر او «بی‌شبهات به معجزه هم نیست» - مطمئن شود. اخبار تاریخی سفرنامه زیاد نیست، با این حال تردیدی نیست که از این پس بسیاری از مجهولات و حلقه‌های مفقوده در مطالعات مازندران‌شناسی و گیلان‌شناسی از ویرای همین اطلاعات اندک و پراکنده، اما بسیار مهم و کلیدی، بازسازی خواهند شد. سرانجام این که، صرف‌نظر از همه اطلاعات بسیار ارزشمند، این دو سفرنامه دریچه‌ای نوین در برابر پژوهش‌های اصیل نیماشناسی یعنی شناخت اندیشه‌ها، رویاها و باورهای واقعی نیما یوشیج گشودند.

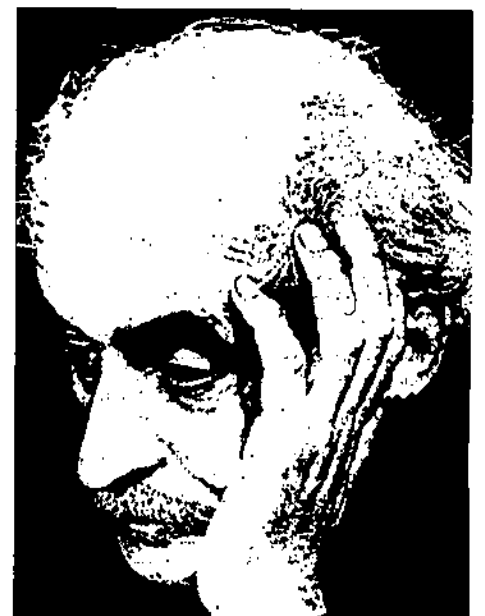
محمدشکری فومشی

نیما یوشیج: سفر به سرزمین بهار نارنج

دو سفرنامه از نیما یوشیج

علی میرانصاری

انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۹



رمان «در شعله‌های آب» نوشته مرتضی مردیها در سال جاری (۱۳۷۹) دوبار مورد تقدیر قرار گرفت و جوایزی را نیز دریافت کرد. این رمان که موضوع آن دفاع مقدس است یک بار به عنوان یکی از آثار برگزیده ادبیات جنگ در سال ۱۳۷۸، از جانب بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس معرفی شد و بار دیگر در پاییز سال جاری به مناسبت بیستمین سالگرد دفاع مقدس جزء آثار برتر ادبیات جنگ قرار گرفت. کتاب ماه ادبیات و فلسفه درباره این رمان گفت و گویی با مرتضی مردیها انجام داده است که مطالعه آن را به دوستداران و علاقه‌مندان ادبیات داستانی توصیه می‌کند.

□ خیلی‌ها شما را به نام مردیهای اهل فکر و اندیشه می‌شناختند و به نظر من هنوز هم می‌شناسند. چطور شد که رمان‌نویس شدید و یا به اصطلاح به رمان روی آوردید؟ آیا ناگفتنی‌هایی داشتید که تنها در این قالب و پیکره قابل بیان بودند؟

■ من سخن شما را می‌پذیرم و از اینکه هنوز هم همان تصویر را حفظ کنم ابایی ندارم و خشنودم، حتی مدتی هم که به ضرورت لازم شد یک همکاری روزنامه‌نگارانه داشته باشم، حتی‌الامکان اسمم را نمی‌نوشتیم و توجیه‌ام این بود که علاقه نداشتم وجهه علایق فکری‌ام تحت الشعاع قرار بگیرد. ولی در مورد رمان اینطور نیست. من از دوران نوجوانی یک علاقه دوسویه، هم به حوزه فلسفه و فرهنگ و هم به حوزه ادبیات داشتم. البته شاید مثل خیلی‌های دیگر در ایران آشنایی‌ام با ادبیات، با شعر شروع شد ولی مدتی که گذشت احساس کردم شعر فضایی نیست که بتوانم در عین علاقه، خودم را در آن بازیابم، این بود که به سمت داستان روی آوردم و به مطالعه‌ی رمان پرداختم. یادمان می‌آید که در گفتمان انقلاب رمان خواندن به هیچ وجه یک کار مطالعاتی جدی محسوب نمی‌شد. یادم هست که یکبار از کسی پرسیدم آیا فلان شخص مطالعه می‌کند؟ گفت مطالعه‌ی جدی که نه. رمان و اینجور

چیزها می‌خواند. رمان خواندن در بهترین شکل‌اش یک نوع تفنن بود، در حالیکه وقتی من با رمان آشنا شدم احساس کردم واقعاً هیچ چیزی جدی‌تر از رمان نیست، به قول آقای خرمشاهی الکتاب یعنی رمان. این حرف برای خیلی‌ها اغراق‌آمیز جلوه می‌کند ولی به نظر من اگر اغراق هم باشد اغراق خوبی است و از پاره‌ای تصورات تفریطی که هنوز هم هست جلوگیری می‌کند. خیلی از افراد اهل فرهنگ جامعه ما رمان را bed reading می‌دانند و برای شبها که آدم خوابش نمی‌برد آن را مفید می‌دانند. درحالیکه رمان یعنی زندگی و زندگی همه چیز ماست و نه حتی مهمترین چیز ما. بقیه چیزها برشها و انتزاعات است، از ریاضی بگیرد تا جامعه‌شناسی. ولی رمان تنها جایی است که برش ندارد و شما تمامیت زندگی را در آن می‌بینید. این است که من به رمان علاقمند شدم. البته با توجه به رشته تحصیلی‌ام که فلسفه بود روی ادبیات و رمان ناگزیر کمتر وقت گذاشتم، ولی به این مقوله جداً علاقمندم و صرفاً از سر تفنن نیست.

□ آقای مردیها کسانی که رمان می‌نویسند حتماً تعریفی از رمان دارند بخصوص در دنیای امروز رمان دانستن یک متن، مستلزم ارایه‌ی یک تعریف از رمان است. واقعاً چه پیکره ادبی را می‌توان رمان نامید؟ شما به چه پیکره‌های رمان

می‌گویید؟ چه تعریفی از رمان دارید؟ برای وارد شدن در بحث دانستن تعریف شما از رمان الزامی است.

■ ببینید دو جور تعریف داریم، یکی تعریفی که شما می‌خواهید به طریقه‌ی علمی و بی‌طرفانه ژانرها و سبکها را از هم تفکیک کنید، این هم کار آسانی است و هم هیچ‌وقت به طور دقیق انجام نمی‌شود. به قول ویتگنشتاین وقتی می‌خواهیم پدیده‌ای را تعریف کنیم، مجموع چند صفت را کنار هم قرار می‌دهیم. در قسمت مرکزی این تعریف مشکل ندارد، اما وقتی به حاشیه‌ها و مرزها می‌رسد همواره می‌تواند با چیزی دیگر اشتباه شود. اگر بخواهیم یک میز را تعریف کنیم می‌توانیم بگوییم چیزی که سطحی صاف دارد و دارای چهار پایه است میز نامیده می‌شود. در این صورت با بعضی چیزها مشکل نداریم مثلاً مطمئن هستیم که این شیئی مقابل ما میز است، اما این تعریف می‌تواند شامل کرسی نیز بشود. با عرضه‌ی مجموعه‌ای از اوصاف به عنوان تعریف، حجم عمده‌ای از میزها و کرسی‌ها از هم متمایز می‌شوند، ولی جاهایی در سر مرز انسان شک می‌کند که آیا این چیز مثلاً میز است یا کرسی. در اینجا تدقیق در مرزها کار کم فایده‌ای است و آن هسته‌ی سخت مرکزی هم که تقریباً بدیهی است. به این معنا تعریف رمان در آن واحد هم کار آسان و هم بیهوده‌ای است.

گفت‌وگو با مرتضی مردیها

بلیس سلیمانی

عنصر اندیشه در رمان فارسی

آسان است چون مجموعه‌ای از اوصاف چون روایت، شخصیت، زمان، مکان و غیره را اگر کنار هم بگذاریم، بخش عظیمی از مصادیق آن را به آسانی خواهیم شناخت؛ بیهوده است چون در مرزها و موارد اختلاف نظر کمکی از چنین تعریفی بر نمی‌آید. پس همان دریافته‌ای که ما از رمان داریم برای تعریف کلی رمان کافی است. شما بر اساس گرایش‌های ادبی و فلسفی و معرفتی و یا امثال اینها تعریفی ارایه می‌کنید. وقتی می‌گویید رمان فلان چیز است، حال از قول کوندرا یا هر منتقد و کارشناس دیگری، شما هیچ چیزی نمی‌گویید جز اینکه از منظر من این خصوصیت رمان ویژگی برجسته رمان است. اگر کسی این تصور را داشته باشد که وقتی می‌گویید رمان این است، یعنی چیز دیگری نیست، در دنیای معرفت حرف گستاخانه‌ای زده است. هر چیزی که به تعریف اولیه رمان یعنی همان مجموعه اوصاف برمی‌گردد، رمان است و بعداً چه در مقبولیت عام و چه در جامعه‌ی اهل فن، مبلغان و منتقدان حرفه‌ای ادبیات و رمان، پاره‌ای از رمان‌ها جدی‌تر تلقی می‌شود و مطبوع‌تر و منطبق‌تر با معیارها قرار می‌گیرد و برخی کمتر و یا اصلاً، در اینجا همان‌طور که می‌دانید اغتشاش و اختلاف آرا به حدی است که کمتر می‌شود اجماع پیدا کرد. من تا آنجایی که با اهل رمان سر و کار داشته‌ام دیده‌ام که یک نفر مثلاً یک رمان یا رمان‌نویس را فوق‌العاده بالا می‌برد و یک نفر دیگر آن را فوق‌العاده بی‌ارزش می‌داند. این تنها چیزی که به من القا می‌کند این است که در تعریف‌های نوع دوم به شدت سلیقه‌ای برخورد می‌کنیم. البته این اشکالی ندارد ولی باید

مواظب باشیم و آگاه باشیم که این سلیقه‌ی من است که دارم ابراز می‌کنم نه بیشتر از این.

□ فکر نمی‌کنید که این مسئله به ماهیت این ژانر و نوع ادبی برمی‌گردد، مثلاً در علمی مثل فیزیک می‌شود این‌طور سلیقه‌ای برخورد کرد؟

■ من خودم چون رشته‌ام فلسفه‌ی علم است می‌گویم علوم طبیعی و دقیق آن‌طور که تصور می‌شود هم دقیق و متفق علیه نیستند. در فیزیک هم ما گروه‌ها و مجلات علمی رقیب داریم ولی البته میزانش فرق می‌کند. چون وقتی از علوم دقیق وارد علوم انسانی و از آنجا وارد ادبیات و هنر می‌شوید به تدریج این فضای دلخواه و قضاوت‌های سلیقه‌ای و گروه‌گرایانه بیشتر می‌شود، ولی ذات این اختلاف‌نظر بر اساس شخصیت و یافته‌ها و مطالعات علمی و پیش‌زمینه‌های مطالعاتی صورت می‌گیرد و در همه‌جا هست منتها با شدت و ضعف‌های مختلف.

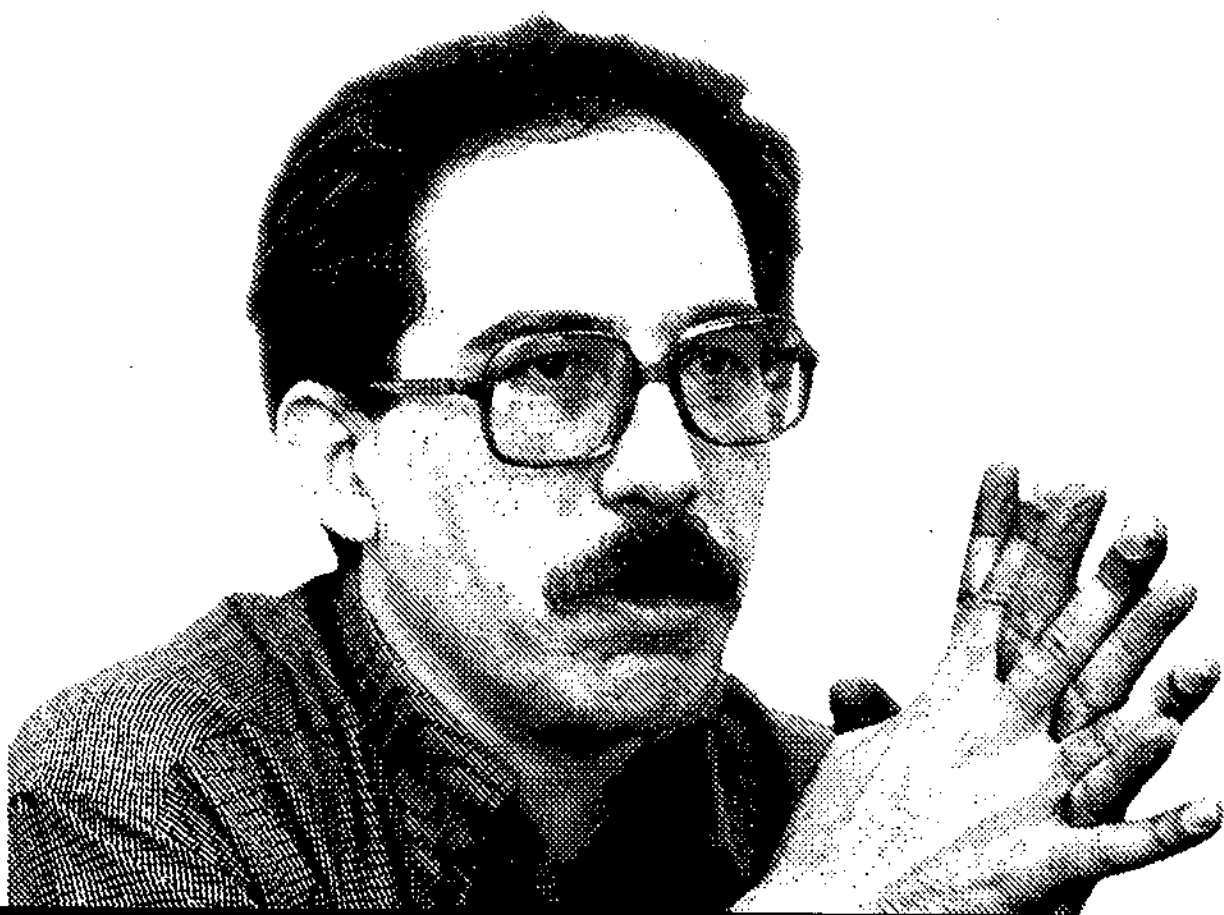
□ من یک سؤال کلی دیگر می‌پرسم بعد وارد بحث درباره‌ی کتاب در شعله‌های آب می‌شویم. کتاب شما را وقتی می‌خواهند در یک طبقه‌بندی ادبی قرار دهند - اخیراً به این کتاب جایزه هم دادند - آن را جزو ادبیات جنگ طبقه‌بندی می‌کنند. آیا شما به این طبقه‌بندی‌ها اعتقاد دارید؟

■ اگر کسی در یک فضای اداری رمان می‌نویسد یا شخصی در بین کوهنوردان و در فضای کوهنوردی رمان می‌نویسد، آیا به این می‌گوییم رمان اداری به آن می‌گوییم رمان کوهنوردی؟ البته چنین تقسیم‌بندی نداریم. ولی در فضای خاص زمانی ما، در تصور

همسایگی پدیده‌ای مثل انقلاب یا جنگ، تصور عموم این است که این پدیده‌هایی که زندگی ما را تحت تأثیر جدی قرار دادند می‌توانستند سرمنشأ یکسری کارهای ادبی وسیع شوند که البته نشدند و این است که ما حساسیت به خرج می‌دهیم و می‌گوییم آیا مثلاً در زمینه جنگ یا انقلاب کار شده است؟ و بعد به صورت ویژه برای اینها فایل باز می‌کنیم، مثلاً جشنواره ترتیب می‌دهیم. در کوتاه مدت شاید گریزی از این نباشد ولی در درازمدت این تقسیم‌بندی‌ها رنگ می‌بازد و رمان، رمان می‌شود.

□ وقت آن است که بحث درباره‌ی رمان در شعله‌های آب را شروع کنیم: والتر بنیامین می‌گوید موضوع اصلی نقادی فلسفی نمایانند این نکته است که کارکرد شکل‌های هنری جز این نیست که محتوای تاریخی را به حقیقت فلسفی تبدیل کند. من تصورم از مریدهای فلسفه خوانده این بود که در کتابشان این محتوای تاریخی را به حقیقت فلسفی تبدیل کنند اما این حادثه رخ نمی‌دهد. به نظر من اثری ماندگار هستند که دارای این ویژگی باشند. گمان من این است که شما به رویدادها بیشتر اهمیت داده‌اید و در واقع آن حقیقت فلسفی در رمان شما غایب است.

■ ببینید با شما مطلقاً موافق نیستم و همیشه ترسم از این بوده که این رمان به زیاد فلسفی بودن متهم شود. تا آن جایی که به یاد دارم شاید به استثنای بوف کور ما به صورت عمیق در رمان فارسی عنصر اندیشه نداریم. عنصر اندیشه در رمان فارسی در بهترین جاها به اندیشه‌ی اجتماعی می‌رسد؛ در آثاری که عنصر اندیشه عمق‌اش تا بررسی مشکلات اجتماعی است.



مثلاً فرض کنید مشکل نارسایی سیستم بروکراتیک یا مشکل فساد و فحشاء یا مشکل سیاسی و امثال اینها. من یاد نمی‌آید که در زبان فارسی رمانی دیده باشم که عمق فلسفی داشته باشد یعنی از لایه‌های زیرین این هستی و این انسان چیزی بتواند ارایه دهد. درحالی‌که به شدت مدعی هستم که در این رمان چه در روایت چه در تمثیل‌ها و تصویرها و سمبل‌ها و البته کمتر در سخنان شخصیت‌ها و بیشتر در محصولی که از شک و شبهه‌هایی که از گفتگوهای گاه بی‌فایده و بی‌انتها و ظاهراً بی‌نتیجه بدست می‌آید عمق فلسفی وجود دارد. ظاهر قضیه این است که گاه دو نفر حرف می‌زنند و حرف ناتمام می‌ماند و می‌روند سر یک چیز دیگر. ولی خواننده‌ای که دقت نظر دارد و می‌تواند قوت استدلال‌ها را درک کند، درمی‌یابد که این دو نفر که با هم حرف می‌زنند و ده کلمه می‌گویند و تمام می‌شود، این ده کلمه دنباله‌اش در جای دیگری گرفته می‌شود و در مجموع خواننده می‌تواند بفهمد که در نگرش فکری کدام یک از اینها قوت بیشتری وجود دارد.

□ البته منظور من از حقیقت فلسفی اصلاً بیان اندیشه در رمان نبود. من معتقدم که آوای اصلی رمان شما آوای اندیشه است، اگر بپذیریم که در رمان چند آوا باید به هم بپیوندند تا یک اثر موفق بوجود بیاورد (آوای اندیشه و تخیل و هم). آوای اصلی رمان شما آوای اندیشه است و البته از شما جز این انتظاری نیست، اما معتقدم این آوا با آن حقیقت فلسفی که بنیامین می‌گوید و یا مدنظر من است فرق می‌کند. حقیقت فلسفی را همانطور که شما مثال زدید می‌توان در بوف کور و یا آثار کافکا، داستایفسکی و یا نویسندگانی از این نوع دید. حقیقت فلسفی به معنای بیان اندیشه نیست، بیان و یا نشان دادن یک موقعیت انسانی است، موقعیتهایی مثل مرگ، عشق، ترس و یا هر چیزی که بتواند لایه‌های پنهان را بشکافد و یا اشاره‌ای به آن داشته باشد، که در ایران بوف کور این مشخصه را دارد.

■ در این زمینه هم با کمال جسارت مدعی‌ام که اصلاً کار قابل توجه و تأملی صورت گرفته مثال می‌زنم: چند تا قهرمان در اینجا هستند که حال چطور پرورده شده‌اند بگذریم. یکی از این قهرمانها به طور مشخص با سابقه‌ای که دارد نماد خوش‌باشی و لاتی و از این قبیل مسائل است که بعدها گرایشات انقلابی پیدا کرده ولی هنوز آثار خوش‌باشی و لذت‌جویی در چسبیدن به زن و زمین و زندگی در او وجود دارد. یک شخصیت دیگر هم هست که در نهایت الوصال می‌خرامد، عشق او معنوی است نه مادی. نماد اولی عطر پونه‌ی وحشی است و نماد دومی عطر گل یاس.

آخرین بخش این رمان اینطوری تمام می‌شود: یک نفر از اینها در رودخانه غرق می‌شود یک نفر هم در نخلستان گم می‌شود. راوی می‌گوید: «کارون بوی عطر یاس و نخلستان بوی پونه‌ی وحشی می‌داد، نمی‌دانستم از کدام طرف بروم.» این بدون اینکه به صراحت هیچ اشاره خاص فلسفی داشته باشد بزرگترین مشکل گفتمان بعد از انقلاب ما را نشان می‌دهد، یعنی انتخاب سخت بین گرایشات معنوی و مادی که انگیزه‌هایش به قوت در ما وجود دارد. اندیشه شک و رنج در انتخاب و البته بازسازی هر کدام از گزینه‌ها و

گزینش‌ها به گونه‌ای که وجهی از وجوه‌گاه ناگزیر زندگی شمرده شود.

از ابتدا تا انتهای این رمان نه فقط در گفتگوها که بیشتر در بعضی سمبول‌ها، اشارات و کنایات دریافت می‌شود. درواقع شما چیزی را در مورد این رمان انکار می‌کنید که بعضی از حیث شدت و قوت ممکن است به آن ایراد بگیرند، یعنی عمق و چند لایه بودن عنصر تماتیک را. یک حقیقت نیمه پنهان فلسفی بدون این که القا شود چون خونی در شریان‌های تمام رمان از مشاهدات تا توهّمات تا سمبل‌ها می‌چرخد.

□ من معتقدم که شما سطر خالی برای خواننده‌ی خود نگذاشته‌اید که بتواند با ذوق و عقلانیت خود رمان را ادامه دهد و یا رفتار شخصیت‌ها را تعبیر کند یا اصلاً همین موردی را که می‌گویید به شکلی تعبیر و تفسیر کند.

■ بانظر شما باز هم موافق نیستم، یک نمونه مثال می‌زنم. سرنوشت یکی از شخصیت‌ها در این رمان تقریباً نامعلوم است و این به آن دلیل نیست که من نمی‌توانستم سرنوشت آنرا مشخص کنم ولی دوست داشتم این ابهام در شخصیت «عتود» که نقطه شروع این داستان است، تا انتها باقی بماند، یعنی به نوعی خود راوی هم نمی‌داند که این بالاخره کشته شد یا اسیر شد.

من معتقدم از نظر فلسفی هر چیزی که نوشته شود حفره‌هایی پیدا می‌کند که خود خواننده باید پر کند. اصلاً چنین ادعای تمامیتی امکان ندارد. منتها یک جاهایی هست که مثلاً در رمان مدرن شما بیایید مجموعه‌ای از پدیده‌های بی‌زمان و بی‌مکان و یا حداقل غیرسلسله شده را به خواننده ارایه بدهید که بیا خودش مرتب کن، این هم یک ادعایی است، یک سبک است، من چنین روشی در پیش نگرفتم. ولی این غیر از آن است که بگوییم جای خالی برای خواننده نمانده است. جاهای خالی رمان بسیار بیشتر از جاهای پر آن است. این را بیش از همه در شک‌ها، در سؤال‌های انبوه آن می‌توان دید. تقریباً هیچ چیز را به جزم و به تمامه به خواننده نداده‌ام و از همین رهگذر هم از رمان کلاسیک فاصله گرفته‌ام، اگرچه البته رمان نوشته‌ام و نه ضد رمان.

□ البته حرف شما کاملاً درست است. از اول تا آخر راوی شما در تردید به سر می‌برد و این تردید در او هست. همه جا سؤال دارد. پرسش دارد. سؤال این است که تعمداً یک راوی را برگزیدید و از دریچه‌ی آن وقایع را بیان کردید یا نه. منظورم این است که آیا یک نکته‌ی فلسفی پشت قضیه وجود دارد؟ چون وقتی یک نفر از چند راوی استفاده می‌کند می‌گوییم این تکرار روایان به معنای تکرار حقیقت و تکرار دیدگاه‌ها است. و چرا «من راوی» را انتخاب کردید؟

■ در اینکه از زبان چند راوی حرف نزدیم، فکر نمی‌کردم که در اینجا چنین چیزی لازم باشد. بیشتر فکر می‌کردم جاهایی که یک واقعه خیلی متمرکز و محدود است و بخصوص شما در پی این هستید که اختلاف منظر را به نمایش بگذارید، چنان روشی کارساز است. مثلاً فرض کنید به طور مثال یک پدیده مشخص مثل قتل که اتفاق می‌افتد خیلی طبیعی است که همسر مقتول و یا خود قاتل و نزدیکان او می‌توانند دیدگاه‌های

خیلی متفاوت داشته باشند و از این طریق می‌توانیم نشان دهیم یک واقعه که اتفاق می‌افتد، مثل قیل مثنوی از دیدگاه‌های متفاوت می‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد. من از اولویت‌هایم این نبود که نشان بدهم یک قضیه چقدر متفاوت دیده می‌شود. همان‌قدر از تفاوت را که می‌خواستم نشان بدهم در خود گفتگوها آشکار می‌شود. اما اینکه چرا دانای کل را برگزیدم، (نمی‌خواهم یک قاعده‌ی کلی بدهم. هیچ قاعده‌ی کلی در هیچ رویش هنری وجود ندارد. من فقط نظر خودم را می‌گویم). من معتقدم دانای کل خداست و در آنجا که ما جای خدا می‌نشینیم اشکالی ندارد. به نظرم می‌آید اگر یک رمان از منظر یک فرد، یک فرد بازیگر در صحنه روایت شود، انسانی‌تر است، زیرا خواننده بیشتر می‌تواند هم ذات‌پنداری کند، به خاطر اینکه من وقتی دانای کل باشم چیزهایی را می‌گویم که خودم هیچوقت نمی‌توانم چنین اطلاعاتی را داشته باشم. در اینجا - من راوی - هرکسی می‌تواند خودش را به جای من بگذارد. هرچیزی را که من می‌بینم یا می‌شنوم با کمی تفاوت هر کس دیگر که جای من بود می‌توانست ببیند. گذشته از آن من احساس می‌کردم راوی در اینجا مطلقاً آدم بی‌طرفی نیست. یعنی ما مشاهدات را از طریق یک نفر که دارد بازی می‌کند انتقال داده‌ایم و نه از آسمان. و آن قدری از آن که تفسیر مشاهدات از زبان این راوی است، تفسیرهای این واقعیت است و طبیعتاً کنار ده، بیست و صد رمان دیگر که گذاشته شود پازلی است که می‌تواند تدریجاً کامل شود.

□ اگر بخواهید خود شما اثرتان را در یک تقسیم‌بندی که ناظر به تاریخ ادبیات یا نقد ادبی باشد در یک طبقه قرار دهید در چه نوعی آن را قرار می‌دهید. مثلاً من می‌گویم این اثر را می‌توان وقایع‌نگاری اجتماعی دانست؟

■ نه، اولاً اطلاق وقایع‌نگاری را به عنوان برترین وجه‌اش منکر و اجتماعی بودنش را نیز منکر هستم، اجتماعی بودنش جای بحث دارد، نمی‌دانم جنگ را تا چه حد می‌توان اجتماعی دانست. اجتماعی که می‌گویم یعنی در صحنه اجتماع. این کتاب به معنای پیچیده فلسفی کلمه یک نوع رئالیسم پیچیده را از مجموعه‌ی مشاهدات، تخیلات، توهّمات و تفسیرها بیرون می‌کشد و مطرح می‌کند.

البته در عین حال مجموعه‌ای از مشاهدات دقیق را هم عرضه می‌کند. من منکر این نیستم. یک نفر که کتاب را می‌خواند می‌تواند یک منظره جلوی چشمش بسازد که در روزهای اول جنگ حداقل در یک قسمت‌هایی اوضاع چطور بوده و چه اتفاقی افتاده. این هست؛ منتها این یک برش قضیه است و محدود به این نمی‌شود و نیست. و کار من هم این نبوده است. من در پی این بودم که واقعیت پیچیده را از میان مشاهدات، توهّمات، تخیلات، شهوات، سکوت‌ها، عواطف، از زبان درخت و رودخانه و کوه، از میان خواب‌ها و خواب‌ناشدگی‌ها و تفسیرها و گفتگوهای با حساب و بی حساب از آدم‌های متفاوت بیرون بکشم. این که وقایع‌نگاری نیست.

□ رمان شما به یک رویداد اجتماعی و تاریخی می‌پردازد و مضمون آن را جنگ که امری تاریخی است و همه

اقتضای اجتماع را درگیر خود کرده است تشکیل می‌دهد، از این جهت من می‌گویم که اولاً محتوای کتاب شما اهمیت دارد، و به نوعی وقایع نگاری اجتماعی است. دوماً فرم در رمان شما خیلی اهمیت ندارد و شما چندان توجهی به فرم نکرده‌اید و معماری تازه‌ای از وقایع در اثر شما شکل نگرفته است. ولی شما یک محتوای تاریخی را ارائه کرده‌اید که به دقت تصویر شده است، و تفسیری هم از واقعیت ارائه کرده‌اید. و از طرفی حضور مردم را در جنگ به خوبی نشان داده‌اید. به این دلایل می‌توان این اثر را جزء آثاری طبقه‌بندی کرد که به آنها عنوان وقایع نگاری اجتماعی می‌دهند. بخصوص که شما در اثرتان یک دوره‌ی تاریخی را به تصویر کشیده‌اید.

■ من منکر این نیستم که با مطالعه این کتاب‌ها ریز یک سری اتفاقات - نه به لحاظ تاریخی - را می‌توان مشاهده کرد، یعنی تابلویی از اتفاقات، چون اتفاقات که به آن صورت زمان‌دار و مکان‌دار مشخص نیست. ولی تابلویی است - به معنای تمثیلی آن - مثل تابلویی که از جنگ‌ها می‌کشند. شاید به معنای چند تابلو از جنگ باشد و از این حیث می‌تواند نکاتی را بازگو کند. ولی باز هم با این نظر شما که فرم در این رمان اهمیت ندارد و صرف وقایع نگاری است موافق نیستم. البته فکر می‌کنم آن قدر در دنیای هنر و رمان زوایای مختلفش را گشته‌اند که نوآوری ممکن نیست، اصلاً نوآوری در یک سبک یک چیز شوخی‌ای نیست و ما باید در یک قرن منتظر آن باشیم و بنده بسیار متواضع‌تر از آن هستم که چنین ادعایی داشته باشم. منتها اینکه فرم اهمیتی نداشته، مطلقاً اعتقادی ندارم. اگر معیار، نوشته‌های فارسی باشد من علاقمند شما چند نمونه معرفی کنید که اینها فرم‌های فوق‌العاده داشته باشند.

به نظرم این می‌تواند بزرگترین بی‌انصافی در حق این رمان باشد. چون به تمام معنای کلمه یک رمان با قصه‌ی خاص خود، فرم کمابیش پرداخت شده، نثر خاص خود، و البته همراه یکسری ظرافت‌هاست. من عمدتاً روی نثرش ادعا دارم که کار کمپایی است و برایش مشابه معرفی کردن یعنی نثری روان که این گونه آهنگین و سرشار از تصویرها و تلمیحات و در عین حال، روان و پرداخت شده باشد، مشکل است. از حیث ساختار رمان هم رمان شروع خاص و پایان ویژه‌ای دارد که برای خیلی‌ها غیرقابل باور است و در عین حال راضی‌کننده. یک منحنی هول و ولا دارد و پاره‌ای از نقاط مبهم آن به صورت پیچیده جلو می‌آید و در یک جایی پاسخ خودش را پیدا می‌کند. شما داده‌هایی را کمتر می‌بینید که در یک جایی، یا به طور مشخص و یا سمبولیک به هم نپیچند. مثلاً در یک جای داستان، همان اوایل، کیف پولی می‌افتد و در آن یک عکس پیدا می‌شود. در بخش بعد دختری دیده می‌شود که راوی به نظرش می‌آید که بین دختر و آن عکس یک رابطه‌ای وجود دارد. جلوتر که می‌آییم، یکی از شخصیت‌های داستان به طور نامفهومی غیب می‌شود بعد در یک جای خاصی پیدایش می‌شود. اول داستان راجع به آن جای خاص (خانه‌ی دخترعمو) یک حرف‌های مبهمی می‌زند که اتصال خودش را با آن نشان می‌دهد. جلوتر که می‌آییم جایی در اواخر داستان یک نفر به اتاقی پناه

می‌برد که در آن رختخوابی می‌بیند و عوامل متعددی دست به دست هم داده، نشان می‌دهد که آن اتاق، حجله‌ی زفاف بوده. در طول داستان دهها جای متفاوت نکته‌هایی برای هدایت قصه‌ی رمان عرضه می‌شود که حکایت از یک معماری قابل توجه دارد. مثلاً یک جاحوله‌ای که آورده می‌شود، می‌گوید این حوله مثل حوله عروس و دامادی بوده یا پیرمردی که از ده بیرون نمی‌رود و می‌گوید دیشب در این ده عروسی بود و شاید بیست یا سی تا نشانه هست که اینها در جاهای متفاوت و به شکل‌های متفاوت از نوع سمبولیک (نشانه‌شناسی) دیداری، شنیداری، حرف‌های خود راوی زده می‌شود و در یک جایی این نشانه‌های متعدد و مختلف‌الجنس کنار هم جمع می‌شود تا خواننده سیر و سرانجام حکایت را دریابد. یا مثلاً خاطراتی که به ذهن راوی می‌آید و کاملاً در گفتگوها و سلسله حوادث خود داستان پیچیده شده و فقط با تغییر زمان افعال به زبان حال می‌توان فهمید.

من نمی‌گویم این شکل عالی فرم است و یا فرم در آن مورد توجه نخست قرار گرفته است، خیر، ولی معتقدم که این در حد قابل قبول پیچیدگی‌های فرمالیستی را دارد. منتها ما وقتی بحث جویس است اگر چهار صفت را پشت سرهم به کار برده، چند مقاله می‌نویسیم که چرا نمی‌شد در فلان داستان دوبلینی‌ها این اوصاف را جور دیگری ردیف کرد. اما وقتی از آن سطح اعتبار و شهرت پایین می‌آییم اصلاً به خودمان زحمت نمی‌دهیم کمی دقت کنیم و یا اصلاً احتمال بدیهیم که در رمانی مثل در شعله‌های آب دهها و بلکه صدها عنصر نامتجانس و متفاوت از جنس، کنایه، شعر، تمثیل، تلمیح، توصیف، گفتگو، خاطره، خواب، توهم، تخیل، و... از یک سو به گونه‌ای منسجم در خدمت قصه‌ی داستان به طور کلی و خصوصاً هسته‌ی سخت آن قصه‌ی عبود و معشوقه‌اش است، و در همان حال همه‌ی این عوامل، در لایه‌ای دیگر، ساخت اندیشه‌ای و فلسفه اصلی داستان را که حول محور خاصی می‌گردد، پیش می‌برد. این اگر فرم نیست، پس چیست؟

□ درباره‌ی نثر خیلی‌ها با شما مسئله دارند. نثر شما قوی است، دایره لغاتی که به کار می‌برید فوق‌العاده وسیع است و این نشان می‌دهد که شما با متون کلاسیک آشنا هستید و از یک پشتوانه غنی فرهنگی برخوردارید، منتها با وجود تمام غنای نثر، بسیاری معتقدند این نثر داستانی نیست. حقیقت امر در این است که شما ولخرجی کرده‌اید و هر نثری اقتضات خاص خودش را دارد. قرار نیست من داستان‌نویس چون اطلاعات و دانش فراوانی در زمینه‌های گوناگون دارم، آن را در داستان خرج کنم. من فکر می‌کنم ما باید در خرج کردن دانش، عبارات و کلمات خود مقتصد باشیم. چیزی که من در این اثر نمی‌بینم اقتصاد کلمات، عبارات و معارف است. یعنی به وفور از واژه‌ها و گنجینه‌ای که در درون شماست مثل شعر و حکایت‌ها که حتی گاهی وقت‌ها در تار و پود اثر جا نمی‌افتد، استفاده شده است. این است که می‌گوییم این نثر، نثر داستانی نیست.

به نظر من نثر در شعله‌های آب بسیار غنی است و شکی در غنای آن نیست، اما اگر بخشی از همین نثر را با مقاله‌هایی که شما در روزنامه‌ها نوشته‌اید مقایسه کنیم،

تفاوت چندانی بین این نثر و آن نثر نمی‌بینیم. در نثر داستانی لحن‌ها خیلی اهمیت دارد، اصلاً از طریق گفتگو و زبان و لحن و لهجه‌ی اشخاص می‌توانیم شخصیت‌پردازی کنیم و درونیات این افراد را بفهمیم. شما در نثر اسراف کردید. شما مثل شاهزاده‌های هستید که میراث گرانبهائی به ارث برده است، اما قدرش را نمی‌دانند و در هر جایی بذل و بخشش می‌کنند. شما صاحب اندیشه، دانش و معرفت هستید، اما این دانش و معرفت را نمی‌توانید در هر جا که خواستید خرج کنید، باید در جای خود از آن بهره ببرید.

رمان روایتی است که به اصطلاح ابتدا و انتهای دارد و در این روایت هر کلمه باید در جای خودش قرار بگیرد، طوری که خواننده نتواند کلمه و عبارتی را حذف کند. در صورتی که خواننده‌ی رمان در شعله‌های آب نه تنها می‌تواند بسیاری از کلمات و عبارات که اصولاً صفحاتی را نادیده بگیرد و به راحتی از آن‌ها بگذرد. بخصوص جاهایی که راوی تفسیرهایش را می‌گوید، یعنی این تفسیرها در درون روایت تنیده نشده به همین جهت نثر، نثر داستانی که روایت را دنبال کند نیست. بلکه یک نثر اندیشگانی و مباحثه‌ای است. نثری که در مقالات فلسفی هم می‌توان از آن بهره برد.

■ اولاً که مخالفت صددرصد خودم را با اینکه نباید در متن اسراف کرد به شما اعلام می‌کنم، چون در این صورت ۹۹ درصد آثار ادبی دنیا فاقد ارزش خواهد بود. به این دلیل که مثلاً کل حرف‌های مثنوی را من می‌توانم در ۵ صفحه برای شما خلاصه کنم، کل حرف‌های کلیات سعدی را هم همینطور. تمام حرف‌هایی که درباره‌ی یک موضوع گفته می‌شود چهار کلمه حرف است که به تناسب جاهای مختلف تکرار می‌شود.

ما چیزی داریم به نام صمدیه. صمدیه متن نحو عربی است که شما حتی نمی‌توانید یک کلمه را بردارید که به متن ایراد وارد نشود یا یک کلمه به آن اضافه کنید. اما این، ویژگی هنر و جیزه نویسی است.

شما هر اثر مهم هنری را که در نظر بگیرید مثل خمسه یا شاهنامه می‌بینید که در آنها نیز تکرار و تولید وجود دارد. اگر بحث شما سر یک رباعی، یک غزل یا داستان کوتاه باشد، ایراد شما وارد است. حتی در آثار علمی - فلسفی هم که زبان مستقلاً موضوعیت ندارد و صرفاً وسیله‌ی انتقال مفهوم است توسعه و تفصیل و تکرار و استفاده از ابزارهای مختلف زبانی رایج است، چه رسد به آثار ادبی که زبان در آن مستقلاً موضوعیت پیدا می‌کند. یعنی غیر از اینکه داستان یا شعر پیام یا محتوا دارد خود زبان و رفتار با زبان هم موضوعیت پیدا می‌کند، در واقع مثل کسی که با توپ فوتبال مدام در حال حرکت است و شما به او بگویید چرا اینقدر در رفت و آمدی، خوب یکبار کافی است. متن این بازی، رفت و آمد و پاسکاری است. اصلاً بازی همین است. بنابراین کار ادبی به یک معنا چیزی نیست جز اسراف در کلمات. البته در خود اسراف هم شما می‌توانید خوب و بد را تشخیص دهید. فقط می‌توانید بگویید که در بازی با این کلمات تا چه حد موفق بوده است. ولی ماهیت ادبی یعنی اسراف کلمات و در این نباید تردید کرد.

□ مصالح کار ادبی کلمه است ولی شما در این مصالح

اسراف کرده‌اید، در اینکه زبان در اثر ادبی خود موضوعیت دارد هیچ شکی نیست و اتفاقاً به همین دلیل می‌گوییم نباید اسراف می‌کردید.

■ اینکه شما بتوانید یک اثر پانصد صفحه‌ای یا دو هزار صفحه‌ای بنویسید و مثل صمدیه شیخ بهایی باشد ممکن نیست و اگر هم باشد معلوم نیست چقدر ارزش داشته باشد.

□ من اخیراً رمان کوچکی به نام ابریشم خواندم. در این کار نویسنده فقط هر آنچه را که اتفاق افتاده بود روایت می‌کرد و چیزی که در آن خیلی اهمیت داشت نشانه‌ها بود. آن چیزی که شما در قصه عبود گفتید، اینجا هم هست و جالب اینکه ابریشم یک داستان بسیار طولانی است با حداقل کلمات.

در کاربرد نثر ما خیلی وقت‌ها باید به عصر و دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، به ذوق مردم و میزان فراغت آنها نیز بیندیشیم. امروزه مردم کم حوصله‌تر از آن هستند که یک رمان ده جلدی را بخصوص که از زاویه‌ی «من‌راوی» روایت شده باشد - مثل رمان مارسل پروست - بخوانند، خیلی از نویسندگان بزرگ هم تمایلی به خواندن رمان زمان از دست رفته ندارند.

نکته قابل توجه دیگر در نثر و زبان رمان شما این است که شما خیلی وقت‌ها یک حرفی را می‌زنید و بلافاصله آن را با ارجاع دادن به چیزی جدا از آن حرف مورد تأکید قرار می‌دهید، به قول معروف حقیقت و مجاز را در کنار هم قرار می‌دهید. یعنی وقتی می‌خواهید یک امر عادی را روایت کنید بلافاصله بعد از آن داستان و حکایت یا تلمیح و شعر و عباراتی می‌آورید، در صورتی که آنچه برای خواننده رمان اهمیت دارد، دنبال کردن روایت است.

به نظر من در این اثر تنها چیزی که فکر می‌کردم داستان است قصه و ماجرای عبود بود.

■ ما یک مشکل داریم و آن مشکل هم اساسی است. در خیلی از موارد وقتی منتقدین کتاب‌هایی را به عنوان رمان برگزیده معرفی می‌کنند آنهایی است که رمان بازاری نیست، یعنی رمان‌هایی که به دلیل پیچیده بودن ساخت و یا نثر و عمق فلسفی‌اش و پیچیده و نو بودن فرم آن از آنها نام می‌برند. اما به گونه‌ای تناقض آمیز در نقد رمان فوراً اولین چیزی که رویش دست می‌گذارند این است که این را خیلی‌ها نمی‌خوانند، نمی‌فهمند. من بالاخره نمی‌فهمم چه باید کرد. این‌ها چطور مشکل را حداقل با خودشان حل می‌کنند.

ما می‌توانیم یک رمان را به دو صورت نقد کنیم.

یک نقد از منظر مصرف‌کننده است، رمانی را ما رمان برتر می‌دانیم که مردم علاقمند شوند و آن را بخوانند و بفهمند و تا پایان دنبال کنند و در نهایت هم راضی باشند. خوب با این معیار یک سری رمان‌های خوب و یک سری رمان‌های به‌دردنخور داریم. اما اگر معیار تان را عوض کردید و معیار را مصرف‌کننده و خوشامد خواننده‌ی عادی نگرفتید، قضیه فرق خواهد کرد. مثلاً راجع به سینما خیلی مشخص است. فیلم‌هایی که در جشنواره‌ی کن برنده می‌شوند یا فیلم‌هایی که در جشنواره‌ی اسکار برنده می‌شوند، تفاوت دارند. در داستان و انواع هنر هم همینطور است. من خودم شخصاً اعتراف می‌کنم که به هیچ وجه دنبال این نبودم که مثلاً این کتاب چقدر مورد اشتیاق عموم خوانندگان قرار می‌گیرد. مقاله‌هایی هم همینطور. من دارم برای خودم می‌نویسم و برای یک عده که حرف مرا می‌فهمند.

شاید رمانی مهم‌تر از کلیدر نداشته باشیم. اگر خواندن آن را به هزار نفر پیشنهاد کنید، نهصد نفر به عناوین مختلف آن را نمی‌خوانند، البته موافق رمان ده جلدی هم نیستیم ولی یک رمان سیصد چهار صد صفحه‌ای اگر کسی حوصله‌اش را نداشته باشد، خوب نداشته باشد. ولی مهم این است که من نتیجه‌ای که می‌خواستم گرفتم. مثلاً یک نفر می‌گفت من تا ۵ صبح بیدار ماندم و تا آن را تمام نکردم نتوانستم بخوابم. بعضی‌ها آن را دو مرتبه خوانده‌اند.

خوب همین‌ها برای من کافی است و این است که ما باید معیارمان را مشخص کنیم که راجع به چه رمان‌هایی حرف می‌زنیم. رمان‌هایی که عامه فهم باشد و با علاقه بشود خواند و اشتیاق ایجاد کند، این ملاک اصلی‌مان است یا چیز دیگری؟ اگر ملاک اصلی این باشد، نه یک رمانی مثل در جستجوی زمان از دست رفته یا محاکمه، کوه جادو، فانوس دریایی، پاییز پدرسالار، حتی خانواده‌ی تیبو (از همه نوعی مثال زدم) و بسیاری دیگر هیچ‌کدام، به وصف نخست اشتیاق ایجاد نمی‌کند و روان خوانده نمی‌شود، یعنی شما باید یک شکنجه دائم به خود تحمیل کنید تا این کتاب‌ها را بخوانید. ولی چطور شد که وقتی می‌خواهیم این رمان‌ها را نقد کنیم می‌گوییم باید عموم مردم آن را به روانی بخوانند. من که علت این تناقض‌ها را نمی‌فهمم.

□ ببینید من می‌گویم یک اثر را براساس موازین خود آن اثر باید نقد کنیم. این کتاب خاص است و شما در آن جهانی خاص آفریده‌اید. معیار و منطق ما هم معیار خاصی است که از درون خود کتاب این معیار را بیرون می‌کشیم، نه

از بیرون. این اثر را اصلاً نمی‌شود با بوف کور مقایسه کرد چون اصلاً نوعشان متفاوت است، ولی من اعتقاد دارم مثلاً این اثر از جهاتی به زمین سوخته شباهت دارد، تأکید می‌کنم از جهاتی، ولی اینکه ما می‌گوییم نثر طولانی می‌شود و یا اسراف شده این را ما با توجه به رمان پروست نمی‌گوییم. رمان مارسل پروست دارای جمله‌های کشدار و طولانی است اما با توجه به معیارهای درون خود متن قابل فهم است. وقتی ما خود اثر را می‌خوانیم - کاری یا بیرون نداریم - با توجه به نوع اثر انتظار داریم داستانی را بخوانیم، این داستان در کتاب شما غایب است.

رمانی به شکل و شمایل رمان شما که در چهارصد و اندی صفحه منتشر می‌شود باید داستانی قوی داشته باشد. و اصل آنچه پیش می‌آید و اینکه برای چه کسی پیش می‌آید یک اصل برای ارزیابی آثاری از نوع آثار شماست. این اصل در این رمان دیده نمی‌شود و فقط داستان عبود است که ما در این رمان گاه‌گاهی دنبالش می‌گردیم و این داستان نیز در تفسیرها و پرحرفی‌های راوی گم می‌شود. اما من معتقدم در شعله‌های آب گزارشی از وقایع یک دوره‌ی خاص جنگ است و این گزارش البته تحلیلی و دقیق است. اما از جهت اینکه در آن شخصیت‌های داستانی پرداخته نشده‌اند و داستانی هم گفته نشده ضعف دارد.

■ برای من چند نمونه مثال بزنید آنجایی که داستان وجود دارد و کشمکش، عمق فکری و ساخت فنی یکجا رعایت شده کجاها هستند.

□ فرض کنید جای خالی سلوچ دارای یک داستان است و حتی کلیدر با آن همه پرحرفی‌هایی که نویسنده در بعضی از جلد‌هایش کرده است باز هم دارای یک داستان قوی است و داستان اتفاقاً یک دوره تاریخی را دربرمی‌گیرد. داستان چندین نسل و خانواده را در بر می‌گیرد.

حتی خود بوف کور با وجود پیچیده بودنش باز هم یک داستان است، یعنی چیزی که خواننده مرتب در پی‌اش است که چه پیش خواهد آمد و برای چه کسی پیش خواهد آمد در این آثار وجود دارد. خواننده‌ی عادی و غیرعادی رمان و کسی که اصلاً متنی را به عنوان رمان در دست می‌گیرد، انتظارش این است که یک داستان را بشنود و بعد هم به نظر من چیزهای دیگر مدنظر قرار می‌گیرد. نبود داستان باعث می‌شود که من بگویم زندگی در اثر شما غایب است و یک علت غایب بودن هم این است که زن در قصه‌ی شما غایب است. تعداد زنان در رمان شما بسیار کم است و اگر باشند به سرعت ناپدید می‌شوند. فقط زن «آهنج» است که گاه‌گاه به کنایه چیزی از او می‌شود فهمید و نامزد «عبود» است که ما نشانه‌هایی از وجودش را می‌بینیم. من فکر می‌کنم در

رمان‌هایی که در این چند ساله درباره‌ی جنگ نوشته شده، هر جا زن غایب بوده رمان مشکلاتی داشته است. این را من می‌توانم در دهها اثر دیگر هم که درباره‌ی جنگ نوشته شده بگویم.

کودکان نیز در این اثر غایب هستند. به هرحال من معتقدم در رمان در شعله‌های آب، این داستان نیست که آدم را جذب می‌کند، بلکه افکار آقای «مردیها» است که آدم را تا پایان داستان پیش می‌برد. خواننده‌ای که علاقه‌مند به پی‌گیری اندیشه‌های شماسست و می‌خواهد ببیند آقای مردیهای که فلسفه خوانده و اندیشه‌ور است چه گفته است، ممکن است کتاب شما را با علاقه بخواند.

■ واضح است که من در پی نوشتن رمانی مثل رمان خانم حاج سیدجوادی نبودم و واضح است که رمان‌ها هم از این حیث از منهای بی‌نهایت تا مثبت بی‌نهایت تقسیم‌بندی دارند. یعنی رمان‌هایی هست که کشش فوق‌العاده زیادی دارند و رمان‌هایی هم وجود دارد که کشش زیادی ندارند. مثلاً «بیلی باتگیت» از بازمانده روز کشش بیشتری ممکن است داشته باشد، اما قطعاً تم آن هم محدودتر است. مثال‌هایی که شما زدید قبول ندارم و آن کتاب‌هایی را که شما گفتید خوانده‌ام منتها معتقدم که همین ایرادی که به این کتاب می‌گیرید کما بیش به آنها هم وارد است. مثلاً در رمان جای خالی سلوچ مردی غایب می‌شود و در انتهای

داستان بدون اینکه مشخص شود چرا رفت و کجا رفت یکدفعه پیدایش می‌شود. در این ضمن هم پیچ و خم‌های یک زندگی ساده و فقیرانه با هنرمندی بیان می‌شود. من واقعاً نمی‌فهمم چگونه آن داستان دارد و این ندارد. در کلیدر البته کشش داستانی بیشتر است، اما به همان نسبت آنچه شما پرگویی یا اسراف در استفاده از واژه‌ها می‌نامید نیز بیشتر است.

من آگاهانه قصدم این نبود که یک داستان بنویسم که بیان یک سلسله وقایع باشد که خواننده صرفاً بخواند ببیند بعدش چه خواهد شد. طبیعتاً اگر شما چنین تصمیمی گرفتید جا برای چیزهای دیگر خیلی خیلی محدود خواهد بود.

اینکه شما به صورت خیلی تلگرافی در بطن حوادث چیزی بگنجانید، اثر به لحاظ محتوا خیلی محدود می‌شود، بله اگر من قسمت‌های زیادی از این کتاب را حذف می‌کردم و قسمت‌های داستانی‌اش را برجسته‌تر می‌کردم و زبانش را ساده‌تر می‌کردم، تعداد بیشتری آن را می‌خواندند و علاقه‌مند می‌شدند. من چنین قصدی نداشتم. این یک رمان است ولی من دنبال این نبودم که خواننده‌ی خودم را صرفاً با قصه‌ی آن سرگرم کنم. اتفاقاً کسی را هم که شما مثال زدید دنبال این نبوده، تماثیک برایش مهم بوده، منتها در یک اشل دیگری: این در اشل فکری‌اش و آن در اشل اجتماعی‌اش. جای خالی

سلوچ می‌خواهد یک بهانه‌ای برای هول و ولا پیدا کند و دیگر هم دنبالش را نمی‌گیرد، تا پایان آن که پیدا می‌شود یا نمی‌شود. و وقتی شما در ابهام به سر می‌برید که بالاخره مرد روستایی کجاست نویسنده در پی این است که روابط اجتماعی و خانوادگی در یک جامعه روستایی عقب افتاده در دوران قحطی را نمایان سازد. □ خوب همان را هم در تار و پود داستان می‌گوید.

■ و درست به همین دلیل هم دست و بالش بسته است، ولی در کلیدر اینطور نیست.

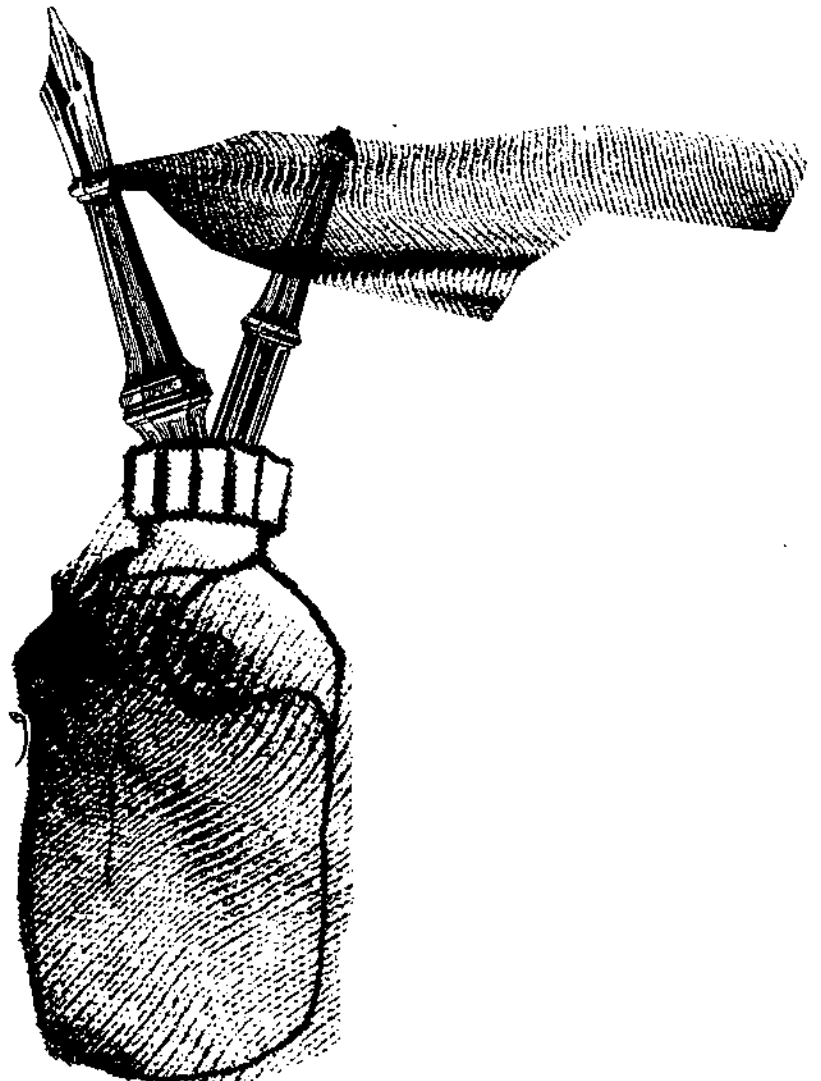
□ اتفاقاً آن نشان‌دهنده‌ی ضعفش بود و همه منتقدین هم آن را ضعف اثر دولت آبادی می‌دانستند به خصوص پرگویی‌های جلد نهم و دهم را.

■ مهم این است که اگر آقای دولت آبادی نمی‌خواست این ضعف را داشته باشد آن وقت نمی‌توانست قوت‌هایی هم داشته باشد و خیلی از حرف‌ها را هم نمی‌توانست بزند، مگر اینکه شما بگویید که رمان جای حرف زدن نیست و فقط جای داستان است. اگر میزان مجاز حرف زدن آن مقدار حرفی است که در بدنه‌ی هول و ولای داستان درج است، مقدار خیلی کمی خواهد بود. مثلاً اولیس به عنوان برترین رمان قرن بیستم، انبوهی از حرف‌ها در آن فراهم آمده. آیا تمام حرف‌هایی که در سیصد هزار کلمه زده است در بدنه داستان است؟

واقع قضیه این است که ما باید رمان را در یک دستگاه مختصات دویعدی قرار دهیم: عایدی مفهومی و لذت هنری. یک رمان می‌تواند صد درجه لذت هنری داشته باشد و ده درجه عایدی مفهومی، یا برعکس. آنچه ارزش رمان را مشخص می‌کند برابری این دستگاه مختصات است. رمان شاهکار رمانی است که هر دوی آنها را زیاد دارد و رمان بی‌ارزش هم هیچ کدام از اینها را ندارد.

بنابراین یک رمان می‌تواند جاذبه‌هایش و جنبه روایش نقطه‌ی قوتش باشد و رمان دیگر، ساختار یا تماثیک و عمق فلسفی یا زیبایی نثر آن.

این دستگاه مختصات دویعدی است که ارزش کار را در انتها مشخص می‌کند و مطمئناً به نظر من کلیدر همانطور که در بعضی جاها جاذبه‌ی داستانی‌اش خیلی زیاد می‌شود، می‌توانست جاذبه‌اش ده برابر شود، اما به قیمت اینکه خیلی از چیزهایی را که می‌خواست بگوید حذف کنیم. این یک تصمیم است. شاید بتوان گفت که با این تصمیم چیزی را به دست نمی‌آوریم یا از دست می‌دهیم، ولی نمی‌توان گفت که به این رمان می‌گویند



و به آن نمی‌گویند، همان طور که در بحث تعریف رمان گفتم، ما فقط می‌توانیم با ترجیح یکی از این دو محور سلیقه‌ی خود را ابراز کنیم.

من در این رمان خیلی حرف‌ها برای زدن داشتم و برای کسی که می‌گوید در رمان نمی‌شود حرف زد من دست‌هایم را می‌برم بالا و می‌گویم ببخشید. بله، حرف زدن در این رمان یک مقدار از حد معمول بیشتر است و بالطبع داستان آن مخفی‌تر است و کسانی که دنبال داستان می‌گردند قسمت‌های توصیفی را ممکن است نخوانند. ولی کسانی هم هستند که با دقت می‌نشینند و حتی دوباره خوانی می‌کنند و فقط به داستان اهمیت نمی‌دهند.

□ حالا خود شما چند درصد برای کتابتان عایدی مفهومی و چند درصد لذت هنری در نظر گرفته‌اید؟

■ من مطمئناً قسمت اعظم آن را به عایدی مفهومی می‌دهم و طبیعی هم هست، منتها این یک مقدار بستگی به تعریف لذت دارد. بستگی دارد که زیبایی و سختگی نثر را به کدام محور ملحق کنید. بعضی از این نثر لذت می‌برند و بعضی آن را محمل مفهوم می‌دانند. هستند کسانی که حتی به این نوع نثر ناسزا هم می‌دهند و کسانی هم هستند که شیفته‌وار چنین تصویرسازی‌های بکری را ستایش می‌کنند. سپس این لذت بستگی به ترجیح‌ها دارد. منتها ادعای اینکه جنبه‌های هنری فرم و کشش و لذت در آن غایب است را قبول ندارم، ولی اینکه نسبت به محتوا در رده دوم قرار می‌گیرد این را قبول دارم.

□ چنانکه گفتیم کتاب شما از دو جهت به زمین سوخته شباهت دارد، یکی اینکه این دو اثر به رویدادهای آغاز جنگ می‌پردازند، یکی در شهر اهواز و یکی در میدان نبرد. در هر دو اثر از «من راوی» استفاده می‌شود. هر دو «من راوی» مشخصاتشان برای ما معلوم نیست. تقریباً از «من راوی» شما چیزی نمی‌دانیم. حداقل «من راوی» احمد محمود را می‌شود توجیه کرد که چرا اسم و رسم ندارد. ولی به هر حال در یک چیز عمده تفاوت دارند و آن نگاهشان به مردم است. شما نگاه بسیار امیدوارانه‌ای به مردم دارید و آنها را فعال نشان می‌دهید و احمد محمود در شهر اهواز مردم را قربانیان جنگ معرفی می‌کند. آیا وقتی این کتاب را می‌نوشتید زمین سوخته را خوانده بودید یا نظری نسبت به این کتاب داشتید یا خیر؟

■ بدون اینکه بخواهم شما یا نویسنده آن کتاب را اذیت کنم می‌گویم این بدترین توهینی است که تاکنون

به این کتاب شده است. خیلی معتقدند که زمین سوخته یک بیانیته‌ی سیاسی در مورد جنگ بود که در قالب یک شبه رمان مطرح شده بود، البته من برای آقای محمود احترام قائلم و برخی از رمان‌های ایشان برجسته هستند. من خودم هنوز بعد از ده پانزده سال بعضی شخصیت‌پردازی‌های رمان‌های ایشان در ذهنم باقی مانده است. مثلاً داستان یک شهر.

زمین سوخته یک استراتژی جنگی است، زیرا هرکسی که عقب‌نشینی می‌کند برای اینکه دشمن چیزی به دستش نیفتد آن تکه را آتش می‌زند. خود این نوع اسم‌گذاری یک بیانیته‌ی سیاسی را مشخص می‌کند. علاوه بر این یک تعداد قهرمان‌ها یا شخصیت‌پردازی‌های بی‌رسم و بدون هیچ‌گونه اثر ساختاری در داستان هست که باز هم هویت رفع تکلیف سیاسی مبارزان آن را بر ملا می‌کند. نمی‌دانم چرا بین این دو قیاس می‌کنید. بله هر دو تا کتاب است و نویسنده‌های آنها نیز وقتی می‌نوشتند قلم به دستشان بوده و موضوع جنگ را مدنظر داشته‌اند، اشتراک این دو رمان در همین‌ها خلاصه می‌شود.

در مملکتی که جنگ با آن عرض و طول در آن صورت گرفته، انبوهی از الپ‌ها را می‌توانسته بدهد. تنها کاری که در این زمینه انجام گرفته — البته با این تعریف که رمان جنگ یعنی رمانی که در خود جنگ صورت گرفته نه در حاشیه — صدها و هزارها جلد خاطره و شبه داستان نوشته شده، حتی همین رمان آقای دهقان که جایزه گرفته بود، با اینکه من خیلی از این نوشته متأثر شدم و بسیار نوشته‌ی ارزشمندی بود ولی خیلی از رمان دور بود و بیشتر به خاطره نزدیک بود؛ یعنی اول داستان یکسری ارتباطات با خواهر و مادر و پدر گفته می‌شود که در هیچ جای داستان به کار نمی‌آید، در این مدت ده ساله برجسته‌ترین کاری که برگزیده شده همین است. نه زمین سوخته و نه سفر به گرای ۲۷۰ درجه و موارد دیگر یا در شعله‌های آب قابل قیاس نیست.

□ شما رمان گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمد را خوانده‌اید؟

■ بله می‌توانم بگویم برترین کاری بود که در میان رمان‌های جنگ دیدم. رمان گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمد شاید اولین اثری بود که من در زمینه ادبیات داستانی جنگ خواندم و حس کردم چیزی بیش از تجربه‌ی جبهه و اندکی ذوق پشت سر آن است. کاری

است که نویسنده برای آن به لحاظ ادبی زحمت زیادی را متحمل شده است، بخصوص نیمه‌ی اولش. نیمه دوم آن خیلی شلوغ می‌شود ولی به طور کلی تکنیک‌های به کار رفته قابل توجه بود.

□ این رمان در واقع از دولایه شکل گرفته، یک لایه، لایه‌ی داستانی است و یک لایه مربوط به حوادث جنگ است که بخش اول آن به حوادث کردستان می‌پردازد و بخش دوم به حوادث خرمشهر. جالب است که خواننده‌ای که هیچ علاقه‌ای هم به این موضوع نداشته باشد این اثر را که به دست می‌گیرد با اشتیاق می‌خواند و علتش هم این است که روایت داستان او را جذب می‌کند.

■ نه با شما موافق نیستم. من شخصاً خودم نیمه‌ی اول را به دلیل علاقه به سوژه و صحنه‌پردازی‌ها با شوق خواندم و نیمه‌ی دوم را که عنصر داستانی در آن قوی‌تر هم می‌شد تا حدی همراه با تحمل ریاضت ادامه دادم، فراموش نکنید که از نظر من این لزوماً عیب نیست.

□ من برای شما دلیل می‌آورم. رازی در داستان است که خواننده می‌خواهد آن را کشف کند. من فکر می‌کنم اولین کار رمان باید این باشد.

■ من مخالف این نیستم منتها بحث بر سر میزانش است. اولین کار این است و به این معنا نیست که تنها کار این است. بحث بر سر این است که در رمان‌های متفاوت، چه رمان‌های معتبر و چه غیره این میزان برحسب تصمیم نویسنده متفاوت است. مهم این است که وقتی شما تصمیم گرفتید که ۹۰ درصد را به کشش داستانی اختصاص بدهید بعد بیشتر از ۱۰ درصد فرجه ندارید.

□ خود شما کارهای میلان کوندرا را حتماً خوانده‌اید. ببینید در این آثار به نظر من پارامتر ۹۰ درصد و ۱۰ درصد کارایی ندارد و در عین حال من معتقدم میلان کوندرا نویسنده‌ای اندیشمند است.

■ من بار هستی را خواندم و اصلاً علاقه‌ای به ادامه‌اش نداشتم. بسیاری نویسندگانی که از کشورهای کمونیستی و یا به نوعی بسته مورد استقبال غربی‌ها قرار می‌گیرند، در وهله اول اینها برای من مشکوک هستند، به خاطر اینکه غربی‌ها علاقه دارند کسی را که از درون سیستم کمونیستی بیرون می‌آید مورد حمایت قرار دهند.

وقتی از کشش رمان صحبت می‌کنید اقلأ اگر از صدسال تهنایی حرف بزنید من با شما موافقم. اگر شما جایی حداکثر فرم و محتوا را توانستید با هم

جمع کنید آن وقت آن اثر شاهکار می‌شود و آن وقت است که نوبل را می‌برد و شاهکارها البته معدودند. مسلماً من انتظار نداشتم که نثر پیچیده‌ای را ارائه بدهم و مردم هم با ذوق و شوق فراوان بخوانند. من اگر می‌خواستم چیزی بنویسم که مردم وقتی آن را می‌خوانند به سرعت ادامه دهند و علاقمند شوند مسلماً یک چیز متفاوت با این می‌نوشتیم، منتها خوب قصد این را نداشتم، واضح است که این تصمیمی است که من گرفتم و این تصمیم مشمول درست یا غلط نیست. بستگی دارد که شما به کدام یک از این دو مؤلفه که مطرح شد بیشتر گرایش داشته باشید.

■ ببینید هر اثری که بیرون می‌آید دیگر از دسترس نویسنده خارج است و خود، پدیده‌ای است زنده و باید با مخاطبش ارتباط برقرار کند.

من وقتی کتاب شما را برمی‌دارم، می‌گویم این رمان است، می‌خوانم تا دستم بیاید که چه نوعی است. در حین خواندن به تدریج انتظارات من شکل می‌گیرد. نه اینکه پیش‌داوری داشته باشم ولی مسئله بر سر این است که من می‌گویم، وقتی رمان شما را در دست می‌گیرم و شروع به خواندن می‌کنم، درمی‌یابم که مثلاً با یک اثر رئالیستی سر و کار دارم، طبیعی است که من از یک اثر رئالیستی انتظارات خاص این نوع ادبی را داشته باشم. اما من وقتی کتاب را تا نهایت می‌خوانم و آن را می‌بینم می‌گویم احسنت آقای مردیها، عجب آدم بافضلی است. نمی‌گویم احسنت آقای مردیها چه داستان‌نویس زبردستی است.

■ این کتاب از وقتی که از من جدا شده و به راه خودش رفته، اتفاقاً با خوانندگان بسیاری ارتباط برقرار کرده است. شما نظر خودتان یا کسانی را که از جانب آنها سخن می‌گویید معیار تام و تمام تلقی نکنید.

در شعله‌های آب البته یک اثر رئالیستی به معنای ساده‌ی کلمه نیست؛ اما با فرض اینکه در این نوع بگنجد، سؤال این است که شما وقتی رمان را به دست گرفتید چه انتظاری داشتید که برآورده نشد؟ البته روشن است که اگر سلیقه‌های خاص خود را دارید کاملاً طبیعی است که بعضی از آثار به مذاق شما خوش نیاید. این لزوماً نه عیب شما است، نه عیب آن آثار. مثلاً رمان آزاده خانم آقای براهنی را بعضی از منتقدان بسیار ارزشمند برآورد کردند. اما من این رمان را با تحمیل نوعی ریاضت بر خودم خواندم و انتظارات مرا هم برآورده نکرد، ولی من بخش عمده‌ای از این را به حساب اختلاف معیار و اختلاف سلیقه می‌گذارم و این رمان را نه به دلیل کشش نداشتنش و نه به دلیل ساختارشکنی خاصی که در آن شده، و من نمی‌پسندم، محکوم نمی‌کنم و از در جنگ با آن در نمی‌آیم.

من البته مدعی اینکه یک داستان‌نویس زبردست باشم، نیستم، بخصوص که احتمالاً منظور شما از داستان‌نویس زبردست کسی است که عمدتاً به امور تکنیکال و فرمال اشراف داشته و این هدف و این توانایی را داشته باشد که در هنگام خلق یک اثر، از یکسو با جاذبه‌های داستانی عامه خوانندگان را مسحور کند و از سوی دیگر با پیچیدگی‌های ساختاری و فنی (به‌ویژه مدرن) منتقدان را خلع سلاح کند. ولی بحث ما بر سر این است که نه مواردی که شما مثال می‌زنید از چنین اوجی برخوردار است و نه در شعله‌های آب این قدر که شما می‌گویید از فرمالیسم به دور است.

از این گذشته، داستان‌نویس زبردستی که فاضل نباشد همان قدر کارش لنگ می‌زند که داستان‌نویس فاضلی که زبردست نباشد. ترکیبی از این دو، معیار

قضاوت است. این را هم البته بگویم که بعضی گمان می‌کنند برای پذیرفته شدن در جمع اصحاب داستان، اولاً باید فقط داستان‌نویس بود، دوماً باید مدتی در محضر اساتید این فن به مریدی پرداخت، و من چون این دو وصف را نداشته‌ام، باید انتظار بایکوت داشته باشم. حتی بعضی به تعریض گفته‌اند فلانی داستان‌نویس نیست، و من به فکر افتاده‌ام که نکنند در این موارد هم باید تقاضای جواز کسب کرد.

□ برویم به سراغ شخصیت‌ها، من احساسم در مورد شخصیت‌های شما این بود که اینها ابعادی از وجود خودتان هستند ولی فکر می‌کردم که ابعادی از وجود فکرتان هستند. ببینید اندیشه‌ی شما ذواباد است و برای این اندیشه ذواباد آمده‌اید آدم‌های مختلفی را خلق کرده‌اید تا بتوانید این اندیشه‌های مختلف را بیان کنید. نمونه‌اش هاشم و فرید هستند. شاید زنده‌ترین شخصیت و اتفاقاً داستانی‌ترین شخصیت رمان شما آهنگ باشد. فرید از نظر من شخصیت داستانی نیست همان طور که هاشم نیست. شخصیت‌هایی هستند به شدت تیبیک و هویت فردی ندارند و حتی ما نمی‌دانیم چه کسی هستند. به چه چیزی علاقمندند. خلاصه مثل آدم نیستند، بیشتر همان اندیشه هستند. گویی اندیشه‌ی تجسم یافته‌اند. شیخ بیشتر از همه غیرداستانی است. به نظر می‌رسد شما یک اطلاعات وافر در درونتان داشتید که اینها به مجسمه‌های تفکر تبدیل شدند. در نتیجه شخصیت داستانی که واقعاً داستانی باشد و کنش داستانی داشته باشد و حرف داستانی بزند فقط آهنگ است و بقیه نیستند.

■ این حرف شما دور از واقعیت نیست، اما شما باید یکسری محدودیت‌ها و واقعیت‌ها را هم در نظر بگیرید. واقع قضیه این بود که در اوایل جنگ شخصیت‌ها تیبیک بودند. البته من خودم به رئالیسم خیلی اعتقاد ندارم. این کتاب را هم به معنای ویژه‌ای رئالیستیک می‌دانم و نه کاملاً، ولی واقع قضیه این است که خیلی‌ها نمی‌توانند تصور کنند که یک نفر وسط جنگ حرف‌های عرفانی بزند، ولی می‌زدند. من خیلی چیزهایی را که در جنگ دیدم نوشتم چون قطعاً غیرقابل باور بود. و چیزهایی دیدم که تیبیک نبود ولی به وفور تکرار می‌شد. باور کنید که همینطور بود. من کسی را دیدم که منطق الطیر از دستش نمی‌افتاد و شهید هم شد و همیشه با همان ادبیات حرف می‌زد. اول جنگ من رزمده‌اش بودم و کسی که فرمانده می‌شد عناصر برجسته‌ی فرهنگی و فکری بودند که تا دیدند جنگ



شد رفتند آنجا. و طبیعی بود که فرمانده طلبه بود، عارف مسلک بود و یکی انقلابی بود که تمام کتاب‌های چپ را خوانده بود و... و من می‌خواستم یک مقدار دنیای اول جنگ را که مطمئن هستم کسی در آن نبوده که اهل قلم باشد، به تصویر بکشم. احتمالاً داستان‌هایی که درباره‌ی جنگ نوشته شده و نوشته خواهد شد، بیشتر درباره‌ی زمانی است که جنگ حالت رسمی پیدا کرده مثل عملیات خرمشهر، مجنون، فاو و... ولی در روزهای نخست رزمندگان می‌آمدند و با کت و شلوار می‌جنگیدند. در کت و شلوار اول جنگ افراد با کت و شلوار می‌رسیدند، به آنها آرمی چی می‌دادند و می‌گفتند ببین اینجوری استفاده کن. از آن زمان کسی نیست که باقی مانده باشد و از گروهان ما که نود نفر بودند دو سه نفرشان زنده هستند که آنها هم نویسنده نیستند. و من می‌خواستم این مسایل باقی بماند که اوایل جنگ چه چیز بود و چه تیپ آدم‌ها با چه تیپ تفکرات بخصوص بودند، و این حرف‌هایی که فرید می‌زند خیلی‌ها می‌زدند. فرید اصلاً تیپیک نیست بلکه مجموعه‌ای از اوامع و تئوریک است. من می‌خواستم همین را به خواننده ابراز کنم. می‌خواستم بگویم که اگر با ایده‌آل عرفانی بخواهی به جبهه بروی این گونه می‌شود. من همین جا نشان دادم که فرید وقتی زمین گیر می‌شود و دشمن محاصره‌اش می‌کند، نمی‌گوید باید برویم و شهادت طلبی کنیم، می‌گوید باید برگردیم، زنده بمانیم. خودش دارد می‌گوید من که اون حرف‌ها را زدم حالا هم می‌گویم خودتان را به کشتن ندهید. همین فرد در اواسط داستان که کتابش را جا می‌گذارد در حاشیه‌ی کتابش اعتراف می‌کند که اینها حرف است دارم می‌زنم خودم فهمیدم که عشق و این حرف‌ها را باید تفسیر زمینی کرد، آسمانی‌اش در آسمان است.

بنابراین اگر من می‌خواستم به واقعیت وفادار باشم واقعیت واقعاً در آن مقطع همین بود ولو اینکه خوشتان هم نیاید. دوم اینکه من اصلاً در پی نشان دادن این بودم که وقتی یک نفر عارف مسلک شد و هر جا بخواهد عارف باشد واقعاً دیگر انسان نیست، یعنی شما احساس اینکه با او یکی شوید و با او بنشینید را ندارید. بنابراین اولاً شخصیت فرید غیر واقعی نیست، دوماً من عمد داشتم او را این طور انتزاعی مطرح کنم تا بعد زمین خوردنش را بتوانم مطرح کنم. تا جایی که حتی یک منتقد مرا به بی‌انصافی در حق قهرمانانی مثل فرید و حیدر متهم کرد.

راجع به هاشم قضیه کمی تفاوت دارد، از یک سو بخشی از ویژگی‌های تیپیک یک فرماندهی نظامی را دارد، اما ویژگی‌های خاص خودش را نیز دارد. قرار نیست برای تیپیک نبودن یک شخصیت لزوماً از قیافه و لباس و پدر و مادر او سخن گفته شود. هاشم با نوع رفتار و اندیشه‌ی خاصش تا جایی که در چنان فضایی مقدور است متشخص می‌شود. گذشته از این من به دلایلی که گفتم تیپ‌های موجود در آن فضا را هم می‌خواستم نشان دهم. این محصول یک تصمیم آگاهانه بود.

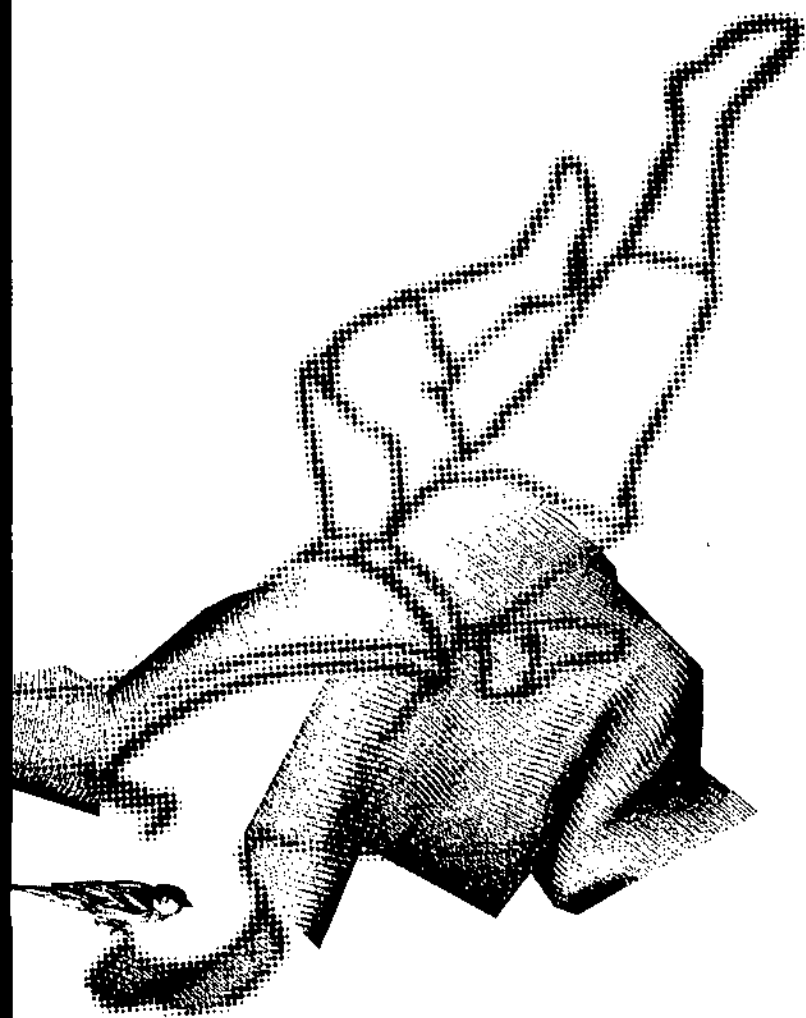
شاید داستانی‌ترین شخصیت‌های این رمان آنهنگ و عبود است. الان فکر می‌کنم که اگر این رمان را بخصوص از رهگذر همین دو شخصیت، با حوادثی در درون زندگی ترکیب می‌کردم می‌شد تنوع بیشتری به آن داد. ببینید جنگ با تمام پدیده‌های عالم فرق می‌کند. شما فرض کنید یک خانه‌ای را که همه چیزش با برق است، در چنین خانه‌ای برق برود. در جنگ این طوری است: تمام کارها، عشق‌ها، برنامه‌ها، علاقه‌ها، پول و... یکباره قطع می‌شود، خصوصاً در ابتدا که هنوز شوک برطرف نشده است. می‌خواستم این واقعیت را یک طوری نشان بدهم. این را که چطور زندگی برای مدتی فراموش می‌شود. البته شما باید محدودیت‌های نوشتن راجع به جنگ، آن هم در ده سال پیش را به خاطر داشته باشید. هنوز هم مطرح کردن «زندگی» در رمان تحمل نمی‌شود چه رسد به آن وقت و در رمان جنگ.

آن مطلبی هم که اشاره کردید «زن در اینجا غایب

است، پس زندگی غایب است» جمله‌ی زیبایی بود. من می‌پذیرم ولی معتمد که در فضای جنگ سخت می‌شد این کار را کرد، مگر اینکه فضا را دو قسمتی کنیم، نصف در شهر و نصف در جنگ، حالا به صورت خاطره و امثال اینها. من می‌خواستم زندگی نوع جنگی را نشان بدهم و نوع جنگی خیلی چیزها را ندارد، از جمله خود زندگی.

یک نکته‌ای که به نظر من جالب است اینکه شما ممکن است در ذهن خودتان راجع به پنج سال آینده خودتان فکر کنید که مثلاً در آن موقع چه وضعی خواهیم داشت. در جبهه حتی برای یک ماه دیگر حرف زدن واقعاً خنده‌دار است. ظهر و شب و فردا و حداکثر پس فردا، بعدش دیگر گم می‌شود. حالا در چنین فضایی که مرگ در کنار شماست (من یادم است که یک نفر آمد گفت از بس شیرجه رفتم خسته شدم، کاش می‌شد ده دقیقه راه برویم و از ترس گلوله شیرجه نرویم) خوب زندگی همین است، یعنی ترس از مرگ.

□ ظاهراً اسم کتاب اشاره‌ای است به داستان حضرت موسی. منظور تان همان قصه‌ای است که رادیو اهواز دارد می‌گوید. شما اشاره می‌کنید که رادیو اهواز می‌گوید که نیل چگونه فرعون را در خودش فروبرد. من اولش تا انتها خواندم و دیدم داستان شما حول این محور می‌چرخد که می‌خواهید دشمن را در کام نیل دیگری با ترفندهای جدید فرو ببرید. خوب این یک معنایش بود و فکر می‌کردم درست است، ولی وقتی فرید را هم آب برد باز اینجا این حس در من پیدا شد که نکند این مثل قصه حضرت ابراهیم باشد، حالا به نوعی دیگر. حالا خود شما منظور تان کدام بود و آیا می‌شود هر دو تاویل و تفسیر را پذیرفت؟



■ یک وجه داستانی و یک وجه محتوایی دارد؛ وجه داستانی‌اش همین است که معمولاً خصم را زیر آتش می‌سوزانند. و ما چون قدرت مقابله با آنها را نداشتیم مجبور شدیم از راه‌های دیگری وارد شویم: در شعله‌های آب یعنی سوزاندن در آب. ولی وجه معنایی آن که من حتی به صراحت هم گفته‌ام «کسی در میان شعله‌های آب می‌سوخت» و دود آن که به آسمان می‌رفت و آن شعر را هم آخر داستان نوشتم، درواقع کسانی که غرق می‌شوند به یک معنا در شعله‌های آب غرق می‌شوند. در موج‌های متلاطمی که به شکل شعله درمی‌آید. و هم به این معنا که در آن بستر رستگاری و معنویت که گسترده بودند محو و نابود می‌شوند. یعنی به نوعی شما می‌توانید سه چیز را عنوان کنید: هم دشمن که در کارون غرق می‌شود، هم دوستان که در کارون غرق می‌شوند و هم آب را به مثابه نماد رستگاری و نیک‌خواهی بدانید که این رستگاری عین سوختن و نابود شدن به گونه‌ای لطیف است.

□ من یک چیز دیگر را که در رمان در شعله‌های آب غایب دیدم و در ادبیات جنگ ما غایب است دشمن است. البته در دنیای امروز جنگ به شکل کلاسیک وجود ندارد و انگار مکان‌ها و زمان‌ها در جنگ دیگر معنای سابق خود را ندارد. در ادبیات جنگ ما هم همین‌طور است. ما یا ماشین پیچیده جنگی دشمن را می‌بینیم و یا اصلاً دشمن حضور ندارد. آن جایی را که فکر می‌کنم می‌توانست در کار شما پرداخته شود وجود آن خلبان عراقی است که ای کاش این بخش گسترده می‌شد و به جای اینکه هاشم او را می‌برد، راوی که قادر به ایجاد گفتگو با او بود او را می‌برد. شاید می‌توانستید آن دیدگاه جزم‌گرایانه را نسبت به دشمن تعدیل کنید. دشمن را آدمی بدانید مثل بقیه آدم‌ها. راوی در این داستان باید با دشمن رودررو باشد و در اینجا راوی با خودش در جنگ است، چون مرتب تردید دارد و نوشتنش نیز به خاطر بیان تردیدش است و یا گذشتن از تردید. ولی مسئله بر سر این است که دشمن حضور ندارد حالا واقعاً چطور می‌شود این را تفسیر کرد؟ آیا نمی‌شد که این خلبان را به چهره‌ی انسانی تبدیل کنید که با او وارد گفتگو شوید و کنش داستانی از او سر بزنند؟

■ به شوخی باید بگویم که چون قرار است دشمن در جنگ نیست شود اگر از همان اول نیست انگاشته شود بهتر است و به جدی باید بگویم که شما نزدیکترین فرد به دشمن هستید ولی هیچ‌وقت او را نمی‌بینید. من در مجموع حدود سه سال جبهه بودم. از

پشت دوربین که نگاه می‌کردم دشمن را مثل یک شبحی می‌دیدم و نمی‌شد که تشخیص داد مثلاً چیزی می‌خورد، سوت می‌زند و مثل اینها. گاهی هم از مدارک چیزهایی می‌فهمیدم. به عنوان خاطره بگویم در یکی از سنگرها ۵۰ تا نامه از عراقی‌ها به دست من افتاد، جالب اینکه اول همه‌ی آنها «بسم‌الله» داشت و سه چهار تا از نامه‌ها هم اولش آیه داشت که «ما رمیت اذ رمیت» یکی از آنها بود.

اما از این موارد که بگذریم من در فرصت‌های اندکی که در این کتاب به دست آوردم از تمام قدرتم - تا آن جایی که تصور می‌کردم امت دشمن شکار علیه من نمی‌شود - چندین جا سعی کرده‌ام چهره‌ای عادی از دشمن ارائه دهم. مثلاً در بازجویی که از اسیرها می‌شود در آخر راوی به هاشم می‌گوید که فکر می‌کنم هر کدام اینها هم مثل خود ما هستند. چندین جا می‌گویم که دشمن؟ خودی؟ می‌گویم خودی یعنی چه دشمن کجاست؟ این حرف‌ها اصلاً چیست. تازه در همان بازجویی‌ها سعی کردم آن تصویری که وجود دارد و همه آنها را مشت‌ی آدم خائن و ترسو می‌دانند بشکنم. یکی از آنها می‌گوید که من برای غریزه می‌جنگم. یعنی جنگ غریزه است. یکی می‌گوید می‌خواهیم عربستان را آزاد کنیم، یعنی در این بازجویی‌ها هم سعی کردم اینها را بیان کنم. اینکه معمولاً می‌گفتند اینها همه را به زور آوردند و انگیزه ندارند، سعی کردم از آن پارادایم مسلط برون‌د بیرون.

□ آقای مرده‌ها آیا تصمیم دارید باز هم رمان بنویسید؟
ای الان مشغول چنین کاری هستید؟

■ تصمیم که البته دارم. روز به روز بیشتر به این نکته می‌رسم که شاید بهترین راه برای اتصال با مخاطبم، رمان باشد. ولی در حال حاضر مشغول نوشتن رمانی نیستم. چون نوشتن رمان احتیاج به آرامش دارد. من در شلوغی خیلی کارها می‌توانم بکنم ولی در شلوغی نمی‌توانم رمان بنویسم. ولی بسیار امیدوارم که اگر قدری از مشغولیات فعلی‌ام کاسته شود، کاری را که مدت‌ها طرح آن را در ذهنم بالا و پایین کرده‌ام شروع کنم.

□ من به عنوان خواننده‌ی رمان هم استفاده کردم و هم لذت بردم، حال اگر چیزی برای ادامه بحث دارید بفرمایید.

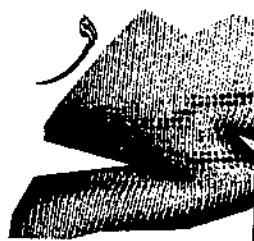
■ این کتاب منتقدان و مشتاقان جدی البته در حوزه محدودی پیدا کرد، چون کتاب در حد همان مخاطب خاصی که داشت نوشته شده بود. واقعاً کسانی بودند که

مرا شرمند کردند و آنان کسانی بودند که ادبیات کلاسیک، شعر، نثر، تصویرسازی، اندیشه فلسفی و ادبیات دینی را می‌شناختند. خود همین که این کتاب ستایش‌ها و نکوهش‌های جدی داشته نشان می‌دهد که کار قابل تأملی است.

قانون اساسی هنر یک ماده‌ی واحد بیشتر ندارد و آن هم این است که هنر قانون اساسی ندارد. معنای این سخن این نیست که هر فرآورده‌ی هنری و از جمله هر رمانی باید مورد استقبال قرار گیرد. نه، نقد می‌شود و قضاوت جامعه‌ی اهل فن است که نمره‌ی یک رمان را مشخص می‌کند. ولی متأسفانه در جامعه‌ی ما به دلیل پارهای محدودیت‌ها، از جمله حاکمیت باندها و پارهای گرایش‌ها و ضعف‌ها و... این قضاوت چنان که باید صورت نمی‌گیرد. گاه احساس می‌شود بیشتر روابط بر اساس بده و بستان است. بعضی منتقدان بیش از آن که فکر کنند، حرف می‌زنند، پیش از آن که بخوانند، می‌نویسند. نقد را گاه با دوستی و دشمنی و گاه با صرف اعمال سلیقه و معیار مطلق کردن هر آنچه می‌پسندند یکی می‌گیرند. بعضی هم البته خصوصیت را در قالب سکوت صورت می‌دهند. یک منتقد آگاه و منصف می‌داند که در طیف تولیدات ادبی، یک طرف می‌گوید که ای برادر قصه چون پیمان‌های است / معنی اندر وی بسان دانه‌ای است؛ و طرف دیگر طیف از یک فرمالیسم دفاع می‌کند. ظاهراً در این اختلافی نیست که می‌توان به یک نقطه‌ای اطمینان در فضای کانونی میان این دو نزدیک شد.

ولی به هر حال نهایتاً بعضی به این سو نزدیک‌تر شده بعضی به آن سو، گرچه بیان هنری بدون فرم یا با فرم ضعیف، بیان هنری نیست یا بیان هنری ضعیف است، ولی جایی که تماتیک به جد گرفته می‌شود، به معنای نقی هنر نیست. اگر نقطه‌ی قوت یک رمان روی بیان بیشتر باشد تا روی ساخت، روی نثر بیشتر باشد تا روی پردازش شخصیت... یا به عکس، اینها برای تأیید یا رد اثر کافی نیست. برآیند کار را باید سنجید. مهم این است که به دام هنر مسؤول نیفتیم و زیبایی‌شناسی را رکن هنر بدانیم. بعد از آن چه اشکالی دارد که به درجات مختلف به محتوا اهمیت بدهیم و حتی رمان فلسفی داشته باشیم. در شعله‌های آب برای من و برای سوزده‌ی آن کار قابل توجهی است، ولی قطعاً از جنبه‌های فرمال جا برای پردازش بیشتر هم وجود دارد.

□ انشاءالله موفق باشید.



اسراپرده را) بلندتر بدارد. در حالی که ترجمه «آدام»، همیشگی و جاوید باد، است. شبیه به این در جای دیگر بخش دوم باز آمده است و آن ترجمه جمله مشهور «انارالله برهانه» (ص ۳۵) است که بدین صورت است: خداوند [در روز قیامت] حجت او را به او بیاموزاد. منظور چیست؟ نکته دیگر درباره ترجمه ابیات و عبارات عربی که در بخش دوم مورد استفاده قرار گرفته‌اند این است که گاهی بعضی از آنها ترجمه شده‌اند ولی بعضی نه. مثلاً در ص ۱۲۰ کتاب، دو بیت صاحب بن عباد، ترجمه نشده است.

— که ماکان مغرور گشته بود بدان لشکر دل انگیز که از هر جای فراهم آورده بود. ص ۳۳
در بخش دوم معنی دل انگیز را داوطلب گرفته‌اند و آن گاه شاهدهی از تاریخ بیهقی آورده‌اند. (البته بدون ارجاع). یکی از شاهنشاهان با بسیار مردم دل انگیز، قصد ری کردند تا به فساد مشغول شوند. معنی داوطلب در جمله چهار مقاله درست و با متن مناسب است ولی در تاریخ بیهقی بیشتر به معنی شجاع و بی باک در فرهنگها آمده است.

— در ص ۱۳۹، درباره «بهار چین» نوشته‌اند: «بهار» ربطی به فصل بهار (ربیع) ندارد و آن از کلمه سانسکریت vihara به معنی دیر و معبد مأخوذ است. در ادامه و تأیید این نظریه باید گفت که بعضی از منتقدان خود کلمه «بخارا» را نیز از نظر لغوی مرتبط با آن می‌دانند.^۲

— بسا کاخا که محمودش بنا کرد
که از رفعت همی با مه مرا کرد
ص ۴۵
نوشته‌اند: بسا کاخا: (این الف در آخر «بس» و «کاخ» برای کثرت است). باید گفت علاوه بر معنی کثرت «الف» در آخر کاخ اقاده معنی «تفهیم» می‌کند.
— چون ستوران بهار نیکو بخوردند. ص ۴۸
نوشته‌اند که: بهار (اینجا): گیاه، علف. در حالی که در صفحه بعد این نوع استعمال را درباره «مهرگان» به

معرفی نویسنده اثر و تاریخ روزگار او و تحلیل اثر است و چون این کتاب، بالاخص دو مقاله اول آن (مقاله دبیری و شاعری)، مطالبی درباره نقد شعر و کیفیت نویسندگی و شاعری دارد، و بازتاب نظر یک منتقد ادبی قدیم و دربارهی است به همین جهت، نیاز به «پیشگفتار» ی مفصل و کامل را ایجاب می‌کرد.

— در ص ۱۷، نظامی در مدح ممدوح خود، از او به عنوان «قاهر الزنادقه» یاد کرده است و استادان محترم در بخش دوم نوشته‌اند: زنادقه: (جمع زندیق) که ظاهراً معرب زندیک است مرکب از زند (تفسیر کتاب اوستا به زبان پهلوی) و «یک» پسوند... پس از ظهور اسلام و آمدن اعراب به ایران، عربها، ابتدا به پیروان مانی و سپس به هر ملحد و بی دین و غیرمسلمان زندیق اطلاق می‌کردند...

باید گفت که اولاً طبق نوشته اورشیدری، زندیق منسوب به زند به معنی تفسیر نیست بلکه از زند به معنی جادوگری است که در دین زرتشتی از گناهان بزرگ به شمار می‌رود^۱ و دیگر این که سابقه اطلاق زند به پیروان مانی، به پیش از اسلام می‌رسد.^۲

— داعیه‌ای که هر یا رب که او در صمیم سحرگاهی بر درگاه الهی کند به لشکری جزار و سپاهی کزار کار کند. (ص ۱۸)

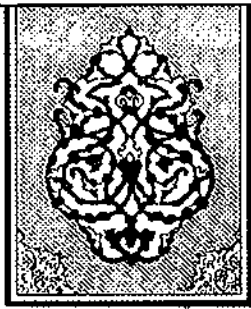
در توضیح «داعیه» آن را مونث داعی به معنی دعاگو گرفته‌اند و منظور از آن را مادر ممدوح دانسته‌اند. البته همان طور که استادان محترم نوشته‌اند در لغت نامه، این کلمه بدین معنی نیامده است هر چند که با تعبیری که ایشان کرده‌اند معنی و مفهوم جمله، زیبا و درست است. ولی باید گفت که چرا قبل از داعیه، حرف ربط «و» نیامده، آن طور که در جمله بعدی آمده است و هم چنین آمدن ضمیر «او» که خود بر پیچیدگی می‌افزاید آیا نمی‌توانیم، به معنی خواست و دعا، بگیریم؟

— مورد دیگر در همین صفحه، در ترجمه دعایی عربی، «آدام الله رفعتها» است که شاید به دلیل غلط چاپی، ترجمه‌اش چنین آمده است: خداوند بلندی آن

کتاب چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی از کتابهایی است که به عنوان ماده درسی در رشته زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود و خوشبختانه، این اثر مثل سایر واحدهای درسی به افت «گزیده» نویسی — که نتیجه مستقیم آن گرفتن قوه تحلیل و ابتکار شخصی از دانشجویست — مبتلا نشده و در این اواخر به همت دو تن از استادان فاضل دانشگاه با آرایشی زیبا به چاپ رسیده است. از آن جا که استادان از نزدیک در جریان امر تدریس بوده‌اند به «شرح و توضیح» آن پرداخته‌اند و انصافاً مورد بحث و مشکلی نیست که بدان نپرداخته باشند.

بدین جهت کتاب از کیفیت بالایی نیز برخوردار گشته است. این کتاب از دو بخش متن و توضیح و گزارش تشکیل شده است. متن کتاب همان متن مصحح علامه قزوینی است بدون نقل نسخه بدل‌های آن و بخش توضیح و گزارش، نیز شرح موارد مبهم و مشکل متن اصلی است. در این مقاله، مواردی را که نیاز به تأمل و بررسی دارند مرور می‌کنیم.

یکی از مهم ترین موارد که به ارزش کتاب خلل وارد کرده است عدم ارجاع شواهد و نمونه‌ها توسط استادان محترم در بخش شرح و گزارش است و این امر چنان تکرار شده که نیاز به نقل مثال ندارد، تا آن جا که گاهی شعر عربی و یا رباعی و حتی حدیثی بدون این که منبع آن ذکر شود مورد استناد قرار گرفته است! گاهی بیتی از مثنوی مولوی نقل شده، بی آنکه مشخص شود از کدام دفتر و یا از چه چاپی است. شاید نقل شواهد و ابیات از لغت نامه دهخدا، عامل این امر بوده است البته در مواردی هم که منبع آن ذکر شده، روش ارجاع، علمی و کامل نیست. مورد دیگر، اجمالی بودن «پیشگفتار» در



چهار مقاله

نظامی عروضی سمرقندی

از روی نسخه
علامه محمد قزوینی

شرح و توضیح از
دکتر سعید قره بگلو
دکتر رضا انزابی نژاد

چهار مقاله (از روی تصحیح علامه محمد قزوینی)

نظامی عروضی سمرقندی

شرح و توضیح: سعید قره بگلو، رضا انزابی نژاد

انتشارات جامی، ۱۳۷۶

پادشاه و اطرافیان آن نسبت داده است. (گفت
[امیرنصرین احمد] مهرگان هری بخوریم و برویم.) و به
همین جهت آیا بهتر نیست که همانند جمله دوم، معنی
جمله اول را چنین بگیریم که: چهارپایان از گیاه و
علوفه های بهاری، به طور کامل بهره مند شدند.

— و حماجم و افحوان در دم شد. ص ۴۸

افزون بر توضیحات آمده در بخش دوم، آیا بهتر
نیست منظور از «دردم شد» را، خوشبو شدن و رسیدن به
مرحله اوج خوشبویی، بگیریم، در حالی که هر دو گل از
نظر خوشبویی مشهور هستند.

— برچشم های ازرقی بوسه داد، و زر خواست پانصد
دینار، و در دهان او می کرد تا یک دُرست مانده بود و به
نشاط اندر آمد و بخشش کرد. ص ۵۹

در بخش دوم آمده است: درست: سکه تمام عیار،
درهم و دینار و زر مسکوک تمام عیار و شاهی هم از
حافظ آورده اند. با این توضیح معنی کل جمله چه
می شود؟ و منظور چیست؟

— جمله این اشعار بران پادشاه خواندند و او بشنید
که بر هیچ موضع او گرم نشد. ص ۶۰

«بر هیچ موضع» در این جا، آیا معنی به هیچ وجه
نمی دهد؟

— و به جای خویش بنشستم، و چون دوری چند در
گذشت. ص ۶۶

در معنی «دوری چند در گذشت»، آمده است: یعنی
جام شراب چند دور در مجلس گشت. قیاس شود با بیت
الا یا ایها الساقی أدرکاساً

هان ای ساقی جام را بگردان...

در ص ۲۰۵ درباره «مجلس خواستن» مطالبی آمده
است. باید گفت استاد مینوی در پاورقی کلیل و دمنه با
استقصاء تمام از متون قدیمی اشاره کرده اند که لفظ
بحل کردن در طول چندین قرن به کثرت استعمال در
فارسی عامیانه و محاوره بدل به «ول کردن» یعنی
رها کردن و آزاد گذاشتن شده است.^۴
— گفتند ای خداوند اختیاری نمی یابیم. گفت:

«بجوید»

این دو جمله چرا توضیح داده نشده است؟ در حالی
که اختیار اصطلاح نجومی است و نیاز به توضیح دارد و
جمله دوم هم دارای ابهام است.
غلط های چاپی:

ص ۳۸ قَوْضُنَا باید قَوْضُنَا باشد

ص ۱۵۵، ش ۹۲ سطرهای آخر — عزارای به جای
عزاداری.

ص ۶۷ ش ۴۶۸، رویت — باید رویت باشد

ص ۸۳ ش ۵۱ — باش — باید «باشد» باشد

ص ۷۰ مجسطی شفاء، شماره گذاری شده ولی در
بخش دوم توضیح داده نشده است.

موارد آخر این که چرا درباره بعضی از کلمات و اعلام
توضیحی داده نشده است مثل کلمات «شرابین»، دینار
اوج (اصطلاح نجومی)، و نسبت «عیناری» به فرخی
سیستانی و یا این که چرا درباره «خیام یا خیامی» هیچ
مطلبی نیامده در حالی که در این زمینه حتی کتاب
مستقلی هم تألیف شده است که بعضی مطالب آن
کتابها مستند به چهار مقاله است.^۵

یادداشتها

۱- اورشیدی، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، نشر مرکز
۱۳۷۱، ص ۳۰۷.

۲- همان و مقایسه شود با زرین کوب، عبدالحسین، جستجو
در تصوف ایران، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷،
ص ۱۵.

۳- زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف ایران،
ص ۶.

۴- ابوالمعالی نصرالله منشی، کلیل و دمنه، تصحیح و
توضیح مجتبی مینوی طهرانی، امیرکبیر، چاپ سیزدهم ۱۳۷۴
ص ۲۲۱.

۵- محیط طباطبایی، خیامی یا خیام، انتشارات ققنوس
۱۳۷۰ و قس با صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد
دوم، انتشارات ابن سینا، چاپ ششم، ۱۳۵۲، صص ۵۲۴ - ۵۲۵.

سخت نیکوست ولی ...

۷ گفت و گو

به کوشش رسول آبادیان

انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۷۹

در یک نگاه

مجموعه مصاحبه های رسول آبادیان
(داستان نویس و روزنامه نگار) با برخی از اهالی قلم به
تازگی در کتابی با عنوان ۷ گفت و گو راهی بازار کتاب
شده است. این کتاب شامل گفت و گو هایی با: هوشنگ
گلشیری، شهریار مندنی پور، ابوتراب خسروی، سیمین
دانشور، منصور اوجی، عمران صلاحی و محمود خوافی
است. آبادیان، در مقدمه کوتاه خود متذکر شده است که
این گفت و گوها قبلاً در مطبوعات [روزنامه ها] به چاپ
رسیده و باز تأکید دارد که «سعی شده تا دید ژورنالیستی
محض بر کارها حاکم نباشد بلکه مسائل روز در ادبیات
نیز مورد ارزیابی و کندوکاو قرار گیرد»

پس از ورق زدن اجمالی به نکاتی برمی خوریم که
ذکر آن خالی از لطف (و عریضه) نیست:

□ چرا این هفت نفر انتخاب شده اند؟ و مثلاً
منصور اوجی (شاعر) و عمران صلاحی (طنزپرداز) و
هوشنگ گلشیری (داستان نویس) را چه ویژگی هایی به
هم نزدیک کرده است؟

□ گفت و گوها یکدست نیستند: مثلاً وقتی گفت و گو
با ابوتراب خسروی را می خوانیم، در کنار نگاه
ژورنالیستی مصاحبه کننده، زاویه دید نقادانه یک
داستان نویس را نیز به خوبی درک می کنیم. اما مثلاً
گفت و گو با مرحوم گلشیری را که می خوانیم، با
گفت و گویی صرفاً ژورنالیستی که بیشتر جنبه خبری
دارد تا تحلیلی، مواجهیم.

□ در میان این «هفت نفر» تنها منصور اوجی است
که شاعر است و عمران صلاحی نیز به عنوان طنزپرداز
مصاحبه شده است. در این دو مصاحبه - که به عدم
یکدستی مجموعه نیز دامن می زنند - به خوبی می بینیم
که عدم آشنایی دقیق مصاحبه کننده با مقولاتی چون
شعر و طنز باعث می شود که سوالات رو به خامی بروند.
در صورتی که در مصاحبه با داستان نویس - با وجود
مشکلات و ایرادهای وارد - کمتر جایی به سوال بی ربط
و یا خام برمی خوریم.

□ اهتمام «گردآورنده» با هر قصد و نیتی که بوده،
قابل سپاس است چرا که جای خالی این گفت و گوها و
گفت و گو هایی از این دست، در یک مجموعه قابل
دسترس، همواره احساس می شود و این می تواند قدمی
باشد در این راه، هر چند مشکلاتی نیز داشته باشد.

یدالله نصراللهی

کاراستن سرو ز پیراستن است

جایی که این بهره‌گیری‌ها حدوداً بی‌سابقه جلوه می‌کند و گاه برای فهم کلام وی دقت و تأمل فراوان طلب می‌کند. غزل «آتش فریاد» از نمونه‌هایی است که با توجه به افعال (ردیف‌های) انتخاب شده در هر مصرع - فهم آن دشوار است:

چو گل در آتش بیداد خویش سوختیم

زبان بیستی و لب‌ها به عشوهِ دوختیم
افعال «سوختیم»، «دوختیم»، «سوختیم»، «فروختیم» و «دوختیم» با معانی: سوختی مرا، (لب‌های) مرا (به عشوهِ) دوختی، کینه‌توزی (در قبال من) کردی، فروختی مرا، دیده‌ی مرا (به نیک و بد) دوختی، در این غزل حکایت از دقت نظر و مهارت درودیان در بکارگیری ابتکاری از واژه‌ها و قابلیت‌های زبان دارد.

□ رنگ: رنگ در شعر درودیان به خصوص رنگ سبز و بعد از آن سرخ، جایگاه شاخص و غالبی دارد. در مجموعه در غریو باد و باران رنگ‌های سبز (۷ بار)، سرخ (۵ بار)، زرد (۳)، سیاه (۳)، ارغوانی (۲)، سید (۲) و کبود و نیلی (هر یک، یک بار) آمده است. تعبیرهای رنگ، رنگارنگ، رنگین و رنگ نیز ذکر شده است. البته تعبیر دیگری که دلالت بر رنگ دارد، در شعر درودیان فراوان است: آب، آتش، آسمان، ابر، برف، بهار، تیره و تار، حریق، خاکستر، خزان، خورشید، خون، درخت، زر، زلف، سپیده، شب، شام، ظلمت، گیاه، گل، لاله، مهتاب و...

دقت در مضاف‌های هر تعبیر رنگی - که به صورت

لبخند شیرینت ای گل، همزاد شعر تر من

صد صبح خندان فرور یخت، بر جان ناباور من
(غزل باغ نیلوفر)

گفتنی است که در طربناک‌ترین شعرهای درودیان - که شاید بارزترین آن همین غزل «باغ نیلوفر» باشد - اگر از «لبخند»، «صبح خندان»، «دریای سَر و سرود»، «امواج رنگین نور» و برخاستن و شوری به پا کردن سخن می‌گویید، ولی یافت کلام و حتی وزن و بحر که ناخواسته وارد شعر شده یا برگزیده شده، غباری از غم را بر ذهن و زبان و اندیشه مخاطب یا خواننده می‌افشاند، چنان که در مقطع همین غزل، از مرگ و خاکستر سخن می‌گوید:

عشقت چنان سوخت جانم، کز بعد مرگم سراپند

بوی تو، بوی تو دارد، ذرات خاکستر من
نمونه دیگر از اشعار طربناک - که تصادفاً از وزن و بحری مطمئن نیز برخوردار است - غزل «قصر جادو» است، که اگرچه بر «طرحی نو در انداختن» و آراستن جهان و «شیپور نیلوفر» زدن تأکید می‌کند، با این همه با صراحت، تلخی را می‌سراید:

تو هزار آوای خوشخوانی جهان تلخ را

ناله بس کن، نغمه شیرین چون شکر بزن

□ نکته دیگر در کلام درودیان، مهارت و تسلط وی بر زبان است. و این تسلط به گونه‌ای است که از قابلیت‌های زبان فارسی به خوبی بهره برمی‌گیرد: تا

در غریو باد و باران عنوان دومین مجموعه شعر ولی‌الله درودیان است که در بهمن ماه ۱۳۷۹ با سی قطعه شعر در قالب غزل، رباعی، قطعه، مثنوی و شعر نو منتشر شد.

در غریو باد و باران تقریباً دنباله مجموعه شعر نخستین شاعر یعنی تلخستان است. با کلامی روان‌تر، پخته‌تر و دلنشین‌تر، هرچند غزل‌های تلخستان هم غزل‌هایی منسجم، استوار و کمابیش حافظانه بود. نگاهی به ویژگی‌های «باد و باران» خالی از لطف نیست: □ اگرچه تلخی‌های «تلخستان» (نشر ۱۳۵۸ که سروده‌های دوران پیش از انقلاب اسلامی بود) از اشعار مجموعه «در غریو باد و باران» هنوز رخت بر نیسته، ولی طراوت‌ها و طربناکی‌هایی را در لابه‌لای تلخی‌های این مجموعه می‌توان جست و جو کرد:

باد سحر، به زمزمه، گل‌های باغ را

بر آسمان روشن شب، می‌پراکنید

(قطعه واقعه)

دگرم به دلنوازی، دَر آشتی گشودی،

دگرم به مهربانی، تو همان شدی که بودی

(غزل آشتی)



در غریو باد و باران

ولی‌الله درودیان

انتشارات چی‌چی‌کا، چاپ اول، ۱۳۷۹

مضاف و مضاف‌الیه آمده - نیز قابل تأمل است:

سیاه: ابر سیاه، شب سیاه، شب سیاهکاران.

سرخ: سحر سرخ می، ماه بزرگ سرخ

سبز: باغ سبز، عطر سبز، سرود سبز، سرود سبز رود، جان سبز بهار، واحه سبز.

سپید: گل سپید، باز سپید کوهساران.

□ سادگی و صمیمیت، عنصر دیگر شعر درودیان است. در جایی که از خزان (و خزان عمر) (در سن ۴۲ سالگی = تاریخ سرودن غزل ۲۸ خرداد ۱۳۵۹) سخن می‌گوید، ملتمسانه و بسیار صمیمانه خطاب به ساقی چنین گلایه می‌کند:

خزان در باغ سبز ما، حریق زرد و سرخ افروخت

ببین ساقی، ببین بیداد باد مهرگانی را!

(غزل خزانی)

این صمیمیت در بیت بعدی نیز تا حدودی بازتاب دارد: خدا را با چه کس گویم، غم بی‌همزبانی را؟

در بیتی از غزلی دیگر - که رنگی تلخ دارد و خنده‌های آن نیز به زهرخند بیشتر می‌ماند - مخاطب را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

به جرم عشق توام چون به دار آویزند

بیا بیا به تماشا، ز پای دار مرو

(غزل از این دیار مرو)

□ خنده‌های تلخ و شیرین

در عمق خنده‌های به ظاهر شیرین شاعر، زهرخندی چشیده می‌شود:

گو بسوزد هستی‌ام را آتش خندان تو (غزل آتش خندان - ص ۴۳) شاعر در مصرع دوم یک دوبیتی اگرچه مخاطب خود را دعا می‌کند که: «چراغ خنده‌ات پیوسته روشن» ولی در بیت نخست از «شب من، وای بر من، وای بر من» سخن می‌گوید. شاعر خود به «دروغین بودن» خنده‌های خود اعتراف دارد:

به خنده‌های دروغین من مشو گمراه

ببین به گریه‌ی تلخم، از این دیار مرو

(غزل از این دیار مرو)

در غزلی که عنوان آن، عنوان کتاب نیز است، سه بار از خنده سخن رفته است که شادترین خنده شاعر را در این غزل درک می‌کنیم که در اولی به شب سیاهکاران می‌خندد:

چه خوش است چون سپیده، ز شب سیاه زادن

به نشاط خنده کردن، به شب سیاهکاران

(غزل در غریب باد و باران)

در بیت دیگر لازمه سرآمدن «شب هول» و شکفتن سحر را خندیدن می‌داند:

اگر تو هواست چنانا شب هول ما سرآید

تو بخند تا بخندد، سحر ستاره باران

(در غریب باد و باران)

در غزل باغ نیلوفر که شاعر نشاط روحی قابل‌ی را در خود احساس می‌کند، سه بار از خنده و لبخند سخن گفته است، با این همه، همه خنده‌ها و لبخندهای شاعر، در عین شیرینی، تلخ است.

مرگ ایوان ایلیچ

مرگ ایوان ایلیچ

لئو تولستوی، رضی خدادادی (هیرمندی)

نشرهستان، چاپ اول، ۱۳۷۹

مرگ ایوان ایلیچ با وجود کوتاهی از بزرگترین آثار ادبی جهان است. تولستوی در این داستان با قدرت تمام گام به گام مردی حرکت می‌کند که در آستانه مرگ و نیستی است، طوری که بعضی از منتقدان مانند ناباکوف آن را حتی برتر از جنگ و صلح و آناکارینا دانسته و درباره‌اش گفته‌اند که: «هنری‌ترین و بی‌نقص‌ترین کار تولستوی است.» بی‌غلت نیست که اگر چه از تاریخ نگارش مرگ ایوان ایلیچ بیش از یک قرن می‌گذرد هنوز هم خواننده دارد و هر چند مدت ترجمه تازه‌ای از آن در جهان منتشر می‌شود. در ایران نیز تا آن جایی که حافظه یاری می‌کند کاظم انصاری در حول و حوش سال‌های ۱۳۳۵ این کتاب را از روسی به فارسی ترجمه کرد و در کتاب هفته به چاپ رساند.

بعدتر دو ترجمه دیگر به وسیله غلامعلی سرمد و محمد دادگر صورت گرفت که به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۷۸ به چاپ رسید، و بالاخره به تازگی شاهد ترجمه دقیقی به وسیله مترجم پرکار رضی خدادادی (هیرمندی) هستیم. این ترجمه تازه همراه مقاله‌ای مفصل و تحلیلی از رونالد بلاید درباره داستان مرگ ایوان ایلیچ است. اما چون این نقد از منظر خاصی به داستان نگاه کرده و پیش از داستان آمده، شاید تخیل خواننده را آزاد نگذارد تا به دیگر جوانب اثر توجه درخوری داشته باشد.

رضی خدادادی در مقدمه کتاب درباره مزیت ترجمه‌اش یا تفاوت و علت آن توضیحی نداده است، فقط گفته که ترجمه کتاب «حکم روان‌پرسی احساسات و اندیشه‌هایم را از روی دست توانای تولستوی داشته.» (ص ۶) هر چند که واضح است توانایی دست لئو تولستوی از قدرت احساسات و اندیشه‌های وی بوده است. در هر حال خوشحالیم که باز این شاهکار کوچک، بخصوص با ترجمه تازه، روی پیشخوان کتابفروشی‌ها است.

محمدعلی چراغی

در غریب باد و باران

اردلان عطار پور

نکته اصلی یادداشت حاضر، مربوط به یکی از ابیات غزلِ زیبای دقیقی است به مطلع:

شب سیاه بدان زلفکانش تو ماند

سپید روز، به پاکی رخاں تو ماند...^(۱)

بیت پنجم غزل، در چند مأخذی که بنده - در خانه - بدان دسترس داشتم^(۲) [والیته یکسانی ضبط، بنده را از مراجعه به منابع بیشتر بازداشت] به همان وجهی آمده که در کتاب «پیشاهنگان شعر پارسی» دیدیم؛ الا این که در مصرع نخست، در لغت نامه [ذیل «بابلی»، به نقل از «احوال و اشعار رودکی» تألیف سعید نفیسی] به جای «تیر»، «تو» آمده و در مصرع دوم نیز ضبط «المعجم» متفاوت و راهگشاست، که بعداً به آن خواهیم پرداخت. بیت این است:

کمان بابلیان دیدم و طرازی تیر

که برکشیده بود به ابروان تو ماند
«طرازی تیر» را چگونه باید خواند؟ ظاهراً به یکی از این دو وجه: ۱- طرازی تیر ۲- طرازی تیر. با مراجعه به فرهنگها، برای معنای «طرازی» در می یابیم که برای وجه نخست، نمی توان معنای قابل قبولی یافت. و اما، «طرازی تیر» ترکیب اضافی مقولوب است، یعنی: «تیر طرازی»، و «طرازی»، شهری است در ترکستان شرقی، در سرحد چین، نزدیک فرغانه که آب و هوای آن سخت سرد است و زنان آن به زیبایی شهرت دارند: شدند اندر ایوان بتان طراز

نشستند و گفتند با ماه راز

(فردوسی)

و مشک آن نیز معروف بود. [اعلام معین]
از این توضیح چیزی روشن نمی شود. اما شهر طراز، جز در این موارد، در موردی دیگر نیز شهرتی داشته، و آن - ساختن - «کمان» خوب بوده:

«دو ابرو به سان کمان طراز

برو تو ز پوشیده از مشک ناز»

(فردوسی)

[واژه نامک، به شاهد طراز - و لغت نامه، ذیل طراز به شاهد کمان طراز]

تا اینجا، بخشی از مشکل بیت حل می شود و آن

اینکه شاعر، ابروانِ معشوق را به «کمان بابلی» و «تیر طرازی» مانند کرده است. اما نمی توان دانست که «تیر» در این تشبیه چه جایی دارد. شاید بتوان تصور کرد که کشیدگی دوسر ابرو به تیر - و کشیدگی آن - تشبیه شده. شاید بتوان تصور کرد که طره ای از گیسوی معشوق، از میان پیشانی بر میانه ابروها افتاده، به حالتی که تیر در کمان نهاده را تداعی کند.

اما در خود بیت، هیچ اشاره و قرینه ای که مؤید این تصورات باشد وجود ندارد. و نهایتاً می توان تصور کرد که تیر طرازی، اشاره به مژگان دارد - همچنانکه در شعر فارسی، این دو با هم می آید. فرخی می گوید: ای مژه تیر و کمان ابرو، تیرت به چکار؟ - اما این نیز پذیرفتنی نیست چرا که شاعر هیچ گونه اشاره ای به مژگان معشوق ندارد.

به گمان بنده، در یکی از واژه های این بیت مختصر تصحیفی روی داده، و آن در واژه «تیر» است که در اصل «تیز» بوده:

کمان بابلیان دیدم و طرازی، نیز

که برکشیده بود به ابروان تو ماند
ملاحظه می کنید که در این صورت، در بیت دقیقی هیچ نکته مبهم و ناهمخوانی باقی نمی ماند.

می دانیم که یکی از پربسامدترین وجوه مسخ زبانی در نسخ خطی کهن، با دگرگونی های نقطه و حروف [یعنی تصحیف و تحریف] مربوط است. کاتبان، عموماً و به ویژه در سده های نخست پارسی نویسی، در نقطه گذاری واژه ها قدری سهل انگار بوده اند. و البته در واژه مورد بحث ما، چندان هم سهل انگاری مقتصدانه نداشته اند، جز این که دو نقطه مجزاً را متصل آورده اند. و این گناه بزرگی نیست، اگرچه بیستی چنین زیبا را بی اندام و معیوب ساخته است!

ضمناً لازم می نماید که به نکته بسیار ظریفی اشاره شود و آن این که شدت آشنایی و آموختگی اهل فضل با تشبیه مژه و ابرو به تیر و کمان، باعث شده که بی اندامی بیت از نظر ایشان پوشیده بماند.

افزون بر آن، بافت نحوی نیز دچار تغییر آشکار نبوده است. و رسیدن حقیر به این تصحیح مختصر نیز کاملاً از سر اتفاق بوده و نه هیچ چیز دیگر: گاه باشد که کودکی نادان...

□

و اما، بپردازیم به مصرع دوم، و ضبط متفاوت المعجم، که بدان اشاره شد. در المعجم - نسخه مصحح علامه قزوینی با تصحیح و مقابله مجدد مدرس رضوی - مصرع مزبور، عیناً چنین آمده:

«کی بُر کشیده شود بابروان تو ماند»^(۳)

می دانیم که در این نسخه چاپی، کلیه ویژگی های رسم الخط کهن نسخه اساس - و شاید برخی نسخ دیگر آن رعایت شده؛ مانند بدون نشانه ممیز بودن حروف خاص فارسی، ذال معجمه، و برخی موارد دیگر. با توجه به این نکته، ظاهراً باید یکی از دو وجه زیر در نظر بوده باشد: ۱- بُر کشیده شود ۲- پُر کشیده شود. و تردیدی نیست که وجه نخست، معنایی نمی تواند داشت و پذیرفته نیست.

و اما، «پُر» در اینجا قید است، به معنای «درست و کامل، آنگونه که باید، درست و حسابی...»

[پُر = ۵ - (قید) زیاد، بیش، بس، بسیار، کثیر، مقابل کم. / معین]

و: «کمان پرکش کردن = کشیدن کمان تا به حدی که معهود استادان این فن است و مافوق آن متصور نباشد...» (معین. و در لغت نامه نیز عیناً نقل شده)

□

اختلاف دیگر در ضبط المعجم، فعل «شود» به جای «بُود» است که تفاوت چندانی ایجاد نمی کند. اگر چه با توجه به «بُود» در بیت دوم غزل، در اینجا نیز «بُود» مناسب تر می نماید.

اکنون می توانیم بیت را - با توجه به نکته دریافتی حقیر در مصرع نخست، ضبط المعجم در مصرع دوم، و با ترجیح «بود» بر «شود» - به گونه زیر بخوانیم:

کمان بابلیان دیدم و طرازی نیز

که پُر کشیده بود به ابروان تو ماند

زیرنویس ها:

۱- برای تمام غزل، نک: پیشاهنگان شعر پارسی، ص ۱۰۶.
۲- المعجم فی معایر اشعار المعجم، تألیف شمس قیس رازی، تصحیح علامه قزوینی، با مقابله و تصحیح مجدد مدرس رضوی، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۰، سیری در شعر فارسی، تألیف دکتر زرین کوب، گنج سخن تألیف دکتر ذبیح الله صفا، لغت نامه دهخدا.

۳- المعجم، ص ۱۶۱.

مهدی سهرابی

یادداشتی درباره
یکی از ابیات دقیقی



از سال ۱۳۷۶، وقتی نخستین کتاب‌های جدیدالتألیف با عنوان ادبیات فارسی و زبان فارسی راهی دبیرستان‌های کشور شد و در سال‌های دیگر برای کلاس‌های دوم و سوم ادامه پیدا کرد، بحث‌ها و نکته‌نظرات فراوانی برانگیخت و طرفداران و مخالفان زیادی به خود یافت. البته میزان مخالفان و موافقان دو کتاب شکل معکوسی داشت یعنی به همان اندازه که کتاب‌های ادبیات فارسی طرفدار و موافق داشت، کتاب‌های زبان فارسی مخالف پیدا کرد.

کتاب‌های ادبیات فارسی دارای مطالب و محتویات جدید و نسبتاً به روز بود. دروس این کتاب‌ها برعکس کتاب‌های قبلی از انسجام و یکدستی بیشتری برخوردار بود و پراکندگی و نابسامانی کتاب‌های پیشین را نداشت. فصول کتاب‌ها براساس انواع ادبی سازماندهی شده بود و موضوعاتی از قبیل نمایش‌نامه و فیلم‌نامه و داستان کوتاه و قسمتی از رمان و شعر و ادبیات خارجی کم و بیش برای اولین بار قدم در عرصه کتب درسی گذاشت. این تنوع و تکرر در عین وحدت و یگانگی و سایر عواملی که به اختصار اشاره رفت باعث مقبولیت و محبوبیت کتب ادبیات فارسی در میان معلمان و دانش‌آموزان شد.

اما کتاب‌های زبان فارسی از چنان اقبالی برخوردار نشد. مهمترین دلیل آن بود که دبیران کشور به دستور زبان سنتی عادت کرده بودند. سال‌های سال آن را تدریس کرده و در مجامع دانشگاهی و مراکز آموزشی

خود آن را فراگرفته بودند و لذا نمی‌توانستند بدین سادگی و راحتی با زبان فارسی جدید انس بگیرند. همین یک عامل بزرگ باعث می‌شد که آنان از کوچک‌ترین عیب و نقص‌های کتاب نیز چشم‌پوشی نکنند و به هر مناسبت و در هر جمعی مخالفت خود را با آن اعلام کنند.

ادعا نمی‌کنم که کتاب مذکور خالی از عیب و ایراد است - و من در فرصتی دیگر کاملاً به آن خواهیم پرداخت - اما انتظار نیز ندارم که از اثر تازه تألیفی در آموزش و پرورش کشور که عمر آن به چهارسال نیز نمی‌رسد، توقع پختگی و بی‌عیبی داشته باشیم.

کتاب‌های جدیدالتألیف، خوب یا بد یک دوره چهارساله را با فراز و نشیب‌های بسیار پشت سر گذاشت اما سؤال این است که آیا در دانشگاه‌های کشور کسی به فکر پایان این دوره چهارسال و ورود نخستین فارغ‌التحصیلان دبیرستانی به دانشگاه با آموزه‌های جدید افتاد؟

از معدود دانشگاه‌های کشور - که با دستور زبان جدید و بر مبنای زبان‌شناسی آشنا هستند و استادان آنها خود از مؤلفان کتب جدید دبیرستانی هستند - بگذریم، اکثر دانشگاه‌ها و مراکز عالی کشور با این شیوه جدید مأنوس نیستند و هنوز به شیوه پنج استاد و یکصد مثال و... پیش می‌روند.

اما از سال آینده که نخستین فارغ‌التحصیلان کتب جدید وارد دانشگاه شدند و در رشته‌هایی نظیر ادبیات فارسی به تحصیل پرداختند، آیا باز هم هیچ مشکل حادی بروز نخواهد کرد؟ دانش‌آموزی که به کتاب‌های جذاب و دلنشین ادبیات فارسی دوره دبیرستان عادت کرده است چگونه به فارسی عمومی خشک و یکدست و خالی از تنوع و به گزیده‌های متون نظم و نثر دانشگاهی تن درخواهد داد؟ دانش‌آموزی که انواع متمم‌های

اجباری و اختیاری و قیدی فراگرفته و جمله را از جهت اجزای آن بررسی نموده و با موضوعات جدیدی چون کژتابی و واحدهای زبر زنجیری و نهاد پیوسته و جدا و وابسته‌های پیشین و پسین و اصول زبان‌شناسی انس گرفته چگونه با مطالبی سنتی مثل مفعول غیر صریح و انواع اضافات و انواع «که» و «را» و «در» و «بر» آخت خواهد شد. یقیناً مدرسین دستور زبان در دانشگاه‌ها از سال آینده روزهای خوشی در پیش نخواهند داشت و باید خود را برای کشمکش‌های علمی فراوان با دانشجویان خود آماده کنند.

گیرم که اب از آب تکان نخورد و هیچ کسی از این همه وضعیت گوناگون ناراضی نشد و همه دانشجویان سر به راه و مطیع دستور دانشگاهی را نیز فراگرفتند. در این صورت آیا کسی به اتلاف اوقات این همه نیروی انسانی در مدرسه و دانشگاه فکری نکرده است؟ بدتر آن که اکثر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در رشته ادبیات فارسی جذب آموزش و پرورش خواهند شد و مجبور خواهند بود که همان زبان فارسی مدارس را تدریس کنند اما با کدام پشتوانه علمی؟ مسؤول این انقطاع چهارساله و یادگیری‌های گوناگون بین دو مدرسه - مدرسه محل تحصیل و مدرسه محل تدریس - چه کسی خواهد بود؟

آیا انقلاب فرهنگی چارهای برای این مشکل اندیشیده است و آیا دانشکده‌های ادبیات برنامه‌ای برای آینده دارند؟

اینک که دانشگاه‌های کشور افتخار تحول در کتب ادبیات فارسی و دستور زبان فارسی را به آموزش و پرورش سپردند، امید است که پیش از این انفعالی عمل نکنند و افتخار تحول در علوم دیگر را به دیگران واگذارند. جامعه برای همیشه منتظر دانشگاه نخواهد شد.

حسین جعفری

حسین جعفری دستور زبان فارسی

تقابل مدرسه و دانشگاه

فلسفه اخلاقی به شمار می آید. موضوع اصلی این رساله مسأله نیک بختی و گونه های آن و راه رسیدن به سعادت فرجامین است و توسط دکتر ابوالقاسم امامی که سالهاست به احیای آثار این شخصیت بزرگ مشغولند، تصحیح شده است.

۳- ماهیت نفس برگردان فارسی رساله فی النفس شیخ الرئیس ابوعلی سیناست که به خامه مترجمی ناشناخته تحریر شده و تصحیح آن را خدیجه مقدس زاده به انجام رسانده است.

۴- تجوهر الاجسام رساله ای است عربی از غیاث الدین منصور دشتکی که در رد ایرادهای وارد بر مبانی نظری پدرش میرصدرالدین درباره ماهیت اجسام و چگونگی ترکیب اجزاء آنها و جزء لایتجزی، تحریر شده است.

۵- شفاء القلوب یکی از حواشی متوسط الهیات شفا که به نثری مغلط توسط غیاث الدین منصور دشتکی به عربی نگاشته شده است.

تصحیح دو رساله اخیر، توسط امیر اهری، صورت گرفته است.

همچنین ۵ رساله مربوط به بخش کلام است که عبارت اند از:

۱- کیفیة معیة الواجب از جمله آثار منسوب به ملاصدرا که موضوع آن چگونگی سریان وجود واجب تعالی در موجودات و معیت و احاطه اش بر ممکنات است و احراز انتساب آن نیازمند تحقیقی مستقل است. خدیجه مقدس زاده این اثر را با تلفیق چاپ سنگی و دستنوشته موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تصحیح کرده است. البته در اینجا این سؤال مطرح است که قرار دادن این اثر در میان رسائل کلامی بر چه مبنایی استوار است؟ آیا فی الواقع این اثر دربردارنده

یافت و در محور فقه و اصول یک مجلد به «حج» و در محور علوم و فنون یک مجلد به موسیقی و...

نخستین مجلد این مجموعه در بهار ۱۳۷۹ در ۴ بخش فلسفه، منطق، کلام و عرفان با ۱۸ رساله و به کوشش گروهی از محققان حوزه و دانشگاه به پیشگاه دانشوران عرضه شده است. از بین این ۱۸ رساله، ۳ رساله به منطق اختصاص داده شده که این سه به همراه دو رساله خلق الاعمال (در کلام) و نصایح (در عرفان) توسط علی اوجبی تصحیح شده است:

۱- منطق صغری شامل یک دوره بسیار فشرده از علم منطق، تألیف میرسیدشریف جرجانی است، این رساله به زبان فارسی و درواقع عصاره ای از دیگر رساله منطقی وی موسوم به منطق کبری است.

۲- الذرة که توسط میرشمس الدین محمد فرزند میرسیدشریف جرجانی نگارش یافته و برگردان تازی منطق صغری است.

۳- شرح الایساغوجی که به وسیله اندیشمندی گمنام (سده ۸ هجری) - حسام الدین کاتی - به زبان عربی نگارش یافته و یکی از شروح مهم رساله منطقی الایساغوجی اثیرالدین ابهری است.

در این مجلد ۵ رساله نیز در بخش فلسفه عرضه می شود:

۱- الابانة عن وحدانية الله اثر فیلسوف شهیر جهان اسلام یعقوب بن اسحاق کندی است. موضوع اصلی این رساله اثبات وحدانیت خداست، اما در کنار آن به مباحثی چون تناهی اجسام و جرم جهان در زمان نیز می پردازد. تصحیح این رساله توسط دکتر غلامرضا جمشید نژاد اول به انجام رسیده است.

۲- ترتیب السعادات و منازل العلوم نگاشته ابوعلی مسکویه یکی از مهم ترین آثار موجود در زمینه

گنجینه بهارستان عنوان مجموعه ای از نسخ خطی کم حجم کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که به اهتمام علی اوجبی - که در سالهای اخیر آثار نفیسی از جمله تقویم الایمان میرداماد و شرح قبسات سیداحمد علوی توسط وی تصحیح و چاپ شده است - در قالب ۸ موضوع اصلی: ۱- علوم قرآنی و روایی، ۲- حکمت (منطق، فلسفه، کلام و عرفان)، ۳- فقه و اصول، ۴- ادبیات فارسی، ۵- ادبیات عرب، ۶- تاریخ و جغرافیا، ۷- اخلاق، ۸- علوم و فنون منتشر شده است. از جمله ویژگیهای گنجینه بهارستان این است که از لحاظ کمی درصدد احیای دستنوشته هایی است که پس از تصحیح حداکثر در حدود صد صفحه باشند. اگرچه هدف اصلی در این مجموعه موضوعی احیاء و نشر نسخ خطی چاپ نشده کتابخانه مجلس شورای اسلامی است، اما از این رهگذر آثاری که پیش از این چاپ شده یا متن منقحی ندارد، یا زمان زیادی از چاپ آنها می گذرد و یا در خارج از کشور به طبع رسیده و هم اکنون در اختیار محققان قرار ندارد، مجدداً به زیور طبع آراسته می گردند.

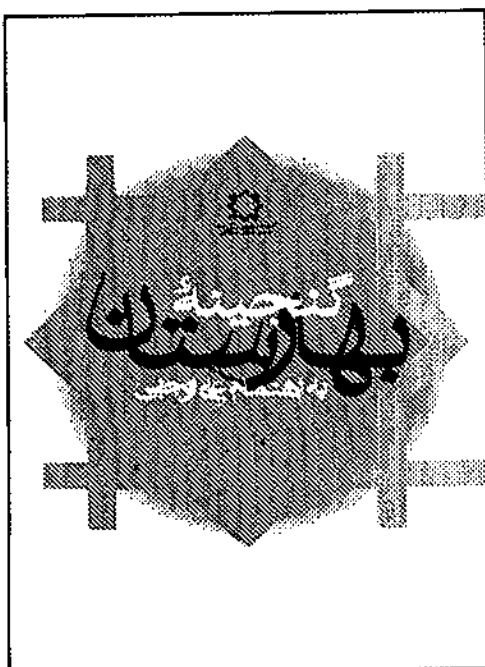
البته برای کاربردی تر شدن این مجموعه تلاش بر آن است که در کنار انتشار رسائل در محورهای کلی هشتگانه یاد شده، به موضوعات خاص تر نیز پرداخته شود. بعنوان مثال در آینده نزدیک، در محور علوم قرآنی و روایی یک مجلد به «اربعینات» اختصاص خواهد

گنجینه بهارستان (جلد ۱)

به کوشش علی اوجبی

سازمان چاپ و انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹



در سوگ سها

دریغ و افسوس که روزگار پرفسوس در ربودن ستارگان درخشان از پهنه هنر و ادب، دستی چست و عزمی جزم دارد و هر روز از این گستره آبی، ستاره‌ای را فرو می‌کشد و امیدی را با خود می‌برد و تا ستاره‌ای دیگر نور بتاباند، زمان زیادی می‌طلبد.

سألها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
این بار عذار روزگار بی‌مزلت، استادی بامعرفت و ادیبی نجیب و فرزانه لبیب را با خود برد، او که چونان تخلصش (شها)، گوشه گیر و فروتن بود، سألها غم غربت را به عشق آموختن، دانش و بینش به جان خرید و راهی تهران هزار رنگ شد و تا پایان همانجا ماند.

آری سخن از دکتر سیدضیاءالدین دهشیری است که در جوانی سری پرشور، اندیشه‌ای پویا و احساسی زایا داشت، چندی در نشریات دیار یزد، قلمی زد و طبعی آزمود و شعری سرود و گاه «آب در خوابگاه مورچگان» ریخت و چون محیط یزد را برای خود کوچک دید، نخست به شهر نقش جهان رهسپار شد و آن‌گاه به پای تخت دانش و کتاب راهی شد، پله‌های ترقی را گام به گام پیمود تا دکترای ادبیات فرانسه را گرفت. هر از گاهی شعری می‌سرود، اما عمده کارش به غیر از چند تألیف، ترجمه بود، به آثار بزرگان زبان و ادبیات فرانسه دبستگی فراوان داشت، گهگاه به برگردان اشعار هوگو، بودلر، دوموسه، دیدرو و... عطش سیری‌ناپذیر خود را جره‌ای می‌نوشتند، اما بیشتر دبسته عارف حق جو، و یار بردار رفته حسین بن منصور حلاج بود، چندین اثر حلاج‌شناس نامی، لویی ماسینیون را ترجمه و منتشر نمود.

بسیار امیدوار بود که بتواند ترجمه فرانسوی قرآن پاک را به پایان برد، اما فجای روزگار بر وفای او چیره شد و نتوانست شاهد وصال را در آغوش کشد، «وای بسا آرزو که بر خاک شده».

از میان سی و چند اثری که ترجمه کرده بود، بیش از همه به آثار ماسینیون عشق می‌ورزید، چندین کتاب ترجمه شده اما چاپ نشده داشت.

سال‌ها بود در تهران شلوغ، در خلوت تنهایی خود می‌زیست، و در سال‌های پایانی عمر با ساعاتی تدریس در دانشگاه‌های تهران، همچون سالیان دراز عمرپریارش که به تدریس فرانسه مشغول بود، خود را همچنان در محیط علمی دانشگاه خرسند می‌نمود.

افسوس که چه بی‌خبر از آشیان پرکشیده از آن‌گاه که جوانی نادان، با مرکوبش وی را مجروح کرد تا هنگامی که در دی ۱۳۷۹ راهی دیار جاوید شد، کمتر کسی آگاه بود، شاید این هم از خواسته‌های او بود که هیچ‌گاه در پی زحمت دوستان خود نبود.

شاید این بیت سنایی غزنوی پایانی نیکو باشد بر این کوله گفتار:

آن‌گاه قدر او بشناسد با یقین

کاید شب و پدید شود بر فلک سها

روانش شاد و یادش گرمی باد.

حسین مسرت

رساله در باب الهیات است که برای عرفا، اصحاب تحقیق و واقفان معنی تألیف شده است. این رساله را بهروز ایمانی تصحیح کرده است.

۴- حسن و دل نگاشته ادیب فرهیخته سده نهم هجری، یحیی سبیک نیشابوری، یکی از متون ادبی فارسی بسیار ارزشمندی است که به زبان رمزی و نمادین و در قالب داستانی جذاب و شیرین تألیف شده است و تصحیح آن توسط سیدمهدی چهرمی صورت گرفته است.

۵- حسن و عشق از آثار ارزشمند ادیب شهیر سده دهم هجری محمدبن سلیمان فضولی است. در این رساله با نثری مسجع و جذاب، داستان سیر روح از عالم جبروت به ناسوت و سفرش به دیار بدن و شهر دل، و ارتباطش با عقل و عشق و... بیان شده که تصحیح آن توسط علی دژاکام به انجام رسیده است.

در اینجا تنها معرفی کتاب گنجینه بهارستان مقصود بوده است و نه بررسی تخصصی آن، اما ذکر این نکته لازم می‌نماید که بعضاً مصححین محترم در مقدمه، شرحی از زندگینامه مولفین نسخ ارائه داده‌اند که این شرح اگرچه در مورد مولفین ناشناخته جهت آشنایی هرچه بیشتر محققان با آنان و آثارشان بسیار مناسب است اما در برخی موارد، اینگونه شروح مفصل ضروری نمی‌نماید، چه اینکه در کتب مربوطه در این باره به تفصیل مطلب پرداخته شده است. به هر حال گنجینه بهارستان تلاشی بسیار ارزشمند در راه احیای نسخ خطی کم‌حجم است، چرا که اینگونه دستنوشته‌ها معمولاً حاوی تبیین دیدگاه‌های صاحبان آن در مورد موضوعی خاص و مهم و پاسخ به شبهات اساسی و حل برخی مسائل بنیادی و یا ترسیم سیمای کلی یک دانش است.

اندیشه کلامی ملاصدرا است و یا چنان که از متن رساله برمی‌آید حاوی اندیشه‌های وی با همان ویژگی‌های خاص «حکمت متعالیه» است؟

۲- رساله اعتقادی که از نوشته‌های موجز کلامی خواجه نصیرالدین طوسی در باب اقل مرتبه اعتقاد است و تصحیح آن توسط فاطمه فنا به انجام رسیده است.

۳- خلق الاعمال که یکی از مهم‌ترین آثار درباره مسأله جبر و اختیار است و به خامه فیلسوف شهیر عهد صفوی، میرداماد نگارش یافته است.

۴- پرسش و پاسخهای حکمی، این رساله فارسی مجموعه‌ای فراهم آمده از ۳۵ پرسش گوناگون فلسفی - کلامی و پاسخهای حکیم الهی ملاعلی نوری است که توسط حامد ناجی اصفهانی تصحیح شده است.

۵- معاد رساله‌ای است فارسی درباره معاد جسمانی و روحانی که از سوی مؤلفی ناشناخته تألیف شده است و سیدمحمد یوسفی، متن این اثر را بر اساس نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تصحیح کرده است.

و بالاخره در بخش عرفان نیز ۵ رساله عرضه شده است:

۱- نصایح که پندنامه عارف بزرگ قرن ششم، شیخ نجم‌الدین کبری است.

۲- حقیقه الحقائق یکی از آثار عرفانی گرانسنگ محیی‌الدین بن عربی است که درباره مباحثی چون گونه‌های معرفت اسماء و صفات حق تعالی، انسان کامل و رابطه واجب و ممکن، نگاشته شده و تصحیح آن را دکتر نجفقلی حبیبی به انجام رسانده است.

۳- لطائف التوحید نگاشته سعدالدین حموی از مشاهیر عرفانی سده هفتم هجری است. موضوع این

شهنار شایانفر

گنجینه بهارستان

پایگاه حافظ:

برای آشنایی با زندگی و اشعار خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، به سایت زیر وارد شوید:

<http://www.hafizonlove.com>

مطالبی را که در این نوشتار مطالعه می کنید، در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۰۰ (۷۹/۹/۸) از این سایت استخراج شده است.

در صفحه اصلی این سایت، پیوندهایی را مشاهده می کنید.

۱- پیوند Rubaiyat of hafiz، ما را به ۴۲ رباعی از رباعیات حافظ که به وی منسوب است، به همراه ترجمه انگلیسی آن، متصل می کند. اولین رباعی چنین است: جز نقش تو در نظر نیامد ما را

جز کوی تو رهگذر نیامد ما را
خواب ارچه خوش آمد همه را در عهدت

حقا که به چشم در نیامد ما را

The only vision I have is your sight

The only thing I follow is your light

Everyone finds his repose in sleep

Sleep from my eyes has taken flight

ترجمه این رباعیات از شهریار شهریار است.

۲- پیوند Picture Gallery، حاوی تعدادی نقاشی مینیاتوری در زمینه حافظ است.

۳- پیوند Biography of hafiz، زندگی نامه حافظ را به زبان انگلیسی شرح می دهد.

۴- پیوند hafiz link ما را با صفحه ای با عنوان Links مرتبط می کند. این صفحه برای راحتی حال بازدیدکنندگان از این سایت، طراحی شده است. پس از کلیک روی پیوند مزبور، به صفحه ای وارد می شوید که

در سمت چپ و در ذیل عنوان Choose a subject فهرستی از موارد مختلف همچون حافظ در زبان فارسی و انگلیسی، حافظ در فارسی، زندگی نامه و دیگر موارد، وجود دارد. با انتخاب هر یک از این موارد، در پنجره مقابل و در ذیل عنوان Choose a site، سایت های در ارتباط با موارد انتخابی را مشاهده می کنید. با کلیک بر روی هر یک از آنها، می توان به آن سایت وارد شد.

۵- پیوند Guest Book از کسانی که در این سایت، سیر و سفر کرده اند، می خواهد که دیدگاهشان را در این مورد، بنویسند. پس از مدتی، نظرات این افراد، در این صفحه ذخیره می شود و دیگران می توانند از آن مطلع شوند.

۶- پیوند shahriar مربوط به شهریار شهریار، مترجم اشعار حافظ به انگلیسی، در این سایت است. وی ذکر می کند که یک روز در معبد زرتشتی ها در لوس آنجلس، در مقابل محراب آتش، ناگهان نگاهش به درختان سرو بلند بیرون معبد افتاد و بی اختیار خاطره حافظیه شیراز در او زنده گشت. این صحنه به او الهام داد که در پی ترجمه اشعار حافظ به انگلیسی بیافتد و بالاخره هم با خدا و حافظ عهد بست که این کار را انجام دهد.

۷- پیوند Search چگونگی جستجو را در این سایت بیان می کند.

۸- پیوند What's New، جدیدترین برنامه هایی را که در این سایت وارد شده، نشان می دهد. چنانچه غزل جدیدی به انگلیسی ترجمه شود و یا اثر هنری جدیدی در این زمینه خلق گردد، با ذکر تاریخ، در فهرست این صفحه ذکر می گردد. پس از ورود به این صفحه، روی پیوند Ghazal 415 که در تاریخ ۲۲ ژوئن سال ۲۰۰۰ در این سایت وارد شده، کلیک کنید. در این صفحه با متن و ترجمه انگلیسی غزلی روبرو می شوید که اولین بیت آن چنین است:

ای پیک راستان خبر یار ما بگو

احوال گل به بلبل دستان سرا بگو

۹- پیوند TOC، مخفف Table of Contents

فهرست نسبتاً کاملی از کلیه مطالب سایت حافظ است. این فهرست شامل غزلیات حافظ، رباعیات حافظ، گالری تصاویر، زندگی نامه و فال حافظ است.

۱۰- پیوند FAQ، مخفف Frequently Asked

Questions یا پاسخ پرسش های تکراری است. در این صفحه در پنجره سمت چپ و در ذیل عنوان Click on the question blow، یکی از موارد را انتخاب کنید. این فهرست، در واقع سوالات تکراری است که ممکن است برای هر کس در زمینه حافظ مطرح شود. در پنجره سمت راست، پاسخ سؤال انتخاب شده را مشاهده می کنید.

۱۱- پیوند Rumi، ما را به سایت

<http://www.rumionfire.com>

(که قبلاً بدان اشاره شده) متصل می کند.

۱۲- پیوند Omar Khayyam ما را با اشعار و زندگی

عمر خیام آشنا می کند. در مورد این سایت بطور مستقل، مطالبی را ذکر خواهیم کرد.

۱۳- پیوند Zarathushtra، ما را با دین زرتشت

آشنا می کند.

۱۴- پیوند Fal - e Hafiz، ما را به صفحه فال

حافظ مربوط می کند. در این صفحه برای تفال به دیوان

حافظ، روی دکمه Fal - e Hafiz (ذیل جمله:

Click on the button blow to have your fal) را

کلیک کنید.

دانشگاه هاروارد:

دانشگاه هاروارد آمریکا (Harvard university) به

عنوان یک دانشگاه جامع، دارای مراکز مطالعاتی

وسعی در زمینه علوم پایه، فنی، علوم انسانی و هنر

است. ابتدا به سایت این دانشگاه وارد شوید:

<http://www.harvard.edu>

در صفحه اصلی این دانشگاه، روی پیوند Academics کلیک کنید. اینک به صفحه‌ای وارد می‌شوید که حاوی فهرستی از مراکز و دانشکده‌های این دانشگاه است. روی پیوند Faculty of Arts and sciences کلیک کنید تا به صفحه دانشکده علوم و هنرها وارد شوید. اکنون روی پیوند Departments کلیک کنید تا با گروه‌های آموزشی و بخشهای مختلف در این دانشکده آشنا شوید. عنوان این صفحه Divisions, Departments and Committees with Curricular Responsibilities نام دارد. در این صفحه روی پیوند List of all کلیک کنید. در فهرست مقابل خود پیوندهای متعددی را به ترتیب حروف الفبا مشاهده می‌کنید. دو پیوند برای ما مهم‌تر است:

الف) Middle Eastern studies

ب) Near Eastern Languages and Civilizations
الف) پیوند Middle Eastern studies ما را با برنامه‌هایی در زمینه مطالعات خاورمیانه آشنا می‌کند. چنانچه در این صفحه، در ذیل عنوان Center for middle Eastern studies روی پیوندی با همین نام کلیک کنید، به مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد (CMES) وارد می‌شوید. این مرکز در سال ۱۹۵۴ برای حمایت از تحقیقات و آموزش در زبانها، ادبیات، تاریخ، حکومت، اقتصاد و فرهنگ کشورهای شمال آفریقا، خاورمیانه، مرکز و جنوب آسیا تأسیس شد.

در صفحه مرکز مطالعات خاورمیانه، روی پیوند General ME Info کلیک کنید. (این صفحه بصورت up to date است، بنابراین ممکن است پس از مدتی تغییر کند.) اینک با فهرستی از موضوعات مختلف از اطلاعات عمومی در خاورمیانه آشنا می‌شوید. در سمت راست این صفحه نیز فهرستی از کشورهای مختلف منطقه مورد نظر را مشاهده می‌کنید. روی نام IRAN کلیک کنید. اینک به بخش «ایران در مرکز مطالعات

خاورمیانه دانشگاه هاروارد» وارد شده‌اید. در این بخش با عناوینی همچون تاریخ، هنر، ادبیات، فرهنگ و آموزش، سیاست و حکومت، آموزش و علوم، تجارت و اقتصاد، روزنامه و رادیو روبرو هستیم.

۱- چنانچه در ذیل عنوان Literature، روی پیوند Iranian Poetry کلیک کنید به صفحه «شعر ایرانی» متصل می‌شوید. در این صفحه پیوندهایی به شاعران ایرانی وجود دارد.

۲- پیوند Epic of Shahnameh Ferdowsi in English ما را با ترجمه انگلیسی اشعار فردوسی مرتبط می‌کند.

۳- در ذیل عنوان Culture & sports پیوند Hafez، ما را به صفحه فال حافظ مرتبط می‌کند. اکنون با چند بار کلیک روی دکمه Back در بالای صفحه نمایش، (یا زدن کلید Back space) به صفحه مرکز مطالعات خاورمیانه بازگردید. مجدداً روی پیوند General ME Info کلیک کنید. با این صفحه آشنا هستید:

۱- در ذیل عنوان General Information Resources، روی پیوند Center For middle Eastern Studies and Islamic Studies، کلیک کنید تا به «مرکز مطالعات اسلامی و خاورمیانه‌ای دانشگاه تگزاس» متصل شوید. در این صفحه، چنانچه در فهرست سمت چپ روی عنوان Iran کلیک کنید به بخش ایران وارد می‌شوید. آنگاه در این صفحه در ذیل عنوان Art and Culture، پیوند the persian Art of visual poetry ما را با نقاشی مینیاتوری در هنر و ادبیات ایران آشنا می‌کند. همچنین پیوند Persian English. Com ما را به سایت Persian English متصل می‌کند. در مورد این سایت بعداً بیشتر توضیح خواهیم داد.

۲- پیوند Library of Congress Country studies، ما را به «کتابخانه مطالعات کنگره کشوری» که در بخش دانشگاه اوهایو بدان اشاره شد، متصل می‌کند.

۳- در ذیل عنوان Student organizations، پیوند Persian Society ما را به انجمن ایرانیان دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا متصل می‌کند. در مورد این سایت بعداً توضیح می‌دهیم.

۴- در ذیل عنوان Sufism، پیوندهای جالبی برای آشنایی با افکار، ادبیات و شبکه‌های صوفیه وجود دارد. از جمله می‌توانید با نقشبندی (Naqshbandis) و صوفیه در ایران آشنا شوید.

۵- در ذیل عنوان Zoroastrianism، پیوندهای مهمی برای آشنایی با زرتشت و اوستا وجود دارد. پیوند Avesta، ما را به سایت <http://www.avesta.org> متصل می‌کند.

پیوند About Zoroastrianism ما را به صفحه آشنایی با دین زرتشت متصل می‌کند. پیوند Stanford university zoroastrian Group ما را به سایت گروه زرتشتیان دانشگاه استنفورد متصل می‌کند.

۶- در ذیل عنوان Literature، پیوند Persian Poetry ما را با ترجمه انگلیسی اشعار بعضی از شاعران ایرانی مانند فردوسی، خیام، مولوی، شاملو، سعدی و سهراب سپهری آشنا می‌کند.

۷- در ذیل عنوان Middle Eastern Related organizations، پیوند Society for Iranian studies ما را به سایت انجمن مطالعات ایرانی دانشگاه نیویورک متصل می‌کند.

ب) پیوند Near Eastern Languages and Civilizations

این پیوند ما را به گروه زبان و تمدن‌های خاور نزدیک دانشگاه هاروارد متصل می‌کند. چنانچه در این صفحه روی پیوند Iranian and Persian studies کلیک کنید به بخش مطالعات ایرانی گروه زبان و تمدن‌های خاور نزدیک دانشگاه هاروارد متصل می‌شوید.



پست الکترونیکی (E-Mail) به زبان فارسی:

عمر پیدایش پست الکترونیکی (E-Mail) کمتر از اینترنت است. رای تاملسون (Ray Tomlinson) در سال ۱۹۷۱ در آمریکا پست الکترونیکی را ابداع کرد. در این شیوه، می توان نامه های تایپ شده را از طریق اینترنت به کامپیوتر دیگری در هر نقطه از جهان ارسال کرد. این متن بایستی به حروف لاتین تایپ شود. بنابراین در ابتدا ارسال Email برای افراد غیرانگلیسی زبان، با متون خاص خود، مشکل بنظر می رسید.

البته چنانچه در برنامه Paint که یکی از برنامه های سیستم عامل windows است، فایل متنی را با حروف فارسی تایپ کرده و با فرمت GIF (فایل تصویری) ذخیره نمایید، در آن صورت، با پیوست این فایل تصویری به نامه در برنامه Email (Attachment)، می توانید نامه فارسی را ارسال کنید. این روش ساده، اما غیرجذاب است. به همین خاطر، در چند سال اخیر افرادی از متخصصان ایرانی (داخلی و خارجی) اقدام به طراحی و راه اندازی سایت پست الکترونیکی فارسی نموده اند. گرچه احتمال برداشت سیاسی از این عمل، وجود دارد، در عین حال، این افراد با این عمل خود، گام مؤثری را در احیاء زبان فارسی در امور ارتباطی برداشته اند. اینک تعدادی از این سایت ها را معرفی می کنیم:

۱- سایت رئیس جمهور خاتمی:

جناب آقای خاتمی در راستای ایجاد ارتباط نزدیک و شفاف، اقدام به تأسیس یک سایت ارسال و دریافت پست الکترونیکی فارسی نموده اند. برای استفاده از این پایگاه به سایت زیر وارد شوید:

<http://www.President.ir/email>

در حاشیه سمت راست این سایت، ضمن آشنایی با رئیس جمهور، با بعضی از آثار علمی ایشان آشنا می شوید. در بخش اصلی این صفحه، می توانید با ارسال نامه فارسی با رئیس جمهور مکاتبه کنید.

در کادر مقابل «به:» (To) آدرس پست الکترونیکی رئیس جمهور، بطور خودکار وارد شده است. (Khatami@President.ir). در کادر مقابل «موضوع:» (Subj) موضوع یا عنوان کلی نامه را تایپ کنید. در کادر مقابل «رونوشت:» (CC) آدرس Email کسی را تایپ کنید که لازم است رونوشتی از این نامه بدست او برسد. (وارد کردن اطلاعات در این بخش الزامی نیست). در کادر مقابل BCC، آدرس پست الکترونیکی فردی را وارد کنید که می خواهید یک نسخه از این نامه، بصورت محرمانه برای او ارسال شود (گیرنده اصلی نامه از این امر آگاه نخواهد شد).

در کادر مقابل «From» آدرس پست الکترونیکی فرستنده وارد می شود. سپس با ماوس روی بخش سفید (بالای تصویر صفحه کلیک) کلیک کنید. مکان نما، موقعیت شما را برای تایپ نامه نشان می دهد. پس از تایپ نامه به فارسی، روی دکمه Send کلیک کنید تا نامه شما ارسال شود. پس از چند ثانیه پیامی مبنی بر ارسال موفقیت آمیز نامه را دریافت خواهید کرد.

چنانچه قصد دارید تصویر یک سند یا عکس را هم ضمیمه نامه خود کنید، ابتدا لازم است که سند مربوطه را با فرمت GIF در کامپیوتر خود ذخیره نمایید. آنگاه پس از تایپ نامه در این سایت روی دکمه Browse کلیک و فایل حاوی سند مربوطه را از کامپیوتر خود به این نامه پیوست (Attachment) کنید. سپس دکمه Send را برای ارسال کلیک کنید.

۲- پایگاه Parsimail:

این پایگاه از جمله سایت هایی است که امکانات مفیدی را برای ارسال و دریافت Email فارسی فراهم کرده است. آدرس این پایگاه چنین است:

<http://Parsimail.Com>

به صفحه اصلی این پایگاه توجه کنید. چنانچه تاکنون از این سایت استفاده نکرده اید و قصد دارید یک صندوق پستی اختصاصی داشته باشید، روی پیوند

«مشترک شوید» در سمت چپ صفحه، کلیک کنید. پس از ارائه پاسخ صحیح، طی مراحل مختلف، شما صاحب یک صندوق پستی الکترونیکی در این سایت می شوید. چنانچه قصد دارید که از این سایت فقط برای ارسال یک Email به زبان فارسی، استفاده کنید، نیازی به طی کردن مراحل فوق الذکر نیست. کافی است در کادر مقابل from آدرس Email خود، و در کادر مقابل To، آدرس Email گیرنده، در کادر Subject موضوع کلی نامه را وارد کنید.

کادر cc مربوط به رونوشت و bcc، رونوشت محرمانه است. سپس در بخش سفید خالی میانی صفحه، نامه خود را تایپ کرده و پس از پایان تایپ نامه، روی دکمه send کلیک کنید.

۳- پایگاه پیغام:

برای ورود به این شبکه، به سایت زیر وارد شوید: <http://www.paygham.net> صفحه اصلی این سایت نیز شبیه اکثر صفحات پست الکترونیکی است.

۴- پایگاه ندا رایانه:

برای استفاده از امکانات پست الکترونیکی فارسی این پایگاه، به سایت زیر وارد شوید:

<http://www.neda.net/mail>

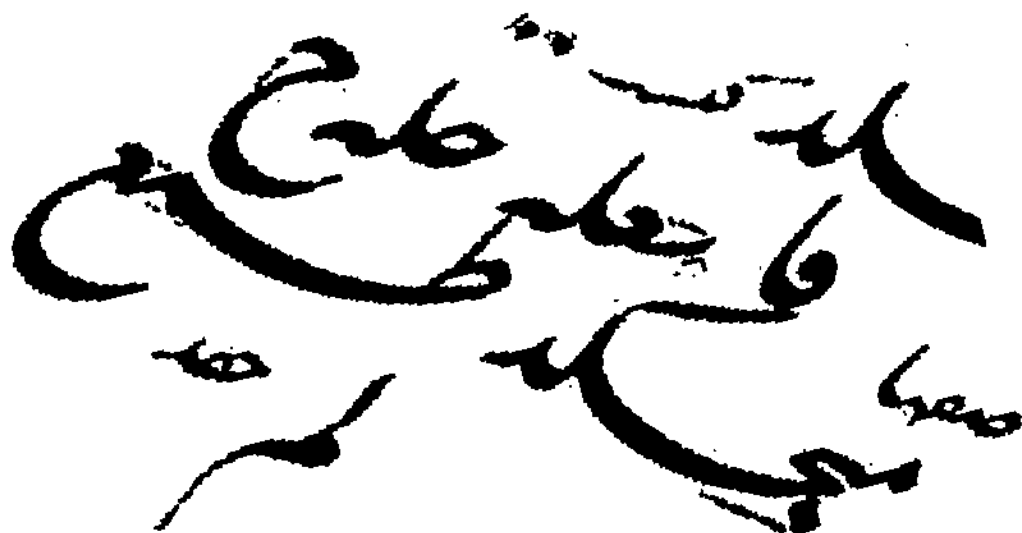
در این پایگاه هم، همانند بقیه سایت های مشابه می توانید نامه فارسی را ارسال کنید.

۵- پایگاه نوآور:

ابتدا به سایت زیر وارد شوید:

<http://www.Noavar.Com>

کاربران، برای استفاده از این پایگاه، باید ابتدا در آن ثبت نام کنند. در صفحه اصلی این سایت، روی پیوند «ثبت نام» کلیک کنید. پس از پاسخ به سوالات متعدد (نام کاربر، کلمه عبور و مشخصات فردی) صاحب یک نام کاربری برای Email و کلمه عبور می شوید. سپس هر زمان که به این سایت وارد شدید، با وارد کردن نام کاربر



و کلمه عبور به صندوق پستی خود وارد می شوید. چنانچه بخواهید برای کسی، نامه‌ای را به زبان فارسی ارسال کنید، در فهرست سمت راست، روی پیوند «تهیه» کلیک کنید تا آماده تایپ و ارسال شوید. و چنانچه بخواهید به داخل صندوق خود سری بزنید، روی پیوند «دریافته» کلیک کنید.

۶- پایگاه Parsmail :

آدرس این سایت چنین است.

<http://www.parsmail.Com/Gmail-temp/CGI-BIN/Greeting1.asp>

روش کار این سایت هم شبیه بقیه موارد است. پس از تایپ نامه، روی دکمه Send Email کلیک کنید.

۷- پایگاه پستچی:

برای استفاده از این پایگاه به سایت زیر وارد شوید:

<http://www.Postchi-Com>

چنانچه در سمت چپ صفحه اصلی این سایت، روی پیوند «پست الکترونیکی فارسی Postchi Email» کلیک کنید، به صفحه‌ای وارد می‌شوید که در آن می‌توانید از امکانات ارسال پست الکترونیکی فارسی استفاده کنید.

پایگاه Iran Books :

به سایت زیر وارد شوید:

<http://www.IranBooks.Com>

این پایگاه برای آگاهی از کتب فارسی و انگلیسی که از سال ۱۹۷۹ درباره ایران، منتشر شده و در بانک اطلاعاتی این سایت قرار گرفته، است. مطالب این بخش در تاریخ ۷۹/۹/۲۸ (دسامبر سال ۲۰۰۰) از این سایت استخراج شده است.

در صفحه اصلی این سایت، با پیوندهای ذیل روبرو هستید:

۱- پیوند Check out our Publications برای

آشنایی با عناوین کتب منتشره در زمینه ایران است. در این صفحه ابتدا عناوین کتابهای به زبان انگلیسی زیر چاپ را مشاهده می‌کنید. سپس عناوین کتب به زبان فارسی زیر چاپ را می‌بینید. آنگاه فهرست کتابهایی را که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد، می‌بینید. چنانچه روی نام هر یک از کتابهایی که بصورت پیوند (Link) است، کلیک کنید، با جزئیات بیشتری در مورد آن کتاب آشنا خواهید شد. به عنوان مثال در ذیل عنوان English Language Titles In Print اسامی کتب ذیل را که در زیر چاپ هستند، می‌توانید بیابید:

هزار سال رباعیات فارسی تألیف رضا صابری

ترجمه دیوان حافظ به انگلیسی تألیف

H. Wilber Force Clarke

هزار سال ادبیات ایران تألیف

Wheeler M. Thackston

Gertude Bell

اشعار حافظ از

همچنین در ذیل عنوان

Persian Language Titles In Print

اسامی کتب ذیل، زیر چاپ هستند:

فارسی پیاموز: کتاب اول تألیف لیلا ایمان

ششصد داستان ملانصرالدین، گردآوری توسط

محمد رضانی

دیوان ایرج میرزا

در ذیل عنوان Forthcoming Titles، کتب ذیل،

بزودی منتشر خواهند شد:

منتخبی از اشعار دیوان شمس تبریزی، مترجم

R. A. Nicholson

چگونه نوشتن و صحبت کردن فارسی، مؤلف

هوشنگ آموزگار

رباعیات عمر خیام، به دوزبان فارسی و انگلیسی،

ترجمه انگلیسی از Edward Fitz Gerald

۲- پیوند About Iran Books، در صفحه اصلی این سایت، ما را با پایگاه Iran books آشنا می‌کند.

۳- پیوند View our persian and english catalogs مربوط به معرفی کتابهای موجود در بانک اطلاعاتی

این سایت است. هر فردی می‌تواند سفارش خرید کتاب بدهد. برای مشاهده فهرست مفصل کتب، روی پیوند Click here کلیک کنید.

۴- پیوند Elementary School Readers & Bilingual Children's Books ما را با کتب مدارس ابتدایی ویژه

کودکان که به دو زبان انگلیسی و فارسی است، آشنا می‌کند.

۵- پیوند Dictionary به معرفی لغت‌نامه‌های

انگلیسی به فارسی و یا فارسی به انگلیسی می‌پردازد.

۶- پیوند Persian Name Books مربوط به معرفی

کتابهایی در زمینه نام‌های ایرانی است.

۷- پیوند English language Books on sale فهرست کتب انگلیسی قابل فروش است.

۸- پیوند Persian language Books on sale فهرست کتب فارسی قابل فروش است.

۹- IBEX publishers home page ما را به

انتشارات پازن که وابسته به کتابفروشی ایران (سایت

Iran Books) است، مرتبط می‌کند. این انتشارات، کار

تنظیم، نشر و چاپ کتاب‌های مربوط به ایران را به عهده

دارد. آدرس اینترنتی این سایت چنین است:

<http://www.ibexpub.com>

در صفحه اصلی این سایت:

پیوند Check out our titles ما را با فهرست

عناوین و مؤلفان کتاب‌های انگلیسی و فارسی مربوط به

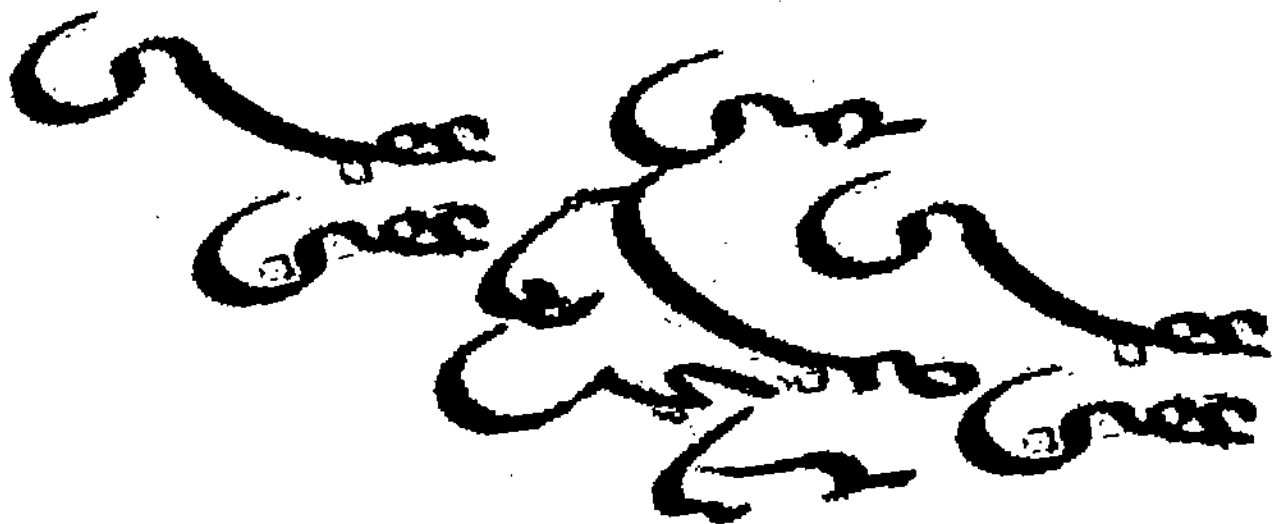
ایران آشنا می‌کند.

پیوند order from from IBEX publishers، ما را

با شناسنامه سایت [Ibexpub.Com](http://www.Ibexpub.Com) آشنا می‌کند.

پیوند Iran Books home Page، ما را به صفحه

اصلی سایت Iran Books برمی‌گرداند.



● گزارش

گزارش پنجمین کنفرانس زبان شناسی

پنجمین کنفرانس زبان شناسی ایران به همت گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی در روزهای ۲۱ الی ۲۳ اسفند ماه ۱۳۷۹ در محل این دانشکده برگزار شد. این کنفرانس از سال ۱۳۶۹، هر دو سال یکبار در این دانشگاه برگزار شده است و هر سال به لحاظ تعداد مقالات و تنوع موضوعات از رشد کمی و کیفی بیشتری برخوردار بوده است به طوری که امسال در مقایسه با سال ۱۳۶۹ که تعداد مقالات ارائه شده، شانزده عنوان بود این تعداد به یکصد و ده مقاله رسید که از میان آنها نود و دو مقاله به زبان فارسی و هفده مقاله به زبان انگلیسی ارائه شد.

پنجمین کنفرانس زبان شناسی در ساعت ۹ صبح روز بیست و یکم اسفند ماه پس از تلاوت قرآن مجید با

سخنرانی دکتر تمیم داری معاون آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر دبیرمقدم، دبیر کنفرانس، رسماً کار خود را آغاز کرد و به مدت سه روز در نوبت صبح و بعدازظهر برگزار شد. ترتیب کنفرانس بدین صورت بود که در نوبت های صبح، همه سخنرانی ها در سالن شهید عضدی دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی ایراد گردیدند در حالی که در نوبت بعدازظهر، مقالات به طور همزمان ارائه می شدند و این امکان برای حاضران بود که از سخنرانی های مورد علاقه خود، استفاده کنند. در نوبت صبح اولین روز کنفرانس، دکتر لطف الله یارمحمدی و دکتر زهره زرناس به ترتیب درباره «تناسب کاربرد روش های کمی و کیفی در تحلیل گفتمان ها» و «سغدی زبان میانگان برای انتقال قصه های کهن» به ایراد مقالات خود پرداختند. پس از وقفه ای کوتاه، سیدمحمدضیاءحسینی، رئیس جلسه درباره «رمزگردانی: جانشین سبک گردانی در دو زبانی» و دکتر مهدی مشکوةالدینی درباره «ضمیم پنهان در زبان فارسی و برخی نتایج نظری آن» در حضور دکتر سیدعلی میرعمادی به عنوان رئیس جلسه به ایراد سخنرانی پرداختند. در بعدازظهر همان روز نیز، سی و پنج مقاله به طور همزمان ارائه شد و مدت هر سخنرانی سی دقیقه بود. ضمناً، برنامه سخنرانی ها و

مجموعه چکیده مقالات برای اطلاع از نحوه برگزاری کنفرانس، در اختیار کلیه شرکت کنندگان قرار داده شده بود.

در صبح روز دوشنبه، دومین روز کنفرانس شش مقاله ارائه گردید که به ترتیب عبارت بودند از: «نشانه نفی در صرف زبان فارسی / دکتر ویدا شقاقی»، «تو خود حدیث مفصل... / دکتر سید علی میرعمادی»، «نظریه تابعی معنی / دکتر ضیاء موحد»، «تأثیر عناصر نوائی در ادراک گفتار / دکتر ساسان سپنتا»، «توصیف ویژگی های زبانی دو کودک عقب مانده ذهنی و منزوی و تحلیل پی آمدهای آن / دکتر محمد دبیرمقدم»، «نگاهی تازه به مجهول در زبان فارسی از دیدگاه رده شناسی / دکتر سیدمحمدتقی طیب»، روسای جلسه نیز به ترتیب دکتر لطف الله یارمحمدی و دکتر ویدا شقاقی بودند. نکته جالب توجه، نواری بود که از صفحه صدای ناصرالدین شاه و نزدیکان وی کپی شده بود و دکتر ساسان سپنتا، آنرا که به مدت چند دقیقه ضبط شده بود به سمع حضار رساند که پاره ای از تفاوت های گفتاری آن دوره با زمان حال را عیان می ساخت. در نوبت بعدازظهر همان روز نیز، سی و پنج مقاله به طور همزمان ارائه شد. در سومین روز و آخرین روز کنفرانس، شش مقاله در نوبت صبح به روال روزهای قبل ارائه شد که سه مقاله اول را



مصطفی عاصی، ارسلان گلفام و محمد حسین کشاورز به ترتیب تحت عنوان «از پیکره زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای»، «رویکردی شناختی در تبیین تصویرگونگی، دستوری شدگی و تغییر معنایی» و «تأثیر گفتمان والدین بر رشد زبانی کودکان دو زبانه» ارائه کردند و ریاست این جلسه را دکتر مهدی مشکوة‌الدینی برعهده داشت. سه مقاله دیگر را دکتر ایران کلباسی، دکتر تقی وحیدیان کامیار، دکتر مهدی نوروزی خیابانی تحت عنوان «نقش شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویش‌های ایرانی»، «مطابقت نکردن فعل با نهاد از نظر شمار و شخص» و «what do we expect to find inside an EFL reading textbook? ایراد کردند و ریاست جلسه برعهده ویدا شقاقی بود. در نوبت بعد از ظهر آن روز نیز، بیست و پنج مقاله به طور همزمان ارائه شد و مورد استفاده شرکت کنندگان قرار گرفت.

شایان ذکر است که در این کنفرانس به لحاظ وجود گرایش‌های مختلف به مسائل و موضوعات میان رشته‌ای، مقالات فراوانی در این زمینه به چشم می‌خورد که شماری از آنها بدین شرح بودند: «ویژگی‌های متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی»، «نگاهی کوتاه به ترجمه از دیدگاه روان‌شناسی زبان، مطالعه فرایندهای ذهنی - زبانی در ترجمه»، «فرهنگ نویسی در ایران، موانع و امکانات»، «فراوانی و فراوانی در زبان»، «نگاهی زیباشناختی به زبان»، «مقایسه مهارت زبانی از دیدگاه روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی کاربردی»، «ادبیات و زبان‌شناسی»، «تعریف نگاری عمومی و تعریف نگاری تخصصی»، «شکل‌گیری زبان اول در ذهن کودک»، «قرآن، جهان و خواننده»، «تبلیغات، زبان و ارتباطات» و...

در مراسم اختتامیه کنفرانس که در بعد از ظهر روز سه‌شنبه بیست و سوم اسفند برگزار شد ابتدا دکتر تمیم‌داری معاون آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، ضمن تقدیر از برگزاری کنفرانس پنج‌جمله و دست‌اندرکاران آن، بر لزوم تحول در آموزش زبان فارسی در داخل و خارج از کشور برپایه مطالعات زبان‌شناسی تأکید ورزیدند، پس از آن دکتر دبیرمقدم، طی سخنانی ضمن اعلام خاتمه پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، خبر از تشکیل انجمن زبان‌شناسی ایران دادند که پس از سال‌ها تلاش و پیگیری، سرانجام با توافق اساتید گرامی، جهت همگرایی و تشریک مساعی بیشتر زبان‌شناسان ایرانی و آگاهی از آخرین تحقیقات صورت گرفته زبان‌شناسی در کشور، شکل

گرفت و امید است که در سال‌های آتی شاهد شکوفایی و فعالیت بیشتر این انجمن باشیم. در ادامه مراسم اختتامیه، دکتر دبیرمقدم با اهدای هدایایی، از زحمات دست‌اندرکاران برگزاری کنفرانس پنج‌جمله، دکتر کوروش صفوی، دکتر کامبیز محمودزاده و دکتر ویدا شقاقی و آقای احمدخانی به نمایندگی از سایر دانشجویان، تقدیر و تشکر به عمل آوردند. سپس دکتر میرعمادی مدیر گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی با سخنانی غز جبهه‌هایی از کنفرانس و دست‌اندرکاران آنرا به نقد کشاندند که موجب انبساط خاطر حاضرین شد. در پایان با دعوت از دکتر تمیم‌داری و دکتر دبیر مقدم به همه سخنرانان به رسم یادبود یک شاخه گل اهدا شد.

از برنامه‌های جنبی کنفرانس، برگزاری یک نمایشگاه کتب تخصصی فارسی زبان‌شناسی بود که مورد توجه شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، با وجود کم و کاستی‌های احتمالی خود مانند کنفرانس‌های پیشین و همه کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی دیگر، فرصتی بود برای گردمایی و هم‌اندیشی اساتید، محققان، دانشجویان و علاقمندان به زبان‌شناسی، تا ضمن ملاقات حضوری با یکدیگر از آخرین تحقیقات و مقالات تهیه شده در سطح دانشگاه‌های کشور مطلع گردند و علاوه بر این، کنفرانس پنج‌جمله محک و تجربه‌ای بود برای محققان و دانشجویان جوان تا حضور خود را در کنفرانس‌های بعدی تداوم بخشند.

در اینجا به عناوین تعدادی از مقالات ارائه شده در پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی اشاره می‌شود:

«نقش برنامه‌های رایانه‌ای هوشمند در کشف واژه‌های بدیع هم‌ریشه غیر هم معنا/ کامبیز بدیع»؛ «نظام آهنگ زبان فارسی / محمود بی‌جن خان»؛ «نگاهی التقاطی به مقوله کدگردانی از دو زاویه تحلیل کلام و جامعه‌شناسی زبان / میترا جبرئیلی»؛ «دستور نقش گرای هلیدی و مفهوم «نشانداری» در ساخت متنی زبان: طرح یک مشکل در زبان فارسی / علیرضا خان‌جان»؛ «ارتباط بین ساختهای گفتگویی و ساختهای ایدئولوژیکی در سرمقاله‌ها و تحلیل‌های گزیده‌ای از روزنامه ایران / مجید خسروی نیک، لطف‌الله یارمحمدی»؛ «ریشه‌یابی چند شهر/ محمودرضا دستغیب بهشتی»؛ «جملات پرسشی در زبان فارسی / محمد راسخ مهند»؛ «رویکرد فرآیند - محور در آموزش نگارش فارسی / عبدالمهدی ریاضی»؛

«ادبیات و زبان‌شناسی / حمید سرهنگیان»؛ «مدخل‌های فرعی در فرهنگ‌های یک زبانه فارسی / ساغر شریفی، علی کافی»؛ «رمزگردانی: جانشین سبک گردانی در دوزبانگی»؛ «استعاره و مجاز در نامهای تجاری / محمد عموزاده»؛ «خنثی شدگی تقابل‌های معنایی در زبان فارسی / مهید غفاری»؛ «آموزش چند فرهنگی و چند زبانی: چارچوبی مفهومی و عملی / حسین فرشته»؛ «فراگیری بیان نگرش‌گوینده (Modality) بوسیله فراگیران ایرانی زبان انگلیسی / سعید کتابی»؛ «رویکرد کثرت‌گرایانه به خاستگاه همگانی‌های زبانی / ضیاء تاج‌الدین»؛ «فراارزش و رابطه آن با تنش و معنا در «ندای آغاز» سهراب سپهری / حمید رضا شعیری»؛ «معرفی رساله‌ی توانش زبانی و خاستگاه زبان، نوشته‌ی یوهان گوتلیب فیشته / محمود عبادیان»؛ «تفاوت میان ترجمه مطبوعاتی و ترجمه ادبی / فاطمه عشقی»؛ «تأثیر داستان‌پردازی در آموزش علوم به کودکان / علی قامیان»؛ «آموزش چند فرهنگی و چند زبانی: چارچوبی مفهومی و عملی / حسین فرشته»؛ «تفاوت‌های فردی در فرآیند ساخت ایده کلی متن از دیدگاه نظریه تعاملی - جبرانی استاویچ / بهزاد قنسولی»؛ «تفکیک معانی واحدهای واژگانی در فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه فارسی / منیژه گازرانی»؛ «جایگاه اقمار پیوندی در ساختار جملات فارسی / منیژه یوحناپی»؛ «فرهنگ نگاری در ایران باستان / آرمان بختیاری»؛ «بررسی گروه‌های اسمی بخش نما (partitive noun phrases) در زبان فارسی / آریتا حجت‌الله طالقانی»؛ «بررسی ارتباط بین موفقیت دانشجویان مقطع کارشناسی زبان انگلیسی و آموزشهای دبیرستانی / عباس زارعی تجربه»؛ «نگاهی به لهجه‌ها و گویش‌های غیرمعیار در فیلم‌های ایرانی / زهرا صفوی میرهن»؛ «شکل‌گیری زبان اول در ذهن کودک / بهرام طوسی»؛ «بررسی فرایند تشدید در زبان فارسی / عالیله کرد زعفرانلو کامبوزیا»؛ «صورت معنایی - آوایی: دستور زبانی وحدت‌گرا / احمدرضا لطفی»؛ «مطابقت نکردن فعل با نهاد از نظر شماره شخص / تقی وحیدیان کامیار»؛ "Adjustments in English translations of the Qur'an/S.Manafi Anan"; "pragmatics and language Teaching: Theoretical concerns and practical possibilities/Zohreh Eslami Rasekh"; "Investigating the Role of pronouns in Identifying Discourse Referents: A Contrastive case study of prersian and English/Abbass Eslami Rasekh"...

● اخبار اهل قلم

● درباره خاقانی

برگزیده و شرح اشعار خاقانی کتابی است از مجموعه ادب جوان که از سوی انتشارات فرزانه روز منتشر خواهد شد. جمشید علیزاده در این کتاب ضمن ارائه مقدمه‌ای درباره زندگی خاقانی، لغات و ترکیبات شعر خاقانی را با زبانی ساده و روان شرح داده است.

□

هنگی در آنگیر کتاب دیگری است از جمشید علیزاده که در ده فصل به نقد و تحلیل زندگی و شعر خاقانی پرداخته است. زندگی خاقانی، مدایح خاقانی، مرثیه‌ها و قلندریات خاقانی، غزل عرفان و سبک خصوصی خاقانی، خاقانی و تئوری شعر، منشآت و شعر منثور، خاقانی رمانتیک، خاقانی و فرمالیسم شعری و... عناوین فصلهای کتاب به شمار می‌روند. در فرجام پانزده قصیده مختلف از خاقانی نقد و تحلیل و شرح شده است. این کتاب از سوی نشر مرکز به چاپ خواهد رسید.

● پدرت را کی دیدی؟

راستی، آخرین بار پدرت را کی دیدی؟ نوشته بلیک ماریسن با ترجمه فرزانه طاهری از سوی انتشارات سخن به بازار نشر عرضه خواهد شد. بلیک ماریسن از شاعران و منتقدان معروف معاصر انگلستان است. این کتاب نخستین اثر منثور اوست که در آغاز دهه قبل در انگلستان با اقبال بسیار روبه‌رو شد. مطالب کتاب خاطرات او درباره مرگ پدرش، رابطه او با پدرش و تأملات او را در باب مرگ یک عزیز بازگو می‌کند.

□



کتابشناسی خاقانی کوشش دیگری است از جمشید علیزاده که توسط نشر مرکز به چاپ خواهد رسید. در این کتاب تمام منابعی که از دیوان خاقانی موجود است اعم از نسخ خطی و چاپی، رساله، پایان‌نامه و شروحنی که بر آثار خاقانی نوشته شده، جمع‌آوری شده است.

□

● آثاری از آلن رب‌گریه

«پرویز شهدی» دو رمان و یک فیلمنامه از «آلن رب‌گریه» به ترجمه می‌کند. «پاک‌کن‌ها» یکی از این دو رمان است که به شیوه جریان سیال ذهن و به هم ریختن قواعد و چارچوب‌های داستان نویسی کلاسیک نگارش یافته است. رمان «جن» عنوان کتاب دیگری از همین مترجم است که ماجرای به ظاهر بی سر و ته دارد. شخصیت این رمان مردی است که به دنبال یافتن کار با زنی روبه‌رو می‌شود و داستان در پی آن شکل می‌گیرد. «سال گذشته در مارین باد» عنوان فیلمنامه‌ای است که «شهدی» آن را از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. این فیلمنامه ماجرای زن و مرد جوانی است که در یک قصر باشکوه همدیگر را ملاقات می‌کنند. مرد

□



ضمن گفتگو با زن جوان ادعا می‌کند که او را سال گذشته دیده و با او قرار ملاقات امسال را گذاشته است، اما زن منکر ادعای او می‌شود. این سه کتاب را نشر دشتستان منتشر خواهد ساخت.

● ویلیام شکسپیر

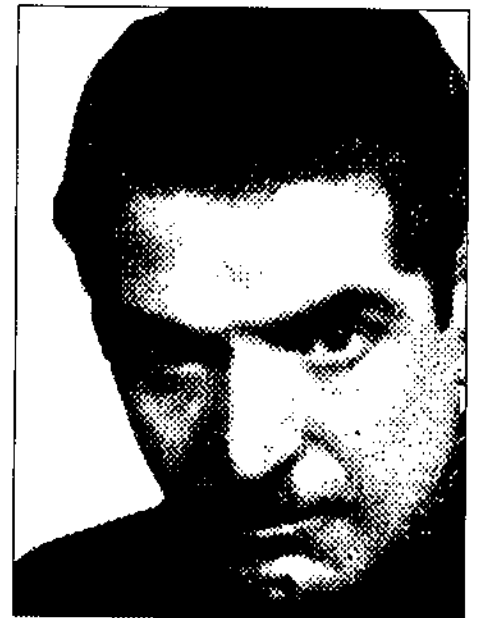
کتاب ویلیام شکسپیر نویسنده باروانشناس نوشته هلن اولیایی‌نیا از سوی نشر فردا راهی بازار کتاب می‌شود. کتاب از دو مقاله تشکیل شده است: بخش اول تحقیقی است به همراه تحلیل چهار تراژدی شکسپیر به نام‌های «هملت»، «اتللو»، «مکبث» و «شاه‌لیر»، یا توجه به این نکته که چگونه شکسپیر به رغم محدودیت علم روانشناسی در زمان او در پرداخت داستان‌ها و شخصیت‌های آنها نگاهی روانشناسانه داشته است، که گاه با نظریه‌های روانشناسی امروز مطابقت دارد.

مقاله دوم با عنوان «نقش مایه کلام در تراژدی‌های شکسپیر» به بررسی مضمون و نقش مایه (موتیف Motif) کلام در تراژدی «هملت»، «اتللو»، «شاه‌لیر» و «مکبث» و تراژدی قیصر می‌پردازد و نیز به نقشی که کلام در شخصیت‌پردازی و افشای مضامین اصلی نمایشنامه‌ها ایفا می‌کند.

□

شیشه‌های الوان

رگبار به شیشه‌های الوان نقد و تحلیلی است از سروده‌های شهریار که به دست جمشید علیزاده و از سوی انتشارات مروارید منتشر خواهد شد.



در آستانه نشر

اسطوره‌ای، دین پرور، محدث، روایتگر، خوشنویس و... هستند، معرفی می‌کند. وی ضمن تحلیلی کوتاه بر آثار زنان فرهیخته ایرانی از «آناهیتا» تا عصر حاضر، به معرفی چستی زندگی و آثار آنان می‌پردازد.

□

مریم مشرف به زودی منتشر می‌شود. گراهام گرین در این کتاب یک بار دیگر جدال خیر و شر را با دیدی عمیق و استعاری در قالب داستانی بسیار جذاب مطرح می‌کند. رقابت گروه‌های مافیایی در شهرک ساحلی برایتون و ماجرای عشقی که به دنبال دارد، داستان را به رنگی تازه در می‌آورد. این رمان را نشر ثالث منتشر خواهد کرد.

نگاهی به زندگی و شعر محمد فضولی تألیف مریم مشرف تحقیقی است علمی و ارزنده در حال و هوای این شاعر عصر صفوی. استاد به مدارک دست‌اول که چاشنی اشعار دیگر شاعران آن دوره در سبک عراقی و هندی است لطف خاصی به کتاب بخشیده است. این کتاب توسط انتشارات روزنه منتشر خواهد شد.

ساحل‌های شناور مجموعه سه دفتر شعر از مریم مشرف است که به زودی به بازار نشر عرضه خواهد شد. شاعر در این کتاب گلچینی از سروده‌های سال‌های ۷۸-۵۸ خود را در قالب‌های کلاسیک و مدرن به چاپ می‌رساند. مطالعه این مجموعه متنوع و جالب را به همه علاقه‌مندان توصیه می‌کنیم. این کتاب را انتشارات روزنه به چاپ خواهد رساند.

رضا چایچی مجموعه بازخوانی‌های شعر از نیما تا شاعران دهه ۷۰ و ۸۰ را در دست چاپ دارد. این شعرها پیش از این در روزنامه‌های زن، صبح امروز و حیات نو به چاپ رسیده بود.

وی همچنین مصاحبه‌هایی را با تنی چند از شاعران انجام داده که در مجموعه‌ای برای چاپ آماده شده است. اسامی برخی شاعران عبارت‌اند از: عمران صلاحی، عنایت سمیعی، شمس لنگرودی، احمد پوری، حافظ موسوی، محمدعلی سپانلو و...

گفتنی است چهارمین مجموعه شعر چایچی به زودی در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

صخره برایتون

رمان صخره برایتون نوشته گراهام گرین با ترجمه



سالنامه گل آقا

سالنامه گل آقا ۱۳۷۹ منتشر شد. در این شماره آمده است: «گزارش سالانه مصور/ مسعود کیمیگر»؛ «از آثار مسابقه بین‌المللی کاریکاتور گفت‌وگوی تمدن‌ها»؛ «داستانی از سختکوشی و تیزهوشی بوعلی سینا/ محمود عمرانی»؛ «لب مطلب لطیفه/ احمد اخوت»؛ «شاعر شهر میس ویل/ ترجمه: پریدخت خطیبی»؛ «نشریات کاریکاتوری در جهان/ محمدرقیع ضیایی»؛ «دایی قطبو/ منوچهر احترامی»؛ «آشنایی با سائلول استاتین برگ/ محمدعلی بنی‌اسدی»؛ «چخوف طنزنویس، قصه‌نویس، نمایشنامه‌نویس/ داریوش مؤدیان»؛ «قصیده سیگاریه/ بهاءالدین خرمشاهی»؛ «بازی، در سایه دیوانگی ابدی/ رویا صدر»؛ «دهخدا در چین/ تن هوی جو» و موضوعات جالب و خواندنی دیگر از جمله «منتخبی از شوخی‌های مشاهیر جهان/ ترجمه: رافی پطروسیان» و «اخبار طنز در سال ۷۹».

کتاب در پنج فصل که هریک شامل بخش‌های متنوعی است تحریر یافته است: زندگی شهریار، شعر فارسی شهریار، شهریار و خلاقیت در زبان مادری، شهریار و زبان و ادبیات عرب و شهریار و تئوری شعر. در فصل پایانی کتاب به شهریار به عنوان یک نظریه پرداز توجه شده و آرای او درباره شعر و شاعران گذشته و امروز بررسی شده است. برگزیده کتابشناسی شهریار و سایه‌روشنی از درخشانترین آثار فارسی او پایان بخش مطالب کتاب است.

□

زنان ایرانی

کارنامه زنان ماندگار ایران عنوان کتابی است از پوران فرخ‌زاد که به زودی از سوی انتشارات قطره منتشر می‌شود. فرخ‌زاد در این کتاب زندگینامه و آثار گروه عظیمی از زنان ایرانی شاعر را که، داستان‌نویس، نقاش، مجسمه‌ساز، اساتید دانشگاه‌ها، زنان

چاپ اول

۱- تاریخچه نقد ادبی.

ورژان هال: مترجم: احمد همتی. - تهران: روزنه. - ۲۳۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۱۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

A short history of literary criticism

شابک: ۹۶۴-۳۳۴-۰۴۷-۳



کتاب حاضر مجموعه‌ای است که در آن از تاریخ نقد ادبی - از عهد افلاطون تا عصر حاضر یعنی نقد نو - به اجمال سخن به میان آمده است. بدین ترتیب، در این مجموعه خلاصه‌ای از آرا و اندیشه‌های فلاسفه، نویسندگان و شعرایی گرد آمده که به نوعی به مقوله ادبیات و نقد ادبی پراخته‌اند. افلاطون، ارسطو، هوراس، دانته، میلتون، درایدن، ویکتور هوگو، گوته، ماتیاو نولد، امیل زولا، تولستوی، مارکس، برگسون، کروچه، فروید و ت.اس. الیوت از جمله این شخصیت‌ها هستند.

چاپ اول

۲- جامعه‌شناسی ادبیات فارسی

(جامعه‌شناسی در ادبیات).

علی‌اکبر ترابی. - تبریز: فروغ آزادی. - ۲۶۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Sociologie de la litterature persane

شابک: ۹۶۴-۹۰۰۷۰-۰۰۸-۸

این نوشتار، برگزیده‌ای است از مباحث اجتماعی ادبیات فارسی - از آثار نخستین سخن‌پردازان بزرگ مانند فردوسی تا آخرین نویسندگان و شاعران دوره مشروطیت و پس از آن مانند بهار و پروین - که در آن، درون مایه‌ها، مضامین و محتوای اثر، همچنین جهان-

بینی و فکر و فرهنگ شاعر یا نویسنده، و محتوای اثر، بررسی و ارزیابی شده است. بدین ترتیب، کتاب حاضر با این اهداف - به اجمال - فراهم آمده است: شناخت روابط متقابل ادبیات و جامعه، نقش زندگی و محیط اجتماعی در پیدایش و پرورش شاعران و نویسندگان بزرگ، تأثیر دیرپای گویندگان و نویسندگان بزرگ در فرهنگ جامعه، سهم میراث فرهنگی در آفرینش آثار هنری، بازتاب و ادامه حیات عناصر زنده و پویای فرهنگی جامعه در شاهکارهای ادبی، ادبیات و نقش آموزشی و پرورشی آن، ارزش و اعتبار ادبیات به ویژه از لحاظ تنویر افکار و تهذیب اخلاق عمومی، آشنایی با افکار و عقاید و فکر و فلسفه گویندگان و نویسندگان بزرگ.

مقدمه کتاب تعریفی است از ادبیات و مباحث اجتماعی در ادبیات فارسی، نیز شرح مختصر مفاهیم اصلی و اصطلاحات مهم جامعه‌شناسی که در پی آن، مباحث کتاب در شانزده فصل فراهم می‌آید که عبارت‌اند از: 'مباحث اجتماعی در شاهنامه فردوسی'، 'نظری به محیط اجتماعی و سیاسی شاعران و نویسندگان در سده‌های پنجم، ششم و هفتم هجری'، 'مباحث اجتماعی در دیوان ناصر خسرو'، 'مباحث اجتماعی در پنج گنج نظامی'، 'مباحث اجتماعی در کیمیای سعادت غزالی'، 'مباحث اجتماعی در چهار مقاله عروضی'، 'مباحث اجتماعی در اخلاق ناصری نصیرالدین طوسی'، 'مباحث اجتماعی در مثنوی مولوی'، 'مباحث اجتماعی در گلستان و بوستان سعدی'، 'مباحث اجتماعی در دیوان اشعار حافظ'، 'مباحث اجتماعی در دیوان اشعار سیف فرغانی'، 'مباحث اجتماعی در دیوان عین‌زاکانی'، 'مباحث اجتماعی در دیوان اشعار جامی'، 'مباحث اجتماعی در دیوان اشعار ملک-الشعرای بهار' و 'مباحث اجتماعی در دیوان پروین اعتصامی'. کتاب نامه و منابع مطالعه تکمیلی، در انتهای کتاب به چاپ رسیده است.

۳- درباره نقد ادبی.

عبدالحسین فرزاد. - تهران: قطره. - ۳۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۵۸-۶۴۴-۴

فن نگارش و بیان، و مجموعه‌های ادبی

۸۰۸

۴- آیین نگارش خط فارسی.

تهیه و تنظیم: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه. - تهران:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه. - ۸۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۲۵۲-۲۳۴-۸

۵- آیین نگارش مکاتبات اداری: با افزوده‌ها، تحقیق و تدوین جدید.

کاظم امینی. - تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی. - ۲۱۶ ص. - رحلی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ یازدهم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۵۱۷-۰۵-۶

۶- تهذیب البلاغه.

عبداله‌ادی فضلی. - تهران: دانشکده اصول دین. - ۱۲۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۲۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۲۶-۷

چاپ اول

۷- جستارهایی در باب رمان.

میشل بوتور: مترجم: سعید شهرتاش. - تهران: سروش. - ۲۸۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۵-۴۳۵-۱



'میشل بوتور' در این اثر مبانی اصلی ساختار رمان را تشریح می‌نماید. ترجمه کتاب حاضر با مباحثی از این دست 'تدوین یافته است: 'رمان به منزله پژوهش، 'رمان و شعر، 'مکان رمان، 'کاربرد ضمائر شخصی در رمان، 'فرد و گروه در رمان، 'پژوهش‌هایی در باب تکنیک رمان' و 'نقد و خوانندگانش'. در بخشی از کتاب آمده است: 'رمان شکلی خاص از حکایت است. حکایت پدیده‌ای است که به طرزی درخور توجه از قلمرو ادبیات فراتر می‌رود؛ یکی از عناصر اساسی تشکیل دهنده ادراک ماست از واقعیت. تا مرگمان، و از آن هنگام که

کلام را درمی‌یابیم، حکایت‌ها مدام احاطه‌مان می‌کنند، نخست در میان خانواده، آن گاه در مدرسه، سپس طی برخوردها و خواندن‌ها...

۸- چگونگی نگارش و انتشار مقالات در علوم پزشکی.

انوار هوت: مترجم: علی تقی‌زاده- افشاری. - ارومیه: تکوین. - ۲۵۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

How to write and publish papers in the medical sciences

شابک: ۹۶۴-۹۱۸۹۵-۶-۳

چاپ اول

۹- دو نمایش از گروه 'روهر' آلمان: آنتیگونه اثر سوفوکل - شازده کوچولو براساس اثر آنتوان دو سنت اگزوپری.

فیلمنامه نویس: هلموت شیفر، روبرتو جولی: محسن جده‌دوستان: مترجم: حسین سرکار حسن خان. - تهران: نمایش. - ۵۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۹۶-۲۳-۶



کتاب متضمن دو نمایش‌نامه است. در نمایش‌نامه نخست 'آنتیگونه' اثر 'سوفوکل' (۴۰۵ - ۴۹۵ پیش از میلاد) حکایت 'آنتیگونه' - دختر اودیپوس - بازگو می‌شود. او همه جا در آوارگی پدر را همراهی کرده است و پس از مرگ او به شهر 'تب' بازگشته است. آنتیگونه برخلاف فرمان 'شاه کرئون' برادر خود را دفن می‌کند و در پی آن کیفر می‌بیند و زنده به گور می‌شود. پسر 'کرئون' که عاشق 'آنتیگونه' است از اندوه مرگ دلدار خود را می‌کشد و پدر را به عزای خویش می‌نشانند. در بخش دوم کتاب نمایش‌نامه‌ای براساس 'شازده کوچولو' نوشته 'آنتوان دو سنت اگزوپری' فراهم آمده است.

۱۰- راهنمای نگارش و ویرایش:
با تجدیدنظر کلی.

محمدجعفر یاحقی، محمدمهدی ناصح -
مشهد: به نشر - ۱۸۴ ص. - وزیری
(شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ شانزدهم /
نسخه ۳۳۰۰
عنوان به لاتین:

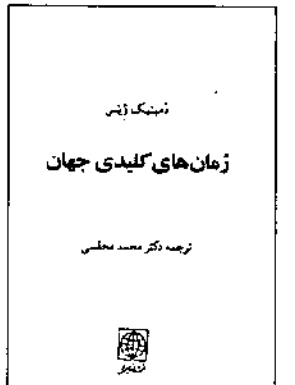
A guide to writing and editing
شابک: ۹۶۴-۲۳۳-۱۶۸-۷

چاپ اول

۱۱- رمان‌های کلیدی جهان.

دومینیک ژنس: مترجم: محمد مجلسی -
تهران: دنیای نو - ۷۶۸ ص. - رقصی
(گالینگور) - ۴۷۵۰۰ ریال - چاپ اول /
نسخه ۳۰۰۰
عنوان به لاتین:

Les grands romans: du monde entier
شابک: ۹۶۴-۶۵۶۴-۵۱-۸



مجموعه "رمان‌های کلیدی جهان" اثری است از "دومینیک ژنس" که از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده است. در این مجموعه رمان‌های برجسته جهان در قالب سه بخش: "عصر کلاسیک"، "قرن بالزاک" و "قرن بیستم" به اختصار معرفی می‌شود. بدین ترتیب که پس از معرفی وقایع اصلی رمان، تحلیلی مختصر از آن، نیز معرفی اجمالی نویسنده در پی می‌آید.

۱۲- نامه‌نگاری به زبان انگلیسی برای دانشجویان ایرانی.

ساراچین راتلج - مشهد: به نشر - ۱۲۴ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ سیزدهم / نسخه ۵۰۰۰
عنوان به لاتین:

A Course in letter writing for iranien students
شابک: ۹۶۴-۶۷۰۰-۵۹-۴

۱۳- نمایشنامه‌نویسی به زبان ساده برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی و دبیرستان.

عبدالحی شماسی - تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات

مدرسه - ۱۱۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ چهارم / نسخه ۲۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۳۵۳-۱۳۴-۹

چاپ اول

۱۴- نوشتن و سخن گفتن (مهارت‌های زبانی).

سیمای وزیرنیا - تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه - ۲۲۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۳۵۳-۰۸۷-۶



این مجموعه شامل تمرین‌هایی گسترده، متنوع و کاربردی در مهارت‌های بیانی زبان است. برنامه‌ریزی محتوا در این کتاب به گونه‌ای است که دانش‌آموز از طریق آن بتواند از جنبه خلاق زبان خود در زمینه‌های گوناگون نوشتن، از جمله در داستان‌نویسی و نمایش‌نامه‌نویسی، استفاده نماید؛ افزون بر آن، بر مهارت‌های سخن گفتن خود بیفزاید. مخاطبان اصلی این کتاب، دانش‌آموزان دوره راهنمایی و سال اول دبیرستان‌اند.

ادبیات ایرانی

چاپ اول

۱۵- ادبیات ۳ و ۴ و ۵. ویراستار: سعید همایونفر، ... (و دیگران). - تهران: ایران سنجش - ۲۷۲ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۷۰۶۸-۲۰-۴

چاپ اول

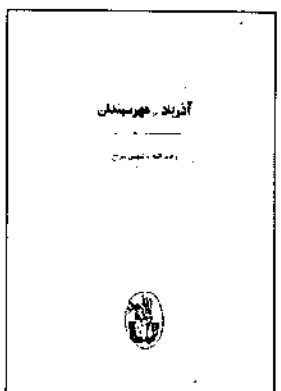
۱۶- پرسش چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی (۳) و (۴) و (۵) سال دوم نظام جدید ... علی سلطانیپور - تهران: راه رشد - ۱۴۴

ص. - رحلی (شمیز) - ۱۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۲۵۰۰
شابک: ۹۶۴-۶۰۱۸-۵۹-۹

شعر پهلوی (ساسانی)

چاپ اول

۱۷- آذرباد مهرسپندان. رهام اشه، شهین سراج - تهران: فروهر - ۲۱۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۲۰۰۰
عنوان به لاتین: Adarbad son of mahrspend
شابک: ۹۶۴-۶۳۲۰-۱۵-۵



این کتاب که به زبان فارسی سره به نگارش درآمده، گزارشی است از احوال و گفتار "آذرباد مهرسپندان" - موبد موبدان عهد شاپور ذوالاکتاف - که با بخش‌هایی از اندرزهای وی به چاپ رسیده است. بدین ترتیب، در بخش نخست کتاب جایگاه آذرباد در تاریخ ذکر گردیده و مقایسه‌ای میان گفتار او با مانی، کنفوسیوس و دیگران صورت گرفته است. در بخش دوم، "سخنان آذرباد" به زبان پهلوی و ترجمه فارسی به چاپ رسیده است. بخشی از این سخنان، اندرزهای آذرباد به پسرش است. در بخش سوم کتاب نیز روایات مختلف از آذرباد و سخنان او که در متون پهلوی، عربی و فارسی انعکاس یافته درج گردیده است. بخش چهارم کتاب نیز متضمن سخنان یا اندرزهای آذرباد است که به عربی یا به شعر فارسی عرضه شده است.

چاپ اول

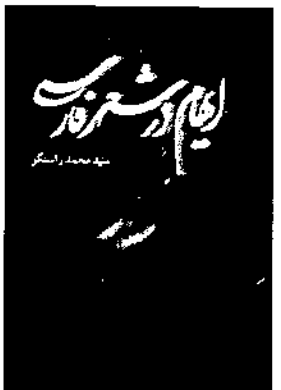
۱۸- دفتر تمرین و آموزش فارسی دوم راهنمایی. محمدیوسف پورموسی، مهرانگیز قمشه. - تهران: آبرنگ - ۱۸۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۵۰۰۰

شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۸۵-۵

معانی و بیان

چاپ اول

۱۹- ایهام در شعر فارسی. محمد راستگو. - تهران: سروش - ۵۲۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۱۵۰۰
عنوان به لاتین: Amphilogy in persian
شابک: ۹۶۴-۳۳۵-۲۲۵-۴



کتاب، متضمن دو بخش کلی بوده بخش نخست، جستار و پژوهشی است در بازشناسی و بازنمایی گونه‌های ایهام در شعر فارسی. در این بخش گونه‌های متعدد ایهام و محورهای مختلف هر یک - با مثال‌های گوناگون - تشریح می‌شود. بخش دوم فرهنگ‌واره‌ای است از گونه‌های ایهام در شعر "حافظ" که با شواهدی از شعر او تدوین گردیده است.

بررسی و تمرین

چاپ اول

۲۰- آموزش تکمیلی ادبیات از پایه تا کنکور: برای دوره کامل دبیرستان، داوطلبان کنکور سراسری. علی باقری. - تهران: نغمه زندگی - ۳۵۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۹۱۸۸۶-۳۰-۰

۲۱- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۲) سال دوم نظام جدید. نادر پورخانی، احمد پورعلی. - تهران: آزمون - ۲۲۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ هفتم / نسخه ۱۰۰۰۰

شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۶۹۳-۶

۲۲- آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۵) سال سوم نظام جدید رشته علوم انسانی.

نادر پورخانی، احمد پورعلی. - تهران: آزمون - ۲۲۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ سوم / نسخه ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۷۰۷-۷

چاپ اول

۲۳- به‌گزین: سوالات چهارگزینه‌ای با پاسخ کاملاً تشریحی ...

سعیده کیاکجوری، سهیلا عظیمی، مسعود فاتح‌پور. - تهران: سروش - ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / نسخه ۲۵۰۰
شابک: ۹۶۴-۵۷۰۷-۱۷-۷

۲۴- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی (۵).

هامون سبطی، احمد سبحانی. - تهران: اندیشه سازان - ۱۷۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / نسخه ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۶۳۴۹-۸۱-۷

۲۵- پرسش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد ادبیات فارسی (۵) (سال سوم نظام جدید - کلیه رشته‌ها) "با پاسخ تشریحی".

حسن ذوالفقاری، پرویز ارسطو. - تهران: استادی - ۱۶۸ ص. - رحلی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / نسخه ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۳۰-۷

۲۶- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی.

تهران: دبیران تهران - ۳۲۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / نسخه ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۶۷۶۱-۶۵-۸

۲۷- خودآموز گام به گام زبان و ادبیات فارسی (۲) عمومی دوره پیش‌دانشگاهی.

حسن لاجوردی. - تهران: آزمون - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / نسخه ۱۰۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۵۰۳-۴

۲۸- سوالات چهارگزینه‌ای با پاسخهای کاملاً تشریحی ادبیات فارسی سال دوم نظری - فنی و حرفه‌ای - کار و دانش ...

چاپ اول

سعیده کیاکجوری، سهیلا عظیمی، مسعود فاتح‌پور. - تهران: سرمدی. - ۲۰۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۷۰۷-۱۷-X

چاپ اول

۲۹- سوالهای طبقه‌بندی شده ادبیات فارسی (۱) و زبان فارسی (۱) شامل ۸۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی. سیدالله زارع‌کاریزی. - تهران: کانون فرهنگی آموزش. - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۱۳۴-۱

۳۰- سوالهای طبقه‌بندی شده ادبیات فارسی (۲) و زبان فارسی (۲) شامل ۸۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی. سیدالله زارع‌کاریزی. - تهران: کانون فرهنگی آموزش. - ۱۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۲۶-۱۳۳-۶

۳۱- گنجینه پرسش‌های طلایی ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی ۱ و ۲. پرویز صالحی. - تهران: آیدگان. - ۲۲۳ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۱۴-۳۶-۸

۳۲- مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد تاریخ ادبیات- ایران (۲) نظام جدید با پاسخ تشریحی. اکرم رضائی، رفیع کریم‌زاده‌نقشینه. - تهران: گل‌واژه. - ۵۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۲-۲۱۰-۲

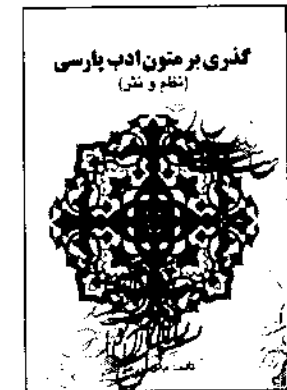
۳۳- ۱۰۰۰ نکته در؟؟؟قه‌بندی شده ادبیات فارسی پیش-دانشگاهی (۱ و ۲) با تفکیک درس به درس. محمد توکل. - تهران: آیدگان. - ۳۱۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۲۲-۰۵-۶

مجموعه‌ها و جنگها

۳۴- خواندنیهای ادب فارسی، یا (هزار حکایت و اشارت). گردآورنده: علی‌اصغر حبسی. - تهران: زوار. - ۶۱۲ ص. - وزیری (سلفون). - ۲۹۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۰۱۰۰۴۹-۳

چاپ اول

۳۵- گذری بر متون ادب پارسی (نظم و نثر) با معنی واژه‌ها و گزارش برخی نکته‌های ادبی، عرفانی و تلمیحی. گردآورنده: عباس مزرعه. - تهران: اشراقی، صفار. - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۶۶-۵۷-۲

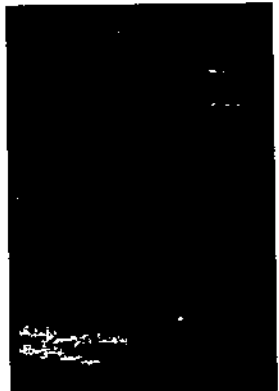


مجموعه حاضر برگزیده‌ای است از متون برجسته فارسی - نظم و نثر - که در بخش دوم معانی پاره‌ای از واژگان و اصطلاحات و شرحی از برخی عبارات به دست داده شده است.

مجموعه‌هایی که موضوع خاصی در آنها مطرح شده

۳۶- کیمیا: دفتری در ادبیات و هنر و عرفان. به‌اهتمام: حسین الهی‌قمشه‌ای، احمد بهشتی‌شیرازی. - تهران: روزنه. - ۶۶۸ ص. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۲-۲۱۰-۲

۳۷- تحفه الاحباب، یا، مثنوی شیخ عیدالله نه‌ری. به‌اهتمام: اسلام دعاگو. - ارومیه: حسینی. - ۳۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۴-۰۴۲-۲

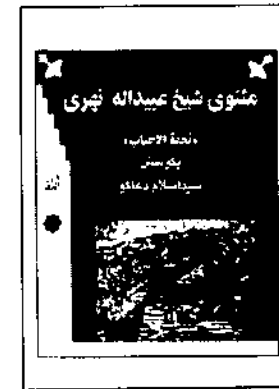


آنچه در این کتاب گردآمده مجموعه متنوعی است از شعر و حکمت و عرفان که در بخش نخست آن چند قطعه شعر از خاتم 'کلیں رین' - شاعر آلمانی - و 'شکسپیر' همراه با ترجمه فارسی دکتر الهی قمشه‌ای به چاپ رسیده است. در پی آن شعر 'اسرار حج عاشقان' سروده 'مهدی الهی قمشه‌ای' درج می‌گردد؛ سپس فصلی از کتاب 'تفکر چیست؟' اثر 'مارتین هیدگر'، ترجمه محمدرضا جوزی، در آن فراهم می‌آید. 'مولانا در مثنوی' نوشته‌ای است از دکتر 'توفیق سبحانی' درباره زندگی شعر و افکار مولانا که بحث بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد، اما بخش اصلی کتاب مشتمل است بر مواعظ 'بهاول' و 'سلطان ولد' (پدر و پسر مولانا) تحت عنوان 'معارف'. در انتهای کتاب برگزیده‌ای از خوشنویسی‌های کاتبان در فن کتابت به چاپ رسیده است.

شعر فارسی

چاپ اول

۳۷- تحفه الاحباب، یا، مثنوی شیخ عیدالله نه‌ری. به‌اهتمام: اسلام دعاگو. - ارومیه: حسینی. - ۳۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۴-۰۴۲-۲



۳۸- ترانه‌های بارانی. گردآورنده: انتشارات انوشه. - تهران: انوشه. - ۱۷۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Taraneha-e - barany. شابک: ۹۶۴-۹۳۲۵-۰۰۰

مجموعه‌ها و جنگهای شعر فارسی

چاپ اول

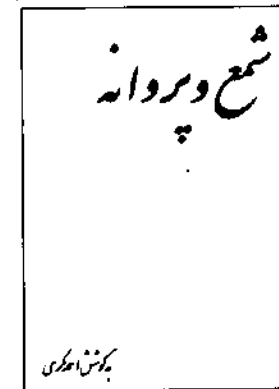
۳۸- ترانه‌های بارانی. گردآورنده: انتشارات انوشه. - تهران: انوشه. - ۱۷۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Taraneha-e - barany. شابک: ۹۶۴-۹۳۲۵-۰۰۰



کتاب مشتمل بر ترانه‌ها و سروده‌هایی است که بعضاً با مایه‌های انقلابی، بومی و وطنی به نظم کشیده شده و اغلب به اجرای موسیقی درآمده است.

چاپ اول

۳۹- شمع و پروانه. به‌اهتمام: احمد کریمی. - تهران: ما. - ۳۳۲ ص. - رقصی (کالینگور). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۱۰-۵۷-۰



در این کتاب، سروده‌هایی از شماری مختلف جمع آمده که به نوعی در آنها واژه‌های 'شمع' و 'پروانه' به کار رفته است. شمع و پروانه در این اشیاء گاه صورت تشبیهی یا استعاری دارد.

چاپ اول

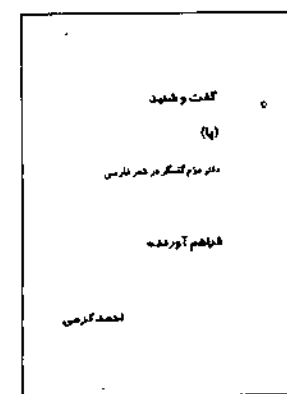
۴۰- شوق پروانه. شاعر: علی سهرابی. - تهران: آزاد گرافیک. - ۲۰۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۷۱۸-۱۳-۹



کتاب مجموعه‌ای است از قصاید مدحی اهل بیت پیامبر (ص) که با چند غزل عرفانی، نیز سروده‌هایی دیگر در مدح و رثای چهارده معصوم به طبع رسیده است. 'مژده رحمت' نمونه‌ای از غزل‌های این مجموعه است؛ دلدادگی که در پی دلدار می‌رود؛ پروا ندارد از به سر دار می‌رود؛ اندیش خوار بر جگرش می‌خلد ز عشق؛ باز عندلیب جانب گلزار می‌رود...

چاپ اول

۴۱- گفت و شنید (یا) دفتر دوم گفتگو در شعر فارسی. گردآورنده: احمد کریمی. - تهران: ما. - ۲۱۰ ص. - رقصی (کالینگور). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۱۰-۵۳-۶



مجموعه حاضر برگزیده‌ای است از اشعار

سنتی که به شیوه گفت و گو یا صنعت 'سوال و جواب' سروده شده است. کتاب، جلد دوم از این مجموعه است.

چاپ اول

۴۲- تذکره سخنوران بیهقی.
حسن مروجی. - تهران: عابد. - ۴۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۸۵-۸



در تذکره حاضر، شعرا و نویسندگان پیشین و معاصر ناحیه سبزوار و اطراف، به اختصار معرفی شده، سپس نمونه‌ای از آثار آنان درج گردیده است. نگارنده برای معرفی سخنوران قدیم از آثاری چون 'تاریخ بیهقی' بهره جسته است. این 'یعنی'، ادیب سبزواری، 'حاج ملاهادی سبزواری'، 'علی بن زید بیهقی'، 'ابوالفضل بیهقی'، 'دکتر علی شریعتی'، 'شمس‌الدین محمد جوینی'، 'محمدعلی صهباء'، 'عطاملک جوینی'، 'دکتر قاسم غنی' و 'ملاحسین واعظ کاشفی' از جمله شخصیت‌های معرفی شده‌اند که اسامی آنان برحسب حروف الفبا تدوین گردیده است. در لابه‌لای کتاب تصاویری از شخصیت‌های گوناگون به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۴۳- زلف عالم‌آرا: درآصدی بر شناخت رموز عارفانه در شعر فارسی.
مهدی محبتی. - تهران: جوانه رشد. - ۷۷۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۰۶۴-۸-۵

نگارنده، مباحث آغازین کتاب را به تاریخچه رمز، رمز و نشانه، تفاوت رمز با تمثیل، و تشابه رمز با اسطوره اختصاص می‌دهد، سپس سعی دارد تعریفی از رمز به دست داده هر چند که قائل به تعریفی جامع از آن نیست. به هر روی او رمز را چنین توصیف می‌نماید: 'رمز چیزی است

از جهان محسوس برای رهایی به جهانی ناشناخته و نامحسوس که سرشار



از مناسبت. این نماد، نمایانگر معنای واقعی خود - به تنهایی - نیست و معنایی‌اش نیز قراردادی و یگانه نیست. معانی نماد نمی‌تواند هم در ذهن و ناخودآگاه رمزساز باشد و هم در جهانی ماورای واقعیت موجود. وی سپس با دلایلی چند انگیزه‌های استفاده از رمزگرایی، به ویژه در عرفان را خاطر نشان می‌کند: آن گاه رمز میان عرفان، و زبان رمزی نیز شعر و زبان رمزی را توصیف می‌نماید. بخش دوم کتاب، بحث مفصلی است در باب تطور ادوار تاریخی عرفان و شعر فارسی که طی آن شعر عرفانی در زبان فارسی به ویژه در آثار ابوسعید ابی‌الخیر و 'سنایی غزنوی' بررسی می‌شود. بخش سوم کتاب نیز، مجموعه مباحثی است درباره رموز عارفانه در شعر فارسی که در قالب آن، سیر تطور، معنا و ساختار اشعار عرفانی فارسی با شواهد متعدد، تشریح می‌گردد.

۴۴- شعر کودک در ایران: نقد و بررسی.
محمود کیانوش. - تهران: آگاه. - ۱۳۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۱۴۱-۴۱۶-۶

چاپ اول

۴۵- مشاهیر ادب فارسی (شاعران) از نیما تا اوستا.
نصرت‌الله محبی، علیرضا عباسیان، احمدرضا ساحلی. - تهران: منادی تربیت. - ۱۱۲ ص. - جلد دوم. - وزیری (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۰۳۴-۸

چاپ اول

۴۶- نقد خیال: بررسی دیدگاه‌های نقد ادبی در سبک هندی.
محمود فتوحی رودمجنی. - تهران:

روزگار. - ۵۲۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۵۸-۲۱-۱



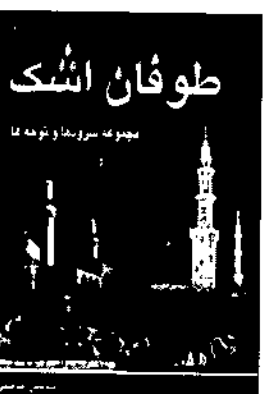
آنچه در این کتاب هدف اصلی نویسنده از نگارش آن قلمداد شده عبارت است از: 'تصویری از نقد ادبی، دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و اندیشه‌های رایج در جامعه، ادبی فارسی زبانان در فاصله سال‌های ۹۰۰ تا ۱۳۰۰ ه.ق.' بدین ترتیب، نویسنده با عنایت به مسائل عمده ادبیات و نقد ادبی در متون فارسی، کوشیده است دیدگاه‌های انتقادی، اندیشه‌های موثر در ذوق زمان، نیز روند خلافت ادبی عصر صفویه را بررسی و ارزیابی نماید. در ابتدای کتاب، به اجمال از نقد ادبی و نسبت آن با آفرینش ادبی، از سیر تکامل نقد، و نقدشناسی سخن رفته، سپس مباحث اصلی کتاب در شش فصل نظام یافته است. فصل نخست، متضمن مباحث نظری و جامعه شناختی درباره نوع ذوق و اندیشه ادبی حاکم بر عصر صفوی است که نگارنده با نوعی 'روش تکوینی' مختصات اصلی جامعه ادبی ایران و هند را در آن روزگاران، بازگو می‌کند. فصل دوم، به مسائل عمده نقد ادبی در سه قرن یاد شده اختصاص دارد. نگارنده در فصل سوم با بررسی اصول و نظریه‌های موجود در آثار بلاغی، نوآوری‌های محققان بلاغت را معرفی می‌کند. وی در فصل چهارم با گرد آوردن نظریات نقد گونه در تذکره‌ها به ذوق و سلیقه و گرایش ادبی تذکره‌نویس اشارت کرده است. در فصل پنجم، پنج تن از منتقدان برجسته - با مروری بر زندگی و آثار آنها - شیوه نقد، ذوق و سلیقه آنان معرفی و ارزیابی می‌شود. این اشخاص عبارت‌اند از: 'منیر لاهوری'، 'شیدا فتحپوری'، 'حزین لاهیجی'، 'خان آرزو' و 'آزاد یلگرامی'. فصل انتهایی کتاب، واژه‌نامه اصطلاحات نقد ادبی در متون عصر صفوی است. در پایان این مجموعه، فهرست موضوعی، فهرست اعلام، فهرست کتاب‌ها و مکان‌ها، نیز منابع و مآخذ کتاب درج گردیده است.

اشعار حماسی

۴۷- حماسه‌سرایی در ایران: از قدیمیترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری.
ذبیح‌الله صفا. - تهران: امیر کبیر. - ۶۷۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۳۲۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۶۳۵-۱

اشعار مذهبی، عرفانی، اخلاقی

۴۸- طوفان اشک: مجموعه سروده‌ها و نوحه‌ها.
شاعر: محسن حافظی کاشانی. - تهران: باقرالمولود. - ۳۲۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۰-۵۱-۸



کتاب، مجموعه‌ای است از مرثیه‌ها و نوحه‌های چهارده معصوم که به همراه چند سروده در میلاد آنان به طبع رسیده است.

چاپ اول

۴۹- فاطمیون.
شاعر: احمد آرونی کاشانی. - قم: طاووس بهشت. - ۱۵۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۶۲-۱۱-۱

اشعار این مجموعه در قالب هفت فصل - مربوط به وقایع مذهبی ربیع‌الاول تا جمادی‌الثانی - با این عناوین به طبع رسیده است: 'شهادت امام حسن عسکری (ع)'، 'میلاد پیامبر گرامی اسلام (ص)' و 'امام جعفر صادق (ع)'، 'میلاد امام حسن عسکری (ع)'، 'شهادت حضرت معصومه (س)'، 'ولادت حضرت



زینب (س)'، 'شهادت حضرت زهرا (س)' و 'ولادت حضرت زهرا (س)'.

چاپ اول

۵۰- گلپانگ خون.
شاعر: حسینی رکن منظر. - شیراز: پیروی. - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۶۲۸-۰۰-۱



'گلپانگ خون' مجموعه اشعاری است در توصیف امام حسین (ع) و حماسه کربلا که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: روز مولود است یا شام عزایت یا حسین / شاد باشم یا بگیرم از برایت یا حسین / مصطفی تا دید رویت هم شگفت و هم گریست / چشم بینایش چه دید اندر کتابت یا حسین!..

چاپ اول

۵۱- گلبرگ عنقا: شامل: غزلیات - مرثیاتی - سروده و نوحه عاشورانی.

شاعر: عباس عنقا، رضا موبد. - تهران: جلوه. - ۱۳۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۱۸-۱۷-۰

۵۲- معراج عاشورای.
حسینی ساعی خوانساری. - تهران: فرهنگ امروز. - ۱۸۰ ص. - جیبی

(شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۲۷-۱۰-۷

۵۳- نغمه‌های فاطمیه.

محمدعلی شهاب. - تهران: نذیر، عبد. - ۱۹۲۲ ص. - جیبی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

۵۴- پیام عاشورا.

حسن زولیده‌نیشابوری. - تهران: باقرالعلوم. - ۱۶۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۰-۱۰-۹

چاپ اول

۵۵- دارالجنون عشق: دیوان اشعار و آثار عالم ربانی و حکیم متاله استاد حسین شفیعی به انضمام نورالیقین...

حسین شفیعی. - تهران: مشهوری. - ۲۵۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۷۴-۳۲-X



کتاب، متشکل از دو بخش است. در بخش نخست، خطبه 'صفات متقین' از حضرت علی (ع) به زبان عربی و ترجمه و شرح آن به فارسی - از استاد حسین شفیعی (۱۳۰۲ - ۱۳۷۸ ه.ش) - به طبع رسیده است. این خطبه توصیفی است از حالات و صفات انسان کامل و متقی. در بخش دوم، اشعار 'حسین شفیعی' که عمدتاً حاوی مضامین عرفانی است درج گردیده است. از جمله: رهرو عارف منم در همه اطوار عشق / روشن واقف منم از همه اسرار عشق / جان به کف دست خویش ناخسته از هر طرف / نمره زنان همچو شیر به رزم و پیکار عشق...

۵۶- قیام عاشورا.

محمدجواد ولایی مقدمه: محمدحسین تسبیحی. - تهران: فرهنگ امروز. - ۲۰۰ ص. - جیبی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. -

چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۲۷-۱۱-۵

چاپ اول

۵۷- کوثر ولایت: مجموعه غزلیات.

فرزانه رضوانی‌نژاد. - تهران: شکوفه‌های دانش. - ۱۱۶ ص. - جیبی (کالینگور). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۳۰-۵-X

چاپ اول

۵۸- گلبرگها (دم‌پاره‌های سینه زنی).

مشهد: به نشر. - ۱۰۴ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۱۵۹-۸

۵۹- گلفروش شامل: غزلیات و مرثی.

حسن زولیده‌نیشابوری. - تهران: باقرالعلوم. - ۲۰۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۰-۲-X

۶۰- نغمه‌های عاشورا.

شاعر: محمدعلی شهاب. - تهران: نذیر، عبد. - ۱۲۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۳۷۷۸-۲-۸

چاپ اول

۶۱- نغمه‌های ولایت ۱۱ ماه: های شوال و ذی القعدة.

شاعر: محمدعلی شهاب. - تهران: نذیر، عبد. - ۱۱۲ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۳۶-۰

چاپ اول

۶۲- نغمه‌های ولایت ۱۲ ماه (ذیحجه).

شاعر: محمدعلی شهاب. - تهران: نذیر، عبد. - ۱۰۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۷۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۴۵-۲۰-۴

باقرالعلوم. - ۲۴۰ ص. - جلد سوم. - جیبی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۰-۳۰-۵

۶۴- نهضت عاشورا.

محمدجواد ولایی. - تهران: فرهنگ امروز. - ۱۸۴ ص. - جیبی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۲۷-۱۲-۳

۶۵- نهضت عاشورا شامل منتخب نوحه و مرثی.

شاعر: حسینقلی معلم. - تهران: آوای دانش. - ۲۲۲ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۵۱۸-۱-X

دو بیتي

چاپ اول

۶۶- دوبیتی‌های بومی‌سرایان ایران: زندگی و نمونه آثار.

محمد احمدی‌ناهی. - تهران: سروش. - ۳۲۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۲۵-۴۱۹-۲

شعر فارسی قرن ۴

۶۷- جاذبه‌های فکری فردوسی.

احمد رنجبر. - تهران: امیر کبیر. - ۴۶۴ ص. - وزیر (شمیز). - ۲۳۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۶۴۳-۲

۶۸- رزم‌نامه‌ی رستم و اسفندیار از شاهنامه فردوسی.

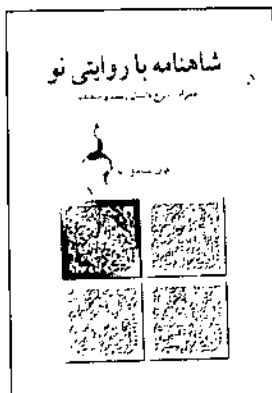
گردآورنده: جعفر شمار، حسن انوری. - تهران: قطره. - ۲۹۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ بیست و دوم / ۳۴۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: Epic story of rostam and esfandyar

چاپ اول

۶۹- شاهنامه با روایتی نو: همراه با شرح و گزارش داستان رستم و اسفندیار.

فیروز اسماعیل‌زاده. - تهران: خوشبین. - ۲۴۴ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۳۰۰۰

ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۱۹۴-۰۶-۴



کتاب، نوعی معرفی و بازگویی داستان‌های شاهنامه است که طی آن در قالب نثر داستانی، کلیه وقایع اصلی شاهنامه - از ابتدا تا انتها - همراه با نقد و تحلیل داستان‌های برجسته شاهنامه، روایت می‌شود؛ ضمن آن که زندگی و اندیشه فردوسی نیز در لابه‌لای متن بازگو می‌گردد. در بخش دوم کتاب، داستان رستم و اسفندیار - براساس چاپ مسکو، عمدتاً برای استفاده دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی برای دو واحد درس رستم و اسفندیار - با شرح و گزارش مفصل به چاپ رسیده است. در بخش انتهایی کتاب واژه‌نامه متن داستان رستم و اسفندیار همراه با نمایه اعلام فراهم آمده است. آندیشه‌های ملی و پیدایش حماسه، منابع شاهنامه، دوره‌های سه گانه اسطوره‌ای، پهلوانی (حماسی) و تاریخی، 'رزم و راز' پانندگی شاهنامه، 'حافظه ملی' و 'داد و الاوتین' آندیشه فردوسی از جمله مباحث این کتاب به شمار می‌آیند.

چاپ اول

۷۰- فردوسی: سروده‌خوان وحدت و حماسه ملی ایران.

محمد احمدی‌ناهی. - تهران: نذیر، عبد. - ۴۴۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۶۵-۷۷-۲



نگارنده در این کتاب کوشیده است از زندگی و زمانه فردوسی، تصویری روشن به دست داده طی آن پاره‌ای از داستان‌ها و شخصیت‌های آن را ارزیابی نماید. این نوشتار با کتاب‌شناسی فردوسی طوسی آغاز می‌شود و در پی آن، توضیحی در باب 'میراث ملی ایران' فراهم می‌آید. سپس اوضاع و احوال ساسانیان - فراز و فرود آنان - بررسی شده به تفصیل زمانه و عصر فردوسی بررسی می‌گردد و طی آن فراز و نشیب زندگی حکیم بازگو می‌شود. مباحث بعدی کتاب به معرفی و ارزیابی شاهنامه و برخی داستان‌ها و قهرمان‌های آن مربوط می‌شود.

چاپ اول

۷۱- گزیده شاهنامه فردوسی. به‌اهتمام: محمدعلی فروغی، ویراستار: مریم مهدیقلی. - تهران: اشکان. - ۴۶۸ ص. - رقصی (سلفون). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۰۴۸-۷-۲



برگزیده حاضر از شاهنامه که با ستایش 'خرد' آغاز می‌شود، بخش‌های اساسی دوره اساطیری و پهلوانی شاهنامه را در برمی‌گیرد. کتاب با مقدمه‌ای در وصف شاهنامه و مضامین اصلی آن آغاز می‌شود. سپس داستان‌های شاهنامه در هشت دفتر - به ترتیب - به طبع می‌رسد که آخرین آن داستان 'بیزن و منیژه' است.

چاپ اول

۷۲- متن کامل شاهنامه: بر اساس نسخه چاپ مسکو.

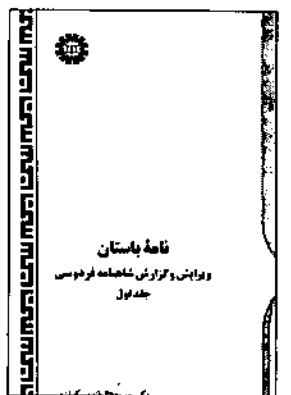
ابوالقاسم فردوسی. - تهران: پیمان. - ۱۴۱۲ ص. - وزیر (کالینگور). - ۵۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۱-۴۷-۶

چاپ اول

۷۳- نامه باستان: ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی.

جلال‌الدین کزازی. - تهران: سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). - ۴۹۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

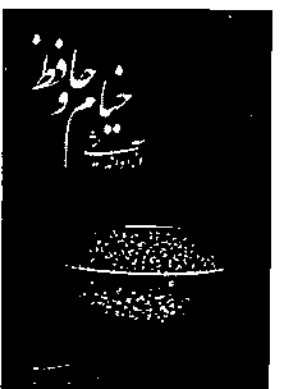


دیباجه کتاب، شرحی است از عظمت شاهنامه و جلوه‌های گوناگون آن نیز مقایسه آن با آثار برجسته حماسی جهان که در پی آن بخش اسطوره‌ای شاهنامه و ابتدای بخش حماسی (پهلوانی) - براساس چاپ مسکو، چاپ دکتر خاکی مطلق، نیز با استفاده از چاپ‌های ژول مول، کلاله خاور و دبیرساقی - فراهم می‌آید. بخش دوم کتاب شرح مفصل واژگان، عبارات و پاراف‌های از ابیات شاهنامه است که در انتهای آن فرهنگ واژگان، نیز واژه‌نمای ریشه شناختی درج گردیده است.

شعر فارسی قرن ۵
۸۱۵۱/۲۲

چاپ اول

۷۴- آزاداندیشی خیام و حافظ.
فرح‌الله شریفی گلبایگانی. - تهران: رهام، - ۲۰۶ ص. - رقی (کالینگور). - ۱۳۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۹۶-۸-۹



نگارنده با مروری بر مقوله آزاداندیشی و با تأکید به این که آزاداندیشی، انکار مطلق مذاهب (آته‌ایسم) نیست، سعی

دارد آزاداندیشی حافظ و خیام را - با نگاهی به عصر تصب‌آمیز این دو - بررسی و ارزیابی نماید. البته مباحث اصلی کتاب بیشتر به جهان بینی حافظ، شیوه رندی حافظ، زیبایی‌شناسی حافظ و برخی نظریات اجتماعی حافظ اختصاص می‌یابد. در نتیجه‌گیری کتاب آمده است: «وی [حافظ] جهان را با نگرشی کنجکاو، فراگیر و جسورانه می‌دید، آن چنان که هست و دیده‌های بصیر باید آن را ببیند. آن جا که از راز و شور و سوز درون خود، سخن می‌گوید، راز و درد را عریان برملا می‌سازد، آن جا که به لطیفان فرا می‌خواند، آن جا که در شکاکیت خود قدسی‌های مزور را رنگ بریده می‌سازد، پرده ریا از رخسارشان برمی‌گیرد. آن جا که نمه‌گر عشق است و به عدل و خرد نکته‌گیر و مردد است، آن جا که بی‌عدالتی‌ها را می‌بیند و رستاخیز و بررسی این حساب و کتاب‌ها را منکر می‌شود... آن جا که پرستنده زیبایی‌هاست، فقر را دم می‌زند و عدل را می‌ستاید...»

چاپ اول

۷۵- نگاهی به عمر خیام.
رضا فضل‌الله، پوراستار: علی ورهرام. - تهران: کویر. - ۱۶۴ ص. - وزیری (کالینگور). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۱۳۴-۵۶-X



نگارنده در این کتاب کوشیده است سیمای علمی و بافت فکری عمر خیام را ترسیم نماید. بخش یکم کتاب با معرفی اجمالی مقیاس پیشرفت‌های علمی و ریاضی در دوران کهن آغاز می‌شود، سپس فهرست کوتاهی از اکتشافات ریاضی خیام درج می‌گردد و در انتهای آن، شهرت خیام در ایران و جهان ارزیابی می‌شود. بخش دوم کتاب به معرفی اجمالی «خیام»، «پاسکال»، «نیوتن» و «دکارت» و نوآوری‌های هر یک مربوط می‌شود. در بخش سوم و چهارم، جایگاه و منزلت خیام از نگاه صاحب نظران ایرانی و خارجی معرفی می‌گردد. در دو

بخش انتهایی کتاب چند نمونه از رباعیات خیام به چاپ رسیده است.

شعر فارسی قرن ۶
۸۱۵۱/۲۳

چاپ اول

۷۶- دیوان خاقانی شروانی.
بدیل‌بن علی خاقانی، به اهتمام: جهانگیر منصور، مقدمه: محمدحسن فروزانفر. - تهران: گل‌آرا. - ۸۳۴ ص. - وزیری (کالینگور). - ۵۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۰۸۴-۴-۹



این دیوان با شرحی از احوال، آثار و مختصات شعری «خاقانی شروانی» آغاز می‌شود و در پی آن مقاله استاد «بدیع» الزمان فروزانفر - از مجموعه سخن و سخنوران - درج می‌گردد و سرانجام کلیات اشعار خاقانی، در قالب‌های متعدد سنتی - براساس نسخه خطی مربوط به سال ۷۶۳ هجری قمری - به چاپ می‌رسد.

چاپ اول

۷۷- سیمرغ و سی مرغ: تحلیل منطق طیر عطار و طرح یک نمایشنامه.

علینقی منزوی. - تهران: راه ماند. - ۲۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۹۸-۲-۶

نگارنده، مجموعه حاضر را در دو بخش تدوین نموده است. بخش نخست کتاب، کوششی است برای شرح جهان‌بینی صوفیان، نیز توضیح نظریه پیروان هند و ایرانی اشراق در باره «خدا» و «جهان» که براساس منطق الطیر عطار، تبیین می‌شود. وی برای این منظور، ابتدا تعبیری از دو گونه خداشناسی به دست می‌دهد: «الف) خدا در کتب آرامی به ویژه تورات، یک شخص است، جدا از جهان (توحید عددی و تشبیهی) که جهان را از عدم

به وجود آورده است. ب) خدا در کتب هندی، به ویژه «ودا» روح جهان و خود آن است که در اصطلاح اسلامی پس از سهروردی «توحید اشراقی و تنزیهی» نامیده می‌شود. این دو گونه دید درباره خدا سبب پیدایش دو دید درباره روابط خدا و جهان است. الف: خدای آرامی هر چندگاه که خودش صلاح بداند یکی از انسان‌های معمولی را به سفارت نزد مردم می‌فرستد. ب: از دیدگاه اندیشه هند و ایرانی، این انسان است که می‌تواند با طی کردن مراحل آموزش و تمرین به مقام اتصال و سپس اتحاد با خدا (نروانا) نایل آید. نویسنده با این توضیح قصد دارد هسته گنوستیک اندیشه هند و ایرانی یا این طرز تلقی دوره ساسانی را به مخاطبان نشان دهد. بدین ترتیب، وی با سیر تاریخی اندیشه گنوستیزم و برخی از اصول آن، مطالب خود را با ذکر تمثیل‌های گوناگون از منطق الطیر، به ویژه منطق الطیر عطار پیوند می‌زند، آن گاه با تبیین ویژگی‌های سیمرغ در منطق الطیر، خلاصه‌ای از داستان به دست می‌دهد و سرانجام، براساس شماره ابیات در منطق الطیر، گفتار چهل و پنج‌گانه این مثنوی را بازگو می‌کند. نگارنده در بخش دوم، مثنوی منطق الطیر را در قالب نمایش‌نامه تدوین می‌نماید.

چاپ اول

۷۸- واژه‌یاب مخزن الاسرار نظامی.

اسحاق طینیانی. - اصفهان: دانشگاه اصفهان. - ۲۳۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: A lexical guide to nezami's makhzan alasarar

شابک: ۹۶۴-۶۴۷۸-۳۷-۶



«واژه‌یاب مخزن الاسرار نظامی» که براساس تصحیح حسن وحید دستگردی تدوین گردیده متضمن کلیه واژگان، عبارات و مصراع‌های این مثنوی

است که براساس الفبا و در قالب جدول، شماره صفحه و شماره بیت مورد نظر درج شده است.

شعر فارسی قرن ۷
۸۱۵۱/۲۱

چاپ اول

۷۹- بقال و طوطی همراه با متن انگلیسی رینولد الین...
گردآورنده: علی آقانهجفی. - تهران: فهیم. - ۶۴ ص. - رقی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۰۸۱-۱-۴

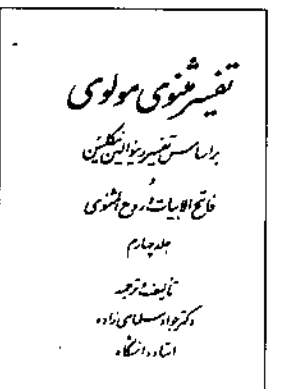


کتاب با توصیفی از زندگی و احوال مولانا نیز اهمیت مثنوی آغاز می‌گردد؛ سپس شرح کوتاهی از زندگی و کار علمی رینولد نیکلسون - مصحح مثنوی - بازگو می‌گردد. آن گاه داستان «بقال و طوطی» به نثر، سپس اصل شعر با ترجمه رینولد نیکلسون درج می‌گردد.

۸۰- تفسیر مثنوی مولوی براساس تفسیر رینوالین نیکلسون و فاتح الایات و روح المثنوی.

جواد سلماسی‌زاده. - تهران: اقبال. - ۲۹۰ ص. - جلد اول. - وزیری (کالینگور). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۱۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۰۶-۱۳۲-X



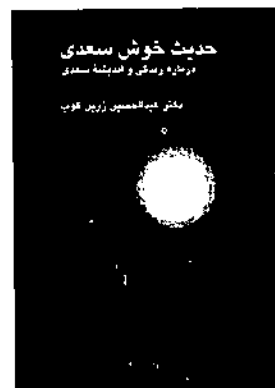
جلد چهارم از مجموعه حاضر که تفسیر عرفانی پاره‌ای از ابیات و مقولات فکری

مولوی است ابیات شماره ۱۳۵۶ تا ۴۰۰۰ را شامل می‌شود.

چاپ اول

۸۱- حدیث خوش سعدی: درباره زندگی و اندیشه سعدی.

عبدالحسین زرین کوب: تهیه و تنظیم: کمال اجتماعی جندقی. - تهران: سخن. - ۱۳۹۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۶۱-۶۸-۱



کتاب، اثر دیگری است از زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب که با تعدادی دیگر از مقالات پیشین وی به طبع رسیده است. بدین ترتیب، هشتاد صفحه نخست این کتاب، متضمن مطالبی جدید از اوست که با سیری در تاریخ عصر سعدی و روزگار منول آغاز می‌شود؛ به ویژه خلق و خوی آتابک ابوبکر - حاکم وقت فارس - و طرز زندگی مردم شیراز گفته می‌آید. در پی آن، تصویری از ایام کودکی و جوانی سعدی به دست داده شده چگونگی تحصیل او در بغداد و چند و چون سفرهایش بازگو می‌گردد. و سرانجام بازگشت سعدی به شیراز و ماحصل تجارب و آموخته‌های او - در قالب انشاهی چون بوستان و گلستان - توصیف می‌شود. مباحث بعدی کتاب، از دیگر آثار او که به نوعی به سعدی مربوط می‌شده جمع‌آوری گردیده است.

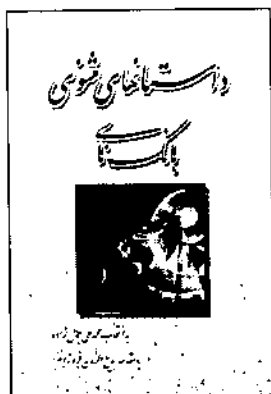
چاپ اول

۸۲- داستانهای مثنوی: بانگ نای.

جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی: گردآورنده: محمد جمال - زاده: مقدمه: بدیع‌الزمان فروزانفر. - تهران: اطلاعات. - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۲۳-۴۶۲-۶

مجموعه حاضر برگزیده حکایات و

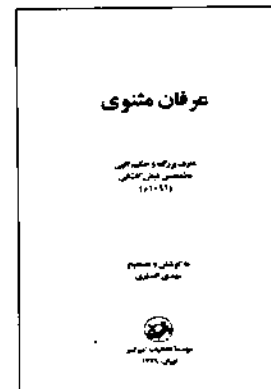
تمثیل‌هایی از شش دفتر مثنوی مولوی است که مجموعاً ۲۷۲ حکایت و ۴۲



تمثیل را شامل می‌شود. در پاورقی نیز معانی پارهای از واژگان و اصطلاحات آمده است.

چاپ اول

۸۳- عرفان مثنوی. محمدبن شاه مرتضی فیض کاشانی: به - اهتمام: مهدی انصاری. - تهران: امیر کبیر. - ۲۳۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۶۶۲-۹



اثر حاضر، مجموعه‌ای است از اشعار برگزیده مولوی که 'ملا محسن فیض کاشانی' آن را همراه با پارهای از اشعار خود - به شیوه تضمین - فراهم آورده و اینک با تصحیح مهدی انصاری به طبع می‌رسد. کتاب با مقدمه‌ای در باب مثنوی مولوی، احوال و آثار ملا محسن فیض کاشانی و مختصات شعر او به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۸۴- فالنامه سعدی: تفال با اشعار نغز و سخنان حکیمانه فروزانه ... حمید شیرازی، نوذر اصفهانی. - تهران: فرهنگ و قلم. - ۲۲۴ ص. - جیبی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول.

شابک: ۹۶۴-۶۹۸۹-۲۸-۴

چاپ اول

۸۵- کلام در کلام مولوی. جلیل مشیدی. - اراک: دانشگاه اراک. - ۲۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۳۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: The theology in maulavis discourse. شابک: ۹۶۴-۹۱۲۸۱-۶-۷



نگارنده در این کتاب ابتدا مقدماتی درباره هر مبحث کلامی - براساس آرای متکلمان - آورده، سپس آرای مولوی (جلال‌الدین محمد بلخی) را ذکر نموده طی آن نمونه‌های توارد، تشابه یا افتراق سخن مولوی را با متکلمان فرقه‌های اسلامی فراهم آورده است. از این رو، جای جای کتاب را با شواهد متعدد، از جمله اشعار مولوی مشحون ساخته است. به طور کلی در کتاب، بررسی اندیشه‌های کلامی مولوی ذیل پنج مقوله اصلی - اصول و فروع دین - صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: توحید، عدل، نبوت، معاد و امامت.

۸۶- کلیات دیوان شمس تبریزی مشتمل بر اشعار فارسی، عربی ملمعات و رباعیات.

جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی: به - اهتمام: جواد اقبال: مقدمه: جواد سلماسی: زاده: مصحح: کاظم کاظم‌زاده - ایرانشهر، عباس ایمانی. - تهران: اقبال. - ۱۷۹۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۵۰۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۴۰۶-۰۲۳-۷

۸۷- کلیات سعدی شامل: گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید فارسی - عربی، قطعات از روی قدیمیترین نسخه‌های موجود: مصاحبه: عبدالله سعدی: مصحح: محمدعلی فروغی. - تهران: طلوع. -

۹۶۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۰۳-۰۱-۴

چاپ اول

۸۸- کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ... مصحح: ابن عبدالله سنی: مقدمه: جلال‌الدین همای. - تهران: دنیای دانش. - ۱۰۶۸ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۱۸-۲۴-۸

۸۹- مثنوی معنوی. جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی: مصحح: رینولدالین نیکلسون. - تهران: قطره. - ۱۱۳۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۴۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۱-۰۹۵-۱

چاپ اول

۹۰- مثنوی معنوی: همراه با معانی لغات، آیات، احادیث، عبارات عربی، اعلام، و کشف الابیات.

جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی: به - اهتمام: توفیق سبحانی. - تهران: روزنه. - ۱۲۵۸ ص. - رحلی (سلفون). - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۹۷-۶

شعر فارسی قرن ۸
afa/۱۲۲

چاپ اول

۹۱- آشنایی با حافظ. محمدعلی جمال‌زاده: به‌اهتمام: علی دهباشی. - تهران: سخن. - ۲۱۴ ص. - رقعی (گالینگور). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۶۱-۵۰-۹



آشنایی با حافظ

زنده‌یاد 'محمدعلی جمال‌زاده' این نوشتار را که در یازده فصل فراهم آورده مباحثی است در احوال و اشعار حافظ که با استناد گوناگون به دیوان حافظ تحریر شده است. باب اول کتاب بحثی است درباره 'زندگی حافظ' که در پی آن فهرست اشعار مورد نظر درج می‌گردد. در باب دوم، اشعار حافظ با موضوع 'درد دل و وصف‌الحال' دسته‌بندی شده و در کنار آن گاه توضیحی مختصر آورده شده است. باب سوم نیز متضمن اشعاری از حافظ است که با عنوان 'دین و آیین و دعا و قرآن' تدوین شده است. باب پنجم، شامل اشعار گسترده‌ای از حافظ است که با موضوع 'اشاراتی به کلیات حکمت و عرفان و معرفت' جمع آمده است. باب ششم تدوین اشعاری است با موضوع 'بند و اندرز، دلالت و ارشاد'. ابواب بعدی نیز با این موضوعات تدوین گردیده است: 'حافظ از خود و شعر خود سخن می‌گوید'، 'مبارزه حافظ با ریا و سالوس و زرق و تدریس'، 'شراب و می‌گساری'، 'حافظ در شیراز و در غربت و در ناکامی و عسرت'، 'حافظ و قصیده مناجاتی'، در انتهای کتاب، نوشته‌ای از 'آیبرج افشار' در باب احوال و آثار 'محمدعلی جمال‌زاده' و متعاقب آن چندنامه و سند به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۹۲- دیوان حافظ. شمس‌الدین محمد حافظ: مقدمه: جعفر یاحقی. - تهران: به نشر. - ۵۲۸ ص. - وزیری (گالینگور). - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۰۸۹-۳

۹۳- دیوان حافظ: از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. شمس‌الدین محمد حافظ: مقدمه: پژمان بختیاری: مصحح: محمد قزوینی، قاسم غنی: خطاط: امیراحمد فلسفی. - تهران: پیک فرهنگ. - ۴۴۴ ص. - وزیری (سلفون). - ۲۵۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۸۸-۱۵-X

۹۴- دیوان حافظ: نسخه علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی رحمه الله علیه. شمس‌الدین محمد حافظ. - تهران: شقایق. - ۴۴۶ ص. - جیبی (سلفون). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۴۲-۵۹-۶

۹۵- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی.

مصحح: تیمور برهان لیمودهی. - تهران: سنایی. - ۳۴۶ ص. - رقمی (سلفون). - ۱۵۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۹-۷۳-۶

۹۶- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی با استفاده از نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

شمس الدین حافظ: مقدمه: عزیزالله کاسب: خطاط: محسن خرازی. - تهران: گنجینه. - ۴۴۳ ص. - جیبی (سلفون). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۱۵۲-۰۱-۵

۹۷- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی: با استفاده از نسخه تصحیح شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی.

کیومرث کیوان: مقدمه: کیومرث کیوان: خطاط: حسین خسروی. - تهران: جواهیری. - ۳۹۶ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ ششم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۱۰۲-۴-۶

۹۸- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی همراه با زندگینامه خواجه.

خطاط: حمید هاشمی. - تهران: مهر تابان. - ۵۸۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۹۶۴-۹۲۹۶۶-۱-۱

شابک: ۹۶۴-۹۲۹۶۶-۱-۱

چاپ اول

۹۹- غزلیات حافظ: نقد و بررسی دستنویس ها و نسخ علمی - انتقادی، مشکول نویسی ...

شارح: بهروز ثروتیان. - تهران: رهام. - ۱۰۱۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۵۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۴۰۰۰ نسخه.

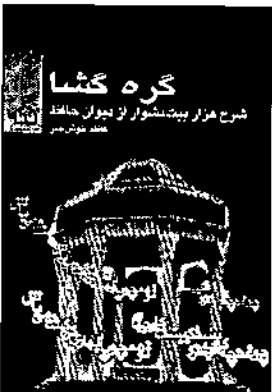
شابک: ۹۶۴-۵۶۹۶-۰۵-۴

چاپ اول

۱۰۰- گره گشا: شرح و معنی یک هزار بیت مشکل از غزلیات حافظ. کاظم خوش خبر. - تهران: شادگان. -

۳۸۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۹۱۷-۰۴-۳



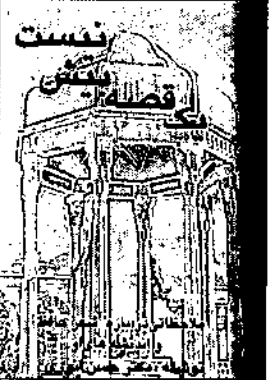
این مجموعه، حاوی یک هزار بیت از غزل های حافظ است که بیش و کم با ملاحظه ترتیب توالی قوافی، برگزیده شده، سپس معانی هر یک، به همراه شرح پارهای از واژگان و تمایز، به دست داده شده است. نگارنده در مقدمه کتاب، از عصر حافظ، زندگی او، شرح و تفسیر شعر حافظ، و مختصری درباره اصطلاحات صوفیانه و عارفانه سخن می گوید.

چاپ اول

۱۰۱- یک قصه پیش نیست (ملاحظات درباره شعر حافظ و اندیشه های او).

حسن انوری. - تهران: عابد. - ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۰۷۷-۷۵-۰



دکتر حسن انوری در این مجموعه، مباحثی چند در باب مختصات شعر حافظ و اندیشه های او گردآورده است. بحث نخست کتاب - تمرکز معانی - کاربرد ابهام نام دارد که طی آن نویسنده با شواهد گوناگون، ویژگی کاربرد واژه های دو یا چند معنایی را در شعر حافظ، تشریح می کند. میحت دیگر کتاب تحت عنوان 'گوشنوازی شعر' به بررسی هنر موسیقایی در شعر حافظ اختصاص دارد.

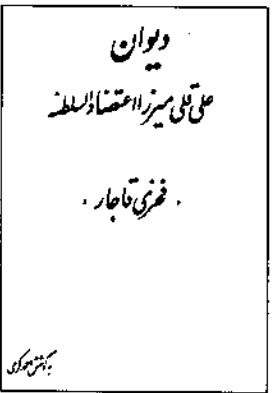
و در پی آن، کاربرد ویژه در شعر حافظ با ذکر ابیات متعدد بررسی می شود. 'عشق'، 'خرقه'، 'پیر'، 'خانقاه' و 'صوفی' از جمله این واژگان هستند، نویسنده در قسمت دیگر کتاب، دو صفت ویژه در اندیشه شاعر را 'زندگی' و 'عشق' معرفی کرده مختصری درباره آن توضیح می دهد. مقوله بعدی کتاب که 'دستورمندی' نام دارد به توضیحات دستوری در شعر حافظ مربوط می شود: سپس چند غزل از دیوان حافظ شرح و بررسی شده در انتها نکاتی درباره تصحیح انتقادی دیوان حافظ فراهم می آید.

شعر فارسی قرن ۱۲ و ۱۳ Afa/5

چاپ اول

۱۰۲- دیوان علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه 'فخوری قاجار'. علی قلی بن فتحعلی اعتضادالسلطنه: به اهتمام: احمد کریمی. - تهران: ما. - ۱۲۶ ص. - رقمی (گالینگور). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۱۰-۵۵-۴



دیوان حاضر، اشعار 'علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه' - از شاهزاده های دوره قاجار - متضمن غزلیات، رباعیات و اشعار پراکنده اوست که اینک نمونه ای از آن درج می گردد: از عشق آن زیبا صنم دیوانه ام دیوانه ام / ویران ز سیل غم شده کاشانه ام کاشانه ام / ناصح ز عشق روی او دیوانه می خواند مرا / نی نی من اندر عاشقی فرزانه ام فرزانه ام ...

شعر فارسی (از سال ۱۳۲۰-) Afa/6

چاپ اول

۱۰۳- آشنای دل: مجموعه اشعار. شاعر: محمدرضا طاهری فرد. - تهران: فرانگ. - ۱۰۲ ص. - رقمی (شمیز). -

۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۳۳۷۷-۷-۱



در این کتاب، اشعاری چند در قالب غزل، دوبیتی و رباعی گردآمده است. نمونه ای از دوبیتی های 'محمدرضا طاهری فرد' چنین است: چه گویم ای فلک در سوز عشقم / گرفتار غم جانسوز عشقم / اگر خونابه آید از دل زار / به جان تو که نوازش عشقم.

چاپ اول

۱۰۴- آواز قرن. شاعر: محمدعلی داور. - تهران: روزگار. - ۸۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۷۵۸-۱۰-۶



اشعار این کتاب تحت سه عنوان: 'چاوش خیال'، 'آواز اوج، بنفش سرخ' و 'زیر بال عشق' در قالب مثنوی به نظم کشیده شده است. مثنوی حاضر با این ابیات آغاز می شود: ما نقیب کاروان ناله ایم / چاوش داغی هزاران ساله ایم / زخمای بر تار جانی می کشیم / آرای بر استخوانی می کشیم / بوی کافور آید از آواز ما / چون رگ مرده است سیم ساز ما ...

۱۰۵- آید: درخت و خنجر و خاطره! (مجموعه شعر). شاعر: احمد شاملو. - تهران: مروارید. - ۱۳۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۰۲۶-۴۲-۷

چاپ اول

۱۰۶- آینه خیال. شاعر: جمشید میرسلیمی. - تهران: پژوهنده. - ۸۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۱۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۲۰۲-۱۵-۷



در 'آینه خیال' - مجموعه اشعاری ستنی از 'سید جمشید میرسلیمی' - سروده هایی از این دست به چشم می خورد: غروب عشق من پی دیدنی هست / سرود هجر من بشتی دنی هست / دل من می تپد از درد هجران / غم از باغ وجودم چینی هست ...

چاپ اول

۱۰۷- آینه دار آب (زندگی نامه، نقد، بررسی و گزیده آثار) شیون فومنی. شارح: مهدی خطیبی. - تهران: روزگار. - ۱۸۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۷۵۸-۰۷-۶



در کتاب، ابتدا سال شمار زندگی زنده یاد 'شیون فومنی' به چاپ می رسد: سپس مختصات اصلی شعر او با مفاهیمی همچون 'یوم گرای زبانی، هنجارگریزی معنایی (تشخیص، پارادوکس، حسن آمیزی و...) - هنجارگریزی معنایی و

توازن‌های آوایی بررسی می‌شود. بخش دوم کتاب برگزیده‌ای است از اشعار «شیون فومنی» در مجموعه‌های: «سمفونی طبیعت دریا تیار آب» (دفتر غزل)، «آب» یعنی: تشنگی‌های روان (دفتر مثنوی)، «چکاوک‌نامه» (دفتر رباعی و دوبیتی)، «گل‌نهم ترانه باران» (دفتر چهارپاره)، «یک دهان کبود آواز» (دفتر شعرهای آزاد)، یادآوری می‌شود معانی پارهای از واژگان و اصطلاحات در انتهای هر شعر به چاپ رسیده است. در انتهای کتاب، مصاحبه‌ای با شیون فومنی - از رادیو گیلان - درج گردیده است.

چاپ اول

۱۰۸- از بنفش تند تا ... به تو می‌اندیشم.
شاعر: هوشنگ ایرانی؛ مقدمه: منوچهر آتشی. - تهران: نخستین. - ۲۳۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۶-۳۴-X

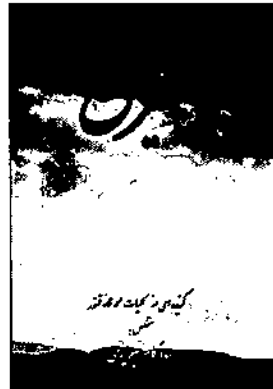


در کتاب، بخشی از نوشته‌ها و سروده‌های «هوشنگ ایرانی» (تولد ۱۳۰۴) شاعر نوپرداز ایرانی، فراهم می‌آید. مقدمه کتاب، نوشته‌ای است از «منوچهر آتشی» درباره هوشنگ ایرانی، تحت عنوان: «سوهان‌گر سنتها و متارفاها» که به بررسی اجمالی شعر او مربوط می‌شود. «حیات فرم» (درباره اصالت زیبایی و هنر)، «هنرمند در برخورد با بیرون»، «ارزش هنری اجتماع» و «هنرشناس» پاره‌ای از مقالات هوشنگ ایرانی است که با بعضی از سروده‌های او، از جمله «سوهانگران» در کتاب، به طبع رسیده است. می‌سایند / زنجیر سن / می‌خواید... رشته کهن / سوهانگران ز درد بیجان به خود می‌خمد و باز می‌سایند / در نبرد با زمان و مکان قید سن را می‌گسلند...

چاپ اول

۱۰۹- اسیر عشق.
شاعر: محمد قانقدور. - تهران: قلم‌آشنا.

۱۰۴- جلد اول. - رقی (شمیز). - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۷۹۱-۱-۳



اشعار این کتاب بیشتر در قالب غزل سروده شده که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: عاشقی راه دگر دارد و سوی دگری / گل عشق رنگ دگر دارد و بوی دگری / دلیرا عشق تو آتش زده بر پیکر من / مرغ دل سوی تو دارد نه به سوی دگری / من به عشق تو گرفتار شدم روز ازل / غافل از جور و جفا جویی و خوی دگری...

چاپ اول

۱۱۰- آفای‌های امید.
شاعر: زهرا کشاورز باقری. - تهران: سیمرو. - ۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۸۵-۸۰-X



آفای‌های امید دفتر شعری است سروده «زهرا کشاورز باقری» که بیشتر در قالب غزل و اغلب با مضمون عاشقانه به نظم درآمده است؛ برای نمونه: تو ای مسافر شهر محبت / بیا از کوچه‌های من عبور کن / بیا با آن خضوع می‌جد خود / تمام آسمان را، بی‌غرور کن...

چاپ اول

۱۱۱- انگشتی انگشت پنجم: حضرت روح‌الله در شعر شاعران گیلان.
بهاهتام: فرامرز محمدی‌پور. - تهران:

موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره). - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.



در این مجموعه، گزیده‌ای از سروده‌های شاعران گیلان، در ستایش و رثای امام خمینی (ره) به طبع رسیده است. «سجده پرواز» در این مجموعه، سروده‌ای است از ابوالقاسم حسینیجانی: می‌توان خود را به دست باد داد / عقل را در عشق او، بریاد داد / می‌توان دست شقایق را گرفت / بر سر چشمان صحرا، جا گرفت...

چاپ اول

۱۱۲- بادبان و دریا را باد برده است: دو دفتر شعر...
شاعر: محمدعلی شاکری یکتا. - تهران: کتاب نادر. - ۱۷۳ ص. - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۵۷-۸-۸



کتاب متضمن دو دفتر شعر از «محمدعلی شاکری یکتا» است که سروده‌هایی از این دست را شامل می‌شود: شب بویها را برای می‌آورم / تا همسایگان بنانند / تو در راز گلستان‌ها بیشتر جلوه‌گری / تا در اعماق باغ‌های عموسی / تو در ریشه گلستان‌ها زیباری / چرا که اتاق و سخت سری زندگی را / آرام و بی‌ریا به کف می‌گیری / تا همه، با تنی رام و رها، به خواب روند.

چاپ اول

۱۱۳- باران عشق: مجموعه شعر.
شاعر: محمد زارع. - قم: سلسله. - ۸۰

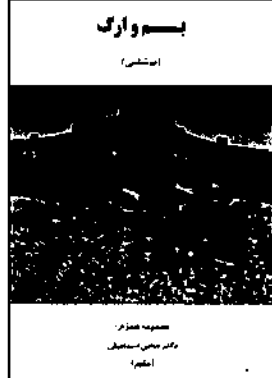
ص. - رقی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۲۰۵-۸-۲



کتاب، مجموعه چند شعر سنتی است که با مایه‌های مذهبی، سیاسی و گاه عاشقانه به نظم کشیده شده است؛ برای نمونه: دارم هوای کوی تو، ای راحت جان / آیم که شاید تازه سازم عهد و پیمان / عمری است سرگردان صحرای عبورم / چون خار و خس در هر طرف افتان و خیزان...

چاپ اول

۱۱۴- یم و ارگ (یم‌شناسی).
عباس اسماعیلی. - تهران: عباس اسماعیلی. - ۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۸۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.



اشعار این مجموعه توصیفی است از برخی مناطق استان کرمان، از جمله یم و ارگ که گاه با گویش محلی به نظم کشیده می‌شود. نمونه‌ای از دو بیت‌های کتاب چنین است: به نام «ارگ یم» شهری بنا شد / فلک با چار فصلش آشنا شد / اگر چه در طلسم «هفتواد» است / ولی «یمن» حدیث یادها شد.

چاپ اول

۱۱۵- پرچین پایه: مجموعه شعر.
شاعر: علیرضا طالقانی. - ورامین:

علیرضا طالقانی. - ۷۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۱۰۰ نسخه.

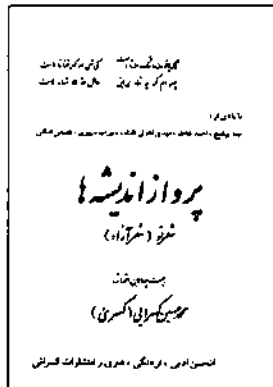


شعر «پرچین پایه» و ۳۱ سروده دیگر - عمدتاً غزل - در این مجموعه به چاپ رسیده است. «پاس سر شانه» نمونه‌ای است از اشعار این مجموعه: از همان دم که دلم خانه توست / عقل من خسته دیوانه توست / نتوان دید تو را بی‌رخ خویش / آینه همدم بیگانه توست...

چاپ اول

۱۱۶- پرواز اندیشه‌ها (سروده‌های آزاد).
شاعر: محمدحسین کسرائی. - تهران: کسسرائی. - ۲۴۸ ص. - وزیری (کالینگر). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۶۲-X



کتاب، با استقبال از چند سروده شعر معاصر آغاز می‌شود؛ سپس سروده‌هایی نو عمدتاً در مایه‌های ملی، وطنی و اجتماعی به طبع می‌رسد؛ از جمله: سخن از فرخوسی است / آن ابرمرد وطن‌دوست / آن که سی سال سخن را به نیايشگه میهن دیرینه ما مهمان کرد / آن که با رستم و جمشید و فرانک / گوی و گودرز و فریدون / و دگر ناموران / بهترین گفته جاویدان را / هدیه بر ایران کرد...

چاپ اول

۱۱۷- تا نریا عشق: مجموعه مقالات ادبی و اشعار.
نریا صالح. - تهران: نریا صالح. - ۲۱۶

ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۶۰-۲۲۵-۷

(گالینگور) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۷۲-۵۹-۱

ص. - جیبی (شمیز) - ۳۵۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۰-۰۴-۶

سروده‌های این مجموعه است: جو درخت در بهار، به ترانه‌های باران / چه خوش است شست و شویی ز غبار روزگار / چه خوش است باز گفتن غم و درد جان خود را / ز هراس نابکاران، به غریو باد و باران / چه خوش است چو سیده ز شب سیاه، زادن / به نشاط خنده کردن، به شب سیاه کاران...

چاپ اول

۱۲۴- دیوان اشعار اشک سحر
حسین خسرویان اصفهانی - اصفهان: گل افشان - ۲۱۶ ص. - وزیری (گالینگور) - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۸-۰۷-۰

اشک سحر به درود و درود و درود
یا رب من آید به آید به آید به آید
دیوان اشعار سحر
اشک سحر
شیراز: انتشارات گل افشان

اشک سحر سروده حسین خسرویان اصفهانی متضمن اشعاری ستی است که بیشتر در قالب غزل به نظم کشیده شده است. این اشعار عمدتاً مذهبی و در مدح و رشای امامان شیعه است. کبیه دل شعری است در مدح امام علی (ع) در چهره علی بین انوار کبریا را / کز پرتو گرفته خورشید و مه ضیا را... بر طرف کبیه دل محرم شوی همانا / گر با ولای حیدر خوانی تو رینا را...

چاپ اول

۱۲۵- دیوان اشعار حماسی اندیشه، تهاجمات صدام
محمدجواد رستگار - شیراز: کوشامهر - ۴۱۰ ص. - جلد سوم - وزیری (گالینگور) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۹۵۱-۵۴-۳

سومین جلد از دیوان حاضر سروده محمدجواد رستگار در دو بخش به نظم کشیده شده است: ۱- تهاجم عراق به ایران، ۲- حمله عراق به کویت. در بخش نخست، نکات عمده جنگ تحمیلی و دفاع مردم سلحشور ایران به تصویر کشیده شده است. در بخشی از اشعار این مجموعه می‌خوانیم: به پا

۱۲۲- خواب یک شب
شاعر: سیمین دخت حسینی - تهران: آفرینه - ۸۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۱۹۱-۶۲-۲

در این مجموعه، غزل‌هایی سروده محمد حسین کسرائی گردآمده که با یاد تو نمونه‌ای از آن سروده‌هاست: ای فروغ رخ تو اختر تابنده من / اختر سد من و کوکب رخشنده من / گر به نوروز ز آتش، غم دل بزاید / مهر تو عید من و شعله تابنده من / جاودان گرچه کسی نیست ولی عشق تو شد / عمر جاوید من و هستی پاینده من...

اشعار این مجموعه از سیمین دخت حسینی عمدتاً با مایه‌های سیاسی و اجتماعی سروده شده است: برای نمونه: سرزمین بکر و پاک سادگی / زیر ستم بی کسی تسخیر شد / چشمه‌سار بی‌غش انسانیت / در کویر دردها تخیل شد / در سکوت جاده‌های منتظر / جاده گرم ریختن به خانه بود / عقده‌های بسته راه گلو / همچنان در انتظار رخنه بود...

چاپ اول

۱۲۳- در غریو باد و باران شعر (۱۳۵۸ - ۱۳۷۳)
شاعر: ولی‌الله درودیان - بندرعباس: چی‌چی‌کا - ۵۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۲۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۱۸۳-۰۱-۱

در غریو باد
ولی‌الله درودیان

کتاب متضمن ۳۰ قطعه شعر است که بیشتر در قالب غزل به نظم درآمده است. در غریو باد و باران عنوان یکی از

جلوه‌های عشق جاویدان
محمد حسین کسرائی

در این مجموعه، غزل‌هایی سروده محمد حسین کسرائی گردآمده که با یاد تو نمونه‌ای از آن سروده‌هاست: ای فروغ رخ تو اختر تابنده من / اختر سد من و کوکب رخشنده من / گر به نوروز ز آتش، غم دل بزاید / مهر تو عید من و شعله تابنده من / جاودان گرچه کسی نیست ولی عشق تو شد / عمر جاوید من و هستی پاینده من...

چاپ اول

۱۲۰- حدیث آرزو و مستندی (مجموعه‌ای اشعار)
شاعر: حمید تجریشی - تهران: سمر - ۱۵۶ ص. - رقصی (مقوایی) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۵۰۸-۲۳-۳

حدیث آرزو
حمید تجریشی

اشعاری از حمید تجریشی در قالب‌های ستی همچون رباعی و غزل در کنار سروده‌های نو در کتاب به چاپ رسیده که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: گر کافر و گیر و گر مسلمان باشی / گر شاه و گر گدای دوران باشی / در پهنه کائنات و هستی، آن دم / شایسته بودنی که انسان باشی.

۱۲۱- حماسه‌سازان عاشورا
مصطفی اسرار / شاعر: حسن ژولیده - نیشابوری - تهران: باقرالعلوم - ۲۵۶

تا تریا عشق مجموعه‌ای است از قطعات ادبی و سروده‌های تریا صالح که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: ز رشته‌های محبت مرا جدا مکنید / ز بند دام عزیزان مرا رها مکنید / من از قبیله عشقم مگر نمی‌دانید / در این قبیله ز یاران مرا جدا مکنید...

چاپ اول

۱۱۸- ... تا همیشه (مجموعه شعر)
شاعر: پیمان طاهری - تهران: تاخ - ۹۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۶۶۳-۷۲-۵

پیمان طاهری
تا همیشه

کتاب متضمن سروده‌هایی است به شیوه نو که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد. پشت سر کوچه است و پیش روی نیز / من میان یک خم از این کوچه‌ها / زیر لب با خویش می‌خوانم چنین: / نیچکی گر سر برارد از خیاط / بینش اما بندم دل به او / همچنان من کوچه‌ها را می‌روم / با تمام خنده‌ها و اشک‌ها.

چاپ اول

۱۱۹- جلوه‌های عشق جاویدان
شاعر: محمد حسین کسرائی - تهران: کسرائی - ۳۶۴ ص. - وزیری

گشت هنگامه کارزار / وطن شد بر این واقعه داغدار / چو ایران ز بیگانگان دور شد / عراقی نمایانگر زور شد / به تحریک

دیوان
اشعار حماسی اندیشه
تهاجمات صدام
شیراز: انتشارات گل افشان

یک کشور اجنبی / تجاوز به ایران نمود افق...

چاپ اول

۱۲۶- دیوان اشعار ضیاء الحق (نور خدا)
علی‌اصغر صالحیان / ویراستار: سولماز اسداللهی-پریس - تهران: بقاء - ۲۴۸ ص. - وزیری (گالینگور) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۱۶۹-۳۳-۳

دیوان اشعار
ضیاء الحق (نور خدا)
علی‌اصغر صالحیان

این دیوان، سروده علی‌اصغر صالحیان، مشتمل بر اشعاری ستی است که اغلب در قالب غزل به نظم کشیده شده است. از جمله: گر نظر در نیمه شب آن ماه رخسارم کند / از علایق در حصول جاه، بیزارم کند / رشته الفت بریدن از کسان مقدور نیست / تا مگر حبل‌المتین دوست افسارم کند...

چاپ اول

۱۲۷- دیوان بینش
شاعر: تقی بینش‌آق‌اولی - تهران: ما - ۸۷۴ ص. - وزیری (گالینگور) - ۳۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: Divan taghi binesh aghevli

دیوان پیش

میرزا تقی خان آقاوای

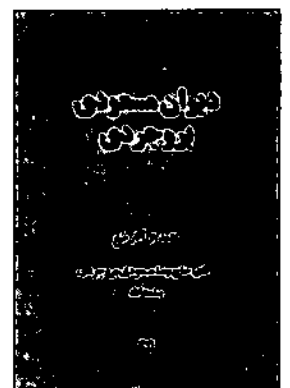
دیوان 'میرزا تقی خان آقاوای' (وفات ۱۳۷۵ شمسی) متضمن اشعاری در قالب‌های مختلف سنی است. در این دیوان گاه اشعاری با مضامین سیاسی و اجتماعی به طبع رسیده است؛ برای نمونه: ما مملکتی خراب داریم/ بنیان بقا بر آب داریم/ در هر بدی به انتخابی/ غوغای بی انتخاب داریم/ هر خوردن مال وقف و ایتم/ چون عمر سر شتاب داریم/...

۱۲۸- دیوان کامل رهی (سایه عمر - ازاده - ترانه‌ها).

محمدحسن معیری به اهتمام: کیومرث کیوان. - تهران: مجید. - ۵۴۰ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۵۳-۰۲۸-۴

چاپ اول

۱۲۹- دیوان مسعودی بروجرودی. شاعر: رضا مسعودی بروجرودی. - تهران: رضا مسعودی بروجرودی. - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۶۵۴-۱



این دیوان ابتدا با اشعاری مذهبی از جمله مدح و رثای چهارده معصوم آغاز می‌شود و در پی آن چندین غزل عرفانی درج می‌گردد؛ برای نمونه: دلم از پرده

بیرون با تو نوایی دارد/ پرده از دل چو فتد راه به جایی دارد/ در فضای چمن روی دل انگیزت عجب/ اندلیب دل من شور و نوایی دارد/...

چاپ اول

۱۳۰- راز سخن (مجموعه رباعیها).

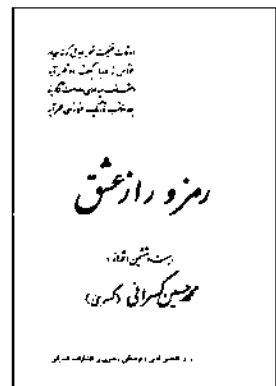
شاعر: اسدالله محمدصادق. - قم: باورداران. - ۱۸۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۹۶-۳۳-۷



اسدالله محمد صادق در این مجموعه، رباعیات و دو بیتی‌های خود را گرد آورده است. اشعار کتاب با حواشی مزین و خط نستعلیق به چاپ رسیده است. نمونه‌ای از رباعیات این کتاب چنین است: این بهلوسان اسیر دامند هنوز/ در حسرت مال و جاه و نامند هنوز/ هر چند خورند تشنه‌تر می‌گردند/ در پیچ و خم کاف کلامند هنوز.

چاپ اول

۱۳۱- رمز و راز عشق. شاعر: محمدحسن کسرائی. - تهران: کسرائی. - ۳۲۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۷۲-۵۷-۵



'رمز و راز عشق' بیست و ششمین

مجموعه اشعار 'محمد حسین کسرائی' است که در قالب غزل به نظم کشیده شده است. 'حق‌گزاران' نمونه‌ای از غزل‌های این مجموعه است: خوشا و خرما آن روزگار/ که خرم بود بزم ما ز یاران/ نشسته با دلی لبریز از عشق/ به خوشکامی کنار جویباران/ .../ مکن تو یاد 'کسری' را فراموش/ که او باشد ز خیل غمگساران.

۱۳۲- زلال اشک: شامل دوبیتی‌ها و تک‌بیتی‌ها و ...

شاعر: حسن ژولیده‌نیشابوری. - تهران: مفید. - ۱۲۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۵۰-۴۵-۷

چاپ اول

۱۳۳- ساعت و خاکستر: مجموعه شعر.

شاعر: محمود لشکری. - بندرعباس: چی‌چی کا. - ۱۲۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۱۸۳-۰۴-۶

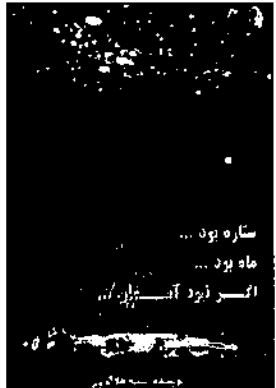


'ساعت و خاکستر' سروده‌هایی است از 'محمود لشکری' با نمونه‌ای از این دست: دریای منحنی/ در کشتی سپیده که می‌آید/ حجم خروس خوان زمین را/ آب فرا می‌گیرد/ جنگل به آب و آبی و ساحل/ ساحل به آب و آبی دریا/ دریا در آسمان سحر/ خفته است/ این سان/ خروس خوان جهان آبی است.

چاپ اول

۱۳۴- ستاره بود ... ماه بود... اگر نبود آسمان.

سیمه هلاکوئی. - تهران: علیرحم‌شایان. - ۶۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۸۰-۲۲-۹



کتاب متضمن اشعاری سنی است که اینک چند بیت از آن - در قالب مثنوی - درج می‌گردد: منم تنهاتر از تنهای تنها/ نگاهم کن منم رسوای دنیا/ بین چشمان من را غم گرفته/ فضای سینام ماتم گرفته/ امیدم رفته بر باد و تباه است/ شبم تاریک و روز من سیاه است/...

چاپ اول

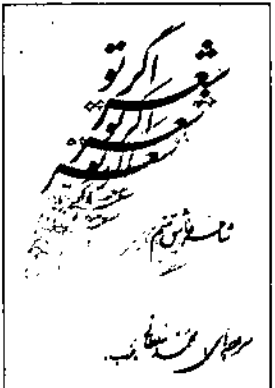
۱۳۵- سوز عشق. علی کوچک‌دخت‌مهرانی. - تهران: نذیر. - ۵۶ ص. - رقصی (شمیز). - چاپ اول / ۲۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۳۵-۳۷-۹



'علی مهرانی' در این مجموعه، سروده‌های خود را در دو بخش سنی و نو فراهم آورده است. بخشی از این اشعار حاوی مضامین مذهبی است. ابیات نخستین از شعر 'حصار کینه' چنین است: کاش چشمان تو بارانی نبود/ در سکوت عشق طوفانی نبود/ کاش در اندیشه پاکت چنین/ اعتبارم رو به پایانی نبود/...

چاپ اول

۱۳۶- شعر اگر تو. شاعر: محمد سلطانی. - تهران: آتنا. - ۱۶۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۸۶-۱۲-۷



کتاب، مجموعه اشعاری است از 'محمد سلطانی' که عمدتاً در قالب غزل به نظم کشیده شده است؛ از جمله: دلم گرفته به اندازه قفس در باغ/ به سینه می‌شکند هر نفس، نفس در باغ/ در این هوای نفس-گیر دست هر شاخه/ کشیده است به تصویر یک قفس در باغ/...

چاپ اول

۱۳۷- صدای سوت سیاه پاسبان‌ها. شاعر: وحید مدحتی. - تهران: صدا. - ۷۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۵۵۸-۳۷-۲



مجموعه حاضر متضمن سروده‌هایی است در قالب نو که عمدتاً با مضامین اجتماعی فراهم آمده است، از جمله: کم تاست از روی زخم‌هایم پاک می‌شود/ روزی که آمدی/ فقط یک جرقه بود/ و خیال کردی/ که وست آتش/ به سمت زخم‌های من است/ یادآور می‌شود چند قطعه از سروده‌های کتاب در انتها، به زبان فرانسه ترجمه شده است.

چاپ اول

۱۳۸- صدف دختر دریا. شاعر: فرزانه اخگر بازرگان. - تهران: گفت‌وگو. - ۱۱۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.



اشعاری که در این مجموعه گردآمده بیانگر احساسات مادرانه است که اغلب با اشعاری از این دست سروده شده است: می‌تراود از نگاهت زندگی / می‌دهد چشم سیاحت زندگی / لحظه‌ها یعنی ظرافت - های تو / لحظه‌ها نبض ظرافت‌های تو / دخترم شیرین‌تر از قند و عسل / کهکشان مثنوی ماه غزل...

چاپ اول

۱۳۹- غزل دمان: مجموعه شعر. شاعر: محمد سلمانی. - بندرعباس: چی- چی. ک. - ۱۸۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۲۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۶۳-۰۲-X



'محمد سلمانی' در این مجموعه ۸۱ غزل و سه مثنوی به نظم کشیده است. ابیات آغازین یکی از غزل‌ها چنین است: آسمان آبی عرفان من چشمان توست / اختر تابنده کیهان من چشمان توست / در حضور چشم‌هایت عشق معنا می‌شود / اولین درس دبیرستان من چشمان توست...

چاپ اول

۱۴۰- قرار ناگذاشته ما: پای دیوار خاطرات. شاعر: یاور سلیمانی. - تهران: سیمرو. - ۹۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. -

چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۸۵-۷۹-۶



کتاب مجموعه‌ای از سروده‌هاست که به شیوه نو و اغلب با مضمون عشق و فراق به طبع رسیده است: برای نمونه: واپسین کشتی نجات / از جزیره اسرارآمیز چشمانت / که غرق شد / حالا / منم و زورق بی‌پارویی طوفان دیده جوانی‌ها / سرگردان / روی آب‌های تقدیر رها می- شوم...

۱۴۱- قطعه‌نامه.

شاعر: احمد شاملو. - تهران: مروارید. - ۹۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۲۶-۸۷-۷

چاپ اول

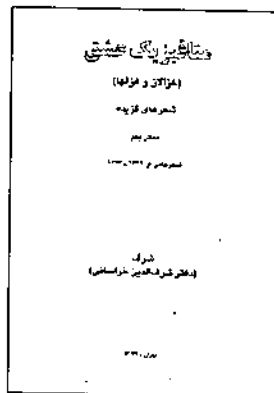
۱۴۲- گلچین اشعار. شاعر: ثریا قاسمی‌شهر. - تهران: ثریا قاسمی‌شهر. - ۱۳۳ ص. - جیبی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۵۰-۲۰۸-۲



در مجموعه حاضر، اشعاری اغلب در توصیف اهل بیت پیامبر (ص) و موضوعات متفرقه دیگر به چاپ رسیده که از آن جمله است: از لبانت هست ریزان ای معلم / گوهر و لعل بدخشان ای معلم / عرضه کردی کیمیای علم را / زر نمودی خاکساران ای معلم...

۱۴۳- منافذیک عشق (غزلان و غزلیها): شعرهای گزیده. شرف‌الدین خراسانی. - تهران: شهاب ناشر. - ۵۹۸ ص. - وزیری (کالینگور). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۷۶-۰۷-۷

چاپ اول



این کتاب در برگزیده بخشی از شعرهایی است که آن را 'شرف‌الدین خراسانی' از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۷۳ به نظم کشیده است. 'فسانه‌ها' نمونه‌ای از سروده‌های این مجموعه است: نشان ز مهر و وفا نیست در زمانه ما / در این زمانه مجوید پس نشانه ما / مگر که بخت شود یار تا که دیگر بار / همای عشق نشیند در آشیانه ما...

چاپ اول

۱۴۴- مثل یک حباب آبی: هفت دفتر. قدسی قاضی‌نور. - تهران: سالی. - ۲۲۴ ص. - رقمی (مقوایی). - ۱۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۱۹۱-۰۳-۰



مجموعه حاضر که متضمن اشعار کوتاهی است از 'قدسی قاضی‌نور' از میان هفت دفتر شعر او انتخاب گردیده است. در یکی از قطعات مربوط به 'واژه

زخمی' می‌خوانیم: روزی که نسیم دریا / به اهتزاز درآورد گیسوانم را / روی ماسه نوشتم / سرگ بر قفل / مرگ بر دیوار / مرگ بر سیم خاردار / مرگ بر هر آنچه مرا / کرد از تو جدا.

چاپ اول

۱۴۵- مرید نگاه. به‌اهتمام: علی ادیب. - (و دیگران). - تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره). - ۸۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.



در این مجموعه، چند سروده از شاعران استان ایلام - به یاد امام خمینی (ره) - به طبع رسیده است. برای نمونه، 'شب شیون' سروده‌ای است از 'زیلا رضایتی': شبی که کرکسان / چشم‌هایم را / برایت هدیه آوردند / کاش فرصتم می‌دادی / تا تمام فاصله‌ها را بدوم / و آخرین بوسه بهاری‌ام را / به دروازه درخت بیاویزم...

چاپ اول

۱۴۶- مثنوی نور سرود: شعرهای ۷۸-۱۳۷۰. شاعر: ضیاء موجد. - تهران: اکنون. - ۱۲۰ ص. - رقمی (مقوایی). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۰۸۲-۸-۰



در این دفتر، عمدتاً سروده‌های مربوط به دهه هفتاد از 'ضیاء موجد' به طبع رسیده است. این سروده‌ها در قالب نو بوده که البته وزن، به ویژه قافیه، در آنها نقش

اساسی دارد. 'مثنوی نور سرود' عنوان یکی از سروده‌های این مجموعه است: مثنوی نور سرود / از چشمه آبی / برخیز / سپیده دم نزدیک است / هر نهالی که صبح کاشتیم / غرویش از ریشه برکند / باز هم / فقط کار باقی است / برخیز / مثل همه / مثل همیشه / خورشید مهربان قدیمی / قطره‌های شب را / از گونه‌ها / پاک خواهد کرد.

چاپ اول

۱۴۷- من دیگری هستم. شاعر: حسن صفدری. - اصفهان: آثریات. - ۸۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۲۳-۰۶-۵



در این دفتر اشعاری به سبک و سیاق نو سروده شده است. قطعه 'پر داشت' نمونه‌ای است از سروده‌های این مجموعه: شخم می‌زنم / کلمه می‌کارم / فصل درو که می‌شود تو می‌ایی / با خرمنی از آتش بر سر / هر چه کاشته / هر چه برداشته‌ام / یک سر می‌سوزانی / به جانم گفاری / جز خاکستر.

چاپ اول

۱۴۸- من و فروغ: خوانش و حرف‌هایی در متن و حاشیه‌ی یک شعر.

فردین نظری. - تهران: نگاه سبز. - ۶۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۶۳۹-۰۵-۰

نگارنده در این مجموعه ابتدا از 'فروغ فرخزاد' و ویژگی اشعار او سخن می‌گوید: سپس شرح و تمییری اجمالی از شعر 'ایمان بی‌اوریم به آغاز فصل سرد' ب دست می‌دهد و در انتها همین قطعه مورد نظر را به چاپ می‌رساند. وی درباره این سروده خاطر نشان می‌کند: 'ایمان بی‌اوریم به آغاز فصل سرد' شعری است با یک حرکت دورانی ممتد که

مدام ذهن کنکاش گر مخاطب را درگیر زایش‌های تاویلی و هوس بازخوانی‌های مکرر می‌کند. زایش‌هایی که گاه آن قدر حسی و لطیف می‌شوند که اصلا نمی‌



توان در دنیای آنها حرفی از تئوری و ساخت و شالوده و بنیان‌های صنعتی زبان، یا بحث‌های نظری روشنگرانانه راه انناخت، چرا که دیدگاه‌ها و فلسفه زیبایی‌شناسانه فروغ تمام حصارها را می‌شکند...

چاپ اول

۱۴۹- **مظلومه‌ی گم بودگی:** مجموعه شعر.

شاعر: عبدالرضا رادفر - تهران: معیار - ۹۴ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۰۱۱-۱۳-X

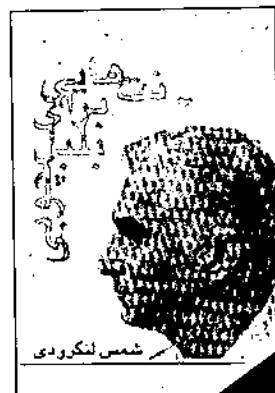


کتاب متضمن ۷۲ سروده نو از 'عبدالرضا رادفر' است که برای نمونه یکی از آنها، با عنوان 'نچوا' درج می‌گردد: باران و بامداد / رد پای برف / در جستجوی نقش ساده زن / تا سوختن خشتود / به سمت نجوای ستارگان و غروب / و توفان شرق و شلاق / اشک / و بعد / آرامش اسارت برگ‌ها / در حلقه توفان.

چاپ اول

۱۵۰- **نت‌هایی برای لیل جویی:** شاعر: محمد شمس لنگرودی - تهران:

سالی - ۱۳۴ ص. - رقی (مقوابی) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۷۱۹۱-۰۴-۹



'نت‌هایی برای لیل جویی' عنوان ۷۸ سروده نو از 'شمس لنگرودی' است که اینک نمونه‌ای از آن درج می‌گردد: این کوچه‌ها به کجا می‌رسند / این سینه‌ها چگونه این همه اندوه را / تاب می‌آورند / این خانه‌ها چگونه چنین خاموش‌اند / پیچیده‌ها / اکنده کافور و سدر / در خیابان‌ها / مردگان / به جست و جوی کسی می‌گردند / نه / من هیچ کس را نمی‌شناسم / و اگر رخصت فرماید / نام را نیز / از یاد می‌برم / فقط از شما تقاضا دارم / به جمله خلاق بسپارید / صبح که از خانه بیرون می‌آیند / همه را / برای همیشه / به خدا بسپارند.

چاپ اول

۱۵۱- **نغمه‌های ناخوانده (۱):**

شاعر: علی‌اکبر حسینی - تهران: قاصد - ۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۱۲۹-۰۶-۹



اشعار این کتاب در قالب مثنوی، توصیفی است از موضوعات قرآنی از جمله: علم شناخت منافق، صفات مومنین، خدا در فطرت، و تربیت گفتاری و رفتاری: برای نمونه: زبان را آفت بسیار باشد / اگر دل در برش بیمار باشد / دل و دیده کلید گفتماند / زبان را بر نکلیم / بخوانند / اگر راه صداقت پیشه داری / ز

دست آورد خود اندیشه داری...

چاپ اول

۱۵۲- **نگاه:**

شاعر: افشین تاج‌الدینی - تهران: پیروی - ۶۴ ص. - رقی (شمیز) - ۵۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۲-۰۱۸-۳

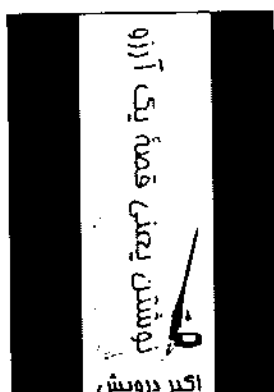


اشعار این مجموعه چمگی به شیوه نو سروده شده است. 'آزادی' عنوان یکی از سروده‌های این مجموعه است: ای / نامی خوش در وجود / اسمی مانده در گور زمان / تو / شعار بی‌وطن و رسیدنی / در قیله‌گاه نجات بشر / ای خوب / نام آشنای تو را در زبان روزگار می‌بینم / هر آن چه را که از حدودت برقرار / ای جلوه تمعید / تا کی به دنبال باید دوید / تا به سرکش است نزدیک شد...

چاپ اول

۱۵۳- **نوشتن یعنی قصه یک آرزو:**

اکبر درویش - تهران: گفتمان - ۱۰۳ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۸۳-۰۴۲-۸



راوی در این داستان دختری دانشجویست. پدر او به‌رغم مخالفت مادرش، پسری بی‌سرپرست را به منزل می‌آورد و اتاقی در حیاط خانه به او می‌دهد. او سامان نام دارد و به تدریج با

راوی داستان رابطه دوستانه‌ای پیدا می‌کند. حال آن که سامان و او از این حقیقت که خواهر و برادر یک دیگر هستند، بی‌خبرند...

چاپ اول

۱۵۴- **نیست بی تو پر لبانم** خنده‌ای: مجموعه شعر.

شاعر: مهدی کدخدازاده - تهران: هاد - ۸۰ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۱۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۳۶-۰۶۷-۷

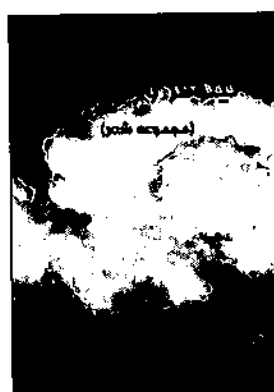


در این دفتر اشعاری در قالب‌های سنتی سروده 'مهدی کدخدازاده' به طبع رسیده که از آن جمله است: باز نقشی در دلم جان می‌گرفت / تا که در پس کوچه باران می‌گرفت / کاش در سجاده پاییزی / ام / شملای از عشق سامان می‌گرفت.

چاپ اول

۱۵۵- **نیلوفر و مرداب (مجموعه شعر):**

ایراهم محمدیان اکردی - تهران: گفتمان - ۹۶ ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۸۳-۰۱۶-۹



در بخش نخست این مجموعه اشعاری نو عمدتاً با مضمون عاشقانه و در بخش دوم چند شعر سنتی به طبع رسیده است: برای نمونه: اگر نیلوفری بودی به

مرداب / برایت سرزمینی تازه بودم / شبی هم‌رنگ دریا می‌شدم من / به عشقت شب غزل‌ها می‌سرودم...

چاپ اول

۱۵۶- **وسعت پرواز:**

شاعر: رجب بذرافشان - تهران: فهم - ۷۲ ص. - رقی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۰۸۱-۰۷-۳



در این مجموعه، اشعاری چند در قالب نو سروده شده که قطعه 'صفحه حوادث' نمونه‌ای از آن‌هاست: در شهری که آینده گم است / آینده سازان / در پس کوچه‌هایش / معطل‌اند / امید / تداعی / وازهای است میهم / در دست محال / و خیابان‌ها / در ازدحام وازه حرکت / تیرازه / روز را / اصالت می‌بخشد...

چاپ اول

۱۵۷- **هدیه‌ای برای تو:**

شاعر: شهناز فروهر - شیراز: پیروی - ۶۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۲-۰۱۱-۷



کتاب مجموعه‌ای از غزل‌های 'شهناز فروهر' است که با خط نستعلیق به چاپ رسیده است. 'گریه پنهان' نمونه‌ای از غزل‌های این مجموعه است: یک عمر خنده کردم و پنهان گریستم / بیچارگی چه سود، چو با جان گریستم / اشکم

بشست شوری غم‌های چشمان من /
اشکی دگر نماند، به پنهان گریستم /
ناگفته‌ها بماند، درون حیرم دل / عمری
به پشت میله زندان گریستم /

چاپ اول

۱۵۸- یاخته‌های مشوش ذهن.
حسین مهکام. - تهران: آتا. - ۷۸ ص. -
رقمی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول
/ ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۸۶-۱۰۰۰



در این مجموعه، شش داستان کوتاه و
شانزده قطعه شعر به شیوه نو به چاپ
رسیده است. یکی از سروده‌های 'حسین
مهکام' در این مجموعه 'لحظه بیهوده'
نام دارد: می‌خواهم زنده بمانم / تا لحظه
بیهوده / در گسل عاطفه‌ها رنگ ببازد / و
بهت لحظه را / چشم‌هایت در هزار توی
رنج بسته شوند / می‌خواهم به عطف
بحران عاطفه / در جنون زیبایی چنگ
زده باشی / آن گاه که در کور سویت در
حضور پنهان خویش می‌خواندم / پس با
من باش / آن گاه که مرده‌ام / تنها / برای
آن که زنده بمانی.

چاپ اول

۱۵۹- یادهای بی‌زمان: مجموعه
شعر.
شاعر: حسین محمودی. - تهران: حسین
محمودی. - ۱۰۸ ص. - رقمی (مقوایی).
- ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۷-۲۶۰-۷



۸۷ سروده نو از 'حسین محمودی' در
این مجموعه طی چهار فصل به چاپ
رسیده که اینک نمونه‌ای از آن درج می-
گردد: چه مهربان / چه صبور / و چه
سخت‌تواند است این آسمان: تو را از یاد
نمی‌برد / مرا از یاد نمی‌برد / و همچنان /
بر گورهامان / سایه افکنده است.

چاپ اول

۱۶۰- از غربتی به غربت دیگر:
کتابشناخت ادبیات داستانی ایران
منتشر شده در خارج از کشور ...
شاهرخ تندرو صالح. - تهران: مرمر. -
۱۳۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال.
- چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۹۵۵-۱-۸



از غربتی به غربت دیگر کتابی است در
حوزه کتابشناسی ادبیات داستانی
ایرانیان خارج از کشور که با این اهداف،
تدوین گردیده است: ۱- پژوهشی به
منظور مطالعه ریخت‌شناسی ادبیات
داستانی بعد از انقلاب در خارج از کشور،
۲- مقایسه حجم داستان‌های ایرانی
منتشر شده در داخل و خارج از کشور، ۳-
پژوهش موضوع‌شناسی داستان ایرانی
در داخل و خارج، ۴- تهیه نمایه ادبیات
داستانی داستان‌نویسان ایرانی خارج از
کشور. نویسنده در ابتدای کتاب اشاراتی
دارد به پدیده ادبیات مهاجرت و پیشینه
آن که در پی آن گفت و شنودی میان
نگارنده و 'ناصر زراعتی' در باب ادبیات
داستانی ایرانیان خارج از کشور، به چاپ
می‌رسد؛ سپس کتابشناسی ادبیات
داستانی ایرانیان خارج از کشور - به
ترتیب این کشورها - فراهم می‌آید:
اتریش، آمریکا، انگلیس، آلمان، بلژیک،
ترکیه، دانمارک، سوئد، فرانسه، کانادا،
هلند و هند.

چاپ اول

۱۶۱- تافراسوی دریا: مجموعه
شعر.
غلامحسین دریانورد. - تهران: سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی دریایی،
نمایندگی ولی فقیه. - ۱۳۲ ص. - رقمی
(شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول /
۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۰-۳۷۲-۱



فصل مشترک شعرهای این مجموعه
واژه 'دریاست' که طی آن بخشی از ایثار
و جنگاوری رزمندگان جنگ تحمیلی به
تصویر کشیده می‌شود؛ برای نمونه، این
رباعی سروده 'محمدرضا سهرابی‌نژاد': ما
قاصد نوریم و جهان پیمایم / ما قافله-
سالار ره فرداییم / هر روز سو سو ز ما
برگردند / تا آن که بخشکیم، ولی
دریاییم.

نمایشنامه فارسی ۱۳۲۰
Afar/Py

۱۶۲- جنگ‌نامه‌ی غلامان
(نمایشنامه).
بهرام بیضایی. - تهران: روشنگران و
مطالعات زنان. - ۹۶ ص. - رقمی
(شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم /
۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۵۱-۱۸-۰

۱۶۳- چهار صندوق (نمایشنامه).
بهرام بیضایی. - تهران: روشنگران و
مطالعات زنان. - ۹۶ ص. - رقمی
(شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم /
۲۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

۱۶۴- درخت گردو.
رسول علی پور. - تهران: معیار. - ۵۸
ص. - رقمی (شمیز). - ۲۰۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۱۱-۱۲۱-۱

در این نمایش‌نامه گفت و گوی اصلی
میان پیرمرد و پیرزنی است که گذشته-
های خود را مرور می‌کنند. پیرمرد
عصای خود را از درخت گردویی درست
کرده که سال‌ها پیش آن را در حیاط
خانمایش کاشته بود؛ درختی بزرگ که



گردوهای بسیاری را به بار می‌نشت،
اما اینک ...

چاپ اول

۱۶۵- دستور بیضایی.
پروین پویا. - تهران: قصه. - ۱۶۶ ص. -
رقمی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ
اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۷۶-۰۵-۸



نگارنده در پژوهش حاضر بر آن است با
نگاهی ساختگرایانه، نظام سبکی در آثار
بهرام بیضایی را تدوین نماید. وی برای
این منظور پنج نمایش‌نامه از بیضایی
(مرگ یزدگرد، فتحنامه کلات، هشتمین
سفر سندیاد، جنگ‌نامه غلامان، و
گمشدگان) انتخاب نموده است. پژوهنده
در این اثر سعی نموده نشانه‌های کلامی
آثار بیضایی را بررسی کرده از این
رهگذر نشان دهد که چگونه سه پاره
نظم، نثر و شعر (براساس تعاریف زبان-
شناسی) در نمایش‌نامه‌های او به کار
گرفته شده است. همچنین وی نشانه-
های نمایشی در آثار بیضایی را براساس
محوهای استعاره و مجاز 'رومن'
یاکوپسن' و دو گانه‌های 'نوسوسور'
بررسی می‌کند. مقوله بعدی این
پژوهش، بررسی جایگاه روایت در آثار
بیضایی است که براساس نظریات
تودوروف صورت می‌گیرد. نگارنده در
انتهای کتاب فهرستی از 'هنجارگریزی'
واژگانی، 'هنجارگریزی نحوی'،
'هنجارگریزی لوائی'، 'هنجارگریزی'
گویشی، 'هنجارگریزی زمانی' و

'هنجارگریزی معنایی' - در پنج نمایش
نامه یاد شده - به دست می‌دهد.

چاپ اول

۱۶۶- فاطمه، و باز هم فاطمه ...
(ویژه دانش‌آموزان دبیرستان).
حسین جعفری. - تهران: سازمان
پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات
مدرسه. - ۸۸ ص. - رقمی (شمیز). -
۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵۳-۲۰۰-۳



این نمایش‌نامه که برای دانش‌آموزان
دبیرستانی تدوین شده، روایتی است از
هجوم نیروهای بعثی به خاک کشور که
در پی جنگ و کشتار، عده‌ای از زنان
بی‌دفاع را نیز به اسارت می‌گیرند.
'فاطمه'، 'سمیرا' و 'عاطفه' سه اسیری
هستند که به بازداشتگاه‌های عراقی
انتقال یافته‌اند. اما آنان پس از چندی
دست به اعتصاب غذا زده در پی آن،
نماینده صلیب سرخ؛ با آنها ملاقات می-
کند تا آنان را مجاب نماید از این کار
دست بکشند. از طرفی، 'فرشته' از
عناصر ضد انقلاب است که در ماجرای
هواپیماریابی دست داشته سعی دارد به
عنوان عامل نفوذی به سلول خواهران
راه پیدا کند تا از این طریق...

چاپ اول

۱۶۷- نرگس برای شب‌بو.
ایرج کریمی. - تهران: برگ‌بار. - ۲۸
ص. - رقمی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۶۸۱-۱-۱

این نمایش‌نامه، حکایتی از خانوادگی
هنر دوست است که افراد آن، عمری را
با نجابت و اصالت سپری کرده‌اند.
'سیروس' فرزند این خانواده برای ادامه
تحصیل در رشته موسیقی به خارج از
کشور می‌رود. اعضای خانواده پدر، مادر
و خواهر به او اقتدار می‌کنند. اما
سیروس در آن جا، پس از چندی، درس
و تحصیل را رها می‌کند و به ایران باز
می‌گردد. او معتقد است که خانوادگی

تنها رویاهای خود را دوست دارند نه خود



او را و به همین دلیل می‌خواهند او هنرمندی بزرگ شود...

تاریخ، توصیف، نقد و بررسی
۸۱۲/۲۰۹

چاپ اول

۱۶۸- تحلیل سیر نقد داستان در ایران از استقرار مشروطیت تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۸۵).

محسن ذوالفقاری؛ ویراستار: زهرا موسوی. - تهران: آتیه. - ۲۵۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۳-۹۶-۸



مقدمه این کتاب اشارتی است به تاریخ نقد، سپس در بخش نخست، توصیف تاریخی نقد داستان در ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، فراهم می‌آید. کلیه نقدهای این دوره با توجه به شیوه کار منتقدان و نکته اساسی هر نقد در این بخش معرفی می‌شود. بخش دوم، تحلیل موضوعی نقد داستان از آغاز تا انقلاب اسلامی است. در بخش نخست، رویکردهای منتقدان در نقد معاصر، دسته‌بندی، تحلیل و ارزیابی می‌شود. بخش سوم کتاب، نوعی تحلیل تاریخی نقد در عرصه ادبیات داستانی است. نگارنده با توجه به تحولات سیاسی و فرهنگی، نیز اوج و حضیض نقد، سه

دوره مشخص را در حوزه نقد قائل است که عبارت‌اند از: نقد از کودتای ۱۳۳۹ تا کودتای ۱۳۴۲، نقد از کودتای ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۴۲ و نقد از خرداد ۱۳۴۲ تا انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷. بدین ترتیب، در بررسی‌های تاریخی، نقد تطبیقی رویکردها در هر سال بیشتر مطرح نظر است. ضمن آن که در این بررسی، نقدها از حیث ساختار و محتوا، کمیت آن در هر سال و تاثیر حفظان سیاسی در کمیت و کیفیت آنها تبیین می‌شود. در کتاب، سال‌های ۱۳۴۶، ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ با توجه به گستره مطبوعات، دوران اوج نقد داستان، به شمار آمده است. در انتهای کتاب، فهرستی از منابع نقد ادبی، به ویژه نقد داستان در قالب فهرست آثار انتقادی و سال شمار نقد، به دست داده شده است.

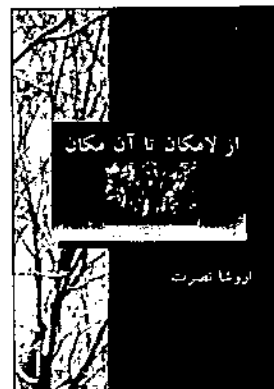
داستان فارسی (از سال ۱۳۳۰-)
۸۱۲/۲۲

چاپ اول

۱۶۹- از لامکان تا آن مکان.

اروشا نصرت. - تهران: فرزاد روز. - ۱۰۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۲۱۱-۹۲-۸



کتاب مشکل از ۲۱ داستان کوتاه است. داستان نخست 'درخت و برف' تصویری است نمادین از یک درخت گردو که پس از رشد دور او حصار می‌کشند. این تصویر با زندگی دخترکی که بالنده می‌شود، سپس ازدواج می‌کند و صاحب فرزند می‌گردد، درهم می‌آمیزد. این بار عده‌ای تصمیم دارند درخت را که اینک کهنسال شده است و به بار نمی‌نشیند قطع کنند؛ در حالی که درخت در سال جدید پربار می‌شود و همچنان سایه خود را بر حصار می‌گستراند.

چاپ اول

۱۷۰- اشک دو زن.

صادق نبوی. - تهران: خلاق. - ۷۲ ص.

- رقمی (شمیز). - ۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۰۲۸-۸-۹



فضای داستان مربوط به اوایل عهد قاجار است و روزگار جنگ و یابگیری. در این داستان عده‌ای از زنان و دختران روستا که برای جمع‌آوری سبزی به کوه‌های البرز رفته‌اند گرفتار دسته‌ای از ترکمانان می‌شوند...

چاپ اول

۱۷۱- بدون پسر هرگز.

مسعود سمندری. - تهران: روزنه. - ۸۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۹۵۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۴۰-۰۱-۵



'بدون پسر هرگز' داستانی است که در آن نگارنده دنیای غرب را سربای پیش نمی‌داند و طی آن از لحظات بی‌سامانی، اندوه و تحقیر در کشورهای غربی نیز غم دوری از فرزند، درد غربت و آوارگی داد سخن می‌دهد.

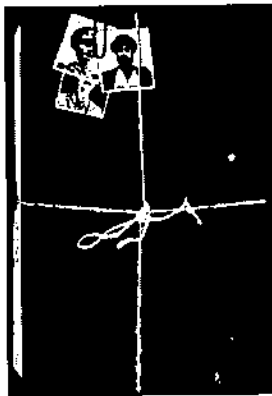
چاپ اول

۱۷۲- بوهنه در باد.

محمد محمدعلی. - تهران: نشر مرکز. - ۳۳۲ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Naked in the wind

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۵۵۸-۲



وقوع داستان 'بوهنه در باد' چند ماه قبل از پایان جنگ تحمیلی طراحی شده است. دو دوست قدیمی که یکی قبلاً ستوان ژاندارمری بوده و دیگری دیپلمه سپاه ترابری، پس از تغییر رژیم و سال‌ها بی‌خبری، یک‌دیگر را در سازمان بازنشستگی می‌بینند. راوی که از سال‌ها قبل تصمیم گرفته بود درباره ستوان 'منصور مرعشی' معروف به 'منصور بیتل' داستانی بنویسد، اینک پرونده بازنشستگی او را زیر دست دارد. آن دو پس از یگو مگو عازم بندر انزلی و چالوس می‌شوند و در راه به مرور خاطرات می‌پردازند. غافل از آن که نفر سومی هم هست که سال‌هاست در انتظار دیدار ستوان یا همان 'منصور بیتل' به سر برده و آن کسی نیست جز پسر زن راوی که افسر بازنشسته اداره آگاهی است و از گذشته پر ماجرای زندگی ستوان آگاهی کامل دارد و بر آن است او را به محاکمه بکشاند. یادآور می‌شود در این رمان ۳۲۸ صفحه‌ای چند شعر از شاعران معاصر از جمله 'قصر امین‌پور' و 'کریم رحبازاده' در لابه‌لای داستان آمده است. ساخت 'روایت در روایت' رمان حاضر یادآور داستان‌های تو در توی هزار و یک شب است و داستان از طریق گفت و شنود پیش می‌رود و در این میان، واقعیت داستانی جدیدی پیش روی خواننده قرار می‌گیرد. توجه راوی به زیبایی داستان است و نه آن خلایق‌های که اتفاق افتاده است. همه چیز، حتی مفاهیم و تمایز - ستانی از یک حادثه در حال بازسازی است.

چاپ اول

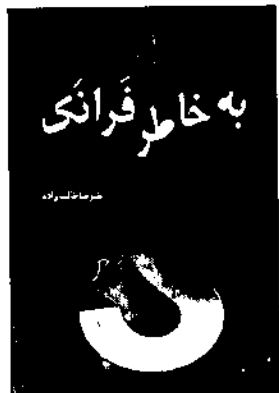
۱۷۳- به خاطر فرانک.

علیرضا طالب‌زاده. - تهران: نشر مرکز. - ۱۵۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۹۹۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۵۵۴-X

شخصیت اصلی داستان، جوانی است به نام 'هادی' که نویسنده فیلم‌نامه‌های پلیسی است و در این راه استعدادی

عجیب دارد، اما او به‌رغم خانواده متمول خود، از توان مالی برخوردار نیست و 'هادی' از حیث دیدگاه اجتماعی نیز با اقوام و خانواده خود تفاوت اساسی دارد. ماجرای اصلی از این قرار است که منزل یکی از اعضای خانواده با تمام اثاثیه‌اش به سرقت می‌رود و پلیس نیز این سرقت را به یکی از اقوام نزدیک، منتسب می‌داند. سرانجام از سوی خانواده به 'هادی'



که دستی در خلق ماجراهای جنایی و پلیسی دارد، پیشنهاد می‌شود سرنخ این سرقت را پیدا کند. او نیز به زودی دست به کار شده از نزدیک با زندگی درونی اقوام خود آشنا می‌شود و به تدریج روابط پیچ و مادی آنها را درمی‌یابد و در این گیر و دار، با دختر یکی از اقوام خود به نام 'فرانک' که سال‌ها از او جدا مانده بود آشنایی مجدد پیدا می‌کند و به وصال او می‌رسد و نهایتاً به کشف عوامل سرقت نائل می‌آید.

چاپ اول

۱۷۴- پریشانی: مجموعه داستان.

محمد جهان‌تغ. - تهران: روزنه. - ۱۰۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۹۵۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۴۰-۰۲۸-۷



در این مجموعه چهار داستان کوتاه جمع آمده که 'پرستو' عنوان نخستین داستان است. در داستان 'پرستو' پسری که به همراه برادر بزرگش در پارک، بلال می‌فرشود، شیفته دخترکی است که دست

در داستان پدر و مادر گذاشته است و هر از گاهی او را با همان وضع مشاهده می‌کند. دخترک و پدر و مادرش برای خرید بلال نزدیک‌تر می‌آیند. این صحنه برای راوی داستان (پسرک) لحظه‌ای پر اضطراب است... در انتهای داستان معلوم می‌گردد که آن دخترک (پرستو) با همه زیبایی و منانیت، از نعمت بینایی محروم است.

چاپ اول

۱۷۵- پشت دیوار سفار تخانه‌ها.
حسن حاج‌سیدجواد. - تهران: گروه پژوهشگران ایران. - ۲۸۶ ص. - رقمی (شمیزی). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.



آنچه در این مجموعه فراهم گردیده ترجمه‌ای است از داستان‌های پر ماجرای جاسوسی قرن بیستم که با استناد به اسناد و مدارک سازمان‌های امنیتی برخی کشورها، نیز یادداشت‌ها و خاطراتی از جاسوسان و مأموران امنیتی تدوین شده است. بدین ترتیب در این مجموعه نه داستان، از فعالیت‌های جاسوسی در جریان جنگ جهانی اول و دوم، نیز دوران جنگ سرد به طبع رسیده است.

چاپ اول

۱۷۶- پیشگامان استعقلال ایران.
ناده‌علی همدانی. - تهران: فرشاد. - ۲۳۲ ص. - رقمی (شمیزی). - ۱۲۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

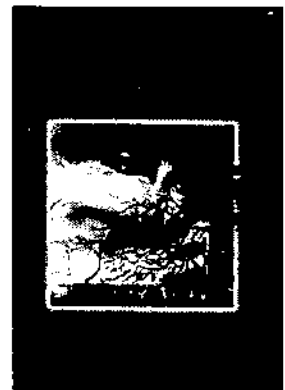


در این مجموعه، پنج داستان تاریخی

درباره این شخصیت‌ها به رشته تحریر درآمده است. «ابومسلم خراسانی»، «نساید»، «استادسیس»، «مفتح» و «حمزه پسر آذرک».

چاپ اول

۱۷۷- تقدیر شوم.
مریم جعفری. - تهران: چکاوک. - ۲۶۸ ص. - رقمی (سلفون). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰۰ نسخه.



«رامین» و «پروانه» دو زوج جوان و شخصیت اصلی این داستان هستند که زندگی آنها با حوادث گوناگون روبه‌رو می‌گردد. رامین گاه و بیگاه باعث رنجش پروانه می‌شود و همین امر...

چاپ اول

۱۷۸- تونل.
یعقوب حیدری. - تهران: زلال. - ۶۶ ص. - رقمی (شمیزی). - ۲۲۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



نویسنده در این کتاب، در قالب نوازده قسمت، داستانی از خاطرات کودکی و نوجوانی خود را باز می‌گوید و طی آن ماجراهای گوناگونی از رویاها و آرزوهای خود روایت می‌کند.

چاپ اول

۱۷۹- جایی دیگر.
گلی ترقی. - تهران: نیلوفر. - ۲۶۴ ص.

- رقمی (شمیزی). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.



کتاب متشکل از شش داستان است که عبارت‌اند از: «بازی ناتمام»، «آثار بانو و پرهایش»، «سفر بزرگ امینه»، «درخت گلایی»، «بزرگ بانوی روح من» و «جایی دیگر». در داستان اخیر، راوی دوست خود - امیرعلی - را چنین تعریف می‌کند: «من و امیرعلی با هم بزرگ شدیم و منام با هم بودیم. آنهایی که ما را از دور می‌شناختند، فکر می‌کردند برادر یا قوم و خویش نزدیک هستیم... زندگی از او آدمی آرام و معقول ساخته بود، مردی متعادل، شوهری مطیع، معاون شرکی معتبر، اهل سازش‌های لازم و داد و ستدهای متداول. با این همه... در پس پنهان است، محبوس در ژرفای خاموش درون، منتظر گریز... دیگران معتقدند که سرسپردگی امیرعلی از شدت علاقه و عشق به زنش است. اما من که او را مثل کف دستم می‌شناسم، می‌دانم که امیرعلی، هنگام عبور ستاره‌های دنباله‌دار متولد شده و موجودی دست نیافتنی و فراری‌ست. متعلق به کسی نیست. هیچ کس، دنیایی پنهانی دارد که مخصوص خودش است و آن را به احدی نشان نمی‌دهد».

چاپ اول

۱۸۰- جلال جاودانه: مجموعه داستانه‌های جلال آل‌احمد.
به‌اهتمام: عبدالرضا جعفری. - تهران: تنویر. - ۸۷۸ ص. - رقمی (کالینگور). - ۵۲۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۱۹-۰۳-۶

چاپ اول

۱۸۱- حذقه‌ی خالی.
حمید پناهی. - تهران: آزمون. - ۱۰۴ ص. - وزیری (شمیزی). - ۵۰۰۰ ریال. -

چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۱-۶۸۹-۸



هشت داستان کوتاه محتوای این مجموعه است که در نخستین آن (استراج مرگ) راوی، واقعه مرگ برادر خود را به گونه‌ای موثر و دردمندانه توصیف می‌کند.

چاپ اول

۱۸۲- حکایت نسل بی‌سخنگو: آسیب‌شناسی مسایل عمومی ادبیات داستانی ایران.
شاهرخ تندرو صالح. - تهران: مرمر. - ۲۹۲ ص. - رقمی (شمیزی). - ۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۹۵۵-۰۰-X



«حکایت نسل بی‌سخنگو» گفت و شنودی است درباره آسیب‌شناسی مسائل عمومی ادبیات داستانی که با چند تن از صاحب نظران صورت گرفته است. مجموعه حاضر به نوعی دنباله مجموعه «گفتان سکوت» به شمار می‌آید. عمده‌ترین مباحث این مجموعه در قالب این موضوعات، گفت و گو می‌شود: «سانسور مطبوعات و تأثیر آن بر ادبیات»، «ترجمه و تأثیرگذاری آن بر بافت زبان»، «نبود نقد ادبی»، «عوامل موثر در عدم شکل‌گیری تشکلهای آزاد اهل قلم»، «دگر دسی» های ساختاری - زبانی در ادبیات داستانی، «عدم برآمدن ادبیات داستانی ایران در مقیاس جهانی»، ادبیات داستانی

در سنگلاخ زمانه، «داستان و مخاطب امروز»، «روشنفکر و نگرانی‌هایش»، «داستان ایرانی در مهاجرت» و «نابدها و ناپایدها» از گذشته تا هنوز. در گفت و گو با هر شخصیت، ابتدا خلاصه‌ای از زندگی و آثار او معرفی می‌شود. این اشخاص عبارت‌اند از: ابراهیم اقلیدی، اسدالله امرایی، وحید امیری، یارعلی پورمقدم، محمد چرمشیر، ابوتراب خسروی، عبدالعلی دست‌غیب، ناصر زراعتی، غلامحسین سالمی، علی اصغر شیرزادی، امین ققیری، مدیا کاشیگر، شمس لنگرودی، عباس مخبر و حسن میرعابدینی.

۱۸۳- خاطرات روستا.

محمدعلی سامی. - اصفهان: یکتا. - ۸۸ ص. - رقمی (شمیزی). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Khaterat-e rosta
شابک: ۹۶۴-۹۰۲۵۲-۶-X

۱۸۴- داستان حیرت‌انگیز شاقول سحرآمیز ابن‌سینا.

کریم زرگر. - تهران: روزنه. - ۲۹۲ ص. - رقمی (شمیزی). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۱۷۶-۶۸-۲

۱۸۵- داستان عشق لیلی و مجنون (به نثر).

به‌اهتمام: حسن منصوری. - تهران: مهرنادر. - ۱۶۰ ص. - رقمی (شمیزی). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۳۹-۱۰-X

۱۸۶- دالان بهشت.

نازی صفوی. - تهران: قنوس. - ۳۲۸ ص. - رقمی (شمیزی). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۱۱-۳۱۳-۶

چاپ اول

۱۸۷- در انتظار شهزاد.

رویا سینیور. - تهران: مهران شهر. - ۳۰۸ ص. - رقمی (سلفون). - ۱۳۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۸۵۳-۱۱-۷

«قاسم» در این داستان جوانی است که ایام کودکی خویش را با بی‌پدری و رنج سپری کرده علاوه بر تحصیل، در مطب پزشکی به نام «دکتر مشیری» مشغول به کار شده است. «دکتر مشیری» دختری

دارد به نام 'شهرزاد' که ظاهراً بسیار مغرور و از خود راضی است. او نیز سال‌ها پیش مادرش را از دست داده است. 'شهرزاد' و 'قاسم' هر یک حوادث



گونگونی را پشت سر می‌گذرانند، اما...

۱۸۸- دلیرانه.

مصطفی یاشنگ. - تهران: راه ظفر. - ۲۹۸ ص. - رقمی (کالینگور). - ۱۲۰۰۰ ر. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۰۵۵-۲-۹

چاپ اول

۱۸۹- دهیبر.

محمد محمدی. - تهران: تهران صدا. - ۲۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۳۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۱۱-۲۸-۷



داستان با طلوع روزی تلخ و به یاد ماندنی آغاز می‌گردد و باز پس از رایش دوباره در طلوع روزی دیگر به پایان می‌رسد. 'دهیبر' سرگذشت آبادی خوش و خرم است که مردمانش پس از رخدادی شگفت، به گونه‌ای دردناک گنهگار و بدسرشت می‌گردند که ابتکار هیچ گاه در آبادی، خوبی و زیبایی جلوه‌گر نشده است. از دیگر ویژگی‌های این داستان به کارگیری واژگان فارسی و محلی است.

۱۹۰- ردپای عقربها.

رحیم‌الله قائمی. - تهران: خلاق. - ۱۲۰

ص. - رقمی (شمیز). - ۵۵۰۰ ر. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۰۲۸-۷-۰

چاپ اول



ده داستان کوتاه و یک داستان نسبتاً بلند تحت عنوان 'رد پای عقربها' محتوای این کتاب را تشکیل می‌دهد. در این داستان، حکایتی عجیب از هجوم عقرب‌ها به یکی از روستاهای حاشیه کویر بازگو می‌شود. ماجرای اصلی از شب عروسی 'شهباز' و 'شهربانو' آغاز می‌گردد. در نیمه‌های شب که همه اهالی در سکوت شبانهگاهی آرمیده‌اند، عقربی دو زوج جوان را به کام مرگ می‌فرستد و...

چاپ اول

۱۹۱- زن و این گمان [بیست و یک داستان].

حسین میرکاظمی. - گرگان: آژینه. - ۲۲۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۴۰۶-۳-۲



کتاب متشکل از ۲۱ داستان کوتاه است. نویسنده در این مجموعه، بر آن است مضامین و آدم‌های جدیدی را به تصویر بکشد. برای نمونه، 'زن و این گمان' - یکی از داستان‌های این مجموعه - روایت زندگی پیرزنی نازاست که بخشی از زندگی او با دغدغه بچه‌دار شدن طی

شده است؛ حتی در مرز پیری نیز از این گمان‌رهایی نیافته است.

۱۹۲- سنگ و شیشه (مجموعه داستان).

مصطفی خرامان. - تهران: سروش. - ۳۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۰۰۰ ر. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The rock and glass (collection of stories) ۹۶۴-۳۳۵-۳۳۲-۲ شابک:

۱۹۳- سوءظن.

نسفا صالح. - تهران: رز. - ۱۲۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۹۰۰ ر. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۳۵۹-۰۷-۲

چاپ اول

۱۹۴- سیب دندان زده (قصه).

محمدرضا شیربند. - تهران: گفت‌مان. - ۸۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۶۵۰۰ ر. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۸۴-۲۷-۴

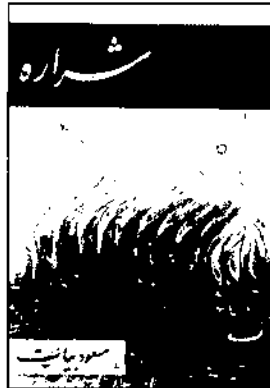


عنوان یکی از چهار داستان این مجموعه 'عبدل' نام دارد. 'عبدل' مردی است آواره و بی‌کس که رزق او هر از گاهی از جانب مردم تأمین می‌شود. او شبها را در صحن مسجد می‌خوابد. راوی که از حال و روز عبدل بسیار ناراحت است، سعی دارد او را از این وضع نجات دهد، اما تنها راهی که به نظرش می‌رسد کشتن عبدل است...

چاپ اول

۱۹۵- شواره.

مسعود بیات. - تهران: گفت‌مان. - ۶۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۳۸۰۰ ر. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۹۸۴-۱۳-۴



راوی در این داستان از ماجرای دلدادگی خود به دختری سخن می‌گوید و از این که چگونه درس و تحصیل را رها نمود و سرانجام محبوب او همسر دیگری را برگزید و او را به حال خود واگذاشت.

چاپ اول

۱۹۶- شواره‌ی بلند.

قیاد آذرایین. - تهران: دارپوش. - ۹۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۶۴-۶۵-۸

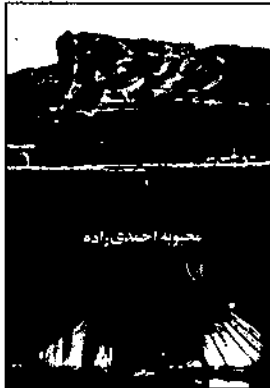


'قیاد آذر آیین' در این مجموعه شانزده داستان کوتاه به چاپ رسانده است. او در داستان نخست (ظفر تابستان) حکایت مرد سالخورده‌ای را باز می‌گوید و کار او رساندن مستمری به بازنشسته‌های اداره است. او در یک ظهر تابستان، خسته و ناتوان، سوار بر موتور گازی دل به رویاها می‌سپارد و صحنه‌ای غیر منتظره را مجسم می‌سازد.

چاپ اول

۱۹۷- صحرا.

محبوبه احمدی زاده‌نوبرانستار: شهلا ارزنگ. - تهران: البرز. - ۲۵۲ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۴۲۲-۲۷۵-۹



وقایع این داستان که بخشی از آن در روستا می‌گذرد سرگذشت دختری است به نام 'صحرا' که قرار است با پسری به نام 'فرامرز' ازدواج کند. اما در این میان مخالفت خاله 'صحرا' با این وصلت، نیز حوادث ریز و درشت دیگر، قهرمانان را با ماجراهایی درگیر می‌سازد که داستان براساس آن شکل گرفته است.

چاپ اول

۱۹۸- عاشقانه‌های تهران.

ایرج کریمی. - تهران: برگارگ. - ۱۴۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۶۸۱-۲-X



'عاشقانه‌های تهران' مجموعه یازده داستان کوتاه از ایرج کریمی است که طی آن راوی خاطرات متعددی از ایام کودکی و نوجوانی خود را در شهر تهران باز می‌گوید. خاطراتی که بخشی از آن با ماجراهایی مختلف اجتماعی و سیاسی گذشته درهم آمیخته است.

چاپ اول

۱۹۹- عشق و آینه: مجموعه داستان.

فرهاد حسن‌زاده. - تهران: پیدایش. - ۸۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۵۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۹۰-۱۱-۴



شش داستان کوتاه محتوای این مجموعه را تشکیل می‌دهد. در داستان نخست - روی خط افق - ماجرای مرد نقاشی را می‌خوانیم که از نقاشی کلیشه‌ای خسته شده و اینک چشم‌اندازی از جنگل و دشت برگزیده تا آن را به تصویر بکشد. این جوان همواره از خرده‌گیری‌های استادش ناراحت می‌شده و این بار نیز جای خالی نقاشی‌اش را نوعی عیب به شمار می‌آورد. تلاش او برای پر کردن آن با عنصری از طبیعت به جایی نمی‌رسد که در همین هنگام، آهویی زیبا در برابر چشمان او قرار می‌گیرد و از جای خود تکان نمی‌خورد، زیرا این آهو تیر خورده و نقاشی آن نیز طبیعی جلوه نمی‌کند...

چاپ اول

۲۰۰۰ - عطر شکوفه‌های نارنج
فرشاد کامیار - تهران: هیرمند - ۱۳۳۳ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۳-۸-۲

۲۰۱ - غزل عشق

سونیا دیلمی - تهران: شقایق - ۵۰۳ ص. - رقمی (شمیز) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۲-۷۹-۰

چاپ اول

۲۰۲ - قصه برزوی شیردل
محمدرضا شمس‌نقاش: مجتبی طباطبایی - تهران: بیدایش - ۱۳۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۲۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۹۵-۲۹-۹

این قصه که به وزن شاهنامه سروده شده ماجرای 'برزو' فرزند 'سهراب' و نواده رستم است. برزو پسر جوانی است با برز و بلائی بلند که دور از هیاهوی شهر به کشت و کار مشغول است. چون چشم افراسیاب - پادشاه توران - به او

می‌افتد، نیرنگ آغاز می‌کند و او را با



خود همراه می‌سازد و پس از آموختن فنون جنگاوری به جنگ با رستم می‌فرستد. به این ترتیب، یک بار دیگر منظومه 'رستم و سهراب' تکرار می‌شود. اما این قصه به ترازوی بدل نمی‌شود، بلکه دو پهلوان هم دیگر را شناسایی می‌کنند و در کتاب حاضر، گاه وقایع داستان به نثر بازگو می‌شود و معانی پاره‌ای از واژگان نیز درج می‌گردد. یادآور می‌شود این کتاب براساس 'برزونامه' نوشته 'عطا این' یعقوب - معروف به 'عطائی رازی' به چاپ رسیده است.

چاپ اول

۲۰۳ - قتلشن دیوان
محمدعلی جمالزاده: بهرامتنام: علی دهباشی - تهران: سخن - ۲۲۲ ص. - رقمی (کالینگور) - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۸۶۱-۳۴-۷



این داستان که در شش بخش تدوین شده حدیث ناکامی 'حاج شیخ مشروطه - خواه' در مصاف با شخصیتی به نام 'قتلشن دیوان' است. حوادث داستان در اواخر دوره قاجار روی می‌دهد. 'حاج شیخ' چهره محبوب داستان، مشروطه - خواهی شریف است که در زمانه‌ای که فرصت طلبان جای انقلابیون را گرفتارند و روزنامه‌های هوجبی، کار چرخان ماجرای سیاسی شده‌اند، کنج عزلت گزیده است. بدین ترتیب 'قتلشن' با

بهره‌گیری از احتیاج مالی حاج شیخ، نام نیک او را می‌آلاید؛ در هنگامه فحطی جنگ جهانی اول، شریک تجاری او می‌شود و حاجی را در احتکار کالاها و خود درگیر و بدنام می‌سازد. سرانجام، حاج شیخ در اندوه، غریبانه می‌میرد. قتلشن که حال سود کلانی برده است، زمین می‌خرد و ساختمان سازی می‌کند، او برای دستیابی به قدرت سیاسی، روزنامه‌نگاران را اجیر می‌کند و برای عوام فریبی، مدرسه ایتم باز می‌کند و با عنوان 'مرد وطن‌پرست' شهرت می‌یابد و عاقبت، وقتی می‌میرد، با تشریفات فراوان به خاک سپرده می‌شود.

چاپ اول

۲۰۴ - کلبه‌ای در مزرعه برفی
رسول یونان - تهران: معیار - ۱۰۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین: A hut in a snow covered farm

شابک: ۹۶۴-۷۰۱۱-۰۹-۱



کتاب متشکل از چندین داستان کوتاه است که یکی از آنها 'نامه‌ای از دهکده' نام دارد و آن حکایت خبرنگاری است که با دریافت نامه از دهکده خود از این که پدر و مادرش به وجود او نیاز دارند و در کار مزرعه یاریگر آنان باشد، تصمیم می‌گیرد به جانب دهکده رهسپار شود.

چاپ اول

۲۰۵ - ماندانا (ادامه پنجره)
فهیمة رحیمی - تهران: چکاوک - ۳۷۲ ص. - رقمی (سلفون) - ۱۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۰۳۳-۸۰-۱

'احد' در این داستان، جوانی است که در اثر مبارست و مطالعه، نیز از طریق اراده و تمرکز دادن به چشم، برخی از اشیاء را به حرکت در می‌آورد. او شیفته دختری

است که سال‌ها به انتظار او نشسته



است، اما کسب این نیروی درونی، حوادثی برای او پیش می‌آورد...

۲۰۶ - ملکوت
بهرام صادقی - تهران: کتاب زمان - ۱۱۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۹۲۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۸۰-۱۷-۴

چاپ اول

۲۰۷ - ملودی قلب من
صدیقه احمدی - تهران: فرهنگ و هنر - ۲۲۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۶۵۹-۰۸-X



داستان، ماجرای زندگی دختری است به نام 'پری' که عاطفه و محبت سراسر وجود او را فراگرفته همواره دردسرهای خانواده خود را متحمل می‌شود، او هر بیچاره و مستندی که بیاید برایش غذا تهیه می‌کند. پری حتی برای معلمی که استاد پیانو است - بی آن که چهره خود را به او بنمایاند - چندین بار غذا درست کرده است. این استاد پیانو هر از چندی به منزل آنان می‌آید تا به خواهرش پیانو تعلیم دهد. تا این که یک روز...

چاپ اول

۲۰۸ - موریانه ترس
سینا علوی - تهران: توس - ۱۲۰ ص.

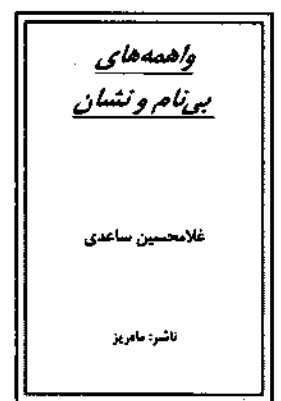
- رقمی (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه



'موریانه ترس' داستانی است از زبان 'سلمان' - کودکی از خانواده‌ای مذهبی در دهه سی - که برای ادامه تحصیلات ابتدایی مجبور می‌شود به حکم پدر، به خاطر حفظ شائز دین و پرهیز از گناه، از کلاس چهارم مدرسه دولتی به کلاس دوم در مدرسه مذهبی انتقال یابد. دوران نوجوانی سلمان با بحران‌های متفاوتی روبه‌روست و بلوغ 'زودرس' یکی از همین بحران‌هاست. از طرفی او کتاب - های را مطالعه می‌کند که 'ساواک' نسبت به آن حساس است و در نتیجه به دام ساواک گرفتار می‌آید. بدین ترتیب، این رمان نشان دهنده تنش‌ها و تضادها قهرمان داستان در جامعه‌ای هراس‌زده است.

چاپ اول

۲۰۹ - واهمه‌های بی‌نام و نشان
غلامحسین ساعدی - تهران: ماهریز - ۲۱۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۳۹-۰۹-۹



'واهمه‌های بی‌نام و نشان' مجموعه شش داستان 'غلامحسین ساعدی' است که عبارتند از: 'تو برادر'، 'سداست‌نامه'، 'گدا'، 'خاکستر نشین‌ها'، 'تب' و 'آرامش' در حضور دیگران. برای نمونه، راوی داستان 'خاکستر نشین‌ها' کودکی بی - خانمان است که پس از جدا شدن از



آنچه در این مجموعه گردآمده طنزجایی است از محمود بهرامی که مضمون اصلی آن را اتفاقات روزمره و انتقادهای اجتماعی تشکیل می‌دهد.

چاپ اول

۲۱۸- لطیفه‌های ریزه‌میزه.
گردآورنده: حسین امیری - تهران: شقایق - ۱۹۲ ص. - جیبی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۲-۷۲-۳



آنچه در این مجموعه گردآمده، لطیفه‌های متعددی است که در کنار آن چند حکایت و هزل نیز به چشم می‌خورد. یکی از لطیفه‌های این مجموعه چنین است: دو شاعر در مجلس یکی از حاکمان، کنار هم نشسته بودند و در گوش هم سخن می‌گفتند. حاکم گفت: باز چه دروغی می‌سازید؟ گفتند: مدح شما می‌کنیم.

۲۱۹- لطیفه‌های ریزه‌میزه.
گردآورنده: حسین امیری - تهران: شقایق - ۱۹۲ ص. - رقعی (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۲-۳۶-۲

۲۲۰- لطیفه‌های شیرین ملا نصرالدین.
گردآورنده: مرجان کشاورز نقاش: رامین مشرفی - تهران: پینایش - ۱۳۶ ص. - رقعی (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ دوم



محتوای کتاب، قطعاتی است شعر گونه که در قالب هشت نامه به تحریر درآمده است. بخشی از نامه نخست، چنین است: سلام، این اولین نامه‌ای است که برای تو می‌نویسم. بی آن که نام تو را بنامم. بی آن که به نشانی تو فکر کرده باشم. و امیدوارم آخرین نباشد... می‌دانم بی‌گمان کسی که همچون تو، نرم در کوچه‌های سخت می‌رود، پرورده خانگی است پر از عطر یاس، و چرخش سحرانگیز شاخه‌های نارنج...

۲۱۵- نامه‌های فهیمه.
فهیمه بابائیان پور به اهتمام: علیرضا کمری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری - ۱۶۴ ص. - رقعی (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۷۱-۵۹۶-۹

۲۱۶- گزیده لطائف الطوائف.
علی‌بن حسین فخرالدین صفی به اهتمام: ابراهیم نبوی ویراستار: پروین اردلان - تهران: روزنه - ۱۳۴ ص. - رقعی (شمیز) - ۵۹۵۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۰۳-۹

طنز و هجو و هزل
(از سال ۱۳۲۰-)
۸۱۵/۶۲

چاپ اول

۲۱۷- دو کلم حرف حساب.
محمود بهرامی - تهران: جزیل - ۱۳۰ ص. - رقعی (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۹۵۳-۶۶-۹

شابک: ۹۶۴-۳۶۰-۲۲۱-۲
واحد به چاپ رسانده‌اند. از هر نویسنده دو داستان کوتاه به طبع رسیده که اسامی آنان عبارتند از: مهرناز حسینی، منصور دلدار، عشرت رحمانپور، راشین رازقی فرد، حمیدرضا سهیلی، امیر شهبازی، هادی عراقی، زینب فیاض، آرش کریمی، سرور منتضد و سحر نوراحمر.

مقاله‌های فارسی
(از سال ۱۳۲۰-)
۸۱۵/۶۲

چاپ اول

۲۱۳- محرم اسرار.
جلال الدین همای - تهران: مروارید - ۲۳۴ ص. - وزیری (کالینگور) - ۲۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۴-۸۴-۲



کتاب، گزیده‌ای است از مقالات استاد جلال‌الدین همای که در ابتداء زندگی نامه و فهرست آثار و تالیفات وی به طبع می‌رسد؛ سپس این مقالات در آن فراهم می‌آیند: شاهنامه فردوسی: شاهکار سخنوری و سخنرانی، رودکی و اختراع رباعی، ابن سینا یکی از دانشمندان بزرگ ایران، مقام حافظ، مستدرکات دیوان شمس، افکار تازه و نوآوری‌های علمی ابوریحان، تصای کاشانی، ظهور فارابی، بررسی شعر مسعود سعد سلمان و جبر و اختیار و قضا و قدر از دیدگاه مولوی و متکلمان اسلامی.

نامه‌های فارسی
(از سال ۱۳۲۰-)
۸۱۵/۶۲

چاپ اول

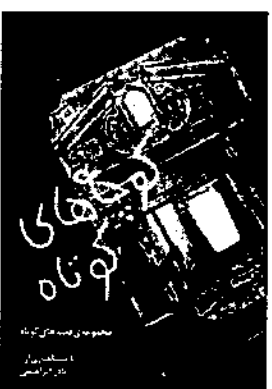
۲۱۴- به جای همه کلامها سلام.
سعید فلاخفر - تهران: سعید فلاخفر - ۴۸ ص. - پالتویی (شمیز) - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

ملیت هر یک بدین قرار است: مصاحبه/جهابولا (هند)، جنوب شهر/هایاشی فومیکو (ژاپن)، هدیه زیبای لاکشمی/پرما ساستری (هند)، یادداشت‌های دوشیزه سوفیا/دینگ لینگ (چین)، زندانی عینکی/پسی هد (آفریقای جنوبی)، چارلز/شرلی جکسن (آمریکا)، جولیا/لین هلمن (آمریکا)، از مادر... با عشق/زوا شربرین (آمریکا)، گروگان‌ها/نیامی مرگرت میچسن (انگلستان)، ذلت/سوفیا ناکلفسکا (لهستان)، از میان گذرگاه/دریس لینگ (انگلستان)، تنباکوی سبز/کارسن سولن (فرانسه)، والیا/ورایانا (روسیه)، مدرسه بازی/می سی جنکینز (استرالیا)، بیاد می‌وزد/کترین منسفیلد (نیوزیلند)، یادآور می‌شود مضمون اصلی این داستان‌ها عمدتاً برخوردهای شخصی افراد طبقه متوسط بوده گاه بازتابی است از زندگی زنان در جامعه پر کشاکش امروزی.



۲۱۲- کوچه‌های کوتاه.
نادر ابراهیمی، ... (و دیگران) - تهران: روزنه - ۱۷۶ ص. - رقعی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۵۲۹-۶۹-۷

۲۱۱- از مادر ... با عشق: شانزده داستان از نویسندگان زن جهان. م. سجودی - تهران: افکار - ۲۲۰ ص. - رقعی (شمیز) - ۲۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۰۰۵-۷-۷



کتاب، مجموعه‌ای از قصه‌های کوتاه است که آن را هنرجویان دوره آموزش ساختار و مبانی ادبیات داستانی پس از اتمام دوره فراهم آورده و در مجموعه‌ای

عسوی گذایش، با اتومبیل متوفیات نزد دایی بزرگش می‌رود که در دهمه‌های تیره و تاریک اطراف حرم، مخفیانه زیارت نامه چاپ می‌کند. در این داستان، صدای دازکوب که پیوسته تکرار می‌شود صدای زندگی نکتیباری است که سوهان روح پسرک شده است. او نمی‌خواهد مانند آن عسوی خود دست به گدایی بزند، به همین دلیل نزد دایی آمده تا راهی برای نجات خود از جامعه مفلوک و منحط بیابد، اما...

چاپ اول

۲۱۰- هوسی به نام قطار.
ایرج کریمی - تهران: برگبرگ - ۲۲۲ ص. - رقعی (شمیز) - ۱۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۶۸۱-۲-X



رمان حاضر، روایتی است از زندگی مردی که سال‌های مدیدی را در خارج از کشور سپری کرده اما اینک قدم به سرزمین خود می‌گذارد. او که «علیرضا» نام دارد در سال‌های پر التهاب نهضت ملی شدن نفت از ایران خارج شده، اما اکنون با ورود به تهران منظرهای متفاوت از گذشته را مشاهده می‌کند. علیرضا عضو یک حزب سیاسی است که باید وظایف جدیدی را برعهده بگیرد. او ابتدا با محیط جدید چندان انس نمی‌گیرد، اما بعدها اتفاقات بسیاری را پشت سر می‌گذارد که داستان براساس آن، تحریر شده است.

چاپ اول

۲۱۱- از مادر ... با عشق: شانزده داستان از نویسندگان زن جهان. م. سجودی - تهران: افکار - ۲۲۰ ص. - رقعی (شمیز) - ۲۱۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۰۰۵-۷-۷

در کتاب، شانزده داستان از نویسندگان زن با ملیت‌های مختلف، به فارسی ترجمه شده است. نام داستان، نویسنده

۵۰۰۰ /

شابک: ۹۶۴-۶۶۹۵-۷۰۰-۱

آثار تجربی و غیر رسمی
(از سال ۱۳۲۰-)

afan76

چاپ اول

۲۲۱- شیرین تر از خواب گلها:
راز و نیاز شبانه.

سهیلا رامین فر. - تهران: قصیده. ۸۸ ص. - رقصی (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۲۹-۳۵-۷

شیرین تر از خواب گلها

راز و نیاز شبانه



مجموعه حاضر متضمن ۵۲ قطعه ادبی است که عمدتاً با مضامین عشق و فراق، گاه با تصاویری از طبیعت و اغلب با تشبیهات متعدد به رشته تحریر درآمده است.

نثر ادبی فارسی معاصر

afan78

چاپ اول

۲۲۲- انسان و عشق (جلوه‌های روان‌پزشکی و عرفانی انسان خود شکوفا).

ابراهیم واحد. - تهران: گفتمان. ۱۱۲ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Publication organization

شابک: ۹۶۴-۶۹۸۹-۲۶-۶



در این مجموعه، نوشته‌هایی در باب روح و روان انسان سالم، عشق، عرفان و تعالی انسان با موضوعاتی از این دست به طبع رسیده است: رفتار با انسان‌های دیگر، بی‌نیازی و شکر، بخشش و گذشت، پاداش عمل و صداقت.

نثر ادبی قرن ۵

afan77

۲۲۳- گزیده قابوس‌نامه (متن فارسی از قرن پنجم هجری).

کیکاسوس بن اسکندر عنصرالمعالی به - اهتمام: غلامحسین یوسفی. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. - ۴۴۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۴۵-۲۷۶-۳

نثر ادبی قرن ۷

afan72

چاپ اول

۲۲۴- گلستان سعدی: از روی نسخه محمدعلی فروغی.

مصلح بن عبدالله سعدی به‌اهتمام: محمدعلی فروغی؛ مصحح: کیومرث کیوان. - تهران: فرهنگ و قلم. - ۲۶۰ ص. - رقصی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول.

شابک: ۹۶۴-۶۹۸۹-۳۶-۲

۲۲۵- گلستان سعدی: نسخه علمی و انتقادی از روی قدیمی‌ترین نسخ خطی و نسخ یکن.

به‌اهتمام: بهرات زنجانی. - تهران: امیر کبیر. - ۲۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۳۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۰۰۰۰۰۷۱-X

چاپ اول

۲۲۶- مکتوبات و مجالس سبغه. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی مقدمه: جواد سلامی زاده. - تهران: اقبال. - ۳۲۰ ص. - وزیری (کالیگراف). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۰۶-۱۲۵-X

۲۲۷- مکتوبات و مجالس سبغه. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی مقدمه: جواد سلامی زاده. - تهران: اقبال. - ۳۲۰ ص. - وزیری (کالیگراف). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۰۶-۱۲۵-X

در این کتاب، دو اثر منثور "مولانا جلال‌الدین یلخی" یعنی "مکتوبات" و "مجالس سبغه" به چاپ رسیده که اولی شامل ۱۴۳ نامه مولانا به معاصرین خود است

مکتوبات و مجالس سبغه

حضرت مولانا جلال‌الدین محمد یلخی (مولوی)

دکتر جواد سلامی زاده

و دومی شامل مواعظ و خطابه‌های اوست که گاه با عبارات عربی و اشعار فارسی فراهم آمده است.

نثر ادبی قرن ۱۴

afan76

چاپ اول

۲۲۷- سنگتراش مهر. مصحومه دهقانی. - تهران: قوانین. - ۲۶ ص. - رقصی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۳۱۰-۱۸-۳



بیست قطعه ادبی در این مجموعه گردآمده است. "مهر باران" نمونه‌ای از این قطعات است: کاسه گردان به گدایی عاطفه می‌رود و کاسه لیس به گدایی کوتاه‌اندیش خویش، کالگی به زراعت عشق می‌آید، کلاغ به سرفت پتیر، مهر باران مستانه، محصور می‌شود که مار زندگی به مستی کهنه کار...

تاریخ و نقد ادبی

۸۰۹

چاپ اول

۲۲۸- رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات.

نورترپ فرای؛ مترجم: صالح حسینی. - تهران: نیلوفر. - ۳۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول /

۲۷۵۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The great code: the bible and literature

شابک: ۹۶۴-۳۴۸-۱۳۸-۰



"نورترپ فرای" در این اثر، ضمن یادکرد از تأثیر فراوان "کتاب مقدس" بر ادب مغرب زمین، بر آن است با بررسی مراحل تکامل زبان، این نتیجه را به دست دهد که سیاق زبانی کتاب مقدس - به‌رغم انطباق نداشتن با مراحل تکاملی زبان - سرشار از استعاره است و بی آن که در واقع اثر ادبی باشد، شاعرانه است. وی در این کتاب ذیل دو عنوان "آرایه کلمات" و "آرایه انبواع" کتاب مقدس را از حیث زبان، استعاره، نوع شناسی و اسطوره بررسی می‌کند. "فرای" یادآور می‌شود که "کتاب مقدس اسطوره تنابوری است؛ یعنی روایتی که کل زمان را از آفرینش تا آخر زمان در برمی‌گیرد. مایه وحدت این روایت هم مجموعه‌ای است از تصاویر مکرر که اگر این تصاویر را از سیر باز داریم، به یک دسته استعاره واحد تبدیل می‌شود و جلگی استعاره‌ها با جسم مسیح همتا می‌گردد."

چاپ اول

۲۲۹- گام به گام با جهان فلسفه و هنر مدرن: پست مدرنیسم.

جیمز ان پاول؛ مترجم: نفیسه حسینی نژاد. - تهران: نظر. - ۱۷۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۷۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۹۴-۰۸-۳



"جیمز ان پاول" نویسنده کتاب بر این عقیده است که پست مدرنیسم مجموعه‌ای از نقشه‌هایی است که به افراد کمک می‌کند تا راه خود را در این دنیای در حال تحول پیدا کنند. وی در این کتاب، رتوس کلی دیدگاه‌های صاحب نظران و اندیشمندان پست مدرن را به زبانی ساده، همراه با طرح‌های گوناگون، عرضه می‌کند. مباحث اصلی این کتاب حول این موضوعات است: جایگاه گفتمان، قرا روایت و دانش در وضعیت پست مدرن، قدرت و دانش، نقشه‌برداری پست مدرن به منزله منطق فرهنگی سرمایه‌داری متاخر، نقش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در ایجاد فریفتگی، اغوا و شیفتگی یا خلصه ارتباطات، تراکم و قبض زمان - مکان، مرگ معماری مدرنیستی و ظهور هنر و معماری پست مدرن، شالوده شکنی، ساخت گشایی و مرکز زلایی، و نظایر آن.

چاپ اول

۲۳۰- نمایش چیست.

مارتین اسلین؛ مترجم: شیرین تالوانی. - تهران: نمایش. - ۱۴۴ ص. - رقصی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۹۶-۱۶-۵



نویسنده در این اثر بر آن است ماهیت اصلی "نمایش"، اصول و فنون اساسی آن را برای مخاطبان بازگو نماید. وی به همین منظور، ابتدا حدود و تعاریفی از نمایش به دست می‌دهد و ماهیت آن را خاطر نشان می‌کند. سپس با مقوله‌ای تحت عنوان "نمایش، تجربه‌ای جمعی: مراسم آیینی، نمایش را قالبی برای اندیشه، روندی برای شناخت و شیوه‌ای برای برگرداندن مفاهیم انتزاعی به شرایط ملموس انسانی، به شمار می‌آورد. "سبک و کاراکتر"، "ساختار نمایش"، "واژگان تحلیلی"، "ترازادی، کمدی، ترازادی - کمدی"، "نقار و رسانه‌های گروهی"، "واقفیت و پندار"، "نمایش و اجتماع" و "حقیقت نمایش" از مباحث

عمده این کتاب هستند که در کنار آن به پاره‌ای از نمایش‌نامه‌های برجسته جهان - به گونه شاهد و مثال - اشاره می‌شود. واژه‌نامه انگلیسی - فارسی در انتهای کتاب به چاپ رسیده است.

شعر آمریکایی

۸۱۱

۲۳۱- تا کرانه‌های خیال.

گردآورنده: امیررضا نوری‌زاده. - تهران: آتیه، ثالث. - ۲۵۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۳۳۳-۵۶-۹

داستان آمریکایی

۸۱۲

چاپ اول

۲۳۲- امیلی: دختر دره‌های سبز.

لوسی‌مود مونتگمری: مترجم: نتمه صفاریان‌پور. - تهران: مرداد. - ۶۵۰ ص. - جلد اول. - رقی (گالینگور). - (دوره) ۷۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۱۱۶-۰۵-۵



رمان حاضر شرح ماجراهای کودکی، نوجوانی و جوانی دختری است به نام 'امیلی' که طی آن روایاها، غم‌ها، شادی‌ها، سرسختی‌ها و شیظنت‌های قهرمان اصلی داستان (امیلی) بازگو می‌شود. 'امیلی' با مرگ پدر تحت سرپرستی دو خاله خود قرار می‌گیرد. خانواده جدید، تربیت او را به مثابه وظیفه‌ای شاق می‌نگرند، اما به مرور زمان سخت به 'امیلی' علاقه‌مند می‌شوند. نوشته‌های کودکانه 'امیلی' از ثوق لطیف او حکایت دارد؛ در حالی که خانواده جدید با عقاید خشک ویکتوریایی قصد سرکوب آن را دارد. با این همه، ذوق امیلی رفته رفته با رهنمودهای معلمش شکوفاتر می‌گردد. بدین ترتیب، نوشتن دغدغه‌های همیشگی او را تشکیل می‌دهد؛ دغدغه‌ای که با عشق

به پسری به نام 'ندی' معنای دیگر می‌یابد اما در این میان زن دیگری نیز هست که به 'ندی' سخت علاقه‌مند است؛ زنی مرموز که سال‌ها این دو جوان دلناده را گرفتار برزخی آکنده از سوءتفاهمات می‌کند. به موازات این مصائب، حضور دختری زیبا که از دوستان نزدیک امیلی است، بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید و...

چاپ اول

۲۳۳- امیلی: دختر دره‌های سبز.

لوسی‌مود مونتگمری: مترجم: نتمه صفاریان‌پور. - تهران: مرداد. - ۶۲۲ ص. - جلد دوم. - رقی (گالینگور). - (دوره) ۷۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۷۱۱۶-۰۶-۳

چاپ اول

۲۳۴- انجمن شاعران مرده.

کلایس بام: مترجم: نتمه شولمن: مترجم: حمید خادمی. - تهران: کتاب پنجره. - ۲۰۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Dead poets society

شابک: ۹۶۴-۶۳۵۸-۰۱-۲



'کیتینگ' در این رمان معلمی است که به یکی از مدارس مربوط به فرزندان اعیان و بزرگان انگلیس راه پیدا می‌کند. تعلیم و تربیت در این مدرسه، بسیار مقررانی و خالی از عواطف انسانی است. به گونه‌ای که با عنصر شعر و روحیه شاعری به شدت برخورد می‌شود. اما کیتینگ به تدریج آداب خشک و اعیانی را در کلاس خود حذف می‌کند و اندک اندک عواطف پاک شاگردان را شکوفا کرده آنها را به شعر و هنر علاقه‌مند می‌کند. تا جایی که آنان با تشکیل انجمن شاعران جلسات شعر و نقد برپا می‌دارند؛ در حالی که این کار مخالف

این مدرسه است. سرانجام این موضوع نزد اولیای مدرسه فاش می‌شود و 'کیتینگ' از آن جا اخراج می‌گردد. حال آن که شاگردان، او و تاثیر شگرف تعالیمش را از یاد نمی‌برند...

چاپ اول

۲۳۵- خانه‌ی خیابان امید.

دانیل استیل: مترجم: پریا آقاسی‌بیگ. - تهران: فروغ قلم. - ۲۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۱۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The house on hope street

شابک: ۹۶۴-۹۲۱۸۲-۳-۸



وقایع این رمان حول دو شخصیت 'لیز' و 'جک ساترلند' شکل می‌گیرد. زندگی این دو کاملاً بر وفق مراد بوده هیچ مانعی برای موفقیت حس نمی‌کردند. تا این که در یک صبح کریسمس، در مأموریتی پنج دقیقه‌ای برای جک حادثه‌ای رخ می‌دهد که داستان براساس آن پی‌ریزی می‌شود و...

چاپ اول

۲۳۶- دختری در باد.

ماریان دین باوئر: مترجم: فهیمه ملکی. - تهران: کتاب نادر. - ۱۰۰ ص. - رقی (شمیز). - ۵۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Sheltre from the wind

شابک: ۹۶۴-۹۲۵۵۷-۲-X



'دختری در باد'، داستان دختر نوجوانی است به نام 'استیسی' که از نزد پدر و نامادری‌اش می‌گریزد و با ناملاطیات فراوانی روبه‌رو می‌شود. اما سرانجام او به معنای عمیق زندگی پی می‌برد و با تجربه‌ای جدید آن را بنا می‌نهد.

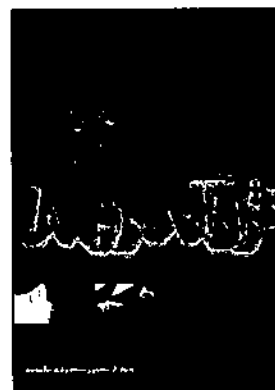
چاپ اول

۲۳۷- نژاد آندرومدا.

مسایکل کرایتمن: مترجم: فائزه دینی (طباطبایی). - تهران: روزنه. - ۲۷۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۵۹۵۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: The andromeda strain

شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۰۵۳-۶



در یکی از شب‌های سرد زمستان سال ۱۹۶۴، ماهواره آمریکایی 'اسکوپ ۷' در نزدیکی دهکده دورافتاده‌ای در بیابان 'آریزونا' فرود می‌آید. جویندگان ماهواره که از سوی 'ناسا' برای بازگرداندن آن فرستاده شده‌اند، دهکده را در وضعیتی غیرعادی می‌یابند، زیرا نشانه‌ای از حیات در آن جا مشاهده نمی‌شود؛ جز لاشخواری که بر فراز دهکده چرخ می‌زند. آنان در دهکده با صحنه‌ای هولناک روبه‌رو می‌شوند، زیرا شیخی سییدپوش به سوی آنان می‌آید و... داستان 'نژاد آندرومدا' روایت داستان پسرانزانه‌ای از بحران علمی هراسناکی در دهه هفتم قرن بیستم است که در پی آزمایش‌های 'ناسا' برای دستیابی به شکل‌های تازه - تری از جنگ افزارهای میکروبی در آمریکا به وقوع پیوست؛ سپس دامنه و پامدهای این بحران تا مدت‌ها از سوی مقامات امنیتی آمریکا پنهان نگاه داشته شد. در 'نژاد آندرومدا' ابعاد پنهانی این بحران آشکار می‌گردد.

چاپ اول

۲۳۸- هرتزوک.

سال بلو: مترجم: فرشته داوران. - تهران: پیکان. - ۵۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Herzog

شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۱۰۱-۹



رمان حاضر، اثر 'سال بلو' نویسنده روس تبار است که به همراه خانواده خود در آمریکا اقامت گزید و بعدها با آثاری چون 'کسان معلق'، 'امروز را دریاب'، 'سلطان باران' و 'هرتزوک' در آن کشور به شهرت و اعتبار دست یافت. رمان 'هرتزوک' در سال ۱۹۶۴ انتشار یافت. شخصیت مرکزی این رمان - موریس هرتزوک - نجیب‌زاده یهودی الاصلی است که پدر و مادرش - درست همانند خود نویسنده - وطن خود روسیه تزاری را ترک گفته بعدها در آمریکا سکنی گزیدند. اما وقایع اصلی رمان مربوط به دوران میان سالی هرتزوک است که در مقام استاد تاریخ و دوستدار فلسفه و ادبیات، چهره می‌نمایند. او همسری دارد که با او از نظر روحی و فکری در یک سنخ نیست. هرتزوک در این رمان، در پنجمین دهه زندگی خود با بحرانی عظیم روبه‌رو می‌شود که به نوعی تمام جنبه‌های اجتماعی، تاریخی، مذهبی و هنری زندگی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و او ناگزیر در جست و جوی راهی است تا این بحران را پشت سر افکند. هرتزوک با این انگیزه به مباحث و مجادله با نمایندگان انواع نطله‌های فکری، ادبی و اجتماعی مشغول می‌گردد و اغلب از طریق نامه‌نگاری به این مهم دست می‌زند و سرانجام با این کار به افقی تازه و روزنه‌ای حیات بخش دست می‌یازد و آن عبارت است از این که 'زندگی ارزش زیستن دارد'. بدین ترتیب، هرتزوک، خود را از قید فلسفه‌های نیهیلیستی، توتالیتاریستی و نظایر آن رهایی می‌بخشد و تفکر خود را با مفهوم اصیل انسانیت و عدالت پیوند می‌زند.

شعر انگلیسی

۸۲۱

چاپ اول

۲۳۹- غزل‌های شکسپیر.

مترجم: بهنام مقدم، شارح: محمد

همایون و شایر استار: مرتضی افسرده -
تهران: نقش و نگار - ۲۰۸ ص. - رقی
(شمیز) - ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول /
۳۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:

Shakespear's sonnets
۹۶۴-۶۲۲۵-۱۱-۵
شابک:



مجموعه حاضر ترجمه‌های منظوم از
قطعات شکسپیر است که در آن ۷۷
سانت و سیزده قطعه مختلف به شعر
فارسی - غزل - برگردانده شده است. در
ابتدای کتاب به اختصار از شکسپیر و
قطعات او سخن به میان می‌آید؛ آن گاه
ترجمه فارسی و متن انگلیسی به چاپ
می‌رسد. بخشی از ترجمه غزل "A" چنین
است: ای که آهنگ خوش هستی و
شیرین سخنی! پس چرا نغمه خوش را
تو غمین می‌شوی! چون که شادی بر
شادی بود و غم بر غم! تو چرا آنچه که
شاد دهدت می‌فکنی!..

چاپ اول

۲۴۰ - نبرد قورباغه‌ها و موشها:
یک افسانه هومری.
جورج مارتین: مترجم: امیر اشرف -
الکتابی: نقاش: فرد گوین - تهران: جهان
دانش - ۸۸ ص. - رقی (شمیز) -
۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۹۳۶-۰۳-۹



"نبرد قورباغه‌ها و موش‌ها" افسانه‌ای
کهن است که اینک با ترجمه انگلیسی و
فارسی به طبع می‌رسد. در این افسانه

منظوم نبرد قورباغه‌ها و موش‌ها با القاب
اساطیری و پر ایهت بازگو می‌شود و
ضربه‌های شمشیر آنها به ضربه‌های
هر کول تشبیه می‌گردد. این نبرد به گونه
حماسی توصیف می‌شود و خدایان یونان
مضطربانه بر کوه المپ منتظر نتیجه این
پیکارند.

نمایشنامه انگلیسی

۸۲۲

۲۴۱ - سالومه: اهمیت ارست
بودن، یادبزن خاتم ویندرمر.
اسکار وایلد: مترجم: محمد سمیدی -
تهران: شرکت انتشارات علمی و
فرهنگی - ۲۲۲ ص. - رقی (شمیز) -
۸۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۴۵-۲۲۱-۶

چاپ اول

۲۴۲ - شاه لیر: نمایشنامه.
ویلیام شکسپیر: مترجم: محمود
اعتمادزاده - تهران: آتیه - ۱۴۴ ص. -
رقی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول
/ ۳۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:
شابک: King lear
۹۶۴-۶۳۷۲-۳۲-۱



نمایش‌نامه "شاه لیر" اثر "ویلیام شکسپیر"
ترجمه‌ای است از محمود اعتمادزاده
(م.ا.به‌آذین) که در پنج پرده براساس
قصه‌های عامیانه تنوین شده است. این
نمایش‌نامه، تصویری است از تیره
روزی‌های شاه سالخورده و کودن که دو
دختر نخست او به او خیانت می‌کنند، اما
دختر با تقوا و فداکارش "کوردلیا" - با
وجودی که مورد بی‌مهری پدر قرار
گرفته - همچنان به او وفادار می‌ماند.

۲۴۳ - شکسپیر: زندگی / خلاصه
کل آثار / هملت.
گردآورنده: هومر اندرو وات، کارل جی.
هولتکسخت، راس ریمنوند: مترجم:
اسماعیل فصیح - تهران: پیکان - ۵۰۲
ص. - رقی (شمیز) - ۲۴۵۰۰ ریال -

چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Outline of shakespeare's
plays
۹۶۴-۶۲۲۹-۰۹-۳
شابک:

داستان انگلیسی

۸۲۲

۲۴۴ - باغ مخفی.
فرانسس هاجسن برنت: مترجم: نوشین
ریشهری - تهران: سروش - ۲۰۴ ص.
- رقی (شمیز) - ۹۵۰۰ ریال - چاپ
دوم / ۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:
The secret garden
۹۶۴-۴۴۵-۲۱۷-۳
شابک:

چاپ اول

۲۴۵ - خشم و سکوت.
آن همپسون: مترجم: رها رحیمیان، عطیه
رقی - تهران: ارتباط بران پویا - ۳۲۶
ص. - رقی (شمیز) - ۱۷۰۰۰ ریال -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:
Stormy the way
۹۶۴-۹۳۵۶-۰۰-X
شابک:



ماجرای اصلی داستان از آن جا آغاز می-
شود که "تارامین" - به خاطر خیانت
نامزدش ریچارد - آگاهی در روزنامه درج
می‌کند با این مضمون که "به جوانی زیبا
و جذاب برای انجام کار ساده‌ای با
دستمزد عالی نیازمندیم". "تارامین" این
آگهی را بدین سبب چاپ کرده تا با آن
جوان منتخب به عروسی ریچارد برود و
او را نامزد خود معرفی کند. او قصد
داشت با این کار خشم فروخورده خود را
فرونشاند و به ریچارد اثبات کند که آن
قدر زیباست که بلافاصله نامزدی بهتر از
ریچارد دست و پا کند. به هر ترتیب،
جوانی یونانی به خواسته تارامین پاسخ
می‌دهد، اما همین امر زمینه‌ساز حوادث
مختلفی می‌شود که داستان براساس آن
شکل گرفته است.

۲۴۶ - رویاه مزرعه.

آیلین دانلپ: مترجم: گلی امامی - تهران:
نشر چشمه - ۱۹۶ ص. - رقی (شمیز).
۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰
نسخه
عنوان به لاتین:

Fox farm
۹۶۴-۵۵۷۱-۹۰-۱
شابک:

چاپ اول



وقایع اصلی داستان مربوط به سال‌های
پیش از صنعتی شدن انگلستان بوده که
در آن، زندگی نوجوانی به نام "آدام" به
تصویر کشیده شده است. کتاب با یتمی
و دربه‌دری "آدام" آغاز می‌شود؛ سپس او
به مزرعه‌ای واقع در روستایی در
اسکاتلند پناه می‌برد و تحت حمایت
خانواده‌ای، روزگار خود را سپری می‌کند.
اما زندگی این خانواده نیز در اثر تورم
اقتصادی به خطر می‌افتد و "آدام" نیز در
جست و جوی راهی است تا خود را از آن
نجات دهد. او رویای رفتن به استرالیا را
در سر می‌پروراند و قصد دارد از آن
مزرعه بگریزد، اما آدام سرانجام درمی-
یابد که رویاهای بی‌اساس نمی‌توانند
زندگی او را بهبود بخشند، بلکه او ترجیح
می‌دهد در میان همان خانواده به سر
ببرد و زندگی خود را با عشق و علاقه
توام سازد. زیرا او نیک می‌داند که داد و
ستد عاطفی با آن خانواده به مراتب برای
او با ارزش‌تر است.

چاپ اول

۲۴۷ - سال باکره‌ها.
کاترین کوکسن: مترجم: شهلا
محبی: نویراستار: ارمنیان جزایری -
تهران: پیکان - ۲۵۸ ص. - رقی
(شمیز) - ۱۲۵۰۰ ریال - چاپ اول /
۲۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:
The year of the virgins
۹۶۴-۳۲۸-۰۸۷-X
شابک:



"وینفرد" و "دانیل کالسون" زن و
شوهری هستند که سی و یک سال از
زندگی مشترک آنان سپری شده است.
این دو صاحب، دو پسر (استفان و دانالد)
نیز یک پسر خوانده (جو) هستند.
"استفان" جوانی سی ساله است و به
ظاهر آرام و مهربان می‌نماید، اما او به
سبب روحی، همچنان حالات بچگی
خود را حفظ کرده که همین امر گاه
موجب دردسر خانواده می‌شود. "دانالد"
نیز پسر است که مادرش او را به حد
افراط دوست دارد؛ از این رو، مادر
همواره نگران "دانالد" است، زیرا او قرار
است با "آنت" ازدواج کند. ضمن آن که
فرزند خوانده آنان - جو - نیز به طور
پنهانی به "آنت" علاقه وافر دارد
سرانجام پس از پایان مراسم ازدواج،
"دانالد" و "آنت" راهی ماه عمل می‌شوند
و در اثر سانحه رانندگی، دانالد به شدت
آسیب می‌بیند. به دنبال این حادثه، مادر
دچار اختلال روحی شده در بیمارستان
بستری می‌شود و...

چاپ اول

۲۴۸ - عشق ممنوعه.
بنجامین اوکری: مترجم: مهدی قراچه-
داغی: نویراستار: شهلا ارزنگ - تهران:
البرز - ۲۶۶ ص. - رقی (شمیز) -
۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰
نسخه
عنوان به لاتین:

Dangerous love
۹۶۴-۴۴۲-۲۷۱-۶
شابک:



در این رمان پاره‌ای از آداب و رسوم کشور نجره در قالب داستانی عاشقانه بازگو می‌شود. «ایفقا» در این داستان دختر جوانی است که برحسب قواعد خشن قبیله‌ای با مردی پنجاه ساله ازدواج می‌کند و با او ناگزیر به شهری دیگر رهسپار می‌شود. در این شهر جدید «ایفقا» با جوان نقاشی آشنا شده به تدریج به هم علاقه‌مند می‌شوند. اما مانع اصلی بر سر این عشق، شوهر «ایفقا» است که اینک با یک دیگر اختلاف جدی پیدا کرده‌اند. «ایفقا» در تلاش است از شوهرش جدا شود ولی او براساس چارچوب‌های سنتی، موفق به این کار نمی‌شود؛ در نتیجه، از پیش همسر خود می‌گریزد تا به سرزمین خانوادگی خود رجعت نماید، اما در میانه راه توسط گروه‌های شورشی به قتل می‌رسد.

چاپ اول

۲۴۹- عشق هرگز نمی‌میرد.

کته لامبرت؛ مترجم: ارفع شیرازی. - تهران: راه مانا. - ۲۸۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۳۸۸-۳-۲

چاپ اول

۲۵۰- قلمبارد.

پیتون؛ مترجم: ابراهیم. - تهران: پردیس-مهر. - ۲۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چسپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Flambard
۹۶۴-۹۰۶۲۸-۱-۱



در این داستان، «کریستینا» دختر دوازده ساله‌ای است که ناگزیر باید در خانه عمویش در روستای قلمبارد زندگی کند. عموی او - راشل - مردی خشن و عصبی است، زیرا او سال‌ها قبل در اثر سانحه‌ای در شکار فلج شد و در پی آن

زندگی را بر کام خود و اطرافیان تلخ نمود. بدین ترتیب، کریستینا باید در خانه‌ای خشک و بی‌روح اوقات خود را سپری کند. چند سال بر همین منوال می‌گذرد تا این که عمو راشل - طبق عادت دیرینه - بر کریستینا خشم می‌گیرد و دستور می‌دهد اسب او خوراک سگ‌ها شود، اما در پی آن، کریستینا به خود می‌آید و قصد دارد این بار با نامردی‌ها به جنال برخیزد و...

شعر آلمانی

۸۳۱

چاپ اول

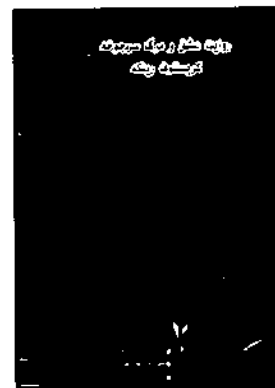
۲۵۱- روایت عشق و مرگ

سرجوخه کریستوف ریلکه.

راینرماریا ریلکه؛ مترجم: علیرضا آیز. -

تهران: آیز. - ۵۲ ص. - رقی (شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۸-۴-۲



این منظومه کوتاه روایتی شاعرانه سربازی است به نام «کریستوف ریلکه» که به جنگ اعزام می‌شود و در میانه راه خبری‌های ناشی از جنگ را مشاهده می‌کند. هم‌زمان او جوانی است به نام «مارکی» که گل سرخی با خود دارد و یادگاری از معشوق اوست. او گلبرگی از آن را به کریستوف می‌دهد و خاطر نشان می‌کند این گلبرگ - نهاد عشق - از تو محافظت خواهد کرد. همین امر روحیه کریستوف را دو چندان می‌کند. سرانجام او با شجاعتی وصف‌ناپذیر به قلب دشمن یورش می‌برد و عاقبت کشته می‌شود. علاوه بر متن آلمانی، ترجمه فارسی و انگلیسی داستان، در کتاب درج گردیده است.

نمایشنامه آلمانی

۸۳۲

چاپ اول

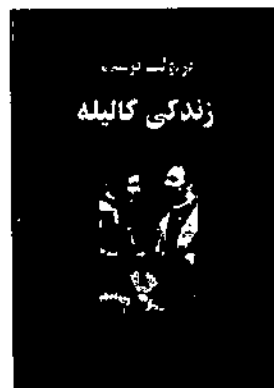
۲۵۲- زندگی گالیله.

برتولت برشت؛ مترجم: کاوه کردونی. -

تهران: محسور. - ۲۴۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Leben des galilei
۹۶۴-۶۷۹۶-۱۱-۷



نمایش حاضر از «برشت» که از روی نسخه آلمانی به فارسی ترجمه شده روایتی است از زندگی پر ماجرای گالیله (ریاضی‌دان و فیزیک‌دان ایتالیایی). گالیله در این نمایش‌نامه، معلم حساب است که قصد دارد فرضیه کپرنیک را اثبات نماید. او دوربین را اختراع می‌کند و به وسیله آن صحت هیئت کپرنیکی را اثبات کرده اما دوستش نسبت به پیامدهای تحقیقاتش به وی هشدار می‌دهد. در نتیجه، اکتشافات او با شک و بی‌اعتمادی محافظ فلورنسی، به ویژه کلیسا روبه‌رو می‌شود تا جایی که کار به دخالت پاپ می‌انجامد و او را وادار به استعفا می‌کند و...

۲۵۳- نمایش‌نامه دون کارلوس.

یوهان کریستف فریدریش فون شیلر؛ مترجم: محمدعلی جمال‌زاده. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. - ۲۶۸ ص. - رقی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۲۲۹-۲۷۹-۸

داستان آلمانی

۸۳۳

چاپ اول

۲۵۴- اسکندر صغیر.

کریستینه بروکنر؛ مترجم: مهشید میرعمری. - تهران: روزنه. - ۱۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۷۹۵۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۲۳۳۴-۰۴۵-۷

خاتم «کریستینه بروکنر» (۱۹۲۱ - ۱۹۹۶) نویسنده‌ای آلمانی است که در این اثر، با مایه‌هایی از طنز، چند روز از زندگی

پسریچه ده ساله‌ای را روایت می‌کند. او که «اسکندر صغیر» نام دارد مدتی از خانوادش به دور است و یک چند نزد



عمو و زن عموی بی‌فرزندش زندگی می‌کند. مادر «اسکندر صغیر» معلم تاریخ است، به سبب علاقه به شخصیت‌های تاریخی، نام‌هایی نظیر آن برای فرزندانش برگزیده است. در این داستان، شادی‌ها، دل‌تنگی‌ها، و شیطنت‌های اسکندر صغیر، خانواده عموی ثروتمند را سرانجام بر آن می‌دارد تا به فکر تغییری اساسی در زندگی خود باشند و...

نمایشنامه فرانسوی

۸۳۲

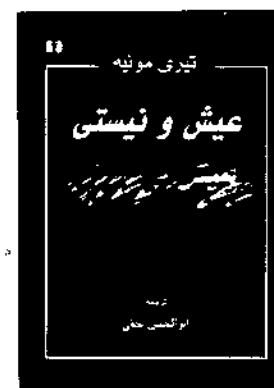
چاپ اول

۲۵۵- عیش و نیستی.

تیری مونی؛ مترجم: ابوالحسن نجفی. - تهران: نیلوفر. - ۱۵۰ ص. - رقی (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Le sexe et le neant
۹۶۴-۳۲۸-۱۵۰۰-X



نمایش‌نامه حاضر، بیانگر زندگی نویسنده‌ای است که قصد دارد کتابش را که درباره فلسفه عشق است به پایان ببرد. اما همسرش ناگهان به او خرده می‌گیرد که این گونه نوشتن‌ها خواننده‌ای ندارد و به کار زندگی آنها نمی‌آید. این زن که «اگوستا» نام دارد معتقد است

شوهرش - آنیبال - احساس او را در نمی‌یابد و به عواطف زناشویی نمی‌پردازد. از طرفی آنیبال - نیک می‌داند که در هر کاری تسلیم اراده همسرش است. با این اعتقاد که: «در جنگ بزرگ میان زن و مرد پیروزی زن مرهون استقامت برتر آنهاست». اما «اگوستا» بر این باور است که با ازدواج با او همه آرزوهای دوران جوانی را فدای «مرد حقیری» کرده است. به هر روی، در گفت و گوهای اصلی این نمایش، همواره اختلاف این زن و شوهر، نمایان می‌شود. تا این که «اگوستا» به همسرش می‌گوید که از ناشی ثروتمند سفارش یک رمان عاشقانه را گرفته و حتی مبلغ پیش خرید آن را نیز دریافت نموده است. آنیبال این بار نیز همچون گذشته تسلیم اراده زن است و به کار نوشتن فصل‌های نخستین آن داستان عاشقانه مشغول می‌شود. یادآور می‌شود پاره‌ای از گفت و شنودها به نحو بارزی با طنز درمی‌آمیزد و سرانجام، آنیبال که پیش از این با یکی از خوانندگان آثارش آشنا شده، وانمود می‌کند که از این زندگی خسته شده و تصمیم خود را مبنی بر خودکشی عملی خواهد ساخت. در پرده دیگر این نمایش همسر آنیبال که گمان می‌کند او خود را در رود «سن» غرق ساخته، به دنبال دست نوشته‌های شوهرش می‌گردد تا آن را به ناشر بپردازد. او پیش از هر چیز نگران دست نوشته‌هاست، نه تازات از مرگ همسر. از سوی دیگر، دوستان آنیبال که دستی در نشر دارند، قضیه مرگ آنیبال را به روزنامه‌ها می‌کشاند تا بدین وسیله آثار او با فروش بیشتری مواجه شود. بدین ترتیب، «آنیبال» که به‌زعم خود دیگر وجود حقیقی ندارد و مرده‌ای بیش نیست دست به نوشتن آثاری می‌زند که سودآور است و از این طریق حواجج اصلی همسرش را برمی‌آورد.

داستان فرانسوی

۸۳۳

چاپ اول

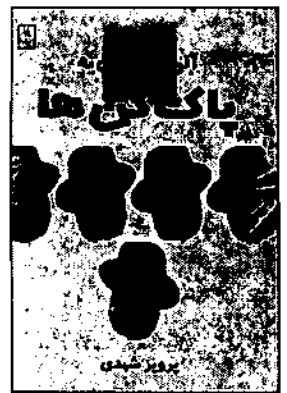
۲۵۶- پاک‌کن‌ها.

آن. رب - گری؛ مترجم: پرویز شهدی. - تهران: دشتستان. - ۲۲۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۸۵۲-۱-۰

«پاک‌کن‌ها» رمانی است نو از آن رب گری؛ نویسنده فرانسوی - که وقایع ظاهری آن چنین است: گروهی توطئه می‌کنند؛ قتل‌هایی صورت می‌گیرد؛ فرستاده ویژه‌ای مامور رسیدگی به آنها و

پرس و جو از شهود و بازديد از محل قتل است. حوادث داستان در شهری ساحلی روی می‌دهد و «کوجه‌ها» و



خیابان‌های آن خلزونی‌وار دور خود می‌چرخند و اغلب به همان جایی ختم می‌شوند که آغاز شده‌اند. از شخصیت‌های داستان جز اسم و مشخصات ظاهری، هیچ گونه توضیحی به دست داده نمی‌شود و حوادث داستان نیز بدون علت و اسباب، ظاهر می‌گردد.

چاپ اول

۲۵۷- سوء تفاهم.

سیمون دو بووار؛ مترجم: مهستی بحرینی. - تهران: سمیرا. - ۱۳۳ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Malentendu a Moscou
شابک: ۹۶۴-۹۳۳۷۵-۰۰-X

۲۵۸- لایم لایت.

روژه گرینه؛ مترجم: رضا سیدحسینی. - تهران: نگاه. - ۲۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۳۶-۱۳-۹



این رمان را «روژه گرینیه» نویسنده فرانسوی - از فیلم‌نامه «لایم لایت» اثر «چارلی چاپلین» اقتباس کرده است. داستان حاضر شرح زندگانی «چارلی چاپلین» است که طی آن، دوره پایانی زندگی او به تصویر کشیده می‌شود.

چارلی در این ایام سراسیمگی و به سبب مشکلات مالی، به مشروبات الکلی پناه می‌برد و روزگار را با مشقات بسیار سپری می‌کند. او در چنین وضعیتی با دختر جوانی برخورد می‌کند که قصد خودکشی داشته چارلی او را از سرگ نجات می‌دهد. ورود دختر جوان در زندگی این هنرمند سبب می‌شود تا تحولات اساسی در زندگی چارلی پدیدار آید...

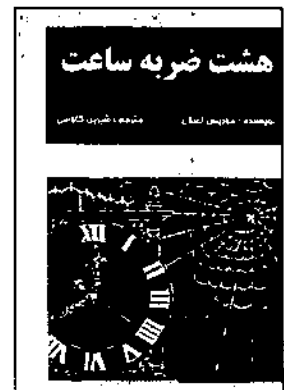
چاپ اول

۲۵۹- هشت ضربه ساعت.

موریس لبلان؛ مترجم: شیرین کاووسی. - تهران: کاوشگر. - ۲۲۴ ص. - رقی (مقوایی). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Les huit coups de inorloge iupin ...
شابک: ۹۶۴-۵۹۸۷-۴۴-X



کتاب حاضر، داستانی است عشقی - جنایی که قهرمانان آن «دانیل ارتایس» و «ژن-هشت ماجرای پر مشقت را پشت سر می‌گذارند.

داستان ایتالیایی

چاپ اول

۲۶۰- قلبی بر روی بادبان.

لیا لا؛ مترجم: سودابه ناظریه. - تهران: زریاب. - ۲۶۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Un cuore sulla vela
شابک: ۹۶۴-۶۳۳۹-۹۵-۶

۲۶۱- مارکو والدو، یا، فصلها در شهر.

ایتالو کالونو؛ مترجم: سمانه‌سادات افسری. - تهران: سروش. - ۱۳۳ ص. - وزیر (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ

دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۳۵-۴۱۲-۵

داستان اسپانیایی

چاپ اول

۲۶۲- کسی به سرهنگ نامه

نمی‌نویسد.

گابریل گارسیمارکز؛ مترجم: جهانخش نورانی. - تهران: آنگون. - ۱۰۶ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۵۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Ei coronel no tiene quien de escriba
شابک: ۹۶۴-۹۱۶۶۸-۸-۲



کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد؛ برای اولین بار در مارس ۱۹۵۸ در مجله «میتو» (در کلمبیا) به چاپ رسید و دومین اثر «مارکز» به شمار می‌آید. وی در این کتاب، زندگی سرهنگی پیر را روایت می‌کند که در اوج فقر به همراه همسرش، در انتظار دریافت حقوق مقرری به سر می‌برد. در آغاز داستان «مارکز» می‌گوید: نزدیک به شصت سال - از خاتمه آخرین جنگ داخلی تا به امروز - سرهنگ کاری نداشت جز صبر و انتظار. نویسنده این داستان را زمانی به رشته تحریر در می‌آورد که روزگار خود او نیز دقیقاً مشابه سرهنگ است. وی از طرف روزنامه «آل اسپکتادور» به فرانسه اعزام شده بود که همزمان با تعطیلی روزنامه، به دستور دیکتاتور وقت کلمبیا، بی‌کار و در انتظار دریافت مقرری از روزنامه تعطیل شده است. باری! سرهنگ و همسرش، در انتظار دریافت حقوق ثانیه شماری می‌کنند و فقر بر خانه آنها سایه گسترده است. تنها دلخوشی این زوج پیر، یک خروس جنگی است که به این امید که در مسابقه برنده شوند، البته آنها حتی قادر نیستند دانه خروس را تأمین کنند. یادآور می‌شود این داستان، زیر بنایی بود برای خلق

رمان «صد سال تنهایی» زیرا سرهنگ این داستان، همان سرهنگ شورشی «صد سال تنهایی» است که خزانه جنگ-های داخلی را به «سرهنگ انورلیانو» تحویل داد.

چاپ اول

۲۶۳- لاوینیا.

جیو کوندا پلی؛ مترجم: ملیحه محمدی. - تهران: نشر چشمه. - ۴۲۰ ص. - رقی (شمیز). - ۲۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۵۷۱-۷۹-۰



«لاوینیا» در این داستان، مهندس معمار جوان و جذابی است که مراحل آغازین پیشرفت‌های شغلی خود را طی می‌کند. او در اروپا تحصیل کرده و اکنون در پایتخت کشورش - نیکاراگوئه - زندگی آسوده‌ای را می‌گذراند. با این همه، عصیان او بر ضد مناسبات اجتماعی موجود، او را به اعتراض‌هایی علیه خانواده محافظه کارش وامی‌دارد اما یک شب این وضع دگرگون می‌شود؛ عشق او به همکارش «فیلیه» که با جنبش مخفی همکاری دارد، مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد تا جایی که به زودی نقشی از فیلیه در مبارزه علیه ترور و فشار برعهده می‌گیرد و...

چاپ اول

۲۶۴- یادداشت‌های روزهای

تنهایی.

گابریل گارسیمارکز؛ مترجم: محمدرضا رامور. - تهران: آنگون. - ۱۳۳ ص. - رقی (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Come se cuenta un novela
شابک: ۹۶۴-۵۵۶۴-۷۲-۷

«یادداشت‌های روز تنهایی» مجموعه پراکنده‌ای از نوشته‌ها، خاطرات و مقالات «گابریل گارسیمارکز» است که

با «نامه خداحافظی» - شعر واره‌ای از مارکز - به فارسی ترجمه شده است.



مقالات این مجموعه بین سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۰ میلادی در جراید مختلف انتشار یافته است. «کشتی شکسته» در خشکی نوشته‌ای است که در آن سرگذشت کودکی به نام «آلیان» بازگو می‌شود. او به خاطر فرار غیر قانونی به آمریکا دچار افسردگی شدید شده است. مارکز در این نوشته، با رد فرهنگ آمریکایی خاطر نشان می‌کند: «کشتی شکستگی واقعی آلیان نه در دریای آزاد، بلکه در زمانی روی داد که با به خاک آمریکا گذاشت».

ادبیات پرتغالی

۸۶۹

۲۶۵- ارماندو، اه ارماندو.

امانوئل کاخال؛ مترجم: غلامحسین مراقبی. - تهران: غلامحسین مراقبی. - ۱۰۴ ص. - رقی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Armando ah armando
شابک: ۹۶۴-۳۶۰-۲۲۰-۶

۲۶۶- اعترافات یک سالک.

پائولو کوئلیو؛ مترجم: دل‌آرا قهرمان. - تهران: بهجت. - ۲۸۰ ص. - رقی (شمیز). - ۱۴۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۶۷۱-۳۴-۹

۲۶۷- جنگجوی نور.

پائولو کوئلیو؛ مترجم: محمدحسین رمضان کیایی. - تهران: نشر مرکز. - ۱۵۲ ص. - رقی (شمیز). - ۷۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Manuale del guerriero aella luce
شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۴۰۳-۹

۲۶۸- کیمیاگر

پائولو کوئیلو: مترجم: دل آرا قهرمان. - تهران: فرزانه روز، ۱۶۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ شانزدهم / ۵۵۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

L'alchimiste

شابک: ۹۶۴-۶۱۳۴-۰۹-۸

۲۶۹- کیمیاگر: افسانه‌ای در مورد پیروی از رویا

پائولو کوئیلو: مترجم: ناهید ایران‌نژاد. - تهران: روزبهان، ۱۷۶ ص. - رقمی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

L'alchimiste

شابک: ۹۶۴-۵۵۲۹-۰۴-۲

۲۷۰- ورونیکا تصمیم می‌گیرد بگریزد

پائولو کوئیلو: مترجم: آرش حجازی. - تهران: کاروان، ۲۳۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ هفتم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Veronika decide morrir

شابک: ۹۶۴-۹۱۶۰۲-۰۱-۱

ادبیات زبانهای هند و اروپای شرقی و سلتی

۸۹۱

۲۷۱- پتر کبیر

الکسی نیکولایوویچ تولستوی: مترجم: ایراهیم مرادی، روحی ارباب. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. - ۳۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۵-۲۳۴-۵

۲۷۲- جاودانگی

میلان کوندرا: مترجم: حشمت‌الله کامرانی. - تهران: علم، ۴۵۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۲۵۵۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Immortality

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۱۰۹-۲

چاپ اول

۲۷۳- سیری در ادبیات شفاهی ترکمن

قربان صحت بدخشان. - تهران: قربان - صحت بدخشان، ۱۲۰ ص. - رقمی

(شمیز). - ۵۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.



نگارنده در مجموعه حاضر بر آن است بخشی از سروده‌های محلی، ترانه‌ها، کنایات و تشبیهات، ضرب‌المثل‌ها، و روایات بومی مردم ترکمن را شرح و بررسی نماید. در این کتاب، نمونه‌های متعددی از موارد یاد شده به چاپ رسیده است. در مقدمه کتاب نیز به اختصار درباره چند و چون ادبیات شفاهی ترکمن، سخن رفته است.

چاپ اول

۲۷۴- ما

یوگنی ایوانوویچ زامیاتین: مترجم: انوشیروان دولتشاهی. - تهران: دیگر. - ۲۶۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

We

شابک: ۹۶۴-۷۱۸۸-۰۳-X



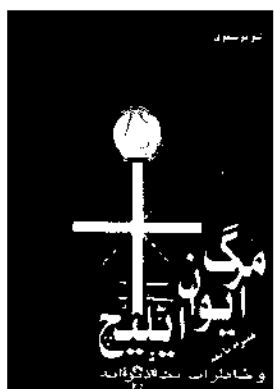
یوگنی زامیاتین نویسنده برجسته روس (۱۸۸۴ - ۱۹۳۷) رمان "ما" را در سال‌های پر التهاب بعد از انقلاب روسیه به رشته تحریر درآورد؛ یعنی سال‌های شکل‌گیری نظام توتالیتر شوروی. این رمان به دلیل انتقاد از نظام بسته شوروی، در آن کشور اجازه چاپ نیافت، بلکه به چندین زبان در خارج از کشور به طبع رسید. زامیاتین در "ما" دنیایی را به تصویر می‌کشد که مردم در آن نه با نام که با شماره و حرف (حرف مصوت برای زنان و حرف صامت برای مردان) خوانده

می‌شوند. آنان در شهری شیشه‌ای و غرق در نور، در خانه‌های مکعب شکل به هم چسبیده به سر می‌برند. برنامه زندگی روزمره‌شان پیشاپیش تعیین شده است و در جدول ساعات، جزئی‌ترین کارها مشخص گردیده است. در این ناکجا آباد، میلیون‌ها نفر چون تنی واحد از خواب برمی‌خیزند. همدان غذا می‌خورند و هر لقمه را طبق تجویز جدول ساعات، پنجاه بار می‌جویند و فرو می‌دهند. در لحظه‌ای معین چون تنی واحد به سر کار می‌روند و باز می‌گردند، در برنامه راه - پیمایی شرکت می‌جویند، برای آموزش در تالارهای اجتماعات حاضر می‌شوند و بالاخره می‌خوانند. روابط جنسی بر مبنای ریاضیات و آزمایش‌های پزشکی تنظیم شده و "کوبنی" است. نگاهبانان از دیوارهای شیشه‌ای خانه‌ها، تمام حرکات و سکنات افراد را تحت نظر دارند تا مبادا با خودرایی از معیارهای جدول ساعات، عدول ورزند و سادشان به خطر افتد. بدین ترتیب، این رمان به گونه‌ای حیرت‌انگیز از اندیشه حاکم و آینده کشور نویسنده، خبر می‌دهد. اعتقادات زامیاتین به بهترین نحو از زبان قهرمان زن داستان بیان می‌شود: انقلاب نهایی در کار نیست، انقلاب‌ها نامحدودند. نمی‌خواهم کسی به جای من بخواهد من می‌خواهم خودم بخواهم.

چاپ اول

۲۷۵- مرگ ایوان ایلیچ و خاطرات یک دیوانه همراه با نقد

لریف نیکالایوویچ تولستوی: مترجم: علی اصغر بهرامی. - تهران: جوانه رشد. - ۱۶۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۸۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۰۶۳-۲-۶



"ایوان ایلیچ" در این داستان تولستوی، قاضی روسی است که با بیماری و مرگ درگیر شده است. این قاضی در حرفه خود آدم جاه‌طلبی است، اما یک واقعه پیش با افتاده کم کم او را بیدار می‌کند؛ به گونه‌ای که به درک باطل بودن

زندگی و بلندپروازی‌های وی می‌انجامد. دروغ و ریایی که خانواده و پزشکان گرداگرد او کشیده‌اند، نیز رنج و درد ناشی از بیماری، "ایوان ایلیچ" را به تدریج به شناخت "خود" راهبر می‌شوند. او در دمدمه‌های مرگ فریاد بر می‌آورد که "مرگ تمام شد. مرگ دیگر در کار نیست." در بخش دیگر کتاب، "خاطرات یک دیوانه" نیز نقد و بررسی این دو داستان - از کاتالین پارت - به چاپ رسیده است.

۲۷۶- مهمانی خداحافظی

میلان کوندرا: مترجم: فروغ پوریاوری. - تهران: گیل، روشنگران و مطالعات زنان. - ۳۱۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

The fairwell party

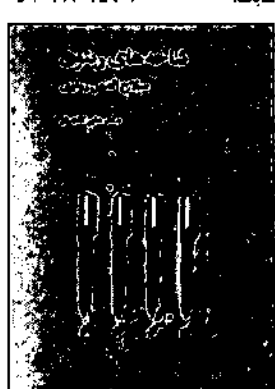
شابک: ۹۶۴-۶۶۲۶-۰۱-۷

شعر عربی

چاپ اول

۲۷۷- شاخه‌های زیتون

صلاح‌الدین زوای: مترجم: علی گنجیان. - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات. - ۲۳۰ ص. - رقمی (گالینگور). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۲-۳۵۹-۴



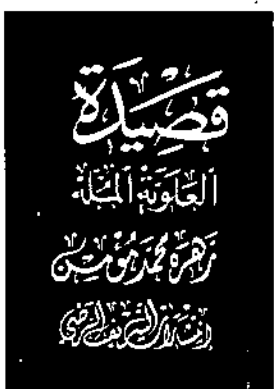
"شاخه‌های زیتون" سروده‌هایی است از "سفیر صلاح زوای" شاعر مبارز فلسطینی (تولد: ۱۹۲۷ میلادی). کتاب با مقدمه "دکتر سید عطاالله مهاجرانی" و "دکتر نادر نظام تهرانی" به چاپ رسیده است. این سروده‌ها به گونه کلاسیک، سمبولیک، آرمان خواه و واقع‌گرا به نظم درآمده است و پارهای از آن، تصویری از مبارزات مردم فلسطین است؛ از جمله: ای همدم من! که عشق را بر بلندی / دشت‌ها فریاد می‌کنی / صدای زیبایی مرا غم زده کرد / تو آیا غم زده‌ای دور از وطنی؟! یا که از گلشن‌های بهاری دور

افتاده‌ای / چون زمزمه باد بهاری در باغ - ها / می‌پیچد...

چاپ اول

۲۷۸- قصیده المله زهره محمد مومن

قم: شریف الرضی. - ۳۱۲ ص. - بیاضی (شمیز). - ۴۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۳۶-۸۹-۴

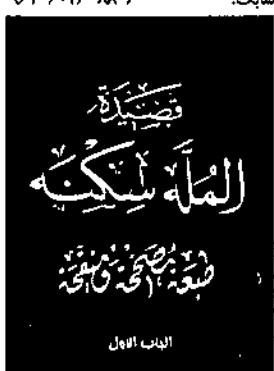


قصاید عربی این مجموعه مربوط است به توصیف وقایع محرم، روز عاشورا و پس از آن، که مدح و رثای اهل بیت (ع) را نیز در برمی‌گیرد.

چاپ اول

۲۷۹- قصیده المله سکنه

ملایه سکنه. - قم: شریف الرضی. - ۲۲۰ ص. - جلد اول. - بیاضی (شمیز). - ۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۳۶-۸۸-۶



اشعار این کتاب به زبان عربی توصیفی است از قیام کربلا به ویژه منقبت و رثای اهل بیت پیامبر (ص) و یاران نزدیک امام حسین (ع).

شعر ترکی

۸۹۲

چاپ اول

۲۸۰- راز یک‌سایه: مصائب حضرت زینب (ع) از واقعه کربلا تا اربعین. مقصود باقری. - تبریز: سالار. - ۲۲۴

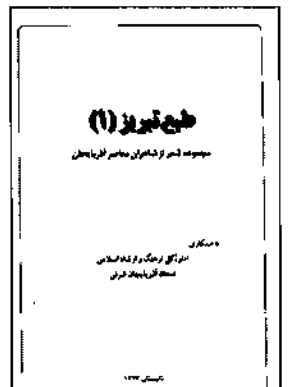
ص. - جیبی (گالینگور) - ۱۴۰۰۰ ریال.
- چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۸۷-۲۸-۲

۲۸۱- نگارنگ کریمی شامل: جلدهای چهارم، پنجم و ششم با ملحقات جدید.

شاعر: حسین کریمی - تهران: پیری -
۵۴۸ ص. - وزیری (گالینگور) - ۲۵۰۰۰
ریال. - چاپ دوم / ۱۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۲۲-۲۰-۸

چاپ اول

۲۸۲- طبع تبریز: مجموعه شعر از شاعران معاصر آذربایجان. تبریز: فروغ آزادی. - ۲۲۰ ص. - وزیری (گالینگور). - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.



در ابتدای این مجموعه، تعریفی از شعر،
نیز نقش شعر در سالمسازی جامعه بازگو
می‌شود؛ سپس از اهمیت شعر در آیین
اسلام سخن می‌رود. آن گاه مجموعه‌ای
از سروده‌های شعرای معاصر استان
آذربایجان شرقی - همراه با معرفی
احوالی و تصویری از هر شاعر - به چاپ
می‌رسد.

۲۸۳- گلشن عزا.

شاعر: حسین کریمی. - تهران: پیری. -
۳۹۶ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۴۰۰۰
ریال. - چاپ سوم / ۱۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۲۲-۵۴-۲

چاپ اول

۲۸۴- گنجینه لار. قوشنی لار.

شاعر: ابراهیم بدخشان، ستار سوقی. -
گنبدکاووس: ابراهیم بدخشان، ستار
سوقی. - ۱۴۴ ص. - رقصی (شمیر). -
۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵۰۳-۳۱۱-۹



در این مجموعه ۲۶ سروده به همراه
چهار ترجمه شعر از "ستار سوقی" نیز ۲۴
شعر از "ابراهیم بدخشان" به زبان ترکی
به چاپ رسیده است.

نمایه عنوان

آزادی مهرپشتان ۱۷
آرماتندو، آه آرماندو ۲۶۵
آزاداندیشی خیام و حافظ ۷۴
آشنای دل: مجموعه اشعار ۱۰۳
آشنایی با حافظ ۹۱
آموزش تکمیلی ادبیات از پایه تا کنکور:
برای دوره کامل دبیرستان، داوطلبان
کنکور سراسری ۲۰
آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۲)
سال دوم نظام جدید ۲۱
آموزش گام به گام ادبیات فارسی (۵)
سال سوم نظام جدید رشته علوم انسانی
۲۲
آواز قرن ۱۰۳
آیندا: درخت و خنجر و خاطره! (مجموعه
شعر) ۱۰۵
آینه خیال ۱۰۶
آیین نگارش خط فارسی ۳
آیین نگارش مکاتبات اداری: با افزوده‌ها،
تحقیق و تدوین جدید ۵
آینه دار آب (زندگی‌نامه، نقد، بررسی و
گزیده آثار) شیون فومنی ۱۰۷
ادبیات ۳ و ۴ و ۵ ۱۵
از بنفش تند تا ... به تو می‌اندیشم ۱۰۸
از غربتی به غربت دیگر: کتابشناخت
ادبیات داستانی ایران منتشر شده در
خارج از کشور ... ۱۶۰
از لامکان تا آن مکان ۱۶۹
از مادر ... با عشق: شانزده داستان از
نویسندگان زن جهان ۲۱۱
اسکندر صغیر ۲۵۳
اسیر عشق ۱۰۹
اشک دو زن ۱۷۰
اعتراقات یک سالک ۲۶۶
آفاق‌های امید ۱۱۰
امیلی: دختر دره‌های سبز ۲۲۲-۲۲۳
اتجن شاعران مرده ۲۲۳
انسان و عشق (جلوه‌های روان‌پزشکی و

عرفانی انسان خود شکوفا) ۲۲۲
انگشتی انگشت پنجم: حضرت روح-
الله در شعر شاعران گیلان ۱۱۱
ایهام در شعر فارسی ۱۹
بادبان و دریا را باد برده است: دو دفتر
شعر ... ۱۱۲
باران عشق: مجموعه شعر ۱۱۳
باغ مخفی ۲۴۴
بنون پسر هرگز ۱۷۱
برهنه در باد ۱۷۲
بقال و طوطی همراه با متن انگلیسی
رینولد آلین ... ۷۹
بم و ارگ (بم‌شناسی) ۱۱۴
به جای همه کلامها "سلام" ۲۱۴
به خاطر فرانک ۱۷۳
به‌گزین: سولات چهارگزینه‌ای با پاسخ
کاملاً تشریحی ... ۲۳
پاک‌کن‌ها ۲۵۶
پتر کبیر ۲۷۱
پرچین پایه: مجموعه شعر ۱۱۵
پرسش‌های چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی
(۵) ۲۴
پرسش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد
ادبیات فارسی (۵) (سال سوم نظام جدید
- کلیدی رشته‌ها) "پاسخ تشریحی" ۲۵
پرسشهای چهارگزینه‌ای ادبیات فارسی
۲۶
پرواز اندیشه‌ها (سروده‌های آزاد) ۱۱۶
پیشانی: مجموعه داستان ۱۷۳
پشت دیوار سفارتخانه‌ها ۱۷۵
پیام عاشورا ۵۳
پیشگامان استقلال ایران ۱۷۶
تا تیرا عشق: مجموعه مقالات ادبی و
اشعار ۱۱۷
تا کرانه‌های خیال ۲۳۱
... تا همیشه (مجموعه شعر) ۱۱۸
تاریخچه نقد ادبی ۱
تافراسوی دریا: مجموعه شعر ۱۶۱
تحفه الاحیاء، یا، مثنوی شیخ عبیدالله
نهری ۲۷
تحلیل سیر نقد داستان در ایران از
استقرار مشروطیت تا انقلاب اسلامی
(۱۳۵۷ - ۱۳۸۵) ۱۶۸
تذکره سخنوران بی‌هق ۴۲
ترانه‌های بارانی ۳۸
تفسیر مثنوی مولوی براساس تفسیر
رینوالد نیکلسن و فاتح الایات و روح
المثنوی ۸۰
تقدیر شوم ۱۷۷
تونل ۱۷۸
تهدیب البلاغه ۶
جاذبه‌های فکری فردوسی ۶۷
جامعه‌شناسی ادبیات فارسی (جامعه-
شناسی در ادبیات) ۲
جاودانگی ۲۷۲
جایی دیگر ۱۷۹
جستارهایی در باب رمان ۷
جلال جاودانه: مجموعه داستانهای

جلال آل احمد ۲۲۲
جلوه‌های عشق جاویدان ۱۱۹
چنگجوی نور ۲۶۷
چنگنامه‌ی غلامان (نمایشنامه) ۱۶۲
چگونگی نگارش و انتشار مقالات در
علوم پزشکی ۸
چهار صندوق (نمایشنامه) ۱۶۳
حذقه‌ی خالی ۱۸۱
حدیث آرزومندی (مجموعه‌ی اشعار) ۱۲۰
حدیث خوش سعدی: درباره زندگی و
اندیشه سعدی ۸۱
حکایت نسل بی‌سختگو: آسیب‌شناسی
مسائل عمومی ادبیات داستانی ایران ۱۸۲
حماسه‌سازان عاشورا ۱۲۱
حماسه‌سرایی در ایران: از قدیمی‌ترین
عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری ۲۷
خاطرات روستا ۱۸۳
خانه‌ی خیابان امید ۲۳۵
خشم و سکوت ۲۳۵
خواب یک شب ۱۲۲
خواندنی‌های ادب فارسی، یا، (هزار
حکایت و اشارت) ۳۴
خودآموز گام به گام زبان و ادبیات
فارسی (۲) "عمومی" دوره پیش‌دانشگاهی
۲۷
دارالجنون عشق: دیوان اشعار و آثار عالم
ربانی و حکیم متاله استاد حسین شفیعی
به انضمام توراتیقین ... ۵۵
داستان حیرت‌انگیز شاقول سحرآمیز
ابن سینا ۱۸۲
داستان عشق لیلی و مجنون (به نثر) ۱۸۵
داستانهای مثنوی: بانگ نای ۸۲
دالان بهشت ۱۸۶
دختری در باد ۲۳۶
در انتظار شهزاد ۱۸۷
در غریب باد و باران شعر (۱۳۷۲ - ۱۳۵۸)
() ۱۲۲
درباره نقد ادبی ۲
درخت گردو ۱۶۴
دستور بیضایی ۱۶۵
دفتر تمرین و آموزش فارسی دوم
راهنمایی ۱۸
دلبرانه ۱۸۸
دو کلمه حرف حساب ۲۱۷
دو نمایش از گروه "روهر" آلتیگونه
اثر سوفوکل - شازده کوچولو براساس اثر
آنتوان دوست اگزوپری ۹
دوبیتی‌های بومی‌سرایان ایران: زندگی و
نمونه آثار ۶۶
دهیبر ۱۸۹
دیوان اشعار اشک سحر ۱۲۴
دیوان اشعار حماسی اندیشه، تهاجمات
صلام ۱۲۵
دیوان اشعار ضیاءالحق (نور خدا) ۱۲۶
دیوان بیش ۱۲۷
دیوان حافظ ۹۲
دیوان حافظ: از نسخه محمد قزوینی و
دکتر قاسم غنی ۹۳

دیوان حافظ: نسخه علامه قزوینی و
دکتر قاسم غنی رحمه الله علیه ۹۴
دیوان خاقانی شروانی ۷۶
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ
شیرازی ۹۵
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ
شیرازی با استفاده از نسخه تصحیح شده
محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی ۹۷
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ
شیرازی: با استفاده از نسخه تصحیح
شده محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی ۹۶
دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ
شیرازی همراه با زندگینامه خواجه ۹۸
دیوان علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه
فخری قاجار ۱۰۲
دیوان کامل رهی (سایه عمر - آزاده -
ترانه‌ها) ۱۲۸
دیوان مسعودی بروجردی ۱۲۹
راز یک‌کدام مصائب حضرت زینب (ع) از
واقعہ کربلا تا اربعین ۲۸۰
راز سخن (مجموعه رباعیها) ۱۳۰
راهنمای نگارش و ویرایش: با تجدیدنظر
کلی ۱۰
ردبای عقربها ۱۹۰
رزم‌نامه‌ی رستم و اسفندیار از شاهنامه
فردوسی ۶۸
رمان‌های کلیدی جهان ۱۱
رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات ۲۲۸
رمز و راز عشق ۱۳۱
رنگارنگ کریمی شامل: جلد‌های چهارم،
پنجم و ششم با ملحقات جدید ۲۸۱
روایت عشق و مرگ سرخوخته کریستوف
ریلکه ۲۵۱
روبه مزرعه ۲۲۶
زلال اشک: شامل دوبیتی‌ها و تک‌بیتی-
ها و ... ۱۳۲
زلف عالم‌آرا: درآمدی بر شناخت رموز
عارفانه در شعر فارسی ۴۲
زن و این گمان [بیست و یک داستان]
۱۹۱
زندگی گالیله ۲۵۲
ساعت و خاکستر: مجموعه شعر ۱۳۳
سال باکره‌ها ۲۳۷
سالومه: اهمیت ارنست بونن، بادیزن
خانم ویندرمر ۲۳۱
ستاره بود ... ماه بود ... اگر نبود آسمان
۱۳۴
سنگ و شیشه (مجموعه داستان) ۱۹۲
سنگتراش مهر ۲۳۷
سوء تفاهم ۲۵۷
سوعظن ۱۹۳
سولات چهارگزینه‌ای با پاسخهای کاملاً
تشریحی ادبیات فارسی سال دوم نظری
- فنی و حرفه‌ای - کار و دانش ... ۲۸
سوالهای طبقه‌بندی شده ادبیات فارسی
(۱) و زبان فارسی (۱) شامل ۸۰۰
پرسش چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی
۲۹

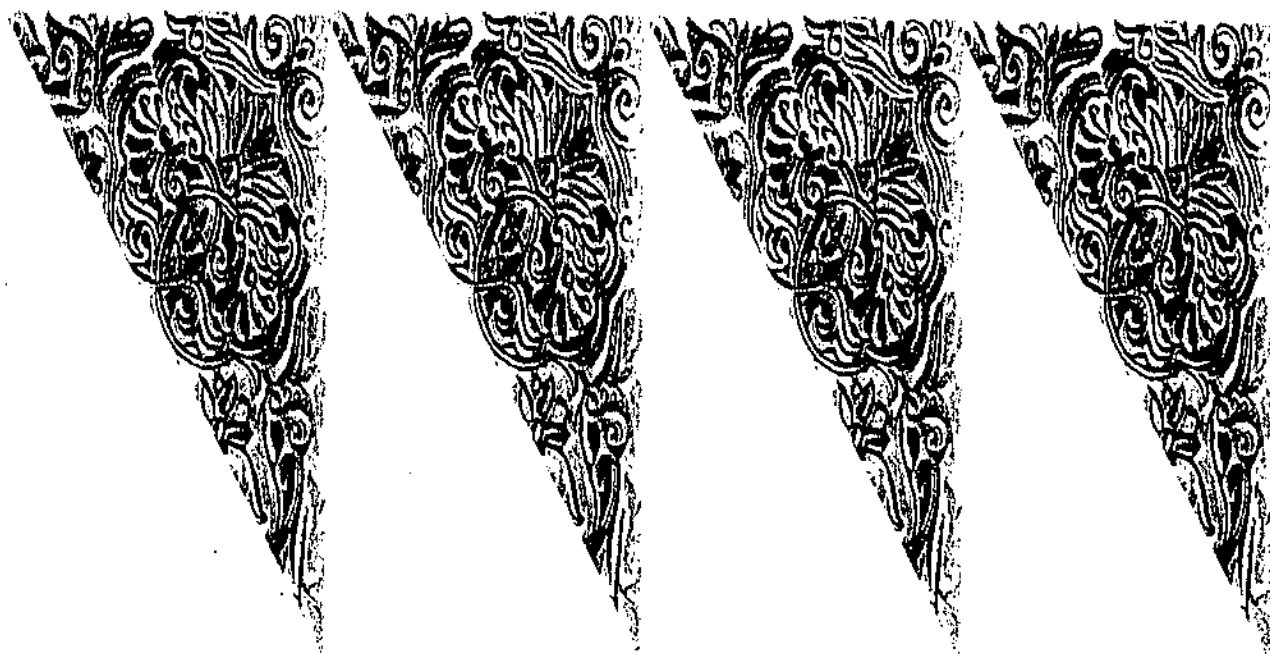
۳۶	الهی قمشه‌ای، حسین	۶۴	نهیض عاشورا	۸۹	مثنوی معنوی	۵۶	قیام عاشورا	سوالهای طبقه‌بندی شده ادبیات فارسی (۲) و زبان فارسی (۲) شامل ۸۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای با پاسخ تشریحی
۲۳۶	امامی، گلی	نهیض عاشورا شامل منتخب نوحه و مرثی	۶۵	مثنوی معنوی: همراه با معانی لغات، آیات، احادیث، عبارات عربی، اعلام، و کشف الایات	۲۶۲	کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد	کلام در کلام مولوی	۳۰
۲۱۹-۲۱۸	امیزی، حسین	نیست بی تو بر لبانم خندم: مجموعه شعر	۹۰	مجموعه سولات طبقه‌بندی شده و استاندارد تاریخ ادبیات ایران (۲) نظام جدید با پاسخ تشریحی	۸۵	کلبه‌ای در مزرعه برقی	کلیات دیوان شمس تبریزی مشتمل بر اشعار فارسی، عربی، ملعات و رباعیات ۸۶	سوز عشق
۵	امینی، کاظم	۱۵۴	شعر	۲۲	کلیات سعدی شامل: گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید فارسی - عربی، قطعات از روی قدیمیترین نسخه‌های موجود ۸۷	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	۱۳۵
۲۸	انتشارات انوشه	۱۵۵	نیلوفر و مرداب (مجموعه شعر)	۲۱۲	محرم اسرار	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	۱۹۴
۸۳	انصاری، مهدی	۷۸	واژه‌یاب مخزن الاسرار نظامی	۲۷۵	مرگ ایوان الیلج و خاطرات یک دیوانه همراه با نقد	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	۲۷۳
۱۰۱-۶۸	انوری، حسن	۲۰۹	واحه‌های بی‌نام و نشان	۱۳۵	مرد نگاه	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	سیری در ادبیات شفاهی ترکمن
۲۴۸	اوکری، بنجامین	۲۷۰	ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد	۲۵	مشاهیر ادب فارسی (شاعران) از نیما تا اوستا	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	سیمرغ و سی مرغ: تحلیل منطق طیر
۲۶۹	ایران‌نژاد، ناهید	۱۵۶	وست پرواز	۱۳۷۰ - ۷۸	مثنی نور سرد: شعرهای ۷۸ - ۱۳۷۰	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عطار و طرح یک نمایشنامه
۱۰۸	ایرانی، هوشنگ	۱۵۷	هدیه‌ای برای تو	۱۳۶	معراج عاشورا	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شاخه‌های زیتون
۸۶	ایمانی، عباس	۲۳۸	هرگز تو	۵۲	مکتوبات و مجالس سبزه ملکوت	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شاه لیر: نمایشنامه
۲۱۵	بابائیان پور، فهیمه	۱۵۸	یادداشت‌های روزهای تنهایی	۲۰۶	ملودی قلب من	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شاهنامه با روایتی نو: همراه با شرح و گزارش داستان رستم و اسفندیار
۶۲	باقری، حسین	۲۶۴	یادهای بی‌زمان: مجموعه شعر	۲۰۷	من و فروغ: خوانش و حرفه‌هایی در متن و حاشیه‌ی یک شعر	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شماره
۲۰	باقری، علی	۱۵۹	یک قصه پیش نیست (ملاحظات درباره شعر حافظ و اندیشه‌های او)	۱۳۷	من دیگری هستم	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شماره‌ی بلند
۲۸۰	باقری، مقصود	۱۰۱	شعر حافظ و اندیشه‌های او	۱۳۹	منظومه‌ی گم‌بودگی: مجموعه شعر	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شماره اگر تو
۲۳۳	بام، کلایین	۲۵۱	آیز، علیرضا	۲۰۸	مورینه ترس	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شماره کودک در ایران: نقد و بررسی
۲۳۶	باوئر، ماریان‌دین	۱۰۸	آتشی، منوچهر	۲۷۶	مهمانی خداحافظی	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شکسیر: زندگی / خلاصه کل آثار / هملت
۲۵۷	بحرینی، مهستی	۱۹۶	آذربین، قباد	۷۳	نامه باستان: ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شمع و پروانه
۹۳	بختیاری، پژمان	۴۹	آرونی کاشانی، احمد	۱۲	نامه‌نگاری به زبان انگلیسی برای دانشجویان ایرانی	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شوق پروانه
۲۸۳	بدخشان، ابراهیم	۲۳۵	آقاسی‌بیگ، پریا	۲۱۵	نامه‌های فهمیه	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	شیرین‌تر از خواب گلبه: راز و نیاز شبانه
۲۷۳	بدخشان، قربان‌صحت	۷۹	آقاجنقی، علی	۲۴۰	نبرد قورباغه‌ها و موشها: یک افسانه هومری	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	صحرا
۱۵۶	بذرافشان، رجب	۲۵۰	ابراهیم	۱۵۰	نستهایی برای بلبل چوبی	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	صدای سوت سیاه پاسبان‌ها
۲۵۲	برشت، برنولت	۲۱۲	ابراهیمی، نادر	۱۶۷	نرگس برای شبجو	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	صدف دختر دریا
۲۴۴	برنت، فرانسیس هاجنس	۸۱	اجتماعی‌چندقی، کمال	۲۳۷	نژاد اندرمندا	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	طبع تبریزی: مجموعه شعر از شاعران معاصر آذربایجان
۲۵۳	بروکر، کریستینه	۷۰-۶۶	احقریازگان، فرزانه	۶۰	نمیه‌های عاشورا	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	طوفان اشک: مجموعه سروده‌ها و نوحه‌ها
۹۵	برهان لیموده، تیمور	۱۹۷	احمدپناهی، محمد	۵۳	نمیه‌های فاطمیه	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عاشقانه‌های تهران
۲۳۸	بلو، سال	۲۰۷	احمدی‌زاده، محبوبه	۱۵۱	نمیه‌های ناخوانده (۱)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عرفان مثنوی
۲۶۳	بلی، جیوگوندنا	۱۳۵	احمدی، صدیقه	۶۱	نمیه‌های ولایت ۱۱ "ماه‌های شوال و ذی‌القدر"	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق ممنوعه
۷	بوتور، میشل	۲۷۱	اریاب، روحی	۶۲	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق و آینه: مجموعه داستان
۲۵۷	بووار، سیمون دو	۲۱۶	اردلان، پروین	۴۶	نقد خیال: بررسی دیدگاه‌های نقد ادبی در سبک هندی	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق هرگز نمی‌میرد
۲۷۵	بهرامی، علی اصغر	۲۳۸-۱۹۷	ارزنگ، شهلا	۱۵۲	نگاه	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عطر شکوفه‌های نارنج
۲۱۷	بهرامی، محمود	۲۵	ارسطو، پرویز	۷۵	نگاهی به عمر خیام	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عیش و نیستی
۳۶	بهشتی‌شیرازی، احمد	۲۳۵	استیل، دانیل	۲۳۰	نمایش چیست	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل زمان: مجموعه شعر
۱۹۵	بیات، مسعود	۱۲۶	اسدالهی‌پریس، سولماز	۲۵۳	نمایش‌نامه دون کارلوس	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل عشق
۱۶۳-۱۶۲	بیضایی، بهرام	۱۲۱	اسرار، مصطفی	۲۳۰	نمایش‌نامه‌نویسی به زبان ساده برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی و دبیرستان	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل‌های شکسیر
۱۲۷	بینش‌آق‌اولی، تقی	۲۳۰	اسلین، مارتین	۶۹	نمیه‌های ولایت ۱۱ "ماه‌های شوال و ذی‌القدر"	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزلیات حافظ: نقد و بررسی دستنویس‌ها و نسخ علمی - انتقادی، مشکول‌نویسی ...
۱۸۸	باشنگ، مصطفی	۲۳۰	اسماعیل‌زاده، فیروز	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق و آینه: مجموعه داستان
۲۲۹	پاول، جیم	۲۳۰	اسماعیلی، عباس	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق هرگز نمی‌میرد
۱۸۱	پناهی، حمید	۲۳۰	اشرف‌الکتابی، امیر	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عطر شکوفه‌های نارنج
۲۲-۲۱	پورخانی، نادر	۲۳۰	اشه، رهام	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عیش و نیستی
۲۲-۲۱	پورعلی، احمد	۲۳۰	اصفهان‌تی، نوذر	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل زمان: مجموعه شعر
۱۸	پورموسی، محمدیوسف	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل عشق
۲۷۶	پوری‌پور، فروغ	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزلیات حافظ: نقد و بررسی دستنویس‌ها و نسخ علمی - انتقادی، مشکول‌نویسی ...
۱۶۵	پویا، پروین	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق و آینه: مجموعه داستان
۲۵۰	پیتون	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق هرگز نمی‌میرد
۱۵۲	تاج‌الدینی، افشین	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عطر شکوفه‌های نارنج
۱۲۰	تجریشی، حمید	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عیش و نیستی
۲	ترابی، علی‌اکبر	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل زمان: مجموعه شعر
۱۷۹	ترقی، گلی	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل عشق
۵۶	تسیخی، محمدحسین	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزلیات حافظ: نقد و بررسی دستنویس‌ها و نسخ علمی - انتقادی، مشکول‌نویسی ...
۲۳۰	تقوایی، شیرین	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق و آینه: مجموعه داستان
۸	تقی‌زاده‌افشاری، علی	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق هرگز نمی‌میرد
۱۶۰	تندرو صالح، شاهرخ	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عطر شکوفه‌های نارنج
۱۸۲	تندرو صالح، شاهرخ	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عیش و نیستی
۲۳	توکلی، محمد	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل زمان: مجموعه شعر
۲۷۱	تولستوی، آلکسی نیکلایوویچ	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزل عشق
۲۷۵	تولستوی، لی‌یف نیکلایوویچ	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	غزلیات حافظ: نقد و بررسی دستنویس‌ها و نسخ علمی - انتقادی، مشکول‌نویسی ...
۹۹	تروتیان، بهروز	۲۳۰	اعتضادالسلطنه، علی‌قلی‌بن فتح‌علی	۲۳۹	نمیه‌های ولایت ۱۲ (ماه ذیحجه)	کلیات سعدی: متن کامل گلستان، بوستان، غزلیات، ترجیعات، قطعات، رباعیات ...	کلیات سعدی: مجموعه غزلیات	عشق و آینه: مجموعه داستان

جده دستان، محسن	۹	رضانی، اکرم	۳۲	صالح، ثریا	۱۱۷	کریمی، حسین	۲۸۱-۲۸۲	مویه، تیری	۲۵۵
جزایری، ارمغان	۲۳۷	رنجبر، احمد	۶۷	صالح، ندا	۱۹۳	کرازی، جلال الدین	۷۲	مویه، رضا	۵۱
جعفری، حسین	۱۶۶	ریشه‌ری، نوشین	۲۴۳	صالحی، پرویز	۳۱	کسرائی، محمدحسین	۱۱۶-۱۱۹	مهدیقن، مریم	۷۱
جعفری، عبدالرضا	۱۸۰	ریلکه، راینر ماریا	۲۵۱	صالحیان، علی اصغر	۱۲۶	کسرائی، محمدحسین	۱۳۱	مهکام، حسین	۱۵۸
جعفری، مریم	۱۷۷	ریوند، راس	۲۴۳	صفاء، ذبیح‌الله	۳۷	کشاورز باقری، زهرا	۱۱۰	میرسلیمی، جمشید	۱۰۶
جمالزاده، محمد	۸۲	زارع کاریزی، سناالله	۳۰-۲۹	صفاریان پور، نغمه	۲۳۲-۲۳۳	کشاورز، مرجان	۲۲۰	میر کاظمی، حسین	۱۹۱
جمالزاده، محمدعلی	۹۱	زارع، محمد	۱۱۳	صفدری، حسن	۱۴۷	کمری، علیرضا	۲۱۵	میر معزی، مهشید	۲۵۴
جمالزاده، محمدعلی	۲۵۳-۲۰۳	زامیائین، یوگنی ایوانوویچ	۲۷۳	صفوی، نازی	۱۸۶	کوچکدخت مهرانی، علی	۱۳۵	ناصری، محمد مهدی	۱۰
جولی، روبرتو	۹	زرگر، کریم	۱۸۴	طالبزاده، علیرضا	۱۷۳	کوسون، کاترین	۲۴۷	ناظریه، سودابه	۲۶۰
جهان‌نخ، محمد	۱۷۳	زرین کوب، عبدالحسین	۸۱	طالبانی، علیرضا	۱۱۵	کوندرا، میلان	۲۷۲-۲۷۶	نبوی، ابراهیم	۲۱۶
حاج سیدجواد، حسن	۱۷۵	زنجانی، برات	۲۲۵	طاهری فرد، محمد رضا	۱۰۳	کونیلو، پائولو	۲۶۶-۲۶۷	نبوی، صادق	۱۷۰
حافظ، شمس الدین	۹۷	زواوی، صلاح الدین	۲۷۷	طاهری، پیمان	۱۱۸	کونیلو، پائولو	۲۶۸	نجفی، ابوالحسن	۲۵۵
حافظ، شمس الدین محمد	۹۳-۹۴	ژس، دومینیک	۱۱	طباطبایی، مجتبی	۲۰۲	کونیلو، پائولو	۲۶۹-۲۷۰	نصرت، اروشا	۱۶۹
حافظی کاشانی، محسن	۴۸	ژولیده نیشابوری، حسن	۱۳۲-۱۳۱-۵۹-۵۳	طغیانی، اسحاق	۷۸	کیاکجوری، سیده	۲۳-۲۸	نظری، فردین	۱۴۸
حجازی، آرش	۲۷۰	ساحلی، احمد رضا	۴۵	عباسیان، علیرضا	۴۵	کیاتوش، محمود	۳۳	نورانی، جهان بخش	۲۶۲
حسن زاده، فرهاد	۱۹۹	سازمان پژوهش و برنامه ریزی	-	عظیمی، سهیلا	۲۳-۲۸	کیوان، کیومرث	۹۶-۹۶-۱۲۸-۲۲۴	نوری زاده، امیررضا	۲۳۱
حسینی، سیمین دخت	۱۲۲	آموزشی، انتشارات	۴	علوی، سینا	۲۰۸	گازسیامارکز، گابریل	۲۶۲-۲۶۴	نیکلسون، رینولدالین	۸۹
حسینی، صالح	۲۲۸	ساعدی، غلامحسین	۲۰۹	علی پور، رسول	۱۶۴	گرینه، روزبه	۲۵۸	وات، هومراندرو	۲۴۳
حسینی، علی اکبر	۱۵۱	ساعی خوانساری، حسینعلی	۵۲	عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر	۲۲۳	گنجیان، علی	۲۷۷	واحد، ابراهیم	۲۲۲
حسینی نژاد، نفیسه	۲۲۹	سامی، محمدعلی	۱۸۳	غفقا، عباس	۵۱	گوین، فرد	۲۴۰	وایلد، اسکار	۲۴۱
حلبی، علی اصغر	۳۴	سیحانی، احمد	۲۴	غنی، قاسم	۹۳	لاجوردی، حسن	۲۷	ورهرام، علی	۷۵
حیدری، یعقوب	۱۷۸	سبحانی، توفیق	۹۰	فاتح پور، مسعود	۲۳-۲۸	لا، لیا	۲۶۰	وزیرنیا، سیما	۱۴
خادمی، حمید	۲۳۳	سیطی، هامون	۲۳	فتوحی رودمجنی، محمود	۲۶	لامیرت، کته	۲۳۹	ولایی، محمدجواد	۵۶-۶۴
خاقانی، بذیل بن علی	۷۶	سجودی، م.	۲۱۱	فخرالدین صفی، علی بن حسین	۲۱۶	لبلان، مورس	۲۵۹	هاشمی، حمید	۹۸
خرازی، محسن	۹۷	سراج، شهین	۱۷	فرای، نورتروپ	۲۲۸	لشکری، محمود	۱۳۳	هال، ورنان	۱
خراسانی، شرف الدین	۱۳۳	سرکار حسن خان، حسین	۹	فردوسی، ابوالقاسم	۷۲	مارتین، جورج	۲۴۰	هلاکوئی، سمیه	۱۳۴
خرامان، مصطفی	۱۹۲	سعدی، مصباح بن عبدالله	۸۷-۸۸-۲۲۳	فرزاد، عبدالحسین	۳	مجلسی، محمد	۱۱	همای، جلال الدین	۸۸
خسروی، حسین	۹۶	سعدی، محمد	۲۴۱	فروزانفر، بدیع الزمان	۸۲	مجنی، مهدی	۴۳	همایونوش، محمد	۲۳۹
خسروی انصفهانی، حسین	۱۳۳	سکته، ملایه	۲۷۹	فروزانفر، محمدحسین	۷۶	مجنی، نصرت الله	۴۵	همایونفر، سید	۱۵
خطیبی، مهدی	۱۰۷	سلطانپور، علی	۱۶	فروغی، محمدعلی	۷۱-۸۷-۲۲۴	محمدصادقی، اسدالله	۱۲۰	همای، جلال الدین	۲۱۳
خوش خبر، کاظم	۱۰۰	سلطانی، محمد	۱۳۶	فروهر، شهناز	۱۵۷	محمدعلی، محمد	۱۷۲	همیسون، آن	۲۳۵
دانپ، آبلین	۲۴۶	سلماسی زاده، جواد	۸۰-۸۶-۲۲۶	فصیح، اسماعیل	۲۳۳	محمدی پور، فرامرز	۱۱۱	همت، احمد	۱
داوران، فرشته	۲۳۸	سلمانی، محمد	۱۳۹	فضل الله، رضا	۷۵	محمدی، محمد	۱۸۹	همدانی، نادعلی	۱۷۶
داور، محمدعلی	۱۰۴	سلیمانی، یاور	۱۴۰	فضلی، عبدالهادی	۶	محمدی، ملیحه	۲۶۳	هوت، ادوارد	۸
درویشان، ولی الله	۱۳۳	سمنری، مسعود	۱۷۱	فلاح فر، سعید	۲۱۳	محمدیان آکردی، ابراهیم	۱۵۵	هولتکنخت، کارل جی	۲۴۳
درویش، اکبر	۱۵۳	سوقی، ستار	۲۸۴	فلسفی، امیراحمد	۹۳	محمدی، حسین	۱۵۹	یاحقی، جعفر	۹۲
دریانورد، غلامحسین	۱۶۱	سهرابی، علی	۴۰	فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی	۸۳	محبی، شهلا	۲۳۷	یاحقی، محمدجعفر	۱۰
دعاگو، اسلام	۳۷	سیدحسینی، رضا	۲۵۸	قاسمی شهر، ثریا	۱۴۲	مدحتی، وحید	۱۲۷	یوسفی، غلامحسین	۲۳۳
دولت‌شاهی، انوشیروان	۲۷۴	سیناپور، رویا	۱۸۷	قاضی نور، قدسی	۱۴۴	مدرسه	۴	یونان، رسول	۲۰۳
دهباشی، علی	۲۰۳-۹۱	شاکری یکتا، محمدعلی	۱۱۲	قاندقور، محمد	۱۰۹	مرادی، ابراهیم	۲۷۱		
دهقانی، معصومه	۲۲۷	شاملو، احمد	۱۰۵-۱۳۱	قائم، رحمت الله	۱۹۰	مراقبی، غلامحسین	۲۶۵		
دیلمی، سونیا	۲۰۱	شریفی گلپایگانی، فرج الله	۷۳	قراچه داغی، مهدی	۲۳۸	مروچی، حسن	۲۲		
دینی (طباطبایی)، فائزه	۲۳۷	شمار، جعفر	۶۸	قزوینی، محمد	۹۳	مزرعه، عباس	۲۵		
ذوالفقاری، حسن	۲۵	شعیمی، حسین	۵۵	قمشه، مهرانگیز	۱۸	مسعودی بروجردی، رضا	۱۲۹	آبرنگ: تهران	۱۸
ذوالفقاری، محسن	۱۶۸	شکسیر، ویلیام	۲۴۲	قهرمان، دل آرا	۲۶۶-۲۶۸	مشرقی، رامین	۲۲۰	آبگون: تهران	۲۶۲-۲۶۴
راتلج، سارا جین	۱۲	شماسی، عبدالحی	۱۳	کاخال، امانوئل	۲۶۵	مشیدی، جلیل	۸۵	آبیز: تهران	۲۵۱
رادفر، عبدالرضا	۱۳۹	شمس لنگرودی، محمد	۱۵۰	کاسب، عزیزالله	۹۷	معلم، حسینقلی	۶۵	آذربایط: اصفهان	۱۳۷
راستگو، محمد	۱۹	شمس، محمدرضا	۲۰۲	کاظمی زاده ایرانشهر، کاظم	۸۶	معیری، محمدحسین	۱۲۸	آتنا: تهران	۱۳۶-۱۵۸
رامین فر، سهیلا	۲۲۱	شولمن، تام	۲۳۳	کالونیو، ایتالو	۲۶۱	مقدم، بهنام	۲۳۹	آتیه: تهران	۱۶۸-۲۳۱-۲۴۲
رامور، محمدرضا	۲۶۴	شهاب، محمدعلی	۶۰-۶۱-۶۲-۶۳	کامرانی، حشمت الله	۲۷۲	ملکی، فهیمه	۲۳۶	آزاد گرافیک: تهران	۲۰
رب - گری، یه آن	۲۵۶	شهدی، پرویز	۲۵۶	کامیار، فرشاد	۲۰۰	منزوی، علینقی	۷۷	آزمون: تهران	۲۱-۲۲-۲۷-۱۸۱
رحیمی، فهیمه	۲۰۵	شهرتاش، سعید	۷	کاوسی، شیرین	۲۵۹	منصور، جهانگیر	۷۶	آزمینه: گرگان	۱۹۱
رحیمیان، رها	۲۳۵	شیرازی، ارفع	۲۳۹	کدخدازاده، مهدی	۱۵۴	منصوری، حسن	۱۸۵	آفرینه: تهران	۱۲۲
رستگار، محمدجواد	۱۲۵	شیرازی، حمید	۸۴	کراتون، مایکل	۲۳۷	موجده ضیاء	۱۳۶	آگاه: تهران	۳۳
رضوانی نژاد، فرزانه	۵۷	شیرینده، محمدرضا	۱۹۴	کردونی، کاوه	۲۵۲	موسوی، زهرا	۱۶۸	آوای دانش: تهران	۶۵
رفیعی، عطیه	۲۳۵	شیر، هلموت	۹	کریمی، احمد	۳۹-۴۱-۱۰۳	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد		آیندگان: تهران	۳۱-۳۳
رکن منظر، حسینعلی	۵۰	شیر، یوهان کریستف فریدریش فون	۲۵۳	کریم زاده نشینه، رقیه	۳۲	۸۲-۸۶-۸۹-۹۰-۲۳۶		ایرهم بدخشان: گنبد کاوس	۲۸۲
رمضان کیایی، محمدحسین	۲۶۷	صادقی، بهرام	۲۰۶	کریمی، اینج	۱۶۷-۱۹۸-۲۱۰	موتنگمری، لوسی مود	۲۳۲-۲۳۳	ارتباط بران پویا: تهران	۲۴۵

نمایه ناشر

۱۸	آبرنگ: تهران
۲۶۲-۲۶۴	آبگون: تهران
۲۵۱	آبیز: تهران
۱۳۷	آذربایط: اصفهان
۱۵۸-۱۳۶	آتنا: تهران
۲۴۲-۲۳۱-۱۶۸	آتیه: تهران
۲۰	آزاد گرافیک: تهران
۱۸۱-۲۷-۲۲-۲۱	آزمون: تهران
۱۹۱	آزمینه: گرگان
۱۲۲	آفرینه: تهران
۳۳	آگاه: تهران
۶۵	آوای دانش: تهران
۳۱-۳۳	آیندگان: تهران
۲۸۲	ایرهم بدخشان: گنبد کاوس
۲۴۵	ارتباط بران پویا: تهران

استادی: تهران	۲۵	جوانهرشد: تهران	۲۷۵	تهران	۲۱۵	فرشاد: تهران	۱۷۶	محو: تهران	۲۵۲
اشراقی: تهران	۲۵	جواهری: تهران	۹۶	سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم	۷۳	فروغ آزادی: تبریز	۲۸۲-۲	مرداد: تهران	۲۲۳-۲۲۲
اشکان: تهران	۷۱	جهان دانش: تهران	۲۴۰	انسانی دانشگاهها (سمت): تهران	۲۸۰	فروغ قلم: تهران	۲۲۵	مرکز آموزش مدیریت دولتی: تهران	۵
اطلاعات: تهران	۸۲	چکاوک: تهران	۲۰۵-۱۷۷	سالار: تبریز	۱۵۰-۱۳۴	فروهر: تهران	۱۷	مرمر: تهران	۱۸۲-۱۶۰
افکار: تهران	۲۱۱	چی چی کا: بندرعباس	۱۳۹-۱۳۳-۱۳۲	سالی: تهران	۱۶۱	فرهنگ امروز: تهران	۶۴-۵۶-۵۲	مروارید: تهران	۲۱۳-۱۴۱-۱۰۵
اقبال: تهران	۲۲۶-۸۶-۸۰	حسین محمودی: تهران	۱۵۹	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: تهران	۲۸۳	فرهنگ و قلم: تهران	۲۲۳-۸۴	معیار: تهران	۲۰۴-۱۶۳-۱۳۹
اکتون: تهران	۱۴۶	حسینی: ارومیه	۳۷	ستار سوقی: گنبدکاووس	۲۰۳-۹۱-۸۱	فرهنگ و هنر: تهران	۲۰۷	مفید: تهران	۱۳۲
البرز: تهران	۲۳۸-۱۹۷	خلایق: تهران	۱۹۰-۱۷۰	سخن: تهران	۲۸-۲۳	فهم: تهران	۱۵۶-۷۹	منادی تربیت: تهران	۴۵
امیر کبیر: تهران	۲۲۵-۸۳-۶۷-۴۷	خوشبین: تهران	۶۹	سرمدی: تهران	۲۶۱-۲۴۳-۱۹۲-۶۶-۱۹-۷	قاصد: تهران	۱۵۱	موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام	
اندیشه سازان: تهران	۲۴	دارینوش: تهران	۱۹۶	سروش: تهران	۲۱۴	قربان صحت بدخشان: تهران	۲۷۲	(ره): تهران	۱۳۵-۱۱۱
انوشه: تهران	۲۸	دانشکده اصول دین: تهران	۶	سمید فلاحفر: تهران	۱۱۳	قصه: تهران	۱۶۵	مهر تابان: تهران	۹۸
ایران سنجش: تهران	۱۵	دانشگاه اراک: اراک	۸۵	سلسله: قم	۱۲۰	قصیده: تهران	۲۲۱	مهربان شهر: تهران	۱۸۷
بافراعلوم: تهران	۱۲۱-۶۳-۵۹-۵۴-۴۸	دانشگاه اصفهان: اصفهان	۷۸	سمر: تهران	۲۵۷	قطره: تهران	۸۹-۶۸-۳	مهرداد: تهران	۱۸۵
باورداران: قم	۱۳۰	دشتستان: تهران	۲۵۶	سمیرا: تهران	۹۵	ققنوس: تهران	۱۸۶	نخستین: تهران	۱۰۸
برگابریگ: تهران	۲۱۰-۱۹۸-۱۶۷	دنیای دانش: تهران	۸۸	سنایی: تهران	۱۴۰-۱۱۰	قلم‌آشنا: تهران	۱۰۹	ندا: تهران	۷۰
بقاع: تهران	۱۲۶	دنیای نو: تهران	۱۱	سیمرو: تهران	۱۰۰	قوانین: تهران	۲۲۷	نذیر: تهران	۱۳۵-۶۲-۶۱-۶۰-۵۳
به نشر: مشهد	۹۲-۵۸-۱۲-۱۰	دیباگران: تهران	۲۶	شادگان: تهران	۲۷۱-۲۵۳-۲۳۱-۲۳۳	کاروان: تهران	۲۷۰	نشر چشمه: تهران	۲۶۳-۲۴۶
بهجت: تهران	۲۶۶	دیگر: تهران	۲۷۴	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی: تهران	۲۷۹-۲۷۸	کانون فرهنگی آموزش: تهران	۳۰-۲۹	نشر مرکز: تهران	۲۶۷-۱۷۲-۱۷۲
پردیس مهر: تهران	۲۵۰	راه رشد: تهران	۱۶	شقایق: تهران	۲۱۹-۲۱۸-۲۰۱-۹۴	کاوشگر: تهران	۲۵۹	نظر: تهران	۲۳۹
پژوهنده: تهران	۱۰۶	راه ظفر: تهران	۱۸۸	شکوفه‌های دانش: تهران	۵۷	کتاب پنجره: تهران	۲۳۴	نشه زندگی: تهران	۲۰
پیدایش: تهران	۲۲۰-۲۰۲-۱۹۹	راه مانا: تهران	۲۴۹-۷۷	شهاب ثاقب: تهران	۱۳۳	کتاب زمان: تهران	۲۰۶	نقش و نگار: تهران	۲۳۹
پیروی: شیراز	۱۵۷-۱۵۲-۵۰	رز: تهران	۱۹۳	صدا: تهران	۱۳۷	کتاب نادر: تهران	۲۳۶-۱۱۲	نگاه: تهران	۲۵۸
پیری: تهران	۲۸۳-۲۸۱	رضا مسعودی بروجردی: تهران	۱۳۹	صفاز: تهران	۳۵	کسرایی: تهران	۱۳۱-۱۱۹-۱۱۶	نگاه سبز: تهران	۱۴۸
پیک فرهنگ: تهران	۹۳	روزبهان: تهران	۲۶۹-۲۱۲	طاووس بهشت: قم	۳۹	کوشامهر: شیراز	۱۲۵	نمایش: تهران	۲۳۰-۹
پیکان: تهران	۲۳۷-۲۳۲-۲۳۸	روزگار: تهران	۱۰۷-۱۰۴-۴۶	طلوع: تهران	۸۷	کویر: تهران	۷۵	نماینده: تهران	۱۶۱
پیمان: تهران	۷۲	روزنه: تهران	۲۳۷-۲۱۶-۱۸۴-۱۷۴-۱۷۱-۹۰-۳۶-۱	عابد: تهران	۱۰۱-۴۲	گروه پژوهشگران ایران: تهران	۱۷۵	نیروی دریایی: تهران	۱۶۱
تاخ: تهران	۱۱۸	روزگار: تهران	۲۵۴-۸	عباس اسماعیلی: تهران	۱۱۴	گفتان: تهران	۲۲۲-۱۹۵-۱۹۴-۱۵۵-۱۵۳	نیلوفر: تهران	۲۵۵-۲۲۸-۱۷۹
تکوین: ارومیه	۸	روشنگران و مطالعات زنان: تهران	۲۷۶-۱۶۳-۱۶۲	عبد: تهران	۶۰-۵۳	گفتان خلاق: تهران	۱۲۸	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان	
تنویر: تهران	۱۸۰	رهام: تهران	۹۹-۷۳	علم: تهران	۳۷۲	گل آرد: تهران	۷۶	چاپ و انتشارات: تهران	۲۷۷
توس: تهران	۲۰۸	زریاب: تهران	۲۶۰	علیرحم‌شایان: تهران	۱۳۴	گل افشان: اصفهان	۱۲۴	حادث: تهران	۱۵۳
تهران صدا: تهران	۱۸۹	زال: تهران	۱۷۸	علیرضا طالقانی: ورامین	۱۱۵	گل واژه: تهران	۳۲	همشهری: تهران	۵۵
تالت: تهران	۳۳۱	زوار: تهران	۳۳	غلامحسین مراقبی: تهران	۲۶۵	گل و گنجینه: تهران	۹۷	هیرمند: تهران	۲۰۰
نریا صالح: تهران	۱۱۷	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه: تهران	۱۶۶-۱۳-۳-۴	فرزاد: تهران	۲۶۸-۱۶۹	گیل: تهران	۲۷۶	یکتا: اصفهان	۱۸۳
نریا قاسمی‌شیر: تهران	۱۳۲	فرزاد روز: تهران		مجله: تهران		ما: تهران	۱۲۷-۱۰۲-۴۱-۳۹		
جزیل: تهران	۲۱۷					ماه‌ریز: تهران	۲۰۹		
جلوه: تهران	۵۱					مجید: تهران	۱۲۸		
جوانه رشد: تهران	۴۳								



چاپ اول

۱- Linguistics and language.

Mahmood Farrokhphey

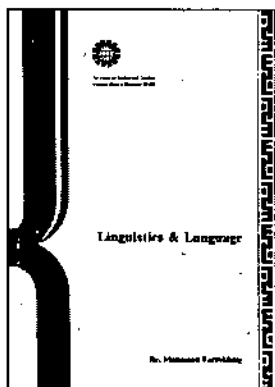
تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۵۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

کلیات زبان‌شناسی

شابک:

۹۶۴-۴۵۹-۳۷۹-۷



این کتاب برای دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی، دبیری و مترجمی و ادبیات انگلیسی در مقطع کارشناسی، برای درس کلیات زبان‌شناسی به ارزش ۴ واحد تدوین شده است. 'زبان چیست؟'، 'مروری کوتاه بر گرامر'، 'آواشناسی'، 'آواشناسی'، 'ریخت‌شناسی و روند شکل‌گیری واژه'، 'گرامر سنتی و فراگیری زبان نخست' از جمله مباحث مورد نظر در این کتاب است.

زبانهای ایرانی

چاپ اول

۲- اتیمولوژی واژگانی از گویش‌های غرب ایران.

کرم علی‌رضایی. - تهران: گفتمان. ۷۰ ص. - رقیعی (شمیز). - ۴۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۹۸۴-۵۹-۲

در مقدمه کتاب مختصری درباره پیوند زبان کردی، لری و لکی با زبان پهلوی و اوستایی سخن به میان می‌آید؛ آن گاه باره‌ای از واژگان کردی، لری و لکی



همراه با معانی و ریشه‌شناسی - به ترتیب حروف الفبا - تدوین می‌گردد.

چاپ اول

۳- جامع‌ترین تستهای طبقه‌بندی شده زبان فارسی ۲۰۱

پیش دانشگاهی عمومی ...

فتح‌الله طالشی. - تهران: جاتان. ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۵۹۴-۰۹-۳

۴- زبان فارسی (۱) 'سال اول نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی.

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۵۱-۳

۵- زبان فارسی (۱) و (۲) 'پیش دانشگاهی' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتب درسی.

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۲۲۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۵۷-۲

۶- زبان فارسی (۲) 'سال دوم نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی.

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۵۲-۱

۷- زبان فارسی (۵) 'سال سوم نظام جدید' کلیه رشته‌ها به جز رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به آخرین ...

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۵۳-X

۱۲۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۰۱۸-۵۳-X

۸- فارسی (۱) 'سال اول نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی.

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۲۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۳۹-۱

۹- فارسی (۲) 'سال دوم نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی.

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۵۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۵۰-۵

۱۰- فارسی (۵) 'سال سوم نظام جدید' کلیه رشته‌ها به جز رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به آخرین ...

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۵۵-۶

۱۱- فارسی (۵) 'سال سوم نظام جدید' کلیه رشته‌ها به جز رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به آخرین ...

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۲۰ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۳۸-۶

۱۲- فارسی (۶) 'سال سوم نظام جدید' رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به آخرین تغییرات کتب درسی.

مهدی سپهری. - تهران: راه رشد. - ۱۴۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۶۰۱۸-۵۸-۰

زبان فارسی - واژه‌نامه‌ها

۱۳- فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی، و اصطلاحات علمی و ادبی.

حسن عمید. - تهران: امیر کبیر. ۱۲۸۸ ص. - چاپ هفدهم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۱۷۹-۱

۱۴- فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی، و اصطلاحات علمی و ادبی.

۱۵- کامل فرهنگ فارسی (یا فرهنگ دری برای ملل ایرانی: تاجیک، افغان، خوارزم، فارسی زبانان از بنگال و ...).

غلامرضا انصافی‌پور. - تهران: زوار. - ۱۳۵۲ ص. - وزیری (سلفون). - ۵۵۰۰۰ ریال. - چاپ پنجم / ۲۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Persian dictionary

شابک:

۹۶۴-۴۰۱-۰۴۸-۵

گویش‌های ایرانی

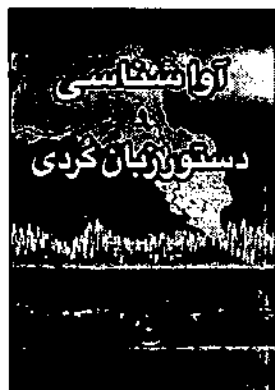
چاپ اول

۱۶- آواشناسی و دستور زبان کردی.

علی رخزادی. - تهران: ترفند. ۳۱۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۹۲۶۸۴-۹-۹



نگارنده در بخش نخست کتاب، از زبان کردی و پیشینه آن سخن می‌گوید؛ سپس مقوله آواشناسی زبان کردی و توصیف واجی زبان کردی را مطرح می‌سازد. 'چگونگی توزیع آواهای زبان کردی - واج‌آرایی' و 'واحد‌های زیر رنجیری در زبان کردی' از دیگر مباحث این بخش هستند. مطالب بخش دوم

کتاب به شیوه نوشتن زبان کردی (سورانی) و ویژگی‌های خط کردی اختصاص دارد. در بخش سوم کتاب به تفصیل، دستور زبان کردی با مباحثی چون اسم، انواع صفات، بیانی، ضمیر، دستگاه فعل، قید، و ساختار و ارکان جمله در زبان کردی شرح و بررسی می‌شود. بخش چهارم کتاب متضمن نمونه‌هایی است از نثر و شعر امروزی زبان کردی که در پی آن اصطلاح‌های آواندازی فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی، نیز اصطلاح‌های آواندازی و دستوری در زبان کردی درج می‌گردد. در لابه‌لای کتاب نمودارها و جدول‌های متعددی به چاپ رسیده است.

زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها

چاپ اول

۱۷- فرهنگ انگلیسی به فارسی و عربی.
جان ریچاردسون - تهران: روزنه - ۸۸۶ ص. - رحلی (گالینگور). - چاپ اول / ۵۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Dictionary english, persin, and arabic
شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۰۲۳-۶

۱۸- فرهنگ انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی.

بهمن حاجی‌خانی، نیلوفر الهوردی - تهران: ابو عطا - ۳۲۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ر. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۹۲۲-۲-۷

۱۹- فرهنگ جیبی: انگلیسی - فارسی.

ویراستار: سیاوش صلح‌جو - تهران: کلمه - ۵۶۰ ص. - پالتویی (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Kaleme mini dictionary: english - persian
شابک: ۹۶۴-۶۳۶۴-۰۵-X

۲۰- فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی یکجلدی.

عباس آریانپور کاشانی، منوچهر آریانپور کاشانی - تهران: امیر کبیر - ۱۳۳۰ ص. - وزیر (گالینگور). - ۴۵۰۰۰ ر. - چاپ بیست و نهم / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The concise english persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۱۲۸-۷

چاپ اول

۲۱- فرهنگ لغت دانش‌آموز: انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی: راهنمایی - دبیرستان - پیش‌دانشگاهی.
عبدالله قنبری - تهران: پیک پیشرو، منتشران. - ۳۶۸ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۵۷۲-۱-۲

۲۲- فرهنگ معاصر پیش-دانشگاهی انگلیسی - فارسی.

محمدرضا باطنی، [و دیگران] - تهران: فرهنگ معاصر. - ۶۷۰ ص. - جیبی (گالینگور). - ۱۹۰۰۰ ر. - چاپ دوم / عنوان به لاتین:

Farhang moaser english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۵۵۴۵-۲۵-۵

چاپ اول

۲۳- فرهنگ نوین انگلیسی - فارسی (درس به درس) - پیش-دانشگاهی (۲).

بهروز کلاتری - تهران: فرهنگ نوین. - ۱۸۲ ص. - جیبی (شمیز). - ۴۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۲۲۰-۷-۲

۲۴- فرهنگ همراه پیشرو آریانپور: انگلیسی - فارسی.

منوچهر آریانپور کاشانی - تهران: جهان رایانه. - ۹۷۶ ص. - جیبی (سلفون). - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

The aryanpur progressive english - persian dictionary
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۵-۵۷-۵

۲۵- واژه‌نامه زبان انگلیسی: کتاب‌های دبیرستانی و پیش-دانشگاهی ۱۳۷۸.

بهروز غفاریان، رضا علیزاده‌متین - تهران: آیندگان. - ۲۰۸ ص. - پالتویی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ر. - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۹۹-۰۳-X

چاپ اول

26- Longman dictionary of american english.
تهران: رهنما. - ۳۷۰ ص. - وزیر

(گالینگور). - ۱۴۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

27- Oxford advanced learner's dictionary.
Sally A.S. Homby: ویراستار: Michael Ashby, Wehmeier.
تهران: شعاع. - ۱۵۶۰ ص. - وزیر (سلفون). - ۵۰۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

28- Oxford advanced learner's dictionary of current english.
Jonathan A.S. Homby: ویراستار: Kathryn Kavanagh, Crowther, Michael Ashby.
تهران: مهر. - ۱۵۸۰ ص. - وزیر (سلفون). - ۴۸۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۴۸۰۰۰ نسخه.

29- Oxford advanced learner's dictionary of current english.
Jonathan A.S. Homby: ویراستار: Kathryn Kavanagh, Crowther, Michael Ashby.
تهران: جهان دانش. - ۱۵۵۶ ص. - وزیر (سلفون). - ۴۹۰۰۰ ر. - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

30- Oxford advanced learner's dictionary of current english.
Albert Sydney Hornby: ویراستار: Kathryn Jonathan Crowther, Michael Ashby, Kavanagh.
تهران: معرفت: زبان آموز. - ۱۳۳۲ ص. - رقی (گالینگور). - ۳۴۰۰۰ ر. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

31- Oxford learner's pocket dictionary.
تهران: فروزش. - ۳۹۶ ص. - پالتویی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

32- Oxford learner's pocket dictionary.
تهران: هزار و یکشب. - ۳۹۰ ص. - پالتویی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

33- آموزش درس به درس زبان انگلیسی سال دوم نظام جدید.
امیرهوشنگ اقبالپور، امیر شناور. - تهران: آبرنگ. - ۲۴۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ر. - چاپ سوم / ۱۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۰۳-۹

دستور زبان انگلیسی
۴۲۵

چاپ اول

34- آموزش زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی ۲: راهنمای درس به درس.
امیرهوشنگ اقبالپور. - تهران: آبرنگ. - ۱۷۶ ص. - وزیر (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۰۳-۹

چاپ اول

35- آموزش گام به گام مفاهیم بنیادی و آزمون‌های طبقه‌بندی - شده زبان (۲).
اکبر میرحسینی، رامین اکبری، آریس هاخوردیان: ویراستار: مختار اسدی، [و دیگران] - تهران: علوی. - ۱۵۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۵۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۷۷-۰۳-۸

چاپ اول

36- آموزش گام به گام مفاهیم بنیادی و آزمون‌های طبقه‌بندی - شده زبان انگلیسی (۱) شامل پیش از...
اکبر میرحسینی، رامین اکبری، آریس هاخوردیان: ویراستار: داوود الیکایی، [و دیگران] - تهران: علوی. - ۱۸۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۵۰۰۰ ر. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۱۰۰-۰۹۳-۳

چاپ اول

37- انگلیسی پیش‌دانشگاهی (۱) و (۲).
مسعود آریانپور. - تهران: مبتکران. - ۳۰۰ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۳۰۰۰ ر. - چاپ پنجم / ۲۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۲۸۶۰-۰۶۲-۲

38- انگلیسی سال اول نظری، فنی و حرفه‌ای، کاردانش.

سوسن ادیب‌پور: ویراستار: فروزان

چاپ اول

39- پرسش‌های چهارگزینه‌ای زبان پیش‌دانشگاهی (۲).
شهرام اناری، شهاب اناری. - تهران: اندیشه سازان. - ۲۹۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ر. - چاپ ششم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۳۹-۷۹-۵

چاپ اول

40- ترکیب جملات انگلیسی.
رابرت کروین: مترجم: داریوش شاهسونی. - تهران: اردیبهشت. - ۵۰۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ر. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۶۲-۹۲-X

صلواتیان. - تهران: فاطمی. - ۱۷۲ ص. - جلد اول. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ سوم / ۵۵۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

English book
شابک: ۹۶۴-۳۱۸-۷۷۲-۸

41- پرسش‌های چهارگزینه‌ای زبان پیش‌دانشگاهی (۲).
شهرام اناری، شهاب اناری. - تهران: اندیشه سازان. - ۲۹۸ ص. - رحلی (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ر. - چاپ ششم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۲۳۹-۷۹-۵

42- ترکیب جملات انگلیسی.
رابرت کروین: مترجم: داریوش شاهسونی. - تهران: اردیبهشت. - ۵۰۰ ص. - وزیر (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ر. - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۰۶۲-۹۲-X

چاپ اول

43- تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی ویژه دانش‌آموزان دوره - پیش‌دانشگاهی (۲) براساس بارم جدید امتحانات...
سهراب غلامپور. - تهران: آزمون نوین. - ۱۳۴ ص. - وزیر (شمیز). - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۷-۳۷-۱

چاپ اول

44- خودآموز و راهنمای گام به گام زبان انگلیسی (۲) دوره پیش-دانشگاهی شامل: ترجمه...
عبدالله قنبری. - تهران: منتشران. - ۲۰۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۷-۳۷-۱

45- خودآموز و راهنمای گام به گام زبان انگلیسی (۲) دوره پیش-دانشگاهی شامل: ترجمه...
عبدالله قنبری. - تهران: منتشران. - ۲۰۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۷-۳۷-۱

46- خودآموز و راهنمای گام به گام زبان انگلیسی (۲) دوره پیش-دانشگاهی شامل: ترجمه...
عبدالله قنبری. - تهران: منتشران. - ۲۰۸ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ نهم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۷-۳۷-۱

47- راهنما و خودآموز گام به گام زبان (۲) دوره پیش‌دانشگاهی.
عباس صفی. - تهران: نور کیتی. - ۲۳۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

48- راهنما و خودآموز گام به گام زبان (۲) دوره پیش‌دانشگاهی.
عباس صفی. - تهران: نور کیتی. - ۲۳۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

49- راهنما و خودآموز گام به گام زبان (۲) دوره پیش‌دانشگاهی.
عباس صفی. - تهران: نور کیتی. - ۲۳۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

50- راهنما و خودآموز گام به گام زبان (۲) دوره پیش‌دانشگاهی.
عباس صفی. - تهران: نور کیتی. - ۲۳۲ ص. - وزیر (شمیز). - ۹۵۰۰ ر. - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۹۳-۰۶-X

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۵- راهنمای انگلیسی دوم
راهنمایی: قابل استفاده برای
دانش آموزان سال دوم دوره
راهنمایی.

فریبا تاجیک، الهه موسس فر. - تهران:
تاجیک. - ۱۳۶ ص. - رحلی (شمیز). -
۱۱۰۰۰ ریال. - ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۶۰۵-۳۰۰

۶- زبان انگلیسی (۱) پیش-
دانشگاهی.

کریم خلیلی. - تهران: راه اندیشه. - ۳۳۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. -
چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۱۰۸-۷۱-۷

۷- زمان در انگلیسی.
مسعود انصاری. - تهران: امیر کبیر. -
۲۲۶ ص. - رقی (شمیز). - ۹۵۰۰ ریال.
- چاپ سیزدهم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۰۶۹۹-۶

چاپ اول

۸- گرامر جامع زبان انگلیسی
دانش آموز (۷ کتاب در یک
کتاب).

عبدالله قنبری. - تهران: بیک پیشرو،
منتشران. - ۶۸۸ ص. - جیبی (شمیز). -
۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۷۰-۰۰۰-۴

۹- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۰- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ سی و یکم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۱- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ سی و پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۲- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ سی و هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۳- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۴- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و نهم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۵- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ سی و یکم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

۱۶- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و ششم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۷- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۸- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۱۹- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۲۰- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ چهل و یکم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۲۱- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۳۰
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ بیست و هشتم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۲۲- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل: صدها ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ سیام / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۲۳- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ سی و نهم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۲۴- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص دوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۲۸
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۲۰۰ ریال. -
چاپ سی و سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۲-۲-۵

۲۵- گنج آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی، شامل: صدها ...

حمید خزائی. - تهران: جماران. - ۱۵۲
ص. - وزیر (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. -
چاپ چهل و دوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.

شابک:

۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۰- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ چهل و سوم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۱- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ پنجاه و چهار / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۲- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ چهل و چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۳- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ چهل و ششم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۴- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ پنجاه و سه / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۵- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ چهل و هفتم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۶- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ چهل و یکم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۷- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ پنجاه و پنج / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۸- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ پنجاه و هفت / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۷۹- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ پنجاه و شش / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۸۰- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ پنجاه و نه / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳

۸۱- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۵۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ پنجاه و هشت / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۸۲- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ شصت و یک / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۸۳- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ شصت و یک / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۸۴- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ شصت و دو / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۸۶- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲

ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ سی و ششم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۸۷- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ سی و هفتم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۸۸- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ سی و هشتم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۸۹- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲
ص. - وزیری (شمیز)، - ۷۵۰۰ ریال، -
چاپ سی و نهم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Ganjazmoon english
language questions
۹۶۴-۹۱۳۳۳-۳-۳ شابک:

۹۰- گنج‌آزمون انگلیسی
مخصوص سوم راهنمایی:
جدیدترین تمرینات و نمونه
سوالات انگلیسی شامل: صدها ...
حمید خزائی، - تهران: جماران، - ۱۶۲

۹۱- گنجینه سوالات طبقه‌بندی
شده نوین زبان انگلیسی: کلاس
دوم راهنمایی.

تهیه کننده: محمد یزدان‌پناه، سیمین
دخت گودرزی، - تهران: نیلور دانش، -
۱۴۴ ص. - وزیری (شمیز)، - ۵۷۰۰
ریال، - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۵۷۳۳-۵۰-۴

92- English one to one.
Ann Hiplop, Susan Fearn
نویسندگان: Desmond O'sullivan
- تهران: توس، - ۷۸ ص. - رقصی
(شمیز)، -
شابک: ۹۶۴-۳۱۵-۳۷۷-۷

93- Essential grammar in
use: a self-study reference
and practice book for
elementary students of
Raymond Murphy، - تهران:
استیری، - ۳۰۴ ص. - وزیری (شمیز)، -
۱۲۰۰۰ ریال، - چاپ ششم / ۵۰۰۰
نسخه.

کاربرد زبان انگلیسی معیار
۳۲۸

چاپ اول

۹۴- آموزش درک مطلب و لغت
به شیوه گام به گام شامل:
لطیفه‌ها و داستانه‌های خنده‌دار
همراه با ...

عبدالله قنبری، - تهران: پیک پشرو،
منتشران، - ۹۶ ص. - رقصی (شمیز)، -
۳۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

English comprehension
step by step
۹۶۴-۹۲۵۷۰-۲۰-۰ شابک:

چاپ اول

۹۵- اصطلاحات و تعبیرات در
ترجمه.

محمد صفوی‌همامی، - تهران: بساتین، -
۲۵۶ ص. - وزیری (شمیز)، - ۱۱۰۰۰
ریال، - چاپ اول / ۲۱۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Idioms and metaphorical
expressions in
translation....
۹۶۴-۵۶۷۳-۳-۲ شابک:

۹۶- انگلیسی تجاری در سفر:
مکالمات و گفتگوهای تجاری،
اصول نامه‌نگاری ...

صابر شیانی اصل، - تهران: استاندارد، -
۲۸۰ ص. - رقصی (شمیز)، - ۱۲۰۰۰

ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۳-۶۲۵۵-۱۸-۳

۹۷- انگلیسی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی یا ترجمه فارسی و تلفظ واژه‌ها با الفبای فارسی ...
حسن اشرف‌الکتابی - تهران: استاندارد - ۲۳۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ بیست و هفتم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: English on trip
شابک: ۹۶۳-۹۱۳۳-۰۷-۲

۹۸- ترجمه زبان انگلیسی عمومی (دانشگاه پیام نور).
مترجم: محمدجواد حجازی - قم: حقوق اسلامی - ۲۴۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ یازدهم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۳-۹۱۷۱۸-۱-۹

۹۹- ترجمه زبان تخصصی رشته حسابداری (۱) (دانشگاه پیام نور).
ویدا مجتهدزاده: مترجم: محمدجواد حجازی - قم: حقوق اسلامی - ۱۷۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۳-۹۱۷۱۸-۶-X

۱۰۰- خودآموز زبان انگلیسی.
الن مک‌لین - [و دیگران] مترجم: رضا نواب‌پور - تهران: توس - ۲۴۳ ص. - رحلی (شمیز) - عنوان به لاتین: English one to one
شابک: ۹۶۳-۳۱۵-۳۷۶-۹

چاپ اول
۱۰۱- راهنمای جامع انگلیسی پزشکی.
رضا دبیری، محمد ضیاءحسینی: مترجم: ابوالفضل ارجمند - تهران: مرکز نشر علوم دانشگاهی و معارف اسلامی فاضل - ۳۷۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: A comprehensive guide to english for the students

شابک: ۹۶۳-۶۹۷۰-۰۰۰-۱

چاپ اول
۱۰۲- راهنمای کامل انگلیسی برای دانشجویان رشته مهندسی عمران.
مترجم: مسعود هاشمی، فاطمه ربیعی، بتول سوری - همدان: دانشجو - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: English for students of civil engineering
شابک: ۹۶۳-۵۷۹۳-۰۹-۹

۱۰۳- راهنمای کامل انگلیسی برای کتاب خواندن متون عمومی، فریده پورگیو، [و دیگران] مترجم: حسن کلان‌فرمانفرما، لیلا محمدی ساده‌خو - همدان: دانشجو - ۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۳-۶۵۰۲-۵۳-۹

چاپ اول
۱۰۴- راهنمای کامل انگلیسی پیش دانشگاهی: ترجمه لغات و اصطلاحات ...
جمال موتی - تهران: جهان نو - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۳-۶۵۱۵-۲۹-۰

چاپ اول
۱۰۵- راهنمای کامل زبان تخصصی ۱-۲: مدیریت دولتی و بازرگانی.
نشر بخش تهرانی: مترجم: عباس موسوی - تهران: حقوق اسلامی - ۳۰۴ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۳-۶۲۵۰-۱۸-۱

چاپ اول
۱۰۶- راهنمای کامل و ترجمه متون زبان خارجی تخصصی (۲) (رشته ادبیات فارسی).
رضا نیلی‌پور، منوچهر جعفری - گهر: مترجم: ابوالحسن هاشمی‌نژاد - همدان: دانشجو - ۳۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۷۹۴-۱۱-۰۰
۱۰۷- مجموعه آزمون‌های چهارگزینه‌ای زبان انگلیسی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی با پاسخ تشریحی.
کیومرث ستار - اصفهان: یکتا - ۲۶۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۱۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۲۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۷۰۱۶-۰۴-۲

چاپ اول
۱۰۸- مجموعه آزمون‌های کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی سراسری - آزاد ۷۹-۷۷.
گردآورنده: نورالدین یوسفی - تهران: کاشفان - ۲۰۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۵۸۷-۹-۵

۱۰۹- مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد زبان (۲) پیش‌دانشگاهی با پاسخ تشریحی.
کرامت بخشی‌جرمی، فاطمه فضل‌لی - تهران: گل واژه - ۹۶ ص. - رحلی (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۴۸۲-۲۲۸-۵

چاپ اول
۱۱۰- مجموعه لغات انگلیسی سال سوم دبیرستان S.E.S. سعید علی‌میرزایی، [و دیگران] - تهران: سارگل - ۸۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۶۷۶-۵-۴

۱۱۱- مکالمات روزمره انگلیسی.
فرشید اقبال‌بهاهمکاری: س. مونی - تهران: اقبال - ۲۵۶ ص. - بیاضی (شمیز) - ۹۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین: English phrase book
شابک: ۹۶۴-۴۰۶-۰۳۹-۳

۱۱۲- A basic course in reading english: for university students.
F. A. Jafarpur: ویراستار:

Mohammad Hassan. Sadighi
Tahririan - تهران: دانش پرور - ۲۰۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۲۷۳۸-۱-۶

چاپ اول
113- Communicate what you mean: grammar for high-level esl students.
Carroll Washington Pollock - تهران: فرهنگ زبان - ۲۹۴ ص. - وزیری (شمیز) - چاپ اول / ۱۰۰۰ نسخه.

چاپ اول
114- The edge: level 6.
Rabin Dick Francis Waterfield: ویراستار: Derek Strange - تهران: راه ظفر - ۹۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



مرز ناستانی است به زبان انگلیسی که برای قرأت زبان‌آموزان سطح پیشرفته در قالب ۳۰۰۰ واژه کاربردی به طبع رسیده است. در انتهای کتاب نیز چند تمرین به منظور مرور و یادگیری بیشتر گنجانده شده است.

115- English for computer science.
Norma D. P. Charles Brown Mullen - تهران: دیباگران تهران - ۱۰۰ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - ۳۷۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۱۰۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۶۱-۰۷-۰۰

چاپ اول
116- English for students of chemical engineering.
Kazem Nosratollah Ghiassee Mahshid Roshani Mirjalili - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۳۱۲

ص. - وزیری (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته مهندسی شیمی
شابک: ۹۶۴-۳۵۹-۲۳۹-۲

چاپ اول
117- English for students of laboratory technology.
Ahmad Sabouri Kashani Hosein Dargahi - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۳۱۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم آزمایشگاهی
شابک: ۹۶۴-۳۵۹-۳۶۸-۱

118- English for students of persian literature.
Akbar Afghari - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۸۸ ص. - وزیری (شمیز) - ۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۳۵۹-۳۷۳-۱

119- English for students of pharmacy.
Mohammad Taghi Ghafghazi Moham. Fereshteh Mehrabi: ویراستار: Ali Reza Kayhani - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۳۰۰ ص. - جلد سوم - وزیری (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته داروسازی
شابک: ۹۶۴-۳۵۹-۲۱۳-۱

120- English for students of political science.
Hormoz Davarpanah Saeedeh Lottfian - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۲۸ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به فارسی: انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم سیاسی
شابک: ۹۶۴-۳۵۹-۲۱۸-۲



باقیمانده روز داستانی است به زبان انگلیسی برای زبان آموزان سطح پیشرفته که در قالب ۳۰۰۰ واژه کاربردی تدوین شده است. انتهای کتاب شامل چند تمرین از متن داستان است.

چاپ اول

134- The secret agent: level 3.

Rabin Joseph Conrad :
Derek Strange, Waterfield

تهران: راه ظفر - ۲۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
مامور مخفی



مامور مخفی داستانی است به زبان انگلیسی که در قالب ۱۰۵۰ واژه و اصطلاح کاربردی برای زبان آموزان سطح متوسط به چاپ رسیده است. کتاب با چند طرح سیاه و سفید و تمریناتی از متن برخوردار است.

چاپ اول

135- St agnes' stand: level 3.

John Escott, Thomas Eidson :

Derek Strange : تهران: راه ظفر - ۲۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
اگنس مقدس



در داستان انگلیسی 'پنجه‌های راه‌آهن' زبان آموزان سطح مبتدی با ۵۰۰ واژه جدید آشنا شده در انتهای کتاب نیز چند تمرین به منظور مرور و یادگیری بیشتر درج گردیده است.

چاپ اول

132- The rainmaker.

Cindy John Grisham :

Leaneay نویراستار: Andy Hopkins

Hocelyn Potter : تهران: قلمستان

هنر - ۹۶ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۵۰۰

ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



'باران ساز' عنوان داستانی است به زبان انگلیسی که به منظور قرائت زبان آموزان بالاتر از سطح متوسط - در قالب ۲۳۰۰ واژه و اصطلاح کاربردی - فراهم آمده است. انتهای کتاب شامل تمریناتی است که با هدف مرور داستان، تدوین گردیده است.

چاپ اول

133- The remains of the day.

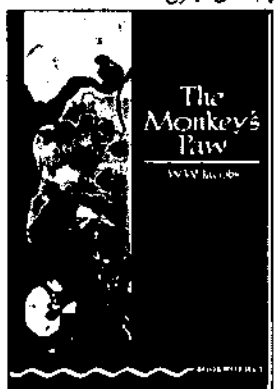
Kazuo Ishiguro : تهران: قلمستان

هنر - ۱۱۲ ص. - رقصی (شمیز) - ۴۵۰۰

ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

Mowat : تهران: راه ظفر - ۲۸ ص. - رقصی (شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:
پنجه‌های میمون



'پنجه‌های میمون' داستانی است ساده و جذاب که برای زبان آموزان سطح مبتدی به زبان انگلیسی منتشر شده است. در لایه‌ای داستان تصویری از ماجراها و در انتها چند تمرین از متن به چاپ رسیده است.

چاپ اول

128- New headway english course: elementary student's book.

John Soars, Liz Soars

تهران: وناد - ۱۳۴ ص. - رحلی (شمیز)

- (دوره) ۲۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

129- New headway english course: elementary student's book.

John Soars, Liz Soars

تهران: غزل سرا - ۱۳۴ ص. - رحلی

(شمیز) - ۲۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

130- New headway english course: elementary workbook with key.

John Soars, Liz Soars

تهران: غزل سرا - ۹۸ ص. - رحلی

(شمیز) - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

131- The railway children: level 2.

Karen Holmes, Edith Nesbit :

تهران: راه ظفر - ۲۸ ص. - رقصی

(شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

از سطح متوسط به چاپ رسیده آواز علف‌ها نام دارد که طی آن ۳۳۰۰ واژه یا اصطلاح جدید گنجانده شده و در انتهای آن نیز چند تمرین از متن داستان جمع آمده است.

124- Idioms and metaphorical expressions in translation.

Ghaffar Tajalli : تهران: سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاهها (سمت) - ۱۶۰ ص. - وزیری

(شمیز) - ۳۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

اصطلاحات و تعبیرات در ترجمه

شابک: ۹۶۴-۲۵۹-۲۲۸-X

چاپ اول

125- Look ahead: classroom course: intermediate students' book.

Jocelyn, Andy Hopkins

Potter : تهران: رهنما - ۱۲۸ ص. -

وزیری (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ اول.

چاپ اول

126- Misery.

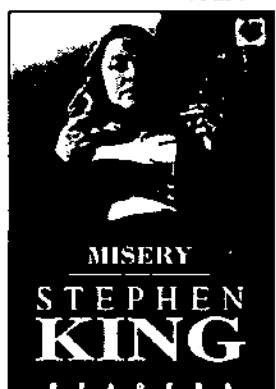
Robin Stephen King :

Waterfield نویراستار: Andy

Jocelyn Potter, Hopkins

تهران: قلمستان هنر - ۹۶ ص. - رقصی

(شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



کتاب، مضمین داستانی پر ماجراست به زبان انگلیسی که حدود ۳۰۰۰ واژه و اصطلاح کاربردی را در بر می‌گیرد. زبان آموزان سطح پیشرفته مخاطبان اصلی این کتاب هستند که در انتها، چند تمرین از متن داستان را نیز مرور خواهند کرد.

چاپ اول

127- The monkey's paw.

Diane W.W. Jacobs :

121- English for students of political science.

Hormoz Davarpanah نویراستار:

Saeedeh Lotfian : تهران: سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاهها (سمت) - ۲۴۴ ص. - جلد

دوم - وزیری (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال -

چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم

سیاسی

شابک: ۹۶۴-۲۵۹-۲۱۹-X

چاپ اول

122- Flour babies: level 2.

Derek Anne Fine نویراستار:

Strange : تهران: راه ظفر - ۳۲ ص. -

رقصی (شمیز) - ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

پنجه‌های آردی



'پنجه‌های آردی' عنوان داستانی است به زبان انگلیسی که مخاطبان آن زبان آموزان سطح ابتدایی هستند. کتاب مشتمل بر ۵۰۰ واژه کاربردی است و در انتهای آن چند تمرین جمع آمده است.

چاپ اول

123- The grass is singing: level 5.

Doris Lessing : تهران: راه

ظفر - ۶۴ ص. - رقصی (شمیز) - ۲۵۰۰

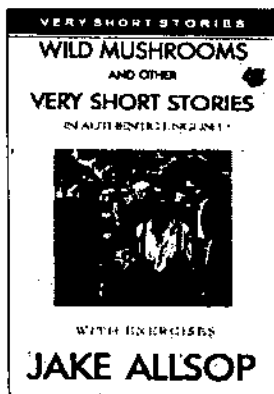
ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی: آواز علفها



این داستان که برای زبان آموزان بالاتر

۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



قارچ‌های وحشی و یازده داستان کوتاه دیگر در این مجموعه برای قرائت زبان آموزان سطح میانه به چاپ رسیده است. انتهای کتاب شامل تمرینات متعددی از متن داستان‌هاست.

کاربرد زبان آلمانی معیار

۳۳۸

۱۴۹- آلمانی در سفر = Deutsch auf der reise : مکالمات و اصطلاحات روزمره آلمانی یا ترجمه فارسی ... حسن اشرف‌الکتابی، بهرام‌امام، علی‌اصغر شجاعی - تهران: استناد، ۲۳۸ ص. - رقی (شمیز)، ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Deutsch auf der reise

شابک: ۹۶۳-۹۱۳۳۰-۶-۳

150- Themen neu: lehrwerk für deutsch als fremdsprache urbuch 1.

تهران: معرفت، زبان آموز - ۱۶۰ ص. - وزیر (شمیز)، ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰ نسخه.

کاربرد زبان فرانسوی معیار

۳۳۸

چاپ اول

151- Tempo A: cahier d'exercices.

Yves Canier, Evelyne Berard Christian Lavenne - تهران: فواد - ۶۰ ص. - جلد اول - رحلی (شمیز)، ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

152- Tempo A: methode de francais.

Yves, Evelyne Berard



پیشرفته هستند. انتهای کتاب متضمن چند تمرین از متن داستان است.

146- The tunnel: grade 6.

Tim Vicary - تهران: وداد - ۳۲

ص. - رقی (شمیز)، ۲۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

147- White fang: level 4.

Robin Jack London :

Derek Strange, Waterfield

تهران: راه فلز - ۶۴ ص. - رقی (شمیز)، ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

سید دندان



سید دندان خلاصه‌ای است از رمان "جک لندن" به زبان انگلیسی که در قالب ۱۶۵۰ واژه و اصطلاح کاربردی برای زبان آموزان سطوح میانی به چاپ رسیده است. کتاب با تصاویری از ماجراها و تمریناتی از متن داستان همراه است.

چاپ اول

148- Wild mushrooms & other very short stories.

Jake Allsop - تهران: قلمستان

هنر - ۱۱۲ ص. - رقی (شمیز)، ۳۰۰۰ نسخه.

Khosro, Safavi Hememi

Saremi - اصفهان: بصائر، ۱۴۰

ص. - پالتویی (شمیز)، ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

143- Tapescript for how do you do: cassette 3-4.

تهیه و تنظیم: Mohammad

Khosro, Safavi Hemami

Saremi - اصفهان: بصائر، ۱۴۰

ص. - پالتویی (شمیز)، ۹۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۷۳-۳۵-۶

چاپ اول

144- Titanic.

Tim Vicary - تهران: وداد - ۲۴

ص. - رقی (شمیز)، ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.



ماجرای غرق شدن کشتی تایتانیک در این کتاب با تصاویر رنگی برای زبان آموزان سطح متوسط بازگو شده و در انتها نیز چند تمرین از متن داستان، به انضمام بعضی پارامتری از واژگان، جمع آمده است.

چاپ اول

145- Tom jones.

Henry Fielding

Janet McAlpin

Andy Jocelyn Potter, Hopkins

تهران: قلمستان هنر - ۹۶ ص. - رقی (شمیز)، ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

داستان کلاسیک "تام جونز" به گونه خلاصه در قالب ۳۰۰۰ واژه کاربردی - به زبان انگلیسی - به طبع رسیده که مخاطبان اصلی آن زبان آموزان سطح

138- Street talk-2: slang used in popular american television shows.

چاپ اول

David Burke - تهران: محدث - ۲۷۲

ص. - وزیر (شمیز)، ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

139- A study of islamic texts in english translation.

Salar Manafi Anari

تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاهها (سمت)، ۲۱۴ ص. - وزیر (گالینگر)، ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۲۵-۲

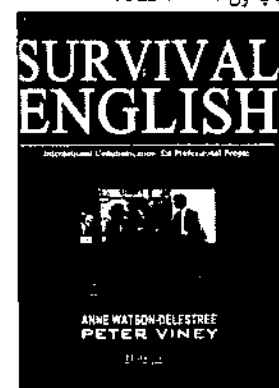
چاپ اول

140- Survival english: practice book.

Anne Watson-Deleestree

Peter Viney - تهران: رهنا، ۹۲

ص. - وزیر (شمیز)، ۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۱۰۰۰۰ نسخه.



کتاب حاضر، مجموعه تمرینات کتاب اصلی از Survival English است که براساس VC درس کتاب مورد نظر تدوین شده و در انتها پاسخ تمرینات ذکر گردیده است.

141- Susan and the flying saucer: grade 5.

Margaret Iggulden

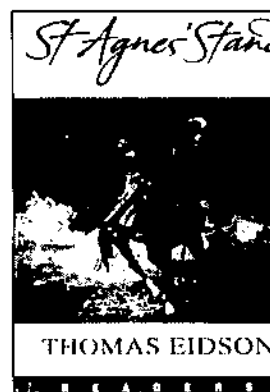
تهران: وداد - ۳۲

ص. - رقی (شمیز)، ۲۰۰۰ ریال - چاپ سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

چاپ اول

142- Tapescript for how do you do: cassette 1-2.

تهیه و تنظیم: mohammad



خلاصه‌ای از داستان آگنس مقدس در این کتاب به زبان انگلیسی و با چند طرح سیاه و سفید به چاپ رسیده است. مخاطبان کتاب زبان آموزان پایه ۳ (سطح آغازین متوسط) هستند. در کتاب حدود ۱۰۵۰ واژه کاربرد جمع آمده و در انتها نیز چند تمرین از متن داستان گنجانده شده است.

چاپ اول

136- Strangers on a train: level 4.

Derek Patricia Highsmith :

Strange - تهران: راه فلز - ۵۸

ص. - رقی (شمیز)، ۳۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به فارسی:

غریبه‌ها در قطار



داستان "غریبه‌ها در قطار" که برای قرائت زبان آموزان سطح متوسط به زبان انگلیسی فراهم آمده متضمن ۱۶۵۰ واژه کاربردی است که در انتهای آن نیز تمریناتی چند از متن داستان گنجانده شده است.

چاپ اول

137- Street talk-1: How to speak & understand american slang.

David Burke - تهران: هزار و

یکشنبه، ۲۸۸ ص. - رقی (شمیز)، ۱۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

Christian Lavenne, Canier

- تهران: فواد - ۱۱۴ ص. - جلد اول - ۱-
رحلی (شمیز) - ۱۰۵۰۰ ریال - چاپ
اول / ۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول

153- Tempo A: methode de francais.

Yves, Evelyne Berard
Christian Lavenne, Canier

- تهران: فواد - ۱۳۶ ص. - جلد دوم -
رحلی (شمیز) - ۲۵۰۰ ریال - چاپ اول
۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول

154- Tempo B: cahier d'exercices.

Yves, Evelyne Berard
Christian Lavenne, Canier

- تهران: فواد - ۱۲۸ ص. - جلد دوم -
رحلی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول
۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول

155- Tempo B: methode de francais.

Yves, Berard Evelyne
Christian Lavenne, Canier

- تهران: فواد - ۱۳۰ ص. - جلد اول -
رحلی (شمیز) - ۴۵۰۰ ریال - چاپ اول
۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول

156- Tempo B: methode de francais.

Yves, Evelyne Berard
Christian Lavenne, Canier

- تهران: فواد - ۲۷۲ ص. - جلد دوم -
رحلی (شمیز) - ۱۰۵۰۰ ریال - چاپ
اول / ۳۰۰۰ نسخه

کاربرد زبان ایتالیایی معیار

۱۵۷- ایتالیایی در سفر: مکالمات
و اصطلاحات روزمره ایتالیایی با
ترجمه فارسی و تلفظ واژه‌ها...

مترجم: علی عباسی، ماهرخ اسمعیلی -
تهران: استانتارد - ۲۲۴ ص. - رقی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ دوم /
۵۰۰۰ نسخه
عنوان به لاتین:

Italian in viaggio
شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۱۶-۷

زبانهای هند و اروپای شرقی

۱۵۸- گنجینه سئوالات (بیزبان
ارمنی).

زرز آبراهامیان - تهران: نائیری - ۲۸
ص. - رقی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال -
چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۳۷۹-۳۰-۸

زبان عربی

۱۵۹- آموزش گام به گام عربی
(۲) سال دوم نظام جدید.

مجید نوری - تهران: آزمون - ۱۸۸
ص. - وزیری (شمیز) - ۸۵۰۰ ریال -
چاپ بیست و دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۲۱۰-۰

۱۶۰- آموزش گام به گام عربی
(۴) سال سوم نظام جدید.

مجید نوری - تهران: آزمون - ۲۸۴
ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۵۰۰ ریال -
چاپ یازدهم / ۱۰۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۲۱۱-۶

۱۶۱- آموزش گام به گام عربی
سال اول راهنمایی.

مجید نوری - تهران: آزمون - ۱۳۸
ص. - وزیری (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال -
چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۲۱۰-۸

۱۶۲- آموزش گام به گام عربی
سال دوم راهنمایی.

مجید نوری - تهران: آزمون - ۱۳۴
ص. - وزیری (شمیز) - ۶۵۰۰ ریال -
چاپ ششم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۶۱-۲۹۰-۶

۱۶۳- پرسش‌های چهارگزینه‌ای
استاندارد زبان عربی ۳ (سال
سوم نظام جدید - با پاسخ
تشریحی) کلیه رشته‌ها.

عیسی متی‌زاده، علی چراغی - تهران:
استادی - ۲۰۸ ص. - رحلی (شمیز) -
۱۵۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۵۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۲۶-۱

چاپ اول

۱۶۴- پرسش‌های چهارگزینه‌ای
استاندارد زبان عربی ۲ (سال
دوم نظام جدید - با پاسخ
تشریحی) تجربی - ریاضی.

عیسی متی‌زاده، علی چراغی - تهران:

استادی - ۱۵۲ ص. - رحلی (شمیز) -
۱۲۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۷۲۲-۳۹-۳

چاپ اول

۱۶۵- راهنما و خودآموز گام به
گام عربی (۱) سال اول نظام
جدید.

احسان طبعیت شانس - تهران: نور
گیتی - ۲۳۲ ص. - وزیری (شمیز) -
۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۹۴-۹-۴

چاپ اول

۱۶۶- زبان‌شناسی عربی:
درآمدی تاریخی - تطبیقی در
پرتو فرهنگ و زبانهای سامی.

محمود فهمی حجازی، مترجم: حسین
سیدی - تهران: سازمان مطالعه و تدوین
کتاب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) -
۴۱۶ ص. - وزیری (شمیز) - ۹۰۰۰
ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۴۵۹-۳۲۵-۸



در کتاب حاضر، مبانی کلی پژوهش
تاریخی و تطبیقی در زبان‌شناسی عربی،
با این مختصات معرفی شده است: زبان
و حیات زبانی، زبان‌شناسی نوین،
علوم زبانی در میراث فرهنگی عرب،
کتاب‌های نحویان و زبان‌شناسان،
مکتب نحوی، مکتب زبانی، سبک
تطبیقی و تقسیم زبان‌ها، زبان‌های
سامی و زبان‌های افریقایی - آسیایی،
ویژگی‌های مشترک زبان‌های سامی،
پراکندگی جغرافیایی و تاریخی زبان‌های
سامی، عربی در میان زبان‌های سامی،
عربی در جزیره العرب، عربی در شرق
آسیا، عربی در قاره افریقا و گرایش
های تغییر در ساخت و قاموس.

۱۶۷- عربی (۳) ویژه دانش -
آموزان سال سوم دبیرستان
(نظری، فنی و حرفه‌ای) و
داوطلبان ورود به دانشگاه.

ابن‌الر عیاجی، قادر پریز - تهران:

رزمندگان اسلام - ۱۸۶ ص. - وزیری
(شمیز) - ۸۸۰۰ ریال - چاپ نهم /
۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۶۲۱۴-۴۸-۷

چاپ اول

۱۶۸- عربی ۳.
ویراستار: شهاب آقاجانی، ... [و دیگران].
- تهران: ایران سنچس - ۱۸۲ ص. -
رحلی (شمیز) - ۱۸۰۰۰ ریال - چاپ
اول / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۷۰۶۸-۲۱-۲

۱۶۹- عربی در سفر: مکالمات و
اصطلاحات روزمره عربی با
ترجمه فارسی.

حسن اشرف‌الکتابی، به‌اهتمام: مینا
اشرف‌الکتابی، ویراستار: مراد ریاحی -
تهران: استانتارد - ۲۲۲ ص. - رقی
(شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ نهم /
۵۰۰۰ نسخه
عنوان به عربی:
المریبه فی السفر
شابک: ۹۶۴-۶۲۵۵-۰۰۰-۰

چاپ اول

۱۷۰- عربی: ویژه کنکور
دانشگاهها.

حبیب‌الله درویش - تهران: آزمون نوین -
۲۳۴ ص. - رحلی (شمیز) - ۲۲۰۰۰
ریال - چاپ اول / ۵۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۶۳۷-۲۶-۶

۱۷۱- کتاب الامثله و کتاب صرف
میر.

علی‌بن محمد جرجانی - تهران: دانشکده
اصول دین - ۲۲۴ ص. - وزیری
(شمیز) - ۴۸۰۰ ریال - چاپ بیست و
دوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۰۰۰-۳

۱۷۲- کتاب التصريف.

عبدالله بن ابراهیم زنجانی - تهران:
دانشکده اصول دین - ۱۳۶ ص. -
وزیری (شمیز) - ۲۲۰۰ ریال - چاپ
چهارم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۰۰۱-۱

چاپ اول

۱۷۳- مجموعه طبقه‌بندی شده
آموزش عربی (۱ و ۲).
ناصر ساجد - تهران: کانون فرهنگی

آموزش - ۲۳۸ ص. - رحلی (شمیز) -
۲۰۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰
نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۳۶-۱۵۲-۲

۱۷۴- مجموعه طبقه‌بندی شده
عربی نظام جدید کنکورهای
سراسری و آزاد همراه با تستهای
سال ۷۹ با پاسخ تشریحی.
گردآورنده: سهیلا خاکباززاد - تهران:
کانون فرهنگی آموزش - ۲۸۴ ص. -
رحلی (شمیز) - ۲۲۵۰۰ ریال - چاپ
سی و پنجم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۳۶-۱۰۷-۷

۱۷۵- مجموعه طبقه‌بندی شده
عربی نظام قدیم و نظام جدید
کنکورهای سراسری و آزاد همراه
با تستهای سال ۷۶.
گردآورنده: درویشعلی ابراهیمی، سهیلا
خاکباززاد - تهران: کانون فرهنگی
آموزش - ۲۸۰ ص. - رحلی (شمیز) -
۲۲۵۰۰ ریال - چاپ سی و چهارم /
۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۳۳۶-۱۰۷-۷

۱۷۶- الهدایه فی النحو.

تهران: مجمع علمی اسلامی - ۲۹۶
ص. - وزیری (شمیز) - ۶۲۰۰ ریال -
چاپ بیست و سوم / ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۰۰۸-۹

نمایه عنوان

A basic course in reading english: for university students 112
Communicate what you mean: grammar for high-level esl students 113
The edge: level 6 114
English for computer science 115
English for students of chemical engineering 116
English for students of laboratory technology 117
English for students of persian literature 118
English for students of pharmacy 119
English for students of political science 120-121
English one to one 92
Essential grammar in use: a self-study reference and practice book for elementary students of ... 93
Flour babies: level 2 122
The grass is singing: level

123	Idioms and metaphorical expressions in translation
124	Linguistics and language 1
26	Longman dictionary of american english
125	Look ahead: classroom course: intermediate students' book
126	Misery
127	The monkey's paw
128-129	New headway english course: elementary student's book
130	New headway english course: elementary workbook with key
27	Oxford advanced learner's dictionary
28-29-30	Oxford advanced learner's dictionary of current english
31-32	Oxford learner's pocket dictionary
131	The railway children: level 2
132	The rainmaker
133	The remains of the day
134	The secret agent: level 3
135	St agnes' stand: level 3
136	Strangers on a train: level 4
137	Street talk-1: How to speak & understand american slang
138	Street talk-2: slang used in popular american television shows
139	A study of islamic texts in english translation
140	Survival english: practice book
141	Susan and the flying saucer: grade 5
142	Tapescript for how do you do: cassette 1-2
143	Tapescript for how do you do: cassette 3-4
151	Tempo A: cahier d'exercices
152-153	Tempo A: methode de francais
154	Tempo B: cahier d'exercices
155-156	Tempo B: methode de francais
150	Themen neu: lehrwerk fur deutsch als fremdsprache urbuch I
144	Titanic
145	Tom jones
146	The tunnel: grade 6
147	White fang: level 4
148	Wild mushrooms & other very short stories
149	المعاني در سفر = Deutsch auf der reise
149	المعاني با ترجمه فارسی ...
149	آموزش درس به درس زبان انگلیسی سال دوم نظام جدید

آموزش درس مطلب و لغت به شیوه گام به گام شامل: لطیفه‌ها و داستانهای خنده‌دار همراه با ...	۹۴
آموزش زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی:	۳۴
راهنمای درس به درس	۱۵۹
آموزش گام به گام عربی (۲) سال دوم	۱۶۰
نظام جدید	۱۶۰
آموزش گام به گام عربی (۴) سال سوم	۱۶۱
نظام جدید	۱۶۱
آموزش گام به گام عربی سال اول	۱۶۱
راهنمای	۱۶۱
آموزش گام به گام عربی سال دوم	۱۶۲
راهنمای	۱۶۲
آموزش گام به گام مفاهیم بنیادی و آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده زبان (۲)	۲۵
آموزش گام به گام مفاهیم بنیادی و آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده زبان انگلیسی (۱) شامل بیش از ...	۳۶
آواشناسی و دستور زبان کردی	۱۶
ایمپولوی واژگانی از گویش‌های غرب ایران	۲
اصطلاحات و تعبیرات در ترجمه	۹۵
انگلیسی پیش‌دانشگاهی (۱ و ۲)	۳۷
انگلیسی تجاری در سفر: مکالمات و گفتگوهای تجاری، اصول نام‌نگاری ...	۹۶
انگلیسی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی با ترجمه فارسی و تلفظ واژه‌ها با الفبای فارسی ...	۹۷
انگلیسی سال اول نظری، فنی و حرفه - ای، کارآشنایی	۲۸
ایتالیایی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره ایتالیایی با ترجمه فارسی و تلفظ واژه‌ها ...	۱۵۷
پرستش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد زبان عربی ۲ (سال دوم نظام جدید - با پاسخ تشریحی): 'تجربی - ریاضی'	۱۶۳
پرستش‌های چهارگزینه‌ای استاندارد زبان عربی ۳ (سال سوم نظام جدید - با پاسخ تشریحی): 'کلیه رشته‌ها'	۱۶۴
پرستش‌های چهارگزینه‌ای زبان پیش - دانشگاهی (۲)	۳۹
ترجمه زبان انگلیسی عمومی (دانشگاه پیام نور)	۹۸
ترجمه زبان تخصصی رشته حسابداری (۱) (دانشگاه پیام نور)	۹۹
ترکیب جملات انگلیسی	۲۰
تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی ویژه دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی (۲) براساس بارم جدید امتحانات ...	۳۱
جامع‌ترین تست‌های طبقه‌بندی شده زبان فارسی ۱۰ پیش‌دانشگاهی عمومی ...	۱۰۰
خودآموز زبان انگلیسی	۱۰۰
خودآموز و راهنمای گام به گام زبان انگلیسی (۲) دوره پیش‌دانشگاهی شامل: ترجمه ...	۳۳-۳۴
راهنما و خودآموز گام به گام زبان (۲) دوره پیش‌دانشگاهی	۴۴

راهنما و خودآموز گام به گام عربی (۱) سال اول نظام جدید	۱۶۵
راهنمای انگلیسی دوم راهنمایی: قابل استفاده برای دانش‌آموزان سال دوم دوره راهنمایی	۳۵
راهنمای جامع انگلیسی پزشکی	۱۰۱
راهنمای کامل انگلیسی برای دانشجویان رشته مهندسی عمران	۱۰۲
راهنمای کامل انگلیسی برای کتاب خواندن متون عمومی	۱۰۳
راهنمای کامل انگلیسی پیش - دانشگاهی: ترجمه لغات و اصطلاحات ...	۱۰۴
راهنمای کامل زبان تخصصی ۱ - ۲: مدیریت دولتی و بازرگانی	۱۰۵
راهنمای کامل و ترجمه متون زبان خارجی تخصصی (۲) (رشته ادبیات فارسی)	۱۰۶
زبان انگلیسی (۱) پیش‌دانشگاهی	۳۶
زبان فارسی (۱) 'سال اول نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی	۴
زبان فارسی (۱ و ۲) 'پیش‌دانشگاهی' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتب درسی	۵
زبان فارسی (۲) 'سال دوم نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی	۶
زبان فارسی (۵) 'سال سوم نظام جدید' کلیه رشته‌ها به جز رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به آخرین ...	۷
زبان‌شناسی عربی: درآمدی تاریخی - تطبیقی در پرتو فرهنگ و زبانهای سامی	۱۶۶
زمان در انگلیسی	۳۷
عربی (۲) ویژه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان (نظری، فنی و حرفه‌ای) و داوطلبان ورود به دانشگاه	۱۶۷
عربی ۳	۱۶۸
عربی در سفر: مکالمات و اصطلاحات روزمره عربی با ترجمه فارسی	۱۶۹
عربی: ویژه کنکور دانشگاهها	۱۷۰
فارسی (۱) 'سال اول نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی	۸
فارسی (۲) 'سال دوم نظام جدید' درس مشترک کلیه رشته‌ها با توجه به آخرین تغییرات کتابهای درسی	۹
فارسی (۵) 'سال سوم نظام جدید' کلیه رشته‌ها به جز رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به آخرین ...	۱۱-۱۰
فارسی (۶) 'سال سوم نظام جدید' رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به آخرین تغییرات کتب درسی	۱۲
فرهنگ انگلیسی به فارسی و عربی	۱۷
فرهنگ انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی	۱۸
فرهنگ جیبی: انگلیسی - فارسی	۱۹

فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی، و اصطلاحات علمی و ادبی	۱۳
فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی یکجلدی	۲۰
فرهنگ لغت دانش‌آموز: انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی: راهنمای - دبیرستان - پیش‌دانشگاهی	۲۱
فرهنگ معاصر پیش‌دانشگاهی انگلیسی - فارسی	۲۲
فرهنگ نوین انگلیسی - فارسی (درس به درس) پیش‌دانشگاهی (۲)	۲۳
فرهنگ همراه پیشرو: آریان‌پور: انگلیسی - فارسی	۲۴
کامل فرهنگ فارسی (یا فرهنگ دری برای ملل ایرانی: تاجیک، افغان، خوارزم، فارسی زبانان از بنگال و ...)	۱۵
کتاب الاغله و کتاب صرف میر	۱۷۱
کتاب التصریف	۱۷۲
گرامر جامع زبان انگلیسی دانش‌آموز (۷) کتاب در یک کتاب	۴۸
گنج‌آزمون انگلیسی مخصوص دوم راهنمایی: جدیدترین تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی	۳۹
گنج‌آزمون انگلیسی مخصوص دوم راهنمایی: جدیدترین تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی شامل: صدها ...	۵۱
گنج‌آزمون انگلیسی مخصوص دوم راهنمایی: جدیدترین تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی، شامل - ۵۲-۵۱-۵۰	۵۳-۵۲-۵۰
گنج‌آزمون انگلیسی مخصوص سوم راهنمایی: جدیدترین تمرینات و نمونه سوالات انگلیسی شامل: صدها ...	۷۰-۶۹
گنج‌آزمون انگلیسی شامل: صدها ...	۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱
گنجینه سوالات (زبان ارمنی)	۱۵۸
گنجینه سوالات طبقه‌بندی شده نوین زبان انگلیسی: کلاس دوم راهنمایی	۹۱
مجموعه آزمون‌های چهارگزینه‌ای زبان انگلیسی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی با پاسخ تشریحی	۱۰۷
مجموعه آزمونهای کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی سراسری - آزاد	۷۹ - ۷۷
مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده و استاندارد زبان (۲) پیش‌دانشگاهی 'با پاسخ تشریحی'	۱۰۹
مجموعه طبقه‌بندی شده آموزش عربی (۱ و ۲)	۱۷۳
مجموعه طبقه‌بندی شده عربی نظام جدید کنکورهای سراسری و آزاد همراه با تست‌های سال ۷۹ با پاسخ تشریحی	۱۷۴
مجموعه طبقه‌بندی شده عربی نظام قدیم و نظام جدید کنکورهای سراسری	۱۳۱

و آزاد همراه با تست‌های سال ۷۶ ...	۱۷۵
مجموعه لغات انگلیسی سال سوم دبیرستان S.E.S.	۱۱۰
مکالمات روزمره انگلیسی	۱۱۱
واژه‌نامه زبان انگلیسی: کتاب‌های دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی	۱۳۸ - ۲۵
الهدایه فی النحو	۱۷۶

نمایه پدیدآور

Afghari, Akbar	118
Allsop, Jake	148
Ashby, Michael	27-28-29-30
Berard, Evelyne	151-152-153-154-156
Brown, P.Charles	115
Burke, David	137-138
Canier, Yves	153
Canier, Yves	151-152-154-155-156
Conrad, Joseph	134
Crowther, Jonathan	28-29-30
Dargahi, Hosein	117
Davarpanah, Hormoz	120-121
Eidson, Thomas	135
Escott, John	135
Evelyne, Berard	155
Farrokhphey, Mahmood	1
Fearn, Susan	92
Fielding, Henry	145
Fine, Anne	122
Francis, Dick	114
Ghafghazi, Mohammad	119
Ghiasi, Nosratollah	116
Grisham, John	132
Highsmith, Patricia	136
Hiplop, Ann	92
Holmes, Karen	131
Hopkins, Andy	125-126
Hornby, A.S.	132-145
Hornby, Albert Sydney	30
Iggulden, Margaret	141
Ishiguro, Kazuo	133
Jacobs, W.W.	127
Jafarpur, A.	112
Kavanagh, Kathryn	30
Kavanagh, Kqthryn	28-29
Kayhani, Ali Reza	119
King, Stephen	126
Lavenne, Christian	151
Leaney, Cindy	132
Lessing, Doris	123
London, Jack	147
Lotfian, Saeedeh	120-121
Manafi Anari, Salar	139
McAlpin, Janet	145
Mehrabani, Fereshteh	119
Mirjalili, Kazem	116
Mowat, Diane	127
Mullen, Norma.D.	115
Murphy, Raymond	93
Nesbit, Edith	131

۱۲۰-۱۲۵-۲۶	رهنا: تهران	۳۳-۳۲	آبرنگ: تهران	۴۴	صفی، عباس	۳۶	الیکایی، دلوود	O'sullivan, Desmond 92
۳۰-۱۵۰۰	زبان آموز: تهران	۱۶۲-۱۶۱-۱۶۰-۱۵۹	آزمون: تهران	۱۹	صلح جو، سیاوش	۳۹	اناری، شهاب	Pollock, Carroll 113
۱۵	زوار: تهران	۱۷۰-۳۱	آزمون نوین: تهران	۳۸	صلواتیان، فروزان	۳۹	اناری، شهرام	Potter, Hocelyn 132
۱۱۰	سازگل: تهران	۲۵	آیندگان: تهران	۱۰۱	ضیاعسینی، محمد	۳۷	انصاری، مسعود	Potter, Jocelyn 125-126-145
	سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت): تهران	۱۸	ابو عطا: تهران	۳	طالبی، فتح الله	۱۵	انصافیور، غلامرضا	Roshani, Mahshid 116
۱۲۳-۱۲۱-۱۲۰-۱۱۹-۱۱۸-۱۱۶۱۱۷-۱		۴۰	ارديهشت: تهران	۱۶۵	طبیعت شناس، احسان	۲۲	باطنی، محمدرضا	Sabouri Kashani, Ahmad 117
۱۶۶-۱۳۹-		۱۶۳-۱۶۳	استادی: تهران	۱۶۷	عباسی، ابازر	۱۰۹	بخشی چهرمی، کرامت	Sadighi, F. 112
			استاندارد: تهران	۱۵۷	عباسی، علی	۱۶۷	پریز، قادر	Safavi Hemami, Mohammad 143
۲۷	شعاع: تهران	۱۶۹-۱۵۷-۱۳۹-۹۷-۹۶		۱۱۰	علی میرزایی، سعید	۱۰۳	پورگیو، فریده	Safavi Hememi, mohammad 142
۳۶-۳۵	علوی: تهران	۹۳	استبری: تهران	۲	علیرضایی، کرم	۴۵	تاجیک، فریا	Saremi, Khosro 142-143
۱۳۰-۱۲۹	غزل سرا: تهران	۱۱۱	اقبال: تهران	۲۵	علیرزادعین، رضا	۱۰۵	تهرانی، شمربخش	Soars, John 128-129-130
۳۸	فاطمی: تهران	۳۷-۲۰-۱۳-۱۳	امیر کبیر: تهران	۱۳-۱۳	عمید، حسن	۱۷۱	جرجانی، علی بن محمد	Soars, Liz 128-129-130
۳۱	فروزش: تهران	۳۹	اندیشه سازان: تهران	۲۵	غفاریان، بهروز	۱۰۶	جعفری گهر، منوچهر	Strange, Derek 114-122
۱۱۳	فرهنگ زبان: تهران	۱۶۸	ایران سنجش: تهران	۳۱	غلامیور، سهراب	۱۶۴-۱۶۳	جراحی، علی	Tahririan, Mohammad Hassan 112
۲۲	فرهنگ معاصر: تهران	۱۳۳-۱۳۲-۹۵	بصائر: تهران	۱۰۹	فضلعلی، فاطمه	۱۸	حاجی خانی، بهمن	Tajalli, Ghaffar 124
۲۳	فرهنگ نوین: تهران	۹۴-۳۸-۲۱	بیک پیشرو: تهران	۱۶۶	فهمی حجازی، محمود	۹۹-۹۸	حجازی، محمدجواد	Talebinezhad, Mohammad Reza 119
	فواد: تهران	۴۵	تاجیک: تهران	۹۴-۳۸-۳۲-۳۲-۲۱	قنبری، عبدالله	۱۷۵-۱۷۴	خاکباز نژاد، سهیلا	Vicary, Tim 144-146
۱۵۶-۱۵۵-۱۵۴-۱۵۳-۱۵۲-۱۵۱		۹۱	تیلور دانش: تهران	۳۰	کرون، رابرت	۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲	خزائی، حمید	Viney, Peter 140
	قلمستان هنر: تهران	۱۶	توفند: تهران	۱۰۳	کلان فرمانفرما، حسن	۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸	خزائی، حمید	Waterfield, Rabin 114-134
۱۴۸-۱۴۵-۱۳۳-۱۳۲-۱۲۶		۱۰۰-۹۲	توس: تهران	۲۳	کلانتری، بهروز	۷۵-۷۴-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷	خلیلی، کریم	Waterfield, Robin 126-147
۱۰۸	کاشفان: تهران	۳	جانان: تهران	۹۱	گودرزی، سمین دخت	۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶	درویش، حبیب الله	Watson-Delestree, Anne 140
	کانون فرهنگی آموزش: تهران	۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹	جماران: تهران	۱۶۳-۱۶۳	متقی زاده، عیسی	۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶	دیناری، رضا	Wehmeier, Sally 27
۱۷۵-۱۷۳-۱۷۳		۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵		۹۹	مجتهدزاده، ویدا	۳۶	خلیلی، کریم	
۱۹	کلمه: تهران	۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴		۱۰۳	محمدی سادخو، لیلا	۱۷۰	درویش، حبیب الله	
۲	گفتمان: تهران	۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳		۱۰۰	مکالین، آلن	۱۰۱	دیناری، رضا	
۱۰۹	گل وازد: تهران	۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲		۱۰۳	موتق، جمال	۱۰۲	ربیمی، فاطمه	
۳۷	مبتکران: تهران	۲۹	جهان دانش: تهران	۴۵	موسس فرد، الهه	۱۶	رخزادی، علی	
۱۷۶	مجمع علمی اسلامی: تهران	۲۳	جهان رایانه: تهران	۱۰۵	موسوی، عباس	۱۶۹	ریاحی، مراد	
۱۳۸	محدث: تهران	۱۰۳	جهان نو: تهران	۱۱۱	مونی، س.	۱۷	ریچاردسون، جان	
	مرکز نشر علوم دانشگاهی و معارف اسلامی فاضل: تهران	۱۰۵-۹۹-۹۸	حقوق اسلامی: قم	۳۶-۳۵	میرحسینی، اکبر	۱۷۲	زنجانی، عبدالوهاب بن ابراهیم	
۱۰۱	معرفت: تهران	۱۱۲	دانش پرور: تهران	۱۰۰	نوابپور، رضا	۱۷۳	ساجد، ناصر	
۱۵۰-۳۰	معرفت: تهران	۱۰۶-۱۰۳-۱۰۲	دانشجو: همدان	۱۶۲-۱۶۱-۱۶۰-۱۵۹	نوری، مجید	۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴	سپهری، مهدی	
۹۴-۳۸-۳۳-۳۲-۲۱	منتشران: تهران	۱۷۲-۱۷۱	دانشکده اصول دین: تهران	۱۰۶	نیلی پور، رضا	۱۲-۱۱		
۲۸	مهر: تهران	۱۱۵	دیناگران تهران: تهران	۳۶	هاخوردیان، آریس	۱۰۷	ستار، کیومرث	
۱۵۸	ناتبری: تهران	۳۶	راه اندیشه: تهران	۳۵	هاخوردیان، آریس	۱۰۲	سوری، بتول	
۱۶۵-۴۴	نور گیتی: تهران		راه رشد: تهران	۱۰۲	هاشمی، مسعود	۱۶۶	سیدی، حسین	
۱۳۶-۱۳۳-۱۳۱-۱۲۸	وداد: تهران	۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴		۱۰۶	هاشمی نژاد، ابوالحسن	۴۰	شاهسونی، داریوش	
۱۳۷-۳۲	هزار و یکشب: تهران	۱۲۷-۱۲۳-۱۲۲-۱۱۴	راه ظفر: تهران	۹۱	یزدان پناه، محمد	۱۴۹	شجاعی، علی اصغر	
۱۰۷	یکتا: اصفهان	۱۳۷-۱۳۶-۱۳۵-۱۳۴-۱۳۱		۱۰۸	یوسفی، نورالدین	۳۳	شاور، امیر	
			رزمندگان اسلام: تهران			۹۶	شیانی اصل، صابر	
			روزنه: تهران			۹۵	صفه همار، محمد	

فهرست کتابهای منتشر شده در بهمن ماه ۱۳۷۹

بررسیهای تاریخی فلسفه

۱- بزرگان فلسفه

هنری توماس: مترجم: فریدون بدره‌ای. - تهران: ... - ۳۷۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۳-۳۳۵-۲۶۳-X

۲- سیر حکمت در اروپا: به ضمیمه گفتار در روش نوشته رنه دکارت

محمدعلی فروغی: مصحح: امیرجلال‌الدین اعلم. - تهران: البرز. - ۷۴۶ ص. - وزیری (کالیگور). - ۳۶۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: A history of western philosophy

شابک: ۹۶۳-۳۳۲-۱۷۱-X

مابعدالطبیعه

چاپ اول

۳- تاریخ مابعدالطبیعه (به اتمام مقالات دیگر)

ویراستار: پل ادواردز: مترجم: شهرام بازوکی. - تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. - ۱۲۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۸۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: History of metaphysics and some other essays

شابک: ۹۶۳-۳۲۶-۱۳۵-۶



تاریخ مابعدالطبیعه عنوان مقاله‌ای است از پل ادواردز (۱۹۳۳) که در دایره المعارف فلسفی کشور انگلستان به چاپ رسیده است. در این کتاب علاوه بر مقاله مذکور، مقاله‌های وجودشناسی، ایده‌ها (مثل، دیدارها، صور، اعیان ثابت، صور

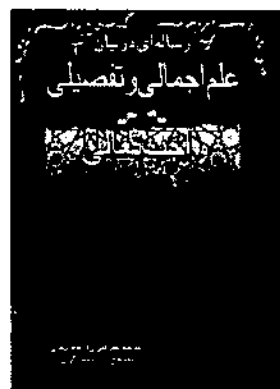
ذهنی، دیالکتیک (سیر عقلی، جدل)، و پذیرش‌شناسی نیز از همین نگارنده، گردآمده است. کلمه مابعدالطبیعه مأخوذ از عبارت یونانی Meta Ta Physika است که معنای تحت‌الفظی آن پس از موجودات طبیعت فیلسوفان عهد قدیم و قرون وسطی، بعدها از این عنوان، این معنی را مراد کردند که موضوعات مورد بحث در کتاب مابعدالطبیعه (پس از طبیعت) است، زیرا برای ادراک حسی ما هستند؛ از این رو فهم آنها مشکل‌تر است. نگارنده در این گفتار، معتقد است که مقوله مابعدالطبیعه یا پارمنیدس (۴۷۵ ق م) آغاز شده است. وی در تاریخ مابعدالطبیعه، ضمن مروری بر دیدگاه‌های پارمنیدس، نظرات فیلسوفانی چون: ارسطو، سقراط، افلاطون، افلوپتین، اکویناس، اسکوتس، اگسی، دکارت، کانت، اسپینوزا، لایبنیس، جان لاک، بارکلی و هیوم را آورده است.

معرفت‌شناسی (نظریه شناخت)

چاپ اول

۴- رساله‌ای در بیان علم اجمالی و تفصیلی واجب تعالی

علی‌قلی بن فرج‌ای خان: مصحح: محمد اکوان. - تهران: نورالقلین. - ۱۴۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۶۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۳-۹۲۵۱۸-۶-۳



رساله حاضر، یکی از مجموعه رسائل 'علی‌قلی بن فرج‌ای خان' (۱۰۲۰ ق -) در باب علم اجمالی و تفصیلی واجب تعالی است. نگارنده در این کتاب به تفصیل مسئله خلوند را با عنایت به آیات قرآن کریم، احادیث و روایات بحث و بررسی می‌کند. این رساله در قرن یازدهم هجری نوشته شده و تصحیح آن بر اساس نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران صورت گرفته است. عناوین برخی مباحث کتاب عبارت‌اند از:

'حقیقت علم و اقسام آن'، 'مفهوم علم'، 'علم خاص به ماهو خاص'، 'استدلال به اینکه علم حقیقی، عرض حقیقی است'، 'زائد بر ذات عالم'، 'علم حصولی تخیلی و تعقلی و نور عرض شیخی است'، 'علم حصولی بالفعل'، 'ذیل هر یک از فصل‌های کتاب، مولف پاسخ شبهات وارده بر موضوع را آورده است.

پیرا روانشناسی و علوم غریبه

چاپ اول

۵- اسرار ذهنی

موسسه تایم لایف بوکس: مترجم: رخشنده عظیم: ویراستار: امیر طاهری. - تهران: نسل نو اندیش. - ۲۲۴ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Psychic power

شابک: ۹۶۳-۶۷۱۳-۸۵-۲



در این کتاب برخی اسرار ذهنی نظیر نهان‌بینی (توانایی دیدن اشیا و وقایع فراتر از دید فیزیکی)، تله‌پاتی (توانایی احساس کردن وقایعی که در آینده پیش خواهد آمد)، و بازگشت به گذشته (توانایی دیدن وقایعی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند) توضیح داده شده است. نگارنده با مروری بر برخی اتفاقات وقایع مختلف، ادعان می‌دارد که: 'شمن‌ها' (Shamans) با خنایشان ارتباط برقرار می‌کردند، به قدیس‌ها الهاماتی می‌شود، کاهنان، مرگ پادشاهان را پیش‌گویی می‌کردند و گاهی مردم عادی وقایعی را احساس کرده‌اند که غیر قابل توصیف می‌نماید. برخی مباحث کتاب بدین قرار است: 'علم و ارواح'، 'سفر دریایی'، 'تاینان'، 'آزمایش تله‌پاتی'، 'آموچ نامرئی'، 'ارتباط کوانتومی'، 'تیروهای اسرارآمیز شمن‌ها'، 'دنیای ذهن'، 'مردی با چشم‌هایی مجهز به اشعه ایکس'، 'تسخیرکنندگان فکر' و 'واسطه‌های مبارزه با مجرمان'.

۶- در آغوش نور ...

بتی چین ایدی: مترجم: فریده مهلوی- دلمانی. - اهواز: تیر. - ۱۶۰ ص. - رقمی (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ سیزدهم / ۲۱۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Embraced by the light

شابک: ۹۶۳-۹۰۷۷۳-۰۰-۸

چاپ اول

۷- طالع‌بینی چینی

پائولا دلسول: مترجم: آزاده زیاری. - تهران: افسون. - ۲۲۲ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Complete chinese horoscopes

شابک: ۹۶۳-۹۲۹۴۷-۰۰-۸

چاپ اول

۸- طالع‌بینی ژاپنی

رئنا یاماموتو: مترجم: پانته‌ا یحیوائی: ویراستار: وحید ذوبی. - تهران: جاجرمی. - ۳۷۲ ص. - رقمی (شمیز). - ۳۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۳-۶۷۶۶-۳۵-۸



کتاب شامل مطالبی است درباره متولدین ماه‌های دوازده‌گانه سال که با شرحی از خصوصیات شخصیتی، اخلاقی، جسمی و روانی زنان و مردان تدوین شده است.

چاپ اول

۹- طراحی نظم به شیوه فنگ-شویی

کارن کینگستون: مترجم: گیتی خوشدل. - تهران: پیکان. - ۱۷۸ ص. - رقمی (شمیز). - ۱۰۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Clear your clutter with feng shui

شابک: ۹۶۳-۹۲۹۴۷-۰۰-۸



در این کتاب، رهنمودهایی برای نظم بخشیدن به زندگی براساس شیوه 'فنگ شویی' فراهم آمده است. مهم‌ترین اصل فنگ شویی در نظم بخشیدن به زندگی 'رهایی از انباشتگی و درهم ریختگی' است. مخاطبان کتاب را با موضوعاتی از این قبیل مطالعه می‌کنند: تاثیر انباشتگی بر وجود آدمی، 'دلایل حفظ انباشتگی، انباشتگی و نمادشناسی فنگ شویی، 'فسیوه پالایش انباشتگی، 'پالایش تن، 'رهایی از آشفتگی، 'رهایی از انباشتگی عاطفی' و 'رهایی از آشفتگی معنوی'.

چاپ اول

۱۰- عالم ارواح و اثبات آن از طریق علم فیزیک. عطاءالله بیان‌الحق - تهران: سی‌گل - ۲۴۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۴۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۳۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۵۲۵-۸-X



در این کتاب با استفاده از کشفیات علم فیزیک، به ویژه نظریه ضد ماده در فیزیک، عالم ارواح و چگونگی اوضاع و احوال آن تبیین می‌شود. 'عذاب‌های ارواح در عالم روحی، 'نمونه جالبی از تاثیر مستقیم عقل بر ماده در عالم ارواح، 'هنگام رهایی روح از بدن جسمانی، 'ماهیت زمان و ضبط وقایع گذشته در عالم ارواح، 'مدیوم نیطه و

اقسام آن، 'قانون ارتباط با ارواح و اسرار هیپنوتیزم، سحر و جادو و... از مباحث این کتاب به شمار می‌روند.

۱۱- عالم عجیب ارواح.

حسن ابطحی - قم: حائق - ۲۶۰ ص. - وزیری (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ پانزدهم / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۷۰-۰۷-۵

۱۲- فال حافظ با معنی.

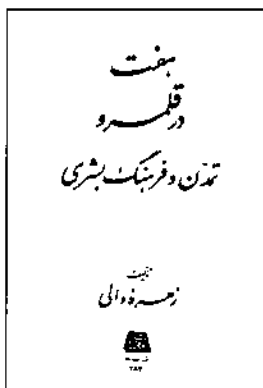
شمس‌الدین محمد حافظ: به اهتمام: کاظم لاهیجی - تهران: سماء - ۲۱۶ ص. - جیبی (سلفون) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ هشتم / ۱۰۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۸۵۱-۰۳-۷

۱۳- کف‌بینی کنید: اسرار خطوط و اشکال کف دست از دید مشهورترین کف‌شناسان و...

محمدحسن نمی - تهران: نسل نوآندیش - ۱۱۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ چهارم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۱۴-۱۷-X

چاپ اول

۱۴- هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری. زهره والی - تهران: اساطیر - ۶۲۰ ص. - وزیری (گالینگور) - ۲۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۱-۰۰۹-۴



کتاب، مجموعه‌ای است از مثل‌ها، اشعار، روایات، حکایات، قصه‌ها و اسطوره‌هایی درباره عدد هفت که موضوعاتی از این دست را شامل می‌شود: هفت خلعت جاهلان، هفت پایه آسمان، هفت برادر، هفت رمز فروهر، هفت قانون جهان هستی، هفت نیک، عجایب هفت گانه، هفت روز هفته، کتیبه هفت کار نیک، هفت صنف بزرگ فلورانس، هفت ماهگی و خدایان هفت گانه.

روایاها و رازواره‌ها

۱۳۵

۱۵- تعبیر خواب این سیرین، امام‌جعفر صادق (ع) - دانیال پیغمبر... بانضمام محرم‌نامه، نوروزنامه، در بیان...

حبیب‌بن‌ابراهیم تقی‌سپه‌اهتمام: پرویز بابایی، ندا یابوری - تهران: نمونه - ۵۷۲ ص. - وزیری (سلفون) - ۲۰۰۰۰ ریال - چاپ پنجم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۵۳۰-۱۰-۰۰

چاپ اول

۱۶- تعبیر خواب کامل، حبیب‌بن‌ابراهیم تقی‌سپه - تهران: فروغ - ۲۵۶ ص. - جیبی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۴۷-۰۹-X

چاپ اول

۱۷- فرهنگ تعبیر خواب مصری. مراتو سوبوزیا: مترجم: رضا رامز، فریبرز تک‌سایه - تهران: اژدهای طلایی - ۳۵۲ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - (دوره) ۲۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۷۰-۰۵-۷



مجموعه دو جلدی 'فرهنگ تعبیر خواب مصری' شامل مجموعه مباحثی در خصوص خواب و رویاست. نگارنده در ابتدای کتاب با به دست دادن نوعی طبقه‌بندی از خواب‌ها - تجربیات فردی، خواب‌های فیزیکی و خواب‌های روحی - ویژگی‌های هر یک را به اختصار شرح می‌دهد. در ادامه نیز موضوعاتی را ذکر نموده، ذیل آن تعبیر خواب مربوط به آن را باز می‌گوید.

چاپ اول

۱۸- فرهنگ تعبیر خواب مصری. مراتو سوبوزیا: مترجم: رضا رامز، فریبرز

تک‌سایه - تهران: اژدهای طلایی - ۳۵۲ ص. - جلد دوم - وزیری (شمیز) - (دوره) ۲۳۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۷۰-۰۵-۵

۱۹- متن کامل تعبیر خواب محمدابن سیرین و دانیال پیغمبر (ص).

حبیب‌بن‌ابراهیم تقی‌سپه - تهران: درنا - ۴۰۰ ص. - وزیری (سلفون) - ۱۴۰۰۰ ریال - چاپ هفتم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۱۰۵-۴۰-۸

قیافه‌شناسی

۱۳۸

۲۰- چهره‌خوانی: کلیدی برای تشخیص هویت افراد.

چس آن کوی: مترجم: شراره شیروزی - تهران: نسیم دانش - ۲۰۸ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۲۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Face reading ۹۶۴-۹۱۵۲۴-۷-۴ شابک:

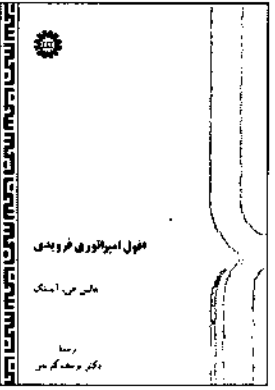
روانشناسی

۱۵۰

چاپ اول

۲۱- افول امپراتوری فرویدی. هانس یورگن ایزنک: مترجم: یوسف کریمی‌نویراستار: سعیده گمائی فرد - تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) - ۲۶۲ ص. - وزیری (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Decline and fall of the freudian empire ۹۶۴-۳۵۹-۴۶-۰۶ شابک:



مباحث اصلی کتاب درباره 'زیگموند

فروید' است که افزون بر آن گستره وسیعی از موضوع‌ها در درون حوزه کلی روان‌کاوی مطرح می‌شود: از جمله: تحلیل رویا، آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره، آثار روان درمانی مبتنی بر روان‌کاوی، روان‌شناسی تاریخی، و مردم‌شناسی فرویدی. عناوین فصل‌های کتاب به این شرح است: 'فروید چهره اصلی، 'روان‌کاوی به عنوان یک روش درمان، 'درمان روان‌کاوانه و شقوق مختلف آن، 'فروید و رشد کودک، 'تعبیر رویا و آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره، 'مطالعه آزمایشی مفاهیم فرویدی، 'یادآور کوبی روانی و تاریخچه دروغ‌نویسی و 'آزمایش در صلح: یک ارزیابی، یادآور می‌شود این کتاب منبعی است برای دانشجویان رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی که در زمینه تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی و شخصیت (نظریه‌ها و مفاهیم) تدوین شده است.

چاپ اول

۲۲- روان‌شناسی عمومی. علیرضا بخشایش - یزد: انتشارات یزد - ۴۲۲ ص. - جلد اول - وزیری (شمیز) - ۲۶۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

General psychology ۹۶۴-۶۵۳۱-۵۸-۵ شابک:



در کتاب حاضر، اصول و مبانی روان‌شناسی طی دوازده فصل ویژه دانشجویان روان‌شناسی بررسی و تبیین می‌گردد. کتاب مصور بوده و در پایان آن واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی) و فهرست منابع به چاپ رسیده است. عناوین فصل‌ها از این قرار است: 'تاریخچه، روش‌های پژوهش و شاخه‌های روان‌شناسی، 'بنیادهای عصبی، فیزیولوژیک و هورمونی رفتار، 'رشد روانی، 'هوش و خلاقیت، 'آساس، 'آدرک، 'زبان و تفکر، 'انگیزش، 'هیجان، 'یادگیری، 'حافظه، 'فراموشی، 'شخصیت و 'بیماری‌های

روانی

۲۳- روان شناسی عمومی (از نظریه تا کاربرد)

کارل هافمن، جودیت ورنوی، مارک ورنوی، مترجم: هادی بخیرایی، ... (و دیگران) کویرستان: سیامک نقشبندی، قاسم شمس. - تهران: ارسباران. - ۴۵۶ ص. - جلد اول. - وزیری (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۱۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Psychology in action

شابک: ۹۶۴-۹۰۵۱-۹-۰

۲۴- روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی.

علی دلاور. - تهران: ویرایش. - ۲۶۴ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۵۵۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Educational and psychological research
شابک: ۹۶۴-۶۱۸۴-۰۲-۲

چاپ اول

۲۵- یونگ و سیاست: اندیشه های سیاسی و اجتماعی کارل گوستاو یونگ.

والتر اودانیک، مترجم: علیرضا طیب، مقدمه: ماری لوئیس، فون فرانتس. - تهران: نشر نی. - ۲۱۶ ص. - رقی (شمیز). - ۱۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۱۲-۵۴۷-۵



کتاب حاضر ضروری است بر اندیشه های سیاسی کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م) روان شناس نامدار سوئسی در قبال پرسش های انسان شناختی، جامعه شناسی و سیاسی. یادآور می شود یونگ هرگز رساله ای ننوشت که به طور اصولی و منظم نتایج سیاسی نظریه های روان شناسی خویش را در آن بیان کند. در نتیجه، این کتاب براساس اندیشه های یونگ در آثار او که حاوی پیامدهای

سیاسی یا اجتماعی بود، گردآوری شده است. بدین ترتیب، نگارنده بر آن است از نگاه یونگ سیاست معاصر و تأثیرات گوناگون آن بر روان انسان ها را بررسی کند. از دیدگاه یونگ: فرد بیش از نظام اهمیت دارد، زیرا هیچ کس نمی تواند پیش از ایجاد رابطه با خویش درونی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند. وی بر این باور بود که هر ناهماری و ستیزه سیاسی تا حد زیادی برون ریزی ستیزه های درونی ای است که هر فرد انسان باید در درون خویش آنها را حل و فصل کند و بدین ترتیب فشار گسیختگی شخصیت خویش در اثر روان نژندی را از جامعه دور سازد. ذل مشغولی یونگ، حقوق بشر، مصونیت حقوق اساسی انسان و آزادی فرد بود. هر چند وی طبعاً هیچ گونه دیکتاتوری و جباریت را بر بنی تافت ولی اعتقاد چندانی به تغییر اجباری نظام اجتماعی پیش از دگرگونی فرد فرد انسان ها نداشت. یونگ با هر گونه عدم مدارا یا دعوی دست یابی به حقیقت یگانه به شدت مخالف بود. وی کوشید تا نشان دهد که یک دل زیستن یا حقیقت درونی خویش و مدارا با حقیقت دیگران نه تنها با هم سازگار بلکه اساساً دو روی یک سکه است. خاستگاه فرهنگ و سیاست، فرد و دولت، سیاست و ناخودآگاه، فرجام سیاست، آینده بشر، و فروید و یونگ از جمله عناوین این کتاب هستند.

ادراک حسی، حرکت، هیجانات و سائقه ها

چاپ اول

۲۶- عشق و زناشویی. مترجم: فرزانه موسوی کیاپیان. - تهران: واژه آرا. - ۱۰۸ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Love marriage and sea: it's ... شابک: ۹۶۴-۶۴۹۸-۰۲-۷



مطالبی درباره روش های همسرداری، عشق به خانواده و راه های انسجام نظام خانوادگی - یا تکیه بر جنبه های مذهبی - موضوع اصلی کتاب است. نگارنده در بخشی از کتاب یادآور می شود: از طریق محبت می توانید عشق به تعلق داشتن را به زوج خود تقدیم کنید. ماندنی که همسران تصور کند شما یا او احساس رضایت مندی نمی کنید، هیچ گاه نمی تواند احساس وابستگی و تعلق داشتن را حس کند. به این ترتیب، شما پناهگاه عاطفی زوج خود نخواهید شد. همانطور که خانواده در انجیل می فرماید: با هم یکی شوید.

هوش، عقل و قوای ذهنی

۲۷- اسرار تمرکز فکر: خودآموز کامل تمرکز فکر.

علی اکبر محمدزاده. - تهران: درمانگر. - ۲۱۲ ص. - وزیری (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ چهارم / ۷۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۷۴-۰۳-۶

۲۸- تقویت هوش و استعداد تحصیلی کودکان.

مسرور نعمت اللهی. - تهران: اسرار دانش. - ۳۳۶ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ هشتم / ۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۱۹-۳۴-۱

۲۹- ذهن و کنترل آن (چکیده تعلیمات قوزاتگان هند).

سوامی بوداناندا، مترجم: کورش طارمی، ویرایشگر: اشرف رحمانی. - تهران: راشین. - ۱۲۴ ص. - رقی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۲۳۵-۰۰۰-۰

چاپ اول

۳۰- راهنمای عملی سنجش هوش.

آلفرد مازرت، مترجم: علی رضا یزدان پناه. - تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران. - ۲۰۶ ص. - رقی (شمیز). - ۶۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین: Test your own
شابک: ۹۶۴-۴۵۱-۰۲-۵



این کتاب به منظور آشنایی خوانندگان با مفهوم هوش و روش سنجش آن تألیف شده است. کتاب ابتدا با آزمون هایی شروع می شود: سپس پاسخ تشریحی هر یک درج می گردد. عناوین بخش ها عبارتند از: خودآزمایی بهره هوشی (I.Q)، هوش، اندازه گیری و معنای آن، تنوع، استعداد و هوش و هوش بهر رایانه ای. گفتنی است پرسش های کتاب با تصاویر و اشکال گوناگون همراه است.

۳۱- قدرت فکر: پژوهشی در زمینه بازسازی نیروی اندیشه، اراده، تلقین.

ژوزف مورفی، مترجم: هوشیار رزم آرم. - تهران: سپنج. - ۳۶۸ ص. - رقی (شمیز). - ۱۹۰۰۰ ریال. - چاپ بیستم / ۴۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۶۷۴۹-۰۳-۸

۳۲- نظریه و کاربرد آزمون های هوش و شخصیت.

حسن پاشاشریفی. - تهران: سخن. - ۵۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۲۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۲۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۵۹۸۳-۱۲-۶

روانشناسی ناخودآگاه و دگرگونی حالت ضمیر

۳۳- هیپنوتیزم بالینی درمان اختلالات اضطرابی و هیستری.

علی اکبر محمدزاده. - تبریز: درمانگر. - ۳۱۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۱۸۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۹۱۷۴-۰۲-۸

روانشناسی اقتراقی و روانشناسی رشد

۳۴- اختلالات رفتاری کودکان و روش های اصلاح و ترمیم آن.

مریم سیف نراقی، عزت الله نادری. - بذر.

۲۰۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ سوم / ۳۰۰۰ نسخه. عنوان به لاتین:

Children with behavioral disorders and ...
شابک: ۹۶۴-۵۷۲۹-۱۳-۰

چاپ اول

۳۵- بلوغ و نوجوانی: راهنمای معلم ویژه دوره راهنمایی تحصیلی.

محمدرضا شرفی، محرم آقازاده، منوچهر فضلی خانی. - تهران: منادی تربیت. - ۱۶۸ ص. - وزیری (شمیز). - ۴۵۶۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰۰ نسخه. شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۰۰-۷



'بلوغ و نوجوانی' کتابی است که طی شانزده فصل، ویژه معلمان دوره راهنمایی تحصیلی تدوین شده است. ذیل هر یک از فصول، این موارد ذکر شده است: عنوان درس یا فصل، هدف کلی، هدف های رفتاری و پرورشی، محتوا، روش تدریس، روش های پیشنهادی برای تدریس، گزارش اجرای درس مبتنی بر روش تدریس، راهنمای سنجش و یادگیری، و عملکرد دانش آموزان. عناوین پارای از فصل ها عبارتند از: 'بلوغ'، 'بلوغ و بهار'، 'رابطه ها'، 'آسیب شناسی بلوغ'، 'مشکلات درسی در دوره بلوغ'، 'مشکلات عاطفی دوره بلوغ'، 'مسایل جسمی مربوط به بلوغ'، 'مشکلات شخصیتی نوجوان'، 'مشکلات اجتماعی نوجوان' و رفتارهای دفاعی. این کتاب برای دروس پرورشی، براساس روان شناسی یادگیری مبتنی بر نظریه های شناختی و فراشناختی تدوین شده است. براساس این نظریه: نباید برای یادگیری دانش آموزان نسخه پیچید، بلکه شایسته است زمینه و ابزارهای یادگیری خود را بیابند و بر مبنای آن راه کارهای مناسب را برای یادگیری برگزیده و در فرایند یادگیری مشارکت نمایند.



نفس، وظایف پدر و مادری، و غلبه بر موانع فراهم آمده است. این داستان‌ها به منظور تلطیف و تقویت روحیه مخاطب تدوین شده است.

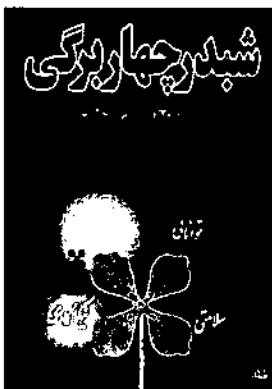
چاپ اول

۴۸- ششدر چهاربرگی در جستجوی خوشبختی: غلامعلی سبحانی، - تهران: هم قلم، - ۲۹۸ ص، - وزیری (شمیز)، - ۱۰۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Le trefle quadrifolite
۹۶۴-۷۲۸۶-۰۱-۵

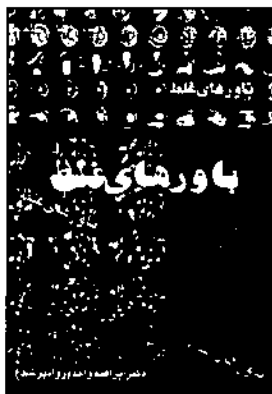
شابک:



مؤلف در این نوشتار از عوامل مادی و معنوی خوشبختی و سعادت انسان سخن گفته پارهای از خصایل و صفات ناپسند آدمی را که مانع سعادت و خوشبختی است برشمرده است. وی در پایان رهنمودهایی برای درمان این صفات ناپسند ذکر کرده است: ارکان چهارگانه خوشبختی، سلامت روح و فکر، توس از پیری و علاج آن، عقل و علم، امنیت و آرامش، غبطه و حسد، درمان رذائل نفسانی و مهربانی و عطوفت از موضوعات کتاب به شمار می‌روند.

چاپ اول

۴۹- غذای روح برای افراد شکست‌ناپذیر: جک کنفیلد، مارک ویکتور هنسن، هیت



نگارنده در این کتاب برخی باورها و اعتقادات عامیانه مردم را که اصولاً در قالب مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها عنوان می‌شود، نقد و بررسی کرده گاه نادرستی آنها را خاطر نشان می‌کند و مضامین اخلاقی پارهای از این باورها را ناپسند می‌شمارد؛ باورهای نظیر: کلوخ‌انداز را باداش سنگ است، یا هر کس مطابق خودش باید رفتار کرد، درد دل بکن سبک می‌شوی، دروغ مصلحتی اشکال ندارد، عاقبت گرگ زاده گرگ می‌شود و اخیر فی مابقی.

۵۰- خویش‌شناسی: بله، نگوئید وقتی می‌خواهید نه، بگوئید.

هربرت فسترهایم، جین بیرمترجم: محمدرضا طیب‌زاده، - تهران: نامک، - ۳۰۴ ص، - رقصی (شمیز)، - ۱۲۸۰۰ ریال، - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۹۵-۰۴-۲

۵۱- روان‌شناسی کار: حمزه گنجی، - تهران: آرسباران، - ۲۸۸ ص، - وزیری (شمیز)، - ۱۵۰۰۰ ریال، - چاپ سوم / ۲۲۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۰۵۱۰-۷-۲

چاپ اول

۵۲- سوپ جوجه برای روح: ۵۱ داستان کوتاه برای تلطیف و تقویت روحیه.

جک کنفیلد، مارک ویکتور هنسن، مترجم: علی اکبر راستکار محمودزاده، - تبریز: فروغ آزادی، ۱۹۲ ص، - جلد اول، - رقصی (شمیز)، - ۷۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Chicken soup for the soul:
...
۹۶۴-۹۰۰۷۰-۸-۳

شابک:

در مجموعه حاضر، پنجاه و یک داستان کوتاه با مضامینی چون: عشق، احترام به

کودکان و نوجوانان اشاره می‌کند، سپس ضمن تحلیل برخی دیدگاه‌های مربوط به این مقوله، نقاط ضعف و قوت آنها را بررسی و ارزیابی می‌کند. وی همچنین با استناد به عوامل اجتماعی و روان-شناسی ناسازگاری کودکان، راه کارها و پیشنهادهایی در این خصوص به دست می‌دهد. به‌زعم مؤلف، نقش اولیا و مربیان تنها منحصر به ارائه رفتاری همدلانه و امنیت بخش نیست، بلکه وی رویکردی را توصیه می‌کند که کودک را به تشخیص و پذیرش مسئولیت رفتار و حالات نامتادل خود و تلاش برای اصلاح رفتار خویش تشویق نماید. این کتاب برای مربیان، معلمان و والدینی که کودکان ناسازگار دارند تدوین شده است.

چاپ اول

۵۳- نظریه‌های شخصیت: دوان شولتز، سیدنی آلن شولتز، مترجم: یحیی سیدمحمدی، - تهران: ویرایش، - ۶۲۰ ص، - وزیری (شمیز)، - ۳۰۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
Theories of personality
۹۶۴-۶۱۸۲-۲۴-۲

شابک:

۵۴- نقاشی کودکان و مفاهیم آن: آنالوئیوریو فراری، مترجم: عبدالرضا صرافان‌نویزاستار: نعمت ناظری، - تهران: داستان، - ۱۹۶ ص، - رقصی (شمیز)، - ۱۱۰۰۰ ریال، - چاپ هفتم / ۲۳۳۲ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۵۵۵-۰۱-۲

روانشناسی عملی

۱۵۸

۵۵- از دولت عشق: کاترین پاندر، مترجم: گیتی خوشدل، - تهران: روشنگران و مطالعات زنان، - ۱۱۲ ص، - رقصی (شمیز)، - ۶۰۰۰ ریال، - چاپ هجدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
The prospering power of love
۹۶۴-۵۵۱۲-۰۸-۵

شابک:

چاپ اول

۵۶- باورهای غلط: ابراهیم واحد، - تهران: گفتار، - ۸۰ ص، - رقصی (شمیز)، - ۸۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۸۹۴-۳۶-۳

در کتاب حاضر، برخی روش‌ها و الگوهای تربیت مذهبی کودکان طی هفت فصل بیان شده است. نگارنده ضمن بررسی پارهای از ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان و جوانان رهنمودهایی در این باب فراهم آورده است. تربیت دینی، اعتماد به نفس، عزت نفس، شاد بودن، دوست‌یابی، مقابله با اعتیاد و روابط دختر و پسر عناوین اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند.

۵۷- روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک) (با تجدیدنظر کلی و اضافات): حسن احدی، شکوه‌السادات بنی‌جمالی، - تهران: پردیس، - ۲۸۰ ص، - وزیری (شمیز)، - ۱۴۰۰۰ ریال، - چاپ دوازدهم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۳۳۳-۰۰۰-۱

۵۸- مقدمه‌ای بر: روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنائی: غلامعلی افروز، - تهران: دانشگاه تهران، - موسسه چاپ و انتشارات، - ۲۷۲ ص، - وزیری (شمیز)، - ۹۵۰۰۰ ریال، - چاپ هجدهم / ۳۰۰۰ نسخه.

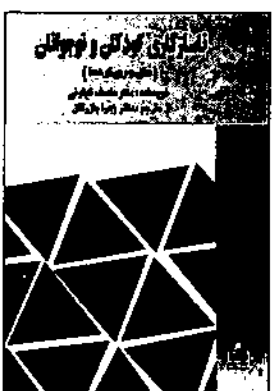
شابک: ۹۶۴-۰۳-۴۰۷۷-۲

چاپ اول

۵۹- ناسازگاری کودکان و نوجوانان (علل و رویکردها): منصور گیتونی، مترجم: زهرا بازرگان، نویزاستار: جعفر جوان‌بخت‌لول، - تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، - ۱۵۸ ص، - رقصی (شمیز)، - ۶۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
Les punis de la societe
۹۶۴-۳۵۱۰-۳۳-۷

شابک:



در کتاب حاضر، نگارنده با تأکید بر تجارب خویش در مدارس کشور فرانسه نخست به علل و منشأ ناسازگاری

۶۰- پرورش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان: ماندانا سلحشور، - تهران: واژه آرا، - ۱۳۸ ص، - رقصی (شمیز)، - ۸۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۳۹۸-۳۸-۸

چاپ اول



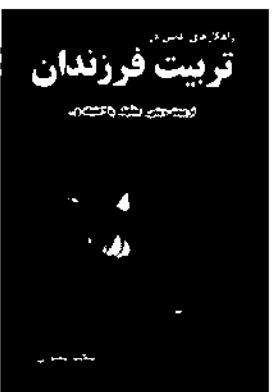
مطالب این کتاب در چهار فصل سامان یافته است. در فصل نخست از کارکرد خانواده در زمینه ایجاد وابستگی، اعتمادسازی و رفع نیازهای کودکان خردسال سخن به میان آمده است. فنون ایجاد ارتباط سالم و سازنده بین والدین و فرزندان موضوع فصل دوم کتاب است. در فصل سوم آموزه‌هایی در زمینه بهبود روابط اجتماعی کودکان و نوجوانان به دست داده شده و در فصل پایانی با استناد به یافته‌های روان‌شناسی رهنمودهایی برای دستیابی به اعتماد به نفس ارائه شده است.

چاپ اول

۶۱- راهکارهای عملی در تربیت فرزندان: سبکینه منصوری، - تهران: نیک خرد، - ۵۰ ص، - رقصی (شمیز)، - ۳۰۰۰ ریال، - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:
To educate your children
۹۶۴-۹۲۵۳۶-۸-۸

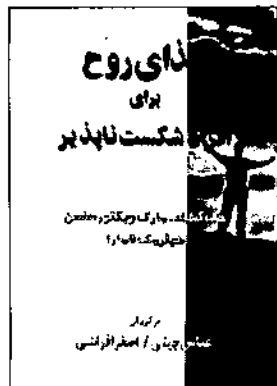
شابک:



مک نامارا مترجم: عباس چینی، اصغر افراشی - تهران: البرز - ۳۹۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۱۹۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Chicken soup for the unsinkable soul ...

شابک: ۹۶۴-۳۳۲-۲۷۲-۲



در کتاب حاضر برخی اصول و روش‌های برقراری ارتباط متقابل با مردم، راه و رسم زندگی کردن و اعتقاد به میدا هستی، از منظر علم روان‌شناسی بررسی و تبیین می‌شود. مخاطبان کتاب را با این موضوعات مطالعه می‌کنند: آماده برای مبارزه با مشکلات، زیستن با رویا و مایوس نشدن، آسرا موقیقت، نیروی محبت در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، فروتنی و شجاعت داشتن، تصمیم‌گیری، آداب معاشرت و نحوه محبت کردن به دیگران و ایمان و عزت نفس داشته باشید.

چاپ اول

۵۰ قدرت ما زنان: خردمندی‌ها و راهبردهای موفق‌ترین زنان جهان: از مجموعه رموز موقیقت. گردآورنده: هلن لرنراینز؛ مترجم: بیژن محمد(البیایی). - تهران: نسل نو اندیش، ۱۳۲ ص. - رقمی (شمیز) - ۸۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Our power as women: the wisdom and strategie of ...
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۳-۷۱-۲

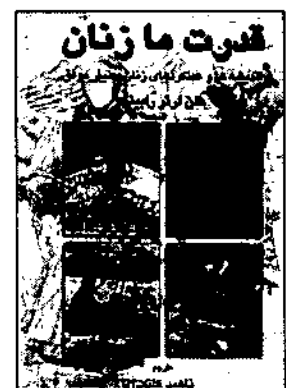


مجموعه حاضر در برگزیده مقالات و گفت و گوهایی است درباره عواملی که مانع ظهور قدرت زنان بوده و این که چگونه زنان می‌توانند به درستی و به شکل کامل منابع قدرتی درون خود را شناسایی نمایند. بخش نخست کتاب تعریفی است از قدرت. در بخش دوم به موانع درونی و بیرونی قدرت اشاره شده است. بخش سوم اختصاص دارد به این که زنان چگونه می‌توانند اهداف و برنامه‌های دراز مدتی برای رشد شخصی و حرفه‌ای خود طرح‌ریزی نمایند. در بخش پایانی رهنمودهایی در خصوص ائتلاف زنان برای کسب موقیقت در زمینه‌های مختلف به دست داده شده است.

چاپ اول

۱۰ قدرت ما زنان: اندیشه‌ها و عملکردهای زنان بسیار موفق. گردآورنده: هلن لرنراینز؛ مترجم: ناهید کاتبی. - تهران: گفتان - ۱۲۰ ص. - رقمی (شمیز) - ۵۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

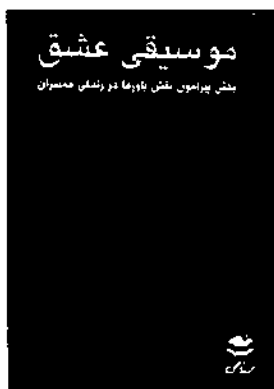
Our power as women: the wisdom and strategie of ...
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۲-۵۲-۵



قدرت ما زنان شامل مجموعه سخنان و مطالبی است از زنانی که عهده‌دار مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. در این مطالب اساسا با دیدگاهی اجتماعی و روان‌شناختی، نقش زنان در حوزه‌های مختلف بررسی و تبیین شده است. قدرت سیاسی و اقتصادی زنان، ترس و هیجان، روند ایجاد تعادل بین کار و خانواده، جنگ-جویان زن، مربیان زن، چگونه قدرت، خلاقه و استعداد خویش را کشف کنیم، و عوامل فزاینده قدرت از جمله عناوین فصل‌های کتاب را تشکیل می‌دهند.

۵۲ موسیقی عشق: بحثی پیرامون نقش باورها در زندگی همسران. مهین قلی پور. - تهران: ستایش - ۱۲۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۳۵۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۹۱۳-۱۰-۵

چاپ اول



موسیقی عشق به مباحثی درباره روابط زناشویی، و نقش باورها در زندگی همسران اختصاص دارد که طی آن، مؤلف توصیه‌هایی برای کاهش مشکلات خانوادگی فراهم آورده است. عناوین برخی از فصل‌ها عبارت‌اند از: مسئولیت کارهایتان را خود به عهده بگیرید، چگونه اعتماد به نفس خود را افزایش دهیم، روح خود را پاکیزه کنید، برای اصلاح روابط چه باید کرد؟، با دیدگاه‌های همسران چگونه برخورد کنیم؟ و در حضور دیگران با همسر خود چه رفتاری دارید؟.

چاپ اول

۵۳ موقیقت در گرو انسانیت. و. پیرهابی. - تهران: گفتان - ۷۴ ص. - رقمی (شمیز) - ۶۰۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۸۸۴-۵۱-۷



نگارنده در این نوشتار ابتدا ویژگی‌های اخلاقی انسانی را - که خواسته درونی هر

فرد است - مطرح می‌سازد؛ سپس به عواملی اشاره می‌کند که باعث به وجود آوردن یا تضعیف آن می‌شود. ابعاد مختلف زندگی انسان، اخلاق و تربیت لازمه انسانیت، شرح صفات و فضایل و ردایب اخلاقی، ردایب اخلاقی و عوارض ناشی از آن، تصویری از شخصیت سالم، خصوصیات انسان‌های موفق، و چگونگی دوست داشتن دیگران، عناوین برخی از مطالب کتاب را تشکیل می‌دهند.

چاپ اول

۵۴ موقیقت فردی در یک هفته. جان اوکیف؛ مترجم: علیرضا اسکندری؛ ویراستار: احمد بهرامپوراشتیانی. - تهران: نسل نو اندیش - ۱۲۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۷۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۶۷۱۳-۸۶-۲



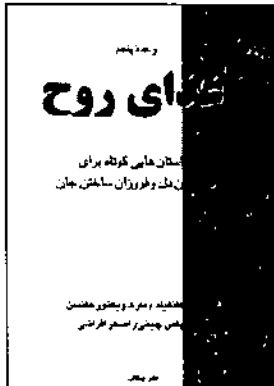
نگارنده در ابتدای کتاب سعی دارد معنی و مفهوم موقیقت را شرح و تبیین نماید. وی سپس رهنمودهایی را در زمینه مشخص نمودن اهداف و خواسته‌ها به دست می‌دهد و در پایان توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان از طریق مدیریت زمان، مدیریت خود و دیگران به خواسته‌ها و اهداف مورد نظر دست یافت.

چاپ اول

۵۵ وعده پنجم غذای روح: داستان‌هایی کوتاه برای گشودن دلو فروزان ساختن جان.

جک کفیل، مارکو بیکتور هنسن؛ مترجم: عباس چینی، شهلا ارزنگ؛ ویراستار: اصغر اندودی. - تهران: پیکان - ۲۹۶ ص. - رقمی (شمیز) - ۲۰۵۰۰ ریال - چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Chicken soup for the soul
شابک: ۹۶۴-۳۳۸-۱۰-۵-۱



وعده پنجم غذای روح مشتمل بر سخنان، حکایات و داستان‌های کوتاهی از اندیشمندان جهان است که درباره زندگی معنوی، عشق، دوستی و خانواده بیان شده است. مطالب یاد شده طی هفت فصل سامان یافته که عبارت‌اند از: محبت، در باب پدر و مادر و پدر و مادری کردن برای فرزندان، در باب دادن و یا گرفتن هدایا، در باب مرگ، مردن و زندگی پس از مرگ، نگرش مردم نسبت به یک دیگر، راه‌ها و روش‌های چیره شدن بر موانع و سختی‌های زندگی و داشتن خرد و علم بی‌کران.

منطق

۱۶۰

۵۶ رساله‌های منطقی - فلسفی. لودویگ ویتگنشتاین؛ مترجم: شمس‌الدین ادیب‌سلطانی. - تهران: امیر کبیر - ۲۲۶ ص. - ویزی (شمیز) - ۱۰۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:

Logicch - philosophische abhandlung
شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۶۱۰-۶

اخلاق

۱۲۰

۵۷ اندرزهای کوچک زندگی. جکسن براون؛ مترجم: شبنم خوشبخت؛ ویراستار: رعنا باباخانلو. - تهران: کتاب آوند دانش - جلد اول - رقمی (شمیز) - ۱۲۰۰۰ ریال - چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.
شابک: ۹۶۴-۹۱۱۰۸-۱-۱

چاپ اول

۵۸ سپیده‌دمان. فریدریش نیچه؛ مترجم: علی عبداللهی. - تهران: جامی - ۲۲۴ ص. - ویزی (کالیپتور) - ۲۴۰۰۰ ریال - چاپ اول /

۴۰۰۰ نسخه

عنوان به لاتین:

Morgenrote: gedanken
über die moralischen
vorurteile

۹۶۴-۵۶۲۰-۸۲-۱

شابک:



سپیده دمان کتابی است که فردریش ویلهلم نیچه (۱۸۴۴ - ۱۹۰۰) در سن ۳۷ سالگی آن را به رشته تحریر درآورد. این کتاب که محصول دوره دوم آفرینش فلسفی نیچه است مباحث آن پیرامون دو مسئله روان‌شناختی تدوین شده است: نخست مسئله «هراس» و دوم «قدرت». وی در این کتاب با ناسی از «شوپنهاور» و «سورن کرکه گور» و «داروین» مباحثی در خصوص اراده، تکامل هستی و رد مسیحیت رسمی بازگو کرده است: همچنین از اخلاق، پیش داری، آزادی و عقلانیت سخن رانده است. متن کتاب شامل ۵۷۵ پاراگراف کوتاه است که با یادداشت‌هایی از مترجم، فرهنگ واژگان، نمایه و فهرست منابع همراه است.

فلسفه شرق

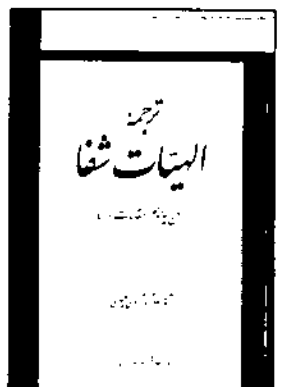
۱۸۱

چاپ اول

۵۹- ترجمه الهیات شفا (فن
سینزدهم، مقالات ۱-۴).

حسین بن عبدالله ابن سینا مترجم: محمد
محمدی گیلانی. - قم: حوزه علمیه قم،
دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات. -
۲۳۲ ص. - وزیری (گالینگور). - ۱۰۰۰۰
ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۸۷۲-۴



در این نوشتار، ترجمه چهار مقاله از ده
مقاله «الهیات شفا» ذیل این مباحث
فراهم آمده است: فلسفه اولی، واجب-
الوجود، ممکن‌الوجود، حق و صدق،
جوهر، واحد و کثیر، عرضیات، حدوث،
قوه و فعل، تام و ناقص و نظایر آن.
گفتنی است کتاب «شفا» تالیف ابن سینا
از آثار برجسته علوم عقلی است که طی
هزار سال همواره مورد توجه محققان و
دانشمندان بوده است.

چاپ اول

۶۰- ترجمه الهیات شفا (فن
سینزدهم، مقالات ۱-۴).

حسین بن عبدالله ابن سینا مترجم:
محمد محمدی. - تهران: حوزه علمیه
قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز
انتشارات. - ۲۳۲ ص. - وزیری (شمیز).
- ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۵۰۰
نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۲۴-۸۷۲-۴

چاپ اول

۶۱- تکنیک ماهایوگا (بررسی
برای یافتن خویش): مستقیم-
ترین و نهایی‌ترین راه برای
رسیدن به روشن‌بینی.

نارایانا آیرامترجم: پروین بیات. - تهران:
نسل نو اندیش. - ۱۵۸ ص. - رقی
(شمیز). - ۹۰۰۰ ریال. - چاپ اول /
۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۱۳-۴۹-۸



تکنیک ماهایوگا مشتمل بر مجموعه
تعلیمات و آموزه‌های «نری رامانا»
ماهاریشی است که عمدتاً برای شناخت
خویشتن یا تاکید بر سکوت و سکون، و
در دو بخش تدوین شده است.

چاپ اول

۶۲- رنج بی‌پایان (جستارهایی
در فلسفه و عرفان).

عباس حسینی قائم مقامی. - تهران: امیر

کبیر. - ۲۳۴ ص. - وزیری (گالینگور). -
۲۱۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۱۵۰۰
نسخه.

شابک: ۹۶۴-۰۰۰-۶۶۸-۸



شش رساله از عباس قائم مقامی (۱۳۳۳
ق) یا این عناوین در کتاب به طبع رسیده
است: «رنج بی‌پایان» (در این رساله به
طور تطبیقی نظریه ملاصدرا و ابن عربی
را در باب جاودانگی جهنم و عذاب
بررسی شده است)، «فلسفه و سیاست»
(در این رساله نگارنده ضمن بیان ماهیت
و کارکرد فلسفه، به نقاط اتفاق و افتراق
آن با سیاست اشاره می‌کند)، «آشنایی با
چند بحث فلسفی» (مجموعه گفتارهایی
است که در سال‌های ۶۶ و ۶۷ در باب
مسائل فلسفی ایراد شده است)، «گزارش
از چند نظریه فلسفی در آرای حکیم
لاهیجی»، «گفتری بر اندیشه و روش
کلامی شیخ مفید (ره)» و «رساله مزاج
المومنین».

۶۳- صدرالدین شیرازی ملاصدرا
فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی.

هانری کورین مترجم: ذبیح‌الله منصوری.
- تهران: دنیای دانش. - ۳۸۶ ص. -
وزیری (گالینگور). - ۲۵۰۰۰ ریال. -
چاپ دوم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۷۱۸-۱۰-۸

۶۴- فلسفه و آموزش یوگا.

صمد ولیزاده. - تهران: نشاء. - ۲۰۶ ص.
- وزیری (شمیز). - ۱۰۰۰۰ ریال. - چاپ
سوم / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۶۹۷۲-۰۲-۰

۶۵- کشف المراد شرح تخرید
الاعتقاد.

محمد بن محمد نصیرالدین طوسی شارح:
حسن بن یوسف علامه حلی. - تهران:
کتابفروشی اسلامی. - ۶۰۶ ص. -
وزیری (گالینگور). - ۲۳۰۰۰ ریال. -
چاپ نهم / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۴۸۱-۱۱۲-۷

۶۶- ماجرای فکر فلسفی در
جهان اسلام.

غلامحسین ابراهیمی دینانی، ویراستار:
محمد سیدخلایقی. - تهران: طرح نو. -
۴۵۲ ص. - جلد دوم. - رقی (گالینگور).
- ۲۹۰۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۳۳۰۰
نسخه.

عنوان به لاتین:

The adventure of
philosophical thought in
the muslim...
۹۶۴-۵۶۲۵-۳۹-۴

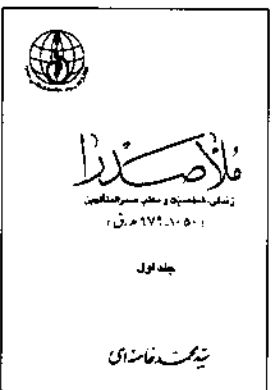
شابک:

چاپ اول

۶۷- ملاصدرا: زندگی، شخصیت
و مکتب صدرالمطالین.

محمد خامنه‌ای. - تهران: بنیاد حکمت
اسلامی صدر. - ۴۴۸ ص. - جلد اول. -
وزیری (گالینگور). - ۳۲۵۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۹۲۳۴۴-۶-۷



در کتاب حاضر، ضمن مروری بر دوران
کودکی و شخصیت ملاصدرا (۹۷۹ -
۱۰۵۰ ق)، اندیشه‌ها و آرای فلسفی وی
بازگو شده است. علاوه بر آن، در این
کتاب مقایسه‌ای بین فلسفه ملاصدرا با
سایر فلاسفه اسلامی همچون: میرداماد،
شیخ بهاء، میرفندرسکی و فیض کاشانی
صورت گرفته است. عناوین برخی از
فصل‌های کتاب عبارتند از: «فلسفه و
کارکرد تربیتی و اجتماعی آن»، «زندگی
صدر»، «صدر در نوجوانی»، «هجرت از
شیراز»، «دوران تحصیل»، «فلسفه
میرداماد»، «حدوث دهری»، «اصالت
ماهیت» و «صدر و آغاز شکوفایی» در
پایان کتاب، فهرست اسامی، کتب و
رسایل، اماکن، گروه‌ها و قبایل به چاپ
رسیده است.

چاپ اول

۶۸- یوگا (مجموعه مقالات).
کارل گوستاو یونگ مترجم: جلال
ستاری. - تهران: میترا. - ۱۰۲ ص. -

رقمی (شمیز). - ۷۰۰۰ ریال. - چاپ اول
/ ۲۰۰۰ نسخه.
عنوان به لاتین:
Jung yoga (aricles)
۹۶۴-۵۹۹۸-۵۹-X

شابک:



کتاب، مشتمل بر چهار مقاله از «کارل
گوستاو یونگ (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م) است
که با دیدگاه فلسفی و روان‌شناسی به
بررسی و نقد ورزش «یوگا» اختصاص
دارد. پیش از مقالات، یادداشتی از
مترجم و مصاحبه «میرچا الیاده» با یونگ
در سال ۱۹۵۲ به چاپ رسیده است.
عناوین مقالات عبارتند از: «در باب
روان‌شناسی مراقبه شرقی»، «یوگا و
منرب زمین»، «شرح‌هایی بر کونتاوینی
یوگا» و «ماندالا».

فلسفه معاصر غرب
۱۹۰

چاپ اول

۶۹- فلسفه (قدم اول).

دیو راینسون مترجم: امیر نصری نقاش:
جودی گراووز. - تهران: شیرازه. - ۱۷۶
ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. -
چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین:

Introducing philosophy
۹۶۴-۶۵۷۸-۵۹-۴

شابک:



نوشتر حاضر یکی از کتاب‌های مجموعه
«قدم اول» است که با هدف آشنایی

مخاطبان با مقولاتی چند در باب فلسفه و تاریخ فلاسفه غرب از «هراکلیت» تا «دریدا» منتشر شده است. در این کتاب سعی بر آن است که مفاهیم، اندیشه‌های کلیدی و دیدگاه‌های روشنگرانه یا بعضاً گمراه کننده این فلاسفه بررسی شود. «فلسفه چیست؟» دین سالاری، پرسش‌های اصلی ملطیان، «هراکلیتوس» و «عالم» در حال حرکت، «پارمنیدس»، «امپدوکلس» و چهار عنصر، «اتمیان»، «آشنایی با سقراط»، «تسبی گرای» فرهنگی، «پروتوگوراس سوفیست»، «آفلاطون و فیلسوف شاه»، و «تئوریه فطری گرای» از جمله عناوین این کتاب هستند.

چاپ اول

۷۰- فلسفه اروپایی در عصر نو. جنی تایشمن، گراهام وایت مترجم: محمدسعید خانی کاشانی. - تهران: نشر مرکز. - ۲۷۶ ص. - رقی (شمیز). - ۲۳۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: An introduction to modern european philosophy شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۵۶۴-۴



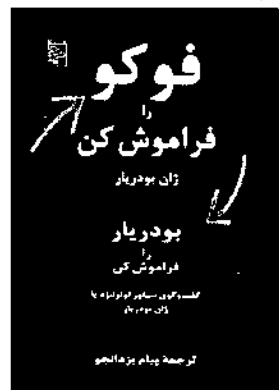
مباحث این کتاب منعکس کننده پویایی و کثرتی است که طی ۳۰۰ سال گذشته در فلسفه اروپایی ظاهر شد و تأثیراتی عمده در حیات اجتماعی و سیاسی اروپائیان، و دیگر ملت‌های جهان برجای گذاشت. در این کتاب ضمن بررسی آرا و اندیشه‌های فلسفی اروپائیان، تفاوت‌های فلسفه آنکلو «بریتانیایی» و اروپایی تبیین می‌شود. مطالب کتاب در چند مقاله به قلم اندیشمندان مختلف تدوین شده است. عناوین برخی از مقالات عبارت‌اند از: «گئورگ ویلهلم فریدریش هگل»/ «گراهام وایت»/ «آرتور شوپنهاور»/ جنی تایشمن: «سورن کی‌یر گگور»/ رابرت استرن: «کارل مارکس»/ گیل هووی: «فریدریش نیچه»/ جنی تایشمن: «آدموند هوسرل»/ گراهام وایت: «مارتین هایدگر»/ گراهام وایت: «ژان پل سارتر»/ جنی

تایشمن: «یورگن هابرماس»/ نیکلاس دیوی: «میشل فوکو»/ سایمن کریسمس.

چاپ اول

۷۱- فوکو را فراموش کن: بودریار را فراموش کن: گفت و گوی سیلور لوترانژه با ژان بودریار. ژان بودریار مترجم: پیام یزدانجو. - تهران: نشر مرکز. - ۱۱۴ ص. - رقی (شمیز). - ۷۵۰۰ ریال. - چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۵۶۴-۷



بودریار- این نوشتار را هنگامی فراهم آورده بود که «میشل فوکو» (۱۹۲۸ - ۱۹۸۴) در اوج شهرت بود و جهان اندیشه را به شدت متأثر از آرای خود ساخته بود. وی در این نوشته انتقادی بر مقولات محوری «قدرت» و «جنسیت» را نقد و ارزیابی می‌کند. این کتاب همراه با گفت و گوی «سیلور لوترانژه» با ژان بودریار به چاپ رسیده است. این گفت و گو مناظره‌ای است درباره تاریخ غرب، تاریخ و اسطوره جوامع سنتی و غربی، فروید و مارکس، تبارشناسی، مرگ، فرهنگ، رویداد اجتماعی، تام، سوء استفاده کنندگان جنسی از کودکان و مباحثی از این دست که عمدتاً به آرای فوکو نیز مربوط می‌شود.

فلسفه آلمان و اتریش

۷۲- فلسفه هیدگر. موریس کوروز مترجم: محمود نوالی. - تهران: حکمت. - ۲۷۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۵۰۰ ریال. - چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۵۶۱۶-۱۰-۷

چاپ اول

۷۳- هگل و اندیشه فلسفی در روسیه ۱۸۳۰ - ۱۹۱۷. گی پلانسی-پونزور مترجم: محمدجعفر

پوینده. - تهران: نشر نی. - ۴۰۸ ص. - رقی (شمیز). - ۲۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه.

عنوان به لاتین: Hegel et la pensee philosophique en russie شابک: ۹۶۴-۳۱۲-۵۲۵-۹



در نوشتار حاضر به طور مفصل مقوله تأثیرپذیری متفکران روس از فلسفه هگلی در قرن نوزدهم، به بحث گذاشته می‌شود. متفکران روس از همان اوایل قرن نوزدهم پیش از هر فلسفه دیگری، تحت تأثیر فلسفه آلمانی بودند، اما آشنایی آنها با هگل جهت کاملاً تازه‌ای به نگرش‌های اجتماعی و سیاسی و حتی ادبی آنها داد، و توجیه تازه‌ای برای فعالیت‌های رادیکال - انقلابی در اختیارشان گذاشت. البته در این میان عده‌ای از فیلسوفان اجتماعی و سیاسی و حتی منتقدان ادبی به مخالفت با اندیشه‌های هگلی برخاستند. به هر صورت، ردیابی اندیشه هگل در جریان تحولات فکری - سیاسی - اجتماعی قرن نوزدهم در روسیه که سرانجام به انقلاب بلشویکی منتهی شد، پرتوی تازه بر همه این تحولات می‌افکند. نگارنده ضمن بیان تأثیر فلسفه هگلی در فرآیندهای یاد شده، این مباحث را مطرح می‌نماید: «چایگاه هگل در مجادله میان غرب‌گرایان و اسلام‌پرستان» (اشاعه آیین هگل، از آشتی تا طغیان: بلینسکی، باکوئین: آشتی ناپذیری اسلام‌پرستی با آیین هگل، هگل‌گرایی سنجیده هرتسن) و «هگل‌گرایی در دوره خیزش انقلابی» (طبیعی ساختن دیالکتیک، هگل ستنیزی و هگل‌گرایی نوین فیلسوفان روح‌پرست، دوستان ماتریالیست دیالکتیک هگلی). نگارنده، نتیجه مباحث خود را چنین بیان می‌کند: «طی تقریباً یک سده، فلسفه هگل بر اندیشه روس تأثیر گذارده است. آشنایی با هگل مسلماً به روس‌های قرن ۱۹ کمک بسیاری کرده تا نگرش ژرف‌تری از خود و رابطه‌شان با غرب پیدا کنند و نهایتاً این که برخی گرایش‌های خود پرستانه، نیست انگار، آنارشیست یا

برعکس جمع‌گرایی بسیار نیرومند در روسیه آن زمان، مانع شدند که فلسفه سیاسی هگل، در تأثیرگذاری مناسب بر سرنوشت دولت روس کامیاب گردد.

فلسفه فرانسه

چاپ اول

۷۴- ایران: روح یک جهان بی-روح و ۹ گفتگوی دیگر. میشل فوکو مترجم: نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده. - تهران: نشر نی. - ۲۳۲ ص. - رقی (شمیز). - ۱۲۰۰۰ ریال. - چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه.

شابک: ۹۶۴-۳۱۲-۵۲۸-۳



کتاب حاضر شامل ده گفت و شنود با میشل فوکو (۱۹۲۶ - ۱۹۸۴ م) فیلسوف مشهور فرانسوی است که طی سال‌های مختلف انجام شده است. عناوین این گفت و شنودها بدین قرار است: «جس، روان پزشکی، زندان (۱۹۷۷)، ایران: روح یک جهان بی‌روح (۱۹۷۹)، «فیلسوف نقاب‌دار» (۱۹۸۰)، «خود کمینه-گرا» (۱۹۸۲)، «ساختارگرایی و پسا-ساختارگرایی» (۱۹۸۳)، «نظامی محدود در برابر تقاضایی نامحدود» (۱۹۸۳)، «موسیقی معاصر و مخاطبان» (۱۹۸۳)، «دغدغه حقیقت» (۱۹۸۴) و «بازگشت اخلاق» (۱۹۸۴). عنوان کتاب برگرفته از عنوان یکی از گفت و گوهای میشل فوکوست. گفتنی است وی در سال‌های انقلاب از ایران بازدید کرد و طی همین بازدید در مصاحبه‌ای به دفاع و تحلیل از انقلاب اسلامی پرداخت.

نمایه عنوان

اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن ۳۴ از دولت عشق ۴۳ اسرار تمرکز فکر: خودآموز کامل تمرکز فکر ۲۷ اسرار ذهنی ۵

افول امپراتوری فرویدی ۲۱ اندرزه‌های کوچک زندگی ۵۷ ایران: روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفتگوی دیگر ۷۴ باورهای غلط ۴۴ بزرگان فلسفه ۱ بلوغ و نوجوانی: راهنمای معلم ویژه دوره راهنمایی تحصیلی ۲۵ پرورش اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان ۳۶ تاریخ مابعدالطبیعه (به انضمام مقالات دیگر) ۳ ترجمه الهیات شفا (فن سیزدهم، مقالات ۱-۴) ۵۹ ترجمه الهیات شفا (فن سیزدهم، مقالات ۱-۴) ۶۰ تعبیر خواب ابن سیرین، امام جعفر صادق (ع) - دانیال پینمبر... با انضمام محرم-نامه، نوروزنامه، در بیان... ۱۵ تعبیر خواب کامل ۱۶ تقویت هوش و استعداد تحصیلی کودکان ۲۸ تکنیک ماهیوگا (بررسی برای یافتن خویش): مستقیم‌ترین و نهایی‌ترین راه برای رسیدن به روشن‌بینی ۶۱ چهره‌خوانی: کلیدی برای تشخیص هویت افراد ۲۰ خویش‌شناسی: «بله» نگویند وقتی می-خواهید «نه» بگویند ۴۵ در آغوش نور... ۶ ذهن و کنترل آن (چکیده تعلیمات فرزندان هند) ۲۹ راهکارهای عملی در تربیت فرزندان ۳۷ راهنمای عملی سنجش هوش ۳۰ رساله‌ای در بیان علم اجمالی و تفصیلی واجب تعالی ۴ رساله‌ی منطقی - فلسفی ۵۶ رنج بی‌پایان (جستارهایی در فلسفه و عرفان) ۶۲ روان‌شناسی عمومی ۲۲ روان‌شناسی عمومی (از نظریه تا کاربرد) ۲۳ روان‌شناسی کار ۳۶ روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک) (با تجدیدنظر کلی و اضافات) ۳۸ روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی ۲۴ سبدهدمان ۵۸ سوپ جوجه برای روح: ۵۱ داستان کوتاه برای لطیف و تقویت روحیه ۳۷ سیر حکمت در اروپا: به ضمیمه گفتار در روش نوشته رنه دکارت ۲ شبدر چهاربرگی در جستجوی خوشبختی ۴۸ صدرالدین شیرازی ملاصدرا فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی ۶۳ طالع‌بینی چینی ۷

طالع بینی زائنی	۸	ایزنک، هانس یورگن	۲۱	رخمانی، اشرف	۲۹	مهدوی دامغانی، فریده	۶	راشین: تهران	۲۹
طراحی نظم به شیوه فنگ شویی	۹	ابراهیمی دینانی، غلامحسین	۶۶	رزم آرم، هوشیار	۳۱	نادری، عزت‌الله	۳۴	روشنگران و مطالعات زنان: تهران	۳۳
عالم ارواح و اثبات آن از طریق علم		ابطحی، حسن	۱۱	زیاری، آزاده	۷	ناظری، نعمت	۴۲	سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم	
فیزیک	۱۰	ابن سینا، حسین بن عبدالله	۶۰	سبحانی، غلامعلی	۴۸	نصری، امیر	۶۹	انسانی دانشگاهها (سمت): تهران	۲۱
عالم عجیب ارواح	۱۱	ابن سینا، حسین بن عبدالله	۵۹	ستاری، جلال	۶۸	نصیرالدین طوسی، محمدن محمد	۶۵	سینج: تهران	۳۱
عشق و زناشویی	۲۶	احدی، حسن	۲۸	سرخوش، نیکو	۷۴	نعمت‌اللهی، مسرور	۲۸	ستایش: تهران	۵۲
غذای روح برای افراد شکست‌ناپذیر	۳۹	ادواردز، پل	۳	سلحشور، مانانا	۲۶	نعمی، محمدحسن	۱۲	سخن: تهران	۳۲
فال حافظ با معنی	۱۲	ادیب‌سلطانی، شمس‌الدین	۵۶	سویزیا، مراتو	۱۸-۱۷	نقشبندی، سیامک	۲۳	سما: تهران	۱۲
فرهنگ تعبیر خواب مصری	۱۸-۱۷	ارژنگ، شهلا	۵۵	سیدخلایق، محمد	۶۶	نوالی، محمود	۷۲	سی گل: تهران	۱۰
فلسفه (قدم اول)	۶۹	اسکندری، علیرضا	۵۳	سیدمحمدی، یحیی	۴۱	نیجه، فریدریش	۵۸	شیرازه: تهران	۶۹
فلسفه اروپایی در عصر نو	۷۰	اعلم، امیرجلال‌الدین	۲	سیف‌نراقی، مریم	۳۳	واحد، ابراهیم	۴۴	طرح نو: تهران	۶۶
فلسفه و آموزش یوگا	۶۴	افراشی، اصغر	۴۹	شرقی، محمدرضا	۲۵	والی، زهره	۱۴	فروغ: تهران	۱۶
فلسفه هیدگر	۷۲	افروز، غلامعلی	۲۹	شمس، قاسم	۲۳	وایت، گراهام	۷۰	فروغ آزادی: تبریز	۳۷
فوکو را فراموش کن: بودریار را فراموش		اکون، محمد	۳	شولتز، دیوان	۴۱	ورنوی، جودیت	۲۳	کتاب آوند دانش: تهران	۵۷
کن: گفت و گوی سیلور لوترانزه با ژان		اندرودی، اصغر	۵۵	شولتز، سیدنی‌الن	۴۱	ورنوی، مارک	۲۳	کتابفروشی اسلامیه: تهران	۶۵
بودریار	۷۱	اونائیکه، والتر	۲۵	شیرودی، شراره	۲۰	ولزاده، صمد	۶۴	گفتمان: تهران	۵۲-۵۱-۴۴
قدرت فکر: پژوهشی در زمینه بازسازی		اوکیف، جان	۵۳	صرافان، عبدالرضا	۲۲	ویتگنشتاین، لودویگ	۵۶	مناهی تربیت: تهران	۳۵
نیروی آندیشه، اراده، تلقین	۳۱	ایدی، بتی‌جین	۶	طارمی، کورش	۲۹	هافمن، کارل	۲۳	میترا: تهران	۶۸
قدرت ما زنان: خردمندی‌ها و راهبردهای		یاباخانو، رعنا	۵۷	طاهری، امیر	۵	هنسن، مارک ویکتور	۳۹-۳۷	نامک: تهران	۴۵
موفق‌ترین زنان جهان: از مجموعه رموز		بابایی، پرویز	۱۵	طیبه‌زاده، محمدرضا	۴۵	هنسن، مارک ویکتور	۵۵	نسل نواندیش: تهران ۵-۱۳-۵۰-۵۲-۶۱	
موفقیت	۵۱-۵۰	بازرگان، زهرا	۳۰	طیبه‌علیرضا	۲۵	یاماموتو، رتسا	۸	نسیم دانش: تهران	۲۰
کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد	۶۵	بحیرائی، پانته‌آ	۸	عبداللهی، علی	۵۸	یاوری، ندا	۱۵	نشاء: تهران	۶۴
کفیبینی: کینیت اسرار خطوط و اشکال		بحیرایی، هادی	۲۳	عظیم، رخشنده	۵	یزدان‌پناه، علی‌رضا	۳۰	نشر مرکز: تهران	۷۱-۷۰
کف دست از دید مشهورترین کف-		بخشایش، علیرضا	۲۲	علامه‌حلی، حسن بن یوسف	۶۵	یزدنجو، پیام	۷۱	نشر نی: تهران	۷۳-۷۲-۲۵
شناسان و ...	۱۲	بدرمای، فریدون	۱	علی‌قلی بن قرقچای خان	۴	یونگ، کارل گوستاو	۶۸	نمونه: تهران	۱۵
ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام	۶۶	براون، جکسن	۵۷	فراری، آناولیوریو	۳۲			نورالتقلین: تهران	۳
متن کامل تعبیر خواب محمدابن سیرین		بنی‌جمالی، شکوه‌السادات	۳۸	فرانتس، فون	۲۵			نیک خرد: تهران	۳۷
و دانیال بیغمبر (ص)	۱۹	بوداندا، سوامی	۲۹	فروغی، محمدعلی	۲			واژه آرا: تهران	۲۶-۲۶
مقدمه‌ای بر: روانشناسی و آموزش و		بودریار، ژان	۷۱	فضلی‌خانی، منوچهر	۲۵			ویرایش: تهران	۴۱-۲۴
پرورش کودکان استثنائی	۳۹	بهرامپورآشتیانی، احمد	۵۳	فنستراهیم، هربرت	۴۵			هم قلم: تهران	۲۸
ملاصدرا: زندگی، شخصیت و مکتب	۶۷	بیات، پروین	۶۱	فوکو، میشل	۷۴	ارسیاران: تهران	۲۶-۲۳		
صدرالمعالمین		بیان‌الحق، عطاالله	۱۰	قلی پور، مهین	۵۲	ازدهای طلایی: تهران	۱۸-۱۷		
موسیقی عشق: بحثی پیرامون نقش		بیر، جین	۴۵	کاتبی، ناهید	۵۱	اساطیر: تهران	۱۴		
باورها در زندگی همسران	۵۲	بازوکی، شهرام	۳	کریمی، یوسف	۲۱	اسرار دانش: تهران	۲۸		
موفقیت در گرو انسانیت	۵۳	پاشاشریفی، حسن	۳۲	کمانی فرد، سعیده	۲۱	افسون: تهران	۷		
موفقیت فردی در یک هفته	۵۴	پاندر، کاترین	۳۳	کنفیلد، جک	۳۷-۳۹-۵۵	البرز: تهران	۲-۲۹		
ناسازگاری کودکان و نوجوانان (علل و		پلاتی-بیوتور، گی	۷۳	کوربین، هانری	۶۳	امیر کبیر: تهران	۵۶-۶۲		
رویکردها)	۴۰	پوینده، محمدجفر	۷۳	کوروز، موریس	۷۲	انتشارات یزد: یزد	۲۲		
نظریه و کاربرد ازمنه‌های هوش و		پیرفابی، رن	۵۳	کوی، چی‌ان	۲۰	انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی			
شخصیت	۳۲	تایشمن، جنی	۷۰	کینگستون، کارن	۹	ایران: تهران	۳۰-۴۰		
نظریه‌های شخصیت	۴۱	تقلیسی، حبیب‌بن‌ابراهیم	۱۵-۱۶-۱۹	گراوز، جودی	۶۹	بنیاد حکمت اسلامی صدرا: تهران	۶۷		
نقاشی کودکان و مفاهیم آن	۳۲	تک‌سایه، فریبرز	۱۷-۱۸	گنجی، حمزه	۳۶	پردیس: تهران	۲۸		
وعده پنجم غذای روح: داستانهایی کوتاه		توماس، هنری	۱	گیوتی، منصف	۲۰	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات			
برای گشودن دل و فروزان ساختن جان	۵۵	جوان‌بخش‌اول، جعفر	۴۰	لاهیجی، کاظم	۱۲	فرهنگی: تهران	۳		
		جهانپنده، افشین	۷۴	لرنررابینز، هلن	۵۰-۵۱	پیکان: تهران	۹-۵۵		
هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری	۱۴	چینی، عباس	۴۹-۵۵	لوتیس، ماری	۲۵	تیر: اهواز	۶		
هگل و اندیشه فلسفی در روسیه	۱۸۲۰	حافظ، شمس‌الدین محمد	۱۲	مانزرت، آلفرد	۳۰	چاچرمی: تهران	۸		
۱۹۱۷ -	۷۳	حسینی قائم‌مقامی، عباس	۶۲	محمد(آیلیایی)، بیژن	۵۰	جامی: تهران	۵۸		
هینوتیزم بالینی درمان اختلالات		حنایی کاشانی، محمدسعید	۷۰	محمدزاده، علی اکبر	۲۷	حافظ: قم	۱۱		
اضطرابی و هیستری	۳۳	خامنه‌ای، محمد	۶۷	محمدزاده، علی اکبر	۳۳	حکمت: تهران	۷۲		
یوگا (مجموعه مقالات)	۶۸	خوشبخت، شبنم	۵۷	محمدی گیلانی، محمد	۵۹	حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی،			
یونگ و سیاست: اندیشه‌های سیاسی و		خوشدل، گیتی	۳۴-۹	محمدی، محمد	۶۰	مرکز انتشارات: قم	۵۹-۶۰		
اجتماعی کارل گوستاو یونگ	۲۵	دلور، علی	۲۴	مک نامارا، هیت	۳۹	دانشگاه تهران، موسسه چاپ و انتشارات:			
		دلسول، پانولا	۷	منصوری، ذبیح‌الله	۶۳	تهران	۳۹		
نمایه پدیدآور		ذنوبی، وحید	۸	منصوری، سکینه	۳۷	درمانگر: تهران	۲۷-۲۳		
		رایسنسون، دیو	۶۹	مورفی، ژوزف	۳۱	درنا: تهران	۱۹		
آغاز، محرم	۲۵	راستکار محمودزاده، علی اکبر	۴۷	موسسه تایم لایف بوکس	۵	دستان: تهران	۴۲		
آیر، نارایانا	۶۱	رامز، رضا	۱۸-۱۷	موسوی کایان، فرزانه	۲۶	دنیای دانش: تهران	۶۳		

نمایه ناشر